

ارمنغان اسلام

از سلسله منشورات نجفی

ص ۶۳۶

۱۹۵۰ء

مطبع کمپنی

محمد حسن نجفی ... فارسی

MAAB 1431

maablib.org

سماۃ ۱۸ پیس بیلڈنگ

پست شماره ۳



maablib.org

کتابخانه

امید وارم در این هدیه
این کتاب منظوم از حضرت
سید محمد باقر و مراد عارف از موسی
۲۹

۱۶۶۴
۱۶۶۵
۱۶۶۶
۱۶۶۷
۱۶۶۸
۱۶۶۹
۱۶۷۰
۱۶۷۱
۱۶۷۲
۱۶۷۳
۱۶۷۴
۱۶۷۵
۱۶۷۶
۱۶۷۷
۱۶۷۸
۱۶۷۹
۱۶۸۰
۱۶۸۱
۱۶۸۲
۱۶۸۳
۱۶۸۴
۱۶۸۵
۱۶۸۶
۱۶۸۷
۱۶۸۸
۱۶۸۹
۱۶۹۰
۱۶۹۱
۱۶۹۲
۱۶۹۳
۱۶۹۴
۱۶۹۵
۱۶۹۶
۱۶۹۷
۱۶۹۸
۱۶۹۹
۱۷۰۰

از معانی اسلام

کتابیت پاکیزه شتمل بر قسمتی از احکام شریعت اسلام و فروع دین
و بیان برخی از نمازهای مستحبی و مختصری از مسائل و زیارات معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین و دعاهای مختلف و ترجمه برخی از آن و بیان
بعض مطالب مفیده و غیره که برای خدمت بهم کیشان تألیف گردید
امید وارم که برادران و خواهران دینی از آن بهره مند شوند
و بانیان خیر را از دعا فراموش ننمایند
انشاء الله تعالی

رشته شنبه دوم ربیع الاول ۱۳۳۷ هجری مطابق

۲۱ آذر ماه باستانی ۱۳۳۹ هجری شمسی

۱۲ دی سیمبر ۱۹۵۰ م در مبلج

شماره ۱۸ پرنسپس بیلدینگ پست شماره ۳

محمد حسن نجفی

فہرست ارمغان اسلام

صفحہ		صفحہ
۹	فضائل قرآن	۱
۱۲	اعتماد بنفس	۱
۱۳	عقیدہ صحیح و اثر آن در زندگی	د
۱۵	اصول اسلام	ط
۱۵	کلمہ شہادتین و ترجمہ آن	ل
۱۶	ضروری اسلام	م
۱۶	اصول ایمان	س
۱۶	اصول دین	ف
۱۷	معانی اصول پنجگانہ	ص
۱۷	صفات ثبوتیہ	ص
۱۸	صفات سلبیہ	ص
	در بیان تشریح باقی اصول دین	ق
۱۹	انبیاء	ق
۲۰	رسول	ق
۲۰	اولوالعزم و خاتم	س
۲۰	امامت	س
۲۱	چهارده محصوم	س
۲۱	شرط رسالت و امامت	۲
۲۲	اصحاب کساء	۳
۲۲	ولایت اہل بیت	۴
		۶
		آیہ الکرسی
		سورۃ یس
		سورۃ الرحمن
		سورۃ الواقعہ
		سورۃ الجمعہ
		سورۃ المنافقون
		سورۃ الملک
		سورۃ الاعلیٰ
		سورۃ الشمس
		سورۃ القدر
		سورۃ الزلزله
		سورۃ العادیات
		سورۃ الکافرون
		سورۃ النصر
		سورۃ التوحید
		سورۃ الفلق
		سورۃ النکس
		گفتاری چند
		دیباچہ ارمغان اسلام
		آداب اسلام

صفحه	صفحه
مختصری از حالات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه	تاریخ چهارده محصوم
۴۲	۲۳
یاد آوری	حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله
۴۵	۲۳
غیبت صغری	معجزات آنحضرت
۴۶	۲۴
نواب اربعه	کتابهای آسمانی
۴۶	۲۵
غیبت کبری	قرآن
۴۷	۲۵
ملاحظه	تاریخ قرآن
۴۸	۲۶
شیعه امامی اثنی عشری	حضرت فاطمه زهرا
۴۸	۲۶
تولید شیعه در اسلام	امم دوازده گانه
۴۸	۲۷
مذهب شیعه	تاریخ ولادت و وفات دوازده امام علیهم السلام
۵۰	۲۸
مذهب جعفری	اول حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
۵۱	۲۹
تقلید در شیعه	دوم حضرت امام حسن علیه السلام
۵۱	۳۰
تقلید مجتهد عادل	سوم حضرت امام حسین علیه السلام
۵۲	۳۱
عادل	چهارم حضرت امام زین العابدین علیه السلام
۵۲	۳۱
مُقتی	پنجم حضرت امام محمد باقر علیه السلام
۵۳	۳۲
مقلد	ششم حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام
۵۳	۳۳
مقلد	هفتم حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
۵۳	۳۴
تقلید	هشتم حضرت امام رضا علیه السلام
۵۳	۳۵
حقوق مجتهدین و علما	نهم حضرت امام محمد تقی علیه السلام
۵۴	۳۶
ضروری مذهب	دهم حضرت امام علی التقی علیه السلام
۵۴	۳۷
تقیه در اسلام	یازدهم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
۵۵	۳۸
ارشاد و هدایت	دوازدهم حضرت قائم علیه السلام
۵۶	۳۹
علامت بلوغ	امام غائب حضرت مهدی عجل الله فرجه و حیات وی
۵۸	

صفحه		صفحه
۷۵	در احکام طهارت سه گانه وضو، غسل، تیمم	احکام اسلام
۷۶	شرایط وضو	۵۹ واجب
۷۷	نواقض وضو	۵۹ حرام
۷۷	احکام جیره	۵۹ مستحب
	غسلهای واجب	۵۹ مکروه
۷۸	غسل جنابت	۵۹ مباح
۷۸	غسل میت	اقسام واجب
۷۸	غسل میت	۶۰ واجب عینی
۷۸	غسل حیض	۶۰ واجب کفائی
۷۹	غسل نفاس	۶۱ واجب تخییری
۷۹	غسل استحاضه اقسام و احکام استحاضه	۶۱ صحیح و باطل
۸۰	اقسام غسل و کیفیت آن	۶۱ عبادات
۸۱	غسلهای مستحبی	۶۲ معاملات
۸۲	در احکام تیمم	۶۲ پاکیزگی در اسلام
۸۳	کیفیت تیمم	۶۳ منظرات
۸۳	در لباس نماز گذار	۶۸ نجاسات
۸۴	جای نماز گذار	۶۹ کیفیت تطهیر متنجس
۸۵	احکام قبله	۷۰ احکام بیت الخلاء
۸۵	خونهای نیکه در نماز معفو است	۷۱ فروع اسلام
۸۶	نمازهای پنجگانه شبانه روز و اوقات آن	۷۲ در فضیلت نماز و گناه تارک آن
۸۷	یادآوری	۷۳ مقدمات نماز
		۷۴ یادآوری

صفحه	صفحه		
دعای مبارک صبح و سندان	۱۳۸	نماز جمعه در اسلام	۸۷
دعای آیام هفته از طححات صحیفه مبارکه سجادی		کیفیت نماز جمعه و شرایط آن	۸۹
دعای روز یکشنبه	۱۴۸	در اذان و اقامه	۹۰
دعای روز دوشنبه	۱۴۹	طریق اذان	۹۱
دعای روز سه شنبه	۱۵۱	ملاحظه	۹۱
دعای روز چهارشنبه	۱۵۲	طریق اقامه	۹۲
دعای روز پنجشنبه	۱۵۳	نیت و احکام آن	۹۲
دعای روز جمعه	۱۵۵	واجبات نماز	۹۳
دعای روز شنبه	۱۵۶	رکن نماز	۹۴
دعا برای طلب عافیت از صحیفه مبارکه سجادی	۱۵۷	چیزهاییکه بر آن سجده جائز است	۹۴
نوافل و اوقات آن	۱۵۹	شکلیات نماز و اقسام آن	۹۵
نماز شب	۱۶۱	کیفیت نماز احتیاط	۱۰۰
احکام مسجد	۱۶۴	جاهائیکه سجده سهو واجب میشود	۱۰۰
نماز جماعت و فضیلت آن	۱۶۶	طریق سجده سهو	۱۰۱
شروط امامت	۱۶۷	سجدهای واجب قرآنی	۱۰۲
احکام نماز جماعت	۱۶۸	مبطلات نماز	۱۰۲
احکام سفر	۱۶۹	احکام سلام	۱۰۳
نماز قصر	۱۷۲	مستحبات نماز	۱۰۴
نماز قضا و احکام آن	۱۷۳	صورت نماز و ترجمه آن	۱۰۹
نماز والدین	۱۷۴	تعقیبات نماز	۱۱۸
نماز اجاره	۱۷۴	دعای سجده شکر	۱۳۴
نماز آیات	۱۷۵	زیارت مختصر چهارده معصوم بعد از تعقیبات	۱۳۵

صفحه	صفحه
استخاره با مصحف ۲۱۰	نماز عید فطر ۱۷۷
استخاره با تسبیح ۲۱۰	نماز عید قربان ۱۸۰
استخاره ذات الرقاع ۲۱۱	نماز میت و نماز طواف ۱۸۰
فضیلت شب جمعه و برخی از اعمال آن ۲۱۲	نماز نذر و عهد و قسم ۱۸۰
دعای کسب و سندان ۲۱۶	کفاره نذر و عهد و قسم ۱۸۰
فضیلت روز جمعه و احکام آن ۲۳۸	نمازهای مستحبه ۱۸۱
سند دعای عهدنامه ۲۵۲	نماز اول به راه ۱۸۲
دعای عهدنامه ۲۵۲	نماز فرزند برای پدر و مادر ۱۸۳
خلاصه ترجمه عهدنامه ۲۵۶	نماز مضطر ۱۸۳
قسمتی از توسلات ۲۶۰	نماز روز نوروز ۱۸۴
دعای توسل چهارده معصوم ۲۶۰	اعمال نوروز ۱۸۶
دعای الهی عظم البلاء برای خلاصی از زندان ۲۶۵	اعمال وقت تحویل ۱۹۰
ترجمه دعا ۲۶۶	طریقی شناختن وقت تحویل شمس برج حمل ۱۹۳
دعای اللهم بحق العرش برای خلاصی از زندان ۲۶۷	نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ۱۹۴
از زندان ۲۶۸	نماز حضرت زهرا ۱۹۷
دعای طهوف و گرفتار ۲۶۸	نماز حضرت جعفر طیار ۱۹۸
ترجمه دعا ۲۶۹	نماز حضرت حجت در شب جمعه ۱۹۹
ختم آیه یونس ۲۷۰	نماز حاجت ۲۰۲
ختم دیگر ۲۷۰	نماز حاجت ۲۰۲
ختم آتمن بحیب المضطر ۲۷۰	نماز حاجت ۲۰۳
دعای یا من تحلی ۲۷۱	احکام استخاره ۲۰۴
تسبیحات در موقع گرفتاری ۲۷۳	مشوره نمودن در کارهای خود ۲۰۷

صفحه	صفحه
برخی از وقایع تاریخی ماه شعبان ۳۳۴	برای قضاء حوائج ۲۷۴
اعمال ماه شعبان ۳۳۵	برای دفع امراض ۲۷۴
اعمال مختصه شب و روز ماه شعبان ۳۳۷	برای دفع تب ۲۷۵
اعمال شب و روز نیمه ماه شعبان ۳۴۰	برای دفع تب ۲۷۵
ماه رمضان المبارک ۳۴۴	خواص استغفار ۲۷۶
استهلال و اعمال شب اول ماه ۳۴۶	حدیث شریف کساء ۲۷۹
احکام افطار و تخر ۳۵۳	ترجمه حدیث شریف کساء ۲۸۵
اعمال شبها و سحر ماه رمضان المبارک ۳۵۴	منظومه حدیث شریف کساء ۲۹۲
اعمال روزهای مبارک رمضان ۳۶۹	روزه در اسلام ۳۰۵
اعمال لیالی بیض ۳۷۰	حقیقت روزه و مبطلات آن ۳۰۵
فضیلت شبهای قدر ۳۷۱	احکام روزه و شرایط صحت آن ۳۰۶
اعمال شبهای قدر ۳۷۲	مکروهات روزه ۳۰۸
اعتکاف و احکام آن ۳۸۷	اقسام روزه ۳۰۸
ماه شوال ۳۸۸	احکام رؤیت هلال ۳۱۲
برخی از وقایع تاریخی این ماه ۳۹۱	دعای رؤیت هلال ۳۱۳
ماه ذیقعدة الحرام و برخی از وقایع تاریخی آن ۳۹۲	در احکام ماه رجب و فضیلت آن ۳۱۵
برخی از اعمال ماه ذیقعدة الحرام ۳۹۴	برخی از وقایع تاریخی ماه رجب ۳۱۶
در اعمال ماه ذیقعدة الحرام و بیان فضیلت آن ۳۹۷	اعمال ماه رجب ۳۲۱
بعضی از وقایع تاریخی این ماه ۴۰۳	اعمال مختص شب اول رجب ۳۲۲
ماه محرم و حرمت آن ۴۰۴	لیلذالغائب ۳۲۷
برخی از وقایع تاریخی ماه محرم ۴۰۵	اعمال مخصوص ایام و لیالی ماه رجب ۳۲۸
	ماه شعبان العظم ۳۳۳

صفحه		صفحه	
۴۸۱	در تذکیر حیوان است	۴۰۶	اعمال محرم
۴۸۳	در احکام ماهی است	۴۱۵	در بیان اعمال روز عاشورا
۴۸۳	در بیان حکم پرندگان حلال گوشت	۴۳۴	در فضیلت زیارت روز عاشورا
۴۸۴	در حیوان شکار شده	۴۴۹	ماه صفر
۴۸۵	در احکام نکاح است	۴۵۱	ماه ربیع الاول
۴۹۰	در احکام متعه	۴۵۴	ماه ربیع الثانی
۴۹۱	در احکام طلاق	۴۵۴	ماه جمادی الاول
۴۹۳	در وصیت بیماری عیادت	۴۵۵	ماه جمادی الثانی
۴۹۵	در احکام اموات	۴۵۶	اعمال به راه
۵۰۱	در احکام غسل میت	۴۵۷	عمل آب نیشان در راه رومی
۵۰۵	در احکام کفن	۴۵۸	آگهی
۵۰۹	نماز میت	۴۵۹	اوقات نیک و بد
۵۱۵	در احکام دفن	۴۶۰	در احکام ایام شهور
۵۲۶	نماز شب اول دفن	۴۶۲	اوقات نخس
۵۲۶	نماز دیگر است	۴۶۳	قر در عقرب و طریق شناختن آن
۵۲۸	زیارت اموات	۴۶۵	در احکام زکوة
۵۲۸	طریق دیگر	۴۷۳	در بیان زکوة فطره
۵۲۸	طریق دیگر	۴۷۵	در احکام خمس
۵۳۱	امر معروف و نهی از منکر	۴۷۷	در احکام قربانی
۵۳۳	حج در اسلام	۴۷۸	دعای قربانی
۵۳۶	در احکام حج است	۴۷۹	در احکام عقیقه است
۵۳۶	میقات	۴۸۰	ترجمه دعای عقیقه

صفحه	صفحه
۵۶۹	۵۳۷
خاتمه در اموریکه آوردن آن در مدینه مستحب است	در بیان احرام عمره تمتع
۵۷۲	۵۴۱
زیارت دوره حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام	در بیان محرمات احرام است
۵۸۲	۵۴۲
زیارت حضرت امام حسین علیه السلام	در احکام حج تمتع است
۵۸۸	۵۴۳
زیارت حضرت عباس علیه السلام	احکام عرفات
۵۹۴	۵۴۴
زیارت امام موسی کاظم علیه السلام	احکام مشعر الحرام
۵۹۸	۵۴۵
زیارت امام محمد تقی علیه السلام	اعمال منی
۶۰۱	۵۴۷
زیارت امام رضا علیه السلام	اعمال مکه
۶۰۶	۵۴۹
زیارت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام	در احکام مدینه مطیبه
۶۰۸	۵۵۱
زیارت نرجس خاتون و والده حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه	زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله
۶۱۱	۵۵۶
زیارت جناب حلیمه خاتون	زیارت حضرت صدیق طاهره فاطمه زهرا صلوات الله علیها
۶۱۴	۵۵۸
زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه	زیارت ائمه بقیع
۶۱۶	۵۶۱
مناجات امیرالمؤمنین علی علیه السلام	زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله
۶۱۸	۵۶۴
ترجمه مناجات امیرالمؤمنین علی علیه السلام	زیارت جناب فاطمه بنت اسد و آله
۶۲۰	۵۶۶
خاتمه کتاب ارشاد اسلام	حضرت امیر علیه السلام
۶۲۱	۵۶۸
چهل حدیث	زیارت حضرت حمزه عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله
۶۲۷	۵۶۸
ترجمه چهل حدیث	زیارت شهدا رضوان الله علیهم

آيَةُ الْكُرْسِيِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ
 سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ
 عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
 بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا
 يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَبَيَّنَ
 الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ
 اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
 اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

يس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة

يس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ " إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ " عَلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ " تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ " لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَنْذَرْنَا أَبَاؤَهُمْ

فَهُمْ غَافِلُونَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فِيهَا إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ
 وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ
 فَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ
 لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ
 فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا
 وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ وَاصْرَبْ لَهُمْ
 مَثَلًا اصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ
 اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ
 قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ
 إِلَّا تَكْذِبُونَ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا
 الْإِبْلَاحُ الْمُبِينُ قَالُوا أَنَا نَطِيرُ بِكُمْ لَيْلًا نَتَنَبَّأُ وَأَلْتَمِزْكُمْ
 وَلِيَمْسَسَكُمْ مِّنَّا عَذَابُ الْيَوْمِ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ إِنَّكُمْ لَمُتْرَبُونَ
 أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا
 قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مَنِ اتَّبَعْتُمْ أَجْرًا وَهُمْ يُكْفَرُونَ

وَمَالِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تَرْجِعُونَ ؕ أَخْتَدِمُنِي بِرَبِّي
 إِلَهَةً إِنْ يُرِيدَنَّ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا
 يُنْقِذُونِ ؕ إِنْ أَرَادَنِيَ ضَلَالٌ مُّبِينٌ إِنْ أَمِنْتُ بِرَبِّكُمْ
 فَاسْمَعُونَ ؕ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ ؕ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ
 بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ؕ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ
 مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ؕ إِنْ كَانَتْ إِلَّا
 صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ؕ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ
 مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ؕ أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا
 قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ؕ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ
 لَدُنَّا مُحْضَرُونَ ؕ وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا
 مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ؕ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَحِيلٍ وَأَعْنَابٍ
 وَفَجْرًا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ
 أَفَلَا يَشْكُرُونَ ؕ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ
 الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ؕ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ
 مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ؕ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَا مِنْ نَائِلٍ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْوَةِ
 الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدِيرَكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ
 النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكَ يَسْبَحُونَ وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي
 الْفَلَكَ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَاءُ
 نَغْرِقْهُمْ فَلَاصِرِيحٌ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَدُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا
 إِلَىٰ حِينٍ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ
 لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا
 عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ انْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا
 الَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا انْطِعِم مِّنْ لَّوْ شَاءَ اللَّهُ اطْعَمَهُ
 إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا الصَّيْحَةَ وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ
 فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي
 الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا
 مَنْ بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ
 إِنْ كَانَتْ إِلَّا الصَّيْحَةَ وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ

لَا نُظْمُ نَفْسُ شَيْئًا وَلَا نُجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّ أَصْحَابَ
لِجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى
الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ
سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ وَامْتَنَزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ
أَلَمْ أَعْهَدِ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ
عَدُوٌّ مُبِينٌ وَإِنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ
أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ هَذِهِ جَهَنَّمُ
الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ إِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ الْيَوْمَ
نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا
الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَا هُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ
فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَنْ نَعْمِرْهُ نَكْسِئْهُ
فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ
إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ
الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ

أَيَدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالٌ لِيَكُونَ وَذَلِكَ لِنَأْلَهُمْ فَمِنْهَا كُوْنَهُمْ
 وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ
 وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ لَا يَسْتَطِيعُونَ
 نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُخَضَّرُونَ فَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ
 مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ
 فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ
 يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ
 وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا
 أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ إِنَّمَا أَمْرُهُ
 إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ
 مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الرحمن
الرَّحْمَنُ "عَلَّمَ الْقُرْآنَ" خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا		

وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۗ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۗ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ
 وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۗ فِيهَا فَاكِهَةٌ
 وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ۗ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ ۗ وَالرَّيْحَانُ فَبِأَيِّ
 آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۗ وَخَلَقَ
 الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ۗ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ رَبُّ الشُّقْرِ
 وَرَبُّ الْمَغْرِبِينَ ۗ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ
 بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ۗ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ يَخْرُجُ
 مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ۗ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ وَلَهُ الْجَوَارِ
 الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۗ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ كُلُّ مَنْ
 عَلَيْهَا فَا ن ۗ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۗ فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ
 هُوَ فِي شَأْنٍ ۗ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ سَنَفَعُ لَكُمْ أَيُّهَ
 الثَّقَلَانِ ۗ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
 إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 فَانْفُذُوا ۗ وَالْأَنْفُذُونَ إِلَّا إِسْطَاطَانٌ ۗ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبِينَ

يُرْسَلُ عَلَيْكُمْ شَوْاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تُكذِّبَانِ فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ فَبِأَيِّ
الْآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي
وَالْأَقْدَامِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكذِّبُ
بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ فِيهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ إِنِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تُكذِّبَانِ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
ذَوَاتَا أَفْنَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ فِيهِمَا عِشَانٌ تَجْرِيانِ
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زُرُجَانٌ فَبِأَيِّ
الْآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ مُتَكَيِّفِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ
وَجَنَّاتٍ جَنَّتَيْنِ دَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ
الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تُكذِّبَانِ كَانَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
هَذَا جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ
وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ مُدْهَمَمَتَانِ

فَبَيِّتِ الْاِءِ رَبِّكَمَا تُكْذِبُنِ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ فَبَيِّتِ الْاِءِ
 رَبِّكَمَا تُكْذِبُنِ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ فَبَيِّتِ الْاِءِ رَبِّكَمَا
 تُكْذِبُنِ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ فَبَيِّتِ الْاِءِ رَبِّكَمَا تُكْذِبُنِ
 حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ فَبَيِّتِ الْاِءِ رَبِّكَمَا تُكْذِبُنِ لَمْ
 يُطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ فَبَيِّتِ الْاِءِ رَبِّكَمَا تُكْذِبُنِ
 مُتَكِيَّيْنَ عَلٰى رُفُوْفٍ خُضِرَ وَعَبَقَرِيٍّ حِسَانٍ فَبَيِّتِ الْاِءِ
 رَبِّكَمَا تُكْذِبُنِ تَبَارَكَ اِسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

سورة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الواقعة

اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ لَیْسَ لَوْعَتِهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ
 اِذَا رُجَّتِ الْاَرْضُ رُجًّا وَبُتَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنبَثًّا
 وَكُنْتُمْ اَنْزَاجًا ثَلَاثَةً فَاصْحَبُ الْيَمْنَةِ مَا اَصْحَبُ الْمِیْمَنَةِ
 وَاصْحَبُ الْمَشْأَمَةِ مَا اَصْحَبُ الْمَشْأَمَةِ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ
 اُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِی جَنَّاتِ النَّعِیْمِ ثَلَاثَةٌ مِنْ الْاَوَّلِیْنَ
 وَقَلِیْلٌ مِنَ الْاٰخِرِیْنَ عَلٰی سُرٍّ مَّوْضُونَةٍ مُّتَكِیِّیْنَ عَلَیْهَا
 مُتَقَابِلِیْنَ یَطُوفُ عَلَیْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ بِاَكْوَابٍ

وَأَبَارِيقَ وَكَاسٍ مِنْ مَعِينٍ "لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفُونَ"
 وَفَاكِهَةً مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ "وَلَحْمَ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ" وَخُورُوعِينَ
 كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ "جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" لَا يَسْمَعُونَ
 فِيهَا الْغَوَا وَلَا تَنْثِيمًا "إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا" وَأَصْحَابُ الْمَيْمَنِ
 مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنِ "فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ" وَطَلْحٍ مَنضُودٍ "وِظَلِّ
 مَمْدُودٍ" وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ "وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ" لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا
 مَمْنُوعَةٍ "وَفُرْشٍ مَرْفُوعَةٍ" إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً "فَجَعَلْنَاهُنَّ
 أَفْكَارًا عَرَبًا نَرَابًا" لِأَصْحَابِ الْمَيْمَنِ "ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثَلَاثَةٌ
 مِنَ الْآخِرِينَ" وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ "مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ" فِي سَمُومٍ
 وَحَمِيمٍ "وِظَلِّ مِنْ جَحْمُومٍ" لِأَبَايَرٍ وَلَا كَرِيمٍ "إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ
 مُتْرَفِينَ" وَكَانُوا يُصِتْرُونَ عَلَى الْخَنْثِ الْعَظِيمِ "وَكَانُوا يَقُولُونَ
 إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّا نَمْبَعُوثُونَ" أَوْ أَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ
 قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَجَمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَعْلُومٍ
 ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكْذِبُونَ "لَا تَكُونُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ قَوْمٍ
 فَمَا لِيُؤْنَمِنْهَا الْبُطُونُ" فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ

شَرِبَ الْهَيْمُ هَذَا نَزَلَهُمْ يَوْمَ الدِّينِ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تَصَدَّقُونَ
 أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ؕ أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ نَحْنُ قَدَرْنَا
 بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمُسْبِقِينَ ؕ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ
 وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا
 تَذَكَّرُونَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ؕ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهَا أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ
 لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُمْ حُطَّاءً مَا نَفَلَ تَفْكُهُمْ وَإِنَّا لَمُغْرَمُونَ بَلْ
 نَحْنُ مُحْرِمُونَ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ؕ أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ
 مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ جَارًا فَلَوْلَا
 تَشْكُرُونَ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ؕ أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمُ
 شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَرِزْقًا
 لِلْمُقِيمِينَ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ
 وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ؕ فِي كِتَابٍ
 مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ؕ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ
 تُكَذِّبُونَ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ؕ

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ
 مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ
 الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ
 الْيَمِينِ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ
 الْمَكِيدِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةٌ مِنْ حَمِيمٍ
 إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الجمعة
------	---------------------------------------	--------

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ
 الْحَكِيمِ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ
 آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ
 لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِقَاءَ إِحْقَابِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
 الْعَظِيمِ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْبَةَ ثُمَّ لَمْ يُحْمِلُوهَا كَمَثَلِ
 الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا

اِنْ نَزَعْتُمْ اَنْكُمْ اَوْلِيَاءُ لِلّٰهِ مِنْ دُوْنِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ اِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ ۗ وَلَا يَتَمَنَّوْنَہٗ اَبَدًا اِمْا قَدَّمَتْ اَيْدِيہُمْ وَاللّٰهُ
 عَلِيْمٌ بِالظّٰلِمِيْنَ ۗ قُلْ اِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّوْنَ مِنْہٗ فَاِنَّهٗ مَلٰٓئِكُمْ
 ثُمَّ تُرَدُّوْنَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّہَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ
 يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا نُوْدِيَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا
 اِلَىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ وَذُرُّوا الْبَيْعَ ۗ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۗ اِذَا
 قُضِيَتْ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوْا فِى الْاَرْضِ وَابْتَغُوْا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ
 وَاذْكُرُوْا اللّٰهَ كَثِيْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۗ وَاِذَا رَاوْا تِجَارَةً اَوْ هُوًا
 نِ اَنْفُسُوْا اِلَيْہَا وَتَرَكُوْا قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ مِّنَ اللّٰهُو
 وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللّٰهُ خَيْرُ الرَّٰزِقِيْنَ

المنافقون	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ	سورة
<p> اِذَا جَاكَ الْمُنٰفِقُوْنَ قَالُوْا نَشْهَدُ اَنَّكَ لِرَسُوْلِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اَنَّكَ لِرَسُوْلِهِ ۗ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَكَٰذِبُوْنَ ۗ اِخْتَدُوْا اِيْمَانَهُمْ جَنَّةً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِنَّهُمْ سَاَءَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۗ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا فَاَطْبَعَ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَمَنْ </p>		

لَا يَفْقَهُونَ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ
 لِقَوْلِهِمْ كَأَنْتُمْ خَشَبٌ مُسْتَدَةٌ يَحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ
 هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَانَلَهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤْفِكُونَ وَإِذَا قِيلَ
 لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّارُءٌ وَسَامٌ وَّرَأَيْتَهُمْ
 يُصَدِّقُونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ
 أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الْفَاسِقِينَ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ
 اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ
 الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ
 لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
 وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ
 أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ
 هُمُ الْخَاسِرُونَ وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ
 أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ
 فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ

أَجْلَهَا وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

الملك

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ
 الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ الَّذِي
 خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ
 فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ
 إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا
 بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ
 السَّعِيرِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَيُسَّ الْمَصِيرُ
 إِذَا الْقُوفُ فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورٌ تَكَادُ تَمَيَّزُ
 مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ
 نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ
 شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ
 مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسُحِقًا
 لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ

مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
 الصُّدُورِ الْإِلَهَ الْعَلِيمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ هُوَ الَّذِي
 جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ
 وَإِلَيْهِ النُّشُورُ أَمِنْتُمْ مِنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ
 الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورٌ أَمْ أَمِنْتُمْ مِنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ
 عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ
 مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٍ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ
 صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ
 أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنْ
 الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ
 رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ أَمَّنْ يَمْشِي مَكِيدًا عَلَى وَجْهِهِ
 أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ قُلْ هُوَ الَّذِي
 أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا
 تَشْكُرُونَ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
 وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ

عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّدَتْ
 وَجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ
 قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ
 الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا
 فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْحَحَ
 مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الاعلى
------	---------------------------------------	--------

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ
 فَهَدَى وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى فَجَعَلَ عِثَاءً أَحْوَى سَنَقِرُكَ
 فَلَا تَنْسَى إِنْ أَمَّا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى وَيَبْسُرُ
 لِلْيُسْرَى فذَكَرْ إِنْ نَفَعْتَ الذِّكْرَى سَيِّدُكُمْ مَنْ يَخْشَى
 وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ثُمَّ لَا يَمُوتُ
 فِيهَا وَلَا يَحْيَى قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ
 تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرًا أَبْقَى إِنْ هَذَا لَفِي
 الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الشمس
<p>وَالشَّمْسِ وَضُجَيْهَا ۝ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّيَهَا ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّيَهَا ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰهَا ۝ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَدَأَهَا ۝ وَالْأَرْضِ وَمَا طَرَبَهَا ۝ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيَهَا ۝ فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَىٰهَا ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيَهَا ۝ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيَهَا ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوِيهَا ۝ إِذِ أُنبِئَتْ أَشْقَىٰهَا ۝ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَىٰهَا ۝ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ فَدمدم عليهم ربُّهم بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّيَهَا ۝ وَلَا يَخَافُ عُقْبَىٰهَا</p>		
سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	القدر
<p>إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحِ فِيهَا يُنزِلُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ ۝ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ</p>		
سورة	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	الزلزلة
<p>إِذَا مَرُّوا بِالْأَرْضِ زَلَّاتُهَا ۝ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۝ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَالَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ</p>		

لَهَا يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ النَّاسُ أُمَّتَانًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

سورة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ العاديات

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا
فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا فَوْسَطُنَّ بِهِ جَمْعًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ
وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا
بُعِثَ مَآئِنَ الْقُبُورِ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ
يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ

سورة 431 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الكافرون

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ
عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ
مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

سورة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ النصر

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي
دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

سورة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ التّوْحِیْدِ

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ۝ اللّٰهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ ۝

سورة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْفَلَقِ

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ۝

سورة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ النَّاسِ

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ النَّاسِ ۝ اِلٰهِ النَّاسِ ۝ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُوْرِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتاری چند

بعد از ستایش یزدان مهربان و درود بی پایان بر روان مقدس حضرت
حاکم الانبیا محمد مصطفی و اهل بیت پاکان وی صلوات الله علیهم اجمعین
باعث برنگارش این کلمات آنست که چون نسخهای کتاب ارمنغان دینت
که طرف توجه عقیده مندان بدین واقع شده بود بیایان رسید علاقمندان
مکرراً درخواست و مطالبه آنرا مینمودند و نظر بانیکه رساله نامبرده اگر چه در
حد خود مفید بود ولی چون خالی از بسیاری از مطالب لازمه بود برای خدمت
بدین و هم کیشان اقامه شعائر دینی از آقای حجت الاسلام والد محترم
حاجی شیخ محمد حسن مجتهد کاشانی نجفی دام ظلّه العالی درخواست نمودم که کتابی
دانی مشتمل بر مطالب ارمنغان دیانت و زیاده از آن تألیف نمایند که
بیشتر مورد استفاده خوانندگان در سفر و حضر شود ایشان خواهش مرا مورد
نظر قرار داده و در مقام تألیف این جامعه مفیده که بارمغان اسلام نام نهاده
شده برآمدند حقیر نیز با وجود و فوراً اشتغال و فراغ نبودن و سائل لازمه اهتمام در

تهیه اسباب کتابت و طبع و نشر آن برآمد و تا جائیکه ممکن میبود در خوبی ورق
و حسن کتابت کوشش کردم اگرچه بواسطه موانع متوارده کامیابی تا جائیکه
منظور بود حاصل نشد و با وجود اهتمام که کتاب زودتر دست رس عموم واقع
شود ممکن نگردید ولی باز هم خدا را شاکرم که توفیق شامل حال شد کتاب پایان
رسید و با کمال ظرافت و خوبی بدست آمد مخصوصاً از کسانی که این امر خیر را
با دلی باز هم راهی نموده اند و مرا تشویق در نشر و طبع آن کرده اند شکر گذارم
و از خداوند استقامت بگلی را خوا بانم و از خوانندگان محترم ملتسم که اگر سهویاً
خطائی در کتاب ملاحظه شود چون خارج از ختیار است خورده نگیرند
و بانیان را بدعای خیر یاد کنند

مركز محمد جواد کاشانی نجفی رحیمی

دوشنبه بیستم محرم الحرام ۱۳۷۱ هجری قمری

۲۲ اکتوبر ۱۹۵۱ میلادی

۴۹ مهر ماه باستانی ۱۳۳۳ هجری شمسی

ویباچه

ارمعان اسلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سزاوار پرستش و بندگی یگانه ذات پاکی است که هستی را با شیبجان (۱)
 چهارگانه جهان پوشانید و از میان مخلوقات خود گوهر بکلیای وجود انسانی را
 در اثر لطف و مهربانی بجا نمود و به پروردانش و خردش برتری داد و بوسیله
 راهنمایان حقیقی زشت و زیبای عالم طبیعت را باورسانید کیفیت بندگی و روزه
 طاعت و چگونه زندگی زندگانی و رسیدن بکالیف فطری را با و فهمانید - درود بسیار
 بروان پاک آنانیکه ما را به پاکی خواندند و از نا پاکی بیم دادند بویره بر بهتر و محقران
 آخرین پیغمبران حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم قرشی مکی
 مدنی و بر خانواده پاک آن بزرگوار صلوات الله علیهم اجمعین که برگزیدگان بزرگان
 تار و زستانخیز و بعد چمن گوید بنده امیدوار بھر پروردگار محمد حسن نجفی
 ساکن مبدئی فرزند مرحوم حاجی شیخ ابوالقاسم کاشانی نجفی طاب ثراه

(۱) عناصر چهارگانه آب، خاک، هوا، آتش.

اینکه بسیاری از عقیده مندان بدین و شریعت که اهتمام در پیروی احکام اسلام
 و ارشادات صاحب شریع دارند مخصوصاً جوانانیکه متعبد بدیانت میباشند و مشغول
 تحصیلات امروزه خود هستند و نیز بسیاری متدینین که بکارهای شخصی گرفتارند و نمی
 توانند در موقع عمل بموضوعات مختلف رجوع بکتاب متفرقه کنند و یا آنکه دست رس
 بکتابهای مختلف راجع بامور شریعت از اصول دین و فروع دین و احکام اسلام تاریخ
 معصومین صلوات الله علیه جمعین و کتب ادعیه و زیارت و اعمال شهور و غیره ندارند مناسبت
 دانستم که کتابی مشتمل بر مطالب مذکوره تألیف شود و در دست رس هم کیشان برسد
 نیست که کتاب ارمان اسلام که در حقیقت کتاب سودمند جامعی است و قسمت مهمی
 از احکام و اخلاق و آداب اعمال دین و شریعت و ارشادات مذہبی و مطالبی که برای
 عقیده مندان بدیانت و مذہب از مردوزن در حضر و سفر مفید است و آرا و با بودن
 آن کتاب در خیلی مواقع سبب بی نیازی است از بسیاری مؤلفات مختلف بعنوان
 خدمت بدین و نشر احکام آنرا تألیف نمودم امیدوارم که برادران و خواهران ایمانی بادی پر از
 محبت بدیانت مطالب آنرا از زیر نظر خود گذرانیده و در اعمال شرعی خود استفادہ از آن کنند
 و روان گذشتگان را در امر عمل خود خوش نمایند و از نو اقص آن که لازمه کردہای بشری است
 چشم پوشند و بانیان خیر را به نیکی یا دکنند تا به نیکی یاد کرده شوند انشاء الله تعالی

آداب اسلام

آداب اسلام يك قسم راهنمائی و ارشاد اتی است که شریعت
اسلام برای پاکیزگی بشر و طهارت روح انسانی و آسایش در زندگانی
وی مقرر نموده . پیروی آداب اسلام نه تنها برای شخص را مذهب
و با اخلاق و نیک نام نماید بلکه سبب خوش بختی خانواده و اقتدارات
ملی و موجب سر بلندی در جامعه است . این بد بختی و فلاکت در خیلی
از اجتماعات که دیده میشود . و این حیرت و سرگردانی که دامن گیر اشخاص
و بسیاری از مردم میگردد در اثر بی پروائی با آداب اسلام است . خوش بختی
و آسایش پول و دولت و نام و نشان و جاه و منصب و مقام و غیرتها
ظاهری نیست چه بسا از اینگونه مردم اند که دیده میشود بسبب بیعلاقگی
با آداب اسلام به بدترین صورت پریشانی روزگار خود را میگذرانند
و عمر خود را بتسلخ کامی بی پایان میسرسانند . یگانه چیزی که انسان را در زندگانی
خوش بخت نماید و روزگار او را روشن میکند همان عمل نمودن با آداب
اسلام است . اسلام یگانه دینی است که از برای زندگانی شخصی

واجتماعی و از برای پرورش روح و بدن و از برای تربیت اولاد و زن و عاقله
و جاهل و زیر دست و از برای معاشرت با خودی و بیگانه و دوست و دشمن
و بزرگ و کوچک و دانا و نادان و امیر و مأمور و غیره آداب مقرر نموده.

اسلام دین پاکیزه ایست که امر ببطهارت ظاهری و پاکیزگی روح
و عفت نفس و اندیشه نیک و شجاعت و غیرتمندی و رحم و مروت و مهر
و محبت و دوستی و راستی و درستی و فروتنی و بردباری و قناعت
و احترام بزرگ و رحم بکوچک و خودداری از آزار رسانیدن بدگران و خرج
بیجا و امر بدستگیری از بیوه گان و یتیمان و ناتوانان و بیماران و سایر
افراد گان و بیچاره گان فرموده.

اسلام دین روشنی است که ما را امر بخوش روئی و خوش خوئی
و شکرگذاری و مال اندیشی و مشورت در کارها و امانت داری در هر چیز
و ترک صفتهای زشت از بخل و کینه جوئی و حسد و دوروئی و فساد و بیرحمی
و دروغ و قسم بیجا و غیره نموده - پوشیدن دیده و نگاهداری زبان
و گرفتن گوش از چیزهای ناشایسته و ستاری و فاش نکردن از مردم
و حمل بر صحت نمودن کردهای برادر و خواهران دینی از تعلیمات اسلام است

ملاحظه از خویشتان و دوستان و زیردستان و همسایگان پابندی
 بوعده و قول و بیهوده صرف نکردن وقت و عمر از آداب اسلام است
 اسلام امر نموده است بمعرفت و طلب علم و معاشرت بانسکان و دانایان
 و اهل دیانت و رفتار و کردار نیک و ترک بیکاری و کار بستن بیکاران و گرفتن
 زبان از بیهوده گوئی و مهره سرائی و از خنده بیجا و زار خوانی

اسلام امر نموده است بوقار و شرافت نفس و زناشوی مشروع
 و اجتناب نمودن از چیزهاییکه سبب بدگمانی دیگران میشود و نیز امر نموده
 است بکوشش نمودن برای تحصیل روزی و تجارت و کسب حلال و بار
 نشدن بمردم و ترک گدائی و سؤال - اسلام دینی است روحی
 ما را امر نموده است بشرافت و کخاره گیری از مردم بدکار و بدنام و عیب گو
 و عیب جو و نیز نهی کرده است از پرده دری و بدگمانی و خود نمائی و خود
 ستائی و تکبر و فخر و عجب و از رفتن بجایهای ناشایسته و شرکت در
 اجتماعیات زشت اسلام امر نموده است بمیانہ روی در رفتار و گفتار
 و خوردن و خوراک و پوشاک و اقتصاد و زندگانی.

اسلام دینی است که از برای تمام وضعیات بشر آداب مقرر

فرموده و احکام معتین نموده پس هم چنانیکه امر بجا شرت در زندگی و عمل با آداب آن
 نموده و امر بشناختن یزدان و بندگی وی از نماز و روزه و دادن زکوة و حقوق
 و همراهی بانسازمندان و شرکت در اجتماعات مذهبی و حضور جماعات پیروی
 راهبران دین و مذہب و غیره فرموده . توجه بخداوند عالم و دعا کردن در
 درگاه او و یاد نمودن بزرگان و زیارت مقامات مقدسه آنان از آداب
 اسلام است . یاد گرفتن و یاد دادن احکام مذہب و دین از آداب
 اسلام است . احترام قرآن و قبله و مساجد و یاد گرفتن کتاب آسمانی
 مسلمانان و یاد دادن آن و نیز خواندن و قرائت آن از آداب اسلام است .
 قرآن بزرگترین امانت بر حبه آسمانی است که ما مسلمانان را سلسله و
 بهم پیوند نموده و در اثر آن همه ما را یک جمعیت دینی گردانیده . از برای
 قرآن مزایا و فضائل است که اگر چه گنجایش بیان آن در این مختصر نیست
 ولی قسمتی از آن برای خوانندگان بیان میشود انشاء الله تعالی

فضائل قرآن

بدانکه بهترین چیزیکه در عصر غیبت امام زمان علیه الصلوٰة والسلام
 سبب دل گرمی مسلمانان میباشد قرآن است . قرآن یگانه کتاب

آسمانی است که از میان یکصد و چهار کتاب آسمانی ممتاز و جامع تر میباشد
 قرآن آن کتاب آسمانی است که قانون زندگانی یعنی معاش و معاد انسانی را
 بطور وافی بیان مینماید قرآن کتاب هادی و راهنما است که پیروان خود را با سادگی
 و سببش میرساند. قرآن دستور اساسی زندگی است که از برای تربیت بشر
 و پی بردن به خیر و شر در دنیا و آخرت چیز را فرود گذار ننموده. امروزه اگر
 مسلمانان جهان پشت بهم میدادند به پیروی قرآن یکدل میشدند گوی
 سعادت و خوشبختی را از میان جهانیان می ربودند و بانام نیک زندگانی
 خود را به پایان میرسانیدند. قرآن نور است. قرآن شفاء است.
 رحمت است. دلیل است. هادی است. اخلاق است. احکام
 است. قصص است. عبرت است. امثال است. تسبیح است.
 دعا است. حراست. توحید است. و روشن ترین راهنمای انسانی
 است زندگانی فطری با سعادت هر دانشمندی که از عربیت با خبر است
 و پی بتفسیر و تأویل و ظاهر و باطن قرآن برسد و نسبت بناسخ و منسوخ
 و محکم و متشابه آن دانا باشد از گمراهی معانی و مطالب آن برخوردار شود.
 متأسفانه باین مراتب و روحانیت قرآن نوعاً نسبت بآن در غفلت میباشیم

و در موقع خواندن تفکر در آیات آن نکنیم. بلکه چه بسا از مردم خواندن قرآن را
 به تنهایی برای مردگان تصور کنند و یا خواندن آن را در ماه رمضان المبارک
 تخصیص دهند و در دوره سال بر طاق سیانش گذارند بلکه برخی با آنکه خود را
 از مسلمانان دانند از آموختن یا آموزش دیدن آن بخورد سالان خود کوتاهی
 کنند و پروا ننمایند. با آنکه تعلیم قرآن از اسلام است
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده برای خدا حق واجب است
 بر هر ایمان آورنده خواه مرد باشد یا زن آزاد باشد یا بنده آنکه قرآن را
 بیاموزد و نسبت بآن دانا شود. تعلیم قرآن بفرزندان سبب خیر دنیا و آخرت
 و مهر بزرگان و نازل شدن رحمت بر پدر و مادر آنان است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که خواندن قرآن^(۱) از روی مصحف
 عذاب را از پدر و مادر سبک میکند و اگر چه آنها کافر باشند. مخصوصاً
 خواندن قرآن در خانه سبب آسایش اهل خانه و خیر و برکت و وسعت روزی
 آنهاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده. نورانی کنید خانه خود
 را بخواندن قرآن. و باز فرموده من چون در خانه خواندن قرآن زیاد شود

(۱) قرآن کلام خداست و نوشته آن را مصحف گویند

خیر و نیکی در آن خانه زیاد گردد و اهل آن خانه در کثایش و آسایش روند
 و باز فرمود ص ^ص خانه که در آن قرآن خوانده شود اهل آن خانه در آسایش روند
 و خیر آن خانه زیاد گردد. و فرمود ص ^ص ترک خواندن قرآن سبب تنگی بر
 اهل آن خانه شود و خیر آن خانه کم گردد و باشندگان آن خانه در زیان روند
 پس باین مناسبت لازم است که مسلمانان کوشش بر آموختن و آموزانیدن
 قرآن و تربیت اولاد را بر آن نمایند و در موقع صبح چنانکه روایت نیز وارد
 شده قرآن در خانه بخوانند تا که خیر و برکت آن خانه زیاد شود و مخصوصاً
 از حفظ آن و یا حفظ برخی از سوره های کوچک که خواندن آن در نمازهای مستحبی
 وارد گردیده خود داری نکنند پس باین مناسبت برای تسهیل خوانندگان
 این رساله آیه الکرسی و شماره از آیات و بعضی از سوره های کوچک را در آخرین
 رساله درج مینمایم. انشاء الله تعالی

اعتماد بنفس

شناختن نفس یکی از تکالیف زندگانی بشری است که بسبب
 آن انسان خدا را خواهد شناخت و نشمردانه و پرابندگی خواهد نمود بدیست
 کسیکه نفس خود را شناخت و دانست که تا چه اندازه مکلف و توانا است

و در امور زندگی خود راجع به عاقل و معاند سؤال است البته پس از توکل بخواند
 با کمال اعتماد بنفس بدون آنکه بجا بدگران اعتماد کند خود را اداره نماید اینگونه
 مردم دین و مذہب را بهانه سستی و تنبلی قرار ندهند و دوره حیات خود را با کمال
 شرافتمندی بگذرانند. کسیکه اعتماد بنفس کند و داند تا چه اندازه قدرت
 اختیارات را بدست انسان و اگذار نموده میان شود که بار بردگران گردد اینگونه
 مردم صاحب اراده و در اراده خود استقامت کنند بنام بندگی و عبادت
 کتاره گیری از کار نکنند اینگونه مردم که دارای حسن عقیده اند مطیع قانون دیانت
 و مذہب اند با دیده باز نظر با اعتماد بنفس خود همیشه کوشش کنند که مسائل
 زندگی خود را برای حال و حسن استقبال فراهم آورند و مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى
 اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

عقیده صحیح و اثر آن در زندگی

عقیده صحیح یک قسم حالت نفسانیست که در انسان بواسطه علاقه مند

بخدا و احکام وی تولید میشود. عقیده صحیح بسبب عقل سلیم و تربیت نیکو
 در انسان پیدا میشود. کسی که دارای عقیده صحیح است بواسطه اطمینان
 برحمت ایزدی و تعلیمات شریعت در کشاکش روزگار ناامید نشود. حیران

و سرگردان نگردد بلکه بواسطه اُمیدواری بخدا و مهر وی با کمال آسایش زندگی
 کند. کسانی که دارای عقیده صحیح میباشند سزاوار معاشرت و قابل اطمینان
 اند پدر و مادر خود را احترام کنند روان آنها را خوشنود نمایند مرتی و آموزگاران
 و بزرگان دیانت و ملت و سایر حق داران را احترام کنند بر عکس کسانی که
 لاندیبه و بی عقیده میباشند خیانت در نهاد آنها فطری است سزاوار
 دوستی نیستند. قابل اعتبار نمیباشند ملاحظه حقوق کسی را نکنند. دین
 و مذہب را بر شستی یاد کنند و در نظر دیگران رشتش نمایند و عقیده مند از اسخریہ
 کنند پیشوایان مذہب و دین حق را طرف نفرت مردم قرار دهند تا که مانند
 آنان بی عقیده گردیده و بزشت کاری عادی شوند. پس ازین گونه مردم
 باید دوری نمود. بر پدر و مادر و مرئیان و کسانی که زمام تعلیم در دست آنهاست
 لازم است که کودکان را از معاشرت با اینگونه مردم نهی کنند و نیز از رفتن
 در دبستانهایی که تولید بی عقیده گی در کودکان می نمایند جلوگیری کنند
 و کوشش نمایند که آنها را بر عقیده صحیح تربیت کنند تا که بسبب آن جامعه
 در هستی و نیستی خود بر خوردار گردد و بخیر دنیا و آخرت برسد و باید دانست
 که اساس عقیده صحیح بی بردن با اصول اسلام و فروع دین و عمل نمودن

بآن است چنانکه بیان میشود

أُصُولُ اِسْلَامٍ^(۱)

بدانکه بهترین دینی که با فطرت بشر موافق است و خداوند پیروی آنرا بر هر
انسان بالغ عاقل واجب گردانیده دین اسلام است - دین اسلام
دارای اصول و فروع است - اصول آن سه چیز است :- اول - توحید
دوم - نبوت سوم - معاد

پس هر که نسبت باین اصول سه گانه عقیده مند شود و بظواهر اقرار نماید
و انکار ضروری از ضروریات اسلام را نکند مسلمان است و تمامی مسلمانان
مردانه و زنانه در دین برابر و برادر و خواهر اند

و هر غیر مسلمانی که اقرار باین اصول سه گانه نماید و منکر ضروری اسلام نشود
و کلمه شهادتین بر زبان جاری کند مسلمان میشود

کَلِمَةُ شَهَادَتَيْنِ وَ تَرْجُمَةُ اَنْ

لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللهِ صَ يَا كُفْتَنَ اَشْهَدُ

اَنْ لَّا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُولُ اللهِ مَعْنَاى اَنْ كُوَاهِي

(۱) اصول جمع اصل است - بیخ دیوار و پایه هر چیزی اصل گویند

میدیم اینکه نیست خدائی مگر الله و گواهی میدیم بر اینکه محمد صلی الله علیه و آله
پیغمبر و فرستاده خداست

ضروری اسلام

هر حکمی که در اسلام ثابت است آنرا ضروری اسلام گویند مثل نماز
روزه قبله قرآن زکوة حج و غیره که انکار آن سبب بیرون رفتن از اسلام
است. و باید دانست که مسلمانیکه عقیده مند با اصول ایمان شود او را
مؤمن گویند

أصول ایمان

مراد از اصول ایمان همان سه اصل است با دو اصل دیگر عدل
و امامت پس هر که در دل عقیده مند باین پنج اصل شود و اقرار بآن نماید مؤمن
است وزن عقیده مند را مؤمنه گویند
و نظر بر اینکه این پنج امر در اسلام پایه دین و اصل ایمان میباشد
آنرا اصول دین گویند

أصول دین

أصول دین پنج است

اول توحید، دوم عدل، سوم نبوت، چهارم امامت،
پنجم معاد روز قیامت

معانی اصول پنجگانه

توحید یعنی خدا یک است. عدل یعنی خدا عادل
و دادگر است پس آنچه را که مینماید و میدهد و میگیرد چه در دنیا و چه در آخرت
جمله از روی حکمت و عدل و انصاف است. نبوت یعنی پیغمبری
از جانب خدا حق است. امامت یعنی دوازده امام حق اند.
معاد یعنی در روز قیامت (درست‌خیز) خداوند بشر را بهمین بدن
زنده نموده و هر که را بمقتضای عملش سزا و جزا میدهد برخی به جحیم و بعضی را به
بهشت خواهد برد

صفات شئوتیه

چون معنای توحید را دانستیم باید دانست که خدا را صفات بسیاری
است که سزاوار ذات او میباشد و آنها را صفات شئوتیه گویند و آنها
بهشت اند

اول :- قادر یعنی توانا است. دوم :- عالم یعنی دانا است. سوم :-

حی است یعنی خدا زنده است. چهارم :- مرید است یعنی دارای اراده
 است. پنجم :- مدرك است یعنی خدا بحقیقت همه چیز میرسد. ششم :-
 قدیم است و نیز خدا ازلی و ابدیت یعنی همیشه بوده و خواهد بود. هفتم :- متکلم
 است یعنی خدا توانا است بر آفریدن سخن چنانکه باموسى ع در طور سیناء
 و با حضرت محمد صلی الله علیه و آله در شب معراج تکلم نمود. هشتم :- صادق
 است یعنی راستگو است پس آنچه را که بوسیله انبیاء از عقاب و ثواب
 وعده داده است تخلفی در آن نخواهد شد.

صفات سلبيه

مقصود از صفات سلبيه آن صفات است که خداوند از آن منزّه و پاکیزه
 است و آن هفت است
 اول :- آنکه خدا مرکب نیست یعنی هستی او دارای جزء نیست
 دوم :- خدا جسم نیست و جسم چیزیست که دارای طول و عرض
 و عمق باشد و خداوند از آن منزّه است.

سوم :- خدا مرئی نیست یعنی ذات یزدان دیدنی نیست

چهارم :- محل نیست یعنی ذات یزدان مورد عوارض مختلف مثل خواب

و بیداری و سستی و بیماری و صحت و جوانی و پیری و غفلت و فراموشی و غیره
 نیست و نیز ذات یزدان حلول در چیزی نکند چنانکه نصاری و غیره بر آن رفته اند
 پنجم: - خدای شریک است برای آنکه خدای نیاز است و عاجز نیست
 محتاج بشریک و مددگار نیست.

ششم: - معانی نیست یعنی صفات ثبوتیه پروردگار عین ذات اند
 و معانی قدیمه زائده بر ذات نیستند.

هفتم: - محتاج نیست یعنی غنی بالذات است.

در بیان تشریح باقی اصول دین

انبیاء^(۱)

انبیاء پیغمبرانی هستند که خداوند آنان را برای هدایت بشر فرستاد و شماره
 آنها یکصد و بیست و چهار هزار نبی باشد (۱۲۴۰۰۰) اول آنها حضرت
 آدم علیه السلام و آخر آنها حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبد الله بن عبد المطلب
 صلی الله علیه و آله وسلم است

(۱) انبیاء جمع نبی است و نبی در زبان عربی بجای خبر دهنده است

رسول

رسول پیغامبر را گویند از میان انبیاء سید و سیزده (۳۱۳) نفر
 رسول بوده اند و مقصود از رسول کسی است که بشریت تازه به پیغمبری از جانب
 خدا مبعوث شود مثل حضرت داود ع و سلیمان ع و ادیس ع و لوط ع
 و از میان رسولان شماره را اولوالعزم گویند

اولوالعزم و خاتم

اولوالعزم پیغمبرانی بوده اند که بشریت سابق را بر طرف نموده و بشریت
 تازه مردم را دعوت می نمودند و آنها پنج نفر بوده اند حضرت نوح ع حضرت
 ابراهیم ع حضرت موسی ع حضرت عیسی ع و حضرت محمد بن عبد الله
 صلی الله علیه و آله و سلم و چون پیغمبری بوجود مقدس این بزرگوار تمام شد
 آن حضرت را خاتم الانبیاء می نامند پس هر کس دعوی پیغمبری بعد از آن
 حضرت نماید دروغگو و کافر است

امامت

مراد از امامت پیشوائی امت است که بتصریح رسول خدا صلی الله
 علیه و آله در روایزه وجود مقدس معین گردید از این جهت آنها را دو ازده

امام گویند و آنها جانشینان خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشند
 که بنقص آن بزرگوار معین گردیده اند و باید دانست این بزرگواران و دو
 وجود مقدس دیگر که جمله چهارده نفر میباشند معصوم اند

چهارده معصوم^(۱)

عصمت حق است و نامی پنجمین معصوم اند و در اسلام چهارده
 وجود مقدس نیز معصوم میباشند و آنها جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله
 محمد بن عبد الله و دو شیخه پاکیزه آن بزرگوار صدیقۀ طاهره حضرت فاطمه زهرا
 علیهما سلام و دو اراده امام که نام هر یک گفته خواهد شد میباشند
 و مراد از معصوم کسی است که گناه از او صادر نخواهد شد و از جمله شرائط
 رسالت و امامت عصمت است

شرط رسالت و امامت

شرائط رسالت و امامت بسیار است از جمله آن عصمت است
 و دیگر آنکه رسول و امام باید قدرت بر معجزه داشته باشد و مراد از معجزه
 آوردن چیزی است که بشر از آوردن مثل آن عاجز باشد - و باید

(۱) و از جمله معصومین قبل از اسلام حضرت مریم مادر حضرت عیسی علیهما السلام است.

پیغمبر از جانب خدا معین شود و امام را بحکم خدا بر مردم بشناساند و شرط است که اعلم
از تمامی مردم باشند به هر زبانی بتوانند سخن گویند و بنویسند بدون استاد
و باید در جمیع صفات پاکیزه از همه مردم برتری داشته باشند

اصحاب کساء

از میان چهارده معصوم پنج وجود مقدس را اصحاب کساء گویند
و آنها حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله محمد مصطفی حضرت امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب حضرت فاطمه زهراء حضرت امام حسن و حضرت
امام حسین علیهما السلام میباشند با اتفاق جمیع مسلمانان این پنج وجود
مقدس در زیر کساء اجتماع نموده و آیه شریفه **اِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ**
عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا در پاکیزگی
این بزرگواران نازل گردیده (آیه ۳۳ سوره احزاب).

ولایت اهل بیت

از جمله اموریکه در قرآن بر هر مسلمان فرض گردیده محبت و مودت
اهل بیت است پس دوست داشتن این خانواده و بنیراری حُسن از
دشمنان آنان از اسلام و ایمان است. امام باقر ع فرمود بنای اسلام

پرنج است نماز . روزه . زکوة . حج . ولایت اهل بیت یعنی

دوست داشتن آنان و آن بر همه مقدم است

تاریخ چهارده معصوم

نظر بر اینکه معرفت با احوال چهارده معصوم از دیانت است و دانستن

آن ولو بطور اجمال بر هر مسلمان لازم است تاریخ ولادت و وفاتهای آن

بزرگواران در این کتاب بطور اختصار بیان میشود انشاء الله تعالی

حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم

حضرت رسول خدا محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم فرزند عبد الله

فرزند عبد المطلب فرزند هاشم است مادر کرمه اش حضرت آمنه دختر

وهب است از جمله نامهای آن بزرگوار احمد است محمود از القاب اوست

کنیه مبارکش ابوالقاسم ^{۵۳} سنه پنجاه و سه قبل از هجرت در کوه معظنه

متولد گردید در اوایل جوانی مسافرت نمود و مشغول تجارت شد و در سن

بیت و پنج سالگی با حضرت خدیجه کبری ^{۲۵} مملکه العرب

از دواج نمود. و در سن چهل سالگی روز بیت و هفتم رجب سنه سیزده ^{۱۳}

قبل از هجرت مبعوث بر پیغمبری گردید در کوه حراء جبرئیل بر آن حضرت نازل

شد سیزده سال در مکه مکرمه و اطراف آن مردم را دعوت بتوحید و اسلام
 نمود در مخالفت قریش و دعوت نمودن اهل مدینه آنجناب را حضرتش
 در اول ربیع الاول سال چهاردهم پیغمبری از مکه مهاجرت بمدینه طیبه نموده
 و ده سال در مدینه قیام به تبلیغ فرمود اسلام را تا شهادت بشر را هدایت
 کرد امامت را معین فرمود اخیراً روز دوشنبه بیست و هشتم صفر
 سال یازدهم هجری در مدینه طیبه بعالم آخرت رحلت فرمود صلوات الله
 علیه و علی آله الطیبین عمر مبارک آنحضرت شصت و سه سال خیرین
 آن بزرگوار در مدینه طیبه هزار عالم اسلامی است و آن بزرگوار را معجزات
 بسیار است

معجزات آنحضرت

آنحضرت را معجزات بسیاری بوده است که از جمله آن معراج و شق القمر
 و قرآن است و صد معجزه ای دیگر از آنحضرت ظاهر گردیده که جای بیان آن
 نیست جنابش از گذشته و پوشیده و آینده خبر داد و مردم را به تحقیق

(۱) معجزه: محدث شهیر محمد بن علی بن شهر آشوب که در سنه ۵۸۷ هجری از دنیا رفت

معجزات آنحضرت را تجاوز از چهار هزارمینویسد

پدایت نمود و قرآن را که کتاب آسمانی مسلمانان است بر مردم خواند و امر
بجمله نمودن با احکام آن فرمود

کتابهای آسمانی^(۱)

خداوند یکصد و چهار کتاب بر انبیاء فرود فرستاد بر آدم ع ده صحیفه
و بر شیت فرزند آدم ع پنجاه صحیفه بر حضرت ادریس ع نسی صحیفه
بر حضرت ابراهیم ع ده صحیفه تورات را بر موسی بن عمران ع زبور را بر داود ع
انجیل را بر حضرت عیسی ع و قرآن را بر حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله
و سلم فرود فرستاد.

قرآن

کتاب آسمانی مسلمانان قرآن است در عرض بیست و سه سال^{۲۳}
دوره پیغمبری حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم بطور تدریج از
جانب خدا بزبان عربی فصیح نازل گردید و قرآن دارای همه گونه احکام و شریعت
است قرآن دارای باطن و ظاهری و دارای اشاره لطایف حقایق
و عبارات است و از جمله معجزات مسلم حضرت پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله
قرآن است که تا قیام قیامت محفوظ و پابرجا خواهد بود.

(۱) این تعیین چنانیکه از احادیث معلوم میشود منافی نیست با آیه ۲۱۳ که در سوره بقره آمده.

تاریخ قرآن

اولین سوره که بر رسول خدا صلی الله علیه وآله در کوه حراء در موقع بعثت

نازل گردید سوره اقرأ و آخرین آن سوره اذا جاء نصر الله است

تمام سوره های قرآن یکصد و چهارده سوره است و از میان سوره ها و الضحی

و آل نسر شرح یک سوره و سوره فیل و لیلای یک سوره بشمار

میرود لذا در نماز هر دو سوره باید یکجا خوانده شود و این قرآنی که در دست

میباشد همان قرآنی است که بر رسول خدا صلی الله علیه وآله نازل گردید

بدون کم و زیادیه ولی قرآنی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله سفارش آنحضرت

جناب امیر المؤمنین علیه السلام جمع نمود بهمان ترتیبی بود که از آسمان فرود آمد

حضرت فاطمه زهراء

جنابش دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله میباشد و والده ماجده اش

ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری بنت خویلد است ولادت با سعادت

حضرتش در کوه مظهر روز نهم جمادی الثانی پنج سال بعد از بعثت پیغمبر

صلی الله علیه وآله واقع گردید جنابش معصومه طاهره میبود از القاب آن

مختاره است سیده النساء العالمین سیده نساء اهل البیت

محدث بتول راضیه مرضیه صدیقیه کفینه آنحضرت ام الحسنین ام ابیها
 و ام الائمہ است سال دوم ہجرت در مدینہ طیبہ زواج آن مقدسہ
 با حضرت امیر المؤمنین علی علیہ السلام واقع گردید۔ ^{۱۳} نیز دہم یا چہار دہم
 و یا پانزدہم ماہ جمادی الاول ^{۱۵} سنہ یازدہم ہجری در مدینہ طیبہ وفات نمود
 اولاد آنحضرت حسن حسین زینب و ام کلثوم میباشند
 صلوات اللہ علیہم اجمعین

ائمہ دوازده گانه

اما مہمای برحق کہ یکی بعد از دیگری اوصیاء رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ
 میبودند دوازده نفر میباشند اول آنها امیر المؤمنین علی علیہ السلام
 دوم :- امام حسن علیہ السلام ^{۱۱} سوم :- امام حسین علیہ السلام ^{۱۲} چہارم :-
 امام زین العابدین علیہ السلام پنجم :- امام محمد باقر علیہ السلام ^{۱۳} ششم :-
 امام جعفر الصادق علیہ السلام ^{۱۴} ہفتم :- امام موسی کاظم علیہ السلام
 ہشتم :- امام رضا علیہ السلام ^{۱۵} نهم :- امام محمد تقی علیہ السلام ^{۱۶} دہم :-
 امام علی النقی علیہ السلام یازدہم :- امام حسن عسکری علیہ السلام
 دوازدهم :- امام غائب حضرت مهدی عجل اللہ فرجہ ^{۱۷}

تاریخ ولادت و وفات دوازده امام علیهم السلام

امام اول

امام اول حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام پدر بزرگوارش ابوطالب
 فرزند عبدالمطلب بن هاشم قرشی کنی والده ماجده اش فاطمه بنت اسد
 بن هاشم قرشی ولادت آن بزرگوار در کعبه در مکة مکرمه روز جمعه سیزدهم
 ماه رجب ۲۳ سنه قبل از هجرت واقع گردید در دامن جناب سولحدا
 صلی الله علیه و آله پرورش یافت در بزرگی او را وزیر و وصی خود قرار داد
 روز غدیر خم یوم نهم ذی الحجه سال دهم هجری در محضر یکصد و بیست هزار
 صحابی او را خلیفه و امام مقرر گردانید لقب او را امیر المؤمنین قرار داد از
 جمله القاب او یعسوب الدین حیدر مرتضی و از جمله کنیه های او ابوالحسن
 ابوالحسنین ابوتراب

maablib.org

علی علیه السلام اول کسی است که اسلام آورد و با پیغمبر نماز
 خواند از آنحضرت بسیار کرامات و معجزات ظاهر گردید از امورات پوشیده
 و آینده خبر میداد در راه اسلام مجاهده بسیار نمود در سنه سی و شش
 هجری مسلمانان با جنابش بخلافت ظاهری بیعت نمودند پس از آن مهاجرت

بگوفه نمود پس از چهار سال و نه ماه از خلافت در ^{مکه} بیت و یکم ماه رمضان المبارک
 سنه چهل هجری در کوفه وفات نمود و سبب شهادت آنحضرت ضربت
 عبدالرحمن بن ملجم مرادی بود که در موقع نماز صبح در حالت سجده در نوزدهم ماه
 رمضان المبارک بر آنحضرت وارد گردید فریغ مقدس آنحضرت در نجف اشرف
 میباشد اولاد آن بزرگوار سی و هشت روایت شده است

امام دوم

امام دوم: امام حسن علیه السلام پدر بزرگوارش علی علیه السلام
 والدۀ ماجده اش حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله ولادت
 آنحضرت در مدینه طیبه شب نیمه ماه رمضان سنه سه از هجرت واقع شد
 رسول خدا ص او را حسن نام نهاد از القاب آنحضرت است زکی مجتبی
 امین تقی و از کنیه های او ابوالقاسم ابو محمد جنابش بسیار حلیم و عبور
 و شجاع میبود در سال چهل هجری با معاویه صلح نمود از اینجا سیاست از
 دیانت در اسلام جدا گردید حضرتش ده سال بعد از پدر بزرگوارش امامت
 نمود در ^{۲۸} بیت و هشتم صفر سنه (پنجاه) در مدینه طیبه وفات نمود
 و سبب وفاتش زهری بود که معاویه نرود و آنحضرت جُوده فرستاد

و صد هزار درم نیز باو داد آنگاه جُده آنحضرت را زهر خورانید ضریح مقدس
در مدینه طیبه در بقیع است

امام سوم

امام سوم - امام حسین علیه السلام پدر بزرگوارش علی علیه السلام
والده ماجده اش حضرت فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشند
ولادت باسعادتش در سوم ماه شعبان سنه چهارم هجری در مدینه طیبه
واقع گردید رسول خدا ص اورا حسین نام نهاد از القاب جنابش و فی
طیب زکی و مبارک است کنیه آنحضرت ابو عبد الله و ابوالاُمّیه
و ابوالساکین بعد از برادر خود امام حسن ع ده سال امامت نمود
آنگاه در دهم محرم سنه شصت و یک هجری در کربلای معلی شهید شد سبب
شهادتش طغیان یزید بن معاویه و این زیاد بود ضریح مقدس در کربلای
معلی مشهور و فرار مسلمین و دوستان خانوادہ رسالت است.

امام صادق علیه السلام میفرماید کسیکه قبر حسین را زیارت کند برای
خدا. خدا او را از آتش جهنم آزاد خواهد کرد.

امام چهارم

امام چهارم :- امام زین العابدین نام آنحضرت علی است پدر
 بزرگوارش امام حسین ع والده ماجده اش شهر بانو دختر زید جرد پادشاه
 ایران ولادت آن بزرگوار پنجشنبه یا جمعه پانزدهم ماه جمادی الاول ۳۸
 سی و هشت هجری واقع گردید از القاب آنحضرت است زین العابدین
 سید سجاد زین الصالحین و از کنیه های آنجناب ابوالحسن و ابو محمد
 بعد از پدر بزرگوار خود سی و چهار سال امامت نمود آنگاه بسبب زهر ولید بن
 عبد الملک در بیست و پنجم محرم ۹۵ هجری در مدینه طیبه وفات
 نمود ضریح مقدس آنجناب در بقیع است

امام پنجم

امام پنجم :- امام محمد باقر علیه السلام است پدر بزرگوارش حضرت
 امام زین العابدین علیه السلام والده ماجده اش فاطمه دختر امام حسن
 مجتبی علیه السلام روز پنجشنبه غره رجب ۵۷ هجری در
 مدینه طیبه متولد گردید از القاب جنابش شاکر و هادی است مشهورترین
 القاب آنحضرت باقر است کنیه آنجناب ابو جعفر است بعد از پدر

بزرگوارش نوزده سال امامت نمود آنگاه بزهر ابراهیم بن ولید اموی روز
دوشنبه هفتم ذیحجه ۱۳۱ هجری قمری و چهارده هجری در مدینه طیبه وفات نمود
و در بقیع مدفون گردید

امام ششم

نام آنحضرت جعفر علیه السلام است لقب آن بزرگوار صادق است
پدر بزرگوارش امام محمد باقر ع والده ماجده اش فاطمه مشهور باقم فروه
دختر فاسم بن محمد بن ابی بکر است ولادت با سعادتش در مدینه طیبه
طلوع فجر جمعه هفتم ربیع الاول ۸۳ هجری واقع گردید رسول خدا ص
از امامت آنحضرت خبر داد و صادق لقب نمود صحابه، ظاهر، فاضل از
لقاب جنابش میباشد کتبه آنحضرت ابواسمعیل و ابو عبدالله است
مخصوصاً در روایات و احادیث باین کتبه نام برده میشود و چون مذهب
امامیه اثنی عشریه در عصر جنابش پیش از سابق اشتهار یافت مذهب را
با آنحضرت نسبت دهند و مذهب جعفری گویند جنابش مرجع علماء
و دانشمندان اسلامی بود چهار هزار (۴۰۰۰) نفر شاگردان آنحضرت بود
که از آن جناب استفاده علمی نموده شرک احکام نمودند کرامات و آیات

سیاری از آنحضرت ظاهر گردید ^{۲۴}سی و چهار سال بعد از پدر بزرگوارش
 امامت نمود و در عمر شصت و پنج سالگی بزهر منصور و وایتقی روز دوشنبه
 نیمه ماه رجب ^{۱۴۸}هجری در مدینه طیبه وفات نمود روضه آنحضرت
 در بقع مزار اهل ایمان است از فریاشات آنحضرت است که در موقع
 وفات فرمود هرگز نرسد شفاعت ما کسیکه نماز را سبک شمارد.

امام مہتمم

نام آنحضرت موسی علیه السلام لقب مشهور آنجناب کاظم پدر بزرگوارش
 حضرت امام جعفر الصادق ع والده ماجده اش حمیده که افضل زنان عصر
 خود از جهت عقل و دیانت بود ولادت با سعادت آنجناب در ابواء که نزدیکی
 است بین مکہ و مدینه روز یکشنبه ^{۱۲۸}مہتمم ماه صفر سنه هجری واقع گردید۔ امام
 صادق ع برای ولادت آنجناب سه روز اہل مدینہ را بعنوان ولیمہ اطعام
 نمود از القاب ان بزرگوار باب الحوائج، ملاذ الفقراء و المساکین، زین
 المجتہدین، عبد الصالح، و الصابر و از کنیہای آنجناب ابو الحسن ابو ابراہیم
 ابو علی ابو اسماعیل. ^{۵۳}سی و پنج سال بعد از پدر بزرگوارش امامت نمود
 و نشر احکام شریعت را فرمود اخیراً پس از چهار سال در حبس ہارون الرشید

در بغداد سندی بن شاکت بامروی آنحضرت راز هر خورانیید روز بیست و پنجم^{۲۵}
 رجب ۱۸۳ سنه وفات نمود عمر مبارکش پنجاه و پنج سال بود جنازه آنحضرت
 را با کمال احترام نقل بمقابر قریش که امروزه از برکت آنحضرت شهری گردیده
 و بنام کاظمین مشهور است نموند ضریح مقدس آن بزرگوار امروزه هزار شیعه
 و ملجأ خاص و عام است صلوات الله علیه

امام هشتم

نام آنحضرت علی است علیه السلام مشهور برضاغ پدر بزرگوارش
 حضرت امام موسی بن جعفر غ والدۀ ماجده آنحضرت نجمه است لقب
 آن مکرمه طاہره و کنیہ اش ام البنین مشهورترین القاب آن بزرگوار رضا
 است و از القاب آنحضرت وفی، رضی، صابر کنیہ آنجناب ابوالحسن
 ولادت با سعادتش روز جمعه و در روایتی روز پنجشنبه یازدهم ماه ذیقعدۀ الحرام
 ۱۵۳ سنه هجری در مدینه طیبہ واقع گردید جنابش در علم و عمل ممتاز و سرآمد
 بنانسان عصر خود بود علمای اسلامی و جامعه شیعه بحضرتش رجوع مینمودند
 کرامات بسیاری از آن جناب ظاهر گردید در سال ۲۰۰ هجری مأمون الرشید
 حضرتش را برای ولایت عهد از مدینه طیبہ بخراسان دعوت کرد و مردم با

انحضرت بیعت نمودند و پس از بیست سال امامت در عمر پنجاه و پنج سالگی
 روز سه شنبه هفدهم صفر ۳۸۰ هجری وفات نمود و سبب شهادت انحضرت
 زهری بود که مأمون در آب انگور یا آب انار تعبیه نموده و با انحضرت خوراند و روضه
 مبارکه آنجناب در مشهد مقدس مرجع خاص و عام و مزار عموم امامیه و اولیاء
 کرام است زیارت انحضرت مستحب مؤکد و موجب بخشش گناهان است
 و مخصوصاً در ماه رجب و بیست و سوم و بیست و پنجم و یقعه زیارت انحضرت وارد گردید

امام همام

نام انحضرت محمد قرع لقب مبارکش تقی پدر بزرگوارش حضرت امام
 رضاع و والده ماجده اش خیران کنیه آن سیده ام الحسن ولادت
 با سعادتش در مدینه طیبه روز جمعه یا شب جمعه دهم ماه رجب المرجب ۱۹۵ سنه
 هجری و از القاب انحضرت است جواد، مرتضی، منتجب کنیه انحضرت
 ابو جعفر است (۱) حضرتش در عمر ۳۸ سالگی با امامت رسید در علم
 و حکمت همان مرتبه را داشت که خداوند به یحیی و عیسی علیهما السلام در کودکی
 عطا نمود پس از پدر بزرگوارش هفده سال امامت نمود از آن جناب

(۱) کنیه امام محمد باقر قرع ابو جعفر است و باین مناسبت حضرت امام محمد تقی ابو جعفر ثانی گویند

آثار و علوم بسیاری ظاهر گردید مأمون الرشید دختر خود ام الفضل را با حضرت
 تزویج کرد چون معتصم^(۱) بخلافت رسید آن جناب را به بغداد دعوت نمود
 و کمال احترام را در باره آنحضرت مرعی میداشت بسینه ام الفضل زوجه
 آن حضرت جنابش را بزهر شهید گردانید و روز سه شنبه آخر ذی قعدة^{۲۲}
 هجری در بغداد وفات نمود و در کاظمین نزدیک روضه جد بزرگوارش حضرت
 موسی بن جعفر علیهما السلام مدفون گردید عمر شریفش بیست و پنج سال بود
 و آن حضرت را پنج اولاد بود موسی حلیمه حکیمه ام کلثوم و حضرت امام
 علی النقی

امام دهم

نام آنحضرت علی است لقب مبارکش نقی است پدر بزرگوارش
 امام محمد تقی والده ماجده اش سمانه و کنیه آن سیده ام الفضل است
 جنابش در مدینه طیبه جمعه پانزدهم ذی الحجه^{۲۱۲} هجری متولد گردید و از
 القاب آن حضرت است هادی، امین، مؤمن، متوکل، عسکری
 و کنیه آن جناب ابوالحسن و ابوالحسن ثالث میگفتند بعد از پدر بزرگوارش

(۱) معتصم بالله ابو محمد اسحق پسر هرون الرشید

سی و سه سال امامت نمود متوکل خلیفه عباسی آنجناب را از مدینه طیبه
 دعوت بسامراء نمود و معتز در دوره خلافت خود آنحضرت را بزهر شهید نمود
 عمر مبارکش چهل سال بود روز دوشنبه بیست و ششم جمادی الثانی
 ۲۵۴ هجری وفات نمود و در خانه خود در سامراء مدفون گردید از جمله اولاد
 آن حضرت سید محمد است که قبر وی در بکنده بین کاظمین و سامراء مشهور
 و منظر کرامات است و از جمله اولاد های آن حضرت جعفر است که دعوی
 امامت نمود و مشهور بکذاب گردید و بعد ما توبه نمود و از جمله اولاد های آنحضرت
 امام حسن عسکری علیه السلام است.

امام یازدهم

نام آنحضرت حسن مشهور بعسکری علیه السلام پدر بزرگوارش امام علی التقی
 والده ماجده اش سیده حدیث و بعضی نویسندگان گفته اند از جمله القاب آن بزرگوار
 لادی، صامت، زکی، سراج، عسکری میباشد کفیه مبارکش ابو محمد است
 جنابش در مدینه طیبه جمعه هشتم ربیع الثانی ۲۳۲ هجری متولد گردید
 بیست و سه سال با پدر بزرگوارش بسربرد و بعد از پدر بزرگوارش

(۱) متوکل جعفر بن المعتصم (۲) معتز المعتز بالله پسر متوکل

شش سال امامت نمود آثار و کرامات با همه از آن حضرت ظاهر شد در جمعه
 هشتم ربیع الاول سنه ۲۶ هجری بواسطه زهر معتمد^(۱) شهید گردید روضه مبارکش
 در سامراء جنب ضریح مقدس پد بزرگوارش مشهور و فرار دوستان
 اهل بیت و شیعیان امامیه میباشد

امام دوازدهم

نام آنحضرت محمد از القاب مشهور آن جناب مهدی علیه السلام است
 والد بزرگوارش امام حسن عسکری ع والده ماجده اش زرجس که او را ملکه
 میگفتند دختر یسوعا فرزند قیصر پادشاه روم از اولاد حواریین که نسبش بشمار
 وصی حضرت مسیح میرسد شب نیمه شعبان سنه ۲۵۵ در سامراء متولد گردید
 صاحب الزمان و هادی، صاحب الامر، قائم از القاب آنحضرت میباشد
 و کنیه آن جناب کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوالقاسم است.
 جنابش از همان کودکی دارای علم و حکمت و فصل الخطاب بود و در گهواره
 تکلم نمود چنانکه حضرت عیسی ع در گهواره تکلم کرد پذیر بزرگوارش چون از دنیا
 رفت عمر آنحضرت پنج سال بود برای آنحضرت دو غیبت واقع شد یکی

(۱) معتمد المعتد علی الله احمد پسر متوکل

غیبت صغری و دیگری غیبت کبری و در حقیقت خداوند آنجناب را یگانه و خیره

جهان قرار داد و او را چون عیسی غ و خضر غ عمر طولانی عطا نمود و از روی حکمت

از نظر با پوشیده داشت تا وقتیکه مصلحت مقتضی شود برای اصلاح عالم ظاهر گردد

امام غائب حضرت مهدی عجل الله فرجه و حیات وی

هستی و غیبت امام زمان عجل الله فرجه بطریق صحیح ثابت شده

است یزدان پاک در کتاب آسمانی خود فرمود **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ**

خَلِيفَةً من قرار دهنده هستم در زمین جانشینی را در این آیه مبارکه یزدان

مهربان وقت و زمان برای بودن خلیفه معین نمود بلکه با حالی فرمود که خلیفه بطور

همیشگی روی زمین خواهد بود

حضرت آدم غ و سلسله جلیله انبیاء و اوصیاء تا پیغمبر خاتم صلوات

الله علیهم اجمعین همه خلفای الهی بوده اند در روی زمین و بعد از پیغمبر اکرم

آئمه دوازده گانه اوصیاء آنحضرت خلفای الهی میبودند حضرت مهدی

عجل الله فرجه که دوازدهمین امام است پس از پدر بزرگوار خود بخلاف

الهی مقرر گردید علمای سنت و شیعه در کتابهای احادیث خود با اتفاق نقل

نموده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آمدن مهدی خبر داد و فرمود پسر

وزین را پُر از عدل و داد کند چنانیکه پُر از جور و ظلم شده باشد. عمر طولانی حضرت
 مهدی و زندگانی شش باین اندازه از سال - جای تعجب نیست چه این
 معنی اختصاص با حضرت ندارد بلکه دیگران پیش از این عمر نموده اند.
 حضرت خضر ع چهار هزار سال تقریباً زنده است. الیاس زنده است
 عیسی بن مریم ع قریب دو هزار سال است زنده است. از مردودین
 که شیطان است تا بحال او هم زنده است. از گذشتگان حضرت نوح ع
 ۲۵۰۰ سال زندگانی نمود و فقط در میان قوم خود قبل از طوفان ۹۵۰
 سال بسر برد چنانیکه در قرآن میفرماید "فَلَبِثَ فِي قَوْمِهِ آلْفَ سَنَةٍ
 إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا" لقمان الاکبر ۱۵۰۰ سال عمر نمود. غرض اینکه
 زندگی حضرت مهدی باین اندازه از عمر امر تازه نیست و نظیر آن بسیار
 است و اما غیبت وی پس مقصود از آن پوشیده شدن جنابش
 از دیده های تنهایی نیست بلکه ممکن است که در میان مردم زیست نموده
 و توده او را شناسد و حکمت ناشناسی و غیبت حضرتش حفظ مردم
 از کفر و ارتداد و از بعضی امور دیگر که جای بیان آن نیست
 پس اگر جنابش ظاهر میبود مردم از وی خواهشاتی مینمودند و بر حسب

مصلحت چون با خواهشهای آنان همراهی نمیفرمود البته مخالف جنابش
 میشدند و یا اگر خواهش نمیدادند که حضرتش ظهور فرماید و چون موقع آن نرسیده
 ممکن است تکذیب آنحضرت میشد و این خود سبب میگردد که مردم از
 دیانت بدر شوند پس بدین سبب وجود امام اسباب معصیت و اختلاف
 میگردد ولی فعلا که در غیبت است غیبتش لطف و اسباب رحمت
 است برای همگی. و اما حتمی بودن ظهورش علاوه بر روایات صحیح
 حکمتهای بسیاری برای آن میباشد که گنجایش بیان آن نیست همین
 قدر کافی است برای اهل دانش که این انقلاب عالم و اختلافیکه در میان
 بشر روز بروز در تزايد است اگر بحال خود بماند در نتیجه یا باید بشر فنا شود
 و سلسله نسل انسانی منقطع گردد. و یا آنکه باید مصلحی بیاید و عالم را بطور
 بی غرضانه اصلاح کند چنانیکه در دوره سابق انبیاء ظاهر می شدند
 و اصلاح می نمودند هم چنین در این دوره باید مصلح کلی که خلیفه خدا
 و مهدی غائب عجل الله تعالی فرجه است ظاهر شود و عالم را اصلاح کند
 و آن بر حسب میزان و روایات وقتی خواهد بود که بواسطه فشاریکه بر بشر
 رخ دهد مردم شب و روز آرزوی مصلحی کنند و روزگار خود را بانتظار وی

سربرند و البته آن وقتی است که دو قسمت از سه قسمت بشر یا هفت
قسمت از نه قسمت مردم نابود گردیده و دو قسمت دیگر بجا مانده باشند
چنانکه در روایات و اخبار آمده است.

مختصری از حالات حضرت مهدی عجل الله فرجه

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یکی از آیات بزرگ پروردگار

میباشد جنابش چون متولد گردید بر ذراع راستش جاء الحق و زهق
الباطل ان الباطل كان زهوقا نوشته بود (یعنی ظاهراً گردید حق
و نابود شد باطل بدستیکه باطل نابود شدنی است) در آن موقع خدا
را سجده کرد شهادتین بر زبان جاری گردانید حکیمه خاتون عمه امام
حسن عسکری ع فرزند برادرزاده را بغل گرفته نزد امام ع برد بسخن
درآمد شهادتین بر زبان جاری کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و آئمه را
یاد نمود. بعضی از آیات قرآن را قرائت کرد پس از آن بر حسب دستور
اسلامی امام علیه السلام بعثمان بن سعید عمری فرمود که گو سفندانی چند برای
آنحضرت عقیقه نماید نام آن بزرگوار محمد است و در روایات نھی
از بردن آن بر زبان آمده و از القاب آنحضرت است مهدی،

صاحب الزمان، قائم. و چون این لقب بر زبان برده شود ایستادن
 بعنوان تعظیم و احترام از شعار امامیه است جنابش هم چون حضرت
 یحیی ع و عیسی ع است که خداوند از کودکی بوی حکمت عطا نمود. در
 گهواره بسخن در آمد یک شب پس از ولادت. نسیم خادم امام حسن
 عسکری ع بر آن جناب وارد گردید. در آن اثناء نسیم عطسه نمود، حضرت
 مهدی ع فرمود **يُوحِيكَ اللَّهُ** آنگاه بوی فرمود تو را بشارت میدهم
 ای نسیم که عطسه نمودن تا سه روز امان است از مرگ. حکیمه خاتون میگوید
 پس از چهل روز که بیدار برادرزاده رفتم کودک دو ساله را یافتم که در پیش
 امام ع راه میرفت من بشگفت آدم و گفتم ای سید من این فرزند دو ساله
 است حضرت فرمود اولاد انبیاء و اوصیاء در حضور تکیه امام باشند
 نشوونمای آنها برخلاف نشوونمای دیگران است.

حضرت مهدی در شکل و شمایل و اخلاق مانند رسول خدا ص بود نام
 و کنیه اش نام و کنیه رسول خدا ص است در همان ایام کودکی از آنحضرت
 معجزاتی چند ظاهر گردید که کنجایش بیان آن نیست چون سال مبارکش
 پنج رسید پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت

قبل از وفات بشیعیان جنابش را معرفی نمود لذا بعد از وفات تمامی
 شیعه بجنابش رجوع نمودند و چون امام حسن عسکری ع از دنیا رفت
 جعفر کذاب که مدعی امامت شد خواست بر امام نماز بخواند ناگاه امام
 غایب ظاهر گردید و امن جعفر را گرفت و عقب نمود و گفت دور شو ای
 عمو که من اولی تر میباشم بنماز بر پدر خود. آنگاه ایستاد بنماز و با جماعت
 بر پدر بزرگوار خود نماز خواند و از دیدگان غائب شد در آن هنگام عمر
 آنحضرت تقریباً پنج سال بود.

و این غیبت در حدود هفتاد سال طول کشید و در این مدت چهار
 نائب از طرف آن جناب کارروائی مینمودند و در ماه شعبان ۳۲۹ هجری
 آخرین نواب از دنیا رفت و غیبت صغری بی پایان رسید

تا بحال جنابش زنده و در پشت پرده غیب موجود است
 و تا فرمان خدا نشود ظاهر نخواهد شد پس چون ظاهر شود عالم را اصلاح
 کند و آسایش را نشر دهد. البته در دوره غیبت جنابش مردم مگلفند که
 که تکلیف خود عمل کنند خود و جامعه خود را بمقتضای زمان با حفظ قانون
 شرعی اداره نمایند و به بهانه غیبت آنحضرت تنبلی و سستی و بی پروائی

نمایند امر معروف و نهي از منکر را از دست ندهند و تکالیف خود را
حواله بعصر ظهور نکنند خداوند همگی را دیده بنیاد توفیق، همیشگی عطا فرماید
و ظهور موفور السرور جنابش را نزدیک فرماید انشاء الله تعالی .

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ
وَاعْوَانِهِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

یادآوری :- نظر بر اینکه از آثار عقیده و دیانت، زنده داشتن

نام و نشان بزرگان دیانت و نمایندگان مذهب است . و معلوم است

که اولین بزرگان دین و مذهب در اسلام چهارده معصوم صلوات الله علیهم

اجمعین میباشند - لازم است که دوستان و علاقمندان بانام نام

و نشان آنها را زنده دارند در ایام ولادت آنان خوشنود و در ایام

وفات آنان غمگین باشند .

از وسایلی که امروزه برای زنده داشتن نام و نشان آنها با موقعیت

وقت مناسب است دارد آنست که در شب ولادت آن بزرگواران چراغهای

خود را زیاده از عادت خواه خانه دکان و یا جای دیگر اگر چه برای پنج دقیقه

باشد روشن نمایند . و در شبهای وفات تمام چراغهای خود را خاموش

کنند اگر چه برای یک دقیقه باشد تا که بسبب آن کوچک و بزرگ زن
و مرد متاثر شوند و از بزرگان دین و نمایندگان مذہب یاد کنند و رفته رفته
اطفال خورد و نو باوگان نسبت بان آشنا گردیده و در اثر آن دین و مذہب

زنده ماند

غیبت صغری

غیبت صغری در شصت و نه^{۶۹} روز و نه^{۷۰} روزی هفتاد و سه سال بانتهاء رسید چه
از سنه ۲۶۰ تا سنه ۳۲۹ امتداد یافت در این مدت شماره ارشیعیان
خاص حضرت مهدی را ملاقات نمودند و مخصوصاً چهار نفر نواب خاص و اسطه
بین آنحضرت و مردم بودند و آنها را نواب اربعه گویند مرکز آنها بامام
علیه السلام بغداد مقرر گردید چنانکه امروزه قبور آنها در بغداد است
سوالات و حوائج و حقوق و هدایای شیعه را بامام علیہ السلام می رسانیدند
و جواب مسائل و احکام را از امام گرفته بانها می فهمانیدند

نواب اربعه

اول آنها عثمان بن سعید بود که پنجاه سال نیابت کرد و چون از دنیا
رفت پسرش محمد بن عثمان بامام نایب خاص گردید و در جمادی الثانی

۳۰۳ هـ از دنیا رفت پس از وی شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی
 بامر امام غم متصدی نیابت خاص شد و در شعبان ۳۲۶ هـ وفات نمود
 و پس از آن نایب چهارم علی بن محمد سمری بامر امام غم قیام به نیابت کرد
 و در نیمه شعبان ۳۲۹ هـ وفات نمود و مدت نیابت خاقعه و عصر غیبت
 صغری بانتهاء رسید و دوره غیبت کبری پیش آمد

غیبت کبری

در دهم شوال ۳۲۹ هـ غیبت کبری شروع گردید و تا امروزه که
 ۳۷۰ هـ می باشد تقریباً هزار و چهل و یک سال است که از غیبت
 آن بزرگوار میگذرد و مراد از غیبت کبری آنست که آن حضرت از نظرها
 پنهان است و او را کسی نمیشناسد ولی ممکن است بعضی از خواص خد
 آن جناب برسند و یا آنکه مردم او را ببینند و نشناسند و انتهای این غیبت را
 کسی نمی داند مگر حضرت یزدان تعالی شأنه و در عصر غیبت کبری مرجع امامیه
 در احکام شریعت نواب عام آنحضرت میباشد
 و مراد از نواب عام علماء و مجتهدینی هستند که صلاحیت داشته باشند
 که شیعه امامیه در احکام شریعت با آنها رجوع نمایند.

ملاحظه :- انتظار ظهور آنحضرت یکی از امور مسیت که موجب اجر و ثواب
 است چه در روایات وارد گردیده که باینکه بانتظار ظهور آنحضرت سربرد
 چنان است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نزد آنحضرت شهید
 گردیده پس مناسب است که برادران و خواهران دینی تحمیل ظهور آنحضرت
 را از خدا بخواهند - و از خواندن دعای عهد نامه که در این کتاب مندرج است
 کوتاهی نمایند

(۱) شیعه امامیه اثنی عشریه

هر مسلمانی که عقیده مند بخانواده رسالت باشد و پیروی آنها را ملتزم
 گردد و با امامت دوازده امام معترف باشد اورا شیعه امامیه اثنی عشریه گویند

شیعه در اسلام

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است حضرتش مسلمانان را

(۱) در زبان عرب پیروان شخص و یاوران دوستان اورا شیعه گویند و نیز بر فرقه

جداگان شیعه گفته میشود و در اسلام شیعه نام خاصی است برای پیروان علی علیه السلام

و کسانی که بدوستی اهل بیت مشهوراند

امر محبت علی علیه السلام و سائر اهل بیت تطهیر نمود آیات^(۱) بسیاری

را که در شان آنها فرود آمده طهارت و ولایت و پیشوائی آنها را بیان

نموده بر آنها خواند مودت و دوستی آنها را که خدا جبر رسالت^(۲) قرار داد

نهم ارشاد کرد پیروی^(۳) و اطاعت آنان را بر امت واجب گردانید

(۱) در آیات الولاية هزار و یک آیه نقل نموده (الذریعة) و در منابع الموده

شیخ سلیمان حنفی نقشبندی طبع قسطنطنیه ص ۱۲۶ ربع قرآن را نقل نموده که در

حق اهل بیت نازل شده و علمای سنت رضی که از آن جمله است امام جلال الدین

سیوطی شافعی در تاریخ الخلفاء . و احمد بن حجر حنفی در صواعق المحرقة . و شیخ

سلیمان حنفی نقشبندی در منابع الموده شیخ صد آیه روایت نموده اند که در باره

علی فرود آمده .

(۲) قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (سوره شوری آیه ۲۳)

چون این آیه فرود آمد سؤال نمودند که کیانند اقربای تو یا رسول الله فرمود علی

و فاطمه و دو فرزند آن (حسن و حسین) از جمله علمای سنت که آن را روایت نموده

اند در مؤلفات خود امام جلال الدین سیوطی شافعی در تفسیر در المنثور ج ۶ .

زمخشری در تفسیر کشاف ج ۳ . امام فخر الدین رازی شافعی در تفسیر کبیر ج ۷ .

ترمذی در جامع . محبت طبری در ذخائر العقبی . ابوالسعود در تفسیر خود . بیضاوی در

تفسیر خود ج ۲ . احمد بن حجر حنفی در صواعق المحرقة . شیخ سلیمان حنفی نقشبندی

در منابع الموده و غیره .

(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که من دو چیز سنگین را در میان شما می گذارم

کتاب خدا و عترت من اهل بیت من پس اگر تمسک بآنها کنید هرگز بعد از من گمراه نخواهید

شد و این حدیث که مشهور بحدیث ثقلین است متفق علیه است از جمله مؤلفات

و پیروان آنها را اهل جنت شمرده و فرمود یا علی^(۱) تو و شیعیان تو در جنت
 میباشید و فرمود شیعیان علی در قیامت نجات یافته گانند.
 و فرمود شیعیان علی را سبک شمارید که هر یک شفاعت کنند در قیامت
 باندازه قبیله ربیع و مضر. خوانندگان گرامی مراد از شیعه دوست
 و پیرو است پس باید کوشش در اطاعت و پیروی نمود تا در زمره
 شیعیان داخل گردید.

مذهب شیعه

مذهب طریقه ایست در احکام شرع که انسان ملتزم بآن می گردد
 و مذهب شیعه همان احکام و شریعی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 بیان فرمود و ائمه علیهم السلام در عرض سیصد و نوزده سال امامت خود
 برای شیعه بیان نمودند.

اهل سنت که در آن حدیث ثقلین نقل شده، صحیح مسلم، جامع ترمذی، مسند
 احمد حنبل، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تفسیر فخر رازی (مفتاح الغیب)،
 صواعق المحرقة ابن حجر حنفی، تفسیر در المنثور امام جلال الدین شافعی، و تاریخ الخلفاء
 دی. و مستدرک حاکم، وینابح المودّة، و سنن الکبریٰ بیهقی و غیره.
 (۱) احادیث و روایات در فضیلت شیعه بسیار وارد شده و علمای سنت رضی الله عنہم نقل نموده
 اند آنان جمله است ابن تیمیّه احمد بن عبد الجلیل حنبلی در کتاب القصار المسلمون و امام سیوطی شافعی در

مذهب جعفری

از میان ائمه علیهم السلام چون زمان امام صادق جعفر بن محمد
 علیهما السلام برای نشر احکام و بیان حلال و حرام تا اندازه بی مانع
 و دشمنان آنان بخود مشغول^(۱) علما و محدثین و فقهاییکه شماره آنها چهار هزار^{را}
 نقل نموده از هر طرف برای گرفتن احکام در محضر امام حاضر گردیده و اخذ
 علم و حدیث را از آنجناب می نمودند و چون حضرتش با کمال آزادی اهتمام
 در نشر آن نمود و احکام را بیان کرد مذهب بجنابش نسبت داده شد
 و مذهب امامیه مشهور بمذهب جعفری گردید.

تقلید در شیعه

کسی که مجتهد نیست و قانون عمل با احتیاط را چنانیکه در جای خود
 مقرر است نداند تقلید مجتهد عادل بر او واجب است و باید دانست که
 در اصول دین تقلید نیست بلکه بر هر شخصی لازم است که بقدر قوه از اصول
 تفسیر در المنثور ج ۶ و محمد بن جریر شافعی در تفسیر جامع البیان و ابن اثیر جزری در کتاب نهایة
 و شیخ سلیمان حنفی در بیاض الموده و احما بن حجر حنفی در صواعق المحرقة،
 (۱) چه در آن مدت دوره انقلاب و القراض دولت بنی امیه و روی کار آمدن دولت
 بنی العباس بود و در ۱۳۳ هجری خلافت بنی العباس شروع گردید.

دین خود تحقیق کند خدا و رسول و امام را بشناسد - و اساساً عقیده مند
بروز قیامت گردد و نیز در ضروریات اسلام و مذہب تقلید نیست و مرا

از ضروریات چیزهایی است که در دین و مذہب ثابت و روشن است مانند
شماره نمازهای واجب و عدد رکعات آن و حقیقت قرآن و کعبه و ملائکه

و بهشت و دوزخ و امثال آن . و اما باقی احکام اسلام مثل احکام

طهارت و نجاست و مسائل نماز و روزه و خمس و زکوٰۃ و حج و سایر

فروع و احکام آن که در رساله‌ها نوشته شده تقلید در آن واجب است کسی

که ترک تقلید کند و خود مجتهد نیست و طریقه احتیاط را چنانکه گفته شده

نداند عملش باطل است

تقلید مجتهد عادل

مجتهد کسی را گویند که بواسطه تحصیل علم اجتهاد میتواند احکام شریعت

اسلام را مطابق مذہب جعفری از قرآن و احادیث معتبر بیرون آورده

بیان کند

عادل :- عادل کسی را گویند که گناه کبیره نکند و اصرار بر گناه صغیره

نداشته باشد.

پس پیروی مجتهد عادل و احکام او بفرمایش^(۱) امام غائب حضرت
 مهدی عجل الله فرجه بر تمام شیعیان واجب است و در زمان غیبت کبری
 او نائب امام غایب می باشد بشرط آنکه مجتهد مرد بالغ عاقل حلال زاده باشد.
مفتی :- چون مجتهد بیان احکام شرع را مینماید او را مفتی گویند

(یعنی فتوی دهند).

مقلد :- چون دیگران پیروی او را در احکام شرع میکنند
 او را **مقلد** (بفتح لام) گویند
مقلد :- کسیکه پیروی مجتهد را میکند و فتوی او عمل مینماید او را

مقلد (بکسر لام) نامند.

تقلید :- پیروی نمودن مقلد مجتهد را تقلید گویند.

(۱) و اما من کان من الفقهاء صائناً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لا امر مولاہ
 فلا عوام ان يقلدوه و فرمود فانہم حجتي علیکم و انا حجة الله علیہم و فرمود
 الراد علیہ كالراد علینا و الراد علینا كالراد علی الله - مراد از فقهاء مجتهدینی هستند
 که سزاوار تقلید میباشند. امام غایب فرمود فقہائیکہ نگاه دارندہ دین خود میباشند
 و مخالفت ہواہی نفس خود کنند و امر مولای خود را اطاعت کنند بر عوام است آنان را تقلید
 کنند. آنها بندگان حجت من بر شما و من ہستم حجت خدا بر آنها و در آنها رد بر ما است و رد
 بر ما رد بر خدا است.

حقوق مجتهدین و علماء

از عصر ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین تا شروع غیبت کبری
 و از آن زمان تا بحال و بعد ازین نیز علماء و مجتهدین مروجین احکام شرع و ناشر
 دیانت اسلام و حافظ قوانین الهی و راهبران ملت بوده و خواهند بود
 از این جهت است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود علمای امت من
 مثل انبیاء بنی اسرائیل عیاشند. و فرمود سیاهی قلم علماء افضل
 است از خون شهداء و فرمود است نفرانند که در قیامت شفاعت کنند
 انبیاء و علماء و شهداء و فرمود نشستن نزد عالم عبادت است و نظر بصورت وی مطابق
 است با شصت سال عبادت. امام باقر علیه السلام فرمود عالمیکه منتفع بعلم او
 شوند افضل است از هفتاد هزار عابد. اتفاق نمودن بر عالم از بسیاری اتفاقات
 افضل و مطابق بهفت هزار محسوب میشود و نماز عقبی و در هر جمیع با صد هزار رکعت نماز مطابق است

ضروری مذہب

هر امریکه از طریق مذہب ثابت و روشن است آن را ضروری مذہب
 گویند. پس کسیکه انکار ضروری مذہب کند از مذہب خارج میشود
 از ضروریات مذہب امامت و خلافت بلا فصل جناب امیرالمؤمنین

علی بن ابی طالب علیه السلام و امامت باقی ائمه و عصمت آنها و فضیلت آنها بر دیگران بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و حیات امام غائب و بقاء آنحضرت تا عصر ظهور (عجل الله فرجه)، و نیز از ضروریات مذهب است تقیة

تقیة در اسلام

تقیة پرهیز کردن است از دشمن برای حفظ جان، مال، ناموس و دین و آنچه که حفظ آن واجب است بر انسان عقلاً و شرعاً و تقیة امریست معقول مشروع. خداوند در قرآن بآن اشاره نموده و فرموده

”لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً“

ال عمران آیه ۲۸ و باز فرمود در باره مؤمن آل فرعون

”وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ“

سوره مؤمن آیه ۲۹ یعنی وگفت مردی مؤمن از کسان فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را و نبود کتمان ایمان در او مگر برای تقیة و حفظ جان و جمعی از علماء سنت روایت نموده اند که ”التقیة جائزة الى يوم“

(۱) از ان جمله جلال الدین سیوطی شافعی در تفسیر در المنثور ج ۲ ص ۱۶ و فخر رازی شافعی تفسیر کبیر ج ۲ ص ۶۴

القيمة " ودر رساله اعتقادیه صدوق است که تقیّه واجب است
 و رفع آن جائز نیست تا ظهور امام غائب عجل الله فرجه پس کسیکه آنرا
 ترک کند از دین امامیه خارج شده است

ارشاد و هدایت

نظر بر اینکه از واجبات پدر و مادر و مربیان کودکان و فرزندان تربیت
 نمودن آنان است با خلاق اسلام و با احکام شریعت مطهره و امور
 مذموبی پس لازم است که قبل از بلوغ کودکان را با اندازه اقتدار آنان
 بقسمتی از احکام آنها آشنا نمایند تا که در موقع بلوغ نسبت بدین
 خود حیران نشوند و نیز تکلیف خود را در معاشرت و زندگی با مردم بدانند
 و فریب در دزدان راه حقیقت را نخورند، بزرگترین مسئولیتی که یزدان پاک
 بر بندگان خود مقرر نموده تربیت اولاد و کودکان اسلامی است فرمود
 اول چیزی که در قیامت از انسان سؤال کنند از تربیت اولاد و نگاهداری
 عیال است - امام چهارم حضرت علی بن الحسین علیهم السلام فرمود
 از حقوق اولاد تو آنست بدانی که او از تو است خیر و شر او در دنیا
 بتو نسبت داده خواهد شد و تو مسئول تربیت او می باشی و بر تو میباشد

کہ اور ابا د ب نیک تربیت دہی و بظرف پروردگار را ہنمائی کنی و بر بندگی
وی اور امدد نمائی .

پس باید دانست نسبت با اولاد خود قسمی عمل نمائی کہ بدانی نسبت
بہ نیکی و ہمراہی با وی اجر و مزد خواہی برد و بر بدی نسبت بوی سزا دادہ
خواہی شد و ہم چنین در روایات دیگر نسبت بہ تربیت اولاد تا کید
اکیدہ وارد گردیدہ کہ جای بیان آن نیست . پس پدر و مادر نباید
آنی غفلت از اولاد خود کنند در تربیت آنها باید کوشش نمایند خصوصاً
از معاشرت نا جنس و کسانی کہ مردم را بزبان فریب میدہند و از کردار نیک
و اوامر شرع باز دارند جلوگیری کنند و باید بفہمائند کہ اخلاق و دیانت بعمل
است بزبان خالی نیست پس کسانی کہ مردم میفہمائند کہ باید دل پاک باشد
این یک قسم را ہنر فی است و بزرگترین وسیلہ گمراہ نمودن جاہل است
برای آنکہ نشانہ دل پاک عمل است ، اگر کسی بنایش عمل برخلاف
شرعیات باشد چگونہ میتوان او را پاک دل دانست پس پاک دل
کسی است کہ اندیشہ او نیک و عمل او نیکو است . بہر حال انسان
باید کوشش کند فرزندان را از د خرو پسر شریف و نجیب پاکدامن

و عقیده مند مسلمان بار آورد و از همان ایام کودکی احکام اسلام را
گوش زد و آنها نمایند - بخواندن نماز و گرفتن روزه عادت دهند - مذہب را
ذہن نشین آنها نمایند مخصوصاً دختران را در همان ہفت سالگی و پس از
را در وہ سالگی عادت بخواندن نماز و گرفتن روزه دهند و بحرام و حلال
آشنا نمایند تا کہ در موقع بلوغ بتکلیف خود برسند .

علامت بلوغ

کودک چون بمرتبہ از عمر رسد کہ زشت و زیبایا بشناسد او را
میز گویند و پوشانیدن نامحرم بدن خود را از میتر واجب است و چون
بمرتبہ از عمر کہ بر او واجب میشود عمل نمودن با حکام شرع او را بالغ گویند
پس دختر وقتی بالغ شود کہ سال نهمین عمر وی تمام و در سال دہم دخل
شود و پسر بنا بر مشہور وقتی بالغ میشود کہ سال پانزدہمین عمر وی تمام
و در سال شانزدهم دخل شود و اگر قبل از شانزدهم محکم گردد و یا موی
درشت بر زہاروی روید نیز بالغ خواهد بود پس کودک پسر باشد یا دختر
چون بالغ شود بر او واجب میشود کہ عمل با حکام اسلام نماید و اگر پسر
خفته نشدہ است بر او واجب است کہ خفته نماید .

احکام اسلام

احکام اسلام پنج است اول واجب دوم حرام سوم مستحب
چهارم مکروه پنجم مباح

واجب :- آنرا میگویند که آوردن آن لازم و ترک آن جائز نیست
و ترک کننده آن مستحق عذاب الهی میشود مثل نماز روزه و سایر
واجبات اسلام

حرام :- آنرا گویند که آوردن آن جائز نیست و آوردن آن مستحق
عذاب الهی است مثل خوردن شراب و کشتن نفس محترمه و سایر محرمات
اسلامی و ترک واجبات

مستحب :- که آنرا استت نیز گویند چیزی است که آورنده آن
مستحق ثواب میشود و ترک آن گناه نیست مثل خواندن نمازهای مستحبی
و شستن دست در موقع خوراک و غیره .

مکروه :- آنرا گویند که بر آوردن آن گناهی نیست ولی ترک آن
بہتر است مثل چیز خوردن در حال جنابت و نماز در حمام که موجب قلت ثواب است
مباح :- آنرا گویند که آوردن و نیاوردن آن باختیار خود شخص است

مانند بسیاری از احوالات طبیعی و اجتماعی که همیشه انسان بان مشغول است
از قبیل خوردن و خوابیدن، نشستن، رفتن و غیره و کسیکه کار مباح را
برای خوشنودی خدا کند مستحب میشود و مستحق ثواب میگردد.

و باید دانست که حلال و حرام اسلام همین احکام پنجگانه اند که بیان
گردید و یاد گرفتن آن باندازه لزوم بر هر مسلمان واجب است و در دوره
نجیبت امام زمان علیه السلام بر تمامی شیعه امامی اثنا عشری که پیروان
مذهب حق میباشند واجب است که احکام شریعت را از مجتهد عادل
بگیرند و یا آنکه رجوع بر سآله مجتهد عادل نمایند و آنرا بیا موزند و هر گاه
کسی قابل اعتبار باشد و نقل احکام از مجتهد عادل یا رسآله او کند
میتوان بقول او عمل نمود.

اقسام واجب

maablib.org

واجب بر چند قسم است

اول واجب عینی و آن عملی است که بر هر مکلف از مرد و زن

واجب میگردد مانند نماز، روزه و غیره

دوم واجب کفائی و آن عملی است که بر همه واجب است

تا وقتی که کسی قیام بان ننمود و پس همینکه دیگری قیام بان عمل نمود
 دیگران ساقط میگردد مانند تجیز اموات و نجات دادن غرق و امثال آن
 سوم واجب تخیری و آن واجب است که آوردن آن در میان
 چند چیز معین میگردد که شخص مخیر است که هر کدام را عمل نماید مثل کفاره
 خوردن روزه ماه رمضان المبارک که انسان مخیر است بین دو ماه روزه
 یا اطعام شصت مسکین یا آزاد نمودن یک بنده

صحیح و باطل

عملی که انسان آنرا بجا میآورد خواه واجب باشد یا مستحب اگر
 مطابق امر شرعی است آن را بجا آوردن آن عمل را صحیح گویند و هرگاه مطابق
 حکم شرع آورده نشود آنرا باطل گویند

عبادات

هر عملیکه در اونیت قربت شرط است آنرا عبادت گویند و مراد
 از قربت آنست که شخصی نیت کند این عمل را بجا میآوردم برای خوشنودی
 خدا و تقرب برحمت وی چنانیکه در نیت نماز و روزه و امثال آن
 این معنی شرط است.

معاملات

هر عملیکه شرع برای آن قانون وضع نموده و نیت قربت را
در آن شرط نفرموده آنرا معامله گویند مثل تجارت، زراعت، اجاره
و سایر معاملات و اکتسابات.

پاکیزگی در اسلام

اسلام یگانه دینی است که بنیای آن بر طهارت و پاکیزگی است
جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود "الطهور نصف الايمان"
یعنی پاکیزگی و طهارت نصف ایمان است و فرمود "بنی الاسلام
على النظافة" پایه اسلام بر پاکیزگی و نظافت گذارده شده است
و در حدیث است که فرموده حضرت باری است عز اسمه "بئس العبد

القاذوره" بدبنده ایست بنده پلید در قرآن آسمانی است
"إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ" خدا دوست

دارد توبه کنندگان و دوست دارد پاکیزگان را - پس بنا بر این

لازم است که برادران و خواهران دینی پاکیزگی و طهارت را منظور دارند

و از پلیدی و کثافت بپرهیزند و خانه خود را پاک و پاکیزه نگاه دارند.

اولاد خود را بطهارت ظاهری و معنوی بار آورند تا که گرفتاریها نیک و در زندگانی
سبب این پلیدیها صورت میگیرد و محفوظ بماند انشاء الله تعالی

مَطَهَّرَات

بدانکه مطهرات دو آرزو است

اول - آب - پاک میکند هر چیزی ^{متنجس} را که قابل پاک شدن
باشد بشرط آنکه آب نجس نباشد و مطلق باشد یعنی مضاف نباشد
و مراد از مضاف آبست که مخلوط با چیزی دیگر گردیده که تنهایی آب گفته
نشود - و یا آنکه شیره و عرق چیزی باشد مانند شربت گلاب و آب
نارگیل و امثال آن که مضاف اند - نه پاک کننده اند و نمیشود بآن
وضوء و یا غسل نمود - و آب مضاف بملاقات نجاست نجس میشود
اگر چه صد بار باشد

و آب مطلق بر چهار قسم است اول آب جاری و آن

آبست که از زمین بیرون آمده و روان شود مانند رودخانه و غیر آن

دوم آب باران که در حکم آب جاریست سوم آب چاه چهارم

آب ایستاده مثل آب دریا و غدیر و کرب - پس تمامی این آبها

پاک کننده مگر آنکه رنگ یا بو و یا مزه آن نجاست تغییر کند که در این
 صورت نه پاک و نه پاک کننده است ولی اگر آب ایستاده کمتر از
 گری باشد رسیدن نجاست یا متنجس بوی نجس خواهد شد و متنجس
 چیز نیست که عین آن پاک است ولی بسبب ملاقات نجاست نجس
 میشود مثل آب صابون و یا گلاب و یا آب قلیل مطلق که بملاقات لؤل
 و یا خون نجس میشود پس آنرا متنجس گویند و هرگاه چیزی باین متنجس
 متلاقی شود آن هم نجس خواهد شد. و اگر ظرفی است که اندازه آب
 گیران چهل و سه و جب الاثن باشد خواه حوض باشد یا غیر آن.
 مربع باشد یا مستطیل، مثلث باشد یا مدور یا بهر شکلی که باشد پس
 اگر ظرفی که طول و عرض و عمق آن هر یک سه و جب و نیم باشد پس
 از ضرب در یکدیگر چهل و سه و جب الاثنی میشود که اندازه گری است.
 و بحسب وزن اندازه آب گری یک هزار و سیست رطل عراقی است که بوزن
 بمبئی بیست و نه من و ربع میشود و آب گری طاهر است و مطهر.
 پس اگر گری نجس شود. پاک میشود بر نختن گری دیگر بران و یا اتصال

(۱) من بمبئی ۲۸ رطل است و رطلی صد مثقال است.

آن باب جاری و یا آنکه پارس بر آن بیمار و بشرط آنکه تغیر آن مرتفع شود
و آب چاه اگر متغیر شود نجاست باید با اندازه آب کشید که

تغیر آن بر طرف شود. و مخصوصاً در روایات برای نجس شدن چاه
اندازه معین گردیده پس اگر شراب یا هر مست کننده مایع

و یا قطعه و منی و یا یکی از خون حیض، نفاس، استحاضه و یا شتری
در آن بمیرد تمام آب چاه باید کشیده شود.

و اگر حیوانی چون گاو، اسب، قاطر، الاغ و امثال آن در

چاه بمیرد یک گز آب از آن باید کشید.

و از برای مردن انسان بمقادیر دلو. و از برای نجاست خشک شده

انسان که در آب مستهلک شود پنجاه دلو و برای ریخته شدن خون باید

مانند کشتن گو سفند روایت از شی^۳ الی چهل دلو وارد شده. و اگر

رو بابه یا خرگوش و خوک و گربه و سگ و امثال آن بمیرد چهل دلو باید

کشید و اگر نجاست انسان که مستهلک نشده باشد و خون بینی کم

در آن ریخته شود ده دلو باید کشید. و برای مردن کبوتر یا موش که ورم

کند و یا آنکه متلاشی شود. و بول پسر غیر بالغ و یا غسل نمودن جنب

در آن . و افتادن سنگ وزنده بیرون آمدن از چاه هفت دلو . و برای
 مردن مار و موش که از هم پاشیده نشده باشد سه دلو . و برای مردن
 کجشک و امثال آن یک دلو . و اندازه دلو باید مناسبت چاه باشد .
 و اما آب جاری اگر نجس شود پس از دور شدن نجاست و برطرف
 شدن تغییر طاهر خواهد شد .

دوم :- از مطهرات زمین است که پاک میکند کف پا و زیرپاوش
 را خواه کفش یا نعلین و یا چکمه و امثال آن باشد که براه رفتن بر زمین
 و دور شدن عین نجاست از آن پاک خواهد شد .

سوم :- آفتاب است که پاک میکند زمین و عمارت و در و پنجره
 و اشجار و هر چه را که قابل نقل نمودن نیست . پس اگر عین نجاست
 از آن دور شود و مرطوب باشد و آفتاب آنرا خشک نمود پاک خواهد شد .
 چهارم :- استحاله یعنی حقیقت چیز تغییر نموده چیز دیگر گردانند
 آنکه غدره خاک تر و سنگ در نمک زار نمک شود .

پنجم :- گرم شدن و دولت از فشرده آب انگور که باتش در
 جوش دادن گرم شود . البته ملت باقی مانده باطر و فیکه استعمال شده

پاک میگردود.

ششم :- انتقال مثل منتقل شدن خون نخس در بدن
حیوان پاک بقسمیکه جزء بدن وی شود مانند خونیکه پشه از انسان بکشد

و یا آنکه نجاست در زراعت جزء زمین گردد

هفتم :- اسلام است که پاک میکنند غیر مسلمانیکه اسلام آورد

و شهادتین بر زبان جاری کند.

هشتم :- تبعیت پس اگر کافر مسلمان شود اولاد نابالغ

وی تابع اویند باید حکم بطهارت آنها نمود

نهم :- زوال عین نجاست از بدن حیوان و باطن انسان

پس اگر منقار کبوتر و یا بدن حیوان بنجاست ملوث شود انگاه دور

گردد و یا خون که از دهان و گوش و بینی انسان بیرون آمده و دور

گردد پاک خواهد شد.

دهم :- غیبت . یعنی غائب شدن مسلم است که بدن لباس

و یا چیز دیگر که تعلق بوی دارد و میداند که نجس است چون غائب شود.

در موقع مراجعت باید حکم بطهارت آن نماید.

یازدهم^{۱۱} :- بیرون آمدن خون است از محل زنج حیوان یا محل نحر
 شتر بقدر متعارف پس خون باقی مانده در بدن حیوان محکوم ببطارت است.
 دوازدهم^{۱۲} :- استبراء حیوان جلال یعنی حیوان نجاست خوار که
 با استبراء نمودن آن پاک میشود. و مراد از استبراء منع نمودن حیوان
 است از خوردن نجاست و استبراء در حیوانات فرقی میکند مثلاً در
 شتر چهل^{۱۳} روز. و در گاو شش^{۱۴} روز. و در گوسفند ده^{۱۵} روز. و مرغ
 آبی هفت^{۱۶} روز. و مرغ خانگی سه^{۱۷} روز. و استبراء غیر آن اندازه آن
 تا جا نیست که از اسم نجاست خوار بیرون رود.

نجاسات

نجاسات یازده^{۱۱} است
 اول^۱ و دوم^۲ :- بول و غایط انسان و هر حیوانیکه حرام گوشت
 و صاحب خون جهنده باشد یعنی در موقع زنج خون وی جستن کند.
 سوم^۳ و چهارم^۴ :- منی و خون حیوانیکه خوش جهنده باشد خواه
 حلال گوشت باشد یا حرام گوشت
 پنجم^۵ :- میته. یعنی مردار حیوانیکه خون او جهنده باشد حلال

گوشت باشد یا حرام گوشت ولی مانند ناخن، پشم، مو، کرک و شاخ
و امثال آن که روح در آن حلول نمیکند پاک است.

ششم و هفتم - سگ و خوک صحرائی که تمامی اجزاء آن حتی

مو و ناخن وی نجس است.

هشتم - شراب و هر مست کننده که روان باشد اگر چه خشک شود

نهم - فقلع که شراب مخصوصی است که غالباً از جو ساخته میشود.

دهم - کافر است

یازدهم - عرق شتر نجاست خوار بلکه هر حیوان نجاست خواهد

و در نجاست عرق جنب از حرام اختلاف است. البته اجتناب
از آن را نباید ترک کرد.

کیفیت تطهیر متنجس

تطهیر متنجس خواه بدن باشد، لباس باشد، یا چیز دیگر با آب

کثیر خواه جاری باشد یا باران، یا آب گُر، یا آب دریا و امثال آن

پس از دور شدن نجاست از آن بیک فرا گرفتن آب آنرا کافی است

و در آب قلیل یعنی آب ایستاده کمتر از گُر بعد از رفع نجاست بر نخلتن

دو مرتبه آب بر چیز نجس پاک میشود. در بول بچه شیر خوار یک مرتبه
کافیست و چیزی که قابل فشار است در هر مرتبه باید فشار داده شود
پاک میشود

و اما ظروف نجس بعد از دور شدن نجاست بر نختن آب سه مرتبه
پاک میشود. و در صورتیکه بولوغ سنگ نجس شده باشد. باید آنرا
خاک مالی نمود پس از آن با آب بشویند و در برخی احادیث است که
آتش میدن خاک هفت مرتبه باید ظرف را شست.

احکام بیت الخلاء

در موقع تخلی شخص باید جائی بنشیند که از نظر با محفوظ بماند،

و واجب است پوشیدن عورتین را از نامحرم و حرام است رو قبله
و یا پشت قبله نشستن. و گروه است رو بافتاب یا ماه یا طرف
وزیدن هوا نشستن. و باید پس از فراغت استبراء نمود چه اگر استبراء
نشود و رطوبتی ظاهر گردد نجس است. و سبب شکستن وضوء است

و طریق استبراء آنست که از مقعد تا بیخ ذکر را فشار دهد و سه مرتبه از بیخ

تا سه حشفه و سه مرتبه نیز آنرا فشار دهد آنگاه دو مرتبه و بهتر سه مرتبه

بر محل بول آب بریزد پاک میشود و اما محل غایب پس از ریختن آب از آن
 شدن نجاست پاک است و نیز سنگ کهنه پاک و یا سنگ کلوخ و امثال
 آن پاک میشود بشرط آنکه حوالی آلوده نشده باشد و مکرره است در
 موقع تختی چیز خوردن، آشامیدن، حرف زدن، مسواک کردن
 و مستحب است که در موقع دخول بیت الحلاء پای چپ را مقدم داشتن
 و نام خدا را در دل آوردن و سر خود را پوشانیدن.

فروع اسلام

بدانکه تمامی احکام اسلام را فروع دین میگویند. و فروع دین

ده است

۱. اول نماز

۲. دوم. روزه

۳. سوم. زکوة است. و تارک زکوة مثل تارک نماز است امروزه

اگر همه مردم زکوة میدادند فقراء پایمال نمیشدند و اغنیا فقیر نمیکردند

و زکوة فطره یک قسم از زکوة است.

۴. چهارم. خمس، یعنی پنج یک مال که پس از خرج سال آنچه

از عایدات بماند خمس آنرا باید داد و خمس دو قسمت میشود یک قسمت آن
 سهم امام علیه السلام است که بدست مجتهد عادل داده میشود و با اجازه
 وی صرف میگردد. و قسمت دیگر آن بسادات و علویات مستحق داده میشود
 پنجم. حج، که در عمری یک مرتبه بر کسیکه قدرت داشته باشد
 واجب میشود.

ششم. جهاد است. و آن بامر پیغمبر و امام واجب میشود.

هفتم. امر معروف است. یعنی مردم را به نیکی راهنمایی نمودن.

هشتم. نهی از منکر است. یعنی مردم را از بدی منع کردن.

نهم. تولی. یعنی دوست داشتن رسول خدا ص و اهل بیت

آنحضرت و دوستان آنها را

دهم. تبرأ. یعنی دشمن داشتن دشمنان آنها را.

در فضیلت نماز و گناه تارک آن

بدانکه نماز یکی از ارکان (یعنی ستون) دین اسلام است

و از برای آن فضیلت بسیار است و از طریق شیعه و سنت روایات

و احادیث بسیار در فضیلت آن وارد شده است چنانیکه این

روایت را هر دو فرقی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده اند که آنحضرت
 تشبیه نمود نماز پنجگانه شبانه روز را بنهر جاری که بر در منزل شخص باشد
 و روزانه پنج مرتبه خود را در آن بشوید پس آنحضرت ص من فرمود . اگر
 روزی پنج مرتبه در آن نهر خود را شست و شو کنید ای دیگر شما کثافت
 میماند . یعنی هم چنین خواندن نمازهای پنجگانه شبانه روز گناهان را
 از نمازگذار دور میکند و او را از گناهان پاک و پاکیزه مینماید . و نیز
 فرمود ص نماز ستون دین است اگر قبول شود باقی اعمال قبول
 میشود و اگر رد شود باقی اعمال نیز رد خواهد شد . و هم چنین فضایل
 دیگر در باب نماز بسیار وارد شده است که گنجایش بیان آن
 در این کتابچه نیست . و اما نسبت به ترک کننده نماز . در اسلام
 روایات سخت وارد شده است . پیغمبر اکرم ص من فرمود فرقی بین مسلم
 و اینکه کافر شود نیست مگر ترک نماز واجب عمداً و یا آنکه سستی کند نسبت
 بآن و آنرا بجای آورد . در حقیقت خلاصه روایت میرساند .
 نماز نشانه اسلام است و ترک آن
 نشانه کفر است

مقدمات نماز

بدانکه بر هر نماز گذاری قبل از نماز خواندن هشت چیز واجبست .
 اول . وضوء . دوم . پاک بودن لباس و بدن . سوم .
 شستن عورتین . و از برای زنان پوشیدن تمام بدن است مگر چهره و
 کف دست و در قدیم بهتر پوشیدن است . چهارم . شناختن
 وقت نماز است . پنجم . قبله شناختن است و قبله کعبه است که
 در مکه معظمه میباشد . ششم . جای نماز غصبی نباشد . هفتم .
 جای سجده پاک باشد . هشتم . جای سجده هموار باشد یعنی پست
 و بلند نباشد مگر با اندازه چهار انگشت ضرر ندارد .

یادآوری

در صورتیکه غسل واجب است بر انسان باید قبل از نماز غسل کند
 و اگر وضوء واجبست باید وضوء بگیرد و اگر هر دو واجب است باید هر دو
 را بجای آورد و اگر چیزی مانع از استعمال آب باشد تیمم بگیرد

در احکام طهارت سه گانه وضوء، غسل و تیمم

واجب است وضوء و غسل و تیمم برای نماز واجب و طواف واجب
مس کتابت قرآن، و واجب میشود بنذر و عهد و قسم. و شرط است
در صحت نماز مستحبی وضوء یا غسل و تیمم. و برای هر چیزیکه وضوء یا
غسل یا تیمم گرفته میشود باید نیت نمود و در نیت خوشنودی خدا را باید
منظور داشت و در موقع شروع نمودن بوضوء مستحبت است
بگوید "بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي
مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ" و مستحبت است بسه کف آب مضمضه کند یعنی
دهن را بشوید و بسه کف دیگر سه مرتبه استنشاق نماید یعنی بینی را
بشوید و مسواک کند اگر چه بانگشت باشد بعد از آن شروع بوضوء نماید
واجبست که وضوء را باین ترتیب بجا آورد اول صورت را از
رُستگاهِ مُو تا چانه بطول و آنچه را که انگشت بزرگ و وسط فرا گیرد بعض
صورت بشوید پس از آن بدست چپ از مرفق تا سر انگشتان دست
راست را بشوید نگاه بدست راست دست چپ را از مرفق تا سر انگشتان

بشوید پس از آن بهمان رطوبت پیش سر را با دست راست مسح کند
 و بهتر آنست که بعرض سه انگشت باشد. بعد از آن پای راست را
 بدست راست و انگاه پای چپ را بدست چپ از سر انگشتان تا بلندی
 پشت پا مسح کند. و مستحب است بعد از فراغت وضوء بگوید:
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ
 مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ رَابِعًا. و مستحب است
 خواندن سوره انا انزلناه و بعضی دعاهای وارده دیگر در حال وضوء.
 و نیز مستحب است که مرد موقع شستن دستها از پشت دست
 وزن از باطن دست شروع کند.

شرائط وضوء

شرائط وضوء یازده است

اول. نیت چنانکه گفته شد. دوم. ترتیب. سوم. موالا
 یعنی اعضای وضوء را پی در پی بجا آوردن. چهارم. در موقع امساک
 خود متصدی وضوء شدن. پنجم. آب وضوء مطلق باشد. ششم.
 پاک باشد و مستحب بنجس نباشد. هفتم. مضاف نباشد. هشتم.

غصبی نباشد. نهم. خالی از ضرر باشد. دهم. اعضاء وضوء پاک
باشد. یازدهم. جائیکه وضوء میگیرد غصبی نباشد.

نواقض وضوء

مقصود از نواقض وضوء چیزهاییست که بسبب آن وضوء شکسته
میشود و آن یازده است

اول. بول. دوم. غایط. سوم. ریح (باد). چهارم.
جنابت. پنجم. خوابیکه بر چشم و گوش غلبه کند. ششم. دیوانگی.
هفتم. بیهوشی و مستی. هشتم. بیرون آمدن رطوبت از محل
بول اگر استبراء نشده باشد. نهم. حیض. دهم. نفاس.
یازدهم. استحاضه.

احکام جبیره

در صورتیکه عضو وضوء گیرنده شکسته و بسته باشد آن را جبیره
گویند. و در حکم آنست زخمهاییکه از خارج بدن رسیده و یا بواسطه دبل
و غیره بسته باشد در این صورت شستن موضع وضوء و غسل لازم
نیست بلکه همان رطوبت مسح نمودن بر موضع جبیره کافی است و باید

محل مسح بر جبهه پاک باشد. پس اگر نجس باشد پارچه پاک بر آن نهاد
و دست را بهمان رطوبت بر آن کشند کافیت

غسلهای واجب

غسلهای واجب شش است.

اول. جنابت و آن حاصل میشود باحتلام یعنی در خواب دیدن
و بیرون آمدن منی از شخص و با نزال منی در خارج. و بلاقات زوجه
بتفصیلیکه در کتب فقیه و رسالهای عملیه آمده است.

دوم. غسل مس میت آدمی است بعد از سرد شدن بدن
و قبل از غسل دادن میت. پس در این صورت مس کنند باید
غسل نماید.

سوم. غسل میت است که در باب احکام اموات آمده است
چهارم. غسل حیض است. و حیض خونی است که زنان

هر ماه آرامی بینند و اندازه کمتر آن ستر روز است و بیشتر آن ده
روز است. و این خون بعد از بلوغ ظاهر میشود و در عمر پنجاه سالگی
بانتهاء میرسد. و چون زن حیض بیند نماز و روزه از او ساقط

است ولی بعد از پاکی روزه را باید قضا کند. و حائض نمیتواند طواف
کعبه. و مس کتابت قرآن نماید و از مسجد الحرام و مسجد پیغمبر ص
مروزماید و در مساجد توقف کند. و مستحب است که زن حائض
در وقت نمازهای واجب وضوء بگیرد و در مصلائی خود باندازه وقت
نماز خود بنزد خدا مشغول شود و چون پاک شود غسل کند.

پنجم. غسل نفاس است. و آن خونبست که در موقع
ولادت ظاهر میشود و بیشتر آن ده روز است و احکام آن مثل
احکام حیض است.

ششم. غسل استحاضه است. و آن خونبست که بواسطه
بیماری و نقاهت و یا قبل از بلوغ و یا بعد از ایام نفاس و زمان
یأس از عادت حیض عارض میشود. و آن سه مرتبه دارد.

مرتبه اول. استحاضه قلیله. و نشانه آن چنان است که
خون از لثه که بخود گرفته است نگذرد. در این صورت باید لثه را عوض
کند و خود را طاهر نموده وضو گرفته نماز بخواند.

مرتبه دوم. استحاضه متوسطه است که خون لثه را فرا گیرد

ولی زیادتی نکند باید برای نماز صبح لثه را عوض نموده خود را طاهر کند
و غسل نموده نماز بخواند.

مرتبه سوم. استحاضه کثیره است که خون از لثه می گذرد
و زیادتی مینماید باید برای نماز صبح لثه را عوض نموده و خود را طاهر کند
و غسل نماید و بهمین ترتیب برای نماز ظهر و عصر غسل دیگر کند و برای
نماز مغرب و عشاء نیز غسل جداگانه نماید ولی باید برای هر نماز وضوی
علیحده بگیرد.

اقسام غسل و کیفیت آن

طریق غسل نمودن دو قسم است یکی ترتیبی که سه عمل است
و آن شستن تمام سر و گردن است اولاً پس از آن شستن طرف
نیمه راست بدن و بعد از آن شستن طرف نیمه چپ بدن و عورتین را
در ضمن شستن راست و چپ بشوید

و دیگری ارتعاشی است و مقصود از آن شستن تمام بدن است
بفرو رفتن در آب یک مرتبه. و شرط است در غسل نیت قربت
و آنکه بدن و آب طاهر باشد. غصبی نباشد. مشتبه بنجس نباشد.

مضاف نباشد. استعمال آب خالی از ضرر باشد. مکان غسل

غصبی نباشد.

و در غسل جنابت لازم است که قبل از غسل استبراء ببول کند

تا که مجرای بول از منی خالی شود و هرگاه بعد از غسل استبراء شود باید

دوباره غسل کند و در تمامی غسلها برای نماز وضو واجب است مگر

غسل جنابت که وضو لازم نیست.

غسلهای مستحبی

غسلهای مستحبی بسیارند از جمله آن غسل روز جمعه که روایت

در وجوبش نیرآمده و وقت آن از طلوع فجر روز جمعه شروع می شود.

غسل شب عید فطر و روز آن که روز اول ماه شوال است و غسل روز

دحوالارض که بیست و پنجم ذیقعدة الحرام و غسل روز ترویبه هشتم

ذیحجه و روز عرفه نهم ذیحجه و روز عید قربان دهم ذیحجه و روز عید غدیر

بیست و یکم ذیحجه و روز مباہله بیست و چهارم ذیحجه و روز عید مولود

پنجمینم ربيع الاول و روز عید نوروز و روز اول و نیمه آخر ماه

رجب و لیالی آنها و روز مبعث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بیست

و هفتم رجب و شب نیمه شعبان و شب اول ماه رمضان المبارک
 و شبهای طاق آن و شب نیمه و شبهای قدر نوزدهم و بیست و یکم
 و بیست و سه و سیم ولی در شب بیست و سوم دو غسل است اول و آخر
 شب. و شبهای هفدهم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست
 و نهم ماه رمضان المبارک.

و بسیاری از غسلهای دیگر از قبیل غسل زیارت و غسل احرام
 و دخول مکه معظمه و مسجد الحرام و غسل توبه و غیره مستحب است و جای
 بیان زیاده از آن نیست

در احکام تیمم

تیمم واجب میشود عوض غسل و وضوء در موقعیکه آب یافت
 نشود و یا آنکه آب طاهر و مباح نباشد. یا قدرت بر مهیا نمودن
 آب نداشته باشد. یا استعمال آب ضرر داشته باشد. و یا حسیل
 آن اسباب ضرر باشد و یا که وقت برای غسل و وضوء نباشد پس
 در این صورت تیمم نموده نماز بخواند و تیمم جائز نیست مگر بر زمین پاک
 و خاک پاک و اگر نباشد بر عیار نیز جائز است.

کیفیت تیمم

کیفیت تیمم آنست که باطن و دست را با هم بر زمین زند آنگاه پیشانی و دو جبین را از رُستنگاه مومتا اول بینی مسح کند پس از آن بباطن دست چپ پشت دست راست را و بباطن دست راست پشت دست چپ را از بند دستها تا سر انگشتان مسح کند و برای غسل دوباره بضربت دیگر پشت دستها را مسح کند و نیز برای وضوء هم دو ضربت وارد است و مستحب است که چون دستها را بر زمین زند قبل از مسح تکان داده آنها را بهم زند. نیت و قصد قربت و شرایط و نواقضیکه در وضوء گفته شده در تیمم جاریست و از جمله نواقض تیمم رسیدن آب و یا رفع مانع است.

در لباس نمازگذار

واجبست بدن و لباس نمازگذار طاهر باشد و اگر مرد باشد عورتین خود را بپوشاند و پوشانیدن از ناف تا ساق ترک نشود. و بر زن واجبست پوشانیدن تمام بدن مگر چهره و کف دستها و قدیمین و بهتر است پوشانیدن قدیمین اگر ممکن شود و شرط است

در لباس نمازگذار اگر مرد باشد آنکه حریر خالص نباشد طلا و زر باف
 نباشد. و برای نمازگذار چه مرد باشد یا زن باید لباس غصبی و یا
 جزء حرام گوشت نباشد. میتنه یعنی مردار نباشد. مشتبه بنجس
 نباشد و در صورتیکه سائر برای نمازگذار نباشد بان بودن نظر کننده ایستاده
 نماز بخواند و الا نشسته بخواند و برای رکوع و سجود اشاره نماید.
 و سحت است آنکه نمازگذار برای نماز تجمل و زینت کند.

جای نمازگذار

جای نمازگذار باید مباح باشد یعنی غصبی نباشد و محل سجده
 پاک باشد و جای نماز اگر نجس باشد و سرایت بدن و لباس نکند
 باکی نیست. و سحت است نماز در مسجد خوانده شود و برای زن در
 خانه افضل است از مسجد و در سبت توی خانه افضل است از خانه
 و در صورتیکه حضور او در مسجد منافی اخلاق و شریعت نباشد نماز در مسجد
 برای او فضیلت دارد. و در موقع نماز خواندن باید فاصله بین مرد
 و زن خواه محرم باشد یا نامحرم اقل از ده ذراع باشد مگر آنکه زن
 پشت سر مرد نماز خود را بخواند و هر که فاصله را ملاحظه نکند نماز هر کدام

که متأخر است باطل است .

احکام قبله

قبله در اسلام کعبه است که در مکه معظمه و در مسجد الحرام واقع گردیده و محل آن از عمق زمین تا آسمان به اندازه که بالا و پائین رود قبله است لذا نماز گذار چه در دریا یا صحرا یا در هوا یا جوف زمین و یا هر جا که باشد رو بکعبه نماید توجه بقبله است نمازش صحیح است .

و واجبست توجه بقبله در سه موقع اول برای نماز دوم توجه

دادن میت در موقع احتضار و خوابانیدن در قبر چنانیکه خواهد آمد سوم در موقع کشتن حیوان .

چیزهاییکه در نماز معفو است

خون کمتر از درهم اگر در لباس یا بدن نماز گذار باشد باکی نیست بشرط آنکه خون حیوان بحس العین مثل سگ و خوک و خون نفاس و حیض و استحاضه نباشد و اگر مبتلا بخون قروح مانند زخم و دنبل و یا خون جروح مانند زخم چاقو و امثال آن گردد بودن آن در بدن و یا لباس نماز گذار ضرری ندارد و نمازش صحیح است .

نمازهای پنجگانه شبانه

روز و اوقات آن

اول. نماز صبح. و آن دو رکعت است و وقت آن از اول

طلوع صبح صادق است تا قبل از طلوع آفتاب

دوم. نماز ظهر است. و آن چهار رکعت است و وقت

آن از زوال ظهر است تا بمقدار چهار رکعت وقت بغروب مانده ولی

باندازه چهار رکعت از اول وقت مختص بظهر است

سوم. نماز عصر. و آن چهار رکعت است و وقت آن

گذشتن باندازه چهار رکعت از زوال ظهر است تا غروب آفتاب.

و چهار رکعت بغروب مانده وقت مختص عصر است و وقت قبل از آن مشرک

است بین ظهر و عصر maablib.org

چهارم. نماز مغرب و آن سه رکعت است و وقت آن

بعد از غروب آفتاب بگذشتن سرخی مشرقی که از بالای سر و بطرف

مغرب میگذرد و اندازه آن تقریباً دو آذوقه دقیقه است، و باندازه

سه رکعت از ابتداء مغرب مختص نماز مغرب است انگاه وقت

نماز مغرب ممتد میشود تا نیمه شب .

پنجم . نماز عشاء . و آن چهار رکعت است و وقت آن

بعد از نماز مغرب است تا بعد از نیمه شب و چون مقدار چهار رکعت که

از آخر نیمه شب باقی مانده مختص نماز عشاء است .

یاد آوری

تاخیر انداختن نماز را از اول وقت که فضیلت بسیار دارد و حفا

بنماز و بی پروائی بشرع است . اخبار و احادیث معتبره در فضیلت

خواندن نماز در اول وقت وارد گردیده پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

فرموده " اول الوقت رضوان الله و آخر الوقت غفران الله "

(رضوان خوشنودی خدا و غفران گذشت بعد از گناه و تقصیر است)

پس برادران و خواهران دینی را شایسته است که تا ممکن است

خدا را خوشنود نموده نماز را در اول وقت بخوانند و اولاد را بر آن تربیت کنند .

نماز جمعه در اسلام

از جمله فریضهای اسلامی که وجوب آن مسلم است نماز جمعه

است اگر چه در عصر غیبت نسبت بان اختلاف شده است ولی

بسیاری از علمای متقدمین و متأخرین بر وجوب عینی آن چنانیکه در شریعت آمده است
 زنده اند رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه خود فرمود و اعلموا ان الله فرض
 علیکم الجمعة الی یوم القیمة خداوند نماز جمعه را بر شما فرض نمود تا روز قیامت و فرمود
 من ترک ثلاث جمع متعمداً من غیر علة طبع الله علی قلبه بخاتم النفاق
 یعنی کسیکه سه جمعه را بدون سبب ترک کند خداوند دل او را بنفاق مهر خواهد نمود.
 و در ثواب نماز جمعه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده
 است که فرمود در هر جمعه بر شما یک حج و یک عمره است پس حج آن
 روز رفتن بنماز جمعه است و عمره آن روز انتظار نماز عصر است بعد از
 نماز جمعه. از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود من
 ضامن شدم برای شش نفر که برخدا است از برای آنها بهشت یکی
 از آنها کسی است که برای نماز جمعه رود پس بمرد برای او است
 بهشت. و از امام صادق روایت شده که فرمود نیست از قدمی
 که کوشش کند از برای نماز جمعه مگر آنکه خدا بدین او را بر آتش جهنم حرام
 گرداند. و روایات بسیاری در ثواب نماز جمعه و تأکید بجا آوردن
 آن وارد گردیده که گنجایش بیان آن نیست.

راستی اگر ما مسلمانان مخصوصاً شیعه امانت‌آینی عشریه بر این اجتماع
اسلامی و انجمنهای دینی، مفتگی در هر شهر قیام مینمودیم و پایند آوردن آن
میشدیم باین اندازه تنزل نمی نمودیم و از خود بی خبری گشتیم
کیفیت نماز جمعه و شرائط آن

در روز جمعه بجای نماز ظهر نماز جمعه خوانده میشود و در آن موقع باید
ترك معاملات و بیع و شرا کرد و چنانکه خداوند در قرآن پاک در
سوره جمعه آیه ۹ بآن اشاره فرموده "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ
وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ" نماز جمعه باید
بجماعت آورده شود بکتر از پنج نفر با امام نمیشود پس لا اقل چهار نفر
مأموم و یک نفر امام باید باشد و قبل از نماز باید خطبه ادا شود
و مستحب است که در موقع خطبه خطیب بر منبر با عصا خطبه را ادا کند
و باید وقت نمود وقت نماز جمعه نگذرد و الا جمعه ساقط میشود و دو
جمعه در یک شهر منعقد نمیکرد مگر بفاصله یک میل
نماز جمعه بر زن و مسافر نیست و اگر حاضر شوند ثواب نماز

جمعه را خواهند برد بلکه مسافر ثواب صد نماز خواهد برد. و نیز نماز جمعه بر پیر
سالخورده، کور، لنگ، دیوانه، بیمار، بنده نیست. و بر کسیکه شش
میل از جای انعقاد نماز دور است نماز جمعه نیست ولی اگر کمتر از شش
میل باشد باید حاضر شود.

نماز جمعه دو رکعت است مستحب است که در رکعت اول بعد از
حمد سوره جمعه و در رکعت دوم بعد از حمد سوره منافقون را بخواند و مستحب
است که قبل از رکوع رکعت اول قنوت بگیرد و در رکعت دوم چون سر
از رکوع بردارد قنوت دیگر را بجا آورد و نماز را تمام کند

در اذان و اقامه

بدانکه مستحب است اذان برای آگاه نمودن وقت نماز که آنرا
اذان اعلام گویند و برای نمازهای پنجگانه شبانه روز. و اما در سایر
نمازهای واجبه مانند نماز عیدین و نماز میت و نماز آیات و غیره ۳ مرتبه
الصلاة گفتن کافیت و مستحب است که آرام در گوش راست
طفل تازه بدنیا آمده اذان گفتن و در گوش چپ وی اقامه گفتن.
و مستحب است که در نمازهای یومیّه قبل از نماز اذان و بعد از آن اقامه

من ولی تا ممکن است اقامه را مخصوصاً مرد ترک نکند.

و جائز است که زن عوض اذان تکبیر و شهادتین و یا شهادتین را

بگوید و عوض اقامه تکبیر و شهادتین اکتفا کند. و ساقط است اذان

و اقامه از کسیکه داخل مسجد میشود و جماعت برپا است و یا آنکه فارغ

گرددیده و صورت جماعت باقی باشد

طریق اذان

طریق اذان اینست که گوینده اذان همانقسم که مقابل قبله ایستاد

است چهار مرتبه بگوید **اللَّهُ أَكْبَرُ** و دو مرتبه **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ**

إِلَّا اللَّهُ و دو مرتبه **أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ** (صلی الله

علیه و آله) و دو مرتبه **أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيِّ اللَّهِ** (علیه و اولاده

المعصومین سلام الله) و دو مرتبه **حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ** و دو مرتبه

حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ و دو مرتبه **حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ** و دو مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ**

و دو مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

ملاحظه :- باید دانست که اشهاد ان علیاً و ولی الله اگر چه جزء

اذان نیست ولی بعنوان تبرک در میان شیعه امامیه اثنی عشریه جاریست

طریق اقامتہ

اقامتہ مثل اذان است و لکن فرقی کہ دارد اینست کہ در اول عوض
چهار مرتبہ اللہ اکبر دو مرتبہ باید گفت و در آخر بعد از حی علی خیر
العمل دو مرتبہ قد قامت الصلوة و بعد از آن دو مرتبہ اللہ اکبر
و یک مرتبہ لا اله الا اللہ بگوید اقامتہ تمام میشود. آنگاه نماز گذار نیت
نموده داخل نماز میشود.

نیت و احکام آن

انسان با التفات ہر کار بر اہم میکند میدانند چه میکنند و برای چه میکنند
ہمان نیت اوست. پس در نماز و سایر عبادات نیت شرط است
و در صورتیکہ عبادت خواہ نماز باشد یا غیر آن اگر بدون نیت آورده شود
و یا آنکہ در نیت ریا و خود نمائی و شہرت و فائدہ دنیائی و نمائش و امثال
آن قصد شود عبادت باطل خواهد شد، بلکہ در نیت عبادت خلوص
و بندگی و قصد قربت شرط است بدون آن عبادت صحیح نخواہد بود.
و مراد از قصد قربت آنستکہ عمل را برای نزدیک شدن بر رحمت پروردگار
و کسب رضا و خوشنودی او بجا آورد.

واجبات نماز

بدانکه واجبات نماز دوازده است

اول قیام . یعنی ایستادن برای نماز .

دوم تکبیرة الاحرام . یعنی الله اکبر گفتن بعد از نیت .

سوم قرائت . یعنی خواندن الحمد و یک سوره بعد از آن خواه .

قل هو الله احد باشد یا غیر آن .

چهارم رکوع . یعنی خم شدن و دستها را برزانو گذاردن و برای

زن بالای زانو گذاردن مستحب است .

پنجم بسجده رفتن یعنی پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو پشت پا

را روی زمین گذاردن .

ششم ذکر رکوع و سجود . یعنی گفتن سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ

و بِحَمْدِهِ در رکوع و گفتن سه مرتبه تَرَكْ نشود . و در سجود گفتن سُبْحَانَ

رَبِّيَ الْأَعْلَى و بِحَمْدِهِ و آنرا نیز سه مرتبه گفتن تَرَكْ نشود .

و هرگاه نماز گذارنده مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ در رکوع و سجود بگوید کافی

است . و اما فرستادن صلوات در هر رکوع و سجود مستحب است .

هفتم خواندن تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم سه مرتبه و یا
عوض آن سوره الحمد بخواند.

هشتم تشهد

نهم سلام

دهم طأینة . یعنی بآرام نماز و اجزاء آنرا بجا آوردن .

یازدهم ترتیب . یعنی اجزاء نماز را یکی پس از دیگری بجا آوردن .

دوازدهم موالات . یعنی اجزاء نماز را پی در پی بجا آوردن و انیک

تفصیل نماز و صورت آن برای نمازگذار بیان میشود

رکن نماز

بدانکه ارکان نماز چیز نیست که بزیا دتی یا یکی آن عمدا و یا سهوا نماز باطل

میشود . و آن تکبیرة الاحرام و قیام متصل برکوع . و رکوع و دو سجده از

یک رکعت است .

چیزهاییکه بر آن سجده جایز است

سجده باید بر زمین پاک یا آنچه از زمین است واقع شود بشرط آنکه معنی

نباشد مانند نقره و طلا و فیروزه و امثال آن و پنجه نباشد چون سفال

و آجر و جایز است سجده نمودن بر آنچه از زمین روئیده بشرط آنکه خوردنی
و پوشیدنی مانند پنبه و کتان نباشد و جایز نیست بر برف و حریر و پشم
و سایر اجزاء حیوان.

و بهترین جای سجده که فضیلت بسیار دارد سجده بر تربت حضرت
سید الشهداء علیه السلام است.

شکایات نماز و اقسام آن

بدانکه نمازگذار چون مشغول بندگی است با تمام توجه نماز خود را به پایان
میرساند و تا ممکن است خود را از شك و سهو نگاه میدارد ولی چون گرفتار
شك و سهو شدن امر طبیعی است گاه بی اختیار نمازگذار گرفتار شك
میشود و بسبب شك در میان نماز یا بعد از آن مردود نماز خود میگردد و ازین
جهت است که برای شك کنندگان احکامی مقرر گردیده تا که نمازگذار
سبب آن بتواند بتکلیف خود برسد.

و تمام اقسام شکایات را در بیت و یک شك معین نموده اند
پنج قسم آن اعتبار ندارد یعنی شك کنندگان اعتنا بشك خود نکنند
و نمازش صحیح است.

و هشت قسم آن باطل است یعنی نماز شك کننده در این هشت
موقع باطل و باید آنرا بهم زد .

و هشت قسم آن صحیح است یعنی اگر کسی در این هشت موقع
شك کند با علاج نمازش صحیح است .

اما آن پنج قسم که اعتبار ندارد - اول - شك بعد از سلام
است که اعتنا نباید نمود و نمازش صحیح است مگر آنکه بسبب شك یقین
کند که رکعتهای نماز کم و زیاد گردیده مثل آنکه پس از فراغت از نماز چهار
رکعتی شك کند بین سه و پنج یعنی یقین کند که نماز وی سه رکعت و یا
پنج رکعت بوده در این صورت باید نماز را از سر گیرد .

دوم :- شك بعد از محلل یعنی اگر کسی شك در قسمتی از قسمتهای نماز
کند که محلش گذشته است نمازش صحیح است .

سوم :- شك بعد از وقت . پس بعد از گذشتن وقت نماز اگر
کسی شك در نماز خود کند اعتنا نکند نمازش صحیح است .

چهارم :- شك کثیر الشك . یعنی کسیکه در نماز شك بسیار
میکند اعتنای بشك خود نکند و نماز خود را به پایان رساند .

پنجم شك امام و مأموم با حفظ و بگیری . یعنی در نماز جماعت اگر امام
 شك کرد و مأموم در نظر دارد باید اعتنا بشک خود نکند و پیروی مأموم
 کند و اگر مأموم شك کند و امام در نظر دارد باید مأموم اعتنا بشک خود
 نکند و پیروی امام را نماید .
 و اما آن هشت شك که باطل است . اول شك در نماز دور کعتی
 مثل نماز صبح و نماز جمعه و نماز هائی که در سفر دور کعت میشود .
 دوم :- شك در نماز سه رکعتی مثل نماز مغرب
 سوم :- شك در نماز چهار رکعتی که پای یک در میان باشد یعنی
 نماز گذار شك کند که یک رکعت خوانده یا زیادتر .
 چهارم :- شك در نماز چهار رکعتی که پای دو در میان باشد انهم
 قبل از اكمال سجدتین .
 پنجم :- شك در میان دو و پنج .
 ششم :- شك در میان دو و شش .
 هفتم :- شك در میان سه و شش .
 هشتم :- شك در عدد رکعات یعنی نداند که چند رکعت خوانده .

و اما آن هشت شك كه صحيح است و تمامی آن در نماز چهار رکعتی است

اول :- شك در میان دو رکعت بعد از اكمال سجدتین یعنی بعد از تمام شدن دو سجده نماز گذار شك کند که آیا دو رکعت یا سه رکعت نماز خوانده پس بنا بر سه گزارد و رکعت چهارم را بجا آورد و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند .

دوم :- شك میان دو رکعت و چهار است بعد از اكمال سجدتین پس بنا بر چهار گزارد و نماز را تمام کند انگاه دو رکعت نماز ایستاده و دو رکعت نشسته بخواند .

سوم :- شك میان دو و چهار است بعد از اكمال سجدتین بنا بر چهار گزارده نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز ایستاده بجا آورد .

چهارم :- شك میان سه و چهار است در هر حال که باشد بنا بر چهار گزارده نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد .

پنجم :- شك میان چهار و پنج است بعد از اكمال سجدتین بنا بر

بر چهارگزارد و نماز را تمام نموده دو سجده سهو واجب بجا آورد. و اگر این
شک در حال قیام باشد بنشینند و بنا بر چهارگزارد و نماز را تمام نمود
یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

هشتم - شک در میان ^۳ و پنج در حال قیام یعنی نماز
گذار شک کند که آیا سه رکعت خوانده یا پنج رکعت در این حال بنشینند
بنا بر چهارگزارد و نماز را تمام کند و دو رکعت نماز ایستاده بجا آورد.
نهم - شک میان ^۳ و چهار و پنج است در حال قیام پس
بنشینند و بنا بر چهارگزارد و نماز را تمام نموده دو رکعت ایستاده و دو
رکعت نشسته بجا آورد.

هشتم - شک میان پنج و شش است در حال قیام پس
بنشینند و بنا بر چهارگزارد و نماز را تمام کند و بعد از آن دو سجده سهو بجا
بیاورد و در غیر این هشت صورت

شک در هر جا واقع شود نماز باطل است. و باید چون شک
عارض نماز گذار شود قدری فکر کند تا یادش آید. و اگر فکرش بجائی
نرسید عمل با حکام شک کند چنانیکه بیان شد.

کیفیت نماز احتیاط

در نماز احتیاط سوره نیست قنوت نیست اذان و اقامه ندارد
 و طریقه اش اینست که بعد از نماز قبل از آنکه روزه بگیرد اند و یا حرفی
 بگوید خواه نمازش شسته باشد یا ایستاده تکبیرة الاحرام بگوید حمد
 را آهسته بخواند رکوع و سجود را بجا آورده تشهد و سلام بگوید - و هرگاه
 یکی ازین دو سلام یعنی السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
 و یا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ را بگوید کفایتست .

جاهائیکه سجده سهو واجب می شود

بدانکه در پنج موقع است که بعد از نماز سجده سهو واجب میشود .
 اول - فراموشش کردن یک سجده از یک رکعت پس باید
 نمازگذار بعد از نماز یک سجده فراموش شده را بجا آورد و دو سجده سهو
 نیز بنماید .

دوم - فراموشش کردن تشهد . پس کسیکه تشهد یا اجزاء آنرا

فراموش کند بعد از نماز باید آنرا بجا آورد انگاه دو سجده سهو نیز بنماید .

سوم - شك میان چهار و پنج بعد از اكمال سجدتین چنانیکه گفته

شد باید بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

چهارم - گفتن سلام در غیر محلش.

پنجم - کلام بیجا یعنی سهوا در نماز تکلم کند و چیزی خارج از نماز بگوید.

و یا چیزی از قسمتهای نماز را که غیر از رکن نماز است کم یا زیاد نماید باید دو

سجده سهو بعد از نماز بجا آورد.

طریق سجده سهو

نماز گذار چون خواهد سجده سهو بجا آورد همان قسمیکه بعد از تمام شدن نماز

نشسته است نیت سجده سهو را برای چیزی که فراموشش یا کم و زیاد نموده

بجا آورد انگاه تکبیر بگوید و دو بار سجده رود و در سجده بگوید بِسْمِ اللّٰهِ

و بِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

از سجده دوم تشهد و سلام بگوید و تشهد چنین بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ

اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ. انگاه بیکی از دو سلام که در نماز احتیاط گفته شد اکتفا

کند و بهتر آوردن هر دو سلام است.

سجدهای واجب قرآنی

در قرآن مجید چهار آیه است که بخواندن و یا شنیدن آن سجده واجب

می شود.

اول آیه پانزدهم از سوره سجده. دوم آیه سی و هفتم از سوره
حم سجده (فصلت). سوم آیه شصت و دو از سوره والنجم. چهارم
آیه نوزدهم از سوره علق.

در وقت سجده بانیت پیشانی را بر زمین گذارد و ذکر و قبله شرط نیست
اگرچه مستحب است که چون بسجده رود بخواند لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا
حَقًّا. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
عِبَادِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا
مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ
مُسْتَجِيرٌ چون سر بلند کند الله أكبر بگوید.

مبطلات نماز

آنچه که وضو را باطل کند نماز را نیز باطل میکند و بعلاوه دوازده چیز
دیگر است که نماز را باطل میکند.

اول و دوم: خوردن و آشامیدن. سوم: حرف زدن.
 چهارم: رُو از قبله برگردانیدن. پنجم: دست روی دست
 گذاردن. ششم: تمکینه نمودن. هفتم: گریه کردن. هشتم:
 کاری کند که صورت نماز را بهم زند مانند بستن و غیره. نهم: بفعل کثیر
 مشغول شود. دهم: کم و زیاد کردن جزئی از اجزاء نماز را عمداً.
 یازدهم: آئین گفتن بعد از سوره حمد. دوازدهم: شک نمودن در
 عدد رکعات نماز و رکعتی و سه رکعتی و چهار رکعتی که پای دو در میان باشد
 قبل از اتمام سجده نهمین. و باید دانست جواب سلام دادن بر نمازگزار
 چنانیکه در احکام سلام بیان میشود واجب است.

احکام سلام

افساء سلام در عالم مستحبت است و جواب سلام واجب
 است. سلام بهترین چیز است برای تولید علاقه و دوستی و دور
 شدن نفرت و بر طرف گردیدن اختلاف و نزدیک شدن مردم بیکدیگر و
 سلام از مشروعات مؤکد است.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود قسم بانکه سیکه جانم در دست

قدرت اوست داخل بهشت نمیشوید مگر آنکه ایمان آورید و ایمان آورنده
 نیستید مگر آنکه محبت نسبت بیکدیگر نماند میخواستید شمارا راهنمائی کنم
 بجزیرگیه اگر آنرا بجا آورید محبت در میان شما پیدا خواهد شد سلام را بمن خود
 نشرد هید و باز آنحضرت فرمود برای سلام کننده یک ثواب و جواب
 دهند رانودونه^{۹۹} اجراست. و از برای سلام چهار صیغه است سلام
 عليك، سلام عليكم، السلام عليك، السلام عليكم.
 و در جواب هر کدام و یا بعلیکم السلام و رحمة الله وبرکاته
 شود صحیح است. ولی برای نماز گذار است که جواب را مطابق گفته سلام
 کننده چنانیکه بیان شد بگوید گفتن علیکم السلام برای او سبب
 بطلان نماز میشود و اگر کسی سلام بر جماعتی کند یکی جوابش از همه کافیت

مستحبات نماز

تأمکن است برای نماز گذار اتفاقاً واجبات نماز نکند بلکه علاوه بر آن
 مستحبات و آداب نماز را بجا آورد. با حال خوش و حضور قلب همیای
 نماز شود کسالت و سستی را از خود دور کند. با خضوع و خشوع مقابل
 قبله راست ایستاده همیای نماز شود. پس از نیت هفت تکبیر

افتتاجیه را که یکی از آنها تکبیره الاحرام و واجب است بگوید. و بهتر
 آنست که تکبیر هفتمین را تکبیره الاحرام قرار دهد و دعاهای وارده بین آنرا
 بخواند و چون شروع به تکبیر کند دستها را بلند نموده بقسمیکه کف دستها
 مقابل قبله با انگشتان منضم گرانگشت بزرگ واقع شود و بر سینه
 مقابل گوش تکبیر تمام شود. نگاه دستها را روی ران مقابل زانو
 گذارد و پاها را قسمی گذارد که انگشتان مقابل قبله واقع شود و بین آنها
 یک و جب فاصله واقع شود و سنگینی بدن را بر هر دو پا قرار دهد و برای
 زن مستحب است که پاها را جفت نموده و دستها را روی پستانهای
 خود نهد. و با جمع بودن حواس نمازگذار مشغول نماز شود و نظر خود را بسجده
 توجه دهد و از نظر نمودن باطراف به پرهیزد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود ایانمیترسد کسی که التفات
 باطراف کند آنکه روی او را خدا بر گرداند و چون صورت چهار (خ) گرداند.
 و سنت است که پس از داخل شدن در نماز قبل از قرائت آیه است بگوید
 اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ - نگاه بسم الله را بجز خوانده
 مشغول قرائت گردد و در آن موقع چانه را بطرف سینه برد و برای زن

مستحب است که در نمازهای جهریه بسم الله را آهسته بگوید و چون مشغول
 قرائت شود متوجه معانی آن گردیده و با کمال فصاحت و بلاغت قرائت
 نماید و چون از حمد فارغ شود لمحۃ سکوت و تنفسی نموده پس از آن مشغول
 سوره گردد و بعد از تمام شدن سوره تکبیر بگوید پس بر کوع رود و در هر
 تکبیر باید دستها را چنانیکه بیان شد تا مقابل گوش بلند کند و در رکوع
 دست راست را با انگشتان باز روی زانو راست و دست چپ را
 با انگشتان باز روی زانوی چپ بقبسی گذارد که دو ارنج از پهلوها دور
 باشد و زانورالعقب نموده و کمر را بطوری خم کند که مستقیم باشد و گردن
 کشیده شود و نظر میان دو قدم نماید و زن دستها را بران بالای زانو
 گذارد پس با کمال توجه ب عظمت و جلال پروردگار مشغول ذکر گردد
 و تا ممکن است ذکر را تکرار کند و ذکر کبیر افضل است. ذکر راست یا پنج
 یا هفت بار یا بیشتر تکرار کند و البته از دست ذکر کمتر بگوید بهتر است
 و دعای و آورده در رکوع را بگوید و مستحب است که در جماعت امام ذکر را
 بقسی بخواند که ناموم بشنود و ناموم آهسته بخواند. و منفرد تابع قرائت
 او است. پس از آن با رومی سر از رکوع بلند نموده راست بایستد

و بگوید سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ - امام با و از و ما موم آهسته و منفرد مخیر
 است نگاه با کمال اطمینان اللَّهُ أَكْبَرُ گفته بطرف سجود سر از زمین
 و دستها را اول بر زمین رساند پس از آن دوزانورا گذارده بسجده رود
 و سنگینی خود را بر تمامی اعضاء هفتگانه مساوی نهد و افضل آنست که بر
 تربت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام سجده نماید و مستحب است
 در حال سجود اعضاء و نیز دوزانورا هم باز باشد و نظر بطرف بینی کند و دستها
 را با کف باز مقابل قبله با انگشتان متصل حتی ابهام محاذی گوشها بر زمین گذارد
 ذکر سجود را مکرر کند از آنکه کمتر بخواند پنج و هفت یا بیشتر خواندن مستحب
 است نگاه سر بلند نموده بنشیند پس دستها را بلند نموده اللَّهُ أَكْبَرُ
 بگوید و دستها را بردوزانورا با انگشتان جمع گذارد و اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ
 رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید - و در آن حال نظر بطرف دامن باشد تکبیر
 گفته بسجده دوم رود و مستحب است که در موقع نشستن خواه بعد از سجده
 و یا موقع تشهد و سلام بطور تورك نشیند باین قسم که ران چپ را بر
 زمین گذارده و پشت پای راست در باطن پای چپ نهد و سجده دوم
 را مثل سجده اول بجا آورد - چون سر از سجده دوم بردارد شسته تکبیر

گفته و برخیزد و این نشستن را جلسه استراحت گویند و در موقع برخاستن دستها را با انگشتان باز روی زمین گذارده نشسته نگاه را قبلاً بلند نموده و برخیزد و در آن حال بگوید بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ - وزن چون از قیام بسجود رود مستحب است که راست بنشیند و بسجده رود و در سجده خود را جمع نموده و دستها را پهن روی زمین گذارد و در موقع بلند شدن برای قیام بدون دست گذاردن بر زمین راست قیام نماید.

و از جمله مستحبات نماز قنوت است و جای قنوت در رکعت دوم قبل از رکوع است پس چون نماز گذار از سوره فارغ شود با اطمینان تکبیر بگوید و دستها را مقابل صورت تقسمی گیرد که با کف باز جفت رو با آسمان و انگشتان مگر ابهام بهم متصل باشد و نظر بر میان دست نموده مشغول دعا شود و در قنوت نماز مستحبی بغیر عربی نیز دعا میتوان خواند و مستحب است که قنوت را طول دهد و خواندن کلمات فرج در قنوت مستحب است و بیک صلوات نیز اکتفا میتوان کرد و این دعا را که از حضرت صادق روایت شده بخواند اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و گفتن صلوات قبل و بعد از دعاء موجب قبولی دعا است انشاء الله تعالی
 و چون از دعای قنوت فارغ شود تکبیر بگوید و برکوع رود و هرگاه قنوت فراموش
 شود بعد از سر برداشتن از رکوع انرا میتواند بیاورد - و چون سلام دهد
 قصد خروج از نماز کند و مستحب است که در موقع سلام خود و انبیاء و ائمه
 و ملائکه و مؤمنین را قصد کند - و امام در سلام مأمومین و مأمومین امام را در
 نظر داشته باشد. و مستحب است که نمازگذار اگر منفرد باشد چون
 سلام دهد بگوشه چشم اشاره بطرف راست کند و در جماعت مستحب
 است یک سلام بطرف راست و سلام دیگر را بطرف چپ نماید اگر
 کسی باشد و امام بهمان حال سلام نماید و پس از فراغت از نماز مستحب است
 که مشغول تعقیب شود و ابتداء گفتن سه مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** کند

صورت نماز و ترجمه آن

بدانکه تفصیل صورت نماز چهار رکعتی از اقامه تا سلام بطور مشروح

از این قرار است

اولاً. نمازگذار برای نماز بر میخیزد و مقابل قبله ایستاده اذان و اقامه

را چنانیکه صورت هر دو بیان شد می گوید و اقامه را باین قسم شروع میکند

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است - گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر

اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ

الله گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر الله گواهی میدهم

أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

اینکه محمد فرستاده خداست گواهی میدهم اینکه محمد

رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

فرستاده خداست گواهی میدهم اینکه امیر مؤمنان

عَلِيًّا وَوَلِيَّ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

علی ولی خداست گواهی میدهم اینکه امیر مؤمنان

عَلِيًّا وَوَلِيَّ اللَّهِ حَتَّىٰ عَلَى الصَّلَاةِ حَتَّىٰ عَلَى

علی ولی خداست بشتاب برای نماز بشتاب برای

الصَّلَاةِ حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ

نماز بشتاب برای رستگاری بشتاب برای رستگاری

حَتَّىٰ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ حَتَّىٰ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

بشتاب برای بهترین عمل بشتاب برای بهترین عمل

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ

بتحقیق برپا شد نماز بتحقیق برپا شد نماز

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست خدائی مگر الله

انگاه چنین نیت کند که چهار رکعت نماز ظهر (مثلاً) بجا میآوردم قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ
انگاه دستها را بلند نموده و بگوید

اللَّهُ أَكْبَرُ پس بخوان بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا بزرگتر است بنام خدای بخشننده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمام تعریف برای خدا پروردگار جهانیان بخشننده مهربان

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

خداوند روز جزاء تو را می پرستیم و از تو

نَسْتَعِينُ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

یاری میجوئیم هدایت کن ما را راه راست

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

راه آنانکه انعام کردی برایشان نه غضب شده

عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برایشان و نه گمرازان بنام خدای بخشننده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ

بگو ای محمد اوست خدای یگانه خدای بی نیاز نزاده

وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ پس دستها

وند زائیده شده نیست اورا ہمتا کسی

را بلند نموده و بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ و برکوع برو و دستہا را روی

خدا بزرگتر است

ز انو بگذار و بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

پاک است پروردگار بزرگ من و ستایش میکنم اورا

پس بایست و بگو سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

شنید خداوند کسی را کہ ستایش کرد اورا

انگاہ دستہا را بلند نموده و بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ آنوقت بسجده برو

خدا بزرگتر است

و بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلٰی وَبِحَمْدِهِ

پاک است پروردگار من کہ بالاتر از همه میباشد و ستایش میکنم اورا

پس بنشین و بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ

خدا بزرگتر است طلب آمرزش میکنم از خدائی

رَبِّي وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ انگاہ بگو اَللّٰهُ اَكْبَرُ

کہ پروردگار من است و رجوع میکنم بسوی او خدا بزرگتر است

و بار دیگر بسجده برو و بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلٰی

پاک است پروردگار من کہ بالاتر از همه میباشد

وَبِحَمْدِهِ پس نشین و بگو الله أكبر و بر خیز و در حال

وستایش میکنم او را خدا بزرگتر است

برخواستن بگو بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقَوْمٍ وَقَعْدُ

بقدرت خدا و قوت او بر من خیزم و می نشینم

پس از آن حمد و سوره قل هو الله یا سوره دیگر بخوان چون تمام

نمودی تکبیر بگو و دستها را برای قنوت بلند کن و پیش روی خود تقسی

بگیر که کف دست مقابل صورت رو با آسمان واقع شود و بخوان

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

ای پروردگارا بده ما در دنیا نیکی و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ

نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش (دوزخ) برحمت تو

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس تکبیر گفته بر کوع برو و بگو

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ پس سر را

پاک است پروردگار بزرگ من وستایش میکنم او را

بردار و راست بایست و بگو سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

شنید خدا کسی را که ستایش کرد او را

انگاه بگو **اللَّهُ أَكْبَرُ** پس برای سجده سر ازیر شو و سر بسجده بگذا

خدا بزرگتر است

و بگو **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى** و بجزمده پس سر را

پاک است پروردگار من که بالاتر از همه میباشد و ستایش میکنم او را

بردار و نشین و بگو **اللَّهُ أَكْبَرُ** **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ**

خدا بزرگتر است طلب آمرزش میکنم از خدا

رَبِّي و **أَتُوبُ إِلَيْهِ** پس بگو **اللَّهُ أَكْبَرُ**

که پروردگار من است و رجوع میکنم بسوی او خدا بزرگتر است

دوباره سر بسجده گذار و بگو **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى**

پاک است پروردگار من که بالاتر از همه میباشد

و بجزمده پس نشین و بگو **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا**

و ستایش میکنم او را گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر

اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ

خدای برحق در حالتیکه یکتا است و نیست شریکی از برای او و گواهی میدهم

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ

اینکه محمد بنده او و فرستاده اوست پروردگارا رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ

بر محمد و آل محمد و قبول فرما شفاعت او را و بلند نما

درجته پس بر خیز و در حال برخاستن بگو بِحَوْلِ اللَّهِ

مرتبه او را بقدرت خدا

و قُوَّتِهِ أَقْوَمٌ وَأَقْعَدٌ پس بایست و سه مرتبه تسبیحات

و قوت او بر منجزم و می نشینم

اربعه را بخوان سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا

پاک است خداوند و ستایش مخصوص خداست و نیست

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ پس از آن تکبیر

خدائی منزه او را پرستش مگر خدای برحق بدستیکه خدا بزرگتر است

گفته بر کوع برو و در رکوع بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ

پاک است پروردگار بزرگ من

و بِحَمْدِهِ پس سر را بردار و بگو سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ

و ستایش میکنم او را شنید خدا کسی را

حَمِدَهُ اللَّهُ أَكْبَرُ نگاه بسجود رفته بگو سُبْحَانَ

که ستایش کرد او را خدا بزرگتر است پاک است

رَبِّيَ الْأَعْلَى و بِحَمْدِهِ پس بنشین و تکبیر بگو

پروردگار من که بالاتر از همه میباشد و ستایش میکنم او را

پس بگو أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدائیکه پروردگار من است و رجوع میکنم بسوی او

باز سجده برو و همان ذکر را تکرار کن و سر را بر وار و تکبیر گفته بر خیز و در حال

برخواستن بگو بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ اقوم واقعد و بایست

بقدرت خدا و قوت او بر میخیزم و می نشینم

و ۳ مرتبه همان تسبیحات اربعه را که در رکعت سوم خوانده شد بخوان

پس تکبیر گفته و بر کوع برو و بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ

پاک است پروردگار بزرگ من

و بِحَمْدِهِ آنوقت سر را بردار و بایست بگو سَمِعَ اللَّهُ

و ستایش میکنم او را شنید خدا

لِمَنْ حَمْدُهُ اللَّهُ أَكْبَرُ و سجده رفته بگو سُبْحَانَ

کسی را که ستایش کرد او را خدا بزرگتر است پاک است

رَبِّيَ الْأَعْلَى و بِحَمْدِهِ پس سر را بردار و بگو

پروردگار من که بالاتر از همه میباشد و ستایش میکنم او را

اللَّهُ أَكْبَرُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ

خدا بزرگتر است طلب آمرزش میکنم از خدائی که پروردگار من است و رجوع میکنم

إِلَيْهِ اللَّهُ أَكْبَرُ دوباره سر سجده گذارده و بگو سُبْحَانَ

بسوی او خدا بزرگتر است پاک است

رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ پس سر را بردار و بنشین

پروردگاری که بالاتر از همه میباشد و ستایش میکنم او را

وَبِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ

بنام خدا و بذات پاک خدا و ستایش از برای خداست گواهی میدهم اینکه

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ

نیست خدائی مگر خدای معبود یکتا که نیست شریکی از برای او و گواهی میدهم

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ

که محمد ص بندۀ او و فرستادۀ اوست پروردگارا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ

محمد و آل محمد سلام بر تو ای پیغمبر

وَرَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ

و رحمت خدا و برکت‌های او بر تو باد سلام بر ما و بر

عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

بندگان خدا که شایسته اند سلام بر شما (باد)

وَرَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ پس دست‌ها را سه مرتبه تا محاذی گوشها

و رحمت خدا و برکت‌های او

بلند کن و در هر مرتبه بگو اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا بزرگتر است

تعقیبات نماز

مراد از تعقیب دعا نمودن بعد از نماز و آوردن تسبیح و اذکار است
 که از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین وارد گردیده و فائده آن عبادت
 و بنده گی خوشنودی خدا و نزدیک شدن بر رحمت و اسعه وی و رسیدن
 بخیر دنیا و آخرت است

تعقیب سبب دفع بلیات و برآورده شدن حاجات
 و وسعت روزی و نجات از مقدرات بد است - دعا نمودن بعد از
 نمازهای پنجگانه و آوردن اذکار و آورده خصوصاً بعد از نماز صبح و عصر
 سبب کفایت مهمات است در کتاب وسائل الشیعه جلد
 اول از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که خدای عزوجل
 میگوید - ای فرزند آدم مرا یاد کن ساعتی بعد از فجر و ساعتی بعد
 از عصر کفایت مهمات تو را خواهد نمود - و نیز در آن کتاب است از
 امام صادق ع که فرمود دعا مستجاب میشود در چهار موطن در وتر
 و بعد از فجر - و بعد از ظهر - و بعد از مغرب - و در روایت دیگر فرمود
 خدا فرض نمود بر شما نمازها را در بهترین اوقات - پس بخوابید حاجتتان

خود را در عقب آن فراموش - و نیز در وسائل است که حضرت صادق
 از پدران خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود کسیکه
 نماز واجب را بجا آورد برای اوست نزد خدا دعای مستجابی - و در
 روایت مسعد بن صدقه است از حضرت صادق ع که امام باقر علیه السلام
 فرمود مراد از فرمایش حق تعالی "فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى
 رَبِّكَ فَارْغَبْ" (پس چون فارغ شوی پس رنج بکش و بسوی
 پروردگارت پس راغب شو) آنستکه چون از نماز فارغ شوی در همان
 حال که نشسته مشغول دعا برای امر آخرت و دنیای خود باندازه شو که
 خسته شوی - و چون فارغ از دعا شدی رغبت نما بسوی خدای
 عزوجل تا که قبول نماید آنرا از تو - بهر حال چون نماز گذار فارغ از نماز خود
 شود^۱ مرتبه الله اکبر بگوید و در هر مرتبه دستها را تا مقابل
 گوش بلند کند و بهمان بهیئت که نشسته پیش از آنکه پاها را بگرداند
 مرتبه^۲ بگوید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
 ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَآتُوبُ إِلَيْهِ و مداومت بر آن بعد از هر
 نماز واجب سبب میشود که خدا او را حفظ کند از سوختن و خانه بر او خراب

شدن و غرق گردیدن. پس بخواند **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ**
عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا
 آنگاه صلوات فرستاده مشغول تسبیح حضرت فاطمه زهراء صلوات الله
 علیها میشود و طریق آن گفتن سی و چهار مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ** و سی و سه
 مرتبه **الْحَمْدُ لِلَّهِ** و سی و سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** است و البته اگر
 تسبیحی که بآن میثاری تربت حضرت سید الشهداء ع باشد افضل
 خواهد بود و از روایات معلوم میشود که تسبیح خود حضرت زهراء ع
 از ریسمان پشی بود که شماره تکبیرات گره بر آن زده شده بود پس از
 شهادت حضرت حمزه جنابش از تربت وی تسبیح مهیا نمود و مردم
 متابعت نموده و تسبیح ساختند و بعد از شهادت حضرت سید الشهداء
 امام حسین ع از خاک تربت آنحضرت بجهت فضل و برتری آن تسبیح
 مهیا گردید. امام صادق ع فرمود **السَّبْحَةُ الَّتِي مِنْ طِينِ**
قَبْرِ الْحُسَيْنِ تُسَبِّحُ بِيَدِ الرَّجُلِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسَبِّحَ و در
 وسائل است که آنحضرت فرمود کرد انیدن یکمرتبه تسبیح که از تربت
 حسین علیه السلام است باستغفار و یا غیر آن خدا برای او مینویسد

هفتاد برابر آنرا. و اثر سجده بر تربیت آنحضرت میسکافد حجابات هفتگانه
 را. بهر حال تسبیح حضرت زهراء بعد از هر نماز موجب فضیلت بسیار
 است. در وسائل از امام صادق روایت شده که فرمود تسبیح
 فاطمه علیها السلام هر روز عقب هر نماز بهتر است نزد من از آوردن
 روزی هزار رکعت نماز. و نیز در آن کتاب است که بابی بیرون می
 فرمود که ما امر میکنیم که در آن خود را تسبیح فاطمه علیها السلام چنانکه امر
 میکنیم ایشانرا بنماز. پس مداومت کن بر آن چه نیست بنده که
 مداومت بر آن کند آنکه شقی و بدبخت شود. و در روایات معتبره
 است که ذکر کثیر "یعنی یاد بسیاری" که از حق جل و علا آمده همین
 تسبیح است پس هر کس بعد از نماز مداومت باین تسبیح کند خدا را
 بسیار یاد کرده و بآیه کریمه "سوره جمعه" و اذکر و الله کثیراً
 لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ (یعنی خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار
 شوید) عمل نموده.

و از جمله تعقیبات دعای شیبیه هذلی است که خدمت پیغمبر اکرم
 صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله پیر شده ام و قوه ام

و فانی کنند که بیاورم اعمالی را که قبل بر این میاوردم از نماز، روزه، حج
 و جهاد. پس تعلیم کن کلامی را که خدام را بان نفع بخشد و بر من سبک
 و آسان باشد حضرت فرمود هر گاه از نماز صبح فارغ شوی ده مرتبه
 بگو سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
 إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تا اینکه خدا تورا عافیت بخشد از برکت
 آن از کوری و دیوانگی و خوره و پستی و پریشانی و خرف شدن شبیه
 گفت یا رسول الله این برای دنیای من است برای آخرت من
 چیزی بفرما حضرت فرمود که میخوانی بعد از هر نماز اللَّهُمَّ اهْدِنِي
 مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ
 رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ

از امام صادق ع وارد شده که فرمود کسیکه این دعا را بعد از
 هر نماز واجب بخواند خدا حفظ میکند او را و خانه و مال و اولاد او را.
 أَجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَدَارِي وَكُلِّ
 مَا هُوَ مِنِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ
 وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَأَجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي

وَوَلَدِي وَكُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
 وَمِنْ شَرِّ غَاسِقِي إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ
 وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَبِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ
 إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ
 فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ . انگاه
 آیه الکرسی را تا آخر بخواند

و برای کامل شدن ایمان بعد از هر نماز واجب خواندن این
 تعقیب وارد گردیده رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِ مُحَمَّدٍ نَبِيًّا
 وَبِ الْإِسْلَامِ دِينًا وَبِ الْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِ الْكَعْبَةِ قِبْلَةً
 وَبِعَلِيِّ وَآلِيَّهِ وَإِمَامَاتِهِ وَبِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ
 بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى
 بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ
 بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتُ
 اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةَ اللَّهِ لِي رَضِيتُ بِهِمْ أَئِمَّةً
 فَأَرْضِنِي لَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

رسول اکرم صلی الله علیه و آله تعلیم داد اصحاب خود را که بعد از
 هر نماز واجب سی نوبت بخواند **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** که در اثر آن رفع می شود از
 انسان بلای خانه فرو شدن . و غرق گردیدن . و سوختن . و در چاه افتادن
 و ضرر درندگان و از مرگهای بد و ناگهانی و هر بلائی که در آن روز از آسمان
 فرود آید نگاه فرمود اینها بندگان باقیات صالحاتیکه حق تعالی در قرآن
 از آن یاد نموده و فرموده **"الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا
 وَخَيْرٌ أَمَلًا"** یعنی مال و فرزندان آرایش زندگانی دنیا است
 و کردارهای نیک که اثر آن باقی میماند بهتر است نزد پروردگارتو از جهت
 ثواب و بهتر است از جهت آرزو (سوره کهف آیه ۴۴) و از حضرت
 صادق ع روایت شده که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
 در فتح مکه نزد حجر الاسود نماز ظهر را با اصحاب گذارد و چون سلام داد
 سه مرتبه تکبیر گفت و در هر نوبت دست برداشت و گفت **لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَأَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ**

وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحَدَّهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
 الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس رو
 بجانب اصحاب نمود فرمود ترک کنید این تکبیر و این دعا را بعد از هر
 نماز فریضه - زیرا که هر که چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر
 تقویت اسلام و شکر اسلام - و بخوان سه مرتبه دعائی را که جبرئیل
 امین حضرت یوسف را در زندان تعلیم نمود موجب کشایش و نجات
 و فرج است اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ
 لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَأَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ
 وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ - و از جمله دعاهائی که از کتب معتبره نقل
 شده و در رساله الباقیات الصالحات از سید بن طاووس روایت
 است دعائی است که از جمیل بن دراج روایت شده مردی خدمت
 امام صادق ع عرض کرد که بسن من بالارفته و خویشا نام مرده اند
 و مونسى ندارم میتراسم که مرگ مرا در یابد حضرت فرمود که برادران مؤمن
 صالح برای نس گرفتن بهتر اند از اقارب و اگر درازی عمر خود و خویشا
 و دوستان را خواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ
 صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي
 شَيْءٍ أَنَا فَأَعِلهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ
 بِي يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَكْرَهُ مَسَائِتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِي وَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ
 وَالنَّصْرَ وَلَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي .

و اگر خواهی یک یک از دوستان خود را نام بر - راوی گوید چون بر این
 دعا مداومت کردم چندان عمر یافتم که از زندگانی ملول شده ام .

و از برای جمع خیر دنیا و آخرت چنانکه در روایت معتبره از حضرت

امام علی النقی ع وارد شده بعد از هر نماز بخوان . اَعُوذُ بِوَجْهِكَ

الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ
 مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا

از امام محمد باقر و امام جعفر الصادق علیهما السلام روایت شده که

بعد از نماز واجب این دعا را بخوان اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ

كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ

بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا
 وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ - وَنَزِ
 سُنَّتِ اسْتِ كِه چُون از نماز فارغ شوی بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْرِنِي مِنَ النَّارِ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ
 وَزَوِّجْنِي الْحُورِ الْعِينِ . و دیگر دعائیست در مفاتیح که پیغمبر
 اکرم صلی الله علیه و آله با میرالمؤمنین ع تعلیم فرمود برای حافظه که بعد
 از هر نماز خوانده شود سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ
 سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِاللَّوَانِ الْعَذَابِ
 سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي
 نُورًا وَبَصَرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 و از جمله آیاتی که بعد از هر نماز خواندن آن موجب ریختن گناهان و زیادهای
 حسنات است مخصوصاً از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده
 که هر سه سه مرتبه این آیات را بعد از نماز مغرب بخواند آنچه از ثواب
 در روز گذشته از او فوت شده باشد در یابد و نمازش مقبول گردد
 فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ
 الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ
 بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ
 عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ

مستحب است خواندن دعائیکه ابو ذر بر آن مداومت مینمود
 و جبرئیل ع خبر بر رسول اکرم داد که در آسمانها معروف است
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ بِكَ وَالتَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ
 وَالعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالتُّشْكُرَ عَلَى الْعَافِيَةِ
 وَالعِنْيَ عَنِ أَشْرَارِ النَّاسِ

و بیداری من طلوع فجر صادق و طلوع آفتاب مستحب است
 و روایات بسیار از اهل بیت علیهم السلام در فضیلت آن وارد شده
 و آن سبب کشایش و وسعت روزی است و از خوابیدن در آن
 وقت منع گردیده . از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که خواب
 در آن وقت شوم است و روزی را منع میکند رنگ را زرد و متغیر

ینماید تا آنکه فرمود به پسریند از خواب در آن وقت و خواندن نماز صبح را
 در وقت فجر و اشتغال تعقیب تا طلوع آفتاب تا کیده شده و سبب
 اجر و ثواب است - از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که
 هر که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد ثواب حج
 برای او نوشته میشود - و در روایت دیگر است که فرمود که خدا او را
 از آتش و دوزخ مستور گرداند و وقت صبح صادق چون موقع اجتماع
 دو فرقه از ملائکه است . چه ملائکه شب با آسمان روند و ملائکه روز بر زمین
 می آیند خواندن نماز صبح در آن فضیلت بسیار دارد و پس از نماز تا
 طلوع آفتاب مشغول ذکر و تسبیح و دعا و قرآن و سایر تعقیبات شدن
 سبب آسایش و خیر دنیا و آخرت است . پس سزاوار است که
 نماز گذار پس از فراغت از نماز تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب و از تعقیباتی
 که بعد از نماز صبح وارد گردیده و در منهاج انرار روایت نموده و مداومت
 بر آن سبب وسعت معیشت و اداء دین و مجرب است انشاء الله
 تعالی این دعا است تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ وَمِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ
 وَالسُّقْمِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ
 وَآدَاءِ حَقِّ النَّاسِ إِلَى النَّاسِ . وصاحب مواعظ عددیه روایت

نموده . رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود کسیکه بعد از هر نماز صبح صد
 مرتبه بگوید لا اله الا الله الملك الحق المبين خداوند است کار

با او خواهد نمود سختی دنیا و آخرت را بر او آسان کند و از شر سلطان
 و شیطان نگاهش دارد و ایمان او بگناه نرود . و کسیکه بعد از

نماز ظهر صد مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بگوید خدا
 با او همراهی در سه چیز کند گرفتار غرامت یعنی قرض نشود و اگر گرفتار

گردد خدا او را اداء خواهد نمود . و حفظ میکند ایمان او را از زوال و نعمتها
 خدا با او در دنیا داده است در قیامت از او سوال نخواهد شد . و کسیکه

بعد از نماز عصر صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ بگوید خدا
 با او در سه چیز همراهی خواهد نمود گناہان او را بیامزد و روزی ویرا

وسیع کند و دعای او را مستجاب نماید . و کسیکه بعد از نماز مغرب

صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بگوید خداوند با او
 در شش چیز همراهی خواهد نمود ایمان او بگناه نرود خدا از او خوشنود شود
 و از عذاب قبر مأمون گردد - و سیکه بعد از نماز عشاء صد مرتبه سُبْحَانَ
 اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بگوید خداوند برای او بنویسد
 ده هزار حسنه و محو میکند از او ده هزار سیئه و بنام نماید برای او در بهشت
 منازل.

و بسند های معتبره از حضرت صادق و حضرت کاظم علیهم السلام
 منقولست که سیکه بعد از نماز صبح و مغرب پیش از آنکه سخن بگوید و حرکت
 کند هفت مرتبه این ذکر را بگوید هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهلترین
 آنها خوره و پسی و شر شیطان و شر بادشاهان است بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و در
 بعضی روایات معتبره سه مرتبه نیز وارد شده ده مرتبه و صد مرتبه نیز
 آمده - و از حضرت امام محمد باقر ع روایت شده که حضرت رسول خدا
 صلی الله علیه و آله فرموده که هر که هر روز عقب نماز صبح ده مرتبه بگوید

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حق تعالی اور اعافیت دہ از کوری و دیوانگی و خور
 و پریشانی و خانہ بر سرش فرود آمدن و خرافت در ہنگام پیری .

و از جمله تعقیبات است از حضرت امیر المؤمنین ع از رسول خدا
 صلی اللہ علیہ و آلہ منقولست کہ ہر کہ خواہد خدا در اجل او تأخیر کند و بر دشمنان
 یاری دہد و از مرگهای بد او را نگاہدارد ہر بامداد و پسین بر این دعاء
 مداومت نماید

۱۰۰ مرتبہ سُبْحَانَ اللَّهِ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى
 الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِينَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ
 ۱۰۰ مرتبہ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ
 وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِينَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ
 ۱۰۰ مرتبہ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ
 وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِينَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ
 ۱۰۰ مرتبہ اللَّهُ أَكْبَرُ مِلَأَ الْمِيزَانَ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ
 وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِينَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ

و از حضرت امام موسی کاظم ع روایت است که برای برآوردن
 حاجات و باز شدن کارهای بسته بعد از هر نماز صبح ده مرتبه بگوید
 سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ
 وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ

و سحر است خواندن سوره فاتحه و آیه الکرسی تا هم فیما خلدون
 و آیه شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو
 الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ
 أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا
 بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ
 و آیه مَلِكٍ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ
 تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ
 وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 تُوَجِّعُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوَجِّعُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ
 الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ

تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ و یا زده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بعد از
 هر نماز وارد است مخصوصاً وارد گردیده که خواندن آیه الکرسی بعد از هر
 نماز فرضیه موجب قبولی نماز است و خدا خواننده را از بلاها و گناهان
 ننگه میدارد.

در عده الداعی از امام صادق روایت است که فرمود سیکه
 ایمان بخدا و قیامت دارد ترک نکند خواندن سوره قل هو الله احد
 را در پی هر نماز واجب پس بدستیکه سیکه آنرا بخواند جمع میکند برای او
 خیر دنیا و آخرت را و میآورد او را و والدین او را و کسانیکه از آنها
 تولید گردیده.

و نیز در عده الداعی از امام صادق روایت شده که فرمود سیکه
 قل هو الله احد را در موقع رفتن از منزل ده مرتبه بخواند در حفظ
 خدا خواهد بود تا اینکه بمنزل خود برگردد.

دعای سجده شکر

مستحب است که نمازگذار بعد از تعقیبات و دعاهای خود که
 فارغ شود بسجده شکر رود و خدا را شکر کند و صد مرتبه شکر الله

یا شکر اشکرا بگوید و اقل آن سه مرتبه گفتن است .

و نیز وارد است که در سجده شکر خوانده شود لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا لَا إِلَهَ
 عِبُودِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا
 مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ
 مُسْتَجِيرٌ و چون سر از سجده برداشت دست خود را بر
 موضع سجود مالیده بصورت خود بکشد .

زیارت مختصر چهارده معصوم
 بعد از تعقیبات

بعد از فراغت از تعقیب و سجده شکر سلام بر معصومین صلوات
 الله عليهم اجمعین نمودن بسیار مناسب و موجب اجر و ثواب است
 و خواندن این سلام که در مفاتیح از ابن بابویه روایت نموده مناسب است
 اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَلَكَ السَّلَامُ
 وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا
 يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الْهَادِيَةِ الْمُهْدِيَّةِ
 السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ
 السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَى
 عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
 سَيِّدِي شَبَابِ هَلِ الْجَنَّةُ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ
 الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ
 عِلْمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ
 السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَافِرِ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ
 بْنِ مُوسَى الرِّضَا السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ السَّلَامُ
 عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْهَادِيِ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
 الزَّكِيِّ الْعَسْكَرِيِّ السَّلَامُ عَلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْفَائِمِ
 الْمُهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

پس
 هر حاجت که داری از خدا بطلب .

و از جمله زیارت‌های مختصره چهارده معصوم که خواندن آن از دوزخ راز

حضرت امام صادق غ روایت گردیده این زیارت است

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ
 الْمُرْتَضَى وَالسَّيِّدَةَ الزَّهْرَاءِ وَالسَّبْطَانَ
 الْمُنْتَجَبَانَ وَالْأَوْلَادَ وَالْأَعْلَامَ وَالْأَمَنَاءَ
 الْمُنْتَجِبُونَ جِئْتُ أَنْقِطَاعًا إِلَيْكُمْ وَإِلَى
 آبَائِكُمْ وَوَلَدِكُمْ الْخَلْفِ عَلَى بَرَكَاتِهِ
 الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ
 مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ لِدِينِهِ فَمَعَكُمْ
 لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ
 مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أَنْكُرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَلَا
 أَرْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي
 الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللَّهَ بِأَسْمَائِهِ
 جَمِيعِ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ
 وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

دعای مبارک صبح و سندان

مرحوم مجلسی در کتاب بحار الانوار سندی برای دعای مبارک صبح

از سید شریف یحیی بن قاسم علوی نقل نموده که بخط امیر المؤمنین
علی علیه السلام یافته است که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را

بعلی ع تعلیم فرمود. شریف مذکور نقل نموده که در آخر آن دعا حضرت
بخط خود نوشته بود و ترجمه آن اینست "نوشت علی بن ابی طالب

در آخر روز پنجشنبه یازدهم ذی الحجه الحرام ۲۵ شنبه از هجرت"

و دعا اینست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَّعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ

ای آن کسی که بیرون آورد زبان صبح را بگفتار روشنائی آن

وَسَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاهِبِ تَلْجُلُجِهِ

و فرست و بارهای شب تار را به تاریکیهای حرکت و زوال آن

وَأَتَقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ

دستوار گردانید آفرینش آسمان گردون را در اندازهای

تَبْرِجِهِ وَشَعَشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَابِجِهِ

ظهور آن و بلند افروزانید روشنائی آفتاب بر روشنی افروختن درز باز کشیدن آن

يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ وَتَنَزَّهَ عَنِ

ای آن کسیکه راه نمود بر ذاتش بذاتش و دور و پاک است از

مَجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ وَجَلَّ عَنِ مَلَائِمَةِ

هم جنسی آفریده ایش و بزرگوار است از فراهم آوردن

كَيْفِيَّاتِهِ يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَوَاطِرِ الظُّنُونِ

چگونگیهایش ای آن کسی که نزدیک است از گذر کنندای گمانها

وَبَعْدَ عَنِ مَلَا حِظَةِ الْعَيُونِ وَعَلِمَ بِمَا كَانَ

و دور است از گوشه چشم نگران شدن چشمها و دانست آنچه را می باشد

قَبْلَ أَنْ يَكُونَ يَا مَنْ أَرَقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ

پیش از آنکه شود ای آن کسی که خوابانید مرا در بستر امنش

وَأَمَانِهِ وَأَيَّقَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ

و امانش و بیدار کرد مرا بسوی آنچه بخشایشم نمود بآن از

مِنْهُ وَإِحْسَانِهِ وَكَفَّ أَلْفَ السُّوءِ عَنِّي

منتهایش و نیکی کردش و بازداشت دستهای بد را از من

بِيَدِهِ وَسُلْطَانِهِ صَلَّى اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ

بدست توانایش و پادشاهیش رحمت فرست بار خدایا بر آن کسی که راه نما است

إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْإِلَيْلِ وَالْمَأْسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ

بسوی تو در شب بسیار تار یک و آن کسی که چنگ زنده است از سببها بیت

يَجِبُ الشَّرْفِ الْأَطْوَلَ وَالنَّاصِعِ الْحَسْبِ فِي

برسیمان بلند مرتبه گی در از تر و آن کسی که خالص و پاکست شرافت نسبتش در

ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبِلِ وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ

بلندی میانه دوشانه بزرگوار تر و آن کسی که ثابت است پایش

عَلَى زَحَالِيْفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ وَعَلَى إِلَيْهِ

بر لغزش گاهش در روزگار نخست و بر آل او

الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ وَافْتَحِ اللَّهُمَّ

که خوبان و برگزیدگان نیکی کنندگانند و بگشای بار خدایا

لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ

از برای ما درهای صبح را بکلیدهای بخشایش

وَالْفَلَاحِ وَالْبِسْنَا اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ

و فیروزی و بپوشان ما را بار خدایا از افزون ترین خلعتهای

الْهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ وَأَغْرِسِ اللَّهُمَّ

هدایت و صلاح و بنشان بار خدایا

لِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي يَنْبِيعِ الْخُشُوعِ

از برای بزرگواریت در آنخورش و لم چشمه های زاری را

وَأَجِرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ

و روان گردان بار خدایا از برای ترس خودت از گوشه‌های چشم نهرهای پر آب

الدَّمُوعِ وَأَدِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِي

اشکهارا و ادب کن بار خدایا سبکی و بدخونی که از من است

بِأَزْمَةِ الْقَنُوعِ إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِي الرَّحْمَةُ

بهارهای خورسند ای بار خدای من اگر پیشی نیکرفت مرا بخشایش

مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ

از تو به نیکی توفیق پس کیست راه بر مرا بسوی تو

فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ وَإِنْ أَسَلَمْتَنِي أَنَا تُكَ

در راه روشن و اگر واگذار مرا علم تو

لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمَنَى فَمِنْ الْمَقِيلِ عَشْرَاتِي

از برای کشاننده امید و آرزومندی پس کیست عفوکننده لغزشم

مِنْ كِبُورَةِ الْهَوَى وَإِنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ

از روی افتادن بهوس هوا و اگر فروگذار مرا یاری تو نزد

مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلَنِي

جنگ کردن با نفس و شیطان پس بتجیق که و گذارده مرا

خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثِ النَّصَبِ وَالْحِرْمَانِ إِلَهِي

فرو گذاشتنت بسوی جانب رنجوری و بی بهره بودن ای خدای من

اَتَرَانِي مَا اَتَيْتَكَ الْاِمِنْ حَيْثُ الْاِمَالِ اَمَّ

آیامی یعنی مرا که نیادم ترا مگر از جهت امید آیا

عَلِقْتُ بِاطْرَافِ جِبَالِكَ اِلَّا حَيْنَ بَاعَدْتَنِي

پیوستم بطرفهای ریسمانهایت مگر هنگامی که دور کرد مرا

ذُنُوبِي عَنِ دَايِرِ الْوِصَالِ فَبَسَّ الْمَطِيَّةُ الَّتِي

گناهانم از سرای پیوستن تو پس بد مرکبی است آن چنانکه

اَمْتَطَّتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا لِمَا سَوَّلَتْ

مرکبی که ساخته است نفسم از هوسهایش پس ای حسرت از برای آنچه زینت داده

لَهَا ظُنُونَهَا وَمَنَاهَا وَتَبَّ لَهَا لِحْرَاقَتِهَا عَلٰى

از برای خود گمانهایش و آرزوهایش و زریان باد از برای دلیریش بر

سَيِّدِهَا وَمَوْلَاهَا اِلٰى هِي قَرَعَتْ بَابَ رَحْمَتِكَ

خواجده اش و آقایش ای خدای من کو بیدم دروازه بخشایش را

بِيَدِ رَجَائِي وَهَرَبْتُ اِلَيْكَ لَا حِيَا مِنْ فَرْطِ

بدمت امیدم و گریختم بسوی تو در حالتی که پناه آورنده ام از بسیاری

اَهْوَانِي وَعَلِقْتُ بِاطْرَافِ جِبَالِكَ اَنَا مِلَّ

هوسها و آویختم بطرفهای ریسمانهایت سرانگشتان

وَلَا لِيْ فَاَصْفَحِ اللّٰهُمَّ عَمَّا اَجْرَمْتَهُ مِنْ

دوستیم را پس درگذر بار خدایا از آنچه بد کرده ام آنرا از

زَلَّيْ وَخَطَايِي وَأَقْلَبْنِي اللَّهُمَّ مِنْ صَرَعَةٍ رَدَّائِي

لغزشم و خطایم و نگهدار مرا بار خدایا از افتادنم در پلالت

فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي

پس بدرستی که تو خواجه منی و آقایم و تکیه گاه منی و امیدم

وَعَايَةَ مَنْائِي فِي مَنْقَلِبِي وَمَثْوَايَ إِلَهِي كَيْفَ

و منتهای آرزوهای منی در مکان بازگشتم و جایگاهم بار خدایا چگونه

تَطُورُ مَسْكِينًا إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ

دور کنی درویشی را که پناه آورد بسوی تو در حالتی که از گناهان

هَارِبًا أَمْ كَيْفَ تَخِيْبُ مَسْتَرِشِدًا قَصْدًا إِلَى

گریزان است یا چگونه بی بهره سازی طلب کننده راه حق را که آهنگ کرده بسوی

جَنَابِكَ سَاعِيًا أَمْ كَيْفَ تَطُورُ ظَمَانًا وَمَرَدًا

جنابت در حالتی که سعی کننده است آیا چگونه دور کنی تشنه را که آمده باشد

إِلَى جِيَابِضِكَ شَارِبًا كَلًّا وَجِيَابِضِكَ مُتْرَعَةً

بسوی حوضهایت در حالتی که آشامنده است نه چنان است حال آنکه حوضهایت پر کرده شده است

فِي ضَنْكَ الْمَحْوُولِ وَبَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ

در تنگی خشک سالی دروازه تو باز است از برای جوینانی کردن

وَالْوَعْوُولِ وَأَنْتَ غَايَةُ السُّؤُولِ وَنَهَايَةُ الْيَأْمُولِ

و در آمدن و تویی منتهای طلب و نهایت امید (و آرزوی من)

إِلٰهِي هَذِهِ أَرْمَةٌ نَفْسِي قَدْ عَقَلْتُهَا بِعَقَالِ

ای خدای من این مهارهای نفس من است که بستمش به بندهای

مَشِيَّتِكَ وَهَذِهِ أَعْبَاءٌ ذُنُوبِي دَرَأَتْهَا

خوایش تو و این بارهای سنگین گناهان من است که دفعش کردم

بِرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ أَهْوَائِي الْمِضْلَةُ وَكَالَتْهَا

برحمت تو و این هوسهای گمراه کننده من است بازگذاشتمش

إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي

بسوی جناب لطف تو پس بگردان بار خدایا این صبح مرا

هَذَا نَارًا لَأَعْلَى بِضِيَاءِ الْهُدَى وَالسَّلَامَةِ

فرودا آمده بر من بار وشنائی هدایت و باسلامتی

فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا وَمَسَالِي جَنَّةٍ مِنْ كَيْدِ

در دین و دنیا و فراده اسپری برای دفع مکر

الْعِدَى وَوَقَايَةٍ مِنْ مُرَدِّيَاتِ الْهَوَى إِنَّكَ

دشمنان و نگاهداشتن از مهلکات هوا و هوس بد رستیکه تو

قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ تُوْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ

توانائی بر آنچه خواهی می بخشی پادشاهی را بهر کسی که میخواهی

وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ

و بیستانی پادشاهی از کسی که خواهی و درجند کنی کسی را که خواهی

وَتَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرِ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

و خوار میکنی کسی را که خواهی بدست تست خیر تحقیق که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ تَوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتَوَلِّجُ النَّهَارَ

توانائی می آوری شب را در روز و می آوری روز را

فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ

در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری

الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتُرزِقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ

مرده را از زنده و روزی میدهی هر که را خواهی بی

حِسَابٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

شمار نیست خدائی مگر تو منزّه و پاک میدانمت بار خدایا

وَيَحْمَدُكَ جَلَّ شَأْؤُكَ مَنْ ذَا يَعْلَمُ قُدْرَتَكَ

و یادت می کنم بستايشت کیست اینکه بداند توانائیت را

فَلَا يَخَافُكَ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ

پس نه ترسد از تو و کیست اینکه بداند چهستی تو پس خوف نکند از تو

أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ وَفَلَقَتْ بِرَحْمَتِكَ

هم خوردی بتوانائیت گروهها را و شکافتی برحمت

الْفَلَقَ وَأَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ دِيَا جِي الْغَسِقِ

سفيدی صبح را و روشن گردانیدی بکرمت تاریکیهای ظلمت شب را

وَأَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبًا

دروان گردانیدی آبها را از صلیبهای سنگ سخت شیرین

وَأَجَاجًا وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا

و تلخ و فرود آوردی از ابرهای فشارنده آب بسیار ریزنده

وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا

و گردانیدی آفتاب و ماه را از برای آفریدگان چراغ درخشنده

مِنْ غَيْرِ أَنْ تَمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا

بی آنکه کوشش نمائی در آنچه آغاز کرده بآن در ماندگی

وَلَا عِلَاجًا فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ وَقَهَرَ

و نه درمانی را پس ای آن کسی که یگانه است با رجمندی و پابندگی و مغلوب ساخته

عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بندگان را برگ و نیستی رحمت فرست بر محمد و آل او

الْآتِقِيَاءِ وَاسْمِعْ نِدَائِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ

که پرهمیزگارانند و بشنو ندای مرا و بپذیر دعای مرا و حق گردان

بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعِيَ لِكُشْفِ

بافزونی کرمت آرزوی مرا و امید مرا ای بهترین کسی که خوانده شد برای دور نمودن

الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عَسِيرٍ وَلَيْسَ بِكَ أَنْزَلْتُ

فرد کسی که امید داشته شد از برای هر دشواری و آسانی و بسوی تو فرود آوردم

حَاجَتِي فَلَا تُرُدَّنِي مِنْ سِنِّي مَوَاهِبِكَ خَائِبًا

نیازم را پس بازگردانم از بلند مرتبه بخششهایت نا امید

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای کریم ای کریم ای کریم بهر بانیست ای رحم کننده ترین رحم کنندهگان

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و درود خدا بر آقای ما محمد و آل او که پاکیزگانند (بار)

پس بسجده رود و بگوید اَللّٰهُمَّ قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَنَفْسِي مَعْيُوبٌ

بار خدایا دل من در حجاب غفلت رفته و نفس من معیوب گشته

وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ وَهَوَايِي غَالِبٌ وَطَاعَتِي قَلِيلٌ

و عقل من (بسبب شیطان) مغلوب گردیده و هوای من غالب (خدایا) بندگی من کم است

وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ وَلِسَانِي مُقَرَّبٌ بِالذَّنُوبِ

معصیت من زیاد است زبان من به گناهام اقرار کننده است

فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سَيِّدَ الْعِيُوبِ وَيَا عَلَامَ الْغِيُوبِ

پس نمیدانم که چگونه باید تدبیر نمایم ای پوشاننده عیبها و ای داناترین برپوش

يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ اِغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحَرَمَةِ

ای دور کننده غمها به بخش تامل گناگان مرا بر تبه بزرگوار

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ

محمد و آل محمد ای بخشنده ای بخشنده ای بخشنده

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۝

(در گذر از من) برحمت مهر بانیت ای مهربان ترین مهر بانان

دعای ایام هفته از ملحقات صحیفه سجاویه

دعای روز یکشنبه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ لَا اَرْجُوْا اِلَّا فَضْلَهُ وَلَا اَخْشٰی اِلَّا

عَدْلَهُ وَلَا اَعْتَمِدُ اِلَّا قَوْلَهُ وَلَا اُمِیْسُکُ اِلَّا بِحَبْلِهِ

بِکَ اَسْتَجِیْرُ یَا ذَا الْعَفْوَ وَالرِّضْوَانِ مِنَ الظُّلْمِ

وَالْعُدْوَانِ وَمِنْ غَیْرِ الزَّمَانِ وَتَوَاتُرِ الْاَحْزَانِ وَطَوَارِقِ

الْحَدَثَانِ وَمِنْ اِنْقِضَاءِ الْمُدَّةِ قَبْلَ التَّاهِبِ وَالْعُدَّةِ

وَایَّاكَ اَسْتَرْشِدُ لِمَا فِیْهِ الصَّلَاحُ وَالْاِصْلَاحُ وَبِکَ

اَسْتَعِیْنُ فِیْمَا یَقْتَرِنُ بِهِ النَّجَاحُ وَالْاِنْجَاحُ وَایَّاكَ

اَرْغَبُ فِیْ لِبَاسِ الْعَافِیَةِ وَتَمَامِهَا وَشُمُوْلِ السَّلَامَةِ

وَدَوَامِهَا وَاعُوْذُ بِکَ یَا رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِیْنِ

وَاحْتِرْمِ بِسُلْطَانِکَ مِنْ جَوْرِ السَّلَاطِیْنِ فَتَقَبَّلْ مَا

کَانَ مِنْ صَلَوَتِیْ وَصَوْمِیْ وَاجْعَلْ غَدِیْ وَمَا بَعْدَهُ

أَفْضَلَ مِنْ سَاعَتِي وَيَوْمِي وَأَعَزَّنِي فِي عَشِيرَتِي وَقَوْمِي

وَأَحْفَظَنِي فِي يَقَظَتِي وَنَوْمِي فَأَنْتَ اللَّهُ خَيْرُ حَافِظٍ

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِي

هَذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَحَادِمِ مِنَ الشُّرْكِ وَالْإِلْحَادِ وَأُخْلِصُ

لَكَ دُعَائِي تَعَرُّضًا لِلْإِجَابَةِ وَأُقِيمُ عَلَى طَاعَتِكَ رَجَاءً

لِلْإِثَابَةِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِكَ الدَّاعِي إِلَى

حَقِّكَ وَأَعِزَّنِي بِعِزِّكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَأَحْفَظَنِي

بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَأُخْتِمُ بِالْأَنْقِطَاعِ إِلَيْكَ أَمْرِي

وَبِالْمَغْفِرَةِ عُمَرِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

دُعَاي رُوزِ دُوشنبِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُشْهِدْ أَحَدًا حِينَ فَطَرَ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ وَلَا اتَّخَذَ مَعِينًا حِينَ بَرَأَ النَّسَمَاتِ لَمْ

يُشَارِكْ فِي الْإِلَهِيَّةِ وَلَمْ يُظَاهَرْ فِي الْوَحْدَانِيَّةِ كَلَّتِ

الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ وَالْحُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ

وَتَوَاضَعَتِ الْجَبَابِرَةُ لِهَيْبَتِهِ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِخَشْيَتِهِ

وَأَنْقَادِ كُلِّ عَظِيمٍ لِعَظَمَتِهِ فَتِلْكَ الْحَمْدُ مَتَوَاتِرًا مُتَّسِقًا
 وَمَتَوَالِيًا مُسْتَوْسِقًا وَصَلُّوا تَهْ عَلَى رَسُولِهِ أَبَدًا وَسَلَامًا
 دَائِمًا سَرْمَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا صَلاَحًا
 وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ
 فَرْعٌ وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ وَآخِرُهُ وَجَعٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ
 لِكُلِّ نَذْرٍ نَذَرْتَهُ وَكُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتَهُ وَكُلِّ عَهْدٍ
 عَاهَدْتَهُ ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ وَأَسْأَلُكَ فِي مَطَالِمِ عِبَادِكَ
 عِنْدِي فَإِنَّمَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ أَوْ أَمَةٌ مِنْ إِمَائِكَ
 كَانَتْ لَهُ قَبْلِي مَظْلَمَةٌ ظَلَمْتُهَا آيَاهُ فِي نَفْسِهِ أَوْ فِي
 عَرْضِهِ أَوْ فِي مَالِهِ أَوْ فِي أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ أَوْ غَيْبَةً
 اغْتَبْتَهُ بِهَا أَوْ تَحَامَلُ عَلَيْهِ بِمِثْلِ أَوْ هَوَى أَوْ انْفَقَ
 أَوْ حَمِيَّةً أَوْ رِيَاءً أَوْ عَصِيَّةً غَائِبًا كَانَ أَوْ شَاهِدًا
 وَحَيًّا كَانَ أَوْ مَيِّتًا فَقَصْرَتْ يَدِي وَضَاقَ وَسْطِي عَنْ
 رَدِّهَا إِلَيْهِ وَالتَّحَلُّلِ مِنْهُ فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ يَمْلِكُ
 الْحَاجَاتِ وَهِيَ مُسْتَجِيبَةٌ لِمَشِيئَتِهِ وَمُسْرِعَةٌ إِلَى

إِرَادَتِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرَضِيَهُ

عَنِّي بِمَا شِئْتَ وَتَهَبْ لِي مِنْ عِنْدِكَ رَحْمَةً إِنَّهُ

لَا تَقْصُصُكَ الْمَغْفِرَةُ وَلَا تَضُرُّكَ الْمَوْهَبَةُ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَوْلِنِي فِي كُلِّ يَوْمٍ اثْنَيْنِ نِعْمَتَيْنِ

مِنْكَ ثِنْتَيْنِ سَعَادَةٍ فِي أَوْلِيهِ بِطَاعَتِكَ وَنِعْمَةٍ فِي آخِرِهِ

بِمَغْفِرَتِكَ يَا مَنْ هُوَ الْإِلَهِ وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ سِوَاهُ

دُعَايَ رَوْزِ شَنْبِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَحْمَدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ حَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا

وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ

إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي

يَزِيدُنِي ذَنْبًا إِلَى ذَنْبِي وَأَحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فَاجِرٍ

وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ وَعَدُوِّ قَاهِرٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ

جُنْدِكَ فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ واجْعَلْنِي مِنْ حَرْبِكَ

فَإِنَّ حَرْبَكَ هُمُ الْمُقْلِحُونَ واجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَاءِكَ فَإِنَّ

أَوْلِيَاءَكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُمَّ اصْلِحْ لِي

دِينِي فَإِنَّهُ عِصْمَةٌ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي أُخْرَتِي فَإِنَّهَا دَارُ
 مَقَرِّي وَإِلَيْهَا مِنْ مَجَاوِرَةِ اللَّيْلِ مَقَرِّي وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ
 زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَالْوَفَاةَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَتَمَامِ عِدَّةِ الْمُرْسَلِينَ
 وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ وَأَصْحَابِهِ الْمُتَجَبِّينَ
 وَهَبْ لِي فِي الثَّلَاثَةِ ثَلَاثًا لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ
 وَلَا عَمَّا إِلَّا أَذْهَبْتَهُ وَلَا عَدُوًّا إِلَّا دَفَعْتَهُ بِبِسْمِ اللَّهِ
 خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ اسْتَدْفِعْ
 كُلَّ مَكْرُوهٍ أَوَّلَهُ سَخَطُهُ وَاسْتَجْلِبْ كُلَّ مَحْبُوبٍ أَوَّلَهُ
 رِضَاهُ فَاخْتِمْ لِي مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ يَا وَليَّ الْإِحْسَانِ
 دُعَايَ رُوحِ جَهَارِ شَبِّهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا
 وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا لَكَ الْحَمْدُ أَنْ بَعَثْتَنِي مِنْ مَرْقَدِي
 وَلَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ سَرْمَدًا حَمْدًا دَائِمًا لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا
 وَلَا يُحْصَى الْخَلْقُ عَدَدًا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْ خَلَقْتَ

فَسَوَّيْتُ وَقَدَّرْتُ وَقَضَيْتُ وَأَمَّتْ وَأَحْيَيْتُ وَأَمْرَضْتُ

وَشَفَيْتُ وَعَافَيْتُ وَأَبْلَيْتُ وَعَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَيْتُ

وَعَلَى الْمَلِكِ احْتَوَيْتُ أَدْعُوكَ دَعَاءَ مَنْ ضَعُفَتْ سَيْلَتُهُ

وَأَنْقَطَعَتْ حِيلَتُهُ وَاقْتَرَبَ أَجَلُهُ وَتَدَانِي فِي الدُّنْيَا

أَمَلُهُ وَأَشْتَدَّتْ إِلَى رَحْمَتِكَ فَاقْتَهُ وَعَظُمَتْ لِنَفْسِهِ

حَسْرَتُهُ وَكَثُرَتْ زَلَّتُهُ وَعَذْرَتُهُ وَخَلَصَتْ لِرُوحِكَ

تَوْبَتُهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَرْزُقْنِي شِفَاعَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْ نِيَّ صُحْبَتَهُ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْضِ لِي فِي الْأَرْبَعَاءِ أَرْبَعًا اجْعَلْ

قُوَّتِي فِي طَاعَتِكَ وَنَشَاطِي فِي عِبَادَتِكَ وَرَغْبَتِي فِي

فِي ثَوَابِكَ وَزُهْدِي فِي مَا يُوجِبُ لِي أَلِيمَ عِقَابِكَ إِنَّكَ

لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ

دُعَايَ رَوْزِ نَخِيشَنِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ

وَجَاءَ بِالنَّهَارِ مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ وَكَسَانِي ضِيَاءَهُ وَأَنَانِي
 نِعْمَتِهِ اللَّهُمَّ فَكَمَا أَبْقَيْتَنِي لَهُ فَأَبْقِنِي لِأَمثَالِهِ
 وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَقْجَعْنِي فِيهِ وَفِي
 غَيْرِهِ مِنَ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ بِارْتِكَابِ الْحَارِمِ وَارْتِكَابِ
 الْمَأْثَمِ وَأَرْزُقْنِي خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ
 وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَشَرَّ مَا فِيهِ وَشَرَّ مَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ
 إِنِّي بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ
 أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِحُكْمِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 أَسْتَشْفَعُ لَدَيْكَ فَأَعْرِفِ اللَّهُمَّ ذِمَّتِي الَّتِي رَجَوْتُ
 بِهَا قَضَاءَ حَاجَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْضِ لِي
 فِي الْخَمِيسِ خَمْسًا لَا يَنْسَعُ لَهَا إِلَّا كَرْمُكَ وَلَا يُطِيقُهَا
 إِلَّا نِعْمُكَ سَلَامَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَةٍ
 أَسْتَحِقُّ بِهَا جَزِيلَ مَثُوبَتِكَ وَسَعَةً فِي الْحَالِ مِنْ
 الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَأَنْ تُؤْمِنَنِي فِي مَوَاقِفِ الْخَوْفِ بِأَمْنِكَ
 وَتَجْعَلَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْهُمُومِ وَالْغُمُومِ فِي حِصْنِكَ وَصَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدِ وَأَجْعَلْ تَوَسُّلِي بِهِ شَأْنًا يَوْمَ

الْقِيَامَةِ نَافِعًا إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

دُعَايِ رُوزِ جُمُعَةٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ الْإِنشَاءِ وَالْإِحْيَاءِ وَالْآخِرِ

بَعْدَ فَنَاءِ الْأَشْيَاءِ الْعَلِيمِ الَّذِي لَا يَنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ

وَلَا يَنْقُصُ مَنْ شَكَرَهُ وَلَا يَخِيبُ مَنْ دَعَاهُ وَلَا يَقْطَعُ

رَجَاءَ مَنْ رَجَاهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ

شَهِيدًا وَأَشْهَدُ جَمِيعَ مَلَائِكَتِكَ وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ

وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ وَمَنْ بَعَثْتَ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَمُرْسَلِكَ

وَأَنْشَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ إِنِّي أَسْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا عَدِيلَ

وَلَا خُلْفَ لِقَوْلِكَ وَلَا تَبْدِيلَ وَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَمُرْسُولُكَ أَدَى مَا حَمَلْتَهُ إِلَى

الْعِبَادِ وَجَاهِدَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقَّ الْجِهَادِ وَأَنَّه بَشَرٌ

بِمَا هُوَ حَقٌّ مِنَ الثَّوَابِ وَأَنْذَرَ بِمَا هُوَ صِدْقٌ مِنَ الْعِقَابِ

اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ

إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ

وَشِيعَتِهِ وَأَحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ وَوَفِّقْنِي لِإِدَاءِ فُرْضِ

الْجُمُعَاتِ وَمَا أَوْجِبْتَ عَلَيَّ فِيهَا مِنَ الطَّاعَاتِ وَقَسِّمْتَ

لِأَهْلِهَا مِنَ الْعَطَاءِ فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

دُعَايُ رُورِ شَنْبِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ كَلِمَةُ الْمُعْتَصِمِينَ وَمَقَالَةُ الْمُتَحَرِّزِينَ

وَأَعُوذُ بِاللَّهِ تَعَالَى مِنْ جُورِ الْجَائِرِينَ وَكَيْدِ الْكَاسِدِينَ

وَبَغْيِ الظَّالِمِينَ وَأَحْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ الْكَامِدِينَ اللَّهُمَّ

أَنْتَ الْوَاحِدُ بِلَا شَرِيكَ وَالْمَلِكُ بِلَا تَمْلِيكَ لَا تُضَادُّ

فِي حُكْمِكَ وَلَا تُنَازِعُ فِي مُلْكِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ نِعَمَاتِكَ

مَا تَبْلُغُ بِي غَايَةَ رِضَاكَ وَأَنْ تُعِينَنِي عَلَى طَاعَتِكَ

وَلِزُومِ عِبَادَتِكَ وَأَسْتَحِقُّ مَثُوبَتِكَ بِلُطْفِ عِنَايَتِكَ

وَتَرَحَّمَنِي بِصَدِّي عَنِ مَعَاصِيكَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَتَوَفَّقَنِي

لِمَا يَنْفَعُنِي مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَنْ تَشْرَحَ بِكِتَابِكَ صَدْرِي

وَتَحُطَّ بِتِلَاوَتِهِ وَزُرِّي وَتَمُنَّحَنِي السَّلَامَةَ فِي دِينِي

وَنَفْسِي وَلَا تُوحِشْ بِي أَهْلَ أُنْسِي وَتَمَّ احْسَانَكَ فِيمَا

بَقِيَ مِنْ عُمْرِي كَمَا أَحْسَدْتَ فِيمَا مَضَى مِنْهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَعَايَ طَلَبَ عَافِيَةَ از صَحِيفَةُ سَجَّادِيَّةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَإِلَيْهِ وَالْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَجَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ وَخَصِّنِي

بِعَافِيَتِكَ وَأَكْرِمْ نِي بِعَافِيَتِكَ وَأَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَأَفْرِشْنِي

عَافِيَتَكَ وَأُصَلِّحْ لِي عَافِيَتَكَ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ

عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ

وَعَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً عَافِيَةً

تُولِدُنِي فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَأَمِّنْ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ

فِي دِينِي وَبَدَنِي وَالْبَصِيرَةَ فِي قَلْبِي وَالنَّفَازَةَ فِي أُمُورِي
 وَالْحَشْيَةَ لَكَ وَالْخَوْفَ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالْقُوَّةَ عَلَى مَا
 أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَالْإِجْتِنَابَ لِمَا نَهَيْتَنِي
 عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ وَأَمِّنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ
 وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ
 عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا مَا
 أَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاجْعَلْ ذَلِكَ
 مِنِّي مَقْبُولًا مَشْكُورًا مَذْكُورًا لَدَيْكَ مَذْخُورًا عِنْدَكَ
 وَأَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحَسَنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ
 لِسَانِي وَأَشْرَحْ لِمُرَاشِدِي دِينِكَ قَلْبِي وَأَعِدْ لِي وَذُرِّيَّتِي
 مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْمَآمَةِ
 وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ
 وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ
 وَشَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرَفٍّ حَفِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
 شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ وَمِنْ شَرِّ

كُلِّ قَرِيبٍ وَيَعِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ

وَلِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ

دَابَّةٍ أَنْتَ أَخِيذُ بِنَاصِيذِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ

عَنِّي وَأُدْحِرْ عَنِّي مَكْرَهُ وَأُدْرِعْ عَنِّي شَرَّهُ وَرُدِّ كَيْدَهُ

فِي نَحْرِهِ وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا حَتَّى تَعْمِيَ عَنِّي

بَصْرَهُ وَتُصَمَّ عَنِ ذِكْرِي سَمْعَهُ وَتُقْفَلَ دُونِ إِحْطَارِي

قَلْبَهُ وَتُخْرِسَ عَنِّي لِسَانَهُ وَتَقْطَعَ رَأْسَهُ وَتُذِلَّ عِزَّهُ

وَتُكْسِرَ جَبْرُوتَهُ وَتُذِلَّ رَقَبَتَهُ وَتَقْطَعَ كِبْرَهُ

وَتُوْمِنِنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَشَرِّهِ وَغَمِّهِ وَهَمِّهِ وَلَمَزِهِ

وَحَسَدِهِ وَعَدَاوَتِهِ وَحِبَائِلِهِ وَمَصَائِدِهِ وَرَجَلِهِ وَخَيْلِهِ

إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

نوافل و اوقات آن

نماز نافله شبانه روز سنت مؤکد است و آوردن آن از علامت

ایمان است خداوند آن را قرار داد که اگر کسی در نماز واجب شده باشد و خواننده

نماز نداند جای آنرا بگیرد و تمامی نوافل با نافله شب ^{۳۴} و چهار رکعت است
 هر دو رکعت بیک سلام.

هشت رکعت نافله ظهر است مقدم بر ظهر. و هشت رکعت نافله
 عصر است مقدم بر عصر. و چهار رکعت نافله مغرب بعد از مغرب است.
 و دو رکعت نشسته نافله عشاء که یک رکعت حساب میشود و آنرا و تیره
 گویند که بعد از نماز عشاء خوانده میشود. و هشت رکعت نافله شب است
 و دو رکعت بعد از آن نماز شفع و یک رکعت نماز وتر است انگاه دو رکعت
 نماز نافله صبح است که قبل از نماز صبح خوانده میشود.

و اول وقت نافله ظهر از زوال آفتاب است تا وقتی که سایه شاخص
 باندازه دو مفتم شاخص بر سایه وقت زوال افزوده شود در جائیکه
 وقت زوال شاخص سایه داشته باشد. و اما در جائیکه برای شاخص
 سایه نمی ماند پس اول وقت نافله ظهر همان وقتی است که سایه شاخص
 معدوم شود و آخر آن وقتی است که سایه بعد از عدم بدو مفتم شاخص برسد
 و اول وقت نافله عصر فارغ شدن است از نماز ظهر است که در اول وقت
 گذارده شود و آخر آن وقتی است که سایه شاخص بمقدار چهار مفتم

شاخص برسد.

و اول وقت نافله نماز مغرب فارغ شدن از نماز مغرب است که
 در اول وقت گذارده شود و آخر آن بر طرف شدن سرخی است که در جانب
 مغرب بهم میرسد. و اول وقت نافله نماز عشاء تمام شدن اذان نماز
 است اگر در اول وقت گذارده شود و آخر آن تا نصف شب است
 و وقت نماز شب از نصف شب است تا طلوع فجر دوم و بهر
 اندازه که بفجر نزدیک شود فضیلت آن بیشتر است و هرگاه بعد از گذاردن
 چهار رکعت نماز شب فجر دوم طالع شود باقی را مخفف بیاورد و اگر قبل از
 گذاردن چهار رکعت فجر طالع شود نافله شب را ترک نموده و نافله صبح را
 بجا آورده و بنماز صبح مشغول شود.

نماز شب

وقت نافله شب از نیمه شب است تا طلوع فجر صادق و آن مستحب
 مؤکد است و برای نماز شب فوائد و ثواب بسیار است. رسول خدا
 صلی الله علیه و آله فرمود که خواندن نماز شب موجب خوشنودی پروردگار
 و محبت ملائکه است. نماز شب سنت انبیاء و نور معرفت و پایه ایمان

و راحت بدن و سبب خشم شیطان است. فرمود نماز شب سلاح بروشنی
 و سبب مستجاب شدن دعا و قبول شدن اعمال و وسیله برکت روز بسیت
 و شفیع است بین نمازگذار و ملک الموت و در قبر چراغ و مؤسس است تا روز
 قیامت و جواب منکر و نکیر است و در روایت دیگر است که نماز شب سبب
 آسانی سکرات مرگ و وسعت روزی و صحت بدن و روشنائی چهره
 و طول عمر است. فوائد نماز شب بسیار و گنجایش بیان زیاده از این
 نیست. پس سزاوار است که انسان تا بتواند آنرا ترک نکند و در دل
 شب با خدای خود خلوت نموده و از او بخواهد تا اصلاح امر دین و دنیای او
 شود انشاء الله تعالی.

نماز شب یازده رکعت است هر دو رکعت بیک سلام در هر
 رکعت یک حمد و یک سوره بخواند و افضل آنست که در رکعت اول بعد
 از حمد سی مرتبه قل هو الله بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد قل یا ایها
 الکافرون بخواند. و بهر اندازه که نماز طولانی شود فضیلت آن بیشتر است
 و قنوت در هر چهار نماز مستحب است و در نماز پنجم که آنرا شفیع گویند قنوت
 نیست. و بعد از نماز شفیع نماز وتر است و آن یک رکعت است

بعد از حمد یک سوره بخواند و بهتر آنست که سه مرتبه قل هو الله احد و یک مرتبه
 قل اعوذ برب الفلق و یک مرتبه قل اعوذ برب الناس بخواند انگاه
 قنوت گیرد و دعای قنوت بخواند و گفتن هفتاد مرتبه استغفر الله
 ربی و اتوب الیه و صد مرتبه افضل است و هفت مرتبه مستحب
 است بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
 من جمیع ظلمی و جرمی و اسرافى على نفسی و اتوب الیه
 پس از برای چهل نفر از مؤمنین طلب مغفرت نموده نام آورد و مستحب
 است سیصد مرتبه العفو العفو بگوید و در صورتیکه نتواند آنچه را
 که گفته شد بعمل آورد هر چه را که میتواند بیاورد و در قنوت نماز و ترغای
 کردن برای خود و برادران و والدین و همسایگان و ارحام و غیره زند
 و مرده سنت است و خیلی مفید و مؤثر است. اگر شخصی نتواند بزبان
 عربی دعا کند بهر زبانی که میداند خدا را یاد نموده و عا لند البتة خدا مستجاب
 خواهد نمود ان شاء الله تعالی - و زیاده از چهل نفر مؤمن را در قنوت و تر
 نام آوردن باکی نیست و اگر مؤمنات را نیز علاوه بر چهل نفر مؤمن یاد کند
 و طلب مغفرت برای آنها نماید موجب اجر است باین طریق اگر طلب مغفرت

شود نیک است اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقُلَّانٍ و بجای فلان نام شخص را بیاورد
خواه مرده باشد یا زنده - و هر گاه نتواند ایستاده بخواند نشسته
می تواند بخواند

احکام مسجد

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

جز این نیست که عمارت میکند مسجد های خدا را کسیکه گروید بخدا و روز

الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَجْشِ إِلَّا

باز پسین و بر پا داشت نماز را و داد زکوة را و نترسید مگر

اللَّهِ فَعَسَىٰ أَوْلَىٰكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

از خدا پس شاید آنها که باشند از راه یافتگان

تأسیس نمودن مسجد و آباد کردن آن یکی از احکام اسلام است که شارع

تقدس اُمت را هدایت بآن فرموده و امر با ورود نماز های پنجگانه در آن

خصوصاً برای همسایگان سنت است تا که نمود. و مستدرک الوسائل است

از امیر المؤمنین ع "لا صلوة لجار المسجد الا في المسجد الا ان

يكون له عذر و به علة" عرض کردند کیست همسایه مسجد فرمود

کسیکه ندای مؤذن را بشنود . امام باقر ع فرمود کسیکه سجده باندازه
 خوابگاه قطاطی^(۱) بنا کند خدا برای او در بهشت خانه بنا خواهد کرد . امام
 صادق ع فرمود چیزی را که خلاصه آن آنست که چون بدر مسجد رسیدی
 بدان که خانه پادشاهی بزرگی را در دل گرفته ای که قدم نمیکند از او بر بساط او
 مگر پاکیزگان و اذن داده نمیشود برای شستن در آن مگر صدیقین پس در موقع
 رفتن بطرف مسجد بهیبت خدا در دل گیر مانند بهیبت پادشاهان چه در
 این موقع اگر غفلت نمودی بر حال خطرناک عظیمی خواهی بود رسول خدا صلی
 الله علیه و آله با بوزر فرمود ای ابوذر کلمه پاکیزه صدقه است (یعنی ثواب
 صدقه را دارد) و هر قدمی را که بطرف مسجد میگذاری و میروی صدقه است
 ای ابوذر کسیکه داعی خدا را (یعنی اذان مؤذن) اجابت نماید و مساجد
 خدا را آباد کند میباشد برای او نزد خدا بهشت ابوذر عرض کرد چگونه
 مساجد خدا را باید آباد نمود فرمود آواز در آن بلند نشود و گفتگوی باطل
 در آن نشود و خرید و فروش در آن واقع نگردد و تا وقتیکه در مسجد میباشی
 از امر بیوده خودداری کن پس اگر آنچه را که گفته نمودی ملامت مکن در روز

(۱) قطاط . بحر بی پرنده ایست که بفارسی آنرا سنگسوار گویند .

قیامت مگر خود را و باز فرمود پاکیزه کنید مساجد خود را از کوک و کان و دیوانگان
 و خرید و فروش در آن - آواز دادن در مسجد برای گم شده و خواندن شعر
 و خوابیدن و استعمال سلاح و غیره مکروه است. پس باید مسجد را برای
 چیزی قرار دیمیم که بجهت آن وضع شده است مخصوصاً تعاهد تعلیم یعنی
 دیدن آنچه کفشها را در موقع ورود مسجد امر شده است تا که کفش خالی
 از کثافت باشد و سبب است که نماز گذار قبل از همه حاضر شود و آخر از همه
 بیرون آید و در آن موقع مشغول عبادت از نماز و قرآن و ذکر و دعا و امثال
 آن باشد در وقت دخول مسجد پای راست را در موقع خروج پای
 چپ را مقدم دارد - در مصباح الفقه است که رسول خدا صلی الله علیه
 و آله چون داخل مسجد میشد صلوات میفرستاد و میگفت **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي**
ذُنُوبِي وَافْتَحْ أَبْوَابَ فَضْلِكَ و چون بیرون میآمد همین را نیز میخواند
نماز جماعت و فضیلت آن

از جمله احکامیکه در اسلام سنت متوکه است آوردن نمازهای پنجگانه
 شبانه روز است بجماعت حتی بر شخص نابینا نیز متوکه گردیده و بجماعت
 آوردن نماز صبح و مغرب و عشاء زیاده تأکید شده . و در فضیلت نماز جماعت

احادیث بسیار رسیده از آنجمله فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود
 کسیکه مسجد برای نماز جماعت برود برای اوست در هر قدمی هفتاد حسنه
 و بلند میشود برای او در هر قدمی هفتاد درجه. و فرمود هر رکعتی بیست و چهار
 رکعت محسوب میشود که هر رکعتی از آن نزد خدا محبوبتر است از چهل سال
 عبادت. کسیکه برای نماز جماعت حاضر شود خداوند احوال روز قیامت را
 بر او سبک گرداند و امر نموده او را به بهشت برند.

و در فضیلت نماز جماعت وارد است که با آنکه نماز در مسجد کوفه مقابل
 است با هزار نماز که در بیرون آن آورده شود نماز جماعت افضل است
 از نماز فرادای مسجد کوفه. مخصوصاً در فضیلت نماز مغرب فرموده که ثواب
 نماز مغرب با جماعت برابر است با حجّه مقبوله و عمره مقبوله. و برای بقیه
 نمازها نیز فضائل خاص وارد گردیده و نیز وارد است که نماز پشت سر عالم
 برابر است با هزار نماز. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود کسیکه نماز خود
 را با جماعت پشت سر عالم بجا آورد مثل آنست که بمن و ابراهیم خلیل افتد نمود

شروط امامت

و شرط است در امام جماعت آنکه مرد. بالغ. عاقل. مؤمن. عادل

باشد و انا بقرائت و احکام لازمه نماز باشد و در صورتیکه فقیه اوسع
باشد بهتر است.

و امامت زن برای زنان جایز است و امام راتب^(۱) مسجد اولی است
از دیگران و در صورت معارضه بین دو امام برای کسب ثواب آخرت
نه امر دنیاوی واقع شود کسی را که مأمومین طالبند مقدم دارند.

احکام نماز جماعت

در صورت اجتماع مردان و زنان برای جماعت. زنان بعد از مردان
صف بندی کنند و مستحب است که پس از مردان سر از سجده بردارند
و سنت است که صفوف نماز را راست و مستقیم بدارند. دوش بدوش
بایستند و بین آنها خالی نباشد که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شیطان
در بین آنها داخل میشود. و مستحب است افضل و اعلم و اکمل از دیگران
در صف اول بایستند و باید حایلی مانند پرده بین امام و مأموم نباشد مگر
آنکه مأموم زن باشد.

مأموم وقتی اقتدا کند که امام نیت نموده و داخل نماز شده باشد

(۱) مقصود از امام راتب همان امامی است که برای مسجدی معین گردیده.

در حال قیام یا بر کوع رفته باشد. و باید بین امام و مأموم دوری فوق العاده نباشد پس اگر بین جای ایستادن امام و جای سجده مأموم و نیز بین جای ایستادن مأموم جلو و جای سجده مأموم به اندازه یک گام باشد باکی نیست. و واجب است در دو رکعت اول مأموم سکوت کند و گوش بقرائت امام دهد و اگر آواز امام حتی همهمه اورانشنود میتواند آهسته قرائت بخواند و یا مشغول ذکر و تسبیح شود و در دو رکعت اول نماز ظهر و عصر که امام قرائت را آهسته میخواند مستحب است که مأموم مشغول تسبیح و ذکر گردد.

و لازم نیست در نماز جماعت یومیته آنکه نوع نمازیکی باشد پس اقتدا بنمازهای یومیته یکی بدیگری مثل نماز ظهر را بعصر و عشاء را بمغرب و امثال آن جائز است. و جائز است اقتدافمودن نماز تمام را بنماز قصر امام و برعکس و نماز قصر را باداء و ادارا بقضاء.

ماابن.org احکام سفر

بدانکه بر مسافر لازمست که با اخلاق نیکو بهم بر خورد و در شدائد تحمل کند با پیش آمد های نا هنجار با کمال متانت برخورد نماید. از رفتن و مصاحبین خود ملاحظه کند و آنان را بر خود مقدم دارد و با حالت یگانگی

با آنها بسر برد. و سائل سفر و نوشته خود را قبلاً مهیا نموده تا که بار برد و گیران نشود
 و حسن معاشرت را با هم سفران از دست ندهد بلکه با طبقات مردم خوش رفتاری
 کند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود مدارا نمودن با مردم نصف ایمان
 است و با نرمی و مهربانی رفتار کردن با آنها نصف عیش است. امام
 صادق ع فرمود با هم نشین خود خوش رفتاری کن اگر چه یهودی باشد
 و مستحب است که مسافر با خود عصائی از چوب بادام تلخ بگیرد.
 و داشتن بعضی تعویذات وارد شده و موجب حفظ از بدیها است و داشتن
 تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام مستحب است.

امام صادق علیه السلام فرمود گرفتن بیج تربت امام حسین ع
 با خود موجب امان از خوف است. داشتن انگشتر عقیق سبب ایمنی در
 سفر است. از خواص عقیق وارد شده که فقر و درویشی و نفاق را دور
 میکند. و پوشیدن آن مبارک است و امید است که موجب عاقبت
 بخیری شود و با خود داشتن قرآن مستحب است. و چون شخصی اراده
 سفر کند دو رکعت نماز بخواند و دعا برای سلامتی خود و بازماندگان خود نماید
 و در موقع بیرون آمدن از خانه تسبیح حضرت زهرا صلوات الله علیها

و سوره حمد و آیه الکرسی را بخواند و برای سلامتی صدقه بدهد که موجب طول عمر
 و دفع بلا و حفظ است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود نیست چیزی
 مثل صدقه که عمر را زیاد کند و نیست چیزی مثل دعا که بلا را دور میکند و نیست
 چیزی که بنده را نورانی کند مثل خلق نیکو و نیست چیزی که گناہان را برود مثل
 استغفار. و دادن صدقه ستری است از آتش جهنم و سبب گذشتن
 از صراط و ایمنی از عذاب است.

در موقع بیرون آمدن از خانه و یا شهر توکل نموده بیرون آمده بگوید
 اَمْنٌ بِاللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
 و آنچه از آیات قرآنی و دعا و اورا که در نظر دارد بخواند که موجب سلامتی است
 انشاء الله تعالی و باید دانست که از آداب مسافرت و اخلاق نیک
 سفر یکی آنست که دوستان و علاقه مندان را فراموش نکند و در موقع دعا
 آنها را یاد کند و بوسیله کتابت علاقه مندان را از سلامتی خود خوش نماید
 و جواب خطوط آنان را بدهد.

در اصول کافی از امام صادق روایت است که فرمود جواب
 خط مثل جواب سلام واجب است روایت مجهول است بر شدت

تا کید جواب .

و از جمله آداب سفر آنست که در موقع مراجعت مخصوصاً برای اهل
 و اولاد بقدر قوه خود تحفه آورد و آنها را خوش کند که البته موجب شهنودی
 خداست .

نماز قصر (یعنی کتم شدن نماز در سفر)

بر مسافر لازمست دانستن برخی از تکالیفی را که در سفر حکم آن تغییر
 خواهد کرد مانند نماز و روزه . پس نماز ظهر و عصر و عشاء هر کدام که چهار
 رکعت است دو رکعت میشود . اما نماز صبح و مغرب بهمان حال میماند و روزه
 باید ترک شود بشرط آنکه سفر شرعی باشد . و در سفر شرعی پنج شرط است
 اول :- آنکه مسافر قصد مسافت شرعی کند و آن بیست و چهار میل^{۲۴}
 شرعی است که معادل با بیست و هفت میل^{۲۷} عادیست . و هر سه میل^۳
 شرعی یک فرسخ میشود .

دوم :- آنکه سفر حرام نباشد مانند سفردزدی یا قتل نفس و یا
 قصد کارهایی که خلاف شرع باشد مثل سفر برای قمار و امثال آن و سفر
 زن بدون اجازه شوهر جائز نیست مگر آنکه سفر حج واجب باشد که جائز است

سوم: آنکه کثیر السفر نباشد یعنی همیشه در سفر باشد

چهارم: آنکه خانه گرد نباشد

پنجم: در بین سفر قصد اقامه نکند چه اگر قصد ماندن ده روز و حائی

نمود. نماز را باید تمام و روزه را بگیرد و اگر مرد و بماند تا سی روز نماز را قصر بخواند

و چون شیء روز تمام شود باید نماز را تمام بخواند و روزه را بگیرد اگر چه برای

یک روز بماند.

نماز قضا و احکام آن

و اجابت بر کسیکه نماز وی فوت شده باشد عمد یا سهوا و یا بجهت

بیماری و یا نبودن طهارت یا آنکه نماز را بصورت باطل آورده. آنکه نماز خود را

قضا کند و بهتر آنست که نماز فوت شده خود را قبل از نماز فریضه بجا آورد

و در صورت تنگی وقت نماز. اول باید فریضه را آورد بعد از آن نماز فوت شده

را بقسمیکه از او فوت شده قضا نماید. پس اگر قصر است قصر قضا

کند اگر چه در حضر باشد و اگر نماز تمام فوت شده باید تمام قضا نماید اگر چه

در سفر باشد و قضای نمازهای نافله یومیه مستحب است.

نماز والدین

نمازیکه از پدر بسبب مرض یا عذر دیگری فوت شود قضاء آن بعد از موت وی بر پسر بزرگ نیز واجبست بلکه قضا نمودن تمام نمازهای فوت شده پدر و قضاء نمازهای مادر را نیز پسر بزرگ نیز منظور بداد و سبب اجر خواهد بود چه خدمت بوالدین بهر عنوانی که باشد در حیات و یا بعد از موت آنها سبب تولید خیر و سعادت در دنیا و آخرت برای فرزند خواهد بود انشاء الله تعالی

نماز اجاره

جائز است اجیر شدن بعنوان نیابت برای آوردن نماز و یا عبادات دیگر جهت میت چنانیکه تبرع یعنی بدون هیچ عوض هم جائز است. پس اگر کسی از طرف میت قریبه الی الله نمازهای او را قضا کند و میت فارغ میشود و نایب نیز با جور خواهد بود انشاء الله تعالی.

امام صادق ع فرمود چه بسیار میشود که میت در تنگی و سختی است ولی خداوند بسبب آن نماز قضا میت را آسایش میدهد و با او گفته میشود که این تنگی بر تو تخفیف یافت بجهت فلان برادر تو.

و در نماز قضا جائز است که زن از طرف مرد و مرد از طرف زن قضا

نماید و هر کدام باید تکلیف خود عمل نماید. و اجیر باید عاقل و بالغ باشد و متین
 یعنی قابل اعتبار باشد مجتهد باشد یا آنکه تقلید کند و یا آنکه بتواند مطابق
 احتیاط عمل کند و در ولی میت خواه پسر بزرگ باشد یا دیگری جائز
 است که نماز را خود بخواند و دیگری را اجیر نموده که نمازهای میت را بجا آورد.
 اجیر نمیتواند دیگری را اجیر کند مگر با اجازه کسی که او را اجیر نموده. و جائز
 است اشخاص متعدد اجیر برای عبادت یک نفر شوند مگر در حج که باید
 یک نفر حج را بعنوان نیابت بجا آورد.

نماز آیات

مقصود از آیات گرفتن آفتاب که آن را کسوف و گرفتن ماه که
 آنرا خسوف گویند و زلزله و طوفان و بادهای سخت و رعد و برق و هر چه
 که سبب ترس و خوف نوع مردم شود پس در این صورت خواندن نماز
 آیات بر مکلف واجب است - و آن دو رکعت است در هر رکعتی
 پنج رکوع است باین ترتیب که بعد از نیت **اللَّهُ أَكْبَرُ** گوید آنگاه حمد
 و سوره خوانده بر کوع رود پس از ذکر رکوع سر بلند نموده حمد و سوره بخواند
 باز بر کوع رود و بعد از ذکر رکوع سر بلند نموده و باز حمد و سوره بخواند و بر کوع

رود و باز بعد از ذکر سر بلند نموده حمد و سوره بخواند و بر کوع رود پس از ذکر
 رکوع سر بلند نموده حمد و سوره بخواند و بر کوع رود و بعد از ذکر رکوع سر
 بلند نموده سَمِيعَ اللّٰهِ لِمَنْ حَمِدَهُ و تکبیر گفته بسجود رود و بعد از سجدتین
 برای رکعت دوم بر میخیزد و رکعت دوم را مانند رکعت اول بجا آورد و بعد
 از سجدتین تشهد و سلام دهد و مستحب است که بعد از حمد و سوره قبل از
 رکوع دوم و چهارم در رکعت اول - و قبل از رکوع اول و سوم و پنجم
 رکعت دوم قنوت بخواند و اگر قبل از رکوع پنجم و دهم دو قنوت بیاورد
 نیز جایز است.

و طریق دیگر نماز آیات آنست که در هر رکعت یک حمد بخواند و یک
 سوره را بر پنج قیام قسمت نماید باین قسم که حمد را در همان قیام اول بخواند
 و شروع بسوره کند و قسمتی از آنرا بخواند و بر کوع رفته بلند شود و قسمت دیگر
 سوره را بخواند و بر کوع رود و سر بلند نموده قسمت دیگر سوره را بخواند
 تا پنج مرتبه چنین کند و چون در رکعت دوم داخل شود نیز چنین نماید
 و نماز را تمام کند

مثلاً - بعد از حمد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ

أَحَدٌ بِرُكُوعٍ مِيرُودٍ وَسِرْبَلْنَدِ مِیْکَنْدِ بَکُویدِ اَللّٰهُ الصَّمَدُ بِرُكُوعٍ مِيرُودٍ وَسِرْبَلْنَدِ
 مِرُودَةٍ بَکُویدِ لَمْ یَلِدْ وَبِرُكُوعٍ رَفْتَهٗ سِرْبَلْنَدِ نَمَیْدِ وَبَکُویدِ وَ لَمْ یُولَدْ وَبِرُكُوعٍ
 رُودٍ وَبَعْدَ اَزْ سِرْبَلْنَدِ مِرُودِنِ بَکُویدِ وَ لَمْ یَكُنْ لَهٗ کُفُوًا اَحَدٌ اَنْگَاهِ
 بِرُكُوعٍ رَفْتَهٗ وَسِرْبَلْنَدِ مِرُودَةٍ وَنَمَازَ رَا تَمَامِ کَنْدِ - وَدِرْ صُورَتِیکَهٗ نَمَازِ خُسُوفِ
 وَکُسُوفِ نَوْتِ شُودِ قِضَایِ اَنِّ وَاجِبِ اسْتِ مَکْرَانِکَهٗ اَزْ کَرَفْتِنِ اَنِّ
 بِنِی خَبَرِ بَاشَدِ وَبِهَرْ گَاهِ تَمَامِ قِرْصِ کَرَفْتَهٗ شُودِ قِضَایِ اَنِّ وَاجِبِ اسْتِ اِگِرْچِهٗ
 بَعْدِ بَا خَبَرِ شُودِ وَ اَمَّا بَاقِی آیَاتِ پَسِ اُورْدِنِ اَنِّ وَاجِبِ اسْتِ دَرْ هَرِ
 وَاقْتِ کِهٗ مَمْکِنِ شُودِ .

نماز عید فطر

عید فطر روز اول ماه شوال است و وقت نماز آن از طلوع
 آفتاب است تا زوال و مستحب است که پس از بلند شدن آفتاب شروع
 بنماز کند و با جماعت بخواند و در صورتیکه فوت شود قضای ندارد - و آن دو
 رکعت است در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ تَبٰرَکَ اسْمُ رَبِّکَ الْاَعْلٰی
 بخواند پس دستها را بلند نموده پنج قنوت بگیرد و در هر قنوت دعای قنوت
 را بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد سورهٔ وَالشَّمْسُ بخواند پس از آن

چهار قنوت بگیرد و همان دعا را بخواند انگاه برکوع و سجود رفته نماز را تمام کند
 و دعای قنوت اینست اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ
 وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ^(۱) وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ
 التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ
 لِلْمُسْلِمِينَ عِيْدًا وَاَلْحَمْدُ لِصَلَى اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاِلَيْهِ دُخْرًا
 وَشَرَفًا وَاَكْرَامَةً وَمَزِيْدًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
 مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَدْخُلَنِيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيْهِ مُحَمَّدًا
 وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِيْ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا
 وَاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ خَيْرَ
 مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصّٰلِحُوْنَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ
 مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُوْنَ .

ترجمہ دعا :- بارخدا یا توئی سزاوار بزرگی و بزرگواری سزاوار

سخا و جبروت و سزاوار بخشش و رحمت و سزاوار تقوی و آمرزش

(۱) جبار :- صاحب شان و بزرگ در ملک و سلطنت را گویند و نیز کسی را گویند که
اصلاح حال بندگان را نماید .

سئوال میکنم تو را بحق این روز انجنانیکه قرار دادی ان را از برای مسلمانان
 عید و از برای محمد صلی الله علیه و آله ذخیره و شرافت و بزرگی و افزونی
 اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه داخل نمائی مراد هر خوبی که
 داخل نمودی در آن محمد و آل محمد را و اینکه بیرون آوری از آن محمد
 و آل محمد را در و باد بر او و بر روان اهل بیت او خدایا سئوال میکنم
 از تو بهترین چیزی را که سئوال نمودند از تو بندگان شایسته تو و پناه
 میبرم بتو از هر چیزی بدی که پناه بردند از آن بندگان مخلص تو.

و در صورتیکه آن دعا را نداند - هر دعائی را که میدانند بخواند - و میشود

دیگری این دعا را بخواند و او همراهی نماید و ممکن است از روی نوشته
 خوانده شود و بعد از نماز دو خطبه آورده شود و ترک آن در عصر غیبت
 جایز است و در این نماز اذان و اقامه نیست ولی مستحب است که
 مؤذن سه مرتبه الصلوة بگوید و در صورتیکه دو سوره را نداند هر سوره که میداند
 میتواند بخواند و مستحب است که امام بقرائت جهر نماید و در حال تکبیرات
 دستها را بلند کند و نیز مستحب است که این نماز در صحراء باشد مگر در آنجا
 که آوردن آن در مسجد الحرام مستحب میباشد.

نماز عید قربان

که روز دهم ذوالحجه است مانند نماز عید فطر است برخی از علماء
مثل مجلسی در زاوالمعاد این دو نماز را در عصر غمیت امام زمان علیه السلام
با جماعت واجب دانسته اند و کسیکه نتواند با جماعت بخواند فرادانیز
میتواند بخواند و خطبه بر او نیست.

و اما باقی نمازهای واجب - پس نماز میت و نماز طواف

در احکام اموات و حج بیان شده است و اما نمازی که بنذر و عهد
و قسم واجب میشود پس باید کیفیت آن مخالف کیفیت نمازهای

متعارف شرع نباشد و بگفتن نَذَرْتُ لِلَّهِ عَلَيَّ كَذَا نذر منعقد

میشود یعنی نذر نمودم برای خدا چنین کذا کنایه است از آنچه که بر خود بنذر

واجب گردانیده و در عهد بگفتن عَاهَدْتُ لِلَّهِ منعقد میگردد و

و بغیر عربی هم صحیح است و هرگاه خلاف نذر یا عهد و یا قسم واقع شود

کفاره واجب میگردد و کفاره خلاف نذر مثل کفاره افطار

نمودن یک روز از ماه رمضان است پس منجیر است بین آنکه بنده

از او کند یا دو ماه پی در پی روزه گیرد و یا آنکه شصت مسکین را خوراک دهد

و کفاره قسم آزاد کردن یک بنده یا خوراک دادن ده مسکین و یا
جامه دادن آنهاست. و اگر از هر دو عاجز شود سه روزه روزه گیرد.
و کفاره خلاف عهد مانند کفاره قسم است.

نمازهای مستحبی

نمازهای مستحبی دو قسم است. یک قسم آن از شرع رسیده
مثل نمازهای نیکه بیان میشود و قسم دیگر آن نمازهای دور کعتی است که
برای کسب ثواب بجا آورده میشود و آوردن نوع آن از طرف شرع
مجاز است چه فرمود نماز بهترین موضوعی است هر که خواهد کم یا زیاد بخواند
میتواند. و این قسم نماز را بتمت میگویند و آوردن آن در پنج وقت
مکروه است اول: بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب دوم: وقت
طلوع آفتاب تا پهن شدن آن سوم: وقت بلند شدن آفتاب
که وقت رسیدن آنست بدائرة نصف النهار تا زوال چهارم: بعد
از نماز عصر پنجم: و قتیکه آفتاب میل بزردی کند تا غروب.

و اما نمازهای مستحبی که بطور خاص از طرف شرع وارد شده بسیار
است و آوردن هر یک خصوصیتی خاص و اثری جداگانه دارد. از جمله آن

نماز اول هر ماه است که برای سلامتی ماه وارد شده است.

نماز اول هر ماه

وآن دو رکعت است رکعت اول بعد از حمدی مرتبه قل هو
الله احد و رکعت دوم بعد از حمدی مرتبه انا انزلناه بخواند پس از
نماز این آیات را بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ
فِی الْاَرْضِ اِلَّا عَلٰی اللّٰهِ رِزْقُهَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا
كُلُّ فِی كِتَابٍ مُّبِیْنٍ . بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَإِنْ یَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا کَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَإِنْ
یُرِدْکَ بِخَیْرٍ فَلَا رَادَ لِفَضْلِهِ یُصِیْبُ بِهِ مَنْ یَشَاءُ مِنْ
عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیْمُ . بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
سَیَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ یُسْرًا مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِیْلُ وَافِیْضِ اَمْرِی اِلَى اللّٰهِ
اِنَّ اللّٰهَ بِصِیْرٍ بِالْعِبَادِ لَا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی
کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ رَبِّ اِنِّی لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ
فَقِیْرٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوٰرِثِیْنَ

پس از آن صدقه دهد انشاء الله سلامتی آن ماه را خریده است
و اگر روز اول ماه ممکن نشد روز بعد از آن تا هر وقت ممکن شود بخواند.

نماز فرزند برای پدر و مادر

و آن دو رکعت است رکعت اول بعد از حمد ^{۱۰} مرتبه سَرِبَتِ

اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيْيْ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ يَوْمَ يَقُوْمُ الْحِسَابُ

(یعنی ای پروردگار من پیامر مرا و پدر و مادر مرا و ایمان آورندگان را

روزی که برپا میشود حساب) و رکعت دوم بعد از حمد ^{۱۰} مرتبه سَرِبَتِ

اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيْيْ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيْ مُؤْمِنًا

وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ (یعنی پروردگار ابا پیامر مرا و پدر

و مادر مرا کسی که در خانه من وارد شده از ایمان آورندگان (مردانه و زنانه)

و چون سلام دهد ^{۱۰} مرتبه بگوید سَرِبَتِ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَانِيْ صَغِيرًا

(یعنی پروردگار ابا پیامر از آنها را چنانکه تربیت نمودند مرا در کودکی).

نماز مضطر

و آن چهار رکعت است بدو سلام. رکعت اول بعد از حمد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ^{۲۵} وَبِحَبْلِ عِمَامَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ^{۲۵} وَبِوَجْهِ نَبِيِّهِ الْكَرِيمِ ^{۲۵} اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتُوْضِعُ اَمْرِيْ اِلَى اللّٰهِ (یعنی واگذار نمودم

کار خود را بخدا) و در رکعت دوم بیست و پنج مرتبه بگوید لا اله الا انت
 سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ فَاَسْتَجِبْنَا لَكَ وَنَجِّنَا
 مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُجِي الْمُؤْمِنِيْنَ (یعنی نیست خدائی مگر تو،
 منزهی تو بدستیکه بوم من از ظلم کنندگان. پس استجاب نمودیم برای
 او و نجات دادیم او را از غم و این چنین نجات میدادیم ایمان آورندگان را)
 و در رکعت سوم و چهارم بعد از حمد بیست و پنج مرتبه بگوید حَسْبِيَ اللهُ
 وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (یعنی کافیت برای من خداوند نیکو و کفیل است
 برای من) و بعد از سلام بیست و پنج مرتبه بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى
 مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَرْضِ مَطْلَبِ كُنْدَانِ شَاءَ اللهُ بَرآورده است.

نماز روز نوروز

نوروز روز اول حمل است که اول ماه فروردین باستانی
 است و از برای آن نماز است از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام
 روایت شده که بمعلی بن خنیس فرمود چون روز نوروز شود - روزه بگیر غسل
 کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین بوی خود را خوشبو
 کن و چون از نماز ظهر و عصر و نافله آنها فارغ شوی چهار رکعت نماز کن

هر دو رکعت بیک سلام رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ
 وَرَكْعَتِ دَوْمٍ بَعْدَ اَزْ حَمْدِ دَهْ مَرْتَبَهٗ قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَرَكْعَتِ سَوْمٍ
 بَعْدَ اَزْ حَمْدِ دَهْ مَرْتَبَهٗ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ وَرَكْعَتِ چَهَارمِ بَعْدَ اَزْ حَمْدِ دَهْ مَرْتَبَهٗ
 قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بِجَوَانِ چَوَانِ

از نماز فارغ شوی بسجده زود و خدا را شکر کن و این دعا را بخوان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
 وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اِلَّا وَصِیَّآءِ الْمَرْضِیِّیْنَ وَ عَلٰی جَمِیْعِ اَنْبِیَّآئِكَ
 وَ رُسُلِكَ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ بَارِكْ عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ
 بَرَكَاتِكَ وَ صَلِّ عَلٰی اَرْوَاحِهِمْ وَ اَجْسَادِهِمْ
 اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ لَنَا فِیْ یَوْمِنَا
 هٰذَا الَّذِیْ فَضَّلْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ شَرَّفْتَهُ وَ عَظَّمْت
 خَطَرَهُ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِيْ فِیْمَا اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلٰی حَتّٰی
 لَا اَشْكُرُ اَحَدًا غَیْرَكَ وَ وَسِّعْ عَلَیَّ فِیْ رِزْقِیْ یَا ذَا الْجَلَالِ
 وَ الْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ مَا غَابَ عَنِّیْ فَلَا یَغِیْبُنَّ عَنِّیْ عَوْنُكَ
 وَ حِفْظُكَ وَ مَا فَقَدْتُ مِنْ شَیْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِیْ عَوْنُكَ

عَلَيْهِ حَتَّى لَا آتَكَ كَلْفَ مَا لَا أَحْتَا جُ إِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ

وَالْإِكْرَامِ چُون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود

انگاره فرمود ای معلى در این روز بسیار بگو یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

اعمال روز نوروز

در منهاج العارفين قسمتی از اعمال روز نوروز را نقل نموده که در

کتاب مشهوره روایت نشده و چون خواندن دعا بقصد رجاء و امید واری

برحمت حق مطلوب است در اینجا ایراد میشود از آن جمله روایت

نموده که در روز نوروز بعد و ایام سال بخوان اللَّهُمَّ هَذِهِ

سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَأَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا

وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَأَسْتَكْفِيكَ

مُؤَنَّتَهَا وَشُغْلَهَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ - و نیز روایت

نموده که این دعا را در روز نوروز وقت طلوع آفتاب باید خواند اللَّهُمَّ

إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ قُدْسِكَ وَعَظْمَةِ طَهَارَتِكَ وَبِرَكَّةِ

جَلَالِكَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَمَاهَةٍ وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ

وَالنَّهَارِ وَالْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالْأَطَارِقِ يَطْرُقُ بِمَخِيرِ

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ اللَّهُمَّ أَنْتَ غِيَاثِي فَبِكَ أَعُوذُ وَأَنْتَ
 عِيَاذِي فَبِكَ أَعُوذُ وَأَنْتَ مَلَاذِي فَبِكَ أَلُوذُ يَا مَنْ
 ذَلَّتْ لَهُ الْجَبَابِرَةُ وَخَضَعَتْ لَهُ أَعْنَاقُ الْفِرَاعِنَةُ
 وَأَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ مِنْ خِرْبِكَ وَمِنْ كَشْفِ سِتْرِكَ
 وَمِنْ نَسْيَانِ ذِكْرِكَ وَتَقْصِيرِ مِنْ شُكْرِكَ أَنَا فِي خِرْبِكَ
 لَيْلِي وَنَهَارِي وَنَوْمِي وَقَرَارِي وَوَطْنِي وَاسْفَارِي
 وَذِكْرِكَ شِعَارِي وَشَنَاؤُكَ دِثَارِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَنْزِيهَا
 لِاسْمِكَ وَتَكْرِيمًا لِسُبْحَاتِ وَجْهِكَ أَجْرِي مِنْ خِرْبِكَ
 وَمِنْ سُوءِ عِقَابِكَ وَقِنِي مِنْ سَيِّئَاتِ عَذَابِكَ
 وَأَدْخِلْنِي فِي حِفْظِكَ وَعِنَايَتِكَ وَعُدْ عَلَيَّ بِخَيْرِ
 مِنْكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَنِيْزَمُ وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 دعا راسته مرتبه بر آب پاک بخوان وازان آب تو و اهل خانه ات
 بیاشامید و در چهار گوشهای خانه بیاشید خدا شمارا از همه بلاها
 واقفها محافظت خواهد نمود بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

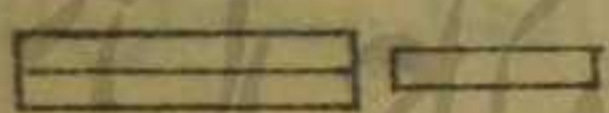
اللَّهُ رَبِّي اللَّهُ رَبِّي رَبِّي اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ رَبِّي اللَّهُ
 يُحْيِي وَيُمِيتُ حَسْبُنَا رَبُّنَا رَبِّي رَبِّي رَبِّي رَبِّي رَبِّي
 رَبِّي رَبِّي اللَّهُمَّ احْفَظْنَا مِنَ الْقَحْطِ وَالطَّاعُونَ
 وَالغَرَقِ وَالْحَرْقِ وَالْمَوْتِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشِمَاتَةِ
 الْأَعْدَاءِ وَشَرِّ كِتَابٍ سَبَقَ رَبُّنَا كُشِفَ عَنَّا
 الْعَذَابَ إِنَّا مُوقِنُونَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 ودر تحفه العوام است که از انا موقنون تا آخر هفته آن را تکرار کند
 و وارد است که این دعا را روز نوروز بیشک و زعفران نوشته و در
 آب اندازد هر کس از آن آب بخورد خدا او را از قحط و طاعون و وباء
 و شماتت اعداء و مرگ مفاجات و همه آفات و بلیات در حفظ و حمایت
 خود نگاه دارد و جمع شده آنها و المها و غمها و همتهای او را زایل گرداند
 و تا سال دیگر بردشمنان غالب باشد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 رَبِّي اللَّهُ رَبِّي الْوَاحِدُ رَبِّي الْحَيُّ الْقَيُّومُ رَبِّي الَّذِي
 يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبِّي الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ حَسْبُنَا رَبُّنَا
 حَسْبِي رَبِّي اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الطَّعْنِ وَالطَّاعُونَ

وَالْوَبَاءِ وَالْبَلَاءِ وَمَوْتِ الْفُجَاءَةِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشِمَاتِهِ
 الْأَعْدَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ رَبَّنَا صَرَفَ عَنَّا الْعَذَابَ
 إِنَّا مُؤْمِنُونَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى
 وَنِعْمَ النَّصِيرُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعَٰلِهِ الطَّيِّبِينَ
 الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - و نیز وارد است

که روز نوروز هر که این کلمات را بنویسد و با خود دارد هیچ موزی باو

اذیت نتواند رساند لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

اعوذ برب السهی و السهیه من العقریب و السارق

و الحیة الاله و  و در تحفه العوام است

که خواندن هفت سوره در روز نوروز موجب سلامتی از آفات

و بلیات است تا سال آینده سوره بنی اسرائیل ، نور ،

حدید ، حشر ، صف ، معارج ، اعلی و از برای وقت

تحویل نیز اعمالی نقل نموده اند چنانکه بیان میشود .

اعمال وقت تحویل آفتاب برج حمل

احکام نوروز بر دو قسم است یکی راجع بر روز نوروز که بیان شد
 و دیگری راجع بوقت تحویل آفتاب است برج حمل علامه مجلسی علیه الرحمه
 در زاد المعاد مینویسد که در کتب غیر مشهوره روایت شده وقت تحویل
 این دعا را بسیار بخواند و بعضی سیصد و شصت و شش مرتبه گفته اند
 يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالَ حَوْلِ حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ
 الْحَالِ (یعنی ای تغییر دهنده سبال و حالات برگردان حال ما را
 به بهترین حالات) و بروایت دیگر است يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ
 وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ
 وَالْأَحْوَالَ حَوْلِ حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ - و در منهای
 العارفین است که خواندن این دعا بعدد ایام سال در وقت تحویل
 شمس برج حمل وارد شده يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ وَيَا مُسَبِّبَ
 الْأَسْبَابِ وَيَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَيَا مُدَبِّرَ
 اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَيَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالَ حَوْلِ حَالِنَا
 إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ يَا عَزِيزُ يَا غَنِيُّ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

يَا دَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ
يَا رَبِّ وَقَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَإِيضًا مِنْ دُعَايِ وَهَفَّتْ مَرَّةً
وَارِدًا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا كَرِيمَ اللَّهُمَّ
بَارِكْ لَنَا هَذِهِ السَّنَةَ وَبَلِّغْنَا مِنْ أَوَّلِ هَذِهِ السَّنَةِ
إِلَى آخِرِهَا سَالِمِينَ وَاحْفَظْنَا مِنْ شَرِّ الظَّالِمِينَ بِحَقِّ
حِفْظِنَا هَامِنِ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَبِحَقِّ سَلَامٍ قَوْلًا
مِنْ رَبِّ رَجِيمٍ وَبِحَقِّ نَالِ اللَّهِ خَيْرَ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَئِمَّةِ
الْمَعْصُومِينَ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ
وَالْأَحْوَالِ حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ يَا مُقَلِّبَ
الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَيَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوَّلَ
الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ يَا
عَزِيزُ يَا غَنِيُّ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا مُغِيثُ يَا
مُغِيثُ يَا مُغِيثُ يَا غَوْثَاهُ يَا غَوْثَاهُ يَا غَوْثَاهُ وَسَمَّ مَرَّةً

بگوید و اَفْوِضْ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِصِرِّ الْعِبَادِ
 وَ ۳ مرتبه بگوید يَا رَحْمَنُ وَ ۳ مرتبه يَا رَحِيمُ وَ حَمِيَّتِكَ
 يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ و ايضا مرویست که هر کس این دعا را
 هفت مرتبه در اول سال بخواند خدا دو ملک را موکل او گرداند که تا
 آخر سال او را محافظت کنند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَبْدِيُّ الْقَدِیْمُ وَالْحَيُّ الْكَرِیْمُ الْحَنَّانُ
 الْمَنَّانُ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِیْدَةٌ وَاَنْتَ مَلِكٌ قَدِیْمٌ اَسْئَلُكَ
 فِيْهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّیْرَانِ
 وَالْعَوْنَ عَلٰی هَذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوْءِ وَالْاِسْتِغَالَ
 بِمَا يُقَرِّبُنِيْ لَدَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ بِرَحْمَتِكَ
 يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ و ايضا این دعا هفت مرتبه وارو است
 اَللّٰهُمَّ هَذِهِ سَنَةٌ جَدِیْدَةٌ وَاَنْتَ مَلِكٌ قَدِیْمٌ اَسْئَلُكَ
 حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِيْ اِلَيْكَ
 يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ و ايضا وارو است که در این
 وقت سیصد و شصت نوبت آیه الکرسی را بخواند و هفت نوبت

سوره اِنَّا انزَلْنَاهُ وهر ویست که در وقت تحویل هر س این آیات
 را بکلاب و مشک و زعفران در ظرف چینی بنویسد و بشوید و بیاید
 تا نور و زردی بگر محفوظ از همه بلیات باشد و آیات اینست سَلَامٌ
 قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ
 سَلَامٌ عَلَى اِبْرَاهِيمَ سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ
 سَلَامٌ عَلَى اِلْيَاسَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا
 خَالِدِينَ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ - ودر بعضی از نسخ
 عوض سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ - سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ
 فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ بهتر است که هر دو آیه نوشته شود تا که
 عمل بوارده شده باشد و ایضا صاحب منهاج طلسمی را که سندان
 معلوم نیست نقل نموده که نزد تحویل مشک و زعفران و کلاب نوشته
 و با خود دارند تا که محفوظ بمانند از همه آفات تا نور و زردی بگر و طلسم اینست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلٰى اٰلِهِٖ
 ط ۶

طریق شناختن وقت تحویل شمس برج حمل

بدانکه چون سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت و چهل و هشت

دقیقه و پنجاه ثانیه که مقدار دوره سال است از تحویل آفتاب سال
 گذشته بگذرد باز آفتاب برج حمل سال نو داخل میشود و آن ساعت
 تحویل و اول سال جدید است پس اگر این واقعه صبح الی قبل از زوال
 واقع شود همان روز روز نوروز است - و اگر تحویل از زوال بعد واقع گردد
 پس نوروز که عید باستانی و اول فروردین است روز بعد واقع
 خواهد شد.

نماز حضرت امیر المؤمنین ع

از حضرت صادق ع روایت شده هر که نماز امیر المؤمنین ع را
 بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند طفلی که از مادر متولد شود و حاجت‌هایش
 برآورده شود و آن چهار رکعت است در هر رکعت حمد یک مرتبه و پنجاه
 مرتبه **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و چون فارغ شود این دعا را بخواند **سُبْحَانَ
 مَنْ لَا تَبْدِيدُ مَعَالِمَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ
 سُبْحَانَ مَنْ لَا إِضْمِحَالٌ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ
 مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ**

مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَدًا فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ
 پَسْ دَعَاكَ وَبَعْدَ كَيْدٍ يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ
 بِهَا رَحْمَةً عَبْدُكَ يَا اللَّهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ
 أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ إِلَهِي بِكَيْنُونِكَ يَا أَمْلَاهُ
 يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لَهُ يَا مُنْتَهَى
 رَغْبَتَاهُ يَا مَجْرِي الدَّمِ فِي عُرْوِي عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَالِكَاهُ
 يَا هُوَا يَا هُوَا يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى
 لِي عَنْ نَفْسِي وَلَا اسْتَطِيعُ لَهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا أَجِدُ مَنْ
 أَصَانِعُهُ تَقَطَّعَتْ أَسْبَابُ الْخَدَايِعِ عَنِّي وَاضْمَحَلَّ كُلُّ
 مَظْنُونٍ عَنِّي أَفَرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ
 هَذَا الْمَقَامَ يَا إِلَهِي بِعِلْمِكَ كَانَ هَذَا كُلُّهُ فَكَيْفَ أَنْتَ
 صَانِعُ بِي وَلَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي اتَّقُولُ نَعَمْ
 أَمْ تَقُولُ لَا فَإِنْ قُلْتَ لَا فَيَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا وَيْلِي يَا عَوْلِي
 يَا عَوْلِي يَا عَوْلِي يَا شَقْوَتِي يَا شَقْوَتِي يَا شَقْوَتِي يَا ذُلِّي
 يَا ذُلِّي يَا ذُلِّي إِلَى مَنْ وَمِمَّنْ أَوْ عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ مَاذَا أَوْ

إِلَىٰ أَيْ شَيْءٍ الْجَاوِمِ مِنْ أَرْجُو وَمَنْ يَجُودُ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حِينَ
 تَرَفُّضِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ بِكَ
 وَالرَّجَاءُ لَكَ فَطُوبَىٰ لِي أَنَا السَّعِيدُ وَأَنَا الْمَسْعُودُ فَطُوبَىٰ لِي
 وَأَنَا الْمَرْحُومُ يَا مُرَحِّمُ يَا مُتَرَفِّفُ يَا مُتَعَطِّفُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا
 يَا مُتَمَلِّكُ يَا مُقْسِطُ لِأَعْمَلِي لِي أَبْلُغْ بِهِ نَجَاحَ حَاجَتِي
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ فِي مَكْنُونِ غَيْبِكَ وَأَسْتَقِرُّ
 عِنْدَكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَىٰ شَيْءٍ سِوَاكَ أَسْأَلُكَ بِهِ وَبِكَ
 وَبِهِ فَإِنَّهُ أَجَلٌ وَأَشْرَفُ أَسْمَائِكَ لِأَشْيَاءِي لِي غَيْرُهُذَا وَلَا
 أَحَدَ أَعُوذُ عَلَيَّ مِنْكَ يَا كَيِّنُونَ يَا مَكُونُونَ يَا مَنْ عَرَّفَنِي
 نَفْسَهُ يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَنْ نَهَانِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ
 وَيَا مَدْعُوًّا يَا مَسْئُولُ يَا مَطْلُوبًا إِلَيْهِ رَفُضْتُ وَصِيَّتَكَ
 الَّتِي أَوْصَيْتَنِي وَلَمْ أُطِيعَكَ وَلَوْ أَطَعْتُكَ فِيمَا أَمَرْتَنِي
 لَكَفَيْتَنِي مَا قُمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ
 رَاجِحٌ فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُ يَا مُرَحِّمُ لِي
 أَعِزَّنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ

تَحْتِي وَمِنْ كُلِّ جِهَاتِ الْإِحَاطَةِ يَا اللَّهُمَّ بِحَمْدِ سَيِّدِي
 وَبِعَلِيٍّ وَلِيِّي وَبِالْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اجْعَلْ
 عَلَيْنَا صَلَوَاتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ
 رِزْقِكَ وَأَقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِّعْ حَوَائِجِنَا يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
 يَا اللَّهُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

نماز حضرت زهراء صلوات الله عليها

دو رکعت است رکعت اول بعد از حمد مرتبه سوره قدر و دو

رکعت دوم بعد از حمد مرتبه سوره توحید و ارد است و چون سلام میدا

این دعا را میخواند سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ

ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ

سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى

بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ

مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ كَذَا

لَا هَكَذَا غَيْرُهُ و چون فارغ شد زانو ها و ذرا عمارا برهنه کند

و مواضع سجود را بر زمین بچپانند و حاجت خود را طلب کند و پس از آن

در همان حال سجده گوید یا مَنْ لَيْسَ غَيْرَهُ رَبُّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ
 فَوْقَهُ إِلَهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ
 لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ
 لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى يَا مَنْ لَا يَزِدُ أَدْعَى كَثْرَةَ السُّؤَالِ
 إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا
 صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس حاجات خود را از خدا طلب نما
 نماز حضرت جعفر طیارغ برادر جناب امیر المؤمنین علیه السلام
 که رسول خدا صلی الله علیه وآله بوی تعلیم داد و افضل اوقات آن
 اول روز جمعه است و آن چهار رکعت است هر دو رکعت بیك
 سلام رکعت اول بعد از حمد سوره اِذَا زُلْزِلَتْ و در رکعت دوم بعد
 از حمد سوره وَالْعَادِيَات و در رکعت سوم بعد از حمد سوره اِذَا جَاءَ
 نَصْرُ اللَّهِ و در چهارم بعد از حمد سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ بِخَوَانِد و در هر رکعت
 بعد از فراغ از حمد و سوره پانزده مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ گوید و در رکوع این تسبیحات را
 ده مرتبه و پس از سر برداشتن از رکوع ده مرتبه و در سجده اول و بعد از

سر برداشتن و در سجده دوم و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد و در
 تسبیحات را بخواند و در بقیه رکعات نیز چنین نماید که مجموع آن سیصد
 تسبیح میشود. و در روایت از حضرت صادق علیه السلام است که در
 سجده آخر رکعت چهارم بعد از فراغ از تسبیحات بخوان سُبْحَانَ مَنْ
 لَيْسَ الْعِزُّ وَالْوَقَارُ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكْرَمَ
 بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ
 أَحْضَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ
 سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ
 وَإِسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ الثَّمَنَاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا
 وَعَدْلًا صَدَّقَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ أَكْبَاهُ حَاجَاتِ خَوْدِ الْغَلْبِ
 نماز حضرت حجت علیه السلام در شب جمعه

در صحیح الدعوات سید بن طاووس است که از ناحیه مقدسه حضرت

صاحب الزمان علیه السلام بیرون آمد که هر کس را حاجتی بسوی خدا باشد
 پس در شب جمعه بعد از گذشتن از نیمه شب غسل کند و بسوی جانماز خود

رفته دو رکعت نماز بخواند در رکعت اول حمد بخواند چون بِرِأْيَاكَ نَعْبُدُ
 وَرِأْيَاكَ نَسْتَعِينُ بر صد مرتبه آن را تکرار کند و بعد از آن حمد را تمام
 کند و قل هو الله بخواند و پس از آن رکوع و سجود را بجا آورد و ذکر
 سجود و رکوع را هفت مرتبه تکرار کند و رکعت دوم را نیز چنین بجا آورد
 و بعد از تمام شدن نماز این دعا را که مطابق دعای مهج الدعوات سید
 بن طاووس است بخواند بدرستی که حق تعالی البته حاجت او را بر آورد
 و دعای غیبت اللهم ان اطعتك فالحمد لله لك و اذ
 عصيتك فالحجة لك منك الروح و منك الفرج
 سبحان من انعم و شكر سبحان من قدر و غفر اللهم
 ان كنت عصيتك فاني قد اطعتك في احب الاشياء
 اليك وهو الايمان بك لم اتخذك ولدا ولم ادع لك
 شريكا منّا منك به علي لا منّا مني به عليك و قد
 عصيتك يا الهي على غير وجه المكابرة ولا الخروج
 عن عبوديتك ولا الجحود لربوبيتك ولكن اطعت
 هواي و ازلني الشيطان فلك الحجة علي و البيان

فَإِنْ تَعَذَّبْنِي فَبِدُنُوْبِي غَيْرَ ظَالِمٍ لِي وَإِنْ تَغْفِرْ لِي
 وَتَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ و بعد از آن تا نفس وفا کند
 یا کریم را مکرر کند - و بگوید یا اَمِنَّا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اَسْأَلُكَ بِاَمْنِكَ
 مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ
 خَائِفٌ حَذِرٌ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاِلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
 تُعْطِيَنِي اَمَانًا لِنَفْسِي وَاَهْلِي وَاَوْلَادِي وَسَائِرِ مَا اَنْعَمْتَ
 بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا اَخَافُ اَحَدًا وَاَلَا اَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ اَبَدًا
 اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
 يَا كَافِي اِبْرَاهِيْمَ نَمْرُوْدَ يَا كَافِي مُوسَى فِرْعَوْنَ اَسْأَلُكَ
 اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاِلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ
 بِنِ فُلَانٍ و اینجنانام شخصی را که از آن ترسان باشی بانام پدرش بزبان
 جاری کن و از خداوند دفع ضرر او را بخواه که برآورده خواهد شد و یا آنکه
 از چیز دیگر باشد اسم آنرا بزبان جاری کن که خداوند کفایت شر آنرا
 از تو خواهد نمود و بعد از آن بسجده رو و طلب حاجت کن که برآورده است

اِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى.

نماز حاجت

و برای رسیدن بخیری از مال دنیا وارد است که دو رکعت نماز
بجا آورد هر رکعت بعد از حمد سوره الم نشرح را هفت مرتبه بخواند و
دوازده مرتبه ^(۱) ^{۱۳} اَمَّ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ
اَمَّ لَهُمْ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْاَسْبَابِ
و بعد از سلام و قبل از روگردانیدن از قبله و تکلم هزار بار یا وهاب بگوید
وارد است مطلوب خود را در همان هفته خواهد یافت ان شاء الله تعالی

نماز حاجت

در دارالسلام برای قضا و حوائج و ابتلاء در محالک و دعای فرج
وارد شده دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز بگوید یا مَنْ اَظْهَرَ
الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ يَا حَسَنَ الْجَاوِزِ يَا وَّاسِعَ الْمَغْفِرَةِ
يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى وَيَا غَايَةَ
كُلِّ شَكْوَى يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ يَا مُبْتَدَأَ النِّعَمِ قَبْلَ
اَسْتِحْقَاقِهَا پَسِ دَهْ مَرْتَبَه بگويد يا سر بام و ده مرتبه يا منتهى

غَايَةَ رَغْبَتَاهُ بَعْدَ بَوَيْدِ أَسْئَلِكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ وَبِحَقِّ
 مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ الظَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ
 كُرْبِي وَنَفَسْتَ هَمِّي وَفَرَّجْتَ غَمِّي وَأَصْلَحْتَ حَالِي
 آن وقت به طریق که خواهی دعا کن انشاء الله تعالی برآورده است
 انگاه گونه راست را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو یا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ
 يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِي وَاَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ
 پس گونه چپ را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو اَدْرِ كُنِي وَاَنْزَابِي
 مکرر کن و بعد از آن اَلْغَوْثُ اَلْغَوْثُ بگو تا نفس منقطع شود.

نماز حاجت

در خزان نراقی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که

هرگاه شدتی رخ دهد نزد زوال دو رکعت نماز بخوان رکعت اول بعد
 از حمد قل هو الله و سوره اِنَّا فَتَحْنَا رَا تَا وَبِئْصْرِكَ اللهُ نَصْرًا عَزِيزًا

بخوان و در دوم بعد از حمد و قل هو الله و سوره اَلَمْ نَشْرَحْ رَا بِنُحْوَانِ

و نماز را تمام کن.

احکام استخاره

حقیقت استخاره طلب نمودن خیر است از خدا در مهمات امور و
 چیزهایی که شخص نسبت بآن مردود باشد. سید بن طاووس و دیگران از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که حق تعالی میفرماید از
 شقاوت بنده من است که در کار خود طلب خیر از من نمیکند. کلینی بسند
 صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که داناترین مردم نزد خدا
 تعالی کسی است که راضی تر باشد بقضای او. پس استخاره کننده
 در هر امری که اراده نماید باید تفویض بخدا نموده و راضی باشد بآنچه را که
 رؤییدد زیرا که خدائی خواهد برای بنده مگر خیر او را چنانکه از حضرت صادق
 علیه السلام روایت است که فرمود هر که یک مرتبه خیر خود را از خدای
 عز و جل بطلبد و راضی باشد بآنچه را که خدای تعالی برای او میسر نموده
 البته آنچه خیر او است برایش میسر خواهد نمود

علی بن ابراهیم در تفسیر خود در حمیری در قرب الاسناد از علی
 بن اسباط روایت نموده اند که گفت رفتم بخدمت امام رضا علیه السلام
 و گفتم میخواهم بسفر مصر بروم و نمیدانم از راه دریا و یا صحرا بروم حضرت فرمود

بر مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله در غیر وقت نماز واجب دو رکعت
 نماز بجا آورده بعد از آن صد و یک مرتبه بگو استخیر الله و اگر استخیر
 الله بر حمتیه خیره فی عافیة بگوید بهتر است و آنچه در دولت افتاد
 بآن عمل کن که همان نتیجه استخاره است.

و بسند معتبر روایت شده که محمد طیار بخد مت حضرت صادق علیه السلام
 عرض کرد که ما رسیده است که شما فرموده اید هر که در امری صد مرتبه خیر خود را
 از خدا بطلبد البته خداوند خیر او را بنزد او می آورد و حضرت فرمود که اگر یک مرتبه
 نیز خیر خود را بطلبد البته خدا خیر او را بوی میرساند (یعنی آنچه خیر و صلاح او
 است در دل او خواهد انداخت)

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که پدرم هرگاه
 اراده استخاره میکرد وضو میساخت و دو رکعت نماز میکرد و مشغول
 استخاره میشد و اگر در اشای استخاره کسی با او سخن میگفت سبحان
 الله میگفت و سخن با کسی نیگفت تا فارغ میشد

و از عبوط و نهاییه شیخ طوسی نقل شده که سنت است آدمی
 در امریکه اراده نموده قبل از دو رکعت نماز در هر رکعت حمد هر سوره که خواهد بخواند و قنوت

آن را بیاورد بعد از سلام هر دعا که خواهد خواند و مطلب خود را گفته بسجده
رود و صد مرتبه بگوید **أَسْتَخِيرُ اللَّهَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي** - آنچه خیر او
است در دل او خواهد آمد ان شاء الله تعالی

و بسند صحیح از محمد بن مسلم روایت شده که اراده شام نمودم حضرت
صادق علیه السلام مرا امر کرد که این دعا را بخوان **اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا
الْوَجْهُ الَّذِي هَمَمْتُ بِهِ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ
وَ عَاقِبَةِ أَمْرِي وَ لَجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ فَيَسِّرْهُ لِي وَ بَارِكْ لِي
فِيهِ وَ إِنْ كَانَ ذَلِكَ شَرًّا لِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لِي
مِنْهُ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ تَقْدِرُ وَ لَا أَقْدِرُ وَ أَنْتَ عَلَّامُ
الْغُيُوبِ** پس صد مرتبه بگو **أَسْتَخِيرُ اللَّهَ** چون چنین کردم از رفتن
شام منصرف شدم و همان تهنیه را برای سفر حج کردم.

بروایت دیگر چنانکه مجلسی در رساله خود بسند معتبر از امام صادق

روایت فرمود - که فرمود هر که هفتاد مرتبه این دعا را برای طلب خیر از
خدای تعالی بخواند البته آنچه خیر او است برای او مقدر کند **يَا أَبْصَرَ النَّاطِقِينَ
وَ يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ**

الرَّاحِمِينَ يَا أَحْمَرَ الْحَاكِمِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ
 وَخَرَّجِي فِي الْأَمْرِ الَّذِي آرَدْتُ. و در مکارم الاخلاق است که در
 آخرش گفته بسجده رود و صد مرتبه بگوید اَسْتَجِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ
 وَاسْتَقْدِرُ اللَّهَ فِي عَافِيَةٍ وَيُقَدِّرُ لِي الْكَاهِ مَتَوَجَّهًا أَنْ كَارَ شُؤْدَ بِي
 رُوْمِيْدُهُ خَيْرٌ لِي وَأَنْ اسْتَمَّ بِدَارِ بَرِّ رُوْمِيْدُهُ كَارَ خُودِي رَا نَجِيْبِي بَرَّيْ تُوْمَقْدَرُ
 نَمُوْدُهُ - وَبِدَانِ الْبَيْتَةِ خَيْرٌ لِي وَأَنْ خُوَابِي بُوْدُو.

مشوره نمودن در کارهای خود

بهترین وسیله ایست که مساعدان انسان است در اموریکه طرف خیرت
 میگردد و چنانیکه فرمود "مَا حَارَمَ مِنْ اسْتِخَارَةٍ وَلَا نَدَمٍ مِنْ اسْتِشَارَةٍ"
 یا آنکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله صاحب عقل کل و مہبط اسرار روحی الهی
 بود خطاب بوی رسید و شاورهم فی الامر فاذا عزممت فتوکل
 عَلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِیْنَ (یعنی باصحاب مشوره کن
 در امریکه اراده آنرا مینمائی پس چون عزم نمودی باوردن آن توکل بر خدای
 تعالی نما (و کار خود را با او واگذار کن) بدستیکه خدای تعالی دوست میدارد
 توکل کنندگان را).

و در حدیث دیگر است که فرمود یا علی کسیکه طلب خیر خود را از خدای
 تعالی میکند - در کار خود حیران نمی شود - و کسیکه در کارها با مردم مشورت کند
 پشیمان نمیشود - و باید دانست که مشوره با کسانی باید نمود که سزاوار این
 امر باشند.

بسنده معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت است که مشوره
 نباید نمود مگر با چهار نفر که اگر کسی رعایت آن کند منتفع میگردد و الا ضررش
 بر مشوره کننده است

۱ اول با کسی مشوره کند که عاقل باشد

۲ دوم آزاد و متدین و صالح باشد

۳ سوم دوست و برادر مؤمن باشد

۴ چهارم کسی باشد که اعتماد بر او باشد که راز تو را نزد مردم افشا و ظلم
 نکند - و از آنحضرت مرویست که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند

که خرم و دور بینی در چیست فرمود در مشوره کردن با صاحبان عقل و ری

نیک و متابعت ایشان کردن. و در حدیث دیگر است که پیغمبر

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ معاونتی بهتر از مشوره کردن نیست

و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست .

و از حضرت صادق غ مرویست که مشوره کن با مردان عاقل پرهنزگان
 زیرا که امر نمیکند تو را مگر به نیکی و زنها که مخالفت ایشان مکن که مخالفت نمودن
 دناهای پرهنزگار باعث فساد دین و دنیا است . در وسائل الشیعه است
 جلد دوم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود "استترشد و العاقل
 ولا تعصوا فتندموا" (یعنی طلب راهنمایی از عاقل بنماید و برخلاف
 او نروید که پشیمان خواهید شد) .

و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که مشوره مکن با ترسو
 که راه را بر تو تنگ میکند و بسبب ترسی که دارد راه را بتو نمی نماید . و مشوره
 مکن با آدم بخیل که مانع میشود تو را از رسیدن بمقصود خود و مشوره مکن با سیکه
 حرص دنیا داشته باشد زیرا که جلوه میدهد برای تو بدترین رایها را و جواب
 است بر سیکه طرف مشوره واقع میشود خیانت کند و خلاف
 صلاح مشوره کننده را نگوید که عند الله مؤاخذه خواهد بود و ضرر خواهد دید
 چنانیکه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که برادر
 مؤمنش با او مشوره کند و آنچه خیر است در آن داند و نگوید حق تعالی

عقل و رایس از او سلب خواهد نمود

در مکارم الاخلاق از حضرت صادق روایت است که هرگاه
امری را اراده کنی پس با کسی مشوره کن تا با خدای تعالی مشوره کنی پس
چگونه با پروردگار خود مشوره کنم فرمود که صد مرتبه بگو **اَسْتَخِيِرُ اللّٰهَ** پس
از آن با مردم مشوره نما تا خدای تعالی خیر تو را بر زبان هر که خواهد جاری کند.
و علاوه بر آنچه بابت استخاره رسیده است استخاره با قرآن
و تسبیح و ریگ نیز وارد گردیده.

استخاره با مصحف

بعد از طلب خیر از خدا مصحف را باز نموده و آیه اول صفحه دست
راست را ملاحظه کن اگر آیه رحمت یا امر بخیر باشد خوب است و اگر آیه
غضب یا نهی و یا عقوبت باشد بد است و اگر دو جفتین یا مشتبه
باشد میان است.

استخاره . تسبیح

علامه مجلسی از والد ماجدش از استادش شیخ بهائی که از مشایخ
نقل کرده و سند میدهد بحضرت حجت عجم در طرق استخاره با تسبیح که ۳

مرتبہ صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و یک قبضہ از تسبیح را بگیرد و دو تادو
بشمارد اگر طاق بماند خوبست و اگر جفت بماند بد است

استخاره ذات الرقاع

و از جمله استخارات معتبره است که بسندهای معتبر از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام روایت شده فرمود هر گاه امری را اراده کنی شش

رقعه کاغذ بگیر و در سه تایی آنها بنویس (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خَيْرَةٌ مِنْ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ اِفْعَلْ)

بجای فلان بن فلان اسم استخاره کننده و مادرش را بنویس و در سه

رقعه دیگر بنویس (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ خَيْرَةٌ مِنْ اللّٰهِ

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لَا تَفْعَلْ) پس آن رقعه را

را در زیر مصلائی خود بگذار و دو رکعت نماز بکن و چون فارغ شوی بسجده رفته

صد مرتبه بگو اَسْتَخِيْرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةٌ فِيْ عَافِيَةِ پَرَشِيْنِ

و بگو اَللّٰهُمَّ خَرِيْبِيْ وَاخْتَرِيْ لِيْ جَمِيْعَ اُمُوْرِيْ فِيْ يَسْرِ مِنْكَ

و عَافِيَةٍ پس رقعه را مخلوط نموده یکی یکی آنها را بیرون آور و ملاحظه کن

اگر سه اِفْعَلْ پای پی بیرون آمد آن کار را بکن که اراده کرده و اگر سه

لَا تَفْعَلْ سِوَا بِيْرِوْنِ اَمْدَانِ كَارِ رَا كُنْ وَا كَر بَعْضِي اِفْعَلْ و بَعْضِي لَا
 تَفْعَلْ بِيْرِوْنِ اَيْدِ تَا بِيْجِ رَقْعَه ا كَر اِفْعَلْ بَشِيْرَه اسْتِ عَمَلْ كُنْ وَا كَر لَا
 تَفْعَلْ بَشِيْرَه اسْتِ تَرْكْ وَا حْتِسَابِجْ بِيْرِوْنِ اَوْرُوْنِ رَقْعَه شِشْتَمْ نَبِيْسْتِ

در فضیلت شب جمعه و برخی از اعمال آن

از جمله اوقات با فضیلت که عبادت و دعا در آن وارد گردیده ^{شب}

جمعه است و از برای شب و روز جمعه نزد خدا امتیاز است بر سایر شبها

و روزهای دیگر - از حضرت صادق روایت شده که فرمود هر که بمیرد بین

زوال روز پنجشنبه تا زوال روز جمعه خدا پناه میدهد او را از فشار قبر - و از

آنحضرت منقولست که جمعه راحی و حرمتی است عظیم پس زنها را که ضائع مکن

آنرا و کوتاهی مکن در عبادت آن روز و نزدیکی جوی بسوی پروردگار بعملهای

شایسته و ترک نما جمیع محرمات خدا را زیرا که خدا ثواب طاعات را ^{عفو} مضمنا

میگرداند و عقوبت گناهان را محو میکند و درجات مؤمنان را در دنیا و عقبی

بلند میکند و شبش در فضیلت مانند روز است اگر توانی شب جمعه را

در نماز و دعا و بیداری بگذرانی بجا آور بدستی که خداوند ملائکه را برای فرید

کرامت مؤمنان باسمان اول میفرستد که حسنات آنان را زیاد گردانند

و گناہان آنان را از بین برد و حق تعالی واسع العطا و کریم است
 و در حدیث معتبر از آنحضرت مرویست که گاه هست مؤمن دعا میکند
 برای حاجتی و حق تعالی بر آوردن حاجت او را تأخیر میکند تا اینکه در روز جمعه
 حاجت او را بر آورد۔ و فرمود چون برادران یوسف غ از حضرت یعقوب غ
 استدعای طلب آمرزش گناہان خود کردند گفت (سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ
 لَكُمْ رَبِّي) یعنی بعد از این استغفار برای شما خواهم کرد از خدای خود۔ حضرت
 فرمود تأخیر نمود برای آنکه در سحر شب جمعہ دعا کند تا مستجاب گردد۔
 از حضرت امیر المؤمنین غ منقولست که حق تعالی جمعہ را از همه روزها
 برگزیده و روزش را عید نمود و شبش را مثل روزش گردانید۔ و از حضرت
 صادق غ روایت شده که فرمود به پرهیزید از گناہان در شب جمعہ کہ عقوبت
 گناہان در آن شب مضاعف است چنانچہ ثواب خنات دو برابر است
 و ہر کہ معصیت خدا را در شب جمعہ ترک کند حق تعالی گناہان گذشتہ او را
 بیامزد و ہر کہ در شب جمعہ گناہی را علانیہ نماید خداوند او را بگناہان جمع
 عمرش عذاب کند و عذاب آن گناہ را بر او مضاعف گرداند و برای
 صلوات در شب جمعہ فضیلت بسیار وارد شدہ چنانیکہ از حضرت

صادق مرویست که صلوات بر محمد و آل محمد در شب جمعه برابر است با هزار
 حسنه و محو میکند هزار سیئه را و بالا میبرد هزار درجه و مستحب است آنکه
 بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ
 وَأَهْلِكَ عَذَابَهُمْ مِنَ الْجَحِيمِ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ
 و قد مرتبه گفتن این صلوات بعد از عصر پنجشنبه تا آخر روز جمعه فضیلت بسیار
 دارد. و استغفار در این شب نیز فضیلت بسیار دارد و خواندن این
 سوره با و یا یکی از آنها در شب جمعه ثواب و فوائد بسیار روایت شده
 بنی اسرائیل، کهف، و طسین، الم سجده، یس،
 ص، احقاف، واقعه، حم سجده، حم دخان، طور،
 اقتربت، جمعه. و خواندن نماز حضرت امیر المؤمنین ع در این شب
 نیز رواست. و دیگر دو رکعت نماز در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه
 اذان نزولت روایت گردیده پس هر که این نماز را بجا آورد این گزند
 خدا و آزار عذاب قبر و از هولهای روز قیامت.

در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که خواندن شعر برای
 روزه دار و محرم و در حرم و در روز جمعه و شبهای آن مکروه است،

راوی عرض کرد هر چند شعر حق باشد فرمود اگر چه شعر حق باشد و نیز
 از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 فرمود که هر که یک شعر در شب جمعه یا روز جمعه بخواند در آن شب و در آن
 روز بجزه از ثواب بغیر آن نخواهد داشت - و نیز از حضرت رسول صلی الله
 علیه و آله منقولست که هر که این دعا را در شب جمعه یا روز آن هفت مرتبه
 بخواند اگر در آن شب یا روز بمیرد داخل بهشت میشود - بِسْمِ اللّٰهِ
 الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِيْ
 وَاَنَا عَبْدُكَ وَاِبْنُ اَمَّتِكَ وَفِيْ قَبْضَتِكَ وَنَاصِيَّتِيْ بِيَدِكَ
 اَصْبَيْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوذُ بِرِضَاكَ
 مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتَ اَبُوؤُ بِنِعْمَتِكَ بِعَمَلِيْ وَاَبُوؤُ بِذُنُوْبِيْ
 فَاعْفِرْ لِيْ ذُنُوْبِيْ اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ .
 و از جمله دعاهاست که خواندن آن در شب جمعه وارو گردیده دعای
 کجیل - و دعای اللهم یا شاهد کل نجوی است که در شب
 عرفه خوانده میشود .

دعای جمیل و سندان

این دعای مبارک را دعای خضر گویند و چون حضرت امیرالمؤمنین
 علیه السلام آن را یکی از خواص اصحاب خود جمیل بن زیاد نخعی تعلیم فرمود
 مشهور بدعای جمیل گردید. علمای امامیه رضوان الله علیهم در مؤلفات
 خود آن را نقل نموده مجلسی در بحار الانوار آن را بهترین دعاها فرموده
 سید بن طاووس در اقبال آن را روایت نموده. خلاصه روایت
 آنست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد بصره بجامعتی از
 اصحاب خود فرمود کسیکه در شب نیمه شعبان خدا را بدعای خضر بخواند
 دعای او مستجاب میشود. پس از آن جمیل شرفیاب خدمت حضرت
 امیرالمؤمنین غ گردید و سوال از دعای حضرت خضر نمود. امام غ
 دعای مذکور را بوی تعلیم داد خواندن آن در شب نیمه شعبان و در هر شب
 جمعه برای کفایت از شر دشمنان و کشایش روزی و آمرزش گناهان
 وارد گردیده. و دعای شریف اینست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ

خداوند بدستی که سوال میکنم ترا برحمت تو که فراگرفته است

كُلِّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

هر چیزی را و بتوانائی تو که قهر کرده بآن هر چیزی را

وَحَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ

و منقاد شده برای آن هر چیزی و خوار و ذلیل شد برای آن هر چیزی

وَيَجْمَعُ رُؤُوسَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

و به بزرگواری تو که غلبه کرده بسبب آن هر چیزی را

وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَبِعِظَمَتِكَ

و بعزّت آنچهائی تو که برابری نکند بآن چیزی و به بزرگواری

الَّتِي مَلَائِكُ كُلِّ شَيْءٍ وَيَسُلْطَانُكَ الَّذِي عَلَا

آنچهائی تو که پرنموده است هر چیزی را و به پادشاهی تو که برتری دارد

كُلِّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ

بر هر چیزی و بوجه تو که باقی است بعد از فناء هر چیزی را

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَائِكُ أَرْكَانِ كُلِّ شَيْءٍ

و بنامهای آنچهائی تو که پر کرده اند اجزاء و ارکان هر چیزی را

وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ

و بدانائی آنچهائی تو که فراگرفته است بهر چیزی و بنور وجه تو

الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا

که روشن شده با آن هر چیز یا نور ای منزّه ای

أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

پیشتر از پیشینیان و ای آخر آخر ماندگان خداوندا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که می درد پرده عصمت را خداوندا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که فرود آرد عذاب را خداوندا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که تغییر میدهد نعمتها را خداوندا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُحْبِسُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که نگاه میدارد دعا را خداوندا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ

برای من گناهانی را که فرود می آرد بلا را خداوندا بیامرز

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

برای من گناهانی را که می بُرد امید را خداوندا بیامرز برای من

كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا

هر گناهی که کرده ام و هر خطائی که بناوانی بجا آورده ام آنرا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ

خداوندا بدریستیکه نزدیکی میجویم بسوی تو بیاد کردن تو و شفیعی می گردانم

بِكَ إِلَى نَفْسِكَ وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي

ترا بسوی تو دمی پرسم ترا از بخشایش تو و از کرم تو که نزدیک گردانی مرا

مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُؤَنِّزَ عَنِّي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي

بقرب خود و توفیق دهی مرا برای شکر خود و الهام نمائی مرا

ذِكْرَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاصِّ

یاد خود را خداوندا سوال میکنم از تو مانند سوال کردن کسی فروتن

مُتَذَلِّلٍ خَائِشِعٍ أَنْ تُسَاحِحَنِي وَتُرَحِّمَنِي وَتَجْعَلَنِي

که اظهار ذلت و خشوع نماید آنکه سهل گیری بمن و رحم کنی بمن و بگردانی مرا

بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

بقسمت خود خشنود و قانع و در تمامی حالها

مُتَوَاضِعًا اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ

تواضع کننده خداوندا در میخواهم از تو مانند درخواست کسی که شدید شده

فَاقْتَهُ وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَايِدِ حَاجَتَهُ

ببیماری او و فرود آورده بسوی تو نزد سختیها حاجت خود را

وَعَظُمَ فِي مَا عِنْدَكَ وَرَغِبَتْهُ اللَّهُمَّ عَظُمَ

و بزرگ شده در آنچه نزدتست رغبت او خداوندا بزرگ است

سُلْطَانِكَ وَعَلَامَكَ وَخَفِي مَكْرِكَ وَظَهَرَ

پادشاهی تو و بلنداست مکان تو و پنهان است مکر تو و هویدا است

أَمْرِكَ وَغَلَبَ قَهْرِكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ

امر تو و غالب است قهر تو و جاری شده توانائی تو و ممکن نیست

الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي

گریختن از حکومت تو خداوندا نمی یابم برای گناهان خود

غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَائِرًا وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي

آمرزنده و نه برای بدیهای خود پوشنده و نه چیزی از عملهای من

الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مَبْدَلًا غَيْرَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

که بد است به نیکویی بدل کننده غیر از تو نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَجَرَاتُ

منزه میدانم ترا و یاد تو میکنم بتابشت ستم کردم بخود و جرئت کردم

بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمِنْكَ عَلَيَّ

بنادانی خود و قرار گرفتم بسوی دیرینه ذکر تو از برای خود و انعامت بر من

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ

خداوندا ای صاحب من چه بسیار از بدیها که پوشانیدی و چه بسیار از

فَاحِشٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ

بلاهای گران که زائل و برطرف کردی آن را و چه بسیار از لغزشهایی که مرا از نگاه داشتی

وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ

و چه بسیار از ناخوشیها که دفع کردی و چه بسیار از تعریف خوب

لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرَتَهُ اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَاءِي

که نبودم سزاوار آن را و پهن کردی آن را خداوند بزرگ است بلای من

وَافْرَاطِي سُوءِ حَالِي وَقَصْرَتِي فِي أَعْمَالِي وَقَعْدَتِي

و از حد گذشته بدی حالی من و نارساست از نجات من کردای من و زمین گیر کرده

بِي أَغْلَابِي وَحَبْسِي عَنِ نَفْعِي بَعْدَ أَمَالِي

مرا غلبای من و منع کرده از نفع من دور و دراز منی

وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُوبِهَا وَنَفْسِي بِخِيَانَتِهَا

و فریب داده مرا دنیا بفریب خود و نفس من بخیانست خود

وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ

و سئل انگاری من تبارک کردای آقای من پس سوال می کنم از تو بعزت تو اینکه

لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دَعَائِي سُوءِ عَمَلِي وَفِعَالِي

منع نه کند از تو دعای مرا بدی اعمال و افعال من

وَلَا تَقْضِ حَنِيَّ بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ

و رُسوا مکن مرا به پنهانی آنچه خبردار شده بر آن از

سِرِّي وَلَا تَعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتَهُ

راز من و زود بگیر مرا ب عذاب آنچه من نکرده ام آنرا

فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ

در خلوتهای خودم از بدی کردار من و بدی خود و دایم بودن

تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةَ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي

در تقصیر خود و نادانی خود و بسیاری شهواتی من و غفلت خود

وَكَيْنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا رُفًا

و باش خداوند ب عزت خود از برای من در همه احوال مهربان

وَعَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي

و بر من در همه کارها رحم کننده خدای من کیست برای من

غَيْرِكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

غیر از تو که سؤال کنم از او برداشتن بدی حالم را و نظر کردن در کار من

إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرِيَتِ عَلِيٍّ حَكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ

خدای من و آقای من جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن

هُوِي نَفْسِي وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْوِينِ

خواهش نفس خود را و نگا به داری نکردم در آن حکم از زینت دادن او

عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَىٰ وَأَسْعَدَهُ عَلِيٌّ ذَلِكَ

که دشمن من است پس فریب دادم با آنچه خواست و مدد کرد او را بر این

الْقَضَاءِ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَىٰ عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ

امر قضا، تو پس تجاوز کردم بسبب آنچه جاری شد بر من از این قضا

بَعْضَ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ

پاره حدود و احکام ترا و نافرمانی کردم پاره اوامر ترا

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي

پس برای تست حمد بر من در همه اینها نیست حجتی از برای من

فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَالزَّمَنِي فِيهِ

در آنچه جاری شد بر من در آن قضای تو و لازم شد مرا

حُكْمُكَ وَبِلَاؤُكَ وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ

حکم تو و امتحان تو تحقیق که آدم بسوی تو ای خدای من بعد از

تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا

تقصیر خود و فرورسانیدن بر خود در حالتی که عذر خواهم و پشیمانم

مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا

و در مانده و شکسته حالم و طلب کننده ام آرزوش بازگشته ام بسوی تو و اقرار کننده بگناه خود اذعان

مُعْتَرِفًا لِأَجْدُمَفْرًا مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْزَعًا

دارم و اقرار ببدی خود نمی یابم گریزگاهی از آنچه از من سرزده و نه جای پناهی

أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي

که رُو کنم بسوی او در کار خود غیر از قبول فرمودن تو عذر مرا

وَأَدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ

و داخل کردن مرا در پهنادری رحمت خود بار خدایا

فَاقْبَلْ عَذْرِي وَأَرْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكْنِي

قبول کن عذر مرا و رحم کن شدت و بد حالی مرا و رها کن مرا

مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ

از بندگنایان که مرا مقید کرده ای پروردگار من رحم فرما بر ضعف بدن من و نازکی

جِلْدِي وَرِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي

پوست مرا و استخوان مرا ای آنکه ابتدا فرمودی بافریدن من و یاد کردن من

وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ

و تربیت من و نشوونمای من و غذا دادن من بخش بر من بجهت ابتدای کرم خود

وَسَالِفِ بَرَكَتِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي

و برای نیکیهای که بر من کرده ای خدای من و آقای من و پروردگار من

اتْرَاكَ مَعْدِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَمَا

آیامی بینی خود را عذاب کننده من به آتش خود بعد از یگانگی دانستن من ترا و بعد از آنچه

انطوى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلِهَجِّ بِهِ

پیچیده شده است دل من از معرفت تو و گویا شده بآن

لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حَبْلِكَ

زبان من از یاد تو و سخت شده بآن خاطر من از محبت تو

وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدَعَائِي خَاضِعًا

و بعد از راستی اقرار من و خواندن من ترا با خضوع

لِرُبُوبِيَّتِكَ هِيَهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ

برای پروردگاری تو بسیار دور است این امر از تو تو کرامی تری از این که

تُضَيِّعَ مَنْ رُبِّيَّتَهُ أَوْ تَبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ

ضایع کنی کسی را که تربیت کردی او را یا برانی کسی را که نزدیک کرده او را یا

تُشْرِدَ مَنْ أَوْيْتَهُ أَوْ تَسْلِمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ

فرار دهی کسی را که پناه دادی او را یا بسپاری به چنگ بلا کسی را که کفایت کردی او را

وَمَرْحَمَتَهُ وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَالْهِجُ

و رحم کردی بر او و کاش میدانستم ای آقای من و خدای من

وَمَوْلَايَ أَتَسْلُطُ النَّارُ عَلَيَّ وَجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ

و صاحب من آیا مسلط کنی آتش را بر رویهایی که در افتاده اند بجهت عظمت تو

سَاجِدَةً وَعَلَى السِّنِّ نَطَقْتُ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً

در حال سجده و بر زبانهایی که گویا شده اند به یگانگی تو راست گویمان

وَلِبَشْكِرِكَ مَا دِحَّةٌ وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفْتُ بِالْهِيبَتِكَ

و بشکر تو مدح کنان و بر دلهایی که اقرار کرده اند بر خدائی تو

مُحَقِّقَةً وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى

از روی یقین و بر دلهایی که احاطه کرده اند از دانائی تو تا آنکه

صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلَى جَوَارِحٍ سَعَتُ إِلَى أَوْطَانٍ

گردیده اند باخشوع و بر عضوی چند که سعی کرده اند بجانب مکانهای

تَعْبُدُكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتُ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

عبادت تو بر غبت و اشاره کرده بطلب آمرزش از تو از روی اذعان

مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا أُخْبِرُنَا بِفُضْلِكَ عَنْكَ

و اعتقاد نیست چنین گمان ما بتو و نه چنین خبر داده شده ایم بفضل تو از تو

يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ

ای کریم ای پروردگار من و تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی

مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعَقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنْ

از بلاهای دنیا و عذابهای آن و آنچه جاری میشود در آن از

التَّكَارُهْ عَلَى أَهْلِهَا عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ

مکروهات بر اهل آن با آنکه این بلا و ناخوشی

قَلِيلٌ مَكْتَبَةٌ يَسِيرٌ بِقَاوَمِهِ قَصِيرٌ مَدَّتُهُ

اندک است مانند آن و کم است بقای آن کوتاه است مدت آن

فَكَيْفَ إِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلٌ وَقُوعٌ

پس چگونه است تحمل من از برای بلای آخرت و بزرگ است واقع شدن

التَّكَارُهْ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ وَيَدُومُ

ناخوشیهایی که در آنست و آن بلایی است که دراز است مدت آن و دائمی است

مَقَامُهُ وَلَا يَخْفَى عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ

اقامت آن و سبک نمیشود از اهل آن زیرا که آن نمی باشد

إِلَّا عَنِ غَضَبِكَ وَإِن تَقَامِكَ وَسَخَطِكَ وَهَذَا مَالًا

مگر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و خشم تو و چنین امری نمی

تَقَوْمٌ لَهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ

تواند در برابر آن بایستند آسمانها و زمین ای آقای من پس چگونه من تاب

بِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ

آورم و من بنده توام ناتوان ذلیل بی مقدار

الْمُسْكِينُ يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي

تنگدست و شکسته حال ای خداوند من و رب من و آقای من

وَمَوْلَايَ لَا يَلِيَّ الْأُمُورَ إِلَيْكَ أَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا

و مولای من از برای کدام کارها بسوی تو شکایت کنم و برای کدام یک از آنها

أَضْحُ وَأَبْكِي لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَوْ لِطَوْلِ

نالانم و گریه نمایم برای دردناکی عذاب و سختی آن یا برای درازی

الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَمَّا صَيَّرْتَنِي فِي الْعَقُوبَاتِ

بلا و مدت آن پس اگر گردانی مرا در عذابها

مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَاءِكَ

با دشمنان خود و جمع کردی میان من و میان اهل بلای خود

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ فَهَبْنِي

و جدائی افکنی زبان من و میان دوستان و اولیای خود پس گرفتار

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلَىٰ

ای خدای من و آقای من و صاحب من و پروردگار من که صبر کردم بر

عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ وَهَبْنِي

عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر جدائی تو و گرفتم که

صَبَرْتُ عَلَىٰ حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ

صبر کردم بر حرارت آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر

إِلَىٰ كِرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي

بسوی کرامت تو یا چگونه ساکن شوم در آتش و امید من که

عَفْوِكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ

عفو تو باشد پس قسم بعزت تو ای آقای من و صاحب من سوگند خورم

صَادِقًا لِّئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَا أَضِجُّنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ

براستی که اگر گذاری مرا سخن گو البته می نامم بسوی تو میان

أَهْلِهَا ضَجِجَ الْأَمِلِينَ وَلَا صُرْخَنَ إِلَيْكَ صَرَخِ

اهل آن مانند ناله امیدواران و زاری کنم بسوی تو مانند زاری

الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَا يُكِينَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءُ

استغاثه کنندگان و هراسینه گریه کنم بر تو مانند گریه آنانکه

الْفَاقِدِينَ وَلَا نَادِيَنَّكَ آيُنُ كُنْتَ يَا وَلِيَّ

مطلوب خود گم کرده باشند و هراسینه ندا کنم ترا البته که کجائی ای صاحب اختیار

الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ

مؤمنان و ای نهایت آرزوی عارفان ای فریادرس

الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ

بار جویان ای دوست دل‌های راست‌گویان

و يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ أَفْتِرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي

و ای خداوند عالمیان آیا یافته‌یشوی پاک‌میدانمت ای خداوند من

و بِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتُ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ

و ستایشت می‌کنم میشنوی در جهنم صدای بنده‌مسلمانی را که حبس شده

فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ

در آن بسبب نافرمانی خود و چشید مزه عذاب آنرا بجهت معاصی خود

وَ حُبْسِ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ وَ هُوَ

و حبس شده در میان طبق‌های آن بجرم و جنایت خود و او

يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيَتَادِيكَ

می‌نالند بسوی تو نالیدن امیدوار برای رحمت تو و ندا میکند ترا

بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْجِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

بزبان اهل توحید تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو

يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو

ای صاحب اختیار من پس چگونه میماند در عذاب و او امید دارد

مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ

آنرا که پیش یافته بود از حلم تو و مهربانی تو و بخشایش تو یا

كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ

چگونه بدرد آورد او را آتش و او امید میدارد فضل ترا و رحمت ترا

أَمْ كَيْفَ يَحْرِقُهُ لَهَبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى

یا چگونه بسوزد او را شعله او و تو میشنوی صدای او را و می بینی

مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ

مکان او را یا چگونه فرا می گیرد او را خروش آتش و تو

تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَخَلَّلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا

میدانی ناتوانی او را یا چگونه مضطرب میشود میان طبقات آن

وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتِهَا

و تو میدانی راستی او را آیا چگونه زجر کند شعله او

وَهُوَ يَنَادِيكَ يَا رَبِّهِ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي

و او ندای کند ترا که ای پروردگار من یا چگونه که امید دارد فضل ترا در

عَتِيقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَاهُنَا مَا ذَلِكَ

آزاد کردن او از همنم خواهی گذاشت او را در آن دور است این و چنین نیست

الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا

گمان بتو و شناخته نشده از فضلت و نه

مُشَبَّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحَّدِينَ مِنْ بَرَكَ

شبهه است آنچه معامله کرده با یگانه پرستان از نیکی تو

وَإِحْسَانِكَ فَيَا لَيَقِينٍ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ

و احسان تو پس یقین قطع دارم که اگر نه آن بود که حکم کرده

مِنْ تَعْدِيْبٍ جَاحِدِيْكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ اِخْلَادٍ

از عذاب کردن منکران خود و حکم کرده بخلود و دایم بودن

مُعَانِدِيْكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا

و دشمنان خود در آتش هر آئینه میگردانیدی آتش را تماماً سرد و سلامت

وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيْهَا مَقَرًّا وَلَا مَقَامًا لِيَكُنَّكَ

و نبود از برای احدی در آن قرار و مقامی لیکن تو که

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنْ

پاک است نامهای تو قسم یاد نموده اینکه پر کنی جهنم را از

الْكَافِرِيْنَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِيْنَ وَأَنْ

کافران از جن و مردم هگی و دایم

تُخَلَّدَ فِيْهَا الْمُعَانِدِيْنَ وَأَنْتَ جَلَّتْ نَاؤُكَ قُلْتَ

و همیشه بداری در آن دشمنان را و تو که بزرگ است شنای تو فرموده

مُبْتَدَأً وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مَتَكْرِمًا فَمَنْ كَانَ

در ابتداء امر و بخشش کرده بنعمت دادن در حالتی که کرم کننده بودی آیا کسی که باشد

مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ إِلَهِي

مؤمن مثل کسی است که باشد فاسق البته مساوی نیستند ای خدای من

وَسَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا

و آقای من پس سوال میکنم ترا بتقدیری که مقدر کرده آنرا

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَكَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ

و بجحلی که حتم و واجب کرده آنرا و حکم کرده آنرا و غالب شده

مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ

برکسی که بر آن کس آن حکم را جاری کرده اینک به بخشش من در این

اللَّيْلَةَ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ

شب و در این ساعت هر جرمی که کرده ام

وَكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَكُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتَهُ وَكُلِّ

و هر گناهی که نموده ام و هر بدی که پنهان داشته ام و هر

جَهْلٍ عَمِلْتَهُ كَتَمْتَهُ أَوْ أَعْلَنْتَهُ وَأَخْفَيْتَهُ

نادانی که کرده ام پوشانده ام او را یا آشکار یا پنهان

أَوْ أَظْهَرْتَهُ وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ

یا ظاهر کرده ام و هر بدی که امر فرموده به اثبات آن کرام

الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

الکاتبین را که موکل کرد آئینده آنها را به نگاه داشتن آنچه از من سر میزند

وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَمِيعِ جَوَارِحِي وَكُنْتَ

و گردانیده ایشانرا گواهان بر من با جمله اعضای بدن من و بوده

أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيَّ مِنْ وِرَائِهِمْ وَالشَّاهِدُ بِمَا خَفِيَ

تو خبردار بر من از غیر ایشان و گواه بر آنچه پنهان شده

عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

بر ایشان و بخشایش خود پوشیده آنرا و بفضل خود پرده کشیده بر آن

وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُهُ أَوْ إِحْسَانٍ

اینکه زیاد کنی قسمت مرا از هر خیری که فرود آری او را یا خوبی که

تُفَضِّلُهُ أَوْ بِرِّ تَنْشُرُهُ أَوْ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ أَوْ ذَنْبٍ

تفضل کنی آنرا یا نیکی که پهن کنی آنرا یا رزقی که گشایشی آنرا یا گناهی که

تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا

بیامرزی آنرا یا خطائی که پوشانی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای

إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِزْقِي يَا مَنْ

خدای من و آقای من و صاحب من و مالک بندگی من ای آنکه

بِيَدِهِ نَاصِيَتِي يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكِنِي يَا

بدست اوست موی پیشانی من ای دانا به بد حالی من و نیچسارگی من ای

خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

مطلع به تنگستی من و احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ

سؤال میکنم از تو بحق تو و پاکی تو و بزرگترین صفات تو

وَأَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و نامهای تو اینکه بگردانی وقتهای مرا در شب و روز

بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَيَخْدُمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي

بیاد خودت معمور و آباد و بخدمت تو پیوسته و کردار من

عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي

نزد تو قبول شده تا آنکه بوده کارهای من و درودهای من

كُلُّهَا وَرَدًا أَوْاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا

تماماً ورد واحد و حال من در خدمت تو پیوسته دایم

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مَعْوَلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ

ای آقای من ای آن کسی که بر اوست اعتماد من و کسی که بسوی او

شَكْوَتُ أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قَوْعَلِي

شکایت میکنم احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من تو انا کن بر

خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشُدُّ عَلَى الْعِزِّ مِمَّةَ جَوَارِحِي

خدمت خودت اعضای مرا و سخت محکم گردان بر غم بندگی خود دل مرا

وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالذَّوَامَ فِي

و بخشش بر من جد و جهدی در خوف از خود و بهیشتگی در

الِاتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي

متصل داشتن وقت خود را بنده شکستاری تو تا آنکه شتاب نمایم بسوی تو در

مِيَادِينِ السَّابِقِينَ وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْمُبَادِيرِ

میدان و عرصه بندگی پیش روندگان و سرعت نمایم بسوی تو در زمره شتاب کنندگان

وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ وَأَدْنُو مِنْكَ

و مشتاق شوم بقرب تو در جمله مشتاقان و نزدیک شوم بتو

دُنُوًّا الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ

نزدیکی بندگان با اخلاص تو و بترسم از تو رسیدن صاحبان یقین

وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ

و جمع شوم در همسایگی تو با گروه مؤمنان بار خدایا

وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَيِّرُهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدُهُ

هر کس اراده کند بمن بدی را پس اراده کن او را بیدی و هر که کند بمن سرخ باد و مکر کن

وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ فَصِيبًا عِنْدَكَ

و بگردان مرا از نیکوترین بندگان خود از جهت بهره و نصیب در نزد تو

وَأَقْرَبِهِمْ مَنزِلَةً مِنْكَ وَأَخْصِيهِمْ زَلْفَةً لَدَيْكَ

و نزدیک ترین آنان از جهت مقام و منزلت از تو و مخصوص ترین آنان در تقرب بنزد تو

فَإِنَّهُ لَا يَنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدُّ لِي بِجُودِكَ

بدرستی که باین کرامات نرسد مگر بفضل احسان تو پس عطا کن آنها را بمن بفضل و کرم خودت

وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَأَحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ

و مهربانی کن با من به بزرگواری خود و حفظ کن مرا برحمت خود

وَأَجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ

و بگردان زبان مرا بذكر خود گویا و دل مرا بدوستی خودت

مَتِيماً وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ وَأَقْلِنِي

مشغول و بیاب منت گذار بر من بخوبی اجابت خود و درگذر

عَثْرَتِي وَأَغْفِرْ لِي زَلَّتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتَكَ

از لغزش من و بیامرز گناه مرا بدرتیکه تو حکم فرموده بر بندگان خود

بِعِبَادَتِكَ وَأَمْرَهُمْ بِدَعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمْ

به پرستش خود و امر فرموده ایشانرا بدعای خود و ضامن شده برای ایشان

الْإِجَابَةَ فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي

اجابت را پس بسوی تو ای پروردگار من باز داشته ام روی خود را

وَاللَّيْلُ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ

و بسوی تو ای پروردگار من کشیده ام دستهای خود را قسم میدهم ترا بعزت تو که قبول کن

لِي دَعَائِي وَبَلِّغْنِي مَنَائِي وَلَا تَقْطَعْ مِنِّي فَضْلِكَ

برای من دعای مرا و برسان مرا به آرزوهای من و قطع نه کن از فضل و کرم خودت

رَجَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي

امید مرا و کفایت کن مرا از شر جن و انس از دشمنان من

يَا سَرِيعَ الرَّضَاِ اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ

ای زود خوشنود شونده از بند خویشیامرز مر بنده را که مالک نیست مگر دعا کردن را

فِي أَنْتِكَ فَتَعَالَ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنْ إِسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ

پس بدستی که تو بجا آورنده هر چیزی را که میخواهی ای سیکه نام او دواست و یاد او

شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنَى إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ

شفاء است و فرمانبرداری او بی نیازی از هر چیزی است رحم کن بر کسی که سرمایه امیدواری است

وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ

وسلاح او گریه است ای دهنده نعمتها ای دفع کننده ناخوشیها

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَلِمًا لَا يَعْلَمُ

ای روشنی وحشت یافتگان در تاریکیها ای داناییکه از کسی نیاموخته

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

درود و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بفرمای کن بمن آنچه را که تو اهل سزاواری

وَصَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأئِمَّةِ الْمِيَامِينَ

و درود خدا باد بر رسول او و امامانیکه صاحب میمنت میباشند

مِنْ إِلَيْهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا

از اهل بیت او و سلام خدا باد بر آنها سلام بسیار بسیار

در فضیلت روز جمعه و احکام آن

از جمله آیام متبرکه که امر با احترام آن گردیده روز جمعه است. احادیث و اخبار صحیح از خاصه و عامه در فضیلت روز جمعه باندازه وارد گردیده که بیح وجه قابل اختلاف نیست.

جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود روز جمعه سید آیام است و روز جمعه افضل است از روز عید فطر و اضحی. آفتاب برایش روزی طلوع نموده افضل از روز جمعه باشد. جمعه روزیست که برای سلیمین عید مقرر گردید و خدا آنرا از سایر آیام اختیار فرمود و آنرا اشرف آیام قرار داد و در احادیث دیگر است که در روز جمعه خدای زمین و آسمان و ما بین آنها و ستارگان و ملائکه را خلق نمود. در روز جمعه بود که حضرت آدم ع ایجاد شد و روح در بدنش دمید و ملائکه او را سجده نمودند و به بهشت داخل شد و در همان روز بود که حوا برای آدم خلق شد و جمع بین حوا و آدم گردید. روز جمعه بود که آدم ع از جنت بیرون و بر زمین فرود آمد. و در همان روز بود که توبه وی تمول شد. و روز جمعه بود که آدم ع از دنیا رفت. روز جمعه آتش فرو

بر حضرت ابراهیم خلیل ع سرود شد و خطاب یا نارا کونی بردا و سلاما
 رسید. و در آن روز دعای حضرت یعقوب ع مستجاب شد و بلا از
 حضرت ایوب ع رفع گردید. خدا برای اسماعیل ع در آن روز فدائست
 روز جمعه روزیست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم حضرت امیر المؤمنین
 علی علیه السلام را در غدیر خم نصب بخلافت نمود. و قائم آل محمد ص در
 آن روز ظهور خواهد نمود و در آن روز قیامت برپا شود. اولین و آخرین
 را خداوند در آن جمع نماید. چنانکه در قرآن فرمود **يَوْمَ جَمْعٍ لَهُ**
النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ یعنی روزیست که مردم در آن
 روز جمع شوند و روزیست مشهود. روز جمعه روزی است که خدا عبادت
 کنندگان را در آن روز میآمرزد و رحمت بر آنها نازل میکند پس مشغول
 بخیزی غیر از عبادت نشوید. در روز جمعه ساعتی است که دعا در آن
 مستجاب میشود که هرگز رو نخواهد شد. حسنات در آن روز مضاعف
 میگردد. گناهان محو میشود. درجات مرتفع خواهد شد و بسیاری از
 گناهکاران را در آن روز خدا از آتش جهنم خلاص مینماید. امام صادق ع
 فرمود که بیست و چهار ساعت شب در روز جمعه از برای خداوند است

هفتاد هزار آزاد کرده از آتش جهنم کسیکه در روز جمعه گناه کند
 گناه وی مضاعف میشود چنانیکه ثواب کار نیک در آن مضاعف خواهد شد
 و در بعضی احادیث است که ثواب عمل خیر در روز جمعه ده چندان از سایر
 ایام محسوب میشود. حضرت امام صادق فرمود از برای روز جمعه حقیقت است
 مبادا حق آنرا ضائع کنی و در چیزی از عبادات خدا و از تقرب بسوی او
 و عمل صالح و از ترک محرمات کوتاهی ننماید بدستیکه خداوند حسنات
 را در آن مضاعف ینماید و سیئات را محو میکند و درجات را بلند
 میگرداند. در روایت دیگر است کسیکه استخفاف بر روز جمعه کند و محرمات
 آنرا نگذارد و حق آنرا ضائع نماید بر خداوند است که او را در آتش جهنم
 اندازد مگر آنکه توبه کند.

در حدیث دیگر است هر مؤمنی که در روز یا شب جمعه ببرد شهید
 مرده است و از عذاب قبر و فشار آن محفوظ میماند و در قیامت با امن
 مشغور میشود و بدون حساب داخل بهشت میگردد. پس بر مسلمانان
 لازم است که احترام شب و روز جمعه را نگذارند و چون سایر ایام
 آنرا نشمارند و در آن بکاری مشغول نشوند که سبب خشم پروردگار و عذاب

دنیا و آخرت شود.

صحابه حضرت رسول اکرم ص با اندازه نسبت بروز جمعه اهتمام
میداشتند که از پنجشنبه مہیای اعمال در آن میشدند. و غسل روز
جمعه مستحب مؤکد و ترک آن خلاف احتیاط است بلکه قول بوجوب دارد
پس تا ممکن است ترک نشود. جناب رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
فرمود یا علی در ہر جمعہ غسل کن اگر چه قوت روزی خود را بفروشی و آب
بخری و غسل کنی و گرسنه بمانی زیرا کہ بیحسنتی ازین بزرگتر نیست.
در حدیث دیگر کہ غسل روز جمعہ کفارہ گناہان است تا جمعہ دیگر. و در روایت
دیگر از امام صادق ع است کہ فرمود "لَا يَتْرُكُ غُسْلَ الْجُمُعَةِ
إِلَّا فَاسِقٌ" ترک غسل جمعہ نمیکند مگر شخص بدکار. و در حدیث دیگر
از آنحضرت روایت شد فرمود ہر یک از شما باید زینت نماید در روز جمعہ
و غسل کند و بوی خوش استعمال نماید و ریش خود را شاند زود و بہترین
لباس خود را پوشد و با کمال سکینہ و وقار مہیای نماز جمعہ گردیدہ بندگی
پروردگار خود را نیک نماید خداوند حسنات او را مضاعف مینماید.
و وقت غسل روز جمعہ پس از فجر صادق است تا زوال ظہر

و هر چه بزوال نزدیک تر شود فضیلت آن بیشتر خواهد بود و هر گاه ممکن نشود
 بعد از زوال تا شام قریباً اِلَى اللّٰهِ غَسَلَ رَا بَجَا آورد. نیت قضا و ادا
 نکند و اگر روز جمعه ممکن نشود روز شنبه آنرا قضا کند و در صورتیکه شخص
 بداند که روز جمعه غسل برایش ممکن نیست میتواند روز پنجشنبه غسل نماید
 و از جمله اعمال روز جمعه ناخن گرفتن است پیغمبر اکرم صلی اللّٰهُ علیه و آله
 و سلم فرمود کسیکه روز جمعه ناخن بگیرد خدا در درازا نگشتان او بیرون
 کند و او را دراز نگشتانیش داخل نماید. فرمود کسیکه روز جمعه ناخن بگیرد
 عمر و مال او زیاد میگردد. و در حدیث دیگر است کسیکه روز جمعه ناخن
 بگیرد مبتلا بجنون و جذام و پستی خواهد شد. حضرت صادق فرمود
 کسیکه ناخن بگیرد در روز جمعه خدا او را این میدارد و از خوره و دیوانگی
 و پستی و کوری. و فرمود هر که در روز جمعه شارب و ناخن بگیرد و سر خود را
 با خطمی بشوید فقرازا و دور میگردد و روزی وی بسیار میگردد و سنت
 است در وقت ناخن گرفتن از خضر یعنی انگشت کوچک دست چپ
 شروع شود و بدست راست ختم گردد. مکره است ناخن را بدندان
 گرفتن چه در بعضی روایات است که تولید گره در کار مینماید. و این دعا را

در وقت ناخن گرفتن بخواند - بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ
 اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از مستحبات روز جمعه است
 استحصال بوی خوش پیغمبر اکرم صلی اللّٰهُ علیه و آله وسلم فرموده و نباید
 بوی خوش را ترک کرد بلکه در حدیث دیگر است که نماز با بوی خوش
 مقابل است با هفتاد نمازیکه در آن بوی خوش نباشد و از جمله وظایف
 روز جمعه نماز جمعه است که سابقاً اشاره شد و صدقه دادن در روز جمعه
 مستحب مؤکد است و مقابل است با هزار برابر اوقات دیگر
 مسافرت در روز جمعه قبل از ظهر مکروه است و از جمله مستحبات
 روز جمعه زیارت اهل قبور است مخصوصاً در روز شنبه یا دو شنبه
 یا عصر پنجشنبه و یا روز جمعه سنت مؤکد است و در احکام اموات
 بیان شد

خوردن انار در روز جمعه و شب آن موجب فضیلت و اثر بسیار
 است و صلوات بر محمد و آل محمد در روز جمعه از افضل ترین عبادت است
 از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هیچ عبادتی در روز جمعه
 نزد من محبوبتر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست - و نیز رسول خدا صلی اللّٰهُ

علیه وآله و ائمه هدی را در این روز زیارت کند چنانکه در ص ۱۳۷ ذکر شد
 و خواندن دعای ندبه و نیز خواندن دعای سمات بعد از عصر روز جمع که
 وقت استجابت دعا است و ارو شده و در مفاتیح از مصباح شیخ آن را
 نقل نموده است و دعای اینست

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعِزِّ الْأَجَلِّ
 الْأَكْرَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ
 لِفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ
 أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَإِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى
 الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ وَإِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ
 انْتَشَرَتْ وَإِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَائِ
 انْكَشَفَتْ وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْكَرِيمِ الْوَجُوهِ وَاعِزِّ
 الْوَجُوهِ الَّذِي عَنَتُ لَهُ الْوُجُوهُ وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ
 وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ
 مَخَافَتِكَ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ
 عَلَى الْأَرْضِ الْإِبَادِنِكَ وَتُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

أَنْ تَزُولَا وَيَمْشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ وَبِكَلِمَتِكَ
 الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي
 صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا
 لَيْلًا وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكْنًا وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ
 نَهَارًا وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا وَخَلَقْتَ بِهَا
 الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ
 وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا
 نُجُومًا وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا وَجَعَلْتَ لَهَا
 مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِي
 وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَا وَمَسَابِحَ وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ
 فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا
 وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ
 تَدْبِيرًا وَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ
 وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ
 وَجَعَلْتَ رُؤْيَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرُئًا وَاحِدًا وَأَسْأَلُكَ

اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَمُرْسُوكَ
 مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ
 إِحْسَاسِ الْكُرُوبِينَ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ فَوْقَ تَابُوتِ
 الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ وَفِي جَبَلِ حُورَيْثَ
 فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ
 الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتَسْعِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ
 وَيَوْمَ فَرَّقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ وَفِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي
 صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ
 فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ وَجَاوَزْتَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ
 وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا وَأَوْثَرْتَهُمْ
 مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ
 وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَّكِبَهُ فِي الْيَمِّ وَبِاسْمِكَ
 الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي
 تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ
 وَإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ

وَلَا سُحُوقَ صَفِيَّتِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ شَيْبَةَ وَبَيْتِ يَسْرِينَ
 وَبَيْتِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ وَبَيْتِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ بِمِثْلِ مَا قَدْ بَدَأَ بِكَ وَبَيْتِكَ بِشَهَادَتِكَ
 وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ وَلِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَاجْبِتْ
 وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ
 بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْعُلْبَةِ بِآيَاتِ عَزِيزَةِ وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ
 وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ وَبِإِشْرَافِ الْكَلِمَةِ الثَّامَّةِ وَبِكَلِمَاتِكَ
 الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَهْلِ الدُّنْيَا
 وَأَهْلِ الْآخِرَةِ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ
 وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِنُورِكَ
 الَّذِي قَدَّخَرْتَهُ مِنْ فَرْعِهِ طُورِ سَيْنَاءَ وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ
 وَكِبْرِيَاءِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ
 وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَوَاتُ وَانْتَزَجَتْ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ
 وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ وَسَكَنَتْ

لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَّا كَيْهًا وَأُسْتَسَلِّمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا
وَحَفَقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جَرِيَانِهَا وَحَمَدَتْ لَهَا النَّيِّرَانُ
فِي أَوْطَانِهَا وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْعَلْبَةُ
دَهْرَ الدُّهُورِ وَحُمِدَتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ
وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبْنَاءِ آدَمَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي
غَابَتْ كُلُّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ
فَجَعَلْتَهُ دَكَاةً وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا وَمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ
عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى
بْنَ عِمْرَانَ وَبِطَلْعَتِكَ فِي سَاعِ عِيدِ وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ
فَارَانَ بِرَبَّوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ
وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ وَبِبَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ
فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةِ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ فِي أُمَّةِ
عَيْسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ

فِي أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَبَارَكْتَ بِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِتْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ اللَّهُمَّ
 وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَأَمَّنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا
 وَعَدْلًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرْحِمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا
 صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرْحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ
 إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ فَعَالَ إِمَّا تَرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 پس حاجت خود را ذکر میکنی و میکنی اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ
 هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا
 غَيْرُكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ
 وَلَا تَفْعَلُ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ وَاعْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقْدَمُ
 مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرُ وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ وَاصْفِي
 مُؤْنَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَجَارِ سَوْءٍ وَقَرِيبِ سَوْءٍ وَسُلْطَانِ
 سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ أَمِينٌ
 رَبُّ الْعَالَمِينَ مؤلف گوید که در بعض نسخ است بعد از وَأَنْتَ عَلَى

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كَمَا حَاجَتِ دَارِي ذَكَرَ كُنْ وَكَبُو يَا اللَّهُ يَا حَنَّانُ يَا
 مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَأَخَّرَ وَعَلَامَةُ مَجْلِسِي
 از مصباح سیدین باقی نقل کرده که بعد از دعای سمات این دعا بخواند
 اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ
 تَفْسِيرَهَا وَلَا تَأْوِيلَهَا وَلَا بَاطِنَهَا وَلَا ظَاهِرَهَا غَيْرُكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُزِنِّي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 پس حاجات خود را بطلبید و بگوید و افعلُ بی ما انت اهلُهُ وَلَا
 تَفْعَلُ بی ما انا اهلُهُ و انتقم لی من فلان بن فلان و نام دشمن
 را بگوید و اغفر لی من ذنوبی ما تقدم منها و ما تاخر و لوالدتی
 و لجميع المؤمنین و المؤمنات و سبع علی من حلال زقک
 و کفنی مؤنة انسان سوء و جبار سوء و سلطان سوء
 و قرین سوء و یوم سوء و ساعة سوء و انتقم لی ممن
 یکیدنی و ممن یبغی علی و یرید بی و باهلی و اولادی
 و اخوانی و جیرانی و قراباتی من المؤمنین و المؤمنات

ظُلْمًا إِنَّكَ عَلَىٰ مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ أَمِينَ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ بِسْمِكَ يَا اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ
 فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالثَّرْوَةِ وَعَلَىٰ مَرْضَى
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ وَعَلَىٰ أَحْيَاءِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَامَةِ وَعَلَىٰ أَمْوَاتِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَىٰ
 مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدَائِ إِلَىٰ أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ
 غَانِمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا
 مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَامٌ تَسْلِيمًا
 كَثِيرًا وَشَيْخُ بْنُ فَهْدٍ كَفَّهَ كَمَا سَجَّحَ اسْتَبَدَّ بِعَدَاوَةِ عَائِ بِسْمَاتِ كَبُوْنِي
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِمَافَاتِ مِنْهُ
 مِنَ الْأَسْمَاءِ وَبِمَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيرِ وَالتَّدْبِيرِ
 الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بنویسید

سند دعای عهدنامه

شیخ کفعمی رحمه الله علیه در کتاب مصباح که در ۱۹۵ هجری از تألیف

آن فارغ شده از امام صادق علیه السلام دعای عهدنامه روایت

کرده است. سید حبیب محسن امین در جلد سوم مفتاح الجنات خود از

سید بن طاووس آنرا نقل نموده که آن سید بزرگوار از امام جعفر صادق

علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود کسیکه بخواند خدا را

چهل روز باین عهدنامه هر آئینه خواهد بود از یادوران قائم ما علیه السلام.

پس اگر بمیرد قبل از ظهور آنحضرت بیرون خواهد آورد خدا او را از گور او

وزنده بنماید او را برای یاری آنحضرت و پادشاهش بنماید خواننده را بهر کلمه

هزار نیکی و دور میکند از او هزار بدی را

دعای عهدنامه

اللَّهُمَّ رَبَّ التَّوْبَةِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ

وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلِ التَّوْبَةِ وَالْإِنْجِيلِ

وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرَمِ وَمُنْزِلِ الْقُرْآنِ

الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ

وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
 وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ
 يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ
 السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ
 بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا حَيُّ يَا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا
 حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ إِلَّا يَا مُحَمَّدٍ
 الْمَوْثِقِ وَمُمِيتِ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ إِلَّا إِلَهًا أَنْتَ
 اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَّ الْمَهْدِيَّ
 الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
 الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا
 وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا عَنِّي وَعَنْ وَالدِّيَّ
 وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي وَإِخْوَاتِي مِنَ الصَّلَوَاتِ
 وَالتَّحِيَّاتِ نَزْنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادِ كَلِمَاتِهِ

له وبعضى نسخ إخواني وإخوانتي موجودت. له عدد خ. ل.

وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أُجِدُّ دَلَّةً فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا
 عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا أَوْ عَقْدًا أَوْ بَيْعَةً لَهُ
 فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَنْزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّاكِرِينَ عَنْهُ
 وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ
 وَالْمُتَمَثِّلِينَ لِأَمْرِهِ وَنَوَاهِيهِ وَالْمُحَامِلِينَ
 عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ
 بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ
 الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مُقْضِيًّا
 فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتِزًّا كَفَيْتَنِي شَاهِرًا
 سَيْفِي مُجَرِّدًا قِنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي
 الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ
 وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَالْحُلَّ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي
 إِلَيْهِ وَعَجَلُ فَرْجَهُ وَسَهْلُ مَخْرَجَهُ وَأَوْسَعُ

مِنْهَجَهُ وَأَسْأَلُكَ بِمِحْجَتِهِ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ
 وَأَشْدُدْ أَمْرَهُ وَأَعْمِرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَحْيِي
 بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ظَهَرَ
 الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي
 النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بَيْتِ
 نَبِيِّكَ الْمُسْتَهْجَى بِأَسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفِرَ
 بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَّقَهُ وَيُحَقِّقِ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ
 وَأَجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمُظْلَمِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا
 لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمَجِدِّدَ الْإِمَامِ عَظِيمِ
 مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشَيِّدَ الْإِمَامِ وَرَدِّمِنْ أَعْلَامِ
 دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَأَجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّنْتَ مِنْ بَأْسِ
 الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ
 وَأَرْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ

الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجَّلْ لَنَا
ظُهُورَهُ إِنَّكُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

آنگاه که مرتبه دست خود را بر ران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی

الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الرَّمَّانِ

خلاصه ترجمه عهدنامه

خدایا توئی پروردگار نور و با عظمت و پروردگار کرسی با رفعت و پروردگار

دریای مخلوق و فرود آورنده تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه و گرمی

و فرود آورنده قرآن بزرگ و (توئی) پروردگار فرشتگان مقرب و نامی

پیغمبران و فرستادگان مرسل، خدایا بدرستی که من سؤال میکنم تو را بدست

گرامی تو و بنور ذات نور و مهنده و ملک قدیم تو، ای زنده و ای بی مانند

(تو را سوگند میدهم) بنام آنچهانی تو که روشن نمودی به سبب آن آسمانها

و زمینها را و بنام آنچهانی تو که صلاحیت و درستی پیشینیان و فرجامیان

بسبب آن بوده و می باشد ای (کسیکه) زنده پیش از هر زنده

و ای کسیکه زنده می باشی پس از هر زنده و ای کسیکه زنده در هنگامی که

(بیخ) زنده نیست ای زنده کنندۀ مردگان و میرانندۀ زندگان ای زنده
 که نیست خدائی مگر تو برسان بولا و امام من که هدایت کنندۀ است
 و نیز بسبب او هدایت می یابند و گیران، و قائم است بامر تو که درود
 خداوند بر او و بر پدران پاک او باد از تمامی مؤمنین و مؤمنات که در باختر
 زمین و خاورهای آن و نیز در زمینهای هموار و کوهسارها و بیابانها و دریاها
 می باشند و نیز برسان از من و از پدر و مادر من و فرزندان و برادران
 و خواهران من (باندازه) از درود که بوده باشد به سنگینی عرش خدا
 و مداد کلمات خدا و آنچه را که بشمار در آورده است علم او و آنچه را که فرا
 گرفته است کتاب او آن را - خدا یابد رستیکه من در صبحگاه این روز
 تازه خود و در هر روز یک زندگی بینم در آن از روزهای زندگانی خود تازه
 می کنم با او عهد و پیمان و بیعتی که از برای او است در گردن من تا که از آن
 روگردان نشوم - و از آن گاهی بزرگم خداوند قرار داده مرا از یاوران
 و مددکاران او و دور کننده گان از او و نیز از سرعت کنندگان در
 کار و روائی او و از کسانیکه برای فرمانها و بازداشتن های او مطیع میباشند

خداوند اقرار کرده مرا از کسانیکه پشتیبان باشند او را و از کسانیکه سبقت
 می نمایند بسوی اراده او و از کسانیکه حاضر میشوند در پیش روی او خداوند
 اگر در میان من و میان او مرگ درآید - آنچه ان مرگی که قرار داده آنرا
 حتم بر بندگان خود پس بیرون آورم از گورم در حالتی که بخود گرفته باشم
 کفنم را و ظاهر نموده باشم شمشیرم را و آماده نموده باشم نیزه ام را برای همراهی
 با او (مراد از شمشیر و نیزه و سائل مددگاری و نشان اطاعت و فرمانبرداری است)
 در حالتی که دعوت دعوت کنندگان او را خواه در بادیه و یا شهر یا
 اجابت نمایم - ای پروردگارا چهره روشن او را بمن نشان ده و طلعت
 پاکیزه او را بمن ظاهر نما و بنیانی مرا بسورمه نظر باور روشن کن خداوند اشتنا
 کن در فرج او و آسان نما ظهور او را و باز کن طریقه او را و بسبب من
 راه بر حجت و دلیل او را و امر او را نافذ کن و محکم نما توانائی او را - خدا یا آباد
 کن بسبب او شهرهای خودت را و بسبب او زنده نما بندگانت را
 بدرستی که تو گفته (در قرآن پاکت) ظاهراً گردید فساد در دریا و صحرا بسبب
 کردهای مردم پس خداوند اظا هر نما از برای ما ولی خودت را که پسر پیغمبر تو
 می باشد و نام او نام پیغمبر تو است که در دهای تو بر او و بر آل او باد

خداوند باندازه اورا توانائی ده که بر هیچ باطلی ظفر نیابد مگر آنکه اورا نابود
 نماید۔ خداوند اورا توانائی ده که حق را ثابت و پابرجا کند۔ خداوند اورا
 پناه گاه بندگان مظلوم خود قرار ده و نیز اورا مددگار قرار ده از برای
 کسانی که مددگاری نمی یابند غیر از تو۔ خداوند اندازه ناب سبب او احکام
 کتاب خودت را که در میان بندگانت بیکار مانده است نیز بسبب او
 محکم کن آنچه را که رسیده است از احکام دین تو و دستهای پیغمبر تو
 که درود و سلام تو بر او و بر آل او باد۔ خداوند اورا نگه دار از زیان
 آزارکنندگان و خوشنودن پیغمبر خود محمد صلی الله علیه و آله و سلم را
 که درود تو بر او و بر آل او باد بیدار او و دیدار کسانی که پیروی نموده اند
 دعوت او را۔ پروردگار رحیم کن ناتوانی ما را و غیبت او۔ خداوند او را
 کن از این امت این گرفتگی و اندوه را بسبب حضور او و تجلیل نما
 از برای ما ظهور او را بدستیکه می بینند آنان (یعنی دشمنان) آن را دور
 و می بینیم ما آنرا نزدیک ای مهربان ترین مهربانان بھربانی خود از ما قبول نما
 آنگاه سه مرتبه دست خود را بران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی
 الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

قسمتی از توسلات

قسمتی از توسلات است که در موقع گرفتاری و حاجت خواندن آن سودمند است - خدا در کلام پاک خود میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ أَيُّ كَسَانِيكُمُ الْإِيمَانَ

آوردید پرینز کنید از مخالفت احکام خدا و بجوئید بسوی او وسیله - او عیبه واروه در توسلات بسیار است که از جمله آن دعای توسل چهارده معصوم علیهم السلام است که در مفاتیح از علامه مجلسی نقل نموده که فرمود در بعضی از کتب معتبر نقل کرده اند از محمد بن بابویه که این دعاء توسل را از ائمه روایت کرده و گفته است که در هیچ امری نخواهم مگر آنکه اثر اجابت را برود می یافتم و دعای نیست اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَآتُوْجَّهٗ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

يَا عَلِيُّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَيَا
مَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ
لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ
عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ
يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ
اللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بْنَ
رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا
إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ
بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ
اللَّهِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الشَّهِيدُ
يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا
إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ
بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ

اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَا نَرِينَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ
 رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا
 تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ
 بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ
 اللَّهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ
 اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيْ
 حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا
 عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ
 اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيْ
 حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا
 الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ أَيُّهَا الْكَافِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ
 يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيْ

حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا
 الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا
 حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَأَسْتَشْفِعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمَ مَنَّاكَ بَيْنَ
 يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ
 يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ
 رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا
 تَوَجَّهْنَا وَأَسْتَشْفِعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمَ مَنَّاكَ
 بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ
 اللَّهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ
 يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا
 وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَأَسْتَشْفِعُنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ
 وَقَدَّمَ مَنَّاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ
 اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا
 الزُّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

خَلِقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا
 يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ
 وَالْخَلْفِ الْجُمَّةِ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بَنَ
 رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا
 إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ
 بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا
 عِنْدَ اللَّهِ فِي حَاجَاتِنَا خُورِ الْبَطْلِيَّةَ بِرَأْوَدِهِ مِشْوَدِنَاءَ اللَّهِ تَعَالَى وَدُرُورِ
 وَكِرْوَارِ وَرُشْدِهِ كَبَعْدِ زَيْنِ كَبُورِ يَأْسَادَاتِي وَصَوَالِي إِيَّانِي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ
 أَيْمَتِي وَعُدَّتِي لِيَوْمِ فِقْرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ
 إِلَى اللَّهِ وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ
 وَاسْتَنْقِدُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّكُمْ وَسِيلَتِي إِلَى
 اللَّهِ وَمُجْتَبِكُمْ وَيَقْرِبُكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ حَاجِي
 يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَلَعَنَّ اللَّهُ
 أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

دعای الهی عظم البلاء :- برای خلاص شدن از حبس خوانده
 میشود - کفعمی در بلد الامین آنرا روایت کرده - در مفاتیح و غیره نیز نقل شده
 و آن دعای حضرت صاحب الامر علیه السلام است که تعلیم فرمود
 بشخصیکه مجبوس بود و در اثر خواندن آن نجات یافت

إِلٰهِ عَظْمِ الْبَلَاءِ وَبِرِيحِ الْخَفَاءِ وَأُنْكَشَفِ الْغَطَاءِ
 وَأَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ
 وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْيَكُّ الْمَشْتَكِي وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ
 فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 أَوْلِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَعَرَّفْتَنَا
 بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا حَقِيقَهُمْ فَرَجًا عَاجِلًا
 قَرِيبًا كَلِمَةَ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ
 يَا مُحَمَّدُ الْكُفْيَانِي فَإِنَّكُمْ كَانِيَانِ وَأَنْصُرَانِ فَإِنَّكُمْ مَا
 نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ
 الْغَوْثَ أَدِيرْ كُنِّي أَدِيرْ كُنِّي أَدِيرْ كُنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ
 السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ترجمه و عاب - خدایا بزرگ شد گرفتاری و ظاهراً شد پوشیده
 و برداشته شد پرده (و پوشش) و بریده شد امید و تنگ گردید
 (بر ما) زمین و منع کرده شد آسمان و توئی مددگار و بسوی تو است شکایتها
 و بر تو است امیدواری و اعتماد در سختی و آسایش، خداوند در و دست
 بر محمد و آل محمد که صاحبان حکم انجمنند که واجب نموده بر ما پیروی آنها را
 و بسبب آن شناسانیده بمانند آنها را پس سوگند میدیم ترا بحق آنها
 که فرج نمائی بر ما (از این گرفتاری) فرج باشتاب نزدیکی که باندازه چشم
 بر هم زدنی یا آنکه او نزدیکتر باشد از آن ای محمد و ای علی و ای علی و ای
 محمد شماید و و نفر کفایت کنندگان من - پس کفایت نمائید مرا و دو
 کنید مرا پس بدرستی که شماید و و نفر یاری کنند من، ای مولای من
 ای امام زمان (استغاثه می نمایم تو) ای یاری کننده، ای یاری
 کننده، ای یاری کننده، بفریاد من برس، بفریاد من برس،
 بفریاد من برس، در این وقت، در این وقت، در این وقت،
 بزودی، بزودی، بزودی، ای مهربان ترین مهربانان (از من شنو

این توسل را و قبول کن (آن را بر تبه محمد و اهل بیت پاکان وی

و عای دیگر برای خلاصی از زندان وارد شده و در

مفتاح آن را نقل نموده که سید بن طاووس در مهج الدعوات میگوید

روایت شده که شخصی مدت طولی در شام مجوس بود در خواب دید

حضرت زهراء سلام الله علیها را که با او تعلیم نمود پس خواند و از بند

خلاص گردید و دعا اینست

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عَلَيْهِ وَعَلَى وَبِحَقِّ الْوَحْيِ وَمَنْ أَوْحَاهُ

وَبِحَقِّ النَّبِيِّ وَمَنْ نَبَّأَهُ وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ يَا سَامِعَ كُلِّ

صَوْتٍ يَا جَامِعَ كُلِّ نَفْسٍ يَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَإِنَّا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا فَرَجًا مِنْ عِنْدِكَ عَاجِلًا

بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

دعای مہوف و گرفتار

و نیز در مفاتیح است کہ شیخ کفعمی در بلد الامن دعائی را از حضرت
امیرالمؤمنین علیہ السلام روایت کرده کہ ہر گاہ غمگین و محزون و مہوف
و گرفتار و ترسان آن را بخواند۔ خدای تعالی او را فرج کرامت فرماید۔

انشاء اللہ تعالیٰ و دعا اینست

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ وَيَا ذُحْرَ مَنْ لَهُ ذُحْرٌ لَهُ وَيَا سِنْدَ
مَنْ لَا سِنْدَ لَهُ وَيَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ وَيَا غِيَاثَ مَنْ
لَا غِيَاثَ لَهُ وَيَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ وَيَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ
يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا عَوْنَ الضُّعْفَاءِ يَا
كَتْرَ الْفُقَرَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرَقِيِّ يَا
مُنْجِيَ الْهَلَكِيِّ يَا مُحْسِنَ يَا مُجْمِلَ يَا مُنْعِمَ يَا مُفْضِلَ
أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سِوَاكَ اللَّيْلُ وَنُورُ النَّهَارِ
وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ
وَدَوِيُّ الْمَاءِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

وَالْحَمْدُ لِوَالِدِ بْنِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

پس بطلب هر حاجتی را که داری

ترجمه دعاء :- ای تکیه گاه کسی که نیست برای او تکیه گاهی، ای ذخیره

کسی که نیست برای او ذخیره، ای تکیه کسی که نیست برای او تکیه، ای

نگهبان کسی که نیست برای او نگهبانی، ای فریادرس کسی که نیست

برای او فریادرس، ای کنج کسی که نیست برای او کنجی، ای قوه کسی که

نیست برای او قوه، ای صاحب بخشش گرامی ای بخشنده به نیکی،

ای یاری کننده بیچارگان، ای خزینه نیازمندان، ای طرف امیدواری

بزرگ، ای دریابنده غرق شده گان، ای نجات دهنده از هلاکت ای

احسان کننده، ای نیکی کننده، ای نعمت دهنده، ای برتری دهنده

توئی آنچه کسیکه سجده نمود برای تو تاریکی شب و پرتو روز و روشنایی

ماه و شمع آفتاب و آواز درخت و صدای آب، ای خدا، ای خدا،

ای خدا، نیست خدائی مگر تو یگانه تو که نیست شریکی برای تو، ای پروردگار

من، ای خدا درود فرست بر محمد و آل محمد و بجا بیاور با ما آنچه را که توئی

سزاوار آن .

ختم آیه یونس

و از جمله وسایل رسیدن بخواستج خواندن آیه مبارکه ^(۱) لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (یعنی نیست خدائی مگر تو
 منزهی بدرستی که من هستم از ستمکاران) یونس علیه السلام مفاد آنرا
 در شکم ماهی خواند و از آن زندان نجات یافت. در کتب ادعیه وارد
 شده که هفتصد و سی بار خواندن برای اداء قرض و دفع دشمن و دور
 شدن هم و غم و صحت بیماران و خلاصی از دشمنان مفید است و باید
 با وضو و رو قبله خوانده شود.

۲۱۶۲

و برای هر ربی دو هزار و یکصد و شصت و دو مرتبه بخواند سرف
 أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَ تَنْصِرُ یعنی پروردگارا بدرستی که من مغلوب میشوم
 پس طلب یاری میکنم از تو برای خوف از دشمن نقل شده و خواندن آن
 انشاء الله تعالی مؤثر است ولی در یک مجلس با وضو و قبله بخواند
 بهتر است.

ختم آمن حیب المضطر

برای دفع بلا و نجات از گرفتاری و دفع دشمن و برطرف شدن ظالم

و سختیها و حفظ جان و دستی و قضاء حوائج مشروع مجرب است و با خود نگه
داشتن آن موجب نجات و حفظ از موقع خطر خواهد بود و طریقی که فرقی ختم مذکور
است که یک نفر یا جمعیتی در یک مجلس با وضو و بقبله دو از ده هزار
مرتبه بخواند و بهتر است که قبل از شروع دو رکعت نماز حاجت بجا آورد
و صلوات فرستاده شروع نماید و پس از فراغت از ختم مناسب است
که صلوات فرستاده شود و مر سوم است که حدیث کسار اینخوانند
انگاه دعا برای مقصد خود نمایند **أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ**
وَيَكْشِفُ السُّوءَ (سوره التمل آیه ۶۲) یعنی ای ایاک است که اجابت مینماید
پیشان را زمانی که بخواند او را و دور کند از او بدی را.

دعای یامن تجل

کفعمی در مصباح دعای نقل نموده که سید بن طاووس در مهج

الدعوات برای امینی از شهر سلطان و بلا و ظهور اعداء و خوف فقر و تنگی

سینه ذکر کرده و آن از ادعیه صحیفه سجاویه است. پس اگر از

ضرر آنچه را که ذکر شد رسیدی آن را بخوان **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ**

یَا مَنْ تَجَلُّ بِهٖ عَقْدُ الْمَكَارِهِ وَ یَا مَنْ یَفْتَابُ بِهٖ حُدَّ الشَّدَائِدِ

وَيَأْمَنُ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجَ إِلَى مَرْحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ
 الصِّعَابُ وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ
 الْقَضَاءُ وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ
 دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَإِرَادَتِكَ دُونَ تَكْهِيكَ مُتْرَجِرَةٌ أَنْتَ
 الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَيَّمَاتِ وَأَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمُهَيَّمَاتِ لَا يَنْدَفِعُ
 مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَقَدْ
 نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدَّ تَكَادَنِي ثِقَلُهُ وَالْمَّ بِي مَا قَدَّ بَهْظَنِي
 حَمَلُهُ وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ
 فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَلَا صَائِرَ لِمَا وَجَّهْتَ وَلَا فَاتِحَ
 لِمَا أَغْلَقْتَ وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ وَلَا مُبَيِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ وَلَا
 نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَانْفُحْ لِي يَا رَبِّ
 بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِجَوْلِكَ وَأَنْلِنِي
 حُسْنَ النَّظْرِ فِيمَا شَكُوتُ وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا
 سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَيْئًا وَاجْعَلْ
 لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَجَيًّا وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ

تَعَاهِدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ فَقَدْ ضَيَّقْتُ لِمَا
 نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذُرْعًا وَأَمْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا
 وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ
 فِيهِ فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ وَذَا الْمَنِّ الْكَرِيمِ فَأَنْتَ قَادِرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ *

تسبیحاتیست که در موقع گرفتاری خوانده میشود

در جلد اول مستدرک الوسائل از خصال صدوق از امام صادق

علیه السلام روایت نموده چیزی را که خلاصه آن آنست که فرمود عجب میکنم

از کسیکه از چهار چیز خوفناک شود چگونه پناه نگیرد بسوی چهار - انگاه فرمود

عجب میکنم از کسیکه خائف و ترسناک باشد چگونه پناه نگیرد بقول خدا

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ برای آنکه در این موقع فرمود فانقلبوا

بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ (۱) و عجب میکنم

از کسیکه غمگین باشد پناه نگیرد بسوی قول خدا در آنجا نیکه میفرماید لا اله

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ چه در پی آن فرمود

وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُبَجِّى الْمُؤْمِنِينَ (۱) و عجب میکنم از کسی که
 گرفتار مگردیران شود چگونه پناه نگیرد بسوی قول خدا که فرمود وَاَقِضْ
 أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ بدستیکه در پی آن فرمود
 فَوَقِيهِ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا (۲) و عجب میکنم از کسیکه دنیا
 وزینت آنرا خواهد چگونه تمسک نمیکند بسوی قول خدا مَا شَاءَ اللَّهُ لَا
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أُنَاقِلُ مِنْكَ مَا لَأَوْلَدًا چه شنیدیم
 خداوند در پی آن فرمود فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ (۳)
 و نیز برای قضاء حاجت : وارد است که چون شخص متوجه حاجت
 خود شود ده مرتبه بگوید اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَلِكُلِّ حَاجَةٍ فَاقْضِهَا
 بِفَضْلِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ
 مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا

و عا برای دفع امراض : - و نیز وارد شده است که برای

دفع امراض مجرب است که صاحب مرض در عقب نماز صبح بگوید :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ
 الْخَالِقِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 بعد از آن دست خود را بر موضع درد ببالد یا ذین الله تعالی شفا یابد
 انشاء الله تعالی.

دعا برای دفع تب :- نیز وارد است و مکرر تجربه رسیده

که اگر کسی تب داشته باشد این سه آیه را بر سه پارچه کاغذ نوشته و هر روز
 یکی را بر پیش بخوراند انشاء الله تب دور خواهد شد

روز اول :- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ نَجْوَتَ مَنْ
 الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱)

روز دوم :- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْأَعْلَى (۲)

روز سوم :- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ
 وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۳)

و نیز برای دفع تب :- در هیچ الدعوات سید بن طاووس

(۱) القصص آیه ۲۵ - (۲) الاعراف آیه ۵۲ - (۳) طه آیه ۷۱

روایتی است از سلمان فارسی که حضرت فاطمه علیها سلام آموخت
 بوی دعائی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله با حضرت آموخته بود که در وقت
 صبح و شام بخواند و فرمود اگر میخواهی در دنیا هرگز توراتب نگیر و مداومت
 کن بر آن و آن اینست :-

بِسْمِ اللّٰهِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ نُوْرِ النُّوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ نُوْرٌ
 عَلٰی نُوْرِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي هُوَ مَدْبَرُ الْاُمُورِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي
 خَلَقَ النُّوْرَ مِنَ النُّوْرِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ النُّوْرَ مِنَ النُّوْرِ
 وَاَنْزَلَ النُّوْرَ عَلٰى الطُّورِ فِيْ كِتَابٍ مُّسْطُوْرٍ فِيْ رَقٍّ مُّنْشُوْرٍ
 بِقَدْرِ مَقْدُوْرٍ عَلٰى نَبِيِّ مَّحْبُوْرٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هُوَ بِالْعَزِّ
 مَذْكُوْرٍ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُوْرٍ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُوْرٌ
 وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ سَلَامًا

گفت چون از حضرت فاطمه علیها سلام آموختم بخدا قسم به بیشتر از هزار
 نفر از اهل مکه و مدینه که مبتلا به تب بودند آموختم و همه شفایافتند باذن
 خدای تعالی .
 خواص استغفار

و از جمله اذکار مجربه که در روایات معتبره آوردن آن بخوتناکید و ابرو

شده استغفار است در تذکرک الوسائل در ابواب ذکر روایت
 نموده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود از برای هر دردی دو اُمیت
 و دوای گناهان استغفار است چه استغفار محو میکند گناه را - باز
 روایت نموده که جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود کسی که بسیار
 استغفار کند خدا از هر مہمتی برای او فرج خواهد نمود و از هر تنگی کشایشی خواهد
 داد و روزی او را از جانی خواهد رسانید که گمان نداشته باشد
 در تفسیر سوره نوح در منہج الصادقین است که مردی نزد امیر المؤمنین
 علیہ السلام آمد و گفت یا امیر المؤمنین گناه بسیار نموده ام و صحیفه
 اعمال خود را سپاه کرده ام دعا کن تا خدا مرا بیاورد حضرت فرمود برو
 استغفار کن - دیگری آمد و عرض کرد زمینهای من بواسطه کمی آب خشک
 شد دعا کن تا خدا باران بفرستد فرمود برو استغفار کن - دیگری عرض کرد
 مردی نادار و از فقر بی طاقت شده ام دعا نما تا خدا تعالی از لطف عمیم
 خود مرا انعامی فرماید فرمود برو استغفار کن - مرد چهارمین عرض کرد مال
 بسیاری دارم و فرزندی ندارم دعا کن تا حق تعالی مرا فرزندی عطا کند
 فرمود برو استغفار کن - دیگری بر پای خواست و گفت یا سید ^{الصدیقین}

باغ و بوستان من میوه کم میدهد و عاکن و از خدا طلب کن کثرت آنرا
فرمود استغفار نما شخصی دیگر گفت یا علی در ناحیه ما چشمها خشک شد
و کاریزها بکوه فرورفته و فحطی پیدایشده از حضرت تو التماس عا دارم
فرمود برو استغفار کن - ابن عباس گوید که من در خدمت آنحضرت بودم
گفتم یا امیرالمؤمنین! از تو سوالات مختلف کردند و تو همه را یک جواب
داوی فرمود یا بن عم اما سمعت قول الله تعالی فَقُلْتُ
اسْتَغْفِرُوا لَكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا وَيُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ
مِدْرَارًا وَيُمِدُّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ
وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا (سوره نوح آیه ۱۰، ۱۱، ۱۲) یعنی پس گفتم آمرزش
طلبید از پروردگار خود و توبه کنید بدستیکه او است آمرزنده گناهان
(چون توبه کنید) و بفرستد ابرار از آسمان برای شما بسیار بارنده و پی در پی
و مدد دهد شمارا بالها و فرزندان و بدد شمارا بوستانهای (مملو از اشجار و انهار)
و بدد و جاری گرداند برای شما جویهای آب.

باز روایت نموده که شخصی نزد حضرت ابو جعفر علیه السلام آمد عرض

(۱) کاریز راه آب روان بزیر زمین که بعرابی قنات گویند در اصل گاه ریز بوده که برای امتحان جریان
آب گاه میرنجته اند اما معلوم شود

کرد یابن رسول الله جعلت فداک من مردی استم که می سبحانه و تعالی
 مال بسیاری بن ارزانی داشته اما هیچ فرزندی ندارم - ایاه مسیح
 تدبیری و علاجی در این باب بیاید فرمود بلی خدا را در آخر شب استغفا
 کن تا یکسال هر شبی صد مرتبه پس اگر نتوانستی در آخر شب بیاوری
 در روز آن را بیاور که بدرستی که خدا میفرماید استغفر و اسر بیکم.

حدیث شریف کساء

واقعه کساء بر حسب روایات معتبره از طریق سنت و شیعیه از متواترات
 است و باعث باران علماء اسلام اتفاق کرده اند - و معلوم میشود که آن
 واقعه مکرراً صورت گرفته در خانه ام المؤمنین ام سلمه و خانه حضرت فاطمه
 صلوات الله علیهما - رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل بیت را یعنی علی
 و فاطمه و حسن و حسین را در زیر کساء جمع نمود و آیه شریفه تطهیر را بر آنها
 خواند "انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس اهل البیت
 ویطهرکم تطهیراً" (سوره احزاب آیه ۳۳) بر آنها قرائت کرد

این حدیث شریف را مسلم در صحیح خود ج ۲ ص ۳۲۱ و جلال الدین سیوطی

شافعی در تفسیر المنثور ج ۵ ص ۱۹۸ و احمد حنبل در مسند ج ۱ ص ۳۳ و ج ۴

ص ۱۰۷ وج ۶ ص ۲۹۲ و ص ۳۲۳ و ترمذی در جامع ص ۵۴۱ و ص ۵۵۰ و ابن حجر

حنفی در صواعق المحرقة ص ۸۸ و ص ۱۴۰ و بغوی در مصابیح السنن ج ۲ ص ۲۰۱

و امام رازی شافعی در تفسیر کبیر ج ۲ (مفتاح الغیب) ص ۷۰ و ثعالبی در تفسیر حواصیر

الحسان ج ۳ ص ۲۲۷ و محبت طبری در ذخائر العقبی ص ۲۱ و ابن عبد رببه اندلسی

در عقد الفرید ج ۵ ص ۶۹ و علامه زحمتی در کشف ابوالسعود در تفسیر خود و غیره از نقل نموده اند

و اما حدیث کساء مشهور که در موقع گرفتاری و توسل خواندن آن

معروف است پس در برخی از مؤلفات امامیه عیناً چنین نقل گردیده:

رُوي عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا قَالَتْ دَخَلْتُ

عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ وَقَالَ لِي يَا فَاطِمَةُ إِنِّي لَأَجِدُنِي بِدَنِي

ضَعْفًا فَقُلْتُ لَهُ أَعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَا مِنَ الضَّعْفِ

فَقَالَ لِي يَا فَاطِمَةُ أَيَّتَنِي بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِيِّ وَغَطِّينِي

بِهِ قَالَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَاتَيْتُهُ بِالْكِسَاءِ

وَغَطَّيْتُهُ بِهِ فَصِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَأَلُ لَوْ

نُورًا كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ قَالَتْ فَاطِمَةُ

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلِي
الْحَسَنِ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ فَقُلْتُ
وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَقُرَّةَ عَيْنِي فَقَالَ يَا أُمَّهُ
إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ كَانَتْهَا رَائِحَةُ جَدِّي
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ
نَائِمٌ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ قَالَ
نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ
تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَتْ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَمَا كَانَتْ
إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ
أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ
السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَثَمَرَةَ فُؤَادِي فَقَالَ يَا أُمَّهُ
إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ كَانَتْهَا رَائِحَةُ جَدِّي
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُلْتُ نَعَمْ إِنَّ جَدَّكَ

وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ
 تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ
 الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ
 فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةٌ وَإِذَا بَابِي الْحَسَنَيْنِ عَلِيٍّ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا
 الْحَسَنَيْنِ فَقَالَ يَا فَاطِمَةَ ابْنِي أَشَمُّ عِنْدَكَ
 رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمَّتِي
 رَسُولِ اللَّهِ قُلْتُ نَعَمْ هَاهُوَ مَعَ وَلَدِيكَ تَحْتَ
 الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَ الْكِسَاءِ
 وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ أَتَأْذِنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ
 تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ عَلِيٌّ

عَلَيْهِ السَّلَامُ تَحْتَ الْكِسَاءِ ثُمَّ اقْبَلْتُ فَاطِمَةَ سَلَامًا
 اللَّهُ عَلَيْهَا تَحَوُّ الْكِسَاءِ وَقَالَتْ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْتَاهُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ
 تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ قَالَ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلْتُ
 فَاطِمَةَ مَعَهُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَلَمَّا اكْتَمَلُوا جَمِيعًا
 تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَأَيْكَتِي وَسُكَّانَ
 سَمَوَاتِي وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَاءَ مَبْنِيَّةٍ
 وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً
 وَلَا فَلَكَائِدًا وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَكَائِسْرِي إِلَّا
 فِي مَحَبَّةٍ هُوَ لِأُولَى الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ
 فَقَالَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ
 قَالَ اللَّهُ تَعَالَى هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِوَّةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ
 هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَأَبْنَا هَا فَقَالَ جَبْرِئِيلُ
 يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ لَهُمْ
 سَادِسًا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَهَبَّطَ

الْأَمِينُ جِبْرِئِيلُ وَأَقْبَلَ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ
 اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُقَرِّبُكَ السَّلَامُ وَيُخْصُّكَ
 بِالْحَيَّةِ وَالْإِكْرَامِ وَيَقُولُ لَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي
 مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْدِيَّةً وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا
 قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيئَةً وَلَا فَلَكَائِدًا وَرُ
 وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فَلَكَائِسِرِي إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ
 وَقَدْ أَذِنَ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكُمْ تَحْتَ هَذَا الْكِسَاءِ
 فَهَلْ تَأْذِنُ لِي أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ قَدْ
 أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ جِبْرِئِيلُ مَعَهُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ
 وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ إِنَّمَا
 يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
 وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا
 رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَا لِجُلُوسِنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ
 مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ رَسُولُ

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا ذَكَرَ خَيْرًا نَاهِدًا فِي مُحْفَلٍ
 مِنْ مُحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا
 وَمُجِبِّينَا إِلَّا وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْ بِهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا
 فَقَالَ عَلِيٌّ إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا وَفَانَرْتُ شِيعَتِنَا وَرَبِّ
 الْكَعْبَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي
 بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَأُصْطَفَانِي بِالرِّسَالَةِ نَجِيًّا مَا ذَكَرَ
 خَيْرًا نَاهِدًا فِي مُحْفَلٍ مِنْ مُحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ
 جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُجِبِّينَا وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا
 وَفَرَّحَ اللَّهُ هَمَّهُ وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ
 وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ
 عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتِنَا
 فَانُرُوا وَسُعِدُوا وَافِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

ترجمه حدیث شریف کساء

برای آنکه ترجمه تحت اللفظی چندان فمیده نمیشود و خلاصه ترجمه

بیان میگردود :-

روایت شده است از جناب فاطمه زهرا سلام الله علیها
 آنکه گفت وارد شد بر من پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله
 و سلم در روزی از روزها و بمن فرمود ای فاطمه بدرستی که میایم
 من در خود ضعف و ناتوانی را - پس گفتم من ای پدر پناه میبرم
 بخدا از سستی و ناتوانی تو - آنگاه فرمود بمن ای فاطمه بیا و
 برای من کساء یمانی را و پوشان بر من آن را پس گفت فاطمه
 سلام الله علیها که من آوردم کساء یمانی را و پوشانیدم
 او را و نظرمی نمودم آنجناب را پس در آن هنگام یافتم
 که صورت مبارکش همچون ماهی که در شب تمام و کمال که درخشند
 است تابان میباشد - آنگاه فاطمه سلام الله علیها
 فرمود که ساعتی پیش نگذشت که ناگهان فرزندم حسن از در آمد
 و گفت سلام بر تو باد ای مادر (گرامی) من گفتم بوی بر تو باد
 سلام ای فرزند من و ای نور دیده من پس حسن گفت ای
 مادر (گرامی) میایم من در نزد تو بوی خوشی را همچون بوی جدم

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم گفتند من بلی بد رستیکه جد تو
 در زیر کساء یمانی آرام نموده پس آنگاه حسن بطرف کساء روان
 گردید و گفت سلام بر تو باد ای جد (بزرگوار) من سلام بر تو باد
 ای فرستاده پروردگار (من) آیا رخصت میدهی مرا که داخل
 شوم با تو در زیر این کساء رسول خدا فرمود که اذن و ادم ترا پس
 در ای با من در زیر (کساء) آنگاه حسن در زیر کساء داخل گردید
 و با جد خود آرام گرفت پس فاطمه سلام الله علیها فرمود
 که ساعتی پیش گذشته که ناگهان فرزندم حسین از در درآمد و
 سلام بر تو باد ای مادر (گرامی) پس گفتم من با و بر تو سلام باد
 ای نور دیده و ای ثمره دل من پس گفت ای مادر (گرامی) میباید
 در نزد تو بوی خوشی را که همچون بوی جدم رسول خدا صلی الله علیه
 و آله وسلم میباشد گفتم من بلی بد رستیکه جد تو و برادر تو در زیر کساء
 آرام نموده اند آنگاه حسین روانه بطرف کساء گردید و گفت
 سلام بر تو باد ای جد (بزرگوار) من سلام بر تو باد ای فرستاده
 پروردگار (من) آیا رخصت میدهی مرا اینکه داخل شوم با تو در زیر

این کساء یانی رسول خدا فرمود که رخصت دادم ترا پس در ای
 بامن در زیر کساء انگاه حسین در زیر کساء درآمد و با جد خود آرام
 نمود فاطمه سلام الله علیها فرمود پس نگذشت مگر ساعتی که ناگهان
 علی علیه السلام از در درآمد و گفت سلام بر تو باد ای دختر
 رسول خدا پس گفتم من بر تو باد سلام ای پدر (دو فرزندم) حسین
 انگاه فرمود ای فاطمه بدرستی که بیایم من در نزد تو بوی خوشی را
 همچون بوی برادر و فرزند عم رسول خدا گفتم من بلی بدرستی که
 پس عمت با دو فرزندت زیر کساء آرام نموده اند پس علی روانه
 بطرف کساء گردید و گفت سلام بر تو باد ای رسول خدا سلام
 بر تو باد ای کسیکه اختیار نمود خدا او را (برای رسالت) ای رخصت
 میدهی مرا اینکه داخل شوم با شما در زیر این کساء رسول خدا فرمود
 که من رخصت دادم ترا (پس در ای در زیر کساء) پس علی
 علیه السلام در زیر کساء درآمد (و بار رسول خدا و دو فرزندش
 آرام گرفت) انگاه فاطمه سلام الله علیها رو بطرف کساء آورد
 و گفت سلام بر تو باد ای پدر (بزرگوار) من سلام بر تو باد ای

فرستاده پروردگار (من) آیا رخصت میدهی مرا اینکه داخل شوم با شما
 وزیر این کساء رسول خدام فرمود تحقیق اذن دادم ترا آنگاه فاطمه^۲
 وزیر کساء درآمد و آن پختن پاک جمع گردیدند. پس ناگهان مصد^۳
 جلال خطاب بملائکه شد. ای ملائکه من ای ساکنان آسمانهای
 من سوگند بجزت و جلالم بدرستی که من نیا فریدم آسمانهای بنا شده
 را و نه زمین گسترده را و نه ماه تابنده را و نه خورشید درخشنده را
 و نه فلکهای دوزر زنده را و نه دریای جاری شونده را و نه کشتی
 سیرکننده را مگر بحجت محبت (و دوستی) این پختن پاک آنچه نیک
 وزیر کساء آرام گرفته اند پس جبرئیل (ایمن) عرض کرد ای
 پروردگار من بیا نند وزیر کساء خطاب از مصد جلال بجبرئیل
 (ایمن) رسید آنها بندگان بیت نبوت و معدن رسالت
 آنها بندگان فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و دو فرزند فاطمه پس
 جبرئیل (ایمن) عرض کرد ای پروردگار من آیا رخصت میدهی
 مرا اینکه بطرف زمین روانه شوم و ششمین آنها گردم (خطاب
 رسید که ای جبرئیل) تحقیق ترا اذن دادم پس جبرئیل (ایمن)

بطرف زمین فرود آمد و رو بکساء آورد (سلام نمود) و گفت
 سلام بر تو ای فرستاده خدا سلام بر تو ای کسیکه اختیار نمود
 او را (برای پیغمبری) بدرستی که خدای عزوجل ترا سلام میرساند
 و تجتیت و اکرام خود اختصاص میدهد و میگوید بعزت و جلالم
 سوگند که بدرستی که من ایجاد نه نمودم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده
 و نه ماه تابان و نه خورشید درخشانده و نه افلاک دور زننده و نه
 دریای جاری شونده و نه کشتیهای سیرکننده را مگر از برای وجود
 شما و محبت شما (پنجتن پاک) و تحقیق اذن داد مرا اینکه باشما
 در زیر این کساء درآیم پس آیا تو ای رسول خدام رخصت میدهی
 مرا (اینکه باشما درآیم در زیر این کساء) رسول خدام فرمود بلی تحقیق
 اذن دادم ترا پس جبرئیل داخل شد با آن (پنجتن پاک) در زیر
 کساء و گفت بدرستی که خدای تعالی وحی فرستاد بسوی شما
 و میگوید اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
 أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (سوره احزاب آیه ۳۳)
 (ترجمه نیست) جز این نیست میخواهد خدا اینکه ببرد از شما بدی را

(ای) اهل بیت (نبوت) و پاک گرداند شمارا پاک گردانیدنی
 (آنگاه) علی علیه السلام (بسخن درآمد) و بر رسول خدام عرض کرد
 یا رسول الله خبر ده مارا که از برای اجتماع ما در زیر این کساء چه فضیلتی
 است نزد خدای تبارک و تعالی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود
 بدان که یاد کرده نغیث شود خبر این مجلس مادر پیچ مجلسی از مجالس اهل
 زمین که در آن جماعتی از شیعیان و دوستان ما جمع شده باشند
 مگر آنکه فرود آید بر آنها رحمت (پروردگار) و فراگیرد آنها را
 ملائکه و طلب مغفرت کنند برای آنها تا آنکه متفرق شوند (چون
 علی علیه السلام این بشارت را از رسول خدام شنید) گفت
 سوگند خدای (عزوجل) که رستگار شدیم و رستگار شدند شیعیان
 (و پیروان) ما قسم پروردگار که به پس پیغمبر فرمود یا علی قسم
 بآن کسیکه مرا برستی به پیغمبری فرستاد و برگزید مرا مخصوص برسالت
 (خود) یاد کرده نشد خبر مجلس مادر پیچ محفلی از محافل اهل زمین که در او
 جمعی باشند از شیعیان و دوستان ما و در آن مغمومی باشد
 مگر آنکه خداوند دور میکند هم او را و نه مغمومی باشد در آنها مگر آنکه

خداوند بر طرف مینماید غم او را و اگر طالب حاجتی باشد خداوند
برمی آورد حاجت او را آنگاه علی علیه السلام گفت قسم بخدای
(عزوجل) که در این هنگام رستگار شدیم و سعادت یافتیم و همچنین
شیعیان مارستگار شدند و سعادت مند گردیدند در دنیا و آخرت

منظومه حدیث شریف کساء

مرحوم والد حجة الاسلام آقای حاجی شیخ ابوالقاسم کاشانی نجفی
طاب ثراه که در کربلائی معلی چهارشنبه بیست و هشتم صفر ۱۳۵۰ هجری
برحمت الهی واصل گردید و در رواق حضرت سید الشهداء مدفون شد
حدیث شریف کساء را بفارسی در مبعی در ماه ربیع الثانی ۱۳۱۸ هجری
بظرف شیرین نظم کرده و اینک از منظومه آن مرحوم نقل باین رساله میشود
و منظومه حدیث شریف کساء این است

بسم الله الرحمن الرحيم

بشنو از من تا بخوانم بی خطر	یک حدیث جان فرامی معتبر
لیک باشد اعتبارش ز اشتهار	زانکه نبود را و یانش اشکار
شد روایت از جناب فاطمه	ناجی اهل ولا از حاطم

گفت روزی از درآمد باب من
گفت ای زهرا بسیار از بهر من
زانکه می یایم به تن ضعیف گران
گفتمش با خدا بادت پناه
پس بیاوردم کسار ابا شتاب
چون نهان شدیم چه بدر اندر سحاب
عقل کل در پرده چون محجوب گشت
پیکر پاکش چه نهان شد به فرش
پس ببالید از شرف بر عرش خاک
چون پیمبر آرید و شد بخواب
جلوه گری پرده شد در پرده دوست
گر نبودی بیم شرکی در میان
ذات احمد با احد گشتی قرین
این سخن بشنو بجان دل سپار

معدن علم و حیا فخر ز من
آن یانی فرشت بر روم فکن
که تو انم شد بسی زان ناتوان
دور باد از منت ضعیف نگاه
بر فکندم روی آن عالی جناب
راست شد حتی تو ازلت بالحباب
روح امکان و مکان مجذوب گشت
بوسه زد بر گوشه آن فرش عرش
زانکه بروی شد مقر جان پاک
عرش گفتا لیتنی کنت تراب
پس برآمد آنچه خاطر خواه اوست
گفتمی در پرده واجب شد نهان
گر نبودی در میان یک از بعین
کس نشد واقف ز اسرار و آویار

نه نهان شد در حجاب سه کاشکی من بودم خاک

چون نهان شد پیکر پاک رسول
 شد در خشان هم چه مهر انورش
 شد حسن آن منبع فضل و هنر
 جانت از آفات گردون دور با
 بر تو باد اہم سلامم ہر ز من
 ہست گویا بوی جدی نظیر
 در کسا و از ضعف حال آشفته است
 بارخی گلنار و موی مشکبوی
 خواست دستوری بدادش بہر خواب
 ہم چه غنچہ بر کشود آنکہ لبان
 و از بلا حق نگھدار تو باد
 ہست گویا بوی جسد ممتحن
 با حسن زیر کسایش خفته است
 ارغوانی چہرہ از فرط نشاط
 دیدگانت روشن و دل شاد باد

الغرض فرمود زہر سرای بتول
 ناگہان دیدم جبین اطہر شش
 ساعتی نگذشت کز در جلوہ گر
 گفت ای مادر سلامم بر تو باد
 گفتش ای میوہ دل روح تن
 گفت مادر میوزد بوی عبیر
 گفتم آری جدت اینک خفته است
 چون شنیدی سوی او آورد روی
 پس سلاش کرد و شنیدش جواب
 بعد از آن آمد حسینم ناگہان
 گفت ای مادر سلامم بر تو باد
 میوزد بوی خوشی زین اہلسمن
 گفتش ہاں جدت اینک خستہ است
 چون شنیدی شد روان سوی بساط
 گفت یا جد سلامم بر تو باد

السلام ای آنکه مختار خداست

از وجودت آدم آمد در وجود

ما سوی الله را و کیل مطلق

هر که بر تابد ز فرمان تو سر

خاک نعلت تو تپای دیده است

قابض الارواح بی حکمت چنان

ز آفرینش نیست منظوری بسواک^{له}

میدهی اذنم تو ای جد کریم

گفت آری دادمت اذن امی حسین

پس حسینم رفت در زیر کساء

بعد از آن از در آمد بوالحسن

پس سلام کرد و برد اوم جواب

بوی طیبی بر مشامم میرسد

گفتم اینک ابن عمّت مصطفی

رهنمای گمراه از راه خداست

بهر شریفیت ملک گردش وجود

حکم تو فرض است بر هر متقی

شد شقی و جای گاهش در سفر

صد سیحار روان بخشیده است

می تواند قبض فرماید روان

أَنْتَ لِلْأَعْلَى وَاللَّادُنَى مَلَاك

تا در آیم با شما تحت گلیم

سوی ما بشتاب ای نور و عین

شد قرین با مصطفی و مجتبی

چهره اش گلگون چه گلزار حسین

گفت آنکه آن شه عالیجناب

مر تو گوئی بوی بن عستم وزد

با دو پورت آرمیده در کاه

له غیر از تو له توئی از برای اعلی و از برای ادنی تکیه گاه -

با کمال اشتیاق و انبساط
 بر تو با و از من الی یوم القیام
 تا در آیم با شما تحت کساء
 و از کمال لطف او را جای داد
 شد منکمل چارارگان شرف
 در بیط کون بگرفت آن قرار
 هم شش و شش بر آنها شد فرید
 شد مدار چرخ گردون استوار
 علت و معلول کی آمد بکار
 نه ملک بودی بجان نه فلک
 لیک اولی آنکه زانها بگذرم
 عرض نمود ای شه عالیجناب
 تا در آیم با شما تحت طم
 پس بشد خیر النساء تحت کساء
 غلغل از لاهوتیان بر پای خواست

پس علی رو کرد سوی آن بساط
 پس بگفتا یا رسول الله سلام
 گرا جازت باشد از لطف و وفا
 هم علی را از عنایت بار داد
 چون در آمد شهسوار لو کشف
 پس اصول چار و هشت و چار
 عالم امکان ز چارش شد پدید
 گشت اوضاع دو عالم بر قرار
 گز نه فرع و اصل با هم شد دو چار
 ورنه بودی دو و سه با هشت و یک
 زمین رقم بسیار باشد در برم
 پس خرامان رفت زهر سوی باب
 از کرم دستوریم ده ای پدر
 هم بداد او را جازت مصطفی
 اجتماع ماه و پروین گشت رست

در زمان از مصدر حق شد خطاب
 گای گروه ساکنان نه فلک
 محرمان خاص خلوتگاه قدس
 مان بدانید اینکه کل ما سوی
 ما فریدم آسمانی فی زمین
 نه بحار کشتی و فی مرکبی
 لوح محفوظ و نه کرسی و سلم

سوی اطلاق سما در هر حجاب
 وی سفیر پیشوایان ملک
 شاهان بزم محفل گاه انس
 از طفیل این جماعت شد بپا
 نه قرنه شمس و فی عرش برین
 نه ملک نه نه فلک نه کوبی
 نه حجابات و نه انوار و سلم

بِه
 جِبْرِیْلِ حُبِّ هُوَلَاءِ الْاَتْقِيَاءِ
 عَلَيْهِ
 الَّذِينَ اسْتَدْرَجُوا تَحْتَ الْكُفَاةِ

جبرئیل از حق چه شنید این بیان
 عرض نمود ای آله مقتدر
 در رسید از مصدر حقش جواب
 اهل بیته کز نبوت معدنند
 فاطمه باب و دو فرزند و علی

خواست کایشانرا شناسد بالعیان
 کجاست کاندرا این کساشد مستتر
 جبرئیل اهل بیت مستطاب
 و از رسالت معدنند و مخزنند
 آنکه سازد دین حق را منجلی

له مگر از برای محبت این پرهنزگاران ^{سه} آنچه انیکه پوشیده شده اند در زیر کساء

گفت جبریل ای خدای فرش و عرش
 که شوم من سادس این پنج نور
 برتر آید رتبه ام از زلفلک
 در صوامع بر نمایم آشکار
 کاین منم جبریل کاز فیض حبیب
 عرض رارش کرد و آنکه داد گوش
 جبیر نیلا از کرم کردم قبول
 شکر حق را گفت و زویک بال و پر
 پس بگفت یا رسول الله سلام
 عالی اعلی سلامت می کند
 کای حبیب من بجاه و غم
 نه سمائی آفریدم فی زمین
 فی فلک رانی تنی ز افلاکیان
 ما سوی الله رانیا و دم پدید
 جز طفیل نور ذات پاکتان

ده اجازت تا شوم در زیر فرش
 سر بدر بانی نهم شام و سحر
 سر فراز آیم ابر جن و ملک
 در جوامع هم از این فضل افتخار
 خدمت آل العبایم شد نصیب
 ناگهان آمد بگوشش این سروش
 خواہشت بان سوی مقصد کن نزول
 حاضر آمد نزد ایشان مختصر
 بر تو باد از من ای فخر انام
 و از عنایت ہم پیامت می کند
 ہم با جلال مقام و رتبتم
 نہ ہلال شمس فی عرش ملکین
 فی بخار و کشتی و کشتی رسان
 فی شقی و مشقی و فی سعید
 ہم ز بہر اعتلای نامتان

عرض دیگر این کیسند چاکرت
اینکه باشم باشاشش در کساء

کرده از درگاه حق یک مسئلت
برتر آیم زین شرف ز اهل سماء

از کرم کرد او سوالم را قبول
هَلْ تَرَى مِنْ رُحْمَةِ اللَّهِ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ

گفت آری جبرئیل اندر آی
چون شنید این مرده بشکفت از ضعف
پس بگفت اینک سروشی در رسید
حق همی خواهد که از فیض عمیم
از مفاد انما الله یُرید
پس علی گفتا که یا خیر البشر
کز برای جلا ما در کساء
گفت آن سرور بذات آن کسی
خاتم پیغمبران فرموده است
هر که سازد این حکایت را بیان
رحمت حق می گراید ز آسمان

در کناری بهر خود بنمای جای
رفت در زیر بساط از یک طرف
آیتی در شانسان آمد پدید
پاک گرداند شمارا از خویم
شد پدید از هر پلیدی طاهر
همکنان را از کرم بناخبر
چسبست از فضل و شرف نزد خدا
برگزیده از کرم بر هر کسی
رهسمای گمراهان نموده است
در محل و مجمعی از شیعیان
گیرد ایشان را فرو چون طلیسان

پس فرود آیند افواج ملک
 ذکرشان باشد همی عفو از خدا
 چون شنیدی این فضیلت را علی
 پس بجز و شکر حق لب برگشود
 زان پس گفتا بربّ مستجار
 شیعیان مانند ات کردگار

بهر طوف آن جماعت از فلک
 بهر ایشان تا شوند از هم جدا
 شد رخس زین مرده مانند گلی
 هم پیمبر را ثنا گفت و درود
 ما شدیم اینک سعید و رستگار
 جلگی گشتند با ما رستگار

با علی بار و گر گفتار سول
 یا ابا السبطين یا نروج البتول

مان بذات ایزد پاکم قسم
 هر که خواند این خبر را بر ملا
 و اندر ایشان یک تنی در قیدیم
 یا که باشد حاجتی را در طلب
 بر طرف سازد خداوند از کرم
 حاجتش را جلگی سازد روا
 پس علی گفتا بذات کردگار

کا و رسالت کرده بر من مختتم
 در میان مجمعی ز اهل ولا
 یا گرفتار شکنج دام و غم
 یا اسیر محنت و رنج و تعب
 هم و غم و زحمت و رنج و الم
 حافظش گردد ز آفات سما
 ما شدیم اینک سعید و رستگار

شیعیان و هر که مارادوستدا
 قصه آل عبا کردم تمام
 در مه عین دوم سال هزار
 گرچه نبود این پریشان نظم من
 لیک هستم مژتجی ز آل رسول
 زانکه ایشان خاندان رحمتند
 فیضشان بر ما سوی الله شامل است
 خامه گردد گرنیستان جهان
 هفت دریای جهان گردد
 پس نیاید فضل ایشان در شمار
 شاهباز و هم ار باب عقول
 فاش میگویم بدون التباس
 کمی تواند هم چه من با این قصور
 الغرض با حالت شوریدگی
 با و فوراً شتعال و اختلال

در دو گیتی رستگارند رستگار
 و ادم اندر سلک درش انتظام
 سیصد و هجده ز هجرت بر شما
 لایق دربار و قدر پنج تن
 از کرم سازند کالایم قبول
 و الی خلق ولی نعمتند
 هر کس و ناکس از ایشان نایل است
 نامه گردد گرزین و آسمان
 ما سوا ایشان هم محاسب در عدا
 گرچه بشمارند تا روز شمار
 بال و پر بشکست در ماند از وصول
 و صفشان ناید به میزان قیاس
 مدحشان گوید به این چندی سطور
 نظم کردم فی دم آسودگی
 بادی اندو کلین و پر طلال

از ستمهای زمان و اهل آن
 رنجما بر دم در این عالم بسی
 راز و دل بنهفتم از هر شیخ و شتاب
 چون نمی دیدم دلی بی ازیاب
 حاسدان را نیست کاری جز حسد
 این حسد در نیست کانرا فام نیست
 رانده شد ابله بیس از کبر و حسد
 این حسد نار نیست دین را سوخته
 بهر هر روی علاج و چاره ایست
 هر مرض را هست درمانی جز
 از زبان پرزبان حاسدان
 گاه گاهی شور و سودا بر سرم
 گاه از باب حوائج پشت باب
 هم چه کشتی در میان چار موج
 و از تقلبهای گوناگون دهر

و از تظا و لهای خسل ناکسان
 خون دل خوردم ز دست هر کسی
 کام را بستم ز گفتار صواب
 پس خموشی را بوقت آمد نصاب
 بسته برگردن چه خنجر من مسد
 حاسدان را چاره جز اعدام نیست
 تا ابد شد گمراه از راه رشد
 بهر حاسد دوزخی افرخته
 جز حسد کان چاره اش بیچاره گیت
 جز حسد درمان او مرگ از خدا
 الا مان و الا مان و الا مان
 گاه انواع عسلا یق در برم
 کای فلان و جهمی بده بهر ثواب
 یا که صیدی در میان چار فوج
 و دو آهیم میکشیدی تا سپهر

زین سبب چندان پریشان گفته ام
 خاک برفرق من و اشعار من
 خامه ام شکست و شد طبعم ملول
 چونکه پای حق بیاید در میان
 با هزاران عجز و فقر و انکسار
 عرض بنمایم که یا خیر الووری

ای بهترین اهل عالم

یَوْمَ حَشْرِيْ وَاُنْتِشَارِيْ لِلْحِسَابِ

روز محسور شدنم و بیرون آمدنم برای حساب

یَوْمَ تَاتِيْنِيْ اَسَاطِيْرُ الْعَمَلِ

روزی که میآید مرا نوشتهای عمل من

یَوْمَ اَلْقِيْ سَيِّئَاتِيْ بِالشَّمَالِ

روزی که می یابم گناهان خود را بدست چپ

یَوْمَ لَا يَنْفَعُنِيْ مَالٌ وَلَا

روزی که سود ندهد مرا مالی و نه

و از چکامه گوهری ناسفته ام
 چاک با و اخامه و گفتار من
 ز این سخنهای پریشان و فضول
 تلخ گردد و کام ابناء زمان
 رو نمایم سوی باب بهشت و چار
 کُنْ شَفِيْعِيْ يَوْمَ اَحْشَى فِي الثَّرَى

بوده باش شفاعت کننده من روزی که در خاک نهفته شوم

يَوْمَ اَعْدُوْا مُسْتَعِدًّا لِّلْجَوَابِ

روزی که صبح می نمایم برای میآشیدن جواب

لَيْسَ فِيْهَا مَا يَرْجِيْنِيْ الْاَمَلِ

نیست در آن چیزی که امیدوار کند آرزوی مرا

حَامِلًا وِزْرِيْ عَلٰى ضَيْقِ الْمَجَالِ

بردارنده باشم گناهان خود را با تنگنالی موقع

وَالِدًا وَّلَدًا وَّوَعْمَلًا

پدر و نه فرزند و نه آرزو

جَنَّةٍ لِي أَتَّقِي نَارَ اللَّظَى

سپر است برای من پرهنز میکنم بسبب آن آتش سوزنده را

حَلَّ فِي جِسْمِي نُحُولٌ لَا يَعْدُ

فرود آمد در جسم من لاغری بی شمار

وَهُوَالِي يَوْمَ التَّنَادِي نَافِعٌ

و آن برای من در روز قیامت سودمند است

كُمُ فَانْتُمْ بُغِيَّتِي يَوْمَ النِّدَا

شما باد پس شمائید مقصود من روز قیامت

أَمَلِي فِيكُمْ إِذَا خَانَ الدِّمَارُ

آرزوی من شما است زمانیکه خیانت نماید حمایت کننده

حُبُّكُمْ يَا آلَ بَيْتِ الْمُصْطَفَى

محبت شما ای خانواده مصطفی

سَادَتِي قَدْ ضَاقَ بِي ذَمُّ عَاوَدٍ

آقایان من تحقیق تنگی گرفت سینه من تحقیق

لَيْسَ لِي إِلَّا وَلَا كُمْ شَافِعٌ

نیست برای من شفاعت کننده مگر دوستی شما

أَلْ بَيْتِ الْمُصْطَفَى نَفْسِي فِدَا

ای خانواده مصطفی جان من فدای

حُبُّكُمْ ذُخْرِي لِيَوْمِ الْإِفْتِقَارِ

دوستی شما ذخیره من است در روز قیامت

قَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكُمْ يَا فِخَامَ

تحقیق توجه کردم بسوی شما ای بزرگان

فَا رَحْمَتِي وَاشْفَعُوا لِي يَا كِرَامَ

پس رحم کنید مرا و شفاعت نمایند مرا ای گرامی مردم

روزه در اسلام

یکی از فروع دین اسلام روزه است امام باقر علیه السلام فرمود
 اسلام بر پنج چیز بنا شده است نماز، روزه، زکوة، حج، ولایت
 (یعنی دوست داشتن محمد و آل محمد). از برای روزه حکمت‌های بسیار است
 صحت بدن، سلامتی عقل، برطرف شدن رطوبات زیاد می‌دماغ،
 تنویر فکر، رسیدن بفشار گرسنگی و تشنگی و عادت نمودن بر آن، و پی بردن
 باحوال فقرا و ناداران، و مواسات با آنها، و کم شدن شهواتهای نفسانی،
 و روشن شدن دل، و تولید فروتنی و تواضع، و توجه بخدا، و رحم و مروت
 بپاد نمودن گرسنگی و تشنگی قیامت - در شب معراج خداوند به پیغمبر
 خطاب نمود بهترین چیزیکه وسیله تقرب ببنده است بمن روزه و سکوت است

حقیقت روزه و مبطلات آن

حقیقت روزه ترک چیزهاییست که شریعت امر بترک آن نموده
 در وقت معین به نیت روزه برای خوشنودی خدا - و مراد از وقت معین
 شروع فجر صادق است تا مغرب شرعی - و مبطلات روزه چیزهاییست
 که آوردن آن عمداً روزه را باطل میکند و آن خوردن، آشامیدن،

جماع نمودن، استمنا کردن، غبار غلیظ و امثال آن بخلق رسانیدن، و با
 جنابت عمدتاً تا طلوع فجر ماندن، سرد آب فرو بردن، عمداتی کردن،
 دروغ بر خدا و رسول و معصومین صلوات الله علیهم اجمعین گفتن، فتوی
 ناحق دادن، و پخیز آبی حقه نمودن.

وزن چون در شب از حیض و نفاس پاک شود قبل از فجر غسل
 نماید. وزن مستحاضه که غسل بر او واجب است قبل از فجر باید غسل نماید
 و بیدار شدن بعد از احتلام در روز روزه را باطل نمیکنند. و اگر عمدی یکی از
 مبطلات روزه آورده شود باطل میشود. و باید آنرا قضا نمود و کفاره
 داد. و کفاره باطل نمودن یک روز از ماه رمضان عمدتاً بنده آزاد کردن
 یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و یا شصت مسکین اطعام نمودن است
 و باطل نمودن روزه را بحرام چون شراب و امثال آن پس باید روزه
 راقضا کند و هرگز کفاره داده شود.

احکام روزه و شرایط صحت آن

از جمله احکام روزه نیت است و باید نیت تا قبل از فجر واقع شود
 و اگر در شب اول ماه مبارک برای تمام ماه نیت کند و در هر شب آن را

تجدید کند بهتر است و در صورتیکه نیت فراموش شود تا قبل از ظهر هر وقت
 یادش آمد نیت کند - و اگر بعد از ظهر یادش آمد بعد از ماه رمضان
 باید قضا کند.

و شخص مسافر چون محل اقامه خود قبل از ظهر برسد و چیزی نخورده
 باشد نیت نموده روزه را تمام کند و اگر بعد از ظهر برسد باید آنرا قضا کند
 و در صورتیکه شخص حاضر قصد سفر داشته باشد تا در محل اقامه خود میماند
 باید روزه باشد پس اگر قبل از ظهر مسافرت کند چون از حد ترخص گذشته
 روزه را بخورد و اگر بعد از ظهر سفر کند باید روزه را تمام کند - و مراد از حد ترخص
 دور شدن از بلد با اندازه متعارف است و از شرایط صحت روزه اسلام
 و ایمان و آنکه روزه گیر دیوانه نباشد - خالی از حیض و نفاس باشد
 مبتلای غش و بیهوشی نباشد - و اما غیر بالغ پس روزه او برای وی صحیح
 است - ولی وقتی روزه بر او واجب میشود که بالغ گردد - و پیر ناتوان
 زن یا مرد باشد روزه برای او صحیح نیست عوض هر روز یک نذ کندم یا
 مانند آن تصدق دهد قیمت را نیز میتوان داد (مد ۶۲ توله جزئی کم است
 و توله مساوی دو مثقال و نیم است و مثقال بیست و چهار نخود است)

و هرگاه شخص گرفتار مرض تشنگی گردد که نتواند تحمل نماید در عوض هر روزی باید یک نذکندم و یا مانند آن دهد - و چون عذر بر طرف شود قضا نماید - و زنی که از روزه گرفتن بر تحمل خود بترسد و یا روزه سبب ضرر لطفل شیرخوار که او را شیر میدهد شود باید ترک روزه کند - و عوض هر روز یک نذکندم و یا مانند آن و یا قیمت آن را دهد - و در موقع امکان روزه را قضا کند.

مکروهات روزه

مکروه است برای روزه دار بوییدن ریاحین و سرمه کشیدن و بیرون آوردن خون از بدن - حمام رفتن که سبب ضعف شود - و مکروه است انقیه اگر یقین نکند که بخلق میرسد - مکروه است نشستن زن در آب - و استعمال بوی خوش چون عطر گل برای روزه دار مستحب است و آن تحفه روزه دار است.

اقسام روزه

واجب - حرام - سنت - مکروه

روزه های واجب :- اول روزه ماه رمضان المبارک است

که بعد از ثبوت هلال بر هر بالغ عاقل حاضر صحیح واجب میشود.

دوم : روزه قضای ماه صیام است که بعد از ماه صیام تا قبل از رسیدن ماه رمضان آینده آورده شود. پس اگر کسی عمداً آنرا تا خیر اندازد تا ماه رمضان سال بعد برسد باید بجهت هر روزی که بر ذمه او هست یک نذکندم و یا مانند آن کفاره دهد و احتیاطاً دو نذ است و بعد از ماه رمضان قضا نماید و کسیکه قضای ماه رمضان را قبل از ظهر باطل کند اگر وقت ضیق نباشد باکی نیست و در وقت ضیق جائز نیست و اگر قضا را بعد از ظهر باطل نماید وقت ضیق باشد یا نباشد علاوه بر قضاء واجب است ذاه مسکین اطعام کند یا جامه دهد و اگر عاجز باشد سه روز پی در پی روزه بدارد.

سوم : قضای روزه پدر است بر پسر بزرگ و روزه قضاء مادر نیز ترک نشود

چهارم : روزه اجاره است که شخص اجیر میشود برای میت روزه گیرد
پنجم : روزه ایست که شخص آنرا بر خود واجب میکند بنذر یا عهد یا قسم - و این بر دو قسم است مطلق یعنی در آن تعیین زمان و مکان نشود و یا معین که تعیین زمان و یا مکان گردد - مثل روزه اول رجب یا

روزه در عتبات یا روزه رجب در نجف اشرف مثلاً و کفاره خلاف
 نمودن نذر و عهد و قسم بیان گردید.

ششم: روزه سه روز بدل هدی است در حج تمتع که بیان

آن انشاء الله در احکام حج خواهد آمد

هفتم: روزه اعتکاف است که بیان میشود انشاء الله تعالی

هشتم: روزه کفاره است که اشاره بان گردید.

و از جمله روزه کفارات، پیچده روز روزه است بر کسیکه در ایام

حج روز عرفه قبل از غروب آفتاب عمداً از عرفات بیرون رود پس بر او است

دادن بدنه (شتر) و اگر عاجز شود باید پیچده روز روزه بگیرد.

و اما روزه های حرام: یکی روز عید ماه رمضان است که روز

اول ماه شوال واقع میشود. دوم روز عید قربان که در دهم ذالحجه است

سوم روزه یوم الشک که نمیداند اول ماه رمضان است یا آخر شعبان

بنیت ماه رمضان. اما اگر بنیت شعبان و یا قضاء آورده شود پس

جایز است. چهارم روزه مستحبی برای زن بدون اجازه شوهر پنجم

روزه مرضی که برای وی مفتر باشد ششم روزه مسافر مگر روزه سه

روز عوض قربانی که در موقع حج حیوان قربانی یافت نشود و روزه ^{۱۸} یحیی روزه
 بدل بدنه که بان اشاره گردید هفتم روزه ایام شریقی یعنی روزه
 یازدهم ^{۱۱}، دوازدهم ^{۱۲} و سیزدهم ^{۱۳} ذالحجه برای سیکه در منی باشد هشتم
 و روز متصل بدون باز نمودن روزه ^۹ نهم روزه عاشورا به نیت تبرک.
 و اما روزه های مستحبی بسیار است از آن جمله است روزه
 روز ولادت پیغمبر صلی الله علیه و آله در هفدهم ^{۱۷} ربیع الاول. دوم
 پانزدهم جمادی الاول. سوم روز مبعث در بیست و هفتم رجب
 چهارم روزه ماه رجب. پنجم روزه ماه شعبان. ششم شش روز
 بعد از عید ماه رمضان المبارک. هفتم روزه روز وحو الارض (یعنی پهن
 شدن زمین از زیر کعبه) بیست و پنجم ذیقعد. هشتم روز اول ذالحجه تا
 روز نهم. نهم روزه روز ترویبه که هشتم ذالحجه است. دهم روزه روز
 عرفه که نهم ذالحجه است. یازدهم روزه روز عید غدیر که یازدهم ذالحجه است
 دوازدهم روزه روز مبارکه که بیست و چهارم ذالحجه است. سیزدهم
 روزه محرم از غره تا نهم. چهاردهم سه روز از هر ماه پنجشنبه اول و سه
 اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و چهارشنبه اول و سه دوم. پانزدهم ^{۱۵}

ایام البیض که سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه است. شانزدهم
روزه هر پنجشنبه و جمعه. هفدهم ^{۱۷} روزه نوروز است.

و اما روزه های مکروه :- پس روزه روز عرفه است اگر شک

در اول ماه باشد. و نیز اگر روزه سبب ضحیف و مانع شدن از اعمال

گردد ^۲ دوم روزه مستحبی همان بدون رخصت میزبان ^۳ سوم روزه مستحبی

پس بدون اذن پدر و در صورتیکه نمی باشد روزه را باید ترک کند

احکام رؤیت هلال

خدا در قرآن میفرماید **يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاِهْلَةِ قُلُوبِ**

مَوَاقِيتٍ لِلنَّاسِ الخ سورة بقره آیه ۱۸۵ یعنی سوال میکنند

تو از ماههای نو بگو هلالها نشانهای وقتهاست شناختن ایام و لیالی

عبادت - روز و شبهای مقدس بسته بشناختن هلال است. لذا ^{است}

که امر باستحلال یعنی تحقیق نمودن هلال مخصوصاً در شب اول ماه رمضان

گردیده و برخی آنرا واجب دانسته اند. گرفتن روزه و دادن فطره

در عید و آوردن اعمال حج و اعمالیکه در ایام مخصوص از طرف شارع معین

گردیده و امثال آن بسته بمعرفت هلال است. پس پی بردن ثبوت

هلال از تکالیف شرعیّه اسلامیّه که بر هر مکلف در موقعش از احکام دینی و
بشمار میرود.

ثبوت هلال ماه نو بکی از چهار چیز مسلم میشود اول: گذشتن نیمی
روز از ماه گذشته که روز سی و یکم غره ماه تازه است دوم: دیدن هلال
سوم: گواهی دو شاهد عادل بر دیدن ماه چهارم: شیاع است
یعنی در میان شهر شهرت پیدا کند که هلال شب اول دیده شده است باندره
که خلاف آن ممکن نباشد و هرگاه علم بر ثبوت هلال حاصل شود عمل بان
میتوان و حکم حاکم شرع در ثبوت هلال نیز اهمیتست برای مکلف - و تحقیق
هلال بدور بین و یارفتن در هوا پیمای و امثال آن ضرور نیست چه بنامی اسلام
بر ظواهر و امورات عادیست - و هم چنین اعتبار در ثبوت هلال بانفق
باشندگان شهر و افق نزدیک است نه بانفق دور - امام صادق علیه السلام
میفرماید "انما علیک مشرقک و مغربک و لیس علی الناس
ان یبحثوا".

دعای رؤیت هلال

وستحبت است که در موقع دیدن هلال این دعا را که در صحیفه سجادیّه

وارد شده بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَيُّهَا الْخَلْقُ
 الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ
 الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَکِ التَّدْوِيرِ اٰمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَكَ بِكَ الظُّلْمَ
 وَاَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ وَجَعَلَكَ اَيَّةً مِنْ اٰیَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامَةً
 مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ فَحَدِّثْ بِكَ الزَّمَانَ وَاْمْتَهَنَكَ
 بِالْکَمَالِ وَالنَّقْصَانَ وَالظُّلُوعَ وَالْاَفْوَالَ وَالْاِنَارَةَ وَالْکُسُوفَ
 فِي کُلِّ ذَلِکَ اَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَاِلٰی اِرَادَتِهِ سَرِيعٌ سُبْحَانَہٗ
 عَمَّا اعْجَبَ مَا دَبَّرَ مِنْ اَمْرِکَ وَالطَّفَّ مَا صَنَعَ فِي شَاۡنِکَ
 جَعَلَکَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِاَمْرِ حَادِثٍ فَاَسْئَلُ اللّٰهَ
 رَبِّي وَرَبَّکَ وَخَالِقِي وَخَالِقَکَ وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرَکَ
 وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَکَ اَنْ یُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
 وَاَنْ یَجْعَلَکَ هِلَالَ بَرَکَةٍ لَا تُحَقُّهَا الْاِیَّامُ وَطَهَارَةٍ لَا
 تَدْنِسُهَا الْاِثَامُ هِلَالَ اٰمِنٍ مِنْ الْاَفَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنْ
 السَّیِّئَاتِ هِلَالَ سَعْدٍ لَا تُحْسَ فِيهِ وَیْمَنٍ لَا نَکْدَ مَعَهُ
 وَاَسْرِ لَا یَمَازِجُهُ عُسْرٌ وَخَیْرٌ لَا یَشُوْبُهُ شَرٌّ هِلَالَ اٰمِنٍ وَاِیْمَانٍ

وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَأَنْزَلِي مَنْ
نَظَرَ إِلَيْهِ وَأَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَفَّقْنَا اللَّهُمَّ فِيهِ
لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ وَأَعِصْمِنَا فِيهِ مِنَ الْإِثَامِ وَالْحَوْبَةِ وَأَوْزِعْنَا
فِيهِ شُكْرَ النِّعْمَةِ وَالْبِسْنَ فِيهِ جَنَّ الْعَافِيَةِ وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا
بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا فِيهِ عَوْنًا
مِنْكَ عَلَى مَا نَدَّبْتَنَا إِلَيْهِ مِنْ مُفْتَرَضِ طَاعَتِكَ وَتَقَبَّلْهَا
إِنَّكَ الْأَكْرَمُ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ وَالْأَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ أَمِينٌ أَمِينٌ
رَبُّ الْعَالَمِينَ

در احکام ماه رجب و فضیلت آن

ماه اول از سه ماه طاعت - ماه رجب است و رجب بمعنای

تعظیم است و در جاهلیت آنرا محترم می شمردند و آن یکی از چهار ماه

حرام که ذیقعدة الحرام و ذیحجة الحرام و محرم الحرام و رجب است که

جدا واقع شده است از این جهت است که آن را رجب الفرد گویند

و چون جنگ و قتال در آن حرام میبود و آواز سلاح و مستغیث در آن شنیده
 نمیشد آن را رجب الاصح گفته اند (اصح بمعنی گزیده باشد) و چون رحمت حق
 بر بندگان در آن فرو میریزد و آنرا رجب الاصب گویند چه اصعب بمعنی ریزش
 است و رجب نام نهریست در بهشت که روزه داران ماه رجب از آن نهر
 خواهند آشامید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود ماه رجب ماه بزرگ
 خداست ایچ ماهی در رحمت و فضیلت بآن نمیرسد نماز و دعا و تسبیح
 و زیارت و اعمال بنحو خاص بسیاری در آن وارد گردیده.

برخی از وقایع تاریخی ماه رجب

در ماه رجب سال نهم هجری بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله با شش هزار لشکر
 روانه تبوک^(۱) گردید علی علیه السلام را در مدینه قائم مقام خود قرار داد و چون از
 جدا شدن آنحضرت متاثر گردید رسول خدا ص او را نازل منزله خود قرار داد و فرمود
 "أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي" این حدیث
 متفق علیه بین یقین است روز اول ماه رجب نوح در کشتی قرار گرفت روز اول رجب^{۵۷}

(۱) موضعی است نزدیک شام و نام حصن و چشمه ایست که شکر اسلام تا آنجا در حد
 پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رفته اند.

امام پنجم حضرت امام محمد باقر علیه السلام متولد گردید - روز نهم رجب
 روز ولادت ابوالفضل علیه السلام گرفته میشود و در برخی آثار است
 ولادت آنحضرت روز چهارم ماه شعبان ۲۶ سنه واقع گردید - روز
 جمعه دهم رجب ۱۹۵ سنه ولادت باسعادت حضرت امام نهم حضرت
 محمد تقی علیه السلام است - روز سیزدهم ماه رجب ۲۸۹۳ قبل از
 هجرت ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام در قریه کوفی (۱) بابل عراق
 واقع گردیده و در روز سیزدهم رجب ولادت باسعادت حضرت
 امیر المؤمنین علی علیه السلام در کعبه معظمه نسی سال بعد از عام الفیل واقع شد
 روز پانزدهم ماه رجب ۲ سنه هجری قبله از بیت المقدس بطرف کعبه
 تحویل گردید و آیه شریفه قَوْلِ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
 نازل شد و در این روز وفات امام ششم حضرت جعفر صادق علیه السلام
 در مدینه طیبه ۴۸ سنه واقع گردید و در روز هجدهم سال دهم هجری
 ابراهیم فرزند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که از ماریه قبطیه بود و عمرش

(۱) قریه بوده که در ارضی بابل میبود و بابل چند میلی شهر حله که امروزه از شهرهای مهم عراق عرب
 بشمار میرود میباشد ولی بابل امروزه جز آثار تپه و پست و بلندی چیزی دیگر بنظر نمیرسد.

شانزده ماه بود وفات نمود - روز بیست و سوم جراح بن سنان بنجر

زهرآلود را ن مبارک امام حسن علیه السلام را مجروح نمود - روز بیست

و چهارم سنه فتح خیبر واقع شد و در این روز جعفر بن ابی طالب

علیه السلام از حبشه مراجعت نمود رسول خدا صلی الله علیه و آله با کمال بشا^{شت}

اورا در آنغوش گرفت و اظهار خوشنودی از رسیدن او کرد و نماز جعفر را

بوی یاد داد - روز بیست و پنجم ماه رجب سنه هجری شهادت امام^{۲۵}

هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام واقع گردید روز بیست و هفتم^{۲۷}

سیزده سال قبل از هجرت لطف خداوندی شامل حال بشر گردید حضرت^{۱۳}

محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب را مبعوث برسالت گردانید عوالم بشری

روشن و منور بوجود مقدس او گشت شب بیست و هفتم ماه رجب^{۲۷}

چند سال قبل از هجرت معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه معظمه

واقع گردید شب و روز بیست و هفتم از جمله لیالی و ایام متبرکه است^{۲۷}

ابو عبدالله محمد بن عبدالله طنجه^(۱) مراکشی که سی و دو سال در سیاحت بود

و در سنه هجری از سیاحت فارغ شد در سفرنامه خود مشهور بر حله ابن بطوطه^ط

(۱) طنجه شهریت در شمال مراکش و مراکش مملکتی است در شمال غربی افریقا.

میگوید چیزی را که خلاصه آن آنست که پس از زیارت کعبه معظله و مدینه طیبه
 نجف اشرف مشرف گردید الهی نجف تمام آن فضی میباشند و از برای
 روضه مبارکه که کراماتی است - از آن جمله در شب بیست و هفتم ماه رجب
 از عراقین و خراسان و بلاد فارس و روم شل و مفلوج و زمین گیر جمع
 میشوند از آنها قریب نسی و چهل نفر که جمع شده بودند مشاهده نمودم نزد
 ضریح مقدّس در آن شب جمع می شوند - و مردم منتظر خوب شدن آنها
 هستند و این مردم بعضی نماز میخوانند و بعضی ذکر و بعضی قرآن تلاوت
 میکنند و بعضی تماشای روضه مینمایند تا آنکه نصف شب یا دو ثلث آن
 میگذرد - این بتلایان و زمین گیران که حرکت نمیتوانستند میکنند بر میخیزند
 و در حالیکه صحیح و تندرست میباشند و علتی در آنها نیست و جماعتی را من
 یافتم که در آنجا بودند چون بشب بیست و هفتم رسیده بودند بانتظار
 شب بیست و هفتم ماه رجب سال آینده بسر میبردند روز بیست
 و هشتم سینه بگری حضرت امام حسین علیه السلام از مدینه طیبه
 روانه مکه گردید.

و در شب اول ماه رجب واقعه نور باران حرم کاظمین علیه السلام

رُخ داد - فقیه اجل حاجی ملا احمد نراقی صاحب مستند و معراج السعاده که
 در حدود ۱۲۴۴ هجری وفات نموده در کتاب خزائن تفصیلی نقل نموده که از آنجمله
 است که وقتی پاشای بغداد که از اهل سنت میبود با کلید دار حرم کاظمین
 مقرر نمود که شب اول ماه رجب برای دیدن نور باران آن مقام شریف بحرم
 کاظمین مشرف خواهد شد قریب غروب بود که پاشا وارد حرم شد
 آن مکان مقدس را خالی از اغیار نمودند پاشا و شیخ محمد کلید دار
 و پدرش کلید دار سابق در حرم ماندند تمامی درها بسته گردید و چراغها
 بامر پاشا خاموش و مشغول نماز شد پاسی از شب گذشته بود که دفعتاً
 فضای تاریک حرم زو بر روشنائی آورد باندازه نور و روشنائی در آن
 حرم مظهر پدیدار گردید مثل آن بود که از بالای ضریح بیت هزار شمع و چراغ
 در آن مکان مقدس پیدایش پاشای اختیار بلند شده و بصلوات
 مشغول گردید و میگفت صلی الله علی النسبی و آله کلید دار را در آنغوش
 گرفت و گفت بسیار مخدوم بزرگواری داری و پس از آن نور غائب
 شد و چراغها را روشن نمودند .

اعمال ماه رجب

بجا آوردن عمره مفرده در ماه رجب ثوابش بیشتر است از ثواب
 عمره در تمام سال و طریق عمره مفرده در اعمال حج بیان شده است از امور است
 مستحبیه ماه رجب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام است
 که در بیست و سوم و بیست و پنجم ماه ذیقعده نیز نقل شده - روزه این
 ماه مستحب مؤکد است و روزه اول آن آتش جهنم را با نذره یکسال
 راه از روزه گیرنده دور میکند و گرفتن روزه سه روز ماه رجب بهشت را
 برای روزه گیر و واجب مینماید - امام صادق علیه السلام فرمود که هر که یک
 روز از آخر رجب را روزه بدارد خدا او را از شدت سکرات مرگ هول
 بعد مرگ و عذاب قبر نکه میدارد و هر که دو روز آخر آن را روزه گیرد بر صراط
 باسانی بگذرد - و یکشنبه سه روز آخر رجب را روزه گیرد ایمن گردد از
 ترس بزرگ روز قیامت و از شدت تها و هولهای آن روز و برائت
 بیزاری از آتش جهنم بوی عطا شود و هر که قادر بر روزه گرفتن نباشد صد مرتبه
 بگوید سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ
 إِلَهِ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَهَوْلُهُ أَهْلًا

خداوند ثواب روزه با وعطا فرماید

اعمال مختصر شب اول رجب :- اعیاء شب اول رجب

بعبادت و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است
و بعد از نماز مغرب در شب اول بیست رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام

و در هر رکعت حمد و توحید یک مرتبه بخواند تا محفوظ ماند خود و اهل و مال
و اولادش و از عذاب قبر و پناه باشد و از صراط بی حساب بر عت

گذرد و بعد از نماز عشاء دو رکعت نماز وارد است در رکعت اول
بعد از حمد الم نشرح یک مرتبه و توحید سه مرتبه و در رکعت دوم بعد از

حمد الم نشرح و توحید و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
بخواند و بعد از سلام شنی مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و شنی مرتبه صلوات بگوید

تا خدا پیام زد و او را مانند روزیکه از مادر متولد گردیده و از حضرت امام محمد جواد
علیه السلام روایت شده که در شب اول بعد از عشاء آخره بخواند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
مُقْتَدِرٌ وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُنُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ

إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي
 لِيُنْجِحَ لِي بِكَ طَلِبَتِي اللَّهُمَّ بِذِيكَ مُحَمَّدٍ وَالْأُمَّةِ مِنْ
 أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَنْجِ طَلِبَتِي وَحَاجَتِي
 خُودِ رَاطِلِبِ نَا.

و از جمله اعمال این ماه است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت
 شده که فرمود هر که در تمامی ماه رجب هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا
 صد هزار حسنه باو عطا کند و برای او بنا کند در بهشت صد شهر و در تمام ماه
 خواندن هزار مرتبه قل هو الله احد مستحب است و در وقت صبح
 پنهان و مرتبه استغفر الله و اتوب اليه گفتن مستحب است و چون
 تمام کند دستها را بلند نموده و بگوید اللهم اغفر لي و تب علي
 پس اگر در ماه رجب بمیرد خدا از او راضی باشد و آتش جهنم باو نرسد
 و از جمله دعاهای نیکه در تمام ماه رجب خواندن آن مستحب است يَا مَنْ
 يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ
 مَسْئَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ اللَّهُمَّ
 وَمَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ وَأَيَادِيكَ الْفَاضِلَةُ وَرَحْمَتِكَ

الْوَاسِعَةَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

واین دعا را حضرت صادق علیه السلام در هر روز ماه رجب میخوانند
خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ
وَضَاعَ الْمُلِمُّونَ إِلَّا بِكَ وَأَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ إِلَّا مِنْ
أَنْتَ جَمْعَ فَضْلِكَ بِأَبِكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ وَخَيْرُكَ مَبْدُولٌ
لِلطَّالِبِينَ وَفَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ وَنَيْلُكَ مُتَاحٌ
لِلْأُمِلِينَ وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَحِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ
لِمَنْ نَاوَاكَ عَادُتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَسَبِيلُكَ
الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ فَاهِدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ
وَأَرْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ
الْمُبْعَدِينَ وَاعْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ - واز جمله دعاهای هر روزه ماه
رجب است اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ
وَعَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَيَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ أَنْتَ الْغَنِيُّ

الْحَمِيدُ وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ
 وَأَمْنُنْ بِنِعْمَتِكَ عَلَى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ
 عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ
 الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيُرْوَدُ فِي رُجْبِ رُجْبِ رَجَبِ خَوَانِدَن
 ابْنِ دَعَا وَارِدِ اسْتِ اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ وَالْأَلَاءِ
 الْوَائِزَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالنِّعَمِ
 الْجَسِيمَةِ وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ وَالْإِبَادِي الْجَمِيلَةَ وَالْعَطَا يَا الْجَزِيلَةَ
 يَا مَنْ لَا يَنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ وَلَا يُمَثَّلُ بِنِظِيرٍ وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ
 يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَاللَّهُمَّ فَانْطِقْ وَابْتَدِعْ فَشَرِّعْ وَعَلَا
 فَارْتَفِعْ وَقَدِّرْ فَأَحْسِنْ وَصَوِّرْ فَاتَّقِنْ وَاحْتَجِّجْ فَأَبْلَغْ
 وَأَنْعَمْ فَاسْبِغْ وَأَعْطِي فَأَجْزِلْ وَمَنْحْ فَافْضَلْ يَا مَنْ سَمَا
 فِي الْعِزِّ فَنَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَانَرَ
 هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا يَدَّ لَهُ فِي مَلَكَوَتِ
 سُلْطَانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي

جَبْرُوتِ شَانِهِ يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ
 لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَانْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ
 أَبْصَارِ الْأَنَامِ يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ
 لِعَظَمَتِهِ وَوَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ
 الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَدْبَعِي إِلَّا لَكَ وَيَمَا آيَتِ عَلَى نَفْسِكَ لِذَلْعِيكَ
 مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ
 لِلذَّلَاعِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَأَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَأَسْرَعَ
 الْحَاسِبِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَاتَمِ
 النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَقْسِمُ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا
 قَسَمْتَ وَأَحْتَمُ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ وَأُحْتَمُ لِي
 بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ حَتَمْتَ وَأُحْيِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا
 وَأَمِتَنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مَسَائِلِهِ
 الْبُرْزَخِ وَأَدْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا وَأَرْعِيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا
 وَأَجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيرًا وَعَيْشًا قَرِيرًا
 وَمُلْكًا كَبِيرًا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا. در مسجد صعصعه نيز

خوانده میشود و خواندن این دعا عقب هر نماز فریضه در ماه رجب از امام
صاوق علیه السلام وارد گردیده **يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَأَمِنْ
سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ
يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ
تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً أَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا
وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْئَلَتِي جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا
وَشَرِّ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ
يَا كَرِيمُ** پس حضرت محاسن شریف خود را در دست چپ خود گرفت و با
حال تضرع و حرکت دادن انگشت سبابه دست راست **يَا ذَا الْجَلَالِ**
**وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا النِّعَمَاءِ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمِنَّةِ وَالطُّوْلِ حَرِّمُ شَيْبَتِي
عَلَى النَّارِ.**

لَيْلَةُ الرَّغَائِبِ شب جمعه اول ماه رجب را لیلۃ

الرغائب نامند. و رغائب جمع رغبت بمعنی بخشش است در این شب

است که طلائق آسمانها و زمینها در بیت المعمور که در آسمان چهارم محاذی کعبه

واقع گردیده جمع شوند و بجهت اُمت پیغمبر آخر الزمان طلب آمرزش کنند

پس سحبت است که پیشینه روز اول ماه روزه دارند چون شب جمعه
 شود بین نماز مغرب و عشاء دو ازده رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام
 بجاء آورد و در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه انا انزلناه و دو ازده مرتبه
 قل هو الله احد بخوان چون از نماز فارغ شوی هفتاد مرتبه میگوئی
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِهِ پس بسجده
 رفته و هفتاد مرتبه میگوئی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ
 پس سر از سجده برداشته و هفتاد مرتبه میگوئی رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ
 وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ پس باز بسجده
 رفته هفتاد مرتبه میگوئی سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ
 پس حاجت خود را طلبیده انشاء الله تعالی برآورده خواهد شد

اعمال مخصوص ایام ولیایی ماه رجب :- روز اول ماه رجب
 از روزهای مخصوصی است که غسل و زیارت امام حسین (ع) در آن مستحب
 است و موجب آمرزش گناهان است و نماز حضرت سلمان در آن مستحب است
 و آن ده رکعت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد یک مرتبه
 و قل هو الله سه مرتبه و قل یا ایها الکافرون سه مرتبه و بعد از هر سلام

و ستھارا بلند نموده و بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ
 بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس بگوید اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ
 لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ
 الْجَدُّ - انگاه دستھارا بصورت خود کشیده و حاجت خود را بخواه و در

نیمه ماه که پانزدهم رجب باشد این نماز را بهین کیفیت بخواند ولی بعد از
 علی کل شیء قدیر بگوید إِلَهًا وَاحِدًا فَرْدًا صَدًّا لَمْ يَتَّخِذْ
 صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا - و در آخر ماه نیز این نماز را بخواند ولیکن بعد از
 علی کل شیء قدیر بگوید وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
 وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس دستھارا
 بر روی خود بکشد و حاجت بطلبد و برای حضرت سلمان نمازی دیگر است
 که در اول ماه رجب خوانده میشود و فضیلت آن بسیار است از آنجمله
 آمرزش گناہان و محفوظ ماندن از فتنه قبر و عذاب روز قیامت و برطرف
 شدن جذام و برص و ذوات الجنب است و آن ده رکعت است
 هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت حمد یک مرتبه و قل هو الله احد

۳ مرتبه بخواند - روزه روز ^{۱۳} نیز دهم، چهاردهم و پانزدهم که آیام ^{۱۵}
 اَلْبَيْضُ است و اعمال شبهای آن و عمل ام و او و در روز پانزدهم ^{۱۵}
 برای رسیدن بمطالب و حاجات روایت شده و در شبهای آیام اَلْبَيْضُ
 ماه رجب و شعبان و رمضان نماز نیست که بروایت امام صادق علیه السلام
 هر کس آنرا بجا آورد فضیلت این ^۳ ماه را در یابد و گناهانش مگر شکر
 آمرزیده میشود پس در لیلۀ ^{۱۳} نیز دهم دو رکعت و در لیلۀ ^{۱۴} چهاردهم
 چهار رکعت و در لیلۀ پانزدهم ^{۱۵} شش رکعت هر دو رکعت بیک سلام
 در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه ^{۱۳} و تبارک الملك و توحید بخواند
 و در شب نیمه ماه چند عمل است اول غسل و دوم بیداری آن شب
 بعبادت سوم زیارت امام حسین علیه السلام چهارم شش رکعت
 نماز که بیان شد پنجم خواندن نمازیکه از حضرت صادق علیه السلام رسیده
 و فرمود که بجا میآوری در شب نیمه رجب دو آزده رکعت نماز هر دو رکعت
 بیک سلام که در هر رکعت حمد و سوره میخوانی چون فارغ شوی از نماز میخوانی
 حمد، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ برب الناس، قل هو الله
 احد و آیه الكرسي را هر کدام را چهار مرتبه و میگوئی چهار مرتبه

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَبِسْمِ
إِزَانَ مِيكُونِي اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَمَا شَاءَ اللَّهُ
لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ^{کست} در نیمه ماه رجب که روز مبارک است
در آن چند عمل است: غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
نماز حضرت سلمان چنانکه بیان شد و چهار رکعت نماز بدو سلام چون
فارغ شدی دست خود را باز نموده و بخوان اللَّهُمَّ يَا مُدِلَّ كُلِّ
جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ
وَأَنْتَ بَارِي خُلُقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا وَلَوْ
لَا رَحْمَتَكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ
عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ
يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَاتِ مِنْ
مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشَّمُوحِ وَالرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ
بِعِزَّةٍ يَتَعَزَّرُونَ وَيَأْمَنُ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ
الْمَدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهَمُّ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ
بِكُنُودِنَيْتِكَ الَّتِي اسْتَقْقَتْهَا مِنْ كِبَرِيَّاتِكَ وَأَسْأَلُكَ

بِكَبْرِيَاكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ
الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ
فَهَمَّ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ

روایت است که هر صاحب غمی این دعا را بخواند حق تعالی او را از غم
و اندوه رهایی دهد. و شب بیست و هفتم رجب از لیلیالی متبرکه که و شب بیست

است و اعمال در آن شب اجر عمل شصت سال است و از حضرت ابو جعفر

امام محمد جواد علیه السلام از عمل آن سوال شد و او از ده رکعت نماز بسیار

فرمود و وقت آنرا بعد از عشاء تا قبل از نیمه شب معین نمود و فرمود میخوانی

هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد و سوره از سوره های کوچک

مفصل (که از سوره محمد است تا آخر قرآن) و بعد از فراغ از نمازها میخوانی

حمد و چهار قل^(۱) و انا انزلناه و آیه الكرسي هر کدام را هفت مرتبه

انگاه میخوانی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

فِي الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا اَللّٰهُمَّ

اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ عِزَّتِكَ عَلٰى اَرْكَانِ عَرْشِكَ وَمُنْتَهٰى

الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

(۱) چهار قل عبارت است از سوره قل هو الله احد، قل اعوذ برب الفلق، قل اعوذ برب الناس، قل يا ايها الكافرون

وَذِكْرُكَ الْأَعْلَى الْأَعْلَى وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ بِس

بخوان هر دعا که خواستی - و غسل در این شب و خواندن دوازده رکعت

ناز که از حضرت صادق علیه السلام که در اعمال شب نیمه رجب ذکر شد

مستحب است - و زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام افضل

اعمال این شب است خواندن دعای شب مبعث که کفعمی در بلد الامین

روایت نموده و در مفاتیح آمده مستحب است - و اما اعمال روز بیست

و بیستم روزه و غسل و بسیار صلوات فرستادن و زیارت حضرت

رسول و امیرالمؤمنین علیهما و آلهما السلام است - و خواندن نماز یک و

شب نیمه ذکر آن بیان شد (دوازده رکعت)

ماه شعبان المعظم

دوین ماه عبادت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فضیلت آنرا

بیان فرموده - روزه آنرا وصل بروزه ماه رمضان مینمورد و میفرمود که ماه

شعبان ماه من است و روزه یک روز آن بهشت واجب میگردد

و در روایات دیگر است که روزه ماه شعبان موجب برطرف شدن

شتر و شیمان و اصلاح امر معیشت است

برخی از وقایع تاریخی ماه شعبان

روز اول ماه یا اوائل آن سنه هجری ولادت عقیده القریش

حضرت زینب کبری صلوات الله علیها وارد شده روز دوم ماه

سال دوم هجری روزه ماه رمضان المبارک واجب گردید و آیه کتبت

علیکم الصیام فرود آمد روز پنجشنبه سوم شعبان سنه هجری ولادت

باسعادت حضرت امام حسین علیه السلام واقع شد در ماه شعبان سنه

هجری غزوه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بابن المصطلق واقع شد نفاق

عبدالله بن ابی ظاهر گردید چه در نیت داشت که بعد از مراجعت رسول خدا

صلی الله علیه و آله بدینه آنحضرت را با همراهمان بیرون کند سوره منافقون

فرود آمد و منافقین رسوا گردیدند عبدالله فرزند عبدالله بن ابی منافق

رخصت خواست که پدر خود را بقتل رساند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

امر بدارائی با وی فرمود شب جمعه پانزدهم شعبان سنه هجری نزدیک

طلوع فجر در ساءراء ولادت با سعادت بقیة الله امام عصر حضرت

حجت بن الحسن علیهم السلام گردید.

اعمال ماه شعبان

اعمال مشترکه شب و روز ماه شعبان :- در این ماه اعمالی

چند است که بهترین آن استغفار است از آن جمله گفتن هفتاد مرتبه

در هر روز **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ** چه هفتاد مرتبه استغفار

در این مقابل است با هفتاد هزار در ماههای دیگر. و در این ماه زیاده تصدق

دادن مستحب است و سبب میشود که جهنم حرام میشود بر صدقه دهند.

و نیز در این ماه وارد شده گفتن هزار مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا**

نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

ثواب هزار سال عبادت در نامه اعمال نوشته میشود. و دو رکعت نماز

در هر پنجشنبه بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه توحید و بعد از

سلام صد بار صلوات بفرستد تا حق تعالی هر حاجتی که داشته باشد

از امور دین و دنیا بر آورد ان شاء الله. و در هر روز شعبان در وقت

زوال و در شب نیمه آن خواندن این صلوات که از حضرت امام زین العابدین

علیه السلام روایت شده مستحب است **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ**

وَأَلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ

الْمَلَائِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّحَجِ الْغَامِرَةِ
 يَا مَنْ مِنْ رِكَبِهَا وَيَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمَ لَهُمْ مَارِقُ
 وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقُ وَاللَّا يُزْمَرُ لَهُمْ لِاحِقُ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكُهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ
 الْمُسْتَكِينِ وَمَلِجِ الْهَارِبِينَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضًا
 وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلِ مِنْكَ وَقُوَّةٍ
 يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ
 الْأَبْرَارِ وَالْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ
 وَوَلَّيْتَهُمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْمُرْ قَلْبِي
 بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَأَرْزُقْنِي مُوَاسَاةَ مَنْ
 قَدَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ
 عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهَذَا شَهْرُ نَبِيِّكَ
 سَيِّدِ رُسُلِكَ شَعْبَانَ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ

وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 يَدَّابُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ بِخَوْعًا لَكَ فِي
 إِكْرَامِهِ وَأَعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ حَمَامِهِ اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الْإِسْتِنَانِ
 بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ لِي
 شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مُهَيِّعًا وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا
 حَتَّى الْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِّي رَاضِيًا وَعَنْ ذُنُوبِي غَاضِيًا
 قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ
 وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ

اعمال مختصة شب و روز ماه شعبان :- مستحب است در

روز سوم که روز تولد حضرت امام حسین علیه السلام و روز مبارک است خواندن
 این دعا و روزه گرفتن آن اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي
 هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ
 بَكْتَهُ السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطَأُ
 لَابَتَيْهَا قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ
 يَوْمَ الْكُرَةِ الْمُعَوِّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيُّمَةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشَّفَاءَ

فِي تَرْبَتِهِ وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ
 قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ حَتَّى يَدْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَيُثَارُوا وَالشَّارَ وَيَرْضُوا
 الْجَبَّارَ وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَافِ
 اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اللَّهُمَّ فَحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوْسَلُ وَأَسْئَلُ
 سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيئٍ إِلَى نَفْسِهِ مِمَّا فَرَّطَ
 فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ يُسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ اللَّهُمَّ
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ وَأَحْشُرْنَا فِي زَمْرَتِهِ وَيَوْمْنَا مَعَهُ
 دَارَ الْكِرَامَةِ وَمَحَلَّ الْإِقَامَةِ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ
 فَأَكْرَمْنَا بِزُلْفَتِهِ وَأَرْزُقْنَا مِرَافِقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ
 يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ وَيُكْثِرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَعَلَى جَمِيعِ
 أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ أَصْفِيَائِهِ الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ
 الْإِثْنَيْ عَشَرَ النَّجْمِ وَالزُّهْرِ وَالْحَبِجِّ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ اللَّهُمَّ
 وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهَبَةٍ وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ
 طَلِبَةٍ كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِحَمْدِ جَدِّهِ وَعَاذَ فُطْرُسَ بِمَحْمَدِهِ
 فَتَحْنُ عَائِدُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تَرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ

اَوْبَتَهُ اَمِيْن رَبِّ الْعَالَمِيْنَ پس میخواي بعد از اين بدعا حسين

عليه السلام و اين آخر دعاء آنحضرت است در روزيکه بسيار شده بود

دشمنان او يعني روز عاشورا اللهم متعالى المكان عظيم الجبروت

شديد المحال غني عن الخلايق عريض الكبرياء قادر على ما

قريب الرحمة صادق الوعد سابغ النعمة حسن البلاء

قريب اذا دعيت محيط بما خلقت قابل التوبة لمن تاب اليك

قادر على ما اردت ومددك ما طلبت وشكور اذا شكرت

وذكور اذا ذكرت ادعوك محتاجا وارغب اليك فقيرا وافرغ

اليك خائفا وابكي اليك مكرها ويا واستعين بك ضعيفا

واتوكل عليك كافيا احكم بيننا وبين قومنا بالحق فانهم

غرونا وخذعوننا وخذلوننا وغدروا بنا وقتلونا ونحن عثره

نبيك وولد جيبك محمد بن عبد الله الذي صطفيته

بالرسالة واتمنته على وحيك فاجعل لنا من امرنا حيا

ومخرجا برحمتك يا ارحم الراحمين ابن عياش گفت شنيدم

از حسين بن علي بن سفيان بزوفري كه ميگفت حضرت صادق عليه السلام

میخوانند این دعا را در این روز و فرموده که این دعا از دعاهای روز سیم شعبان
 است و آن روز ولادت حسین علیه السلام است شب سیزدهم اول
 لیالی بیض است و کیفیت نماز امشب و دو شب بعد در ماه رجب گذشت.

اعمال شب و روز نیمه شعبان :- و شب نیمه شعبان شب بسیار
 مبارک است و فضیلت آن بعد از شبهای قدر از شبهای دیگر بیشتر است
 شبی است که خدا قسم یاد نمود که هیچ سائلی را در آن شب از درگاه خود
 با دست خالی برنگرداند مگر آنکه سوال وی معصیت باشد. غسل و احیای
 آن شب مستحب است و در احادیث است که هر که احیا نماید آن شب را
 نبرد دل او در روزی که دلها میبرد. زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
 در آن شب از فضل اعمال آن شب بشمار میرود و موجب آمرزش
 گناهان است. و اقل زیارت آنحضرت در آنشب آنست که بیامی
 برآید بجانب راست و چپ نظر نموده رو با آسمان کند آنگاه آنحضرت را
 باین کلمات زیارت کند **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ**
عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ - امید است که ثواب حج و عمره
 برای زیارت کننده نوشته شود. و نیز زیارت مخصوصی است برای

آن شب که در جای خود بیان شده است و این دعا را که بمنزله زیارت
 امام زمان علیه السلام بخواند اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هِدِيهِ وَمَوْلُودِهَا
 وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتَ إِلَىٰ فَضْلِهَا فَضْلًا فَتَمَّتْ
 كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقِّبَ
 لِآيَاتِكَ نُورِكَ الْمُتَالِقِ وَضِيَاءُكَ الْمُشْرِقِ وَالْعِلْمِ النُّورِيِّ
 طُحْيَاءِ الدِّيَجُورِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرَّمَ حُجَّتَهُ
 وَالْمَلَائِكَةَ شُهَدَاءَهُ وَاللَّهَ نَاصِرَهُ وَمُؤَيِّدَهُ إِذَا انْصَبَّ
 وَالْمَلَائِكَةَ أَمْدَادَهُ سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو وَنُورُهُ الَّذِي
 لَا يَنْجُبُ وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُومُدَّ الدَّهْرُ وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ
 وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَالْمَنْزِلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَصْحَابُ
 الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَرَاجِمُهُ وَوَحْيُهُ وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَهَيْبَةُ اللَّهِ
 فَصَلِّ عَلَىٰ خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنِ عَوَالِمِهِمُ اللَّهُمَّ
 وَأَدْرِكْ بِنَايَا أَيْمَانِهِ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ
 وَأَقْرِنْنَا بِرَبَائِثِهِ وَارْتَبِنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَّا فِيهِ وَأَحِينَا
 فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ وَبِصُحْبَتِهِ غَائِمِينَ وَبِحَقِّقِهِ قَائِمِينَ وَمِنْ

السُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ
 وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِترته النَّاطِقِينَ وَالْعَنُ
 جَمِيعِ الظَّالِمِينَ وَأَحْمُكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ

وخواندن دعای کبیل در این شب مستحب است - و خواندن این تسبیحات

۱۰۰ صد مرتبه در این شب مستحب است سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ

لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خداوند گناهان او را بیامزد

و حاجت‌های او را بر میآورد - خواندن نماز جعفر در این شب مستحب است

و نمازهای خدی در این شب وارو شده که خواندن آن مستحب است

از آن جمله چهار رکعت نماز در هر رکعت حمد یک مرتبه و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

صد مرتبه و بعد از فراغت از نماز میگوئی اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَمِنْ

عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ اسْمِي وَلَا تُغَيِّرْ

جِسْمِي وَلَا تَجْهَدْ بِلَايِي وَلَا تُشِمِتْ بِي أَعْدَائِي أَعُوذُ

بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَأَعُوذُ

بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ شَأْنُكَ أَنْتَ

كَمَا اثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ - در این

شب است که امّ المؤمنین عایشه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را

دید و سجده است مانند جامه که جبیده شده است بر زمین و می خواند

سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَخِيَالِي وَأَمَّنَ بِكَ فَوَادِي هَذِهِ يَدَايَ

وَمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي يَا عَظِيمًا تَرْجِي لِكُلِّ عَظِيمٍ اغْفِرْ

لِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الرَّبُّ

الْعَظِيمُ پس باندگرو سر خود را و دوباره سر بسجده گذاشت و خوا

أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ

وَأُنْكَشَفَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ

وَالْآخِرِينَ مِنْ فَجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ حَوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ

نُرْوَالِ نِعْمَتِكَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا نَقِيًّا وَمِنْ

الشُّرْكِ بَرِيًّا لَا كَافِرًا وَلَا شَقِيًّا پس بر خاک نهاد و دو طرف

روی خود را و گفت عَفَرْتُ وَجْهِي فِي التُّرَابِ وَحَقِّي لِي أَنْ

أَسْجُدَ لَكَ پس رسول خدا ص بعایشه فرمود در این شب نوشته

میشود روزیها و نوشته میشود اجلها و روندگان پنج و میا مرز و خدا در این

شب از خلق بیشتر از عدد موهای قبیله کلب و میفرستد خدای تعالی
 ملائکه خود را از آسمان بسوی زمین در مکه - و روز پانزدهم روز مبارک است
 زیارت امام غائب علیه السلام واروشده است و بخواند دعای ندبه را در این
 روز که مجلسی در زاد المعاد آن را نقل نموده و گرفتن روزه ۳ روز آخر ماه شعبان
 که متصل بماه رمضان شود ثواب روزه دو ماه متوالی دارد و بروایت
 حضرت امام رضا علیه السلام که بابی الصلوات هر وی در جمعه آخر ماه شعبان
 فرمود بسیار خواندن این دعا در تقیّه این ماه مستحب است اللَّهُمَّ إِن لَّمْ
 تَكُنْ غَفْرَتَ لَنَا فَيَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فَيَا بَقِي مِنْهُ
 بدرستیکه حق تعالی در این ماه آزاد میگرداند بندگانی بسیار از آتش جهنم برای
 حرمت ماه مبارک رمضان.

ماه رمضان المبارک

عظمت آن نسبت بماههای دیگر بیشتر و احترام آن برتر است روزه
 آن در دوم ماه شعبان سال دوم هجری واجب گردید آیه شریفه کُتِبَ
 عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ فَرَوَ اٰمِدُ مُسْلِمَانِ
 متی برای روزه آن شدند در شب اول ماه رمضان المبارک صحف ابراهیم

و در شب ششم توراة و در شب شانزدهم انجیل و در شب بیست و چهارم آن
قرآن فرود آمد. و در روایت دیگر است که پس از گذشتن بیست و هجده روز ازین ما

زبور و او دنازل شد

روز سوم ماه رمضان المبارک ۲۰^{هـ} هجری نامون (بنفتمین خلیفه عباسی)

حضرت امام رضا علیه السلام را مجبور بولایت عهد نمود لباس سبز را شعار

گردانید سکه بنام آنحضرت زد و خطبه بنام جنابش خوانند در دهم ماه

سه سال قبل از هجرت خدیجه کبری در مکة وفات نمود و در حجون مدفون گردید

این سیده بزرگ خدمتها با سلام نمود جان فشانیها کرد و از هستی خود

در این راه گذشت پس یاد نمودن وی در این ماه مبارک بنماز و قرآن و دعا

و غیره موجب اجر و ثواب و اداء حقوق میباشد. در سه شنبه یازدهم

ماه سال دوم هجرت ولادت امام حسن علیه السلام در مدینه طیبه واقع

گردید در شب ولادت آنحضرت برای تعظیم شعائر الله بر روشنائی خود

افزوده و کودکان را بمقام آنحضرت آشنا نمایند. روز هفتم ماه ۲^{هـ}

هجری جنگ بدر واقع شد و مسلمانان بفتح عظیمی مفتخر شدند روز بیستم ماه

سال هشتم هجری رسول خدا ص بدون جنگ مکة معظمه را فتح نمود و اسلام

در جزیره العرب انتشار یافت چون رسول خدا ص بکده درآمد وارد کعبه شد
 نماز خواند صورتهای انبیاء را که در آن نقش نموده بودند محو نمود و فرمود
 قَاتِلِ اللّٰهُ قَوْمًا يُّصَوِّرُونَ مَا لِيُخْلِقُونَ چون بیرون آمد
 حلقه درب کعبه را گرفت و خطابه خواند در ضمن فرمود ای مردم شما را آدم و آدم
 از خاک است گرامی ترین شما نزد خدا پرستیزگارترین شما است در روایت
 دیگر است میفرماید هیچ برتری برای عرب بر عجم و نه برای سفید است بر سیاه

استهلال - و اعمال شب اول ماه

در شب اول ماه مبارک رمضان مستحب است و قول بوجوب

وارد امام صادق علیه السلام فرمود چون هلال ماه رمضان المبارک دیدی

بانگشتان خود باشاره بان نما و لکن متوجه بقبله شود دستهای خود را

بسوی آسمان بلند کن و خطاب بهلال نموده و بگو رَبِّی وَرَبُّكَ اللّٰهُ

رَبُّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اِهْلَ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیْمَانِ

وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ

بَارِكْ لَنَا فِیْ شَهْرِ نَاهِدَا وَارْزُقْنَا خَیْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا

ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ - وازواجبات در هر شب تا قبل از

صبح صادق باید نیت واقع شود. و اگر شب اول نیت کند و در هر شب تجدید نماید
 بهتر است و هرگاه نیت فراموش نمود تا قبل از ظهر اگر بیاوشش نیت کند صحیح است
 و مسافر اگر قبل از ظهر حاضر شود و مفطری نیاورده نیت روزه نماید و هرگاه بعد
 از ظهر حاضر شود قضاء آن روز واجب است. و شب اول ماه غسل استحباب
 است و سبب حفظ از خارشش است تا ماه رمضان آینده و نیز وارد است
 که یک در آب جاری غسل نموده و (۳۰) کف آب بر سر ریزد با طهارت
 معنوی تا ماه رمضان آینده خواهد ماند. و نیز زیارت امام حسین علیه السلام
 در آن شب مستحب است سبب ریخته شدن گناهای آن است و ثواب حج و عمره
 آن سال را در یابد و بعد از نماز مغرب شب اول این دعا را که از حضرت امام
 جواد علیه السلام وارد گردیده بخواند اللَّهُمَّ يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ
 وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي
 الصُّدُورُ وَرَوْحُكَ الضَّمِيرُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا
 مِنْ نَوَى فَعْمَلٍ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ شَقِي فَكَسَلٍ وَلَا مِنْ هُوَ عَلَى
 غَيْرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ اللَّهُمَّ صَحِّحْ أَيْدِيَنَا مِنَ الْعِلَلِ وَأَعِينَا عَلَى
 مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنَ الْعَمَلِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرُكَ هَذَا

وَقَدْ آدَيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَفِقْنَا
 لِقِيَامِهِ وَنَشِطْنَا فِيهِ لِلصَّلَاةِ وَلَا تَحْجُبْنَا مِنَ الْقِرَاءَةِ وَسَهِّلْ
 لَنَا فِيهِ آيَتَاءَ الزَّكَاةِ اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا وَصَبًا وَلَا تَعْبًا
 وَلَا سَقَمًا وَلَا عَطَبًا اللَّهُمَّ أَرْزُقْنَا الْإِفْطَارَ مِنْ رِزْقِكَ
 الْحَلَالِ اللَّهُمَّ سَهِّلْ لَنَا فِيهِ مَا قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ وَيَسِّرْ
 مَا قَدَّرْتَهُ مِنْ أَمْرِكَ وَاجْعَلْهُ حَلَالًا طَيِّبًا نَقِيًّا مِنَ الْأَثَامِ
 خَالِصًا مِنَ الْأَصَارِ وَالْأَجْرَامِ اللَّهُمَّ لَا تَطْعِمْنَا إِلَّا طَيِّبًا غَيْرَ
 خَبِيثٍ وَلَا حَرَامٍ وَاجْعَلْ رِزْقَكَ لَنَا حَلَالًا لَا يَشْوِبُهُ دَنَسٌ
 وَلَا آسِقَامٌ يَا مَنْ عَلَّمَهُ بِالسِّرِّ كَعَلِمَهُ بِالْإِعْلَانِ يَا مُتَفَضِّلًا عَلَى
 عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
 خَيْرُ الْهِمَمِ نَادِ كَرِّكَ وَحَبِيبُنَا عُسْرَكَ وَأَنْلِنَا يُسْرَكَ وَاهْدِنَا
 لِلرَّشَادِ وَرَفِقْنَا لِلسَّدَادِ وَأَعْصِمْنَا مِنَ الْبَلَايَا وَصُنَّا مِنَ
 الْأَوْرَارِ وَالْخَطَايَا يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ عَظِيمَ الذُّنُوبِ غَيْرَهُ
 وَلَا يَكْشِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ
 صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ صِيَامَنَا مَقْبُولًا

وَبِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى مَوْصُولًا وَكَذَلِكَ فَاجْعَلْ سَعْيًا مَشْكُورًا
 وَقِيَامًا مَبْرُورًا وَقُرْءَانًا مَرْفُوعًا وَدُعَاءَنَا مَسْمُوعًا وَاهْدِنَا
 لِلْحُسْنَى وَجَبِّدْنَا الْعُسْرَى وَتَيَسِّرْنَا لِلْيُسْرَى وَأَعْلِ لَنَا الدَّرَجَاتِ
 وَضَاعِفْ لَنَا الْحَسَنَاتِ وَأَقْبَلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَالصَّلَاةَ وَاسْمَعْ
 مِنَّا الدَّعَوَاتِ وَاغْفِرْ لَنَا الْخَطِيئَاتِ وَتَجَاوَزْ عَنَّا السَّيِّئَاتِ
 وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ الْفَائِزِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمَغْضُوبِ
 عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ حَتَّى يَنْقُضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ عَنَّا وَقَدْ
 قَبِلْتَ فِيهِ صِيَامَنَا وَقِيَامَنَا وَزَكَّيْتَ فِيهِ أَعْمَالَنا وَغَفَرْتَ
 فِيهِ ذُنُوبَنَا وَأَجْرَلْتَ فِيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصَبْنَا فِائِكَ إِلَاهُ
 الْمُجِيبُ وَالرَّبُّ الْقَرِيبُ وَأَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُجِيبٌ وَرَأْسُ شَيْءٍ
 إِنْ دَعَاكَ أَرَامُ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيِّدُهُ وَرَمَعِيحُ إِذَا قَبَالَ رَوَاتِ
 نُودُهُ نَحْوَهُ اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ مُنَزَّلَ الْقُرْآنِ هَذَا الشَّهْرُ
 رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ
 مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَأَعِنَّا عَلَى قِيَامِهِ
 اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَسَلِّمْنا فِيهِ وَتَسَلِّمْهُ مِنِّي يُسِّرْ مِنْكَ

وَمَعَا فَاتٍ وَأَجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُحْتَمُومِ وَفِيمَا
 تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا
 يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ
 حُجَّتِهِمُ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
 وَأَجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ لِي فِي عُمْرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ
 مِنَ الرِّزْقِ الْحَالِلِ - وخواندن دعای چهل و چهارم صحیفه کامله نیز مستحب
 است - و در این شب نیز بخواند اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ
 اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ
 وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا
 فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَوَاتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا
 وَدَرْ شَبِّ أَوَّلِ رَسُولِ خَدَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ابْنِ دَعَارِ مِي خَوَانِد
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِكَ أَيُّهَا الشَّهْرُ الْمُبَارِكُ اللَّهُمَّ فَقِّوْنَا
 عَلَى صِيَامِنَا وَقِيَامِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ فَلَا وَدَكَ وَأَنْتَ الصَّمَدُ فَلَا شِبْهَ لَكَ
 وَأَنْتَ الْعَزِيزُ فَلَا يُعْزِزُكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ

الْمَوْلَىٰ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمَذْنُوبُ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنَا
 الْمَخْطِئُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ
 أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجَارَ نَزْعَتِي إِنَّكَ عَلَىٰ
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وروز اول ماه غسل مستحب است و غسل در آب جاری
 و ریختن (شستنی) کف آب بر سر سبب ایمنی از جمیع دردها و بیماریهای تمام سال
 است و ریختن کفی از گلاب بر چهره در آن روز سبب دور شدن پریشانی
 و خارش است و هرگاه قدری گلاب بر سر ریخته شود در آن سال از سر سالم
 محفوظ بماند انشاء الله تعالی و دو رکعت نماز اول ماه را که در ص ۲۸۲ این کتاب
 آمده بخواند و تصدق برای سلامتی ماه کند و کسی که روز اول ماه رمضان دو رکعت
 نماز بخواند رکعت اول بعد از حمد **أَنَا فَتَحْنَا** و در دوم بعد از حمد هر سوره که بخواند بخواند
 جمیع بدیهای آن سال از او دور شود و در حفظ خدا میباشد تا سال آینده
 انشاء الله تعالی و بعد از طلوع فجر روز اول ماه رمضان بخواند **اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ**
شَهْرَ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ
هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا
عَلَىٰ صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ

مِنْكَ وَعَافِيَةٌ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و باید روزه دار کوشش کند که تمامی اعضای وی بهره از روزه گزند چشم
 و گوش و زبان و دل و سایر قسمتهای بدن را از محرمات نگاه دارد جناب
 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود چه بسیار روزه دار است که بهره از روزه ندارد مگر
 تشنگی و کرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت مگر
 خشکی پس ای عزیز چشم خود را از حرام و زبان خود را از غیبت و سایر گفتارهای بد
 و گوش را از آنچه شایسته نیست نگه دار روزه خود را بطور خلوص به پایان رسان و قسمتی
 از اوقات خود را با استغفار و ذکر و خواندن قرآن بگذران - پیغمبر اکرم ص فرمود خواندن
 یک آیه قرآن در این ماه ثواب خواندن یک ختم قرآن را دارد که در ماههای دیگر خوانده
 شود - مستحب است هر سه روز یک ختم بخواند و اگر ممکن شود روزی یک ختم بخواند بهتر
 است - و در موقع قرائت ترتیل تدبر در آیات صحت عبارات را منظور دارد - و اگر نتواند
 بخواند گوش بقرائت دیگران دهد تا ثواب آن برسد - در این ماه مبارک که شتگان خود را یاد کنند
 قرآن برای آنان و صاحبان حق و ائمه علیهم السلام بخواند البته ثواب آن بسیار خواهد بود و روزی
 خواهد آمد که مانع انتظار خیرات دیگران خواهیم که سانیکه قرآن را ندانند گوش کنند قرآن را یاد گیرند
 اگر چه چمن سال باشند تا که شفاعت قرآن نائل گردند انشاء الله تعالی

احکام افطار و سحر

مستحب است که بعد از نماز شام افطار نمودن مگر آنکه کسی در انتظار

باشد و یا آنکه ناتوان باشد و مستحب است بخرد و یا بجلو و آب و یا

آب گرم و یا رطب افطار نماید و در وقت افطار سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ**

بخواند و بگوید **اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ**

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ تا خدا عطا کند با و ثواب و هر کسی را که در این روز روزه

داشته - در روایت دیگر است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

افطار نمیزد و میگفت **بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا**

فَتَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و در لقمه اول گوید **بِسْمِ**

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي تا خدا او را

بیامزد. و مستحب است خواندن سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** - و در وقت

افطار تصدق کند و افطار دهد روزه داران را اگر چه بچند عدد خرما یا

شربتی از آب باشد - و خوردن سحری اگر چه با شامیدن آب یا

خوردن خرما باشد ترک نشود چه حق تعالی شأنه را ملائکه بر سحری خوردگان

درود میفرستند و در وقت سحر خواندن **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** ثواب بسیار دارد.

اعمال شبها و سحر ماه رمضان المبارک

مستحب است که در هر شب ماه رمضان المبارک این دعا را بخواند

که موجب آمرزش گناهان چهل ساله است اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ
رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَيَّ
عِبَادَكَ فِيهِ الصِّيَامَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَرْزُقْنِي حُجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ
وَاعْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ
يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامُ - و دعای افتتاح را که بهترین دعایمست که در شبها

ماه رمضان المبارک از امام غائب عجل الله تعالی فرجه سیده بخواند
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَجْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ
بِمَنِّكَ وَأَيَقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ
وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنَّقِمَةِ
وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ اللَّهُمَّ
أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا سَمِيعٌ مِدْحَتِي
وَأَجِبْ يَا رَحِيمٌ دَعْوَتِي وَأَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي فَكَمْ يَا إِلَهِي

مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجَتْهَا وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفَتْهَا وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَتْهَا
 وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرَتْهَا وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكَتْهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ
 وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الدُّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ
 مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا
 مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرُ
 بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ
 وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ الْإِجُودُ أَوْ كَرَمًا إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ
 الْوَهَّابُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ
 بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ
 وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذُنُوبِي
 وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسِتْرَكَ عَلَى
 قَبِيحِ عَمَلِي وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطَايَا

وَعَمْدِي أَطْعَمَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ
الَّذِي رَزَقَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَفْتَنِي
مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ أَدْعُوكَ أَمِنًا وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا
خَائِفًا وَلَا وَجِلًا مُدْلًا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ
أَبْطَاعَنِي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَاعَنِي هُوَ
خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرْمَوْهُ كَرِيمًا أَصْبَرَ
عَلَى عَبْدِي لَيْسَ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَرْوِي عَنْكَ
وَتَتَجَبَّبُ إِلَيَّ فَاتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ كَانَتْ
لِي التَّطَوُّلُ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ
إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجَدُّ
عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا لِكَ
الْمَلِكِ مُجْرِي الْفُلْكِ مُسَيِّرِ الرِّيَّاحِ قَالِقِ الْأَصْبَاحِ دَيَّانِ الدِّينِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى جَلِّهِ بَعْدَ عَلَيْهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنَاتِهِ فِي
غَضَبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ بِأَسْطِ

الرزق فالق الإصباح ذى الجلال والإكرام والفضل والإنعام
 الذى بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى
 الحمد لله الذى ليس له منازع يعادله ولا شبيهه يشاكله
 ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الأعزاء وتواضع لعظمتيه
 العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذى يجنبني
 حين أناديه ويستر علي كل عورة وأنا أعصيه ويعظم
 النعمة علي فلا أجازيه فكم من موهبة هنيئة قد
 وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة موقنة قد أراي فائتي
 عليه حامدا وأذكره مسبحا الحمد لله الذى لا يهتك
 حجابة ولا يعلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب أمله الحمد
 لله الذى يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع
 المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا
 ويستخلف آخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبدئ الظالمين
 مدرك الهاربين نكال الظالمين صريح المستصرخين
 موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله

الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاوُ وَتَسْكَنُهَا وَتَرْجُفُ
 الْأَرْضُ وَعِمَارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبَحُ فِي غَمْرَاتِهَا
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ
 هَدَانَا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ وَيَرزُقُ
 وَلَا يَرْزُقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَمَيِّتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى
 وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينَكَ
 وَصَفِيَّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ
 وَمُبْلِغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى
 وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
 وَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ
 وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ
 مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ
 رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ
 وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَيْتِكَ الْكُبْرَى وَالنَّبِيَّ الْعَظِيمِ

وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
 وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَإِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
 سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ
 عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى
 بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
 وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَّجِكَ عَلَى
 عِبَادِكَ وَأَمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَوَةٌ كَثِيرَةٌ دَائِمَةٌ اللَّهُمَّ
 وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ
 وَحُفَّةِ بَمَلَائِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا
 رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ
 وَالْقَائِمِ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ مِمَّنْ لَهُ دِينُهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ
 أَبَدًا مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمَّا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا
 اللَّهُمَّ اعِزَّهُ وَاعْزِزْ بِهِ وَأَنْصُرْهُ وَأَنْصُرْ بِهِ وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا
 عَزِيزًا وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

نَصِيرًا اللَّهُمَّ اظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا
 يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ اللَّهُمَّ
 إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ
 وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى
 طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتُرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا مِنْ الْحَقِّ فَجَمَلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ
 فَبَلِّغْنَاهُ اللَّهُمَّ الْمُسْمَى بِهِ شَعَشْنَا وَاشْعَبُ بِهِ صَدَعْنَا
 وَارْتُقُ بِهِ فَتَقْنَا وَكَثُرَ بِهِ قَلْتْنَا وَاعْرَزُ بِهِ ذَلْتْنَا وَاعْنُ
 بِهِ عَائِلْنَا وَاقْضِ بِهِ عَنْ مُغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا وَسُدِّ
 بِهِ خَلْتَنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَتَنَا وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَفَكِّ بِهِ
 أَسْرَنَا وَابْحَجْ بِهِ طَلِبَتَنَا وَابْحَرْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَاسْتَجِبْ
 بِهِ دَعْوَتَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 أَمَالَنَا وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ
 الْمُعْطِينَ إِشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَادْهَبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا
 وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي

مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانصُرْنَا بِهٖ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا
 إِلَهَ الْحَقِّ أَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ بَيْنَنَا صِلَاؤُكَ
 عَلَيْهِ وَإِلَهُ وَغَيْبَةً وَلَيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدُوِّنَا
 وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَاوِظَ ظَاهِرِ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَإِلَيْهِ وَاعْنَأْ عَلَيَّ ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تَجَمُّلُهُ وَبِضْرِّ تَكْشِفُهُ
 وَنَصْرِ تَعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقِّ تَطْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تَجَلِّلُنَاهَا
 وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 و مستحب است دعاها ئیکه برای وقت سحر وارد شده است تا جائیکه میخوانند

بخوانند مثل دعای ابو حمزه ثمالی که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام وارد
 گردیده و نیز دعائیکه از امام محمد باقر علیه السلام وارد شده است بخوانند
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهِ وَكُلِّ بَهَائِكَ
 بِحَبِيٍّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ
 كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجْلَلِهِ وَكُلِّ جَلَالِكَ جَلِيلٍ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ

بِعَظَمِهَا وَكُلِّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَارِهِ
 وَكُلِّ نُورِكَ نَيْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا وَكُلِّ
 رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتَمِّهَا وَكُلِّ كَلِمَاتِكَ
 تَامَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلِّ كَمَالِكَ كَامِلٍ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلِّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ
 بِأَعَزِّهَا وَكُلِّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ
 كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضَاهَا
 وَكُلِّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلَّتْ

بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَبِيلَةٌ إِلَيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ
 بِأَنْفَعِهِ وَكُلِّ عِلْمِكَ نَافِعٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ
 كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضَاهُ وَكُلِّ قَوْلِكَ
 رَضِيٌّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحِبِّهَا إِلَيْكَ وَكُلِّ مَسَائِلِكَ
 إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلِّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلِّ سُلْطَانِكَ دَائِمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلِّ مُلْكِكَ فَآخِرُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوكَ بِأَعْلَاهُ
 وَكُلِّ عُلُوكَ عَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعُلُوكَ كُلِّهِ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلِّ مَنِّكَ قَدِيمٌ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنْ كَلِمَةُ اللَّهِ مَا أَسْأَلُكَ مِنْ
 آيَاتِكَ بِأَكْرَمِهَا وَكُلِّ آيَاتِكَ كَرِيمَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِآيَاتِكُمْ كُلِّهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ
 وَالْجَبْرُوتِ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَحْدَهُ وَجَبْرُوتٍ وَحْدَهَا
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُحِبُّنِي حِينَ أَسْأَلُكَ فَاجِبْنِي
 يَا اللَّهُ وَخَوَانِدِنِ دَعَايَ يَا عِدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي
 وَيَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي
 وَالْمُؤَمِّنُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ خُشُوعَ الْإِيمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الدَّلِّ فِي النَّارِ
 يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
 كُفُوًا أَحَدٌ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ رَحْمَةً
 وَيَبْتَدِئُ بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَكَرَمًا بِكَرَمِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي رَحْمَةً وَاسِعَةً
 جَامِعَةً أَبْلُغُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ
 لِمَا تَبَتُّ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ

أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَن ظُلْمِي وَجُرْمِي بِجَلِيلِكَ
 وَجُودِكَ يَا كَرِيمُ يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ يَا مَنْ
 عَلَا فَلَاشَيْءٍ فَوْقَهُ وَدَنَى فَلَاشَيْءٍ دُونَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْحَمْنِي يَا فَالِقَ الْبَحْرِ لِمُوسَى اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ
 اللَّيْلَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ
 النِّفَاقِ وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ وَلِسَانِي مِنَ الْكِذْبِ وَعَيْنِي مِنَ
 الْخِيَانَةِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ يَا
 رَبِّ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ
 بِكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيبِ بِكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ
 الْمَهَارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ مَنْ يَبُوءُ لَكَ بِخَطِيئَتِهِ
 وَيَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ وَيَتُوبُ إِلَى رَبِّهِ هَذَا مَقَامُ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ
 هَذَا مَقَامُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ هَذَا مَقَامُ الْمُخْزُونِ الْمَكْرُوبِ
 هَذَا مَقَامُ الْمَغْمُومِ الْمَهْمُومِ هَذَا مَقَامُ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ
 هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرِيقِ هَذَا مَقَامُ مَنْ لَا يَجِدُ لِدَنْبِهِ

غَافِرًا غَيْرَكَ وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا إِلَّا أَنْتَ وَلَا لِهَمِّهِ مُفَرِّجًا سِوَاكَ
 يَا اللَّهُ يَا كَرِيمَ لَا تُحْرِقْ وَجْهِي بِالنَّارِ بَعْدَ سُجُودِي لَكَ وَتَعْفِيرِي
 بِغَيْرِ مَنْ مَنِّي عَلَيْكَ بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنْ وَالْمُنَى وَالْتَّفَضُّلُ عَلَى أَرْحَمِ
 أَيْ رَبِّ أَيْ رَبِّ أَيْ رَبِّ (بگوید تا آنکه نفس قطع شود) ضَعْفِي
 وَقِلَّةَ حِمْلِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَتَبَدُّدَ أَوْصَالِي وَتَنَاقُضَ لِحْمِي
 وَجِسْمِي وَجَسَدِي وَوَحْدِي وَوَحْشِي فِي قَبْرِي وَجَزْعِي
 مِنْ صَغِيرِ الْبَلَاءِ أَسْأَلُكَ يَا رَبُّ قُرَّةَ الْعَيْنِ وَالْإِغْتِبَاطَ
 يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ بَيْضَ وَجْهِي يَا رَبُّ يَوْمَ تَسْوُدُ فِيهِ
 الْوُجُوهُ أَمْنِي مِنَ الْفَرَعِ الْأَكْبَرِ أَسْأَلُكَ الْبُشْرَى يَوْمَ
 تَقْلَبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ وَالْبُشْرَى عِنْدَ فِرَاقِ
 الدُّنْيَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ عَوْنًا فِي حَيَاتِي وَأَعِدُّهُ
 دُخْرًا لِيَوْمِ فَاتِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ
 وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخِيبَ دَعَائِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ
 وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي الْحَمْدُ
 لِلَّهِ الْمُنْعِمِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمَفْضِلِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

وَيْلِي كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ
 وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَرْزُقْنِي الْيَقِينَ وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ وَأَثِّبْتُ رَجَائِكَ فِي
 قَلْبِي وَاقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَرْجُو غَيْرَكَ وَلَا
 أَتَقِيَ إِلَّا بِكَ يَا لَطِيفَ مَا يَشَاءُ الطُّفَّ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي بِمَا
 تُحِبُّ وَتَرْضَى يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَلَى النَّارِ فَلَا تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ
 يَا رَبِّ ارْحَمِ دُعَائِي وَتَضَرُّعِي وَخَوْفِي وَذُلِّي وَمَسْكَنتِي
 وَتَعْوِذِي وَتَلَوِذِي يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَنِ طَلَبِ الدُّنْيَا
 وَأَنْتَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِقُوَّتِكَ عَلَى ذَلِكَ
 وَقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ وَغِنَاكَ عَنْهُ وَحَاجَتِي إِلَيْهِ أَنْ تَرْزُقَنِي
 فِي عَامِي هَذَا وَشَهْرِي هَذَا وَيَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ
 رِزْقًا تُغْنِينِي بِهِ عَنِ تَكْلِيفِ مَائِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ
 مِنْ رِزْقِكَ الْكَلَالِ الطَّيِّبِ أَيِّ رَبِّ مِنْكَ أَطْلُبُ وَإِلَيْكَ
 أَرْغَبُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَأَنْتَ أَهْلُ ذَلِكَ لَا أَرْجُو غَيْرَكَ وَلَا
 أَتَقِيَ إِلَّا بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَيُّ رَبِّ ظَلَمْتُ نَفْسِي

فَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعَ
 كُلِّ نَوْتٍ وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَخْشَاهُ الظُّلُمَاتُ
 وَلَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَلَا يَشْغُلُهُ شَيْءٌ عَنِ شَيْءٍ
 أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ وَأَفْضَلَ
 مَا سَأَلْتُ لَكَ وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مُسْتَوْسِلٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
 وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ حَتَّى تَهَيِّئَ لِي الْمَعِيشَةَ وَأُخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ
 حَتَّى لَا تَضُرَّنِي الذُّنُوبُ اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي
 حَتَّى لَا أَسْأَلَ أَحَدًا شَيْئًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ وَارْحَمْنِي رَحْمَةً لَا تَعْدِي بِي
 بَعْدَهَا أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ
 الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا لَا تُفْقِرُنِي إِلَى أَحَدٍ بَعْدُ سِوَاكَ
 تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْرًا وَإِلَيْكَ فَاقَةٌ وَفَقْرًا وَبِكَ عَمَّنْ
 سِوَاكَ غِنًا وَتَعَفُّفًا يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ
 يَا مَلِيكَ يَا مُقْتَدِرُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي
 اللَّهُمَّ كُلَّهُ وَأَقْضِ لِي بِالْحُسْنَى وَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي

وَأَقْضِ لِي جَمِيعَ حَوَائِجِي اللَّهُمَّ يَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ تَعْسِيرَهُ
 فَإِنَّ تَيْسِيرَ مَا أَخَافُ تَعْسِيرُهُ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَسَهْلٌ
 لِي مَا أَخَافُ حُزُونَتَهُ وَنَفْسُ عَنِّي مَا أَخَافُ ضَيْقَهُ وَكَفِّ
 عَنِّي مَا أَخَافُ هَمَّهُ وَأَصْرِفْ عَنِّي مَا أَخَافُ بَلِيَّتَهُ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَمْلَأْ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً
 مِنْكَ وَتَصَدِّقًا لِقَوْلِكَ وَإِيمَانًا بِكَ وَفِرْقَانًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ
 يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ حُقُوقًا فَتَصَدَّقْ بِهَا
 عَلَيَّ وَلِلنَّاسِ قَبْلِي تَبِعَاتٌ فَحَمِّلْهَا عَنِّي وَقَدْ أَوْجَبْتَ
 لِكُلِّ ضَيْفٍ قَرِيًّا وَأَنَا ضَيْفُكَ فَاجْعَلْ قَرِيبًا لِلَّيْلَةِ الْجَنَّةَ
 يَا وَهَّابَ الْجَنَّةِ يَا وَهَّابَ الْمَغْفِرَةِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ

اعمال روزهای مبارک رمضان

و اما اعمال روزهای ماه رمضان المبارک و عبادت است که واروشد

از آنجمله است روایت از امام محمد تقی علیه السلام که مستحب است

آنکه بسیار گوئی در هر وقت از شب و روز ماه رمضان از اول ماه تا آخر

يَا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ثُمَّ يَبْقَى

وَيَفْنِي كُلَّ شَيْءٍ يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَيَا ذَا الَّذِي
 لَيْسَ فِي السَّمَوَاتِ الْعُلَى وَلَا فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى وَلَا
 فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ وَلَا بَيْنَهُنَّ إِلَهٌ يَعْبُدُ غَيْرَهُ لَكَ
 الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهِ إِلَّا أَنْتَ فَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ

و شیخ کفعمی در مصباح روایت نموده که یکم بخواند این دعا را در هر روز
 ماه رمضان می آموزد و خدا کتابان چهل ساله او را اللهم رب شهر
 رمضان الذي أنزلت فيه القرآن وأفترضت على عبائك
 فيه الصيام وأرزقني حج بيتك الحرام في هذا العام
 وفي كل عام واغفر لي الذنوب العظام فإنه لا يغفرها
 غيرك يا ذا الجلال والإكرام - و در ستهای ماه رمضان است که
 در هر روز صد مرتبه صلوات فرستد و اگر زیادتر شود افضل است در مفاتیح

از متفحص شیخ مفید آن را روایت نموده

اعمال لیالی بیض

شب سیزدهم اول لیالی بیض است و غسل در آن مستحب است

و چهار رکعت نماز در آن خواندن مستحب است در هر رکعت یک حمد و سوره
 پنج مرتبه توحید بخواند و خواندن دو رکعت نمازی که در شب ^{۱۳} سیزدهم
 رجب و شعبان خوانده میشود و سابقاً بیان شد و در هر رکعت بعد از حمد
 یس و تبارک الملك و توحید بخواند - و در شب چهاردهم ^{۱۴} این نماز را
 چهار رکعت بدو سلام بجا آورد - و در شب پانزدهم ^{۱۵} این نماز را شش
 رکعت دو دور رکعت بجا آورد مخصوصاً شب پانزدهم ^{۱۶} غسل و زیارت امام
 حسین علیه السلام مستحب است .

فضیلت شبهای قدر

شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان شب قدر
 است و عمل در آن بهتر است از هزار ماه عمل که در غیر آن شب واقع شود
 در آن شب است که مقدرات معین میگردد از رزاق و اجل محتوم میشود
 دعا و نماز در آن شب فوائد بسیار دارد مخصوصاً دعا نمودن برای خود و پدر
 و مادر و برادران و خویشان و وابستگان بلکه برای جامعه اسلامی
 و پیشوایان دین و مذہب را نباید فراموش نمود - بدیهی است که در
 اثر دعا برای خود و دیگران عمر زیاد میشود روزی وسیع میگردد و بلا دور

میشود از شر ظالم محفوظ می ماند پس در آن شب از دعا و نماز و تسبیح
 و خواندن قرآن نباید غفلت نمود در شب قدر است روح که اعظم ملائکه
 است با افواجی از ملک باذن پروردگار بر زمین فرود آیند حمد و ثنای الهی
 را که بندگان گفتند می شنوند روز نوزدهم سال ^{هجری} چهل و نهمی در موقع نماز صبح
 بود که عبدالرحمن بن طحیم مرادی بفرست شمشیر فرق مبارک جناب امیر المؤمنین
 علی علیه السلام را مجروح نمود در اثر آن ضربت جنابش در شب بیست و یکم
 ماه رمضان وفات نمود صلوات الله و سلامه علیه پس زیارت
 و سوگواری بر آن حضرت و در شب وفات آنحضرت تارک نمودن منازل
 و دکا کین خود و لوب برای یک دقیقه یا کمتر و سکوت و فکر نمودن در مناجات
 و فضائل آن بزرگوار موجب اجر و ثواب است و از تعظیم شعائر الله بشما
 می رود و بسبب آن فرزندان و کودکان و بی خبران متوجه باین امر مهم میشوند
 اعمال شبهای قدر

بیداری در شبهای قدر و مشغول بودن تسبیح و دعا و نماز سنت
 مؤکد است و بسبب آن مرزش گناهان است و در این شبها است که
 باید طلب آمرزش برای پدر و مادر و خویشان و صاحبان حق و پیشوایان

دین و غیره نمود در این شبها است که باید مشغول باذکار و تسبیح و صلوات
 گردید و بزرگ پروردگار و لهای خسته را چنانیکه در قرآن است **الْاِبْدِ كُو**
اللّٰهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوْبُ آسایش داده خواهد شد و در این شبها
 است که باید دعای عافیت و عاقبت بخیری نمود و طلب وسعت رزق
 از درگاه حق کرد - خواندن جوشن کبیر در این شبها دارد گردیده مخصوصا
 شب بیست و سوم از دو شب دیگر افضل است و غسل در این شب
 مستحب است **عَلَّامَةُ مَجْلِسِي** غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب
 بهتر دانسته است و شب بیست و سوم دو غسل دارد شده یکی
 اول شب و دیگری آخر شب و از جمله اعمال این شبها است دو رکعت
 نماز که بعد از حمد در هر رکعت هفت مرتبه **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** بخواند و بعد از
 فراغ از نماز هفتاد مرتبه **اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوْبُ اِلَيْهِ** بگوید چه در حدیث
 نبوی است کسیکه چنین کند قبل از آنکه از جای خود برخیزد و خدای تعالی او
 و پدر و مادرش را خواهد آمرزید و صد رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام
 در این سه شب وارد شده است و فضیلت آن بسیار است و آوردن
 نماز قضاء خود و یا والدین و یا دیگری را بجای آن جایز است و مقدم داشتن

واجب بر ستمی اولی است و اگر نتواند قضا و هم صدر کعت مستحی را بجا آورد

ثواب آن بیشتر خواهد بود

نابرده رنج گنج میسر نمیشود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

و از توسل نمودن بقرآن و اهل بیت علیهم السلام در این سه شب نباید

خودداری کرد پس در هر سه شب قرآن مجید را باز نموده و در مقابل چهره گرفته

و بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِيهِ

وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى وَمَا يَخَافُ وَيَرْجُو

أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عِتْقَائِكَ مِنَ النَّارِ ترجمه پروردگارا بدرستی که سوا

میکنم تو را بکتابی که فرو فرستاده شده است (بر پیغمبر ص) تو) و آنچه در آن

است و در آن است بزرگترین نام تو و نامهای نیکوی تو و آنچه سبب بیم

و امید است اینکه مرا قرار دهی از آزاد شدگان از آتش جهنم پس هر

حاجت که خواهد طلب کند نگاه مصحف را بر سر گذارد و بگوید اللَّهُمَّ بِحَقِّ

هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ

مَدْحَتَهُ فِيهِ وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدًا عَرَفُ بِحَقِّكَ

مِنْكَ ترجمه پروردگارا تو را (سوگند میدهم) بحق این قرآن و بحق کسیکه

فرستادی اور اب این قرآن و بحق ہر مومنی کہ اور امح نمودی در این قرآن
و تحقیق کہ تو بر انہا داری پس نیست کسی دانا تر از تو بحقیقہ برای تو است

پس ^{۱۰}وَدَّ مَرْتَبَةً بِكَ يَا اللَّهُ ^۹وَدَّ مَرْتَبَةً بِمُحَمَّدٍ ^۸وَدَّ مَرْتَبَةً بِعَلِيٍّ
وَدَّ مَرْتَبَةً بِفَاطِمَةَ ^۷وَدَّ مَرْتَبَةً بِالْحَسَنِ ^۶وَدَّ مَرْتَبَةً بِالْحُسَيْنِ ^۵وَدَّ
مَرْتَبَةً بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ^۴وَدَّ مَرْتَبَةً بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ^۳وَدَّ مَرْتَبَةً
بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ^۲وَدَّ مَرْتَبَةً بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ^۱وَدَّ مَرْتَبَةً
بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى ^{۱۰}وَدَّ مَرْتَبَةً بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ^۹وَدَّ مَرْتَبَةً بِعَلِيِّ بْنِ
مُحَمَّدٍ ^۸وَدَّ مَرْتَبَةً بِالْحَسَنِ ^۷وَدَّ مَرْتَبَةً بِالْحُجَّةِ ^۶پس
ہر حاجت داری طلب کن امید است کہ مستجاب شود ان شاء اللہ تعالیٰ

زیارت حضرت امام حسین علیہ السلام در این شبہا فضیلت بسیار
دارد می آموزد خدا ہر کسی را کہ در این شبہا زیارت آنحضرت را نماید و در
زیارت آنحضرت بگوید ^{۱۰}السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ ^۹السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بِنَ الْمُؤْمِنِينَ ^۸السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ الصِّدِّيقَةِ
الطَّاهِرَةِ ^۷فَاطِمَةَ ^۶سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ^۵السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَوْلَايَ ^۴يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ^۳وَمَرْحَمَةَ اللَّهِ ^۲وَبَرَكَاتَهُ ^۱أَشْهَدُ أَنَّكَ

قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
 حَقَّ جِهَادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا حَتَّى
 آتَيْتَ الْيَقِينَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ وَالَّذِينَ
 خَذَلُوكَ وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ
 وَقَدْ خَابَ مِنْ أَفْتَرِي لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ
 الْأُولَى وَالْآخِرِينَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ أَلَيْمًا تَيْتُكَ
 يَا مُوَلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا
 لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الدِّينِيَّةِ
 أَنْتَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

پس چسپان خود را بر قبر و روی خود را بر آن گذار پس میروی بجانب سر
 مقدس و میگوئی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
 وَسَمَائِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ
 وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مُوَلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس چسپان
 خود را بر قبر و بوس آنرا و بگذار صورت خود را بر آن و بگرد بجانب سر پس دو

رکعت نماز زیارت گذار و نماز کن بعد از آن دو رکعت آنچه میسر شود و ترا پس از آن
 برو سمت پاو زیارت کن علی بن الحسین علیهما السلام را و بگو السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 لعن الله من ظلمك ولعن الله من قتلک وضاعف
 عليهم العذاب الالیم و دعا کن با آنچه میخوای پس زیارت کن شهدا
 را در حالیکه میل کنی از سمت پا بطرف قبله پس بگو السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا
 الصِّدِّيقُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الصَّابِرُونَ
 أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْآذَى
 فِي جَنبِ اللَّهِ وَنَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ
 أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَرْزُقُونَ فِجْزَاكُمْ اللَّهُ عَنِ
 الْإِسْلَامِ وَأَهْلِيهِ أَفْضَلُ جِزَاءِ الْمُحْسِنِينَ وَجَمَعَ بَيْنَنَا
 وَبَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ پس میروی زیارت عباس بن امیر المؤمنین
 علیهما السلام همینکه رسیدی آنجا و ایستادی نزد آنجناب بگو السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ
 الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ

وَصَبَرْتُ حَتَّى أَتَكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ
 مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالْحَقَّهُمْ بِدُرِّ الْجَحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کند در مسجد آنجناب هر چه خواهد و بیرون رود البته دو رکعت نماز زیارت

ترک نشود. و در این شبها خواندن این دعا وارد است اللَّهُمَّ

إِنِّي أَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي

نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا أَصْرِفُ عَنْهَا سُوءَ الشَّهْدِ بِذَلِكَ

عَلَى نَفْسِي وَأَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ

جِيلَتِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْجِزْ

لِي مَا وَعَدْتَنِي وَجَمِّعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

مِنَ الْمَغْفِرَةِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ

مَا أَتَيْتَنِي فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ الْمُهَيَّبُ اللَّهُمَّ

لَا تَجْعَلَنِي نَاسِيًا لِدِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي

وَلَا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا لِإِسَاءَةِ

مِنْ إِجَابَتِكَ وَإِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي فِي

سَرَّاءَ أَوْ ضَرَّاءَ أَوْ شِدَّةَ أَوْ رِخَاءَ أَوْ عَافِيَةَ أَوْ بِلَاءَ أَوْ بُوسَ أَوْ
نَعْمَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَمَخْصُوصًا وَرَشِبَ نَوْزُ وَهَمَّ كَمَا شَبَّ قَدْ
أَوَّلَ اسْتَضْمَرْتَهُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وَصَدَّقْتُ
مَرْتَبَةَ اللَّهِ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ كَبُودٍ وَنَحْوَانِذَا الَّذِي
كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ چنانکه در ص ۳۶۹ بیان
شَدِيسَ كَبُودِ اللَّهِ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ
الْمَحْتَمِومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
وَفِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ
حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّاهُمْ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ
الْمَغْفُورِ ذُنُوبِهِمْ الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَاجْعَلْ
فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ فِي
رِزْقِي أَنْ وَقْتُ حَاجَتِي خُودِ رَا نَحْوَاهُ - وَايْنِ دَعَارَا كَمَا وَرَشِبَ بَيْتِ كَيْمِ
وَارِدِ كَرْدِيدِهِ وَازْ كَفَعِي نَقْلَ شَدِّهِ مِيخَوَانِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي جِلْمًا يَسُدُّ عَنِّي بَابَ الْجَهْلِ وَهَدِّ
تَمَنُّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ ضَلَالَةٍ وَغِنِّي تَسُدُّ بِهِ عَنِّي بَابَ كُلِّ

فَقِيرٌ وَقُوَّةٌ تَرُدُّ بِهَا عَنِّي كُلَّ ضَعْفٍ وَعِزًّا تُكْرِمُنِي بِهِ عَنْ كُلِّ
 ذُلٍّ وَرِفْعَةً تَرْفَعُنِي عَنْ كُلِّ ضَعْفَةٍ وَأَمْنًا تَرُدُّ بِهِ عَنِّي كُلَّ
 خَوْفٍ وَعَافِيَةٍ تَسْتُرُنِي بِهَا عَنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَعِلْمًا تَفْتَحُ لِي بِهِ
 كُلَّ يَقِينٍ وَيَقِينًا تَذْهَبُ بِهِ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَدُعَاءً
 تَبْسُطُ لِي بِهِ الْإِجَابَةَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ
 السَّاعَةِ السَّاعَةِ السَّاعَةِ يَا كَرِيمٌ وَخَوْفًا تَنْشُرُنِي بِهِ كُلَّ
 رَحْمَةٍ وَعِصْمَةٍ تَحُولُ بِهَا بَيْنِي وَبَيْنَ الذُّنُوبِ حَتَّى أُفْلِحَ
 بِهَا عِنْدَ الْمُعْصُومِينَ عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 وَابْنَ دَعَائِرٍ وَارْدَاةً يَا مُوَلِّجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَمُوَلِّجَ
 النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ
 مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
 يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
 وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
 فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ

وَإِسَائِي مَغْفُورَةٌ وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرَ بِهِ قَلْبِي
 وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَإِنَّا
 فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ
 وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 وَدَرْ شَبِّ بَيْتِ ^{۲۳} وَسُومٍ مَخْصُوصًا خَوَانِدَن سُوْرَةُ عَنكَبُوتٍ وَرُومٍ وَارِدُ شَدِّ
 اِمَامٍ صَادِقٍ عَ فَرَسُو كَسِيكُم بِخَوَانِدَ اِيْن دُو سُوْرَةُ رَا دِر اِيْن شَبِّ اَز اِيْن بَهْشْت
 اِسْت وَخَوَانِدَن سُوْرَةُ دَخَانٍ دِر اِيْن شَبِّ مَسْتَحَبَّ اِسْت وَخَوَانِدَن
 بِهَر اِمْرْتَبَه سُوْرَةُ اِنَا اَنْزَلْنَاهُ وَارِد اِسْت وَبِخَوَانِدَ اَللّٰهُمَّ اَمْدُدْ لِي
 فِي عُمْرِيْ وَارْوَ سِعْ لِي فِي رِزْقِيْ وَارْحَمْ لِي جِسْمِيْ وَبَلِّغْنِي
 اَمَلِيْ وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَاخْجِنِيْ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ وَاَكْتِنْنِيْ
 مِنَ السُّعْدَاءِ فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰى نَبِيِّكَ
 الْمُرْسَلِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَحْوِي اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُشِدُّ
 وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ وَمَسْتَحَبَّ اِسْت دَعَايِ شَبِّ بَيْتِ ^{۲۳} وَسُومٍ
 رَا بَخَوَانِدَ يَا رَبِّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرِ

وَرَبِّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبَحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ
 وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِيُّ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا
 اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
 يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ
 وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
 تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ
 الشُّهَدَاءِ وَأِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ
 لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشُّكَّ عَنِّي وَيَرْضِيَنِي
 بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتِنَانِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
 وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَالْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ
 وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ
 لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَابْنَ وَعَاكَه دَرْمِشْبَازِوَهُ
 أَخُوهُ رَمَضَانَ الْمُبَارَكَ مِنْ حَضْرَتِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَارِدُ كَرِيمِ نَجْوَانِ
 أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ
 أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَلَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَةٌ

تَعَذِّبُنِي عَلَيْهِ - وَنِيرِ نَجْوَانِدِ دَعَايِ وَهَيْهٖ اٰخِرًا كِهٖ وَرِهٖ شَبِّ اَرْحَضْت
صَادِقٌ عَ وَارِدٌ كَرِيْمٌ اَللّٰهُمَّ اِدْعِنَا حَقَّ مَا مَضٰى مِنْ شَهْرِ
رَمَضَانَ وَاغْفِرْ لَنَا تَقْصِيْرَنَا فِيْهِ وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا مَقْبُوْلًا
وَلَا تُؤَاخِذْنَا يَا سِرَافِنَا عَلٰى اَنْفُسِنَا وَاجْعَلْنَا مِنْ
الْمُرْحُوْمِيْنَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ الْمَحْرُوْمِيْنَ - وَرِشْبِ بَيْتِ
وَدُوْمِ نَجْوَانِدِ يَا سَالِحَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَاِذَا حَنَّ مَظْلِمُوْنَ
وَمَجْرِيَّ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيْرِكَ يَا عَزِيْزُ يَا عَلِيْمُ
وَمُقَدِّرُ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتّٰى عَادَ كَالْعُرْجُوْنِ الْقَدِيْمِ يَا نُورَ
كُلِّ نُوْرٍ وَمُنْتَهٰى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اَللّٰهُ يَا
رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ يَا قُدُّوْسُ يَا اَحَدٌ يَا وَاْحِدٌ يَا فَرْدٌ يَا اَللّٰهُ
يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ الْعُلِيَّا
وَالْكِبْرِيَّا وَالْاَلَاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ
بَيْتِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِيْ فِيْ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ
وَرُوْحِيْ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِيْ فِي عِلِّيِّيْنَ وَاِسْمَائِيْ
مَغْفُوْرَةً وَاَنْ تَهَبَّ لِيْ يَقِيْنًا تَبَا شَرِيْهٖ قَلْبِيْ وَاِيْمَانًا

يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتَرْضِينِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتِنَانِي فِي
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - وَرَشَبَ بِمَيْتِ^{٢٤} وَجْهَارِمْ أَيْنَ دَعَارِ ابْنِ خَوَانِدِ يَا
فَالِقَ الْإِصْبَاحِ وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
حُسْبَانًا يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمُنِّ وَالطَّلُولِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ
وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ
يَا اللَّهُ يَا فَرْدُ يَا وَتَرُ يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ
وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَجْعَلَ أَسْبِيَّ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ
الشُّهَدَاءِ وَأَحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ
تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشَرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يَذْهِبُ بِالشَّكِّ
عَنِّي وَرِضَى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتِنَانِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

الْآخِرَةَ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ
 وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا
 وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 وَوَرَشِبَ بِمَيْتٍ ^{٢٥} وَنَحْمِ ابْنَ دَعَا وَارِدَا سِتْ يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا
 وَالنَّهَارِ مَعَاشًا وَالْأَرْضِ مَهَادًا وَالْجِبَالِ أَوْقَادًا يَا اللَّهُ يَا
 قَاهِرُ يَا اللَّهُ يَا جَبَّارُ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعُ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبُ يَا اللَّهُ
 يَا مُجِيبُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
 وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
 فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَأُحْسِنِي فِي عِلِّيِّينَ
 وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَّ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي
 وَإِيمَانًا يَذْهَبُ الشَّكَّ عَنِّي وَيَرْضَى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتِنَانِي
 فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 الْحَرِيقِ وَأَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
 وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَدَرِ شَبِّ بَيْتٍ^{۲۶} وَنَفْتَمُ نِيْزِ غَسْلِ وَارِدَا سِتِّ وَايْنِ دَعَا
 اَرْحَضَتْ اِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتٌ شَدِيْدَةٌ كَمَا اَزْ اَوَّلِ اِيْنِ
 شَبِّ تَاْخِرَانَ مِيْخْوَانِدُ اللّٰهُمَّ اَرْزُقْنِيْ التَّجَاوِيْ عَنِ دَارِ الْغُرُوْرِ
 وَالْاِيْنَابَةِ اِلَى دَارِ الْخُلُوْدِ وَالْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ
 حُلُوْلِ الْقُوْتِ - رُوْزِ جَمْعَةِ اَخْرَمَاهُ مَبَارَكٌ اِيْنِ دَعَا اَزْ جَابِرِ رَسُوْلِ خُدَا
 صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَارُوْثٌ شَدِيْدٌ كَمَا خُوَانِدُنْ اَنْ مَسْتَحْبٌّ اَسْتِ -
 رَسُوْلُ خُدَا صَ فَرَمُوْ كَسِيْكَ مِيْخْوَانِدُ اَنْ رَا سَبَبٌ رَسِيْدُنْ بَاهُ رَمَضَانَ اِيْنِدُ
 وَيَا اَمْرُشْ وَرَحْمَتُ خُدَا اَسْتِ اَكْرَارُوْ نِيَارُوْوْ اللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اَخْرَ
 الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا اِيَّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاَجْعَلْنِيْ مَرْحُوْمًا
 وَلَا تَجْعَلْنِيْ مَحْرُوْمًا - وَدَرِ شَبِّ اَخْرَمَاهُ رَمَضَانَ غَسْلُ وَرِيَارَتِ اِمَامِ
 حَسِيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَارُوْثٌ اَسْتِ وَصَدْمَةٌ رَتَبَةٌ اَسْتِغْفِرُ اللّٰهَ وَآتُوْبُ
 اِلَيْهِ بَكُوِيْدُ مَسْتَحْبٌّ اَسْتِ خُوَانِدُنْ سُوْرَةُ النّٰعَامِ وَكُهْفِ وَيْسِ -
 وَنِيْخُوَانِدُ رَا اِيْنِ شَبِّ دَعَايْ رَا اَكْ اَزْ اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتٌ شَدِيْدَةٌ
 اللّٰهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيْ اَنْزَلْتَ فِيْهِ الْقُرْآنَ
 وَقَدْ تَصَرَّمْتَ وَاَعُوْذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ يَا رَبِّ اَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ

مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ تَصَرَّمْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَلَكَ قَبْلِي
 تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامِ -
 وزیر از آنحضرت واروشده که بخواند اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
 الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ
 يَطَّلِعَ فُجْرُهُ هَذِهِ اللَّيْلَةَ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي مِنْ آمْرٍ وَخَلَا

اورا پیش از آنکه صبح کند و روزی نماید اورا توبه و انابه

اعتكاف واحكام ان

مقصود از اعتكاف بسر بردن روزه دار است سه روز یا بیشتر در مسجد

جامع بقسمیکه بیان میشود - اعتكاف در دهه آخر ماه رمضان مستحب است

چنانیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و برخی از صحابه همه ساله اعتكاف

مینمودند - و اعتكاف مستحب مؤکد است ولی بنزد و عهد و قسم واجب

میشود - و اعتكاف در وقتیکه روزه در آن صحیح است جایز است و افضل ماه

رمضان است - و افضل آن دهه آخر است - و شرط در اعتكاف بلوغ

عقل و ایمان و خالی بودن از حیض و نفاس و آنکه در مسجد جامع واقع شود

و بهتر آنست که در یکی از چهار مسجد باشد مسجد الحرام و مسجد پیغمبر، مسجد کوفه

مسجد بصره که در آن جناب امیر المؤمنین علی علیه السلام نماز خوانده و امروز
 مجور و از شهر دور است - و هرگاه اعتکاف در غیر ماه رمضان واقع شود باید
 معتکف روزه بگیرد و اقل آن سه روز است پس شخص میتواند مکرراً در
 مسجد معتکف شود و باین قسم که سه روز بعنوان اعتکاف نیت نموده و در
 مسجد بماند و روزه بگیرد - و باید معتکف نیت قربت کند. و نیت باید قبل
 از فجر واقع شود و نمیتواند در این سه روز از مسجد خارج شود مگر برای امر
 ضروری و یا قضاء حاجت مؤمن - و در اعتکاف مستحب روز اول دو رکعت
 میتواند بهم زندگی چون دو روز روزه گرفت و ماند روز سوم را واجباً باید تمام کند

ماه شوال

و همین ماه اسلامی است - شب اول آن شب عید فطر است
 و مستحب است خواندن دعای طلال وقت دیدن ماه - غسل مستحب است
 زیارت امام حسین ع در آن شب فضیلت بسیار دارد و مستحب است
 که بعد از نماز مغرب و عشاء و نماز صبح و نماز عید این تکبیرات خوانده شود :-
 اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
 اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَيْنَا

وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَيْنَا وَتَكَرَّرَ أَنْ بَعْدَ نَمَازِهَا بِقَدْرِ امْكَانِ سَجْدَتِ

است - و سجدت است که پس از نماز مغرب و نافله آن دستها را بلند نمود

وَيَقُولُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّلُولِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ

وَنَاصِرَهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي

كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

پس بسجده رفته و صد مرتبه بگوید آتوبُ إِلَى اللَّهِ آنگاه حاجتهای خود را

از خدا بخواهد انشاء الله بر آورده خواهد شد - و در این شب دو رکعت

نماز وارد گردیده رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

و در رکعت دوم بعد از حمد یک مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند و بعد از

سلام سر بسجده نهاده و صد مرتبه بگوید آتوبُ إِلَى اللَّهِ آنگاه بگوید

يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّلُولِ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ آنگاه حاجت

خود را از خدا بخواهد - در حدیث است که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هر که

این نماز را بجا آورد هر حاجت که از خدا طلب کند بوی عطا خواهد شد انشاء الله تعالی

و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه صد مرتبه توحید نیز وارد شده است

پس از ثابت شدن هلال شوال زکوة فطره بر هر مکلف عاقل قادر واجب
 میشود که از طرف خود و هر کس که در عیالات وی داخل میباشد بدو ^{تفصیل}
 آن در باب زکوة بیان خواهد شد انشاء الله تعالی

روز اول ماه شوال که عید فطر است روز بسیار مبارکی است و از
 اعیاد بزرگ اسلامی است و روزه آن حرام است غسل در این روز مستحب
 است و وقت آن از فجر صادق است تا وقت نماز عید و کیفیت نماز عید در
 باب نمازهای واجبی بیان گردید و ناممکن است این نماز ترک نشود چه آوردن
 آن یکی از آثار بزرگ اسلامی است و سبب تولید روابط و تقویت اجتماع
 و تظاهر شکوه ملی است - قبل از رفتن نماز خواندن این دعا مستحب
 است اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأْتُ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأُ أَوْ أَعَدَّ
 وَأَسْتَعَدَّ لِيَوْمِ فَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءُ يَرْفُدُهُ وَنَوَافِلِهِ
 وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئْتِي
 وَتَعَبَّئْتِي وَإِعْدَادِي وَأَسْتَعِدَّادِي رَجَاءُ يَرْفُدُكَ
 وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَفَضَائِلِكَ وَعَطَايَاكَ
 وَقَدْ غَدَوْتُ إِلَى عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ وَلَمْ أَفِدْ إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ
 اتَّقِيهِ قَدَمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ أَقْلَتُهُ وَلَكِنْ
 اتَيْتُكَ خَاضِعًا مُقِرًّا بِذُنُوبِي وَإِسَائِتِي إِلَىٰ نَفْسِي يَا
 عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِي الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا
 يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْآلَاءِ أَنْتَ يَا

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ودر این روز پوشیدن لباسهای نیکو و پاکیزه
 و خوشبو نمودن خود و سنت میباشد. مستحب است که پیش از نماز عید

ناشتا خورده شود و ناشتا شیرینی و یا خرما وارد گردیده. و بعد از نماز

عید خواندن دعای چهل و ششم صحیفه سجادیه وارد است. و نیز زیارت

امام حسین علیه السلام در این روز مستحب است. و روزه شش روز

متوالی بعد از عید مستحب است.

برخی از وقایع تاریخی این ماه

در این ماه واقعاتی چند رخ داده که بیان آن خالی از مناسبت نیست.

روز هفتم ماه شوال ۳ هجری جنگ احد واقع گردید و حمزه عموی پیغمبر

در این روز شهید شد و نیز غزوه خندق در ماه شوال ۵ هجری

واقع گردید - روز دهم ماه ۳۲۹ غیبت کبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه
 واقع شد - روز پانزدهم شوال عذاب بر قوم یونس فرود آمد و توبه
 و انابه آنها قبول شد و عذاب مرفع گردید - و نیز روز پانزدهم ماه شوال
 آفتاب برای علی علیه السلام برگشت - برگشتن آن را علمای شیعی و شیعی
 روایت نموده اند - از آن جمله احمد بن حجر حنفی مکی در کتاب صواعق المحرقة طبع
 مصر صفحه ۸۸ روایت نموده اند

ماه شوال - اول هجری زفاف رسول خدا ص با ام المؤمنین عائشه
 واقع گردید - و نیز از و اج رسول خدا ص با ام المؤمنین ام سلمه و ام المؤمنین
 یمنون و واقع شد - ام سلمه نامش هندی و یکی از زنان بزرگ اسلام است
 که بسیار علاقمند بخانواده رسالت میبود در عمر هشتاد و سه سالگی در شوال ۶۲
 وفات نمود و در بقیع دفن شد در آخر ماه شوال عذاب بر قوم یهود فرود
 آمد و در ۳۱ قبل از هجرت یهود وفات نمود

ماه ذیقعدة الحرام و برخی از وقایع تاریخی آن
 ماه ذیقعدة یکی از چهار ماه حرام است که خدا جنگ را در آن حرام گردانید
 در اول این روز خدا موسی بن عمران را برای شبی بطور خواند و بچهل شب

به پایان رسید - رسول خدا صلی الله علیه وآله در دو شنبه غره ذیقعدة
 الحرام عتسه شش برای عمره بمکه روانه گردید چون بحدیثیه نه میلی مکه رسید
 کفار قریش مانع گردیدند - همراهان آنحضرت که در حدود ^{نقلا} هزار و پانصد نفر
 بودند از جهت کمی آب فشار آمد رسول خدا ص تیری بجای فرورد بمعجزة آنحضرت
 آب بجوشید و باندازه بالا آمد که مردم بدست آب از چاه میگرفتند اصحاب
 رسول خدا ص با آنحضرت در زیر شجره رضوان بیعت بجان برای مقابل با قریش
 نمودند - آیه شریفه لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ (سور فتح
 آیه ۱۸) فرود آمد صلح با کفار واقع شد و بدون آنکه عمره بجای آورند
 مراجعت بمدینه نمودند و بر حسب صلح سال دیگر در ماه ذیقعدة رسول خدا
 صلی الله علیه وآله وسلم با دو هزار نفر روانه مکه گردید و عمره القضا را بجا آورد
 روز یازدهم ماه ۱۴۸ هـ حضرت امام رضا ع در مدینه طیبه متولد شد -
 شب ولادت آنحضرت را باید احترام نمود خانها و دکانهای خود را روشنایی
 برای پنج دقیقه یا زیاده نمایند که موجب تعظیم شعائر الله و تربیت کودکان است
 بر محبت اهل بیت که آن رکن ایمان است - روز بیست و پنجم ماه زمین
 از زیر کعبه پهن شد و مثل آن روز آدم ابوالبشر ع در سندیب هندی (سیلان)

از بهشت فرود آمد و بروایت حضرت امام رضا ع در آن روز ابراهیم و عیسی ع
 متولد گردیدند پنج روز با خرم ماه مانده ساله ده هجری رسول خدا ص بحجۃ الوداع
 تشریف برد و این آخرین حج بود که رسول اکرم ص بجا آورد و روز آخر ذیقعد
 ۲۲۰ سنه دو سیت و بیست هجری حضرت امام محمد جواد (امام محمد تقی) در عمر
 بیست و پنج سالگی در بغداد بزم معتصم هشتمین خلیفه عباسی شهید گردید -
 روضه مقدسش در حرم کاظمین پشت سر جدش حضرت موسی بن جعفر
 علیهما السلام میباشد - در شب وفات آنحضرت چراغهای خود را بسایه مظلوم^{مست}
 آنحضرت خاموش کنید کویکان و بی خبران را بان توجه دهید تا مشمول مراحم
 پروردگار شوید انشاء الله تعالی

برخی از اعمال ماه ذیقعد الحرام

سید بن طاووس در کتاب اقبال روایت نموده که در روز یکشنبه ماه
 ذیقعد مستحب است غسل نموده و چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام
 بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد و یک مرتبه
 قل اعوذ برب الناس و یک مرتبه قل اعوذ برب الفلق بخواند
 بعد از نماز بنفاد مرتبه استغفار کند - آنگاه بگوید لا حول ولا قوة الا

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس بگوید يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ اغْفِرْ لِي
ذُنُوبِي وَذُنُوبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَإِنَّهُ لَا
يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ سید از رسول خدا ص از برای این

تا از فضائل بسیار نقل نموده از آن جمله است که فرمود هر که آن را بجا آورد

توبه اش قبول میشود گناهش آمرزیده میگردد و از زیر عرش آواز

داوده خواهد شد که ای بنده خدا بر تو و بر اهل و ذریه توبرکت داوده شد

و منادی دیگری ندا میکند ای بنده خصمان تو روز قیامت از تو راضی

خواهند گردید و خدا خواهد بخشید تو را و پدر و مادر و ذریه تو را و تو در آسایش

روزی خواهی بود در دنیا و آخرت جبرئیل او را ندا کند که من باملك الموت

(در وقت مردن تو) خواهم آمد و او را امر کنم که مدارا کند با تو و بتو رساند

اثر مرگ را و روح تو بیرون آید باسانی از بدن تو - برخی عرض کردند بجا

آوردن این عمل در غیر این ماه همین ثواب برای او خواهد بود و پیغمبر اکرم ص

فرمود همین ثواب برای خواهد بود

شب پانزدهم از شبها نیست که عبادت در آن مستحب است

و وارد شده است که در آن شب خدا بنظر رحمت بسوی بندگانش توجه

نماید و بعبادت کنند در آن شب ثواب صد نفر صالح یعنی روزه دار
 که ملازم مسجد باشد که معصیت نکرده باشد خدا را باندازه چشم بر هم زودنی
 بعضی از روایات است که هر حاجتی که در این شب طلب کنند خدا خواهد داد
 زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و سوم ماه اردو روز ^{۲۳}
 مستحب است پس ترک نشود. و سید بن طاووس در اقبال آنرا نقل نموده
 و نیز در مفاتیح از رساله اربعه ایام مرحوم میرداماد نقل نموده که زیارت
 حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و پنجم ^{۲۵} که روز وحوالارض است
 افضل اعمال مستحبه و اکداو اب مسنون است و هم چنین زیارت آنحضرت
 روز اول ماه رجب مؤکد است و غسل در آن روز مستحب است و شب آن از
 شبهای متبرکه است عبادت در آن مستحب مؤکد است کسی که خدا را در
 آن شب بندگی و روز آن را روزه دارد برای او عبادت صد سال نوشته
 شود مخصوصاً روزه این روز ثواب شصت ماه روزه را دارد. و در روایت
 دیگر است که ثواب هفتاد سال عبادت دارد و در این روز رحمت خدا
 بر بنده گان نازل میشود. و دو رکعت نماز در وقت چاشت وارد است هر
 رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره و اشمس بخواند و بعد از سلام بگوید لا حول

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَظِيمِ پس دعا کند و بخواند يَا
 مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ اِقْلِنِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ
 اَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِي
 وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي وَمَا عِنْدِي يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ - وروزه بیست و نهم ماه مستحب مؤکد است و ثواب
 آن مطابق با هفتاد سال روزه را دارد.

در اعمال ماه ذالحجه الحرام و بیان فضیلت آن

ذیحجه دو از دو بعین ماه سال اسلامی است و از ماههای شریف
 است - و هه اولش ایام معلومات است که در قرآن آمده و از شب اول
 تا شب دهم دو رکعت نماز باین مغرب و عشاء وارد گردیده - در هر رکعت
 بعد از حمد یک مرتبه توحید و آیه و وَاَعِدْ نَامُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً
 وَآتَمَّنَّا هَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً
 وَقَالَ مُوسَى لِاَخِيهِ هَارُونَ اَخْلُفْنِي فِي قَوْمِي
 وَاصِلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ را بخواند سیکه چنین

کند با ثواب حاجیان شریک خواهد بود - روزه نه روز اول آن ثواب روزه

تمام عمر را دارد - و روزه دهم آن حرام است و مخصوصاً بروایت امام کاظم
صلوات الله علیه روزه اول ماه و یحیی که روز بسیار مبارک است ثواب ششاد

ماه روزه دارد - و خواندن نماز حضرت زهراء علیها السلام در این روز مستحب

است و آن چهار رکعت است بدو سلام مثل نماز حضرت امیر المؤمنین ع در

هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و بعد از سلام تسبیح حضرت زهراء

صلوات الله علیها بخواند نگاه بگوید سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ

الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ

ذِي الْمَلِكِ الْفَاحِشِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ

فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ

سُبْحَانَ مَنْ هُوَ كَذَاوَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ - و وارو است که هر که از

ظالمی تبرسد در این روز بگوید حَسْبِيَ حَسْبِيَ حَسْبِيَ مِنْ سُوَالِي

عَلَيْكَ يَا حَالِي حَقَّ تَعَالَى كَفَايَتِ شَرِّ ظَالِمٍ رَا اَزَاوَيْنَايِد - و در روز اول

نیز دو رکعت نماز وارو است که پیش از زوال به نیم ساعت بخواند - در هر

رکعت حمد یک مرتبه و توحید و آیه الکرسی و قدر را ده مرتبه بخواند و مستحب است

در هر روز از ده اول این پنج دعا را که جبرئیل ع برای حضرت عیسی ع آورد بخواند
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ
 الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 (۲) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَحَدًا
 صَدًّا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳) أَشْهَدُ أَنْ لَا
 إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَحَدًا صَدًّا لَمْ يَلِدْ
 وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
 يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵) حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى سَمِعَ اللَّهُ
 لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا
 وَأَنَّهُ بَرِيٌّ مِمَّنْ تَبَرَّءَ وَأَنَّ لِلَّهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى - پس
 حضرت عیسی ع ثواب بسیاری نقل کرد برای خواندن هر یک از این پنج دعا
 راضد مرتبه و دور نیست چنانکه علامه مجلسی رفته فرموده اگر کسی هر روز هر یک از این
 دعا را راضد مرتبه بخواند عمل بروایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک راضد مرتبه

نخواند بهتر خواهد بود - و نیز مستحب است در هر روز این ^{نیل} ده تهلیلات را که

منقول است از حضرت امیر المؤمنین ع و ثواب آن بسیار است بخواند

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَاللَّهْوِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 عَدَدَ أَمْوَاجِ الْخَوَاصِرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا
 يَجْمَعُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشُّوكِ وَالشَّجَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدْرِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعَيْونِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ
 إِذَا عَسَعَسَ وَفِي الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ
 الرِّيحِ فِي الْبَرَارِيِّ وَالصُّخُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلَى
 يَوْمٍ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ

روز هشتم روز ترویبه است غسل در این روز مستحب است

در روزه آن ثواب شصت سال روزه دارد و شب نهم از شبهای تیره که

است و شب دعا و توبه و مناجات است - در آن شب است که حاجیان

در منی مجتمع و در بندگی خدا شب را بسر برند ثواب عبادت در این شب که شب

عزفه است مقابل هفتاد سال عبادت است و خواندن دعای ^{نیل} اللَّهُمَّ يَا

شاهد کل نجوی که در شبهای جمعه نیز خوانده میشود مستحب است -
 زیارت امام حسین علیه السلام در این شب مستحب است و کسیکه
 آنحضرت را در کربلا زیارت کند و تا روز عید بماند خدا او را از شر آن سال نگاه
 میدارد - روز نهم که روز عرفه است از اعیاد عظیمه اسلامی است اگر چه مشهور
 بعید نیست ولی در این روز روزه و عبادت مستحب مؤکد است مگر کسی که روز
 او را از اعمال آن روز مانع شود پس ترک روزه نموده و بعبادت مشغول شود -
 غسل زیارت امام حسین ع در این روز مستحب مؤکد است و ثواب آن
 مقابل است با هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد بلکه بالاتر از آن و در زیر قبه مقدسه
 آنحضرت بودن ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات باشد نیست - مستحب است
 که بعد از نماز عصر قبل از آنکه مشغول دعا های عرفه شود دو رکعت نماز زیر آسمان
 بجا آورد اعتراف بگناهان خود کند تا بثواب اهل عرفات فایز شود و گناهانش
 آمرزیده گردد و آنگاه با اعمال و ادعیه که از حج طاهره صلوات الله علیهم
 اجمعین رسیده مشغول شود - در این روز وارد است که چون از نماز ظهر و عصر
 فارغ شود دو رکعت نماز بجا آورد رکعت اول بعد از حمد و توحید و در رکعت دوم
 بعد از حمد قل یا ایها الکافرون بخواند شب و نیم از لیالی متبرکه است

نذره داشتن آن شب برای عبادت مستحب است زیارت امام حسین
 علیه السلام در این شب سنت مؤکد است و روز دهم که روز عید قربان است
 غسل سنت است و بعضی واجب گفته اند و در این روز آوردن نماز عید
 با جماعت از شعائر بزرگ اسلام است. و کیفیت نماز عید در باب نماز آمده
 و خواندن این تکبیرات عقب پانزده نماز برای کسانی که در منی میباشند و عقب
 ده نماز برای کسانی که در غیر آن میباشند مستحب است و شروع آن از نماز ظهر
 عید است تا نماز صبح روز دوازدهم برای کسانی که در شهر یا میباشند و تا نماز
 صبح روز سیزدهم برای حاجیان در منی. و تکبیرات موافق روایت کافی
 اینست **اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ**
أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا
هَدَيْنَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا و تکرار این تکبیرات عقب نماز با بقدر
 امکان مستحب است. و مستحب است در این روز که ناشتا بعد از نماز
 عید آنهم از گوشت قربانی واقع شود. و قربانی در این روز سنت مؤکد است
 و احکام آن در باب قربانی آمده.

بعضی از وقایع تاریخی این ماه

از واقعات ماه ذیحجه بر حسب روایت ابن شهر آشوب در مناقب

ترتیب حضرت فاطمه زهراء با امیرالمؤمنین علیه السلام در اول ذیحجه سال دهم

واقع شد روز سوم توبه آدم ع قبول شد. و در سوم ذیحجه سال نهم امیرالمؤمنین

علی ع با مر رسول خدا ص تبلیغ سوره براءه را در آن موقع اجتماع حاج نمود.

روز هفتم ذیحجه سنه یکصد و چهارده در مدینه طیبه امام پنجم حضرت محمد باقر

وفات نمود و در این روز موسی بن عمران بر سحره غالب شد. روز هشتم

امام حسین ع حج را بدل عمره نمود و روانه عراق گردید و در این روز مسلم بن عقیل

در کوفه بجنک ابن زیاد مشغول شد. و روز نهم شهید گردید. روز هشتم را ترویبه

گویند برای اینکه بار ابراهیم خلیل از جانب خدا امر رسید که آب گیری برای ایام حج کند

بعد از این رسم جاری ماند. روز نهم بر حسب وحی از جانب خدا با مر رسول اکرم ص

تامی دروازه های خانهای مهاجرین که مسجد باز میشد بسته شد مگر دروازه خانه علی

را که امر شد باقی بماند. روز دهم الواح بر حضرت موسی ع فرود آمد روز یازدهم

و دوازدهم و سیزدهم را ایام شریف گویند. بنا بر بعضی روایات مراد از ایام

معدودات در قرآن همین ایام است. روز جمعه پانزدهم ۱۵ ۲۱۲ ولادت

حضرت امام علی التقی علیه السلام در مدینه طیبه واقع شد - روز بیستم شد
 بحری رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بامر پروردگار علی علیه السلام را در غدیر
 خم که در حقیقت سی مئی مکه بطرف مدینه است بخلافت نصب نمود و جمعیت حاضرین
 را که یکصد و بیست هزار روایت نموده اند با حضرت بیعت کردند - آیه تبلیغ^{۱۲۰}
 و تکمیل نازل گردید - روز بیست و چهارم ماه واقعه مبارکه واقع شد و آیه^{۲۴}
 مبارکه در شأن اهل بیت نازل شد و نیز در همین روز علی علیه السلام انگشت بساتل
 داد و آیه ولایت فرود آمد - روز بیست و پنجم بعد از گذشتن سه روز ایام روزه^{۲۵}
 و دادن اهل بیت علیهم السلام افطار خود را با سیر، تمیم و فقیر سوره هَلْ آتَى
 در باره آنها فرود آمد.

ماه محرم و حرمت آن

محرم اولین ماه سال اسلامی است - خداوند آن را یکی از چهار ماه حرام که
 سه ماه دیگران رجب، ذی قعدة و ذی حجه است قرار داد - در کتاب آسمانی خود
 فرمود ان عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ
 اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ
 (سوره توبه آیه ۳۶) بدستیکه شماره ماهها نزد خدا و از ده ماه است در کتاب خدا^{۱۲۰}

روزی که آفرید آسمانها و زمین را چهار ماه آن (ماه) حرام است

روزه اول ماه محرم تا روز نهم مستحب است - حضرت زکریا ع روز

اول آن را روزه گرفت و از حق تعالی فرزند طلب نمود و عایش مستجاب شد

یحیی را بوی عطا کرد - حضرت امام رضا علیه السلام بریان بن شبیب فرمود

کسیکه روز اول آن را روزه گیرد و دعا کند دعایش مستجاب میشود چنانکه دعا

زکریا در آن مستجاب گردید.

برخی از وقایع تاریخی ماه محرم

روز سوم ماه یوسف از چاه نجات یافت روزه آن برای دفع غمها

و آسان شدن کارها و خلاصی از بوم وارد گردیده - روز پنجم ماه حضرت موسی^ع

بن عمران از دریا گذشت - و روز هفتم ماه بنی نجات رفت - روز نهم یونس از

شکم ماهی نجات یافت و در یقعه نیز روایت شده - روز هفدهم همان سالیکه

رسول اکرم صلی الله علیه و آله متولد شده و اقع اصحاب فیل پیش آمد برای

خراب کردن کعبه بسر کردگی شیخ پادشاه مین آمده بودند خدا همه را هلاک کرد چنانکه

سوره فیل بان اشاره مینماید - در بیستم محرم ۶۵۶ هـ هلاکوخان تاتار بغداد را

فتح نمود و مستعصم آخرین خلیفه عباسی را کشت و خلافت بنی العباس بعد از ۵۲۴

سال پایان رسید در شبیت و پنجم و فات امام زین العابدین علیه السلام واقع
 گردید و بعضی نیز ۱۲ محرم ۹۵هـ وفات آنحضرت را نوشته اند - و بزرگترین
 واقعات این ماه همان واقعه جانسوز کربلا است روز دوم محرم ۶۱هـ هجری
 امام حسین علیه السلام وارد کربلا شد روز ششم محرم عمر بن سعد بن وقاص
 با شش هزار لشکر وارد کربلا گردید و تا عصر روز نهم بروایات معتبره سی هزار نفر
 که خود را مسلمان میگفتند برای کشتن فرزند پیغمبر خود صلی الله علیه و آله و سلم در آن
 سرزمین جمع شدند - حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله را نسبت باهل بیت
 آنحضرت مراعات نمودند با آنکه حرمت محترم در جاهلیت و اسلام باندازه بود که
 شخص بکشنده پدر دست درازی نمی نمود این مردم پر و ااز کشتن فرزندان رسول خدا
 نمودند خلاف سفارش آنحضرت آنچه توانستند بانها ظلم کردند و اهل بیت جنابش
 را اسیر نموده و یار بدیار شهر بشهر گردانیدند - پس بنیعیان آل محمد ص و بردوستان
 آنان است که بعزای آنحضرت قیام کنند و در حزن و غم و گریه تاشی برسول
 خدای و ائمه هدی نمایند - و از دشمنان آنها بیزارى جویند .

اعمال محرم

شب اول محرم در موقع دیدن بلال خواندن این دعا مستحب است

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ
 وَقَدَّرَنِي وَقَدَّرَكَ فِي مَنَازِلِكَ وَجَعَلَكَ آيَةً لِلْعَالَمِينَ
 يَا هَيَّ اللَّهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ اللَّهُمَّ أَرْاهِلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ
 وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْغِبْطَةِ وَالسُّرُورِ وَالْبَهْجَةِ
 وَتَبَتَّنَا عَلَى طَاعَتِكَ وَالْمُسَارِعَةِ فِيمَا يَرْضِيكَ اللَّهُمَّ بَارِكْ
 لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَأَمْزُقْنَا خَيْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَبِئَمْنَهُ وَقُونَرَهُ
 وَأَصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ

و در این شب چند نماز وارد شده از این جمله نمازی است که از
 رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت گردیده و سید در اقبال آنرا نقل نموده
 و آن صد رکعت است هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت حمد و قل هو الله
 بخواند. فرمود کسیکه این نماز را بخواند و روز اول محرم را روزه گیرد خیر آن سال
 برای او می ماند و از فتنه های آن محفوظ خواهد ماند و اگر در آن سال میرد بهشت
 رود. و دیگر نمازیست که از آنحضرت روایت شده و آن دو رکعت است
 در هر رکعت بعد از حمد یا زوده مرتبه سوره قل هو الله بخواند. و دیگر دو رکعت نماز

است که باز از آنحضرت روایت شده در رکعت اول بعد از حمد سوره انعام و در
رکعت دوم بعد از حمد سوره یس بخواند.

روز اول محرم دو رکعت نماز مستحب است مجلسی در زاوالمعاد آن را
نقل نموده از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که جناب رسول خدا
صلی الله علیه وسلم روز اول محرم دو رکعت نماز بجا میآورد چون فارغ می شد
دست بدعا بر میداشت و این دعا را سه مرتبه میخواند اللَّهُمَّ أَنْتَ الْإِلَٰهُ
الْقَدِيمُ وَهَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَأَسْأَلُكَ فِيهَا الْعِصْمَةَ
مِنَ الشَّيْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلَى هَذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوءِ
وَالِإِشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ يَا حُرْزَ
مَنْ لَا حُرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا
سَنَدَ لَهُ يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا عَظِيمَ
الرَّجَاءِ يَا عِزَّ الضُّعْفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرَقِيِّ يَا مُنْجِي الْهَلَكِيِّ
يَا مُنْعِمُ يَا مُجْمِلُ يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ
سَوَادُ اللَّيْلِ وَتَوَّرَ النَّهَارُ وَضَوُّ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ

وَدَوِيُّ الْمَاءِ وَحَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ وَلَا
 تَوَاخِدْنَا بِمَا يَقُولُونَ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
 وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَمَّنَّا بِهِ كُلُّ مَنْ عِنْدَ رَبِّنَا وَمَا
 يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا
 وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

و نماز اول به راه رادراین روز بخواند چنانیکه در ص ۱۸۲ این کتاب آمده

در منهاج العارفين است که این تحمیدات رادراین روز بخواند تا سال دیگر خدا
 اورا از آفات سالم بدارد و الحمد لله الذي تواضع كل شيء لعظمته
 و الحمد لله الذي خضع كل شيء لمملكه و الحمد لله الذي
 استسلم كل شيء بقدرته و الحمد لله الذي ذل كل شيء
 بعزته أسأله بعزته و عظمته و ملكه في هذه السنة
 الجديدة الآمن و الإيمان و العافية و الغفران و العصمة
 من الشيطان - و نیز روایت نموده که خواندن این تسبیحات رادراین روز
 بر حوض آب یا ظرف آب غسل نمودن از آن برای سلامتی از ناخوشیها و بیماریها

در سال مفید است **سُبْحَانَ اللَّهِ مِلًّا الْمِيزَانِ سُبْحَانَ اللَّهِ**
مُنْتَهَى الْجَلْمِ سُبْحَانَ اللَّهِ مَبْلَغَ الرِّضَا سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ

الْعَرْشِ - و نیز از خواص الآیات برای حفظ از مار و گزوم و افعی و هر جانوری
 گزنده و اذیت کننده نقل نموده که این آیه را روز اول ماه محرم بر کاغذی نوشته

و آنرا بشویند و در گوشهای صحن خانه بپاشند بام خدا محفوظ خواهد ماند **أَوْ آمِنَ**
أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ أَفَأَمِنُوا
مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ

و باید در این عشره بسوگاری و اقامه مجالس مصائب حضرت سید الشهداء
 علیه السلام اهتمام کرد و بر آنحضرت و اهل بیت جنابش گریست و نفرین برداشتن

آنان نمود - امام محمد باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت امام زین العابدین
 علیه السلام روایت نمود که فرمود هر که چشمانش از برای کشته شدن حسین

بن علی قطره اشک بریزد و بر گونه اش جاری شود خدا او را در قصرهای بهشت
 جاودانه جای دهد - حضرت امام رضا علیه السلام فرمود کسیکه یاد کند مصائب

مار و بگرید برای ما از جهت ستم و رنجی که بر ما وارد شد در قیامت در وجه ما خواهد بود
 و نیز بفرزند شیب فرمود ای پسر شیب اگر بر چیزی گریان شدی پس گریه کن

بر حسین بن علی غدرستیکه کشتند و را چنانیکه گوسفند را میکشند - و کشتند با او
 از اهل بیت او بیجده تن مردانی که در روی زمین شبیه و مانند داشتند - و تحقیق
 گریستند آسمانهای بهفتگانه و زمینها از برای کشته شدن حسین غ و پس از کشته
 شدن وی چهار هزار فرشته^۴ برای یارش فرود آمدند و ولیده نموی و کرد آلوده روی
 مجاور قبر او کشتند تا گاهی که قائم آل محمد ص ظاهر شود - پس در رکاب او از
 یاوران او باشند و شعار آنان **يَا لِيَا سَارَاتِ الْحُسَيْنِ** باشد - ای فرزند
 شبیب روایت کرده ام پدرم از پدر خود از جدش گاهی که جدّم حسین شهید شد
 آسمان خون و خاک سُرخ باریدن گرفت - ای پسر شبیب اگر گریه کنی بر حسین
 چندانکه اشکهای تو بر گونه های تو جاری شود خدای بخشد از تو هر گناه کوچک و بزرگ
 و کم و زیاد را آنگاه فرمود ای پسر شبیب اگر خوش داشته باشی که ملاقات کنی
 خدای عزوجل را در حالتیکه از هر گناه پاکیزه باشی پس زیارت کن حسین را - پس
 با اینحال بر شیعیان لازم است که ایام عشره را بجزاوری و اندوه بگذرانند -
 حضرت امام رضا علیه السلام فرمود چون ماه محرم داخل می شد کسی پدرم را
 خندان نمیدید اندوه و حزن پیوسته بر او غالب میشد تا روز دهم چون روز عاشورا
 میشد آن روز روز مصیبت و حزن و گریه او میبود و میفرمود امروز روزی است که

حسین علیه السلام شهید شده است - پس باید تائسی با آنحضرت نمود و باید در

عزاداری قانون شرع را ملحوظ داشت مخصوصاً از آوردن نماز و اهتمام بان کوتاهی

نباید کرد - چه او امر اسلامی همه بهم مربوطند - اگر امر با قامة عزرا شده است امر

با قامة نماز بیشتر گردیده است - پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود الصلوة

عمود الدین ان قبلت قبل ماسویها وان سقطت سقطت ماسویها

(یعنی نماز ستون دین است اگر پذیرفته شود همه اعمال نیز پذیرفته خواهد شد

و اگر قبول نشود باقی اعمال نیز مردود گردد) - و باید در شب عاشورا تائسی با امام

حسین غ نمود پس هم چنانیکه در این شب عزاداری میشود از اجیاء آن شب

و نماز در آن کوتاهی نشود - و در این شب چند نماز وارد است .

اول: سید بن طاووس در اقبال از ابن عباس از رسول خدا

صلی الله علیه و آله روایت نموده که آنحضرت فرمود کسیکه شب عاشورا چهار

رکعت نماز در آخر شب بجا آورد در هر رکعتی یک حمد و ده آیه الکرسی و ده مرتبه

قل هو الله احد و ده مرتبه قل اعوذ برب الفلق و ده مرتبه قل اعوذ برب الناس

بخواند پس چون سلام دهد صد مرتبه قل هو الله احد بخواند انگاه آنحضرت

فضیلت بسیار برای این عمل نقل نموده که جای بیان آن نیست

دوم: از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت نموده کسیکه در شب
 عاشورا صد رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت الحمد یک مرتبه و قل هو الله احد
 سه مرتبه بخواند پس چون از نمازهای خود فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید سُبْحَانَ
 اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا
 قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و در روایت دیگر هفتاد مرتبه استغفار نیز
 وارد شده.

سوم: از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت نموده است که آنحضرت
 فرمود در این شب چهار رکعت نماز بجا بیاورد هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت
 الحمد یک مرتبه و پنجاه مرتبه قل هو الله احد چون از نماز فارغ شوی خدا را بسیار
 یاد کن و بسیار بر رسول خدا صلی الله علیه وآله درود بفرست و باندازه که ممکن باشد
 بروشمنان آنها لعن کن - میگویم این نماز مطابق است با نماز حضرت امیر المؤمنین
 علیه السلام که فضیلت بسیار برای آن وارد شده.

روز عاشورا که روز مصیبت بزرگ است باید تا تسبیح با اهل بیت شود
 و بدون آنکه در سحر چربی خورده شود و بدون نیت روزه از خوراک و آب امساک
 نمود و روز عاشورا را بفاقه گذرانید و در عصر عاشورا چنانیکه اهل بیت را آب دادند

بآب یا تربت و یا غیر آن افطار کرد مخصوصاً در روز عاشورا باید ترک کار و حوائج
 و خرید و فروش نمود - حضرت امام رضا علیه السلام فرمود کسیکه ترک کند در
 روز عاشورا سعی در حوائج خود را خداوند حوائج دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که روز
 عاشورا را روز اندوه و گریه خویش قرار دهد خدا قیامت را روز فرح و سرور او گرداند
 و دیده اش بسبب مادر بهشت روشن شود و کسیکه روز عاشورا را روز برکت نامد
 و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک گرداند
 و در روز قیامت بازید و عبید اللہ بن زیاد و عمر بن سعد محشور شود - صالح بن
 عقبه از پدر خود از امام باقر ع روایت نموده که آنحضرت فرمود اگر بتوانی در آن
 روز برای حاجت خود نروی پس ترک مکن چه آن روز روز نحسی است که حاجت
 مؤمن در آن بر آورده نمیشود و هر گاه حاجت بر آورده شود مبارک نخواهد بود
 و در آن کار رشد نخواهد بود و نباید کسی از شما در آن روز در منزل خود ذخیره کند
 پس کسیکه در آن روز چیزی ذخیره کند از برای او و اهل او مبارک نخواهد بود - حضرت
 ابرو ثواب زیارت و ترک سعی حوائج در روز عاشورا را بیان میفرماید و در کتب مبسوطه
 مشروح آمده است.

پس بر مسلمانان لازم است که روز عاشورا را روز کار ندانند و از کار کناره گیرند

و مشغول عزاداری شوند و اهل خانه خود را نیز امر بعزاداری کنند مخصوصاً دوستان
 اهل بیت را لازم است بقسمی مشغول عزاداری شوند که در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب
 خود قیام میکنند - بدون قصد روزه در آن روز از خوردن و آشامیدن امساک کنند
 و پس از عصر تبرت یا آب و یا غیر آن افطار نمایند - و اما روزه روز عاشورا بقصد

تبرک و خوشنودی چنانیکه روایتی بنی امیه بود حرام است

در بیان اعمال روز عاشوراء

از برای روز عاشورا چند عمل است که بجا آوردن آن مستحب است اول
 امساک نمودن تا بعد از عصر بدون نیت روزه چنانیکه بان اشاره رفت هنگام
 عصر تبرت یا آب افطار کنند - و بعد از عصر بود که عمر بن سعد برای اهل بیت رسالت
 و اطفال کوچک آنان که از گرمی هوا تشنگی میسختند آب را باز کرد - پس
 چقدر مناسب است که در هنگام نوشیدن آب از تشنگی آنحضرت یاد شود و بر
 کشندگان آنحضرت لعنت فرستند - در کامل الزیارة تألیف ابن قولویه (۱)

(۱) ابن قولویه صاحب کامل الزیارة در ۳۶۷ هجری وفات نموده و در کاظمین پائین پای حضرت
 موسی بن جعفر علیهم السلام مدفون است و در جانب او است قبر شیخ مفید که در ۴۱۳ هجری
 وفات نموده و اما ابن قولویه که در قم نزدیک بقعه علی بن بابویه مدفون است پس پدر این
 شیخ بزرگوار محمد بن قولویه است .

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی قولویه القمی استاد شیخ مفید طاب الله
 راهها سندر اباد و در قتی میرساند که او گفت - بودم نزد امام صادق ع که
 آنحضرت آب طلب نمود و آشامید - پس از آشامیدن دیدم که چشمان آنحضرت
 مملو از اشک گردیده و سر از پر شد پس از آن حضرت فرمود خدا لعنت کند
 کشندگان حسین را پس نیست هیچ بنده که بیا شامد آب را و حسین را یاد کند و لعنت
 کند کشندگان او را مگر آنکه خداوند مینویسد برای او صد هزار نیکی و از او دور میکند
 صد هزار گناه و بلند میکند برای او صد هزار درجه و چنان است که آزاد نموده باشد
 صد هزار بنده و محشور نماید خدا او را در روز قیامت خوشدل .

دوم: هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت فرستادن و بگوید **اللَّهُمَّ
 الْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ** - و در حدیث صحیح از حضرت امام
 رضا ع وارد شده که آنحضرت فرمود اگر خواهی که در غر فهای بهشت با حضرت
 رسول و آل او باشی پس لعنت کن بر قاتلان حسین ع و اگر خواهی ثواب
 شهیدان کر بلا را داشته باشی هر گاه مصیبت آنحضرت را یاد کنی بگو **يَا لَيْتَنِي
 كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا** یعنی ای کاش میبودم با آنها
 پس رسگار میشدم بر ستگاری بزرگ .

تسوم: تعزیت دادن بیکدیگر در آن روز بهر زبانی که ممکن شود مستحب است

از حضرت امام محمد باقر ع روایت شده که در مصیبت آنحضرت بگوید عَظَمَ

اللَّهُ أَجُورَنَا وَأَجُورَكُمْ بِمَصَابِنَا بِالْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ لِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ

المُهَدِيِّ مِنَ الْحَمْدِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - مؤلف گوید اگر کسی

تواند الفاظ آنرا بگوید تبرجیه آن اکتفا میتوان کرد و اگر تمام را نمیتواند بگوید بهر

اندازه که ممکن باشد عمل بان مستحب است.

چهارم: خواندن هزار مرتبه سوره توحید است که در حدیث وارد گردیده

که هر کس در این روز هزار مرتبه سوره توحید بخواند خداوند بسوی او نظر نماید بنظر رحمت

پنجم: دعائی است که سید بن طاووس و اقبال آنرا نقل نموده که در

صبح عاشورا آنرا میخوانی سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

سُبْحَانَ اللَّهِ اثناء الليلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ سُبْحَانَ اللَّهِ

بِالْغُدُورِ وَالْأَصَالِ سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ

تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا

وَحِينَ تَطْهَرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ
 مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
 سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى
 الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ
 مِنَ الدُّنْيَا وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَمِثْلَ كُلِّ شَيْءٍ
 وَأَضْعَافُ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا كَمَا يَنْبَغِي
 لِعَظَمَتِهِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ
 وَالْجَبْرُوتِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ
 سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَتُّومِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ
 الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى سُبْحَانَ اللَّهِ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ
 الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي مِنَّةٍ وَنِعْمَةٍ
 وَعَافِيَةٍ فَاتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ يَا اللَّهُ وَمَنَّكَ وَعَافِيَتَكَ
 وَأَرْزُقْنِي شُكْرَكَ اللَّهُمَّ بِنُورِ وَجْهِكَ اهْتَدَيْتُ وَبِفَضْلِكَ
 اسْتَعْنَيْتُ وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ أَصْبَحْتُ

أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ
 عَرْشِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ وَسَمَائِكَ وَأَرْضِكَ وَجَنَّتِكَ وَنَارِكَ
 بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
 وَأَنْ مَا دُونَ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ مِنْ مَعْبُودٍ وَنَاكِ
 بَاطِلٍ مُضْمَجِلٍ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ
 وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّكَ بَاعِثٌ مَنْ فِي
 الْقُبُورِ اللَّهُمَّ فَارْتَبْ شَهَادَتِي هَذِهِ عِنْدَكَ حَتَّى الْقَاكَ
 بِهَا وَقَدْ رَضَيْتَ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ فَالْحَمْدُ
 حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَوَاتُ كَنَفِيهَا وَتُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ
 وَمَنْ عَلَيْهَا حَمْدًا يَصْعَدُ وَلَا يَنْفَدُ حَمْدًا يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ
 حَمْدًا سَمَدًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نَفَادَ حَمْدًا يَصْعَدُ أَوَّلَهُ
 وَلَا يَفْنَى آخِرُهُ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ وَفَوْقِي وَمَعِي وَأَمَامِي
 وَقَبْلِي وَوَلَدِي وَإِذَا مِتُّ وَقُنَيْتُ وَبَقَيْتُ يَا مُؤَلَّيْ وَلَكَ
 الْحَمْدُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَائِكَ كُلِّهَا
 وَلَكَ الْحَمْدُ فِي كُلِّ عِرْقٍ سَاكِنٍ وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ وَشَرِبَةٍ

وَلِبَاسٍ وَقُوَّةٍ وَيَطِيئُ وَعَلَى مَوْضِعِ كُلِّ شَعْرَةٍ اللَّهُمَّ
 لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَإِلَيْكَ الْمَلِكُ كُلُّهُ وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ
 إِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ وَأَنْتَ مُنْتَهَى
 الشَّأْنِ كُلِّهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حَمْدِكَ بَعْدَ عَمَلِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ
 عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ يَا بَاعِثَ
 الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ يَا وَارِثَ الْحَمْدِ وَيَدِيْعَ الْحَمْدِ وَمُنْتَهَى
 الْحَمْدِ وَمَبْدَأَ الْحَمْدِ وَفِي الْعَهْدِ صَادِقَ الْوَعْدِ عَزِيزَ
 الْبَعْدِ وَقَدِيمَ الْمَجْدِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ
 مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلَ الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَوَاتٍ
 مُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ
 حَسَنَاتٍ وَجَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ اللَّهُمَّ لَكَ
 لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذُّنُوبِ وَقَابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقَابِ
 ذَا الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
 فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَفِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي
 الْآخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ فِي السَّمَاءِ

وَلَكَ الْحَمْدُ بَعْدَ دِكْرِ كُلِّ مَلِكٍ فِي السَّمَاءِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ
 قَطْرَةٍ فِي الْبَحْرِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ وَلَكَ الْحَمْدُ
 عَدَدَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَعَدَدَ الْبَهَائِمِ وَالسَّبَاعِ وَالطَّيْرِ وَلَكَ
 الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَى مَا وَجْهِ
 الْأَرْضِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ
 وَزِينَةُ عَرْشِكَ حَمْدًا كَثِيرًا مُبَارَكًا فِيهِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ
 عَدَدَ مَا تَقُولُ وَعَدَدَ مَا تَعْلَمُ وَعَدَدَ مَا يَعْمَلُ خَلْقُكَ
 كُلَّهُمُ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ وَبِزِينَةِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَعَدَدَ مَا
 سَمَّيْنَا كُلَّهُ وَإِذَامْتَنَا وَفُنِينَا إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
 لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَنْكَاهُ مِيكُونِي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَهْرًا مَرْتَبَةً يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
 ذَهْرًا مَرْتَبَةً يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ ذَهْرًا مَرْتَبَةً يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ ذَهْرًا مَرْتَبَةً يَا حَنَّانُ
 يَا مَنَّانُ ذَهْرًا مَرْتَبَةً يَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذَهْرًا مَرْتَبَةً وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
 إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ذَهْرًا مَرْتَبَةً أُمِّينَ أُمِّينَ ذَهْرًا مَرْتَبَةً بِسْمِ
 اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ذَهْرًا مَرْتَبَةً وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَسَلَّمَ

انگاه میگوئی اللهم انت تقی فی کل کرب و مرجائی فی
 کل شدیدة و انت لی فی کل امر نزل بی ثقته و عده کم
 من کرب یضعف فیہ الفؤاد و تقبل فیہ الحيلة
 و یخذل فیہ القریب و یسمت فیہ العدو و انزلته
 بک و شکوته الیک رغبة فیہ الیک عمّن سواک
 ففرجته و کشفته و کفینیه فانت ولی کل نعمة
 و صاحب کل حسنة و منتهی کل رغبة فک الحمد
 کثیراً و الیک المن فاضلاً اللهم صل علی محمد و آل
 محمد و سهل لی محنتی و یسر ارادتی و یلغنی
 امدیتی و اوصلنی الی بغیتی سریرعاً عاجلاً و اقض
 عینی دینی یا ارحم الراحمین

ششم: از اعمال روز عاشورا عملی است که بسند صحیح از عبد الله

سنان روایت شده و از صباح شیخ طوسی نقل گردیده و مجلسی در مزار

بحار نیز آن را روایت نموده که در روز عاشورا حضرت صادق بوی فرمود بهترین

کاری که در این روز بکنی آنست که جامه های پاکیزه بپوشی و بندها را بگشائی

و استین بار تا مرفق بالا کنی بروش مصیبت زده گان - پس بیرون شوی بری
 بیابان تا جائی که کسی تو را نه بیند و یا آنکه در خانه خالی و جای خلوتی باشد پس
 چون روز بالا آید چهار رکعت نماز با غشوع و خضوع و رکوع و نیکو بجا آور و بعد
 از هر دو رکعت سلام بگویی و در رکعت اول بعد از حمد قل یا ایها الکافرون را بخوان
 و در دوم بعد از حمد قل هو الله احد و در سوم بعد از حمد سوره احزاب و در چهارم
 بعد از حمد سوره اذاجانک المنافقون را بخوان و اگر اینهار اندانی هر سوره که
 خواهی بخوان پس گردان روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت
 و بخاطر آور شهادت آن امام مظلوم و اقارب و اصحاب آنجناب را نگاه سلام
 میکنی بر او و صلوات بفرستی بر او و لعنت کن قاتلان ایشان را - آنگاه
 فرمود از آنجا نیکه استاده چند گام پیش رود و هفت مرتبه بگوید انا لله
 و انا الیه راجعون رضایه قضایه و تسلیما لامره و فرمود
 در جمیع احوال باید محزون و غمناک باشی پس چون فارغ شوی بجای خود باز شو
 و بگو اللهم عذب الفجوة الذین شاقوا رسولا رسولا و حاربا
 اولیاءک و عبدا و غیرک و استحلوا محارمک و العین القادة
 و الاتباع و من کان منهم فحبت و اوضع منهم او رضی

بِفِعَالِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ
 الْمُضِلِّينَ وَالْكَفَرَةَ الْجَاهِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا
 وَافْتَحْ لَهُمْ رُوحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ
 عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَاصِرًا بِسُورَةِ بَدَا
 بِرِوَايَةِ وَقَصْدِ كُنْ وَشَمَانِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبِوَاللَّهِ إِنْ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ
 نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنَ الْأَيْمَةِ وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ
 وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلْمَةِ وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ
 وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِطَاعَتِهِمَا وَالتَّمَسُّكِ
 بِهِمَا فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ وَخَادَتُ عَنِ الْقَصْدِ وَمَا لَيْتِ
 الْأَحْزَابَ وَحَرَفَتِ الْكِتَابَ وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا
 وَتَمَسَّكَتْ بِالْبَاطِلِ لَمَّا عَرَضَهَا وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ
 وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ نَبِيِّكَ وَخَيْرَةَ عِبَادِكَ
 وَحَمَلَةَ عَلَيْكَ وَوَرِثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَجِيحَكَ اللَّهُمَّ فَرِّزْ لِي أَقْدَامَ أَعْدَائِكَ وَ
 أَعْدَاءَ رَسُولِكَ وَأَهْلَ بَيْتِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ

وَأَقْلُلْ سِلَاحَهُمْ وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَفُتِّ فِي أَعْضَادِهِمْ
 وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ وَأَضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَأَرْمِهِمْ
 بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ وَطُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَغُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ
 غَمًّا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا نَكْرًا وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثَلَاتِ
 الَّتِي أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ
 اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ وَأَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ وَعِثْرَةٌ
 نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ اللَّهُمَّ فَاعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ
 وَأَقْمِعِ الْبَاطِلَ وَأَهْلَهُ وَمُنِّعِنَا بِالنَّجَاةِ وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ
 وَعَجِّلْ فَرَجَنَا وَأَنْظِمَهُ بِفَرَجِ أَوْلِيَاءِكَ وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وَدًّا
 وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفَدًّا اللَّهُمَّ وَأَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ
 بِنْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ عِيدًا وَأُسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحًا
 وَمَرَحًا وَخُذْ أَخْرَهُمْ كَمَا أَخَذْتَ أَوْلَهُمْ وَضَاعِفِ اللَّهُمَّ
 الْعَذَابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَأَهْلِكَ
 أَشْيَاعَهُمْ وَقَادَتَهُمْ وَإِبْرِيْمَاتَهُمْ وَجَمَاعَتَهُمْ اللَّهُمَّ
 ضَاعِفْ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِثْرَةِ نَبِيِّكَ

الْعِثْرَةَ الضَّائِعَةَ الْخَائِفَةَ الْمُسْتَدِلَّةَ بِقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ
 الطَّيِّبَةِ الرَّيْكِيةِ الْمُبَارَكَةِ وَأَعْلِ اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ وَأَفْلِحْ
 حُجَّتَهُمْ وَاكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّوَاءَ وَحَنَادِسَ الْأَبَاطِيلِ
 وَالْعَمَى عَنْهُمْ وَثَبِّتْ قُلُوبَ شَيْعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلَى
 طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ وَأَعْنِهِمْ
 وَأَمْنَحُهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فِيكَ وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيَّامًا
 مَشْهُودَةً وَأَوْقَاتًا مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً تُوشِكُ فِيهَا
 فَرَجُهُمْ وَتُوجِبُ فِيهَا تَمْكِينَهُمْ وَنُصْرَهُمْ كَمَا ضَمِنْتَ
 لِأَوْلِيَاءِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ
 وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
 فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ
 لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
 خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا اللَّهُمَّ
 فَاكْشِفْ عَنْهُمْ يَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ الضَّرِّ إِلَّا هُوَ يَا
 وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ

وَالرَّاجِعُ إِلَيْكَ السَّائِلُ لَكَ الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ اللَّاجِئُ إِلَى
 فَنَائِكَ الْعَالِمُ بِأَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ
 دُعَائِي وَاسْمَعْ نِدَائِي يَا إِلَهِي عَلَانِيَتِي وَخُجْوَايَ وَاجْعَلْنِي
 مِنْ رَضِيَّتِ عَمَلَةٍ وَقَبِلْتَ نُسْكَهَ وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ
 إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ اللَّهُمَّ وَصَلِّ أَوَّلًا وَآخِرًا عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ مَا
 صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ وَمَلَائِكَتِكَ
 وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ يَا إِلَهَ الْآلَاءِ أَنْتَ اللَّهُمَّ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي
 وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاجْعَلْنِي
 يَا مَوْلَايَ مِنْ شَيْعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ
 وَالْحُسَيْنَ وَذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةَ الْمُتَّجِبَةَ وَهَبْ لِي التَّمَسُّكَ
 بِحَبْلِهِمُ وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ وَالْأَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمْ إِنَّكَ
 جَوَادٌ كَرِيمٌ پس سجده برو و طرف روی خود را بر خاک بگذار و بگو
 يَا مَنْ يَجْعَلُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ
 الْخُذْ حَمُودًا مُشْكُورًا فَعَجِّلْ يَا مَوْلَايَ فِرْجَانَهُمْ وَفَرِّجَانَهُمْ

فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الدِّلَّةِ وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ
 وَإِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ يَا صَدَقَ الصَّادِقِينَ وَيَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ فَاسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ
 بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ بَسْطَ أَمَلِي وَالتَّجَاوَزَ عَنِّي وَقَبُولَ قَلِيلِ
 عَمَلِي وَكَثِيرِهِ وَالزِّيَادَةَ فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدَ
 وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى فَيُجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ
 وَنَصْرِهِمْ وَتُرِيئَنِي ذَلِكَ قَرِيبًا سَرِيعًا فِي عَافِيَةٍ إِنَّكَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس سرخو را بسوی آسمان بلند کن و بگو اَعُوذُ بِكَ
 أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ فَأَعِدْنِي يَا إِلَهِي
 بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ

چون چنین کنی این عمل بهتر است برای تو از جهای بسیار و عمره های
 بسیار که مال بسیار در آن صرف نمائی و بدن خود را در اینها بتعب افکنی و از
 اهل و عیال و فرزندان خود جدا شوی و بدان کیسه این نماز را در این روز بکنند
 و این دعا را از روی اخلاص بخوانند و این عمل را با یقین و تصدیق بجا آورند
 خداوند خصلت باو عطا کند که از جمله اینها نیست که او را از مردنهای بد حفظ کند

مانند غرق شدن و سوختن وزیر عمارت ماندن و امثال اینها و تا مردن دشمنی
 بر او مسلط نگردد و نگاه دارد او را از خوره و دیوانگی و پستی در خودش و فرزندانش
 تا چهار پشت - و شیطان را مسلط نکرد و اند بر او و نگاه دارد او را از شیطان
 و یاد رانش را بر او مسلط نکرد تا چهار پشت

هفتم: از اعمال روز عاشورا زیارت است و فضیلت زیارت آنحضرت

در همه وقت وارد است - در کامل الزیارة ابن قولویه قمی ص ۱۰ روایت است

که حسین ع از جد خود رسول خدا ص سوال نمود که چیست ثواب کسیکه زیارت

کند تو را بعد از موت تو فرمود ای فرزند من کسیکه پس از مردن من بیاید مرا

زیارت کند از برای اوست بهشت و کسیکه پدر تو را زیارت کند بعد از مردن او

از برای اوست بهشت و کسیکه برادر تو را زیارت کند بعد از مردن او از برای

اوست بهشت و کسیکه تو را زیارت کند بعد از مردن تو از برای اوست

بهشت - در وسائل الشیعه ج ۲ سند بحضرت امام موسی ع میرساند که

آنحضرت فرمود "من اتی للحسین عامراً یا حقه غفر الله له ما

تقدم من ذنبه و ما تأخر" و نیز از عبد الرحمن بن کثیر از امام صادق

روایت نمود که آنحضرت فرمود اگر یکی از شما تمام روز کار خود را حج کند و حسین بن علی

رازيارت نكند هر آينه حقی از حقوق رسول خدا را ترك نموده است برای آنكه حقی
 حسین فریضه ایست از خدا كه واجبست بر هر مسلم نظر باین گونه روایت است
 كه بعضی از علما گفته اند زیارت امام حسین غ برای کسیكه مقتدر است در عمری
 يك مرتبه واجب است و تخلف از آن جائز نیست - در وسائل است امام
 صادق غ میفرماید منرا و از نیست تخلف از زیارت حسین بیشتر از چهار سال
 باز حضرت صادق غ بسیف بن عمیره میفرماید کسیكه زیارت نكند قبر حسین را
 و او گمان میکند كه شیعه ما میباشد تا بمیرد - پس او شیعه مانعست و اگر از بهشتیان
 باشد پس در بهشت ضایع است - و نیز حضرت باقر غ میفرماید کسیكه حسین
 زیارت نكند ناقص الایمان است و نیز در وسائل سنند بھرون بن خارجه میرسد
 كه از امام صادق غ سوال نمود از کسیكه بدون سبب ترك زیارت قبر حسین غ
 نماید این شخص از اهل آتش است - علی بن میمون میگوید از امام صادق غ شنیدم
 فرمود اگر هر آینه یکی از شما با هزار بار حج نماید و قبر حسین بن علی را زیارت نكند هر آينه
 حقی از حقوق رسول خدا را ترك نموده - و باز فرمود حقی حسین واجب است
 بر هر مسلمان حضرت رضاع میفرماید کسیكه زیارت كند قبر ابی عبد الله حسین را
 بشط فرات میباشد مانند کسی است كه زیارت نموده است خدا را بروی عرش

باز در وسائل الشیعه از محمد بن مسلم از امام باقر ع روایت نمود امر کنید شیعیان
 ما را زیارت قبر حسین پس بدستیکه زیارت کردن قبر حسین ع سبب زیادتی
 روزی و طول عمر میباشد و بدیها را دور میکند و زیارت نمودن قبر آنحضرت واجب
 است بر هر مؤمنی که اقرار نماید بامامت او - و نیز در روایت دیگر امام صادق
 است میفرماید کسیکه ترک کند زیارت قبر حسین را در صورتیکه قدرت داشته
 باشد بر آن هر آینه عاق رسول خدا و عاق ما است - و فرمود کسیکه زیارت کند
 حسین را برای او است ثواب حج و عمره مقبوله - و در روایت دیگر است که
 آنحضرت فرمود کسیکه حسین را زیارت کند و نسبت بحق آنحضرت عارف باشد
 از برای او نوشته میشود ثواب هزار حج و هزار عمره مقبوله و آمرزیده میشود گناهان
 گذشته و آینده او - و باز از رسول خدا ص روایت شده است که ثواب
 زیارت حسین برای کسیکه عارف بحق وی باشد هزار حج و هزار عمره است و نیز
 فرمود کسیکه حسین را زیارت کند چنان است که مرز زیارت کرده است و کسیکه
 مرز زیارت کند پس چنانست که خدا را زیارت نموده است و بر خدا است آن که
 او را آتش و وزخ عذاب نکند آنگاه فرمود " الاوان الاجابة تحت
 قبته والشفاء فی تربته والائمة من ولده " و ممکن است

که اختلاف روایات در بیان اندازه ثواب از جهت اختلاف معرفت زیارت کفنده ^{کان}
 باشد - و محمد بن مسلم از امام باقر ع روایت نموده که آنحضرت فرموده شیعیان
 ما را امر زیارت حسین بن علی نماید پس بدرستی که زیارت او نگاه میدارد انسان
 را از هدم و غرق و سوختن و از خورده شدن درنده گان - و زیارت او واجب
 است بر هر کسی که اقرار بکند برای حسین ع با امامت وی از جانب خدای عزوجل
 و روایت دیگر که در فضیلت زیارت آنحضرت وارد گردیده باندازه ایست که
 نقل آن از گنجایش این مختصر خارج است و مفاد آن جمله تنها بیان رجحان
 و استحباب نیست بلکه رویم فرقه و جوب زیارت بخوبی فهمیده میشود چه در بعضی
 از آن روایات که تارک زیارت در صورت توانائی عاق رسول خدا و عاق ما است
 و در برخی دیگر تارک زیارت تارک حقی از حقوق رسول خدا است و در روایت
 دیگر است که تارک زیارت از شیعه مانع است و در جای دیگر است که تارک
 زیارت بنی جنت از اهل آتش است - و باز در جای دیگر است زیارت حسین
 حقی است از حقوق رسول خدا و ترک آن ترک حقی از حقوق آنحضرت است
 و حق حسین فریضه است از خدا که واجب است بر هر مسلمان - در کامل الزیاره
 ص ۱۲۷ فرمایش امام صادق ع بام سعید آنست که فرمود زیارت قبر حسین

واجب است بر هر مرد و زن - پس روی هم رفته انصافاً و جوب زیارت آنحضرت
 ازین روایات بخوبی فهمیده میشود چنانکه بعضی از علما نیز بر آن رفته اند مجلسی در
 مزار بجا مینویسد (زیارتته صلوات الله علیه واجبة مفترضة
 مامور بها) و نیز در مزار ص ۱۰۹ (ثم اعلم ان ظاهراً اکثر اخبار
 هذا الباب وكثير من اخبار الابواب الآتية وجوب
 زیارتته صلوات الله علیه بل كونهما من اعظم الفرائض
 و أكدها ولا یبعد القول بوجوبها فی العمر مرة مع القدرة
 والیه کان یمیل الوالد العلام نور الله ضریحه) از این جهت
 مناسب است کسانی که دم از تشیع میزنند و خود را دوست خانوادۀ رسالت
 میدانند در صورت اقتدار ترك زیارت آنحضرت را در عمری یک مرتبه نمایند
 و هر گاه ممکن شود زیاده از آن اهتمام زیارت کنند البته بهتر خواهد بود و قیام
 بحقوق رسول خدا ص شده است خصوصاً بعد از ملاحظه قسمتی از روایات که مدت
 ترك زیارت در آن محدود گردیده - در بعضی از آن است که امام ع میفرماید
 بر غنی است سالی دو مرتبه و بر فقیر است سالی یک مرتبه - و در جای دیگر
 است بر غنی است هر چهار ماه یک مرتبه و بر معسر چیزی نیست برای آنکه

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا - ودر بعضی روایات دیگر است
 که بزرگوار است که آنحضرت را اقلای یک مرتبه زیارت نماید و برود و راست
 هر سه سال یک مرتبه پس با وجود این روایات و امثال آن تارک زیارت
 آنحضرت مرتکب امر عظیمی گردیده چه انصافاً رویم فرته و خوب زیارت آنحضرت
 در صورت اقتدار از روی این روایات بخوبی فهمیده میشود - و لذا در هنگام
 امکان توان گفت ترک زیارت آنحضرت خصوصاً در عمری یک مرتبه جائز
 نخواهد بود از آن گذشته قیام باین امر مهم که از بزرگترین شعار مذہب شیعه
 و دین اسلام است بهترین وسیله حکمانه است که شیعه را قوی مینماید
 و در نتیجه اجتماع در آن محل روحانی فرق مختلف شیعه بهم ارتباط می یابند -
 و اگر اتمام شیعه زیارت نبود این علاقه مندی کنونی بین فرق مختلف شیعه
 ممکن نمیشد - پس امر زیارت امریست حکمانه روحیات و یانیت و آثار
 توحید بسبب آن زنده خواهد ماند و زنده داشتن آن احیاء اسلام
 و مذہب است.

در فضیلت زیارت روز عاشورا است

سید بن طاووس در اقبال از امام صادق ع روایت نموده هر که

حضرت امام حسین را در روز عاشورا زیارت کند بهشت برای او واجب میشود
 و نیز از زید شحام از امام صادق روایت نموده که آنحضرت فرمود کسی که قبر
 حسین را در روز عاشورا زیارت کند و عارف بحق او باشد میباید مانند کسی که
 زیارت کرده است خدا را بر عرش او - و در کمال الزیارة روایت شده که
 هر کس در آن روز نزد قبر امام حسین آب دهد مانند کسی است که سپاه آنحضرت را
 آب داده باشد - و در کمال الزیارة جعفر بن محمد بن قولویه قمی زیارتی روایت
 نموده که مجلسی در زاد المعاد نیز آن را نقل کرده است - و خلاصه آن آنست که
 مالک جهمی از امام محمد باقر روایت نموده که آنحضرت فرمود هر که زیارت کند حسین
 را در روز نهم محرم نزد قبر آنحضرت گریان شود خدا را ملاقات کند در روز قیامت
 با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد که با رسول خداست
 و با ائمه راشدین صلوات الله علیهم جمعین نموده باشد مالک گفت فدای تو
 شوم چه ثواب است برای کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد برای رفتن
 بسوی قبر آنحضرت فرمود چون روز عاشورا شود بصره بیرون رود یا بر بام خانه
 رود و اشاره بسوی قبر آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتل آنحضرت
 و بعد از آن دو رکعت نماز بجا آورد و این کار را در اول روز پیش از ظهر نماید

(انگاه حضرت در این روایت بمالک جعفی امر بفراداری در آن روز نماید و میفرماید)
 پس ندبه و نوحه و گریه و زاری کند بر حسین و امر کند هر که در خانه او است و از او
 تفتیه تکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه خود مصیبتی برپا کند با طهار جزع بر
 آنحضرت و ملاقات کنند یکدیگر را بگریه کردن و تعزیت گفتن بیکدیگر
 بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم از برای کسیکه این کارها بکند خدا آن ثوابها
 را بایشان عطا فرماید. مالک گوید که با آنحضرت عرض کردم فدای تو کردم آیا
 تو ضامنی از برای ایشان باین ثواب اگر این کارها را بکنند فرمود بلی من
 ضامنم از برای آنها مالک پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند فرمود بگویند
 عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلْنَا
 وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِشَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ
 مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اگر توانی در آن روز از برای هیچ
 کاری از خانه بیرون مرو که آن روز روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در آن روز
 برآورده نمیشود و اگر برآورده شود از برای او مبارک نیست و در آن رشدی و خیری
 نیست و از برای منزل خود چیزی و خیره منما که هر که در این روز چیزی و خیره
 کند آن چیز برای او مبارک نخواهد بود پس کسیکه چنین کند نوشته شود برای

او ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلوات کرده
 باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی که مرده
 باشد یا کشته باشد از روزی که خدا دنیا را آفریده است تا روز قیامت - علقمه
 بن محمد حضرمی گفت من گفتم بحضرت امام محمد باقر که تعلیم نما بمن دعائی را که بخوانم
 در این روز هرگاه خواهم آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دور و دعائی که هرگاه
 در شهرهای دور خواهم که اشاره کنم و آنحضرت را زیارت کنم فرمود ای علقمه
 هرگاه این دو رکعت را بجا آوری و بجانب قبر آنحضرت اشاره کرده باشی سلام
 و گوی بعد از اشاره و نماز آن اقوال را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده
 خواهی شد بدعائی که ملائکه میخوانند در وقتیکه زیارت آنحضرت کنند و میگوید
 خدا برای تو بان زیارت هزار هزار حسنه و محو کند از تو هزار هزار گناه و بلند کند
 برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها شیکه شهید شده باشند با
 حسین بن علی ع تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشانی
 تو را مگر از آنها شیکه با حضرت شهید شده باشند و نوشته شود برای تو ثواب
 هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده است از
 روزی که شهید شده است و میگوئی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ
فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ
اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَثْرَ الْمَوْتُورَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ
الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتْ
الرِّزْيَةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى
جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي
السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ
اللَّهُ أُمَّةً رَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَنزَلَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي
رَفَعَكُمْ اللَّهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ
الْمُهَيِّدِينَ لَهُمُ بِالْتَّمِكِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّيْمِ
مِنْهُمْ وَأَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلَكَمُ وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ

الْقِيَّةَ وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ نَيْرِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي
 أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ
 بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ
 وَالْحَمْدُ وَتَنْقَبْتُ لِقِتَالِكَ يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ
 مَصَابِييُ بِكَ فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي
 أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا
 بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
 إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى
 فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَبِالْبِرَاةِ مِمَّنْ
 قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبِرَاةِ مِمَّنْ أَتَسَسَ آسَاسَ
 الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَتَسَسَ
 آسَاسَ ذَلِكَ وَبَنِي عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ
 عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَاتَّقَرَّبُ
 إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاتِكُمْ وَإِلَيْكُمْ وَبِالْبِرَاةِ

مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَالْبِرَاثَةَ مِنْ
 أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ إِنْ سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبُ
 لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ
 فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ
 وَرِزْقِي الْبِرَاثَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدْرَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْحَمِيدَ لَكُمْ عِنْدَ
 اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلِبَ تَارِيٍّ مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ
 بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ
 عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بَكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَابَا
 بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رِزْقَتَهَا فِي
 الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي
 فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ تَنَالِهِ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُجَيَّبِي مُجَيَّبِي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ

بَنُو أُمِّيَّةَ وَابْنَ أَكْلَةَ الْأَكْبَادِ اللَّعِينِ بْنِ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ
 وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ
 وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنُ أَبَا
 سَفِيَانَ وَمُعَوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ
 أَبَدًا الْأَيْدِينَ وَهَذَا يَوْمُ فَرِحْتُ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ
 بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ
 عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْقَرْتُ
 إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامَ حَيَاتِي بِالْبِرَائَةِ
 مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ
 عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِسْمِ اللَّهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنُ أَوْلَ
 ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَخْرَجَ تَابِعًا لَهُ عَلَى ذَلِكَ
 اللَّهُمَّ الْعَنُ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنِ وَشَابَعَتْ
 وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنُكُمْ جَمِيعًا
 بِسْمِ اللَّهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنُكُمْ يَا أَبَا عُبَيْدٍ اللَّهُ وَعَلَى
 الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا

مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ
 مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ پَس مِگَوْنِ
 اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَأَبْدَأُ بِهِ أَوْلَا
 ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّلَاثِ وَالرَّابِعِ اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا
 وَالْعَنْ عَبِيدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ
 وَشِمْرًا وَوَالِ ابْنِ سَفِيَّانَ وَوَالِ زِيَادٍ وَوَالِ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
 پَس بِسُجْدِهِ مِروِي وَمِگَوْنِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ
 عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ زُرِّيَّتِي اللَّهُمَّ أَمْرُ زُقْنِي
 شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ
 مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَمًا دُونَ الْحُسَيْنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ عَظْمِي كَفْتِ كَهَضْرَتِ اِمَامِ مُحَمَّدِ بَاقِرٍ فَرَمُودِ كِه اِكْرَتُوَانِي بِهَرُودِ
 حَضْرَتِ رَابِعِيْنَ كَيْفِيَّتِ زِيَارَتِ كَفْتِي كِه جَمِيعِ ثَوَابِهَا بَرَايِ تُو خَوَاهِدِ بُوْدِ - وَرُوَايَتِ
 كَرْدِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ طَيَالِسِيِّ اَزِ سَيْفِ بْنِ عَمِيْرِهِ كِه كَفْتِ مِنْ بَا صَفْوَانَ جَمَالَ بْنِ
 خَالِدِ بَا جَاعَمَتِي اَزِ اَصْحَابِ خُوْدِ رَفْتِيْمِ بَسُوِي نَجْفِ بَعْدَ اَزَانِ كِه حَضْرَتِ صَادِقِ عَج

بیرون رفته بود از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین
 فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین و گفت
 که زیارت کنید حضرت امام حسین را از این مکان بالای سر امیر المؤمنین
 که حضرت امام جعفر صادق چنین کرد در وقتیکه من در خدمت آنجناب
 در این مکان شریف آمده بودم پس صفوان خواند آن زیارت را که علقمه
 از حضرت امام محمد باقر برای روز عاشورا روایت کرده است پس دو رکعت
 نماز کرد نزد سر امیر المؤمنین ع و وداع کرد بعد از نماز حضرت امیر المؤمنین را
 و رو بجانب قبر حضرت امام حسین کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعای
 که بعد از آن دو رکعت خواند این دعا بود - **يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا**
مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا كَاشِفَ كُرْبِ الْمَكْرُوبِينَ
يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا مَنْ هُوَ
أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ وَيَا مَنْ يَجُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ
وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأُفُقِ الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ
وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَيَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ يَا مَنْ لَا

تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَيَأْمَنُ لَا تُغْلِطُهُ الْحَاجَاتُ وَيَا
مَنْ لَا يَبْرُمُهُ الْحَاحُ الْمَلِيحِينَ يَا مُدْرِكُ كُلِّ قُوْتٍ وَيَا جَامِعَ
كُلِّ شَيْءٍ وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي
شَأْنِ يَاقَاضِي الْحَاجَاتِ يَا مَنْ قَسَّ الْكُرْبَاتِ يَا مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ
يَا وَلِيَّ الرَّغْبَاتِ يَا كَافِيَّ الْمُهَمَّاتِ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ
بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَإِنِّي بِهِمُ اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ
فِي مَقَامِي هَذَا وَبِهِمُ اتَّوَسَّلُ وَبِهِمُ أَسْتَفَعُ إِلَيْكَ وَبِحَقِّهِمْ
أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعِزُّكَ عَلَيْكَ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ
وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ
وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ
الْعَالَمِينَ وَبِهِ أَبْنَتَهُمْ وَأَبْنَتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ
حَتَّى فَاقَ فَضْلَهُمْ فَضَلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا أَسْأَلُكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي

وَكَرِّبِي وَتَكْفِينِي الْمُهَمَّ مِنْ أُمُورِي وَتَقْضِي عَنِّي دِينِي
 وَتَجِيرِنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتَجِيرِنِي مِنَ الْفَاقَةِ وَتُعِينِنِي عَنِ
 الْمَسْئَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ وَتَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ
 وَعَسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ وَحُزْنَ مَنْ أَخَافُ حُزْنَ نَتِهِ
 وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ وَبَغْيَ مَنْ
 أَخَافُ بَغْيَهُ وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ وَسُلْطَانَ مَنْ
 أَخَافُ سُلْطَانَهُ وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ وَمَقْدُرَ مَنْ
 أَخَافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَيَّ وَتَرُدَّنِي عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ وَمَكْرَ
 الْمَكْرَةِ اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فَأِرْزُهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَأَصْرِفْ
 عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبِأَسْأَلُ وَأَمَانِيَّةً وَأَمْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ
 شِئْتِ وَأَنْي شِئْتِ اللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ
 وَبِبَلَاءٍ لَا تَسْتَرُهُ وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا وَبِسَقِيمٍ لَا تُعَافِيهِ
 وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ وَبِمَسْكِنَةٍ لَا تَجْبِرُهَا اللَّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ
 نَصَبَ عَيْنِيهِ وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ
 وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا قَرَاغَ

لَهُ وَأَنْسِيهِ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ
 وَلِسَانِهِ وَيَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعَ جَوَارِحِهِ وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ
 فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمَ وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا
 شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي وَأَكْفِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ
 فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِي سِوَاكَ وَمُفْرَجُ لَا مُفْرَجَ سِوَاكَ وَمُغِيثُ
 لَا مُغِيثَ سِوَاكَ وَجَارُ لَا جَارَ سِوَاكَ خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ وَ
 مُغِيثُهُ سِوَاكَ وَمُفْرَعُهُ إِلَى سِوَاكَ وَمُجَاوِزُهُ إِلَى
 غَيْرِكَ وَمُنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي وَمُفْرَعِي وَمُغِيثِي
 وَمُجَائِي وَمُنْجَائِي فَبِكَ اسْتَفْتِحُ وَبِكَ اسْتَنْجِحُ وَبِحَمْدِ وَالِ مُحَمَّدٍ أَتُوجِّهُ
 إِلَيْكَ وَأَتُوسِّلُ وَأَتَشْفَعُ فَاسْئَلْ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ فَلَكَ الْحَمْدُ
 وَاللُّشْكُ وَاللُّشْكُ وَاللُّشْكُ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ فَاسْئَلْ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
 بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنْ تَكْشِفْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي
 فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ
 وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ
 عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَأَكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ وَأَصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ

مَا أَخَافُ هَوْلَهُ وَمُؤْنَةَ مَا أَخَافُ مُؤْنَتَهُ وَهَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ
 بِلَا مُؤْنَةَ عَلَى نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ وَأَصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي
 وَكِفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ يَا أَمِيرَ
 الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا
 مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِخْرًا لِعَهْدِي
 مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا اللَّهُمَّ أَحْيِنِي
 حَيَوَةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَمِتْنِي مِمَّا تَهْمُ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ
 وَأَحْشِرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ
 أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
 اتَّيْتُكُمَا زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا وَمُتَوَجِّهًا
 إِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي هَذِهِ فَاشْفَعَا
 لِي فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ وَالْجَاهَ الْوَجِيهَ
 وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَيَّ أَنْقَلِبُ عَنْكُمَا مُنْتَظِرًا
 لِتَنْجُزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحِهَا مِنْ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا
 لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ فَلَا أَخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا

خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاحِمًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا
مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَتَشْفَعًا لِي إِلَى اللَّهِ أَنْقَلَبْتُ
عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مُفَوِّضًا أَمْرِي
إِلَى اللَّهِ مُلْجَأَ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ وَأَقُولُ حَسْبِيَ
اللَّهُ وَكَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَى لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَرَاءَكُمْ
يَا سَادَتِي مُنْتَهَى مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَوِدُّكُمْ اللَّهُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ
الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ أَنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
وَمَوْلَايَ وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي وَسَلَامِي عَلَيْكُمْ
مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَأَصِلُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ غَيْرُ
مُحْجُوبٍ عَنْكُمْ سَلَامِي أَنْشَاءُ اللَّهُ وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ
أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ أَنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي
عَنْكُمْ تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا رَاجِيًا لِلْإِجَابَةِ غَيْرَ آسِئٍ
وَلَا فَانِطٍ أَتِبًا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمْ غَيْرَ مُرَاغِبٍ عَنْكُمْ
وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمْ بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ أَنْشَاءُ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمَا وَإِلَى زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ نُرْهِدَ
فِيكُمَا وَفِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلَ الدُّنْيَا فَلَا خَيْرَ لِي إِلَّا اللَّهُ مَا رَجَوْتُ
وَمَا آمَلْتُ وَفِي زِيَارَتِكُمَا إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

ماه صفر

صفر که دومین ماه اسلامی است استهلال در شب اول و خواندن
دعاهای هلال وارد است - مستحب است که نماز روز اول هر ماه را در روز اول
آن بخواند و تصدق کند و بلائی ماه را دور نماید و در مفاتیح است کسیکه خواهد
م محفوظ ماند از بلاهای نازله در این ماه هر روزه مرتبه بخواند چنانکه محدث فیض و غیره
فرموده **يَا شَدِيدَ الْمَحَالِ يَا عَزِيزَ يَا عَزِيزَ يَا عَزِيزَ ذَلَّتْ**
بِعَظَمَتِكَ جَمِيعُ خَلْقِكَ فَاكْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ يَا مُحْسِنُ
يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا اِلَهَ اِلَآ اَنْتَ سُبْحَانَكَ
اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ فَاسْتَجِبْ نَالَهُ وَتَجَنَّبْنَا مِنْ الغَمِّ
وَكَذَلِكَ نُبْحِي الْمُؤْمِنِيْنَ وَصَلَّى اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ
الطَّاهِرِيْنَ - و در ۳۷ هجری روز اول صفر جنگ صفین شروع گردید

پس از سجده ماه پایان رسید - و در این روز یازدهم حضرت زید فرزند

امام زین العابدین علیه السلام شهید گردید. سید بن طاووس برای روز سوم این ماه
 نازی نقل نموده که مستحب است خوانده شود و آن دو رکعت است
 رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا و در دوم بعد از حمد قل هو الله احد بخواند پس
 از سلام قدم مرتبه صلوات بفرستد و قدم مرتبه بگوید **اللَّهُمَّ الْعَنِّ آلَ**
أَبِي سَفِيَّانَ و قدم مرتبه استغفار کند آنگاه حاجت خود را طلب نماید.
 روز بیستم ماه صفر ۲۸ هجری ولادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
 واقع گردید، و در احوالات آنحضرت بیان شد - و در هفدهم ماه صفر ۲۰۳
 شهادت حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان واقع گردید - روز بیستم ماه صفر
 که چون عاشورای ثانی است اهل بیت عصمت و طهارت از شام مراجعت نمود
 و اردو کر بلا شدند بروایت سید بن طاووس در اقبال سید الشهدا
 را با خود آورده ملحق به بدن شریف نمودند - در این روز جابر بن عبد الله انصاری
 با همراهان که زیارت امام حسین علیه السلام آمده بود با اهل بیت در کر بلا ملاقات
 شد مجلس سوگوارى عظیمی برپا شد - در این روز زیارت اربعین مستحب
 است - امام حسن عسکری علیه السلام فرمود علامت مؤمن پنج چیز
 است - پنجاه و یک رکعت نماز فریضه و نافله شب روز گذاردن - زیارت

اربعین نمودن - انگشته در دست راست کردن - و همین را در سجده بر خاک
 گذاشتن - و بسم الله الرحمن الرحیم را (در نماز) بلند گفتن - روز دوشنبه
 بیست و هشتم صفر الله و فات حضرت خاتم الانبیا، رسول خدا صلی
 علیه و آله واقع گردید - آن روز را باید بسوگواری و اقامه شعار وین گذرانید
 و نیز وفات امام حسن مجتبی علیه السلام در ۲۸ صفر ۴۹ هجری روایت شده

ماه ربیع الاول

ماه سوم سال اسلامی است، استهلال و خواندن دعای طلال و نماز
 روز اول هر ماه و تصدق دادن برای سلامتی را نباید از دست داد - شب
 اول ماه ربیع الاول سال چهارم بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 هجرت مدینه نمود و در غار ثور روزماند و علی علیه السلام بجای آنحضرت در
 آنشب خوابید و بر کفار قریش که در صد و شصتن پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند
 رفتن آنحضرت مخفی ماند - نسبت به این فداکاری آیه شریفه و مَنْ
 يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (سورة البقرة آیه ۲۰۴) درباره
 علی ع نازل شد. از جمله علماء سنت که این آیه را در باره علی ع روایت نموده
 اند غزالی است که در احیاء العلوم جلد سوم ص ۱۷۷ بطور تفصیل و نزول خبری

و میکائیل را برای حراست علی ع با مرپروردگار نقل نموده - روز چهاردهم
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از غار بیرون و روانه مدینه شد - در
 روز ششم^{۲۶} امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء وفات نمود
 و در خانه آنجناب ضریح حضرتش واقع گردید - روز نهم^{۲۹} روز اول
 امامت حضرت حجة الله صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه میباشد
 روز مبارکی است - و در آن روز مختار بن ابی عبید ثقفی عمر بن سعد
 رئیس لشکر ابن زیاد را بقتل رسانید - روز دهم^{۳۰} سال قبل از هجرت
 زفاف رسول خدا صلی الله علیه و آله با خدیجه کبری واقع شد روز دوازدهم^{۳۲}
 رسول خدا ص از مکه به قبا رسید و در آنجا ماند تا علی علیه السلام و همراهان
 جنابش از مکه رسیده و با آنحضرت ملحق شدند و روز هفدهم^{۳۷} روانه مدینه
 گردیدند و در این اثنا حکم نماز جمعه فرود آمد رسول خدا ص با صد نفر نماز جمعه
 را در قبیله بنی سالم بن عوف بجا آورد و در روز دوازدهم^{۳۸} دو رکعت نماز
 وارد است رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون
 و در رکعت دوم^{۳۹} سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و در همین روز دوازدهم^{۳۹}
 ۱۳۲ هجری خلافت بنی عباس شروع شد - اولین خلفای آنها عبد الله سفاح

فرزند محمد بن علی بن عبد الله بن عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله بخلافت رسید - روز
 چهاردهم ۶۴ هجری یزید بن معاویه بدرک واصل گردید سی و هفت سال^{۳۷}
 عمر نمود مدت خلافت وی سه سال و هشت ماه و چند روز بود برای دوستان
 اهل بیت روز خوشنودی است و در یومین روز عشاء مختار بن ابی عبید ثقفی
 خروج کرد و بسیاری از قتل حضرت امام حسین علیه السلام گشت - شب
 جمعه هفدهم ۵۳ هجری قبل از هجرت ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله واقع
 گردید و آن سال را بناسبت بلاک شدن ابرهه و شکروی و فیلان که
 برای خرابی کعبه آمده بودند عام افضل گفتند - و نیز در طلوع فجر جمعه هفدهم ربیع
 الاول ۸۳ هجری ولادت رئیس مذهب امامیه امام ششم حضرت صادق
 جعفر بن محمد علیهم السلام در مدینه واقع شد و در این روز غسل مستحب است
 روزه آن ثواب یک سال روزه را دارد - زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در این
 روز مستحب است - زیارت امیر المؤمنین علی علیه السلام در نجف اشرف
 مستحب است - و مستحب است که چون روز بالا آید دو رکعت نماز بخواند
 در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه آنا انزلناه و ده مرتبه سوره توحید را بخواند و
 بعد از نماز دعائی را که سید و اقبال نقل نموده بخواند چون مفصل است نقل نشد

ماه ربیع الثانی

استهلال در شب اول و نماز روز اول و دادن صدقه برای سلامتی

ماه مانند ماههای گذشته موجب ثواب و سلامتی ماه است - روز هشتم

و یازدهم آن ^{۲۳} هجری حضرت امام حسن عسکری علیه السلام متولد گردید -

و روزه آن را در اقبال ص ^{۸۹} مستحب دانسته و دعائی را نیز روایت نموده که

در غره ربیع الثانی خوانده میشود

ماه جمادی الاول

استهلال و دعا و نماز اول ماه و صدقه دادن برای سلامتی تمامی ماه

وارد است - بنا بر روایت وقوع وفات حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا

بنفاد و پنج روز بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بواسطه تمام پاناس ^{۷۵} قص

بودن ماهها روز ^{۱۳} نهم یا چهاردهم ^{۱۴} و یا پانزدهم ^{۱۵} جمادی الاول واقع گردید

پس اقامه مجالس عزاء آنحضرت در این سه روز مناسب است و روز

پانزدهم ^{۱۵} ماه ^{۳۸} هجری (برخی ^{۳۷} نیز نوشته اند) ولادت امام چهارم

حضرت علی بن حسین علیهما السلام واقع گردیده آن روز روز محرمی است

وزیارت آنحضرت در آن مناسب است.

ماه جمادی الثانی

چون سائر ماهها است هلال و خواندن دعای هلال و نماز اول هر ماه
 و تصدق دادن برای سلامتی ماه ترک نشود. روز بیستم پنج سال بعد از بعثت
 در مکه معظمه صدیقه طاهره فاطمه زهرا و خیر رسول خدا قس متولد گردید روز مبارک
 روزه و خیرات و زیارت آنحضرت در آن روز مناسب است. و در این ماه ^{۳۶}
 بحری جنگ جل در بصره واقع گردید عایشه زوجه رسول خدا صلی الله علیه و آله
 بر حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام خروج نمود و به شکست وی جنگ بیابان
 رسید. روز دوشنبه بیست و ششم ^{۲۵۶} هجری در سامراء وفات امام
 علی نقی ع واقع گردید. سوگواری و زیارت آنحضرت در این روز مناسب است
 و از اعمال این ماه نمازیست که سید بن طاووس در ص ۹۷ اقبال آنرا
 نقل نموده که در هر وقت میتواند بخواند و آن چهار رکعت هر دو رکعت بیک سلام
 رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه
 و در رکعت دوم بعد از حمد یک مرتبه سوره الهکلم الکاکر و بیست و پنج مرتبه
 قل هو الله احد و در رکعت سوم بعد از حمد یک مرتبه قل یا ایها الکافرون
 و بیست و پنج ^{۲۵} قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم بعد از حمد یک مرتبه

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَبِئْسَ وَبِئْسَ وَبِئْسَ وَبِئْسَ وَبِئْسَ وَبِئْسَ وَبِئْسَ وَبِئْسَ
 از نماز بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ
 أَكْبَرُ بِفَضْلِ مَرْتَبَةٍ وَبِئْسَ مَرْتَبَةٍ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ وَبَعْدَ ذَلِكَ سَجْدَةٌ وَبِئْسَ مَرْتَبَةٍ يَا
 قَوْمِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ نگاه حاجت خود را بنحواهد که برآورده است

اعمال به راه

از جمله اعمال به راه دو رکعت نماز است که در اول به راه خواندن آن
 مستحب است و سبب دفع بلا است و کیفیت آن در ص ۱۸۲ آمد
 و دیگر خواندن دعای چهل و سه صحیفه کامله است که در ص ۳۱۳ آمده و خواندن
 هفت مرتبه سوره حمد که برای دفع دروچشم منقول است و از جمله سنتهای مکتوبه
 به راه ۳ روز روزه است که رسول خدا ص بان مواظبت فرمود تا از دنیا
 رفت مشهور پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر و چهارشنبه اول و هفتم و دهم است
 و روایت شده است که ثواب این روزه برابر است با روزه تمام سال
 و دوسوسه های شیطان را از سینه دور میکند. و از جمله روزه های مستحبی به راه

روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه که از طرق سنت
 و شیعه روایات معتبره بسیار و فضیلت آن وارد شده و نیز برای کسیکه
 حاجتی داشته باشد در هر ماهی که باشد روزه رور چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
 را گرفتن وارد شده.

عمل آب نیسان در ماه رومی

خوردن آب نیسان بر حسب بعضی روایات خواص بسیاری دارد
 برای شفای بیمار و دور شدن صداع و صحت یافتن از هر مرض و بر طرف
 شدن درد استخوانها و در شکم و غیره که تفصیل علامه مجلسی در زاد المعاد
 نقل نموده وارد شده است کیفیت آن بر حسب روایت مجلسی در زاد المعاد
 از حضرت امام جعفر الصادق ع از این قرار است فرمود میخوانی بر آب نیسان
 فاتحه کتاب و آیه الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی
 و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد
 هر یک را هفتاد مرتبه و میگوئی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه
 الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد
 و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر

و بصورت دیگر از سید جلیل ابن طاووس بروایت عبداللہ بن عمر نقل شد
 و خواص بسیاری برای خوردن آن برای هر گرفتاری و مرض و سختی و بلا روایت
 گردیده و بجهت اختصار باین اندازه اکتفا شد. و کلیت خوردن آب باران
 برای طلب شفا در حدیث وارد شده. و زوائد المعاد و مجلسی است که در
 حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام منقول است که فرمود بیانشا
 آب آسمان را که پاک کننده بدن شماست و در دها را دفع میکند چنانچه
 حق تعالی میفرماید وَ یُنزِلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَیَطَّهَرَ کُم بِهِ
 وَ یَذْهَبَ عَنْکُمْ رِجْزَ الشَّیْطَانِ وَ لَیُرْبِطَ عَلَی قُلُوبِکُمْ
 وَ یُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (سورة الانفال آیه ۱۱) یعنی میفرستد خدا بر
 شما از آسمان آبی را که بسبب آن پاک کند شما را و دور کند از شما و سوخته شیطان
 را و دل‌های شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بسبب آن قدم‌های شما را.

ماابلیگ.آرگانی

نیسان ماه دوم بهار است از سال رومی شروع ماه‌های رومی در
 سال از تشرین اول است و آن ازین قرار است. تشرین اول ۳۱ روز
 تشرین دوم ۳۰ روز. کانون اول و کانون دوم هر کدام ۳۱ روز است.

شباط ۲۸ روز و در سال کبیسه شباط ۲۹ روز میشود. آذر ۳۱ روز.

نیسان ۳۰ روز. ایار ۳۱ روز. خزریان ۳۰ روز. تموز ۳۰ روز. آب

۳۱ روز. ایلول ۳۰ روز میباشد و آن ماه آخر سال رومی است

و در نصاب بنظم آمده

دوشهرین و دو کانون پس آنکه شباط اذر و نیسان ایار است

خزریان و تموز و آب و ایلول خداوند آنکه در شش که از من یادگار است

بهار از روز ۲۰ آذر شروع میشود تا بیستم خزریان تمام میگردد و تابستان

از ۳۱ خزریان تا ۳۱ ایلول است پانزدهم از ۲۲ ایلول تا ۲۰ کانون پایان

میرسد زمستان از ۲۱ کانون اول است تا نوزدهم آذر تمام میشود پس

نیسان ماه دوم بهار است که هر وقت بارش آید در آن اعمال آب نیسان

چنانیکه نوشته شد گرفته میشود

maablib.org

اوقات نیک و بد

احکام ایام هفته

یکشنبه متوسط است برای هر کاری و مخرج وی اقوی است. دوشنبه

را نخب نوشته اند و در بعضی روایات است که دوشنبه مبارک است

و نیز وارد است که اعمال امت روز دوشنبه بر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
 عرض میشود. سه شنبه روزی است که آهین برای داود نرّم شد. از امام صادق
 علیه السلام روایت است که فرمود کسیکه حاجتی طلبد روز سه شنبه را اختیار کند
 چه آهین در آن روز برای داود نرّم شد. چهارشنبه را خمس نوشته اند
 و او خوردن در آن وارد گردیده. پنجشنبه روز مبارکی است برای هر کاری ^{حیث} صلا
 دارد. از رسول اکرم ص و وارد است که فرمود **اللَّهُمَّ بَارِكْ لِمَتِّي يَوْمَ هَذَا**
يَوْمَ سَبْتِيهَا وَخَمِيْسِيهَا یعنی بار پروردگارا مبارک گردان روز شنبه و پنجشنبه
 را برای امت من. امام صادق علیه السلام فرمود تا سخن گرفتن روز پنجشنبه
 و یکی را برای جمعه گذاردن خدا فقر را از او دور مینماید. سفر در روز پنجشنبه و شنبه
 مبارک است. جمعه روز مبارکی است چنانکه در اعمال جمعه بیان شد شب
 و روز جمعه برای عقد و زفاف خوب است. سفر قبل از نماز جمعه مکروه است.
 روز شنبه برای مسافرت و تمامی کارها خوبست چنانکه در حدیث وارد شده است

احکام آیام شهر

اول ماه. برای طلب حوائج و طلب علم و تزویج و غیره مبارک است
 دوم روز مبارکیت برای منازل و سفر و تزویج و طلب حوائج سوم ^{یک} خمس نوشته

اند چهارم نیک است برای تزویج و سفر و زراعت نمودن پنجم را نیک نوشته
 اند ششم را مبارک نوشته اند و در آن تزویج و شکار و خرید و فروش و طلب
 معاش و حوائج خوبست هفتم از امام صادق علیه السلام رسیده است
 که از برای تمامی امور خوب است هشتم از امام صادق ع وارد است که
 روز خوبی است برای هر حاجت نهم و دهم برای طلب حاجت و برخی کارهای
 دیگر خوبست یازدهم برای جمیع حوائج مگر برای سفر نیک نوشته اند دوازدهم
 برای طلب حوائج و تزویج صالح است سیزدهم نیک است چهاردهم از
 امام صادق ع وارد شده که برای هر چیز خوبست پانزدهم از آنحضرت وارد
 شده است برای حاجت و سفر نیک است شانزدهم را نیک نوشته اند
 هجدهم از امام صادق ع وارد شده است که برای جمیع حوائج و بیع و شراء و تزویج
 و غیره خوبست هیجدهم را فرمود روز مبارک است نیک است برای سفر و تزویج
 و طلب حوائج وارد شده است نوزدهم از امام صادق ع وارد است که
 برای هر چیز صلاحیت دارد و سفر در آن نیک است و هم چنین برای تزویج
 و طلب حوائج و گرفتن علم خوبست بیستم فرمود برای بنا و تزویج و طلب حوائج
 و سفر نیک است بیست و یکم نیک است بیست و دوم نیک است برای

هر کاری بیست و سوم برای هر کاری خوبست خصوصاً برای تزویج ^{۲۳} بیست و چهارم ^{۲۴} چهارم
 و بیست و پنجم را نخس نوشته اند بیست و ششم برای هر حاجت وارد گردیده
 امام صادق ع فرموده است "یصلح لكل حاجة ما خلا التزویج
 والسفر" یعنی برای هر کار صلاحیت دارد مگر تزویج و سفر ^{۲۷} بیست و هفتم
 و بیست و هشتم برای طلب حوائج خوبست ^{۲۹} بیست و نهم و سی ام ^{۳۰} ایام محاق
 است که ماه در شب آن دیده نمیشود نسبت بان مختلف نقل شده است البته
 در آن عقد نکاح و تزویج مکرره است.

اوقات نخس

از جمله اوقات نخس قمر در عقرب و ایام و لیالی آخر ماه است که آنرا محاق
 گویند و ماه در آن دیده نمیشود و شبهای آن تاریک است و آن دو شب است
 اگر ماه ۲۹ روز باشد. و اگر ماه ۳۰ روز باشد لیالی محاق ۳ شب میشود
 و از اوقات نخس کواحل است و آن هفت روز است چنانیکه در نصاب بنظر آورد
 هفت روز نخس وارد هر منی * زو حذر کن تا نیابی هیچ رنج
 سه و پنج و شش ^{۱۳} و سیزده ^{۱۴} با شانزده
 بیست و یک ^{۲۱} با بیست و چهار ^{۲۴} و بیست و پنج ^{۲۵}

قمر در عقرب و طریق شناختن آن

ماه دَوْرَه خود را در مدت ۲۹ یا ۳۰ روز سپایان می‌رساند و در هر دو

شبانه روز و شش و یک از برج دوازده گانه (حمل، ثور، جوزا، سرطان،

اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت) عیاش

پس برای آنکه شناخته شود که قمر در چه برجی است قواعدی وضع شده است

و چون قمر در عقرب از اوقات نحس است قاعده شناختن ماه را در آن باین

قسم بیان نموده اند که هر چه از ماه گذشته باشد آن را دو برابر کن و پنج بر آن زیاد

نمایس نظر نما که آفتاب در کدام برج دوازده گانه است و از همان برج که آفتاب

در آن است شماره نمود پنج پنج طرح کن و در مقابل هر برجی که عدد تمام شود ماه

در آن برج است مثلاً امروز که روز نهم شوال است میخواهیم بدانیم که ماه در چه

برجی است آن را دو برابر نموده، بیجده میشود پنج بر آن اضافه نموده بمسیت

و سه میگردد و چون آفتاب در برج سرطان است از آن برج پنج پنج

طرح مینمایم و میگوئیم سرطان پنج . اسد پنج . سنبله پنج . میزان پنج . سه

عدد که میماند آن را هم پنج فرض نموه در مقابل آن عقرب میشود پس باین اعتبار

قمر در برج عقرب است و برای آنکه دانسته شود که قمر در کدام درجه عقرب است

باقی مانده که دو باشد ضرب در شش مینمایم حاصل ضرب که دو از ده میشود شماره
 درجه ایست که قمر در آن درجه است - پس باین اعتبار روز نهم سوال قمر در
 دوازدهمین درجه بُرج عقرب میباشد. نسبت شیخ الحکماء خواجه نصیر الدین
 طوسی متوفی ۶۷۲ هجری طاب ثراه داده شده است که برای شناختن قمر در
 عقرب و درجه آن فرموده است :-

آنچه از ماه شد مضاعف کن + پنج دیگر فرمای بر سر آن
 پس بُرجی که آفتاب در اوست + بکن آغاز و پنج پنج بر آن
 هر کجا منتهی شود عددش + ماه آنجا بود بیقین میدان
 هر چه ماند در آخرین منزل ضرب کن در شش و مابج آن
 آنگهی - اگر چه انسان باید مقید باین قواعد تا یک اندازه باشد لاقیدی
 منافی است با زندگی حکمانه - ولی گاه میشود که انسان مجبور است که صرف نظر
 از قواعد نموده در اوقات نحس آنچه را که ممنوع است از سفر و ازدواج و غیره بیاورد
 شرع اسلام که نسبت بجامعه مهربان و مال بین است برای دور شدن اثر
 نحس و دعا و صدقه را بیان فرموده که از دادن صدقه و دعا نمودن بلا دفع میشود
 عزیز یاد میگردد امیرالمؤمنین علی علیه السلام میفرماید بیماریهای خود را علاج کنید

بدادن صدقه و دور کنید بلا را بوسیله دعا - پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود
 چیزی زیاد نمی نماید عمر را مثل صدقه دادن و دور نمیکند بلا را چیزی مثل دعا و هیچ
 چیز بنده را نورانی نمیکند مثل خلق نیک و دور نمیکند گناه را مگر استغفار - صدقه
 پرده ایست که نگه میدارد از آتش جهنم و سبب گزشتن از صراط و امان از
 عذاب است

در احکام زکوة

زکوة در اسلام برای پاک شدن مال و همراهی با فقرا و اصلاح حال
 بیچارگان و فراهم گردیدن وسائل اداره شدن امورات اجتماعی مسلمانان
 و اصلاح معاش افتادگان و غیره مقرر گردیده - راستی اگر امروزه زکوة در میان
 مسلمانان چنانیکه وارد گردیده جاری میبود و دادن خیرات و مدد نمودن فقرا
 و افتادگان عمومیت میداشت و هر کس باندازه خود دستگیری از نیازمندان
 مینمود و مواسات چنانیکه شریعت اسلام بان امر نموده عملی میشد هرگز این
 بدبختی و هجرت و این اختلاف و این تدابیر دشمنان بنام طرفداری از شیخبران و ضحفا
 برای منزلت ساختن عقائد ملت و از بین بردن دیانت در میان مسلمانان باین
 اندازه تولید نمیشد و این انقلابات سیاسی که بنامهای مختلف روزانه وسعت

پیدا میکند و بنام ظلم سرمایه داری فقر را بر اغنیا چیره مینماید بوجوهی آمد - با آنکه
 حقیقت سرمایه داری را دولت‌های بزرگ عملی و نقدین (طلا و نقره) عالم را
 اختران نموده اند و به اوراقی بشر را مشغول ساخته اند - اگر بنا شویم که باین
 اندازه اقتدار که بشر بواسطه تجارت و تحصیل این اوراق دارا است آن هم
 بسم سرمایه داری از زمین برود و تمام مردم در فقر کیسان شوند دیگر برای کسی
 قدرت همراهی با فقرا و ضعفا نخواهد ماند و برای صلوات رحم - دادن زکوة و صدقات
 و ایفاء خمس، و بذل خیرات، و همراهی از بیچارگان، و دادن قرض الحسنه
 محالی نخواهد ماند در این صورت همه مردم کیسان و حیران خواهند شد - غلام
 محض و بنده خاص مقدرین سیاسی جهان خواهند بود - پس لازم است
 که مسلمانان از تدابیر مخالفین اسلام غفلت نکنند و در پیروی دین حنیف
 اسلام اهتمام نمایند و در مقابل قانون اسلام سر خم کنند و تعلیمات اسلام را پیروی
 کنند و کوشش کنند فقر را سرمایه دار نمایند ضعفا را با اندازه خود نیازمند کنند
 کوشش کنند که این فقر مفراطیکه عمومیست پیدا نموده در اثر معاونت
 بیکدیگر از زمین ببرند -

خوانندگان کرامی! بهر اندازه که فقر در میان ملت زیاد شود دین

ضعیف خواهد شد اقتدار ملت از بین خواهد رفت کوشش کنید دست بیکار
را بکار بندنمائید و عجزه را همراهی کنید و یکدیگر را حتی کو دوکان را بدادن پول
و همراهی با افتادگان عادت دهید

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار دیگر عضو را نماند قرار

بهر حال شریعت اسلام برای حفظ اقتدار ملت و قانون دیانت

امر بدادن زکوة نمود و صاحب شریعت اسلام فرمود منکر زکوة مثل

منکر نماز است و از اسلام خارج است . رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود "زکوة اموال خود را بدهید تا که نماز شما قبول شود" و فرمود "صانع

الزکوة فی النار" علی علیه السلام فرمود "هیچ مالی نیست که

در صحراء و دریا نابود شود مگر آنکه زکوة آن را نداده باشد" انگاه فرمود

"اموال خود را بزکوة حفظ کنید، بپاران خود را بصدقه علاج نمائید، و بلا

را بدعا از خود دور کنید".

بهر حال زکوة واجب میشود بر کسی که بالغ و عاقل و آزاد باشد مالک

قدر نصاب باشد - و مراد از نصاب اندازه ایست که چون مال بآن

اندازه رسد زکوة واجب میشود - و زکوة واجب است بر نه چیز (۱) طلا

(۲) نقره (۳) گندم (۴) جو (۵) خرما (۶) مویز (۷) شتر (۸) گاو

(۹) گوسفند - گاو و میش حکم گاو را دارد و بز حکم گوسفند را - در طلا و نقره

وقتی زکوة واجب میشود که سکه دار باشد اگر چه آن سکه رواج نداشته

باشد و دیگر آنکه سال بر آن بگذرد پس بر غیر مسکوک و یا قبل از گذشتن سال

زکوة تعلق نمیگیرد - و نیز باید بحد نصاب رسیده باشد.

نصاب طلا بمیت مثقال^(۱) شرعی است پس زکوة آن نیم مثقال

است و پس از آن (یعنی بعد از بمیت) در هر چهار^(۲) مثقال شرعی ده

یک مثقال باید زکوة داده شود و اگر کمتر از چهار مثقال باشد زکوة در آن نیست

و زکوة نقره در هر دو بیت^(۳) در هر پنج درهم است و در کمتر از دو بیت

(۱) مثقال شرعی بیخده نخود است و بحساب هند دو اذره وال است و نیز موازیت با سی و شش رتی

و یا سی و نیم و عشر باشد - و ایضا نصاب طلا بحساب توله که از موازین هند است شش توله است برای آنکه

توله شصت نخود است که سه مثقال و ثلث مثقال شرعی میشود - پس در هر شش توله طلا که موازی با بمیت مثقال شرعی

است شش وال طلا که نیم مثقال شرعی است باید زکوة بدهد (دو والی یک نخود و نیم است).

(۲) چهار مثقال موازیت با یک توله و هشت وال یا یک توله و بمیت و چهار رتی - و یا یک توله و دو و دو و دو

نیم باشد

(۳) دو بیت در هر موازی با چهل توله است چه پنج درهم یک توله است و چون رویه موازی یک توله میباشد

دو بیت در هر موازی چهل رویه است پس در هر دو بیت در هر پنج درهم باید داد بحساب رویه در هر چهل یک

درهم زکوة نیست و پس از آن هر حمل^(۱) و درهم یک^(۲) درهم باید زکوة داده شود
و در کمتر از آن زکوة نیست.

و اما زکوة اجناس چهارگانه گندم، جو، خرما و مویز پس وقتی
واجب میشود که شخص آن را کاشته باشد و یا قبل از آنکه گندم جو انگور دانه
بندد و خرما زرد و سرخ شود بملک شخص درآید و دادن زکوة بر مالک واجب
میکردد ولی بشرط آنکه باندازه نصاب برسد و نصاب آن پنج دستق است
و هر دستقی شصت صاع است و هر صاعی ششصد و چهارده مثقال صیرفی^(۳)
و شش نخود است و در کمتر از آن زکوة نیست و در بیشتر آن بهر اندازه که باشد
زکوة باید داد پس هرگاه غلات چهارگانه نام برده بحد نصاب رسید واجب
است که ده یک آن بعنوان زکوة داده شود اگر آب باران و یا جاری بعمل
آمده باشد - و اما اگر آب چاه کشیدن گاو و امثال آن بعمل آمد پس
زکوة آن نصف ده یک است و اگر بهر دو حاصل شده باشد باید اغلب را
گرفت.

(۱) هشت توله میشود.

(۲) یک درهم موازیست با نیم مثقال شرعی و عشر مثقال شرعی که مساوی است با دو مارش و ثمن تقریباً.

(۳) مثقال صیرفی بیست و چهار نخود است و ایضا صاع شش رطل مبنی و پنج توله و نیم دست و ال میشود.

و زکوة حیوانات سه گانه شتر، گاو، گوسفند از این قرار است - زکوة
 شتر وقتی واجب است که سال بر آن بگذرد و بنصاب برسد و قوت او از
 چریدن باشد پس زکوة آن تا بمیت و پنج شتر در هر پنج شتر یک گوسفند
 است و اگر کمتر از بمیت و پنج شتر باشد چیزی بر آن نیست - و زکوة
 بمیت ^{۲۴} و شش شتر یک شتر ماده ایست که یک سال تمام نموده و در
 سال دوم شده باشد - و در سی و شش شتر یک شتر ماده ایست
 که در اول سال سوم شده باشد - و در چهل شتر یک شتر ماده ایست
 که در سال چهارم داخل شده باشد - و در شصت و یک شتر یک شتر
 ماده ایست که در سال پنجم داخل شده باشد - و در هفتاد و شش و دو شتر
 ماده ایست که در اول سال سوم شده باشد - و در نود و یک شتر دو شتر ماده
 ایست که در اول سال چهارم شده باشد - و چون ^{۱۲۱} ب یکصد و بمیت و یک
 شتر رسد زکوة آن در هر چهل شتر یک شتر ماده ایست که در اول سال سوم
 شده باشد و یا در هر پنجاه شتر یک شتر ماده ایست که در اول سال چهارم
 شده باشد.

و اما گاو چون عمرش ^{۲۱} سی سال رسد زکوة او واجب میشود و آن یک

گو ساله ایست که در سال دوم شده باشد و چون بسن چهل رسد یک

گو ساله ایست که در سال سوم داخل شده باشد

و اما گو سفند تا چهل نرسد زکوة ندارد و چون بچهل رسد زکوة آن یک

گو سفند است و چون به یکصد و بیست ^{۱۲۱} و یک رسد زکوة آن دو گو سفند و چون

به دو بیست ^{۲۰۱} و یک رسد زکوة آن سه گو سفند و چون به سیصد و یک ^{۳۰۱}

رسد زکوة آن چهار گو سفند است و چون بچهار صد و بالا تر رسد در هر صد

گو سفند یک گو سفند باید زکوة داد و گو سفندی که بعنوان زکوة داده میشود

کحمر از هفت ماه نباشد. بیمار و معیوب نباشد. و بعضی از علما گفته اند

احوط آنست که کحمر از یک سال نباشد.

و اما زکوة سنت در چند چیز است یکی هر چیزی که از زمین برود

و بکخیل و یا وزن در آید مانند برنج، نخود، عدس، ماش و امثال آن پس

نصاب آن مثل نصاب گندم وجود خرما و میوز است که بیان شد. و نیز در

مال التجاره زکوة سنت است.

و اما مصرف زکوة پس آن در چند مورد است که از آن جمله فقرا، مساکین،

اداء قرض کسانی که عاجز باشند از دادن آن. و نیز از مصارف آن

فی سبیل اللہ است و مراد از آن تولید هر چیزیست که عامه مسلمانان از آن
 انتفاع برند چون مسجد، مدرسه، دارالبحرۃ، دارالایتام، تاسیس بل و قنطر
 بیمارستان و آنچه را که محل استفادہ شرعی مسلمانان است و مخصوصاً کسانی که
 مشغول تحصیل علم دین میباشند و یا در راه دین خدمت مینمایند و از مصارف
 زکوٰۃ ہمراهی با این سبیل و آن کسی است که در سفر پریشان گردیده و نمی تواند
 خود را بوطن برساند پس باید از زکوٰۃ بوی داد اگر چه در وطن خود دارا باشد
 خداوند کریم در کتاب آسمانی خود (قرآن) زکوٰۃ را در سوره توبه آیه شصت بیان
 نموده و فرموده: **إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ**
عَلَيْهَا وَالْمَوْلَىٰ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ (اینست جز این نیست صدقات برای نیازمندان و درماندگان
 و برای کسانیست که صدقات را جمع آورمی مینمایند و برای کسانیست بدست

(۱) و آنها جمعی از اشراف و مطاع کفار بودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله سعی از زکوٰۃ بدیشان میداد تا ببردین
 اسلام الفت گیرند کثرت اتباع و قبیلہ خود و استعانت ایشان نمایند بر قتال دشمنان و منع کفار نمایند از داخل شدن
 در غیر مسلمانان - در روایت آمده که صفوان بن امیہ گفت که رسول خدا ص را عطا میداد و اول در همه جهان کسی
 دشمن تر از او ندانم پس او چندین چیز بمن عطا داد که از او دوستتر کسی در جهان ندانم. خلاصه المنهج

آورده شده و لهاشان و دروازاد کردن گردنها و اداء قرض مفلسان و دادن
 در راه خدا و کسانی که در سفر بازمانده و بی چیز شده باشد (اگرچه در وطن خود
 دارا باشد) فریضه ایست از خدا - و خدا وانا است با حکمت) - و باید دانست
 که زکوة واجب که از غیر باشمی است بهاشمی دادن جائز نیست و برعکس
 جائز است - و نیز زکوة هاشمی بهاشمی دادن جائز است - و مراد از هاشمی
 اولاد حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و عقیل و جعفر و عباس است.

در بیان زکوة فطره

دادن زکوة فطره سبب تکمیل روزه ماه صیام است و ترکش گناه کبیره
 است و آن واجب است بر هر بالغ و عاقل و آزاوی که قدرت بر دادن آن
 داشته باشد پس از طرف خود و هر کس که در عیالات او باشد از زن و فرزند
 و خادم و خادمه و غیره واجب است که زکوة دهد - و زکوة فطره بر مال دیوانه
 و نابالغ نیست - و بر میزبان است که فطره مهمان خود را بدهد بشرط آنکه قبل از
 غروب روز آخر ماه رمضان وارد شده باشد خواه چیزی بخورد یا نخورد - و در
 صورتیکه بعد از دیدن هلال شوال حاضر شود زکوة فطره او بر خودش میباشد -
 اهمیت زکوة فطره باندازه ایست که حق تعالی آن را مقدم بر نماز در این آیه شریفه

ذکر نموده فرمود "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى" سوره اعلیٰ
 آیه ۱۴، ۱۵ (رستگاری یافت کسیکه پاک شد یعنی عطا کرد زکوة فطره را
 و یاد کرد نام پروردگار خود را پس متوجه شد بمصلی و نماز عید گذارد) و دادن
 زکوة فطره سبب دفع بلاهای سال است - حضرت امام جعفر صادق ع
 بویکل خرج خود معتب میفرمود که فطره جمیع عیال و غلامان و کنیزان مارا بده
 و هیچ یک را ترک مکن چه اگر یکی از آنها را ندی میسرسم در عرض سال ببرد
 و باید دانست که فطره غیر هاشمی را بهاشمی نمی توان داد ولی اگر از هاشمی باشد
 بهاشمی داده میشود.

اما جنس زکوة فطره گندم، جو، خرما، مویز، برنج، کشک، شیره،
 و یا آنچه که در اغلب خوراک سال واقع میشود - و باید عوض هر نفری یک صاع
 که ششصد و چهارده مثقال و شش نخود است و تقریباً مطابق شش
 رطل بمبئی و شش توله میباشد داده شود و دادن پول عوض آنچه بیان شد
 جایز است و کسیکه زکوة فطره بوی داده میشود باید مؤمن باشد مستحق باشد
 و زکوة چند نفر را بیک نفر میتوان داد و بجهت عادل و یا ثاب وی داده شود
 کافی بلکه افضل است و وقت بیرون کردن زکوة فطره از شام شب عید است

الی ظهر عید - و صرام است تا خیران و اگر تا خیر شود پس تا شام عید بقصد قربت
 دهد و اگر از روز عید گذشت واجب است که آن را با هلهش برساند و در موقع
 دادن قصد قربت کند - و مراد از قصد قربت نیت کند که برای خشنودی خدا و
 نزدیک شدن بر رحمت وی (تعالی شان) زکوة را میدهد

در احکام خمس

یکی از واجبات دین اسلام دادن پنج یک مال است بشرایط ^{معدنه}
 که بیان خواهد شد و در زبان عرب آن را خمس گویند - و سیکه توانا بر او
 خمس باشد و ندهد در زمره غاصبین حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم
 داخل خواهد شد - و خمس در سبقت چیز تعلق میگیرد و اول غنائم دار الحرب بشرط آنکه
 جنگ باذن امام واقع شده باشد و سوم معادن مثل طلا و نقره مس و آهن
 حیوه و سرب نبط و غیر کبریت و گوگرد زریخ و آبک نمک و امثال آن
 و سنگهای قیمتی مانند یاقوت زبرجد زمرد عقیق الماس و غیره از چیزهاییکه
 از زمین بیرون آورند و آن را معدن نامند - پس بعد از دادن خرج مؤنه
 بیرون آوردن و تصفیه آن اگر بقدر نصاب بماند خمس باید داد - و نصاب
 معدن باندازه قیمت بیست مثقال شرعی است ^و سوم گنج است و آن

مالی است که زیر زمین یافت میشود پس باید خمس آن داده شود و نصاب آن
 بیست دینار یا دو نسیبت دریم است چهارم غوص است و آن فرود رفتن
 در دریا است برای بیرون آوردن مروارید و مرجان و غیره و نصاب آن یک
 دینار یا زیاده از یک دینار است پنجم مال حلال مخلوط بحرام است بشرط
 آنکه اندازه حرام و مالک آن معلوم نباشد پس اگر اندازه حرام معلوم نباشد
 ولی مالک معلوم باشد او را باید راضی نمود و اگر مقدار مال معلوم باشد
 و مالک معلوم نباشد بحاکم شرع رجوع شود و در صورتیکه نه مالک معین است
 و نه مقدار مال در این صورت باید خمس آن را داد ششم زمینی که بعنوان
 بیع و غیره از مسلم منتقل بکافر ذمی شود هفتم فواید بیست که از کسب خواه تجارت
 باشد زراعت باشد صنعت باشد اجاره و یا غیر آن باشد برای شخصی حاصل
 شود پس بعد از مؤنه سال و خرج عیال آنچه زیاده بماند باید خمس آن داده
 شود و خمس دو قسمت میشود نصف آن بعنوان حق امام علیه السلام به
 مجتهد عادل داده میشود و نصف دیگر حق بنی هاشم است که از ذریه عبد
 باشند از اولاد امیر المؤمنین علی علیه السلام و عقیل و جعفر و عباس عموی
 پنجم بر قص خمس بانها میرسد و گیرنده خمس مرد باشد یا زن باید شیعه اهل

اشی عشری مستحق باشد - و کسانی که مستحق میباشند زیاده از نمونه سال
نمیخواهند بگیرند

در احکام قربانی

قربانی در اسلام سنت مؤکده است - از امام جعفر صادق ع مرویست که
فرمود "هُوَ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ اَلَا مَنْ لَمْ يَجِدْ" (یعنی
قربانی واجب است بر هر مسلمان مگر آنکه نیابد) ام سلمه پسر رسول خدا صلی الله علیه
و آله عرض کرد که عید قربان میرسد و من دارای پول قربانی نیستم حضرت فرمود
قرض نماند رستیکه قرضی است که ادا میشود - و هر گاه جمعی قادر نباشند بر قربانی
جداگانه جائز است باینکه بگرشتریک شوند هفت نفر تا هفتاد نفر میتوانند یک
حیوان قربانی نمایند و هر چه کمتر باشند بهتر است - و بهتر آنست که قربانی
در روز عید که دهم ذالحجه واقع شود و هر گاه ممکن نشود در روز یازدهم و دوازدهم
ذالحجه میتواند قربانی نمود - و کسانی که برای حج در منی میباشند تا روز سیزدهم
نیز قربانی میتوانند نمایند.

و اما حیوان قربانی شتر، گاو، گوسفند و بز میباشد، اما شتر
باید پنج سال تمام یا بیشتر باشد - گاو و بز یک سال تمام و داخل سال دوم

شده باشد و اگر داخل سال سوم شده باشد بهتر است و گوسفند باید بهفت ماه
 وی تمام شده و باید در ماه هشتم داخل شده باشد و اگر یک سالش تمام باشد
 بهتر است. و مستحب است که قربانی اگر شتر یا گاو باشد ماده باشد
 و گوسفند و بز نر باشد.

و باید حیوان قربانی نقص در اعضایش نباشد گوشش بریده نباشد
 مغز شاخش شکسته نباشد کور، لنگ، بیمار، خایه بریده نباشد و اگر بغیر از
 خصی دست بهم نرسد آن را میتوان قربانی کرد. پیر و لاغر نباشد بلکه سفت
 است که فربه باشد. و در وقت قربانی مستحب است که این دعا را بخواند

دعای قربانی: این دعا را سه مرتبه خوانده و هر مرتبه بدین گوسفند بده

و در عین ذبح نیز بخواند اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الشَّاةَ لَكَ وَمِنْ فَضْلِكَ

وَكَرَمِكَ وَصَلِّ إِلَيَّ وَأَنَا أَفْدِيهَا بِعَبْدِكَ فَلان بن فلان

(بجای فلان بن فلان اسم شخص آورده شود) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا فِدَاؤُهُ

لِحَمَّةٍ بِلَحْمِهِ وَدَمُهُ بِدَمِهِ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا

تَقَبَّلْتَ مِنْ خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ فِدَا

لَوْلَدِهِ إِسْمَاعِيلَ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

اللَّهُمَّ هَذَا فِدَاؤُهُ وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي بَعْدَ أَنْ تَمَّ مَرْتَبَةُ كَوَيْدِ
 اللَّهُ أَكْبَرُ وَتَمَّ مَرْتَبَةُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَذِيحْ نَمَائِدِ
 وَرَأْحَامِ عَقِيْقَةِ اسْتِ

مستحب است که روز مضموم ولادت کوک از برای وی عقیقه نمایند
 و هرگاه ممکن نشود - بر پدر مستحب است که هر وقت ممکن شود عقیقه ویران نماید
 و پس از رسیدن بحد بلوغ بر شخص لازم است که تا آخر عمر هر وقت ممکن شود عقیقه
 کند - و هرگاه حیوان عقیقه پیدا نشود پول آن را میگذرانند تا وقتیکه بدست
 بیاید عقیقه نمایند - و همان شرائط که در حیوان قربانی گفته شد در حیوان عقیقه
 نیز وارد است - و مستحب است که قسمتی از گوشت گو سفید عقیقه را به قایم
 دهند - و از برای پدر و مادر طفل و هر کس که در عیال آنها است خوردن گوشت
 عقیقه مکروه است - و مستحب است که گوشت عقیقه را پخته و بخورانند
 و کمتر از ده نفر خورندگان نباشند و هرگاه بیشتر باشد افضل است و شکرستن
 استخوانهای حیوان عقیقه مکروه است - بلکه اعضای آن را از هم جدا نمایند
 بهتر است و مستحب است که حیوان عقیقه فربه باشد - و با مولود در ذکورت
 و انوثت مساوی باشد و چون حیوان عقیقه را میکشند مستحب است

این دعا را بخوانند یا قوم انی بری مما تشركون انی و جهنت
 و جهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا مسلما
 و ما انا من المشرکین ان صلوتی و نسکی و حیای و محاتی
 لله رب العالمین لا شریک له و بذک امرت و انا
 اول المسلمین اللهم منک و لک بسم الله و بیا لله
 و الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل
 من فلان بن فلان بجای فلان بن فلان نام مولود و پدرا و را برده و
 لوح کنند.

ترجمه : ای قوم بدستیکه من بزارم از آنچه را که شرک میاورید
 بدستیکه من توجه دارم روی خود را بطرف آن چنان کسیکه ایجاد نمود آسمانها
 و زمین را و میباشم مسلمان پا برجا و نیستم من از شرک آورندگان بخدا و در
 حقیقت نماز و عبادت من زنده و مرده من از برای خدا پروردگار عالمیان است
 نیست شرکی برای او و باین امر کرده شده ام و میباشم اولین مسلمان خدایا
 از تو است و برای تو است بنام خدا (این عقیقه را بنمایم) و خدا بزرگتر است
 (از اینکه وصف کرده شود - خداوند آورد و فرست بر محمد و آل محمد و قبول کن (این

عقیقه را) از فلان فرزند فلان و بجای فلان نام کسیکه برای او عقیقه میشود

و نام پدر او را بیاورد

در تذکیر حیوان است

بدانکه مقصود از تذکیر حیوان حلال گوشت کشتن آنست مطابق قانون
 شرع پس در کشتن گاو و گوسفند و بز و غیره پنج چیز شرط است اول آنکه
 کشته شده مسلمان باشد خواه مرد باشد یا زن دوم آنکه باید رو بقبله باشد
 سوم آنکه کشته در وقت کشتن نام خدا را ببرد چهارم آنکه در وقتیکه
 ممکن است باید با آهن باشد خواه کار و باشد یا چاقو یا غیر آن پنجم آنکه
 باید قسمی حیوان را بکشد که چهار رگ گلوی او بریده شود و لی بقسمیکه سراسر بدن
 جدا نشود و چهار رگ یکی مری است که آن مجرای آب و خوراک است
 و دیگر حلقوم است که آن راه نفس است و دورگ کردن است باید
 حیوان قسمی ذبح شود که پس از کشتن حرکت نکند و در کشتن شتر نحر شرط
 است و مراد از نحر زدن چاقو یا کار و یا غیر آنست در گودی گلوی شتر
 بشرطیکه زنده مسلمان باشد رو بقبله باشد و نام خدا را در وقت نحر ببرد
 و پس از تذکیر حیوان بچپه که از شکم حیوان مرده بیرون آورده میشود حلال

میشود گوشت او - و باید دانست که کشتن حیوان در شب مکروه است
 و هم چنین مقابل حیوان دیگر که نگاه میکند کشتن حیوان مکروه است و نیز
 کشتن حیوان در روز جمعه مکروه است و بعضی کراهت را مقید بقبل از ظهر
 نموده اند - و پس از کشتن حیوان حلال گوشت چند عضو آن حرام است
 و خوردن آن جائز نیست یکی طحال که سپرز باشد - قضیب (یعنی مجرای
 بول)، مثانه که آن را شاشش دان گویند، آنتیپین که خایه است - مراره
 که زهره است - شمرگاه و شیر که غلافیست بچه در آن میباشند - و هم چنین
 حرام است خوردن آنچه از حیوان پلیدی باشد مثل خون، سرگین
 و بعضی از مجتهدین حرام دانسته اند دورگ کردن را که پهن میباشند و تا
 آخر پشت کشیده شده اند و هم چنین دانه که وسط مغز سر دیده میشود
 و تقریباً اندازه نخودی میباشد و نیز دانه چشم که حیوان بان می بیند
 و نخاع است و آن چون ریسمان سفیدیست که داخل استخوان گردن
 و فقرات پشت تا پائین کشیده شده است و غذاهاست که در گوشت
 و یا چربی بدن حیوان میباشد

در احکام ماهی است

هر ماهی که مسلمان آن را از آب زنده بیرون آورد و یا آنکه مسلمان
 به بیند که از آب ^{زنده} بیرون آورده شده است پس خوردن آن حلال است
 و شرط است در ماهی آنکه پولک دار باشد پس خوردن ماهی که پولک دار
 نباشد جائز نیست و در صورتیکه پولک ماهی برل یا غیر آن سائیده شود
 خوردن آن جائز است چنانکه یک قسم ماهی است که از لطافت پولک
 آن سائیده میشود نگاه باز بیرون میآید - و خوردن سگ ماهی و مار ماهی
 حرام است خواه پولک داشته باشد یا نداشته باشد و هم چنین خوردن
 غوک که آنرا بترکی قرباغه و بفارسی غوک گویند و کاسه پشت و خرچنگ
 و غیره حرام است.

در بیان پرندگان حلال گوشت

باید دانست که هر حیوان پرنده که صاف زدن بال وی بیشتر از هم
 زدن آن باشد حرام گوشت است - و هرگاه بهم زدن بال بیشتر
 باشد و یا با صاف زدن مساوی باشد پس آن حیوان حلال گوشت است
 و نیز حرام است از جانوران پرنده که دارای چینه دان که آن را حوصله گویند

نباشد (و حوصله کیسه ایست طبیعی که زیر گلوی حیوان است و در آن دانه جمع میشود چنانکه در مرغ و کبوتر میباشند) و نیز حرام است گوشت جانور پرنده

که دارای صیغه نباشد و آن خارست پشت پای حیوان پرنده - و جانوران پرنده که دارای مخلب میباشند چون باز و عقاب و کرکس و سایر جانوران پرنده شکاری پس گوشت آنها حرام است و مخلب ناخن است که در بعضی از پرندگان موجود است و بان شکار مینمایند.

در حیوان شکار شده

گوشت حیوان شکار شده حلال است بشرط آنکه حیوان حلال گوشت باشد و مسلمان آن را شکار نموده باشد و در وقت شکار و رها کردن سگ شکاری شکار کننده مسلمان نام خدا را آورده باشد پس هرگاه مسلمان سگ تعلیم یافته را برای شکار رها کند و سگ شکار خود را بکشد گوشت آن حیوان حلال خواهد بود - و هم چنین حلال است گوشت جانور حلال گوشتی را که به تیر و نیزه و یا شمشیر و امثال آن شکار کنند - و در وقت شکار نام خدا را آورند - در این صورت اگر شکار شده شود گوشت او حلال خواهد بود

در احکام نکاح است

برای بقاء نوع بشر و حفظ نسل خداوند تعالی نکاح را برای
 فرزندان آدم شروع گردانید و فرمود **وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ**
وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ أَمَائِكُمْ **إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ**
يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ یعنی تزویج نماید
 زنان و مردان بی جفت خود را و نیکوکاران از غلامان و کنیزان خود را اگر باشند
 بی چیز هر آینه غنی میسازد خداوند آنان را از فضل خود بدرستی که خدا رحمت و
 واسع و دانا است **بهر چیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود **النِّكَاحُ****
سُنَّتِي فَمَنْ مَرَّ غَيْبًا عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي یعنی نکاح (زناشویی)
 از سنت من است و کسی که روگردان شود از سنت من پس نیست او از
 من - و فرمود **تَنَاكُحُوا تَنَاكُحُوا تَنَاكُحُوا تَنَاكُحُوا تَنَاكُحُوا تَنَاكُحُوا**
الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ یعنی زناشویی را در میان خود جاری
 کنید که در اثر آن تولید نسل خواهید نمود و زیاد خواهید شد پس بدرستی که
 من مباحات میکنم بشمار آستینهای دیگر در روز رستاخیز اگر چه بسقط یعنی بضعایع
 شدن فرزند باشد - و فرمود دو رکعت نماز از شخص زن دار بهتر است نزد خدا

از شخص عزیزی که شب را بعبادت و روز را بروزه بگذرانند و فرمود اکثر أهل
 النَّارِ الْعُزْرَابُ یعنی بیشترین دوزخیان کسانی هستند که تزویج نکرده
 اند. و فرمود چه میشود مؤمن را اینکه اختیار زنی نماید شاید خدا با او اولاد
 دهد و بسبب آن زمین سنگین شود از گوینده لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و نھی
 نمود که زنها بتبلیغ اختیار کنند یعنی ترک شوهر نمایند. بهر حال عزوبت در اسلام
 مکروه است بلکه گناه حرام میشود. و از دواج مستحب مؤکد است و گاهی
 واجب میشود. و مستحب است کسیکه اراده از دواج کند دو رکعت نماز
 حاجت بخواند و طلب خیر از خدا کند تا که او را امداد نماید که موفق بزوجه صالحه
 شود و مستحب است که اختیار کند زنی را که عقیقه باشد و زن اختیار
 کند مردی را که کفو وی باشد و مراد از کفو هم مذہب وی باشد و بتواند بواجبات
 وی قیام کند. و لازم است که اولیاء باندازه قدرت خود کوشش در ازدواج
 آنها کنند و در صورتیکه زن بکر باشد از ولی وی که پدر یا پدر پدراست نصبت
 گیرند. و زن بیوه اگر چه خود مختار است ولی اجازه ولی برای وی مستحب
 است. و نیز مستحب است که مہر کم باشد و باندازه مہر آشنه باشد
 و مہر آشنه منواری پانصد دریم است.

و البته برای نکاح و زفاف وقت نیک اختیار کنند مخصوصاً از موقع
 قمر و عقرب و شبهای محاق که شبهای تاریک آخر ماه است پرهیز نمایند
 و مستحب است که برای عروسی ولیمه در روز داده شود - و باید از اسراف
 و تکلفات بجا اجتناب کنند و اسباب خانه خرابی و دقتی فقر و ضعفارا
 فراهم نکنند و پیروی عادات جاهلانه و هم چینی که نتیجه آن پریشانی و فقر و بدبختی
 ملت است نمایند - و برای کسیکه میخواهد زنی را تزویج کند نظر نمودن بصورت
 و دستها و مو و سائر محاسن عادی وی قبل از نکاح جائز است بلکه مستحب
 است - و مستحب است که اجراء عقد نکاح در شب واقع شود و مستحب
 است قبل از جاری شدن عقد نکاح خطبه خوانده شود - و چنانکه جائز است که
 زن و شوهر خود صیغه نکاح بخوانند هم چنین جائز است که طرفین وکیل قرار دهند
 و در حقیقت توکیل در این امر برای حفظ شرافت و مقام طرفین و عزت زن و شوهر
 است - و باید وکیل بالغ و عاقل باشد - و بدون گواه در موقع خواندن عقد
 واجب نیست بلکه سنت است و البته برای رفع تهمت ترک نشود - و باید
 در موقع اجراء عقد قصد انشاء یعنی ایجاد عقد کند - و ایجاب از طرف
 زن و یا وکیل او واقع شود ولی قبولی از طرف مرد یا وکیل او واقع میگردد

پس وکیل زن گوید **أَنْكَحْتُ مَوْكَلَتِي مَوْكَلَكِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ**
 یعنی وکیل کنسندۀ خود را بزنت وکیل کنسندۀ تو در آوردم بجهت معین که معلوم
 است - آن وقت وکیل مرد در جواب گوید **قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمَوْكَلِي**
عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ یعنی قبول نمودم نکاح را برای موکل خودم بجهت معین که معلوم
 شد - و اگر تصریح بنام طرفین شود نیز خوبست - تکرار در صیغۀ نکاح ایجاباً
 و قبولاً چنانکه در کتب مبسوطه آمده بسیار خوبست و اگر تکرار نشود عقد صحیح است
 و هر گاه ایجاب و قبول بین زن و شوهر واقع شود زن میگوید **أَنْكَحْتُ نَفْسِي**
عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ یعنی بزنت خودم بجهت معین که معلوم شد - مرد
 در جواب میگوید **قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِنَفْسِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ** یعنی
 قبول نمودم نکاح را برای خودم بجهت معین که معلوم - و بجای **أَنْكَحْتُ نَفْسِي**
 میشود گفت و بجای **قَبِلْتُ النِّكَاحَ** **قَبِلْتُ الزَّوْجَ نَفْسِي**
 و نیز بجای **عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ** - **عَلَى الصِّدَاقِ الْمَعْلُومِ** گفته شود باینست
 پس چون عقد واقع شد زناشویی شرعی ثابت میشود - و حقوقی برای زن بر
 مرد و برای مرد بر زن لازم میگردد که برخلاف آن رفتن خلاف شرع و انسانیست
 است مگر برضایت طرفین - و باید اوقاتی را در نظر داشته باشند که بسبب

اجتماع طبیعی زناشویی اگر اولاد تولید شود گرفتار دیوانگی، فقر، بدبختی، نقص در
اعضا و تولید صفات بد در او نگردد. لذا است اوقاتی را که شرع نهی از مباشرت
در آن نموده باید از آن بجنب کنند مانند شبها و روزهای قمر در عقرب و محاق
و کواحل و غیره. و بر مرد واجب است که هر چهار شب یک شب در خانه زوجه
خود بسربرد. و در صورتیکه چهار زن داشته باشد هر شبی در خانه یکی از آنها
سربرد. قیام بنفقه زن از پوشاک و مکان و خوراک و سایر حوائج وی
مطابق شان وی واجب است پس باید مرد بآن قیام نماید و بر زن است
که بدون اجازه شوهر از خانه بیرون نرود و تصرف در مال وی بدون رخصت نکند
و بدون رضایتش دیگری را در خانه او راه ندهد و با اهل و عیال وی بخوبی برسد
و از مال و دارائی وی نگاهداری نماید. و در ایام حمل مستحب است که برای حفظ
مولود و نمو طبیعی وی که خوش بار آید بعضی از امور را منظور دارند مخصوصاً مادر
که نتیجه خوبی آثار فرزند با و خواهد رسید باید زیاده در ایام حمل و ولادت فرزند
از خوراک و غیره ملاحظه کند. و چون فرزند متولد شود در گوش راست وی
ارام اذان گویند و در گوش چپ وی اقامه گویند. و در روز هفتم نام
نهادن کودک مستحب است و مستحب است که در آن روز برای وی عقیقه

کنند و سر کودک را برآشند و مقابل سنگینی آن نقره یا طلا صدقه بفقیر دهند
 و سحت است که پسر او را آن روز ختنه نمایند و در صورتیکه ختنه نشود بعد از بلوغ
 بر او واجب است ختنه کند - و باید مراعات شیر کودک را نمایند - مدت
 رضاع را که دو سال است منظور دارند تا ممکن است کمتر از آن نمایند
 و هرگاه مادر نتواند شیر دهد کوشش کنند که شیر دهند و وی بدخلق، اجتمق،
 بد ترکیب، کثیف نباشد و اگر غیر مسلم است او را از خوردن مشکرات منع
 کنند تا که از آن شیر فرزند تربیت نشود - و باید پدر و مادر و مهربان کودک
 در پاکیزگی گفتار و نیکوئی رفتار خود در مقابل کودک اهتمام نمایند - و همیشه او را
 پاک و پاکیزه و در مکان خوب باندازه اقتدار خود نگاه دارند تا نور حی و جسمی
 وی نیکو گردد - و باید دانست که حقوق فرزند بر والدین بسیار عظیم است
 و ترک آن سبب عقوق است خداوند همه را توفیق عطا فرماید که از عمده
 ادای حقوق اولاد برآیند ان شاء الله تعالی

در احکام متعه

و چون این معنای فطریست که انسان گاه گرفتار سفر و دوری از
 زوج خود یا بیماری و یا عوارض دیگر میگردد و مجبوراً محتاج بزناشویی کوتاه میگردد

اینست که اسلام برای آنکه انسان گرفتار سوء اخلاق و بیماریهای زشت نشود
 امر زناشویی کوتاه نمود و حقیقتاً این دین مقدس جامع دارای این قانون یعنی
 متعه نبود جامعیت وی متنزل میگردید بهر حال در موقعیکه مرد و زن خواسته
 باشند خود عقد را بخوانند قبلاً باید مدت و مهر را معین کنند. آنگاه
 زن میگوید مَتَّعْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَبْلَغِ
 الْمَعْلُومِ یعنی زینت تو را آوردم خود را با اندازه وقت و مهری که معین شد
 مرد میگوید قَبِلْتُ لِنَفْسِي یعنی من قبول نمودم برای خود. پس از اینکه
 صیغه جاری شد با این مرد و زن تولید زناشویی کوتاه همان اندازه که وقت
 معین شده میشود و چون وقت تمام شد زن از مرد جدا میگردد و حکم طلاق
 را دارد. و باید زن بعد از جدائی چهل و پنج روز یاد و حیض عده بگیرد و اگر زن
 شرط نفقه نماید دادن آن بر مرد واجب میشود و آئانه. و هرگاه اولاد
 شود اولاد و طرفین است از هر دو ارث میگیرند ولی زن و مرد از یکدیگر
 ارث نمیبرند مگر آنکه بنا بر شهود در ضمن عقد شرط کرده باشند.

در احکام طلاق

طلاق در اسلام بسیار زشت و منکر است رسول اکرم صلی الله علیه و آله

میفرمود همیشه جبرئیل مر اسفارش در باره زنان بانداره نمود که گمان نمودم که حرام
 است طلاق آمان و فرمود نسبت بانها نیکی نماید پس بدرستی که اینان در
 قید نمایند - بهر حال توجه از زن و ملاحظه از وی در اسلام بسیار تاکید شده است
 ولی باین حال اختلاف بین زن و مرد امر است طبعی که گاه واقع میشود البته
 در این صورت اگر ممکن شود بین آنها را صلاح نمود - باید با صلاح آنها را بهم
 نزدیک گردانید - و هر گاه ممکن نشود و صلاح طرفین در جدائی باشد پس طلاق
 جاری میشود - و در صورتیکه مرد میتواند خود طلاق دهد بزوجه خود بگوید اَنْتِ
 طَالِقٌ يٰ اَنْزُوجَتِي طَالِقٌ یعنی تو را از قید زنتیت من میباشی یا زوجه
 من از قید زنتیت من رها است - و واجب است طلاق در مقابل دو
 نفر شاهد عادل واقع شود و در صورتیکه مرد و زن در شهر و بکری نباشند و در
 یک شهر باشند باید زن خالی از حیض و نفاس باشد - و در طهری واقع
 شود که مرد و زن خود را در آن ملاقات نموده باشد پس با ملاحظه این شرایط
 طلاق صحیح واقع میشود - و اگر یکی از این شرایط کم شود طلاق باطل خواهد بود -
 و در صورتیکه مرد دیگری را وکیل کند برای طلاق دادن زن خود پس وکیل بگوید
 نَزَّجْتُ مَوْكَلِي طَالِقٌ یعنی زن موکل من از قید زوجهیت یله و رها است

و اگر بنام تصریح کند بگوید **نَزْوَجَةً مُوَكَّلِي** فَلَانَةَ طَالِقٍ وَبِجَايِ فَلَانَةَ
 نام زن را بگوید آن هم جائز است پس اگر چنین نمود زن آزاد میشود. ولی پس
 از طلاق باید عده بگیرد. و عده وی گذشتن سه خون است اگر عادتش
 درست باشد و الا باید سه ماه بگذرد تا آنکه زن از عده بیرون آید ولی اگر حمل
 داشته باشد بعد از وضع حمل از عده بیرون میرود و لو مدت آن بسیار کم
 باشد و بعد از خارج شدن زن از عده نسبت بخود صاحب اختیار است.
 و هرگاه در ایام عده مرد خواسته باشد بزین خود رجوع کند میتواند اگر طلاق وی
 رجعی باشد و تفصیل وی در کتب فقهیه آمده است.

وَصِيَّةُ بِيْمَارِي عِيَادَتٍ

بدان که مرگ امریست حتمی الهی و چاره از آن نیست. پس سزاوار است
 که انسان همیشه مرگ را در نظر گیرد و از آن غفلت نه نماید، و انجام نیک خود را
 از خدا طلب کند، و سزاوار است که انسان ناامید از رحمت حق نه گردد. و
 ناامیدی از گناهایان کبیره است بلکه باید همیشه انسان بخدای خود خوش گمان
 باشد بجهت آن که اوست بخشنده مهربان و چون مرگ امریست ناگهانی و بیخبر
 عارض انسان میشود مناسب است که شخص هیچگاه از وصیت خود غفلت نکند

برای خود وصی معین نماید که قابل اعتبار باشد و باید مسلمان و موثق باشد و در
 وصیت خود از رویه شرع خارج نشود و هرگاه وصیت کننده مالدار است
 باید حقوق مردم و خویشان و کیفیت صرف ثلث خود را معین نماید، و مخصوصاً
 بخیرات و صدقات و مبرات وصیت کند، وصیت در اسلام از لوازم
 ایمان است از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که وصیت
 لازم است بر هر مسلمان، و سزاوار نیست برای مسلمان آن که شب بگذراند
 مگر آنکه وصیت او نوشته و نزد سزاوار باشد، و نیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
 فرمود کسیکه در موقع مرگ وصیت خود را نیکونه نماید میباشد این (موجب) نقص
 در مروت و عقل او و فرمود کسیکه بر وصیت نیکو از دنیا رود شهید از دنیا رفته
 است

و چون انسان بیمار شود سزاوار است که صبر و شکیبائی را پیشه کند تا اجر
 او ضایع نشود و از گناهان خود توبه کند، پیغمبر اکرم ص فرمود که ثواب یک شب
 تب افضل است از یک سال عبادت، و در روایت دیگر است کسیکه
 بیمار شود و شکر خدا را نماید برای او ست مثل شست سال عبادت و سنت
 است که چون شخصی مریض شود، دوستان و برادران بعبادت وی روند، و از او

دلجوئی کنند و برای او دعا نمایند و نیز سنت است که برای بیمار تخمه برند و مخصوصاً
 برای عیادت کننده اجر و ثواب بسیار است و سزاوار است که بیمار از آن
 دهد که بر او رانش برای پرسش احوال وی حاضر شوند، چنانکه از امام صادق
 روایت شده است و البته از برای بیمار و عیادت کننده اجر بسیار است
 و در این باب روایات وارو شده است که گنجایش بیان آن نیست و عرض
 از این او امر و تاکیدات و امر بعیادت و غیره راهنمایی و فائده رسانیدن به انسان
 است، راستی اگر هر آئینه ما مسلمانان باین قوانین اجتماعی که شریعت اسلام
 برای ما محین نموده بطور درستی برمی خوریم به این اندازه جامعه ما از دست
 نیرفت و پراکنگی در میان مسلمانان ظاهر نمی شد، و باید دانست که عیادت
 کننده باید ملاحظه حال بیمار را نماید و زیاده از اندازه ننشیند، مگر آن که مریض
 خود خواسته باشد چه نشستن عیادت کننده خارج از اندازه گاه گرانتر میشود

maablib.org

از بیماری بر بیمار

احکام اموات

چون آثار مرگ ظاهر شود و موقع جان کندن رسد واجب است که مختصر

را رو بقبله نمایند بقسمیکه باطن پای وی رو بقبله واقع شود و مستحب است

که نزد مختصر سوره یس و سوره و الصافات را بخوانند، چه خواندن آن موجب
 آسانی جان کردن است، و اورا تلقین شهادتین و اقرار به امامت دوازده
 امام علیهم السلام دهند، و سزاوار است که بیمار با تلقین کنند بخواند و اگر
 نتواند بادل خواندن گیرد و کلمه لا اله الا الله بر زبان وی جاری نمایند،
 چه وارد شده است کسی که آخر گفته وی لا اله الا الله باشد البته داخل
 بهشت میشود، و مستحب است که کلمات فرج را بوی تلقین کنند، و کلمات
 فرج این است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ ط لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ
 الْعَظِيمُ ط سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ
 الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ ط وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ط

ترجمه: نیست خدائی مگر خدای حلیم کریم، نیست خدائی مگر خدای

بلند عظیم منزّه است خدائی که پروردگار آسمانهای هفت گانه

پروردگار زمینهای هفت گانه است و پروردگار است آنچه را که در

آنهاست و آنچه را که بین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است

و تمام تعریف از برای خدائی است که پروردگار عالمیان است)

و نیز جهت آسانی جان کردن این وعار املقین میت نمایند یا من یقبل

اللیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف

عنی الکیثیر انک انت الغفور الرحیم (ترجمه ای

کسیکه قبول میکند از من اندک را و می بخشد از من زیاد را قبول کن از من کم را

و عفو نما از من زیاد را بدستیکه می باشی تو بخشنده مهربان)

و هرگاه جان کردن دشوار شود، مختصر را بجائی نقل کنند که همیشه در آنجا

نماز میخوانده است تا جان باسانی سپارد و خواندن دعای عدلیه و آنچه میسر

شود از قرآن نزد وی سزاوار است و در نزد مختصر حرف زدن بسیار و گریه

کردن بسیار مکرره می باشد و هم چنین مکرره است دست گذاردن بر او

چه بر او سخت و دشوار میگردد، و چون روح از بدن مفارقت کند چشم دو هانش

را به بندند، و دستهایش را به پهلویش بکشند، و پاهای او را نیز بکشند. آنگاه

او را به پارچه به پوشانند و نزد وی قرآن بخوانند، و اگر شب مرده باشد چراغ

نزد وی روشن کنند، و مکرره است حاضر شدن جنب و حیض نزد میت

و نیز مکرره است که میت را تنها گذارند، و چون موت محقق شود تعجیل در تجزیه

مستحب است مگر آنکه شك در مرگ وی باشد که واجب است صبر کنند تا
 فوت وی محقق شود، و سنت است که مؤمنین را برای تشییع جنازه خبر کنند
 و تشییع جنازه در اسلام سنت است، و از برای تشییع کننده اجر بسیار و
 ثواب بسیار است، و در تشییع حکمتها است، و در حقیقت بهترین چیز سبیت
 برای دلجویی بازماندگان میت و سبب علاقمندی و حفظ صورت اجتماع و تقویت
 قومیت و تولید محبت و پایدار ماندن آشنائی و باقی ماندن روابط است
 هر انسان بالطبع محتاج است به انسان دیگر، مُردن از لوازم زندگی است
 هر کسی می میرد و نیز محتاج میشود که دیگران همراهی نمایند در برداشتن مُردۀ وی
 پس باید برادران اسلامی از این امر غفلت نکند و در تشییع مردگان خود حاضر
 شوند، و بر صاحب میت است که مردم را خبر نماید، از امام صادق روایت
 است که سزاوار است برادران مؤمن را خبر نمایند از مُردن او تا بجنازه حاضر
 شوند، و برای آنرا کنند و استغفار نمایند و میت و ایشان ثواب برند
 و حدیث دیگر وارد شده که اول تخفۀ که مؤمن در قبر میدهند آن است که
 پیام زند هر کسی را که همراه جنازه او بوده است، و برداشتن جنازه میت
 اسباب اجر و ثواب است و شرکت در آن سنت است، باید یک دیگر را

به محل جنازه یاری نمایند و برداشتن چهار طرف جنازه میت مستحب است
 و در روایت وارد شده است کسی که چهار طرف جنازه را بردارد از گناه بیرون
 میآید مثل روزیکه از مادر متولد شده است و بهتر آنست که باین ترتیب بردارد
 اول دست راست میت را بدوشش راست خود بردارد پس پای راست
 میت را بدوشش راست خود بردارد پس از طرف پای میت بطرف دیگر جنازه
 روند و پای چپ میت را بطرف چپ خود گیرند، پس دست چپ میت را
 بطرف چپ خود بردارد و بعضی برعکس نیز گفته اند اگر هر دو بجا آورده شود
 البته ثوابش بیشتر است، و در وقت برداشتن جنازه و گرفتن آن بگویند
 بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
 وَاغْفِرْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَاَلْمُؤْمِنَاتِ

(ترجمه: بنام خدا و بخدا، خداوند درود فرست بر محمد و آل محمد

maablib.org

و بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را)

و باید تشییع کنندگان جنازه عقب جنازه یا در دو طرف آن راه روند

و در پیش جنازه راه نروند، اگر چه در بعضی روایات نیز وارد گردیده است

و از برای زمان تشییع نمودن جنازه نیست، و در وقت تشییع خندیدن و یا

حرف بیهوده زدن مکروه است و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
وارد است کسیکه جازه را به بیند این دعا را بخواند

اللَّهُ أَكْبَرُ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ ، وَصَدَقَ
اللَّهُ وَرَسُولُهُ . اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا أَحْمَدُ
لِلَّهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ

(ترجمه) خدا بزرگتر است - اینست چیزی که وعده داد ما را

خدا و رسول او و راست گفت خدا و رسول او، خدا یا زیاد کن ایمان
و تسلیم را، تمام تعریف برای خدای انجمنیست که متعزراست بقدرت
و دلیل نمود بندگان خود را بمرگ

و نیز وارد است بخواند أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنْ
السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ

(ترجمه) : تمام تعریف برای خدای انجمنیست که قرار ندادم از

سواد مختارگان

و از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام روایت شده است که

فرمود چون مؤمن به میرود در جازه او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند بگویند

اللَّهُمَّ لَا تَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا

(ترجمہ : خدایا ہمیں انہیں ازراہ مگر نیکی و تو داناتری از ما بہ او)

حق تعالیٰ فرماید، کہ من شہادت ترا قبول کروم و آمرزیدم گناہانی را کہ من میدانم و تو میداننی۔

در احکام غسل میت است

واجب است غسل دادن ہر میت مسلمان را خواہ میت زن باشد

یا مرد، بالغ باشد یا نابالغ حتی آنکہ کوکب سقط شدہ چہار ماہہ را نیز باید غسل داد

و ہر گاہ کہ از چہار ماہ باشد بدون غسل اورا در پارچہ پچیدہ دفن می نمایند

و غسل میت واجب کفائست، پس بروی میت واجب است کہ خود

یا دیگری با جازہ وی میت را غسل دہد و واجب است کہ مرد را مرد و زن را

زن غسل دہد مگر زن و شوہر کہ از برای آنها جائز است کہ ہر یک دیگری را غسل

دہد و بہتر آنست کہ از روی جامہ غسل دہند، و نیز جائز است غسل دادن مرد

و دختر ۳ سالہ را، و غسل دادن زن ۳ سالہ را، و نیز واجب است

در وقت غسل دادن میت عورتین اورا بہ پوشانند و پس از دور نمودن نجاست

از بدن وی اورا بہ آہ غسل دہند، اول بہ آب سرد پس غسل دہند

چنین میت کند که غسل میدهم این میت را به آب سرد برای آن که واجب است
 تقریب بخدا نگاه شروع بغسل دادن نماید، اول سر و گردن میت را غسل دهند
 پس از آن جانب راست میت را نگاه جانب چپ او را غسل دهند، و طریق
 آن مثل غسل جنابت است و چون از آب سرد فارغ شوند، مرتبه دوم میت
 را به آب کافور غسل دهند، بهمان طریقی که در آب سرد گفته شد، مستحب است
 که اندازه کافور سیزده دریم و ثلث باشد و کمتر از آن چهار دریم و کمتر از آن یک
 مثقال و ثلث و کمتر از آن یک مثقال است و بعد از آب کافور واجب است که
 آب خالی میت را غسل دهند بقسمیکه در آب سرد و کافور گفته شد، و باید دانست
 که سرد و کافور با اندازه باید باشد که آب را مضاف نکند، و هرگاه سرد و کافور
 یافت نشود عوض آن دو نوبت به آب خالی غسل دهند، مستحب است
 چون لباس میت را از او جدا کنند پیراهن او را از طرف پائین بیرون کنند، و اگر
 تنگ باشد باذن ورثه میت پاره کنند، مستحب است که غسل دهند
 دو نفر باشند یکی آب بریزد و دیگری میت را بگرداند، و نیز مستحب است
 که در وقت غسل دادن پای میت بطرف قبله باشد، مثل وقت احتضار

سه سیزده دریم تقریباً مطابق است با سه توله و هر توله موازی است با دو مثقال و نیم

بعضی از علماء آن را واجب می دانند، و واجب است آب غسل طاهر باشد،
 مضاف نباشد، غصبی نباشد، نیز باید جای غسل پاک باشد غصبی نباشد
 و مستحب است در وقت غسل دادن میان میت و آسمان حائل نباشد مانند
 سقف یا سایبان و یا غیر آن، و نیز مستحب است که میت را قبل از غسل
 بزوش وضوی زندگان وضو دهند، و مستحب است که غسل دهند طرف راست
 میت باشد و قبل از هر یک از ۳ غسل غسل دهند دست خود را تا آرنج بشوید
 و نیز مستحب است اگر میت جنب باشد قبل از غسل یا بعد از آن غسل جنابت
 دهند، و سنت است که در وقت غسل هر مرتبه که میت را از جانبی بجانب
 دیگر میگردانند این دعا را بخوانند

اللَّهُمَّ هَذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ أَخْرَجْتَ رُوحَهُ
 وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفُوكَ عَفْوِكَ

(ترجمه: خدایا این بدن بنده مؤمن تو است و تحقیق بیرون

نمودی روح او را و جدا کردی بین آنها پس آمرزشش تو را آمرزشش تو را

(امیدوارم).

و هر گاه میت زن باشد بگوید

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا بَدَنُ أُمَّتِكَ الْمُؤْمِنَةِ قَدْ أَخْرَجْتَ
رُوحَهَا وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفُوكَ عَفُوكَ

ترجمہ : خدایا بدستیکہ این بدن کثیر مؤمنہ تو است و تحقیق

بیرون آوردی روح او را و جدا نمودی بین آنها پس آمرزش تو را

آمرزش تو را (امیدوارم)

مستحب است کہ غسل در ہر حال بگوید **عَفُوكَ عَفُوكَ**

ترجمہ : ای پروردگارا آمرزش ترا - آمرزش ترا (می طلبم) تا خدا او را بیا مرزد

و باید غاسل در غسل دادن و کفن نمودن دانا باشد، بروی اعتماد باشد،

و قصد قربت نماید و باید آنچه را کہ از میت بیاید مثل انگشتری وغیرہ بہ وارث

برساند، و باید عیوب میت را بہ پوشاند تا کہ خداوند عیبہای او را ستر کند

چہ وارد است کسیکہ عیبہای میت را بہ پوشاند خدا گناہان او را می آمرزد

مثل آنکہ از مادرتولد شدہ باشد، و چون از غسل فارغ شود مستحب است

کہ بدن میت را خشک کند، مگر وہ است غسل دادن میت را بہ آب گرم

مگر در حال ضرورت، و نیز مگر وہ است ناخن میت را بگیرند و یا موی او را شانہ

کنند، و ہر گاہ میت مخیرم با حرام حج یا عمرہ باشد حرام است کہ او را

به آب کافور غسل دهند، بلکه عوض آب کافور به آب خالص غسل میدهند و نیز
 جائز نیست که محرم را حنوط کنند، و چون از غسل میت فارغ شوند واجب
 است که او را حنوط کنند و مقصود از حنوط آنست که بعد از غسل کافور را
 بر هفت عضوی که بر آن سجده نماز واقع میشود بگذارند و آن هفت عضو پیشانی
 و کف دو دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ پاها است و اگر چیزی از کافور
 زیاد بیاید بر سینه میت گذارند، و باید دانست که هر گاه آب یافت نشود
 میت را سه مرتبه تیمم دهند، یکی عوض آب سرد و دیگری عوض آب
 کافور و تیمم سومین عوض آب خالص است و طریق تیمم همان قسم است
 که شخص بدل از غسل بجا میآورد.

در احکام کفن است

چون از غسل و حنوط میت فارغ شوند واجب است او را کفن
 نمایند، و واجبات کفن سه پارچه است
 اول: لنگ است که آن را میزنز گویند که باید بین ناف و زانوی میت
 را بپوشاند، ولی مستحب است که از سینه تا بقدم را بپوشاند.
 دوم: پیراهن است که آن را قمیص گویند و باید تا به نصف ساق

برسد، و اگر تا بقدم برسد افضل است.

سوم: پارچه سر تا سر میت که آن را از راولفافه گویند و میت را در آن می چسبند سر تا پای میت را فرامیگیرند، و مستحب است که این پارچه باندازه بلند باشد که ممکن شود از طرف سر و پای میت آن را به بندند، و در وقت پیمیدن لفافه جانب چپ لفافه را بطرف راست آنگاه جانب راست لفافه را بر جانب چپ اندازند، و مستحب است که علاوه بر آن سه پارچه مذکور عامه برای میت بندند، و طول آن باندازه مناسب که تحت الحنک داشته باشد و دو طرف عامه را بر خلاف یکدیگر بر سینه میت گذارند، و عرض پارچه عامه نیز باید باندازه مناسب باشد، و از برای زن بجای عمامه سنت است مقنعه بر سر وی چسبند، و نیز پارچه پهنی بر سینه زن بندند که پستانهای وی را بگیرد، و دو سر پارچه را به پشت او بهم به بندند، و نیز پارچه که طول آن سه ذراع و نیم و عرضش نیم ذراع الی یک ذراع باشد بر رانهای میت باین طریق به چسبند که اول سر پارچه را بشکافند، باندازه که ممکن شود آن را بر کمر میت بندند، آنگاه باقی پارچه از عقب سر میت از میان دو پای او بیرون آورند، و از زیر کمر بندوی بیرون کنند پس از آن باقی را بر

رانهای میت به چپند، و سحت است که پنبه بسیار بر عورتین میت بگذارد
 آنگاه آن پارچه را به چپند، و نیز سحت است که جیره بینی که پارچه ایست
 از زمین آورده میشود به کفن میت اضافه کنند و میت را در آن به چپند،
 و هرگاه جیره بدست نیاید لفاغه دیگری عوض آن به چپند، پس تمامی این
 پارچه های کفن برای مرد شش پارچه و برای زن هفت پارچه گردید، ولی همان
 سه پارچه اول واجب و باقی سحت است، و در صورتیکه پارچه تمام
 پیدا نشود بهر قدری که ممکن است میت را بان کفن نمایند، و سحت است
 که کفن خوش فماش باشد، و قیمتی باشد، و در قیمت کفن مضائقه
 و سحت گیری نکنند، و نیز سحت است که میت را کفن کنند در پیراهنی که
 در آن نماز کرده است، و نیز سحت است که در جامه باشد که در آن احرام
 و حج یا عمره نموده باشد و باید که کفن حریر محض نباشد و بهتر آنست که از ششم
 و مونی باشد بلکه سحت است که کفن از پنبه سفید باشد و مکروه است که کفن
 از کتان باشد، و واجب است که کفن پاک باشد غصبی نباشد، و مکروه
 است که پیراهن میت استین دار باشد ولی اگر در پیراهن خود میت او را
 کفن کنند بدون استین مکروه نیست و هرگاه کفن محتاج بدو ختن باشد

ریمان کفن را مستحب است از خود آن بیرون آورند، و مکروه است که کفن
 را باهن بربزند و چون غسل دهند خواسته باشد میت را کفن کند مستحب
 است که اول غسل میس میت نماید آنگاه مرده را کفن کند و یا آنکه وضو بگیرد
 و هرگاه ممکن نشود سه مرتبه دستهای خود را تا دوشش یا مرفق بشوید، آنگاه
 کفن نماید و اگر غیر غسل میت را کفن کند بهتر است که با طهارت باشد
 و مستحب است آنکه بر عامه و پیراهن و لفافه شهادتین و اقرار به امامت ائمه
 دوازده گانه را به تربت امام حسین علیه السلام بنویسند و از جمله مستحبات
 میت جریقین است و آن دو قطعه چوب تراست که از درخت خرما یا کُنار
 یا انار یا سیدی باشد و اگر ممکن نشود از هر درخت تر و تازه دیگر گرفته شود
 باکی نیست و طول هر یک از آن دو چوب بقدر یک ذراع و دست میت
 و یا بقدر یک وجب باشد شهادتین و نامهای ائمه را بر آن بنویسند،
 یکی از آن دو چوب را بر پهلوی راست میت بین پیراهن و بدن میت لقمی
 گذارند که تا چنبره گردن برسد و دیگری را طرف چپ میت میان پیراهن و سر
 تا سری لقمی گذارند که سر آن تا بالای چنبره گردن برسد، و کفن زن بر شوهر
 اوست اگر چن زن دارا باشد، و هرگاه مرد قدرت نداشته باشد بر او چیزی

نیست، و شهید را با همان لباس وی بعد از نماز بر او و فن نمایند غسل و کفن
برای شهید واجب نیست.

نماز میت

از جمله واجبات میت بعد از کفن نمودن نماز بر اوست و باید دانست
که نماز بر میتی واجب است که شش سال و بیشتر داشته باشد، ولی اگر از
شش سال کمتر باشد نماز بر آن مستحب است و نماز میت واجب کفائیست
یعنی هرگاه یک شخص آن را بگذارد و از دیگران ساقط میشود و سزاوارترین مردم
نماز میت و ارث است پس هرگاه ولی میت دیگری را از طرف خود برای
نماز کند کافیست، و در این نماز وضو و غسل شرط نیست بلکه جنب و حیض و
بی وضو نیز میتواند این نماز را بجا آورد، و مستحب است که با وضو این نماز بجا
آورده شود، و هرگاه ممکن نشود تیمم کنند، و نیز مستحب است که نماز را در
جائی بر میت گذارند که مقرر شده است برای خاندان نماز بر میت و این
نماز را بجماعت و فرادایم توان کرد و واجب است که در حال قدرت این
نماز ایستاده خوانده شود، و نیز واجب است که رو بقبله باشد و باید سر میت
را بطرف دست راست نماز خوان گذارند و مستحب است اگر مرد میت باشد

امام مقابل وسط جنازه بایستد، و اگر زن باشد مقابل سینه او ایستاده
 شود، نگاه شروع به نماز نماید و دیگران بوی اقتدا کنند و در خواندن ^{بعثت} متابع
 او نمایند، و شرکت در نماز میت ثواب عظیم دارد که در روایت وارد شده
 است هر که بر جنازه مؤمنی نماز کند بهشت برای او واجب مگر آنکه منافق و
 عاق والدین باشد، و وقت خواندن نماز کفشها را از پا بیرون کنند و نیز ^{سنت}
 است که امام تکبیرات بلکه اذکار نماز را بلند بخواند، و در هر تکبیر مستحب است که
 دست راست را مقابل گوش بلند کند و طریق نماز میت اقل واجب آن پنج
 تکبیر است، بعد از تکبیر اول شهادتین بخواند: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

(توجه: گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا و گواهی میدهم

اینکه محمد فرستاده خدا است)

بعد از تکبیر دوم درود بفرستد: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ**

وَأَلِ مُحَمَّدٍ

(توجه: خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد)

و بعد از تکبیر سوم بگوید: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ**

(توجه : خدایا بیایم ز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را)

و بعد از تکبیر چهارم بگوید : **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ**

(توجه : خدایا بیایم ز این مُرده را)

انگاه تکبیر پنجم را بگوید از نماز فارغ است، و مستحب است که بعداً

تمام شدن نماز بخواند : **رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي**

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

(توجه : ای پروردگار ما بمانا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی

و نگهدار ما را از آتش دوزخ)

و مستحب است که امام و غیر او هر که باشد بجای خود بایستد تا که

جنازه را برودارند، و موافق مشهور بهتر آنست که بعد از نیت نماز میت را

پسین بجا آورند : **اقول**

اللَّهُ أَكْبَرُ - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ

بِالْحَقِّ بِشِيرَاءٍ وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ پس بگوید **اللَّهُ**

أَكْبَرُ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْمُحَمَّدِ وَارْحَمِ مُحَمَّدًا وَالْأَهْلَ مُحَمَّدِيًّا كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ
 وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَالْأَهْلَ إِبْرَاهِيمِيًّا إِنَّكَ حَمِيدٌ
 مُجِيدٌ وَصَلِّ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ بِسْمِ اللَّهِ
 اللَّهُ أَكْبَرُ - اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ
 بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ
 عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ
 عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ
 إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ
 كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ
 عَنْهُ وَاعْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ
 وَأَخْلَفْ عَلَىٰ أَهْلِهِ فِي الْغَائِبِينَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُ أَكْبَرُ - فارغ میشود.

و اگر زن باشد بعد از تحمیر چهارم گوید

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَأَبْنَةُ عَبْدِكَ وَأَبْنَةُ أُمَّتِكَ

نَزَلَتْ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرٌ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا
 إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ حُسْنَةً
 فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا
 وَاعْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ
 وَأَخْلَفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و اگر میت طفل نابالغ باشد بعد از تجوید چهارم گوید :
 اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَلِنَاسِلِفَاوْفِرْطَاوَأَجْرًا

(ترجمه : خدا بزرگتر است گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا

یکانه است و نیست شریکی او را و گواهی میدهم بدوستیکه محمد بنده او

و فرستاده اوست ، فرستاده است او را بحق فرود دهنده و ترساننده

است پیش از روز مستخیر ، خدایا بزرگتر است خدایا رحمت فرست بر محمد و آل

محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد و آل محمد را مثل بهتر آنچه

رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی برابر ابراهیم و آل ابراهیم

بدوستیکه توئی ستوده بزرگوار و رحمت فرست بر همه پیغمبران

و فرستادگان، خدا بزرگتر است، خدایا بیامرز مرد مؤمن و زنان
 مؤمنه، و مردان مسلمان و زنان مسلمانان را زنده از ایشان و مرد
 آنها را برسان میان ما و میان ایشان بنیکها بد رستیکه توئی اجابت
 کننده خواهی شهاب رستیکه تو بر هر چیز توانائی، خدایا بزرگتر است،
 خدایا بد رستیکه این بنده تو و پسر بنده تو است و پسر کنیز تو است
 نازل شده بتو و تو بهتر قرار گاهی برای او خدایا بد رستیکه ما نمیدانیم از او
 مگر نیکی و تو داناتری بحال او از ما، خدایا اگر میباشد نیکو کار پس بیفزا
 بر نیکی او و اگر میباشد بد کردار پس در گذر از او و بیامرز او را، خدایا
 بگردان او را نزد خود در بلندترین درجات و قرار ده بر نحویشان او، در
 نیکو کاران در رحم کن او را بر حمت خود، ای بخشنده ترین بخشندگان
 خدا بزرگتر است.

(ترجمه قسمت چهارم راجع بزین) خدایا بد رستیکه این زن کنیز
 تو و دختر بنده تو و دختر کنیز تو است، فرود آمده بتو و تو بهترین قرار گاهی
 برای او، خدایا بد رستیکه ما نمیدانیم از این مگر نیکی و تو داناتری با او، خدایا اگر میباشد
 نیکو کار پس بیفزا در نیکی او و اگر میباشد بد کردار پس در گذر از او، و بیامرز او را، خدایا

بگردان اورا نزد خود در بلندترین درجات و قرار ده بر خویشان او
 و نیکوکاران و رحم کن اورا بر رحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان) .
 (ترجمه ۱۰۰) خدایا بگردان اورا برای پدر و مادر و برای ما سلف
 و مزدواجرا).

احکام دفن

سنت است که تاملت را در قبر نکند از نهنه نشینند، و دفن میت واجب
 کفایت یعنی اگر کسی مقصدی دفن او شود از دیگران کفایت میکند و قدر
 واجب دفن آنست که میت را زیر خاک پنهان نمایند که بوی او از مردم
 پوشیده شود و بدش از زندگان محفوظ بماند، ولی مستحب است که
 گودی قبر را چیره گردان یا بقدر قیامت باشد، و سنت است کندن لحد
 از طرف قبله و مستحب است که فراخی آن باندازه باشد که ممکن شود نشستن
 در آن و هرگاه ممکن نشود لحد پس قبر را شق کنند یعنی میان قبر برای خوابانیدن میت
 گود کنند، آن قدر که توان نشست بقسمیکه دو طرف داشته باشد، که
 خشت بروی آن توان گذاشت تا که خاک بر میت ریخته نشود و واجب
 است که زمین قبر غصبی نباشد، و مسلمان را نمیتوان در مقبره غیر اهل اسلام

دفن نمود، و چون میت برای دفن برند مستحب است بفاصله دو ذراع
یا سه ذراع پائین قبر گذارند، و اندک او را و اگر گذارند تا که همیای قبر شود و در
زاد المعاد علامه مجلسی است که سه مرتبه میت را نقل می کنند، و در مرتبه
چهارم به قبر می گذارند، و چون میت را نزدیک قبر گذارند سنت است بگویند
اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ
خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ

(ترجمه: خدایا این بنده تو است پسر بنده تو است و پسر کنیز
تو است فرود آمده است نزد تو و تو بهترین کسی هستی که فرود آمده شده
است نزد او).

انگاه از طرف پای قبر میت را از سر سر از زیر بقبر نمایند و مستحب است
در این موقع بگویند:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَالِهِ اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ
فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَقِنَا وَإِيَّاهُ
عَذَابَ الْقَبْرِ

(ترجمه: بنام خدا و بخدا و برکت رسول خدا ص درود خدا بر او
و بر آل او، خدایا بسوی رحمت تو نه بسوی عذاب تو است، خدایا کشتاده
کن برای او قبر او را و تلقین نما با وحجت او را و پا برجا کن او را بقول ثابت
و نگذار ما را و او را از عذاب قبر).

و اگر میت زن باشد مستحب است که او را بطرف قبله قبر در کنار او بگذارد
و بعرض داخل قبر نمایند. آنگاه آن دعا را بخوانند - و در زاویه المعاد است که
اگر میت زن باشد احوط آنست که محرم او را بقبر برد، و اگر محرم نباشد
زن صالحه و اگر زن نباشد مرد صالح او را بقبر برد، و سنت است شخصی
که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد با سر و پای برهنه بقبر رود بندهای قبا را بکشد
و بالا پوش و رد او را بپندازد، و از طرف پای قبر داخل شود و بگوید

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَلَا تَجْعَلْهَا
حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّيِّرَانِ

(ترجمه: خدایا قرار ده آن را (یعنی قبر را) روضه از روضهای

بهشت و قرار ده آن را گودی از گودهای دوزخ)

آنگاه میت را که داخل قبر نمایند از طرف سر او را بگیرند، و مستحب است

در این حال بگویند:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اِيْمَانًا
بِكَ وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ زِدْ اِيْمَانَنَا وَتَسْلِيمًا

(ترجمه: بنام خدا و بخدا بر طریقه فرستاده خدا، خدایا ایمان

آورنده ام تو و تصدیق کننده ام بکتاب تو اینست چیزی را که

وعدہ داد و با خدا و فرستاده او، و راست گفت خدا و فرستاده

او، خدایا زیاد کن ایمان و تسلیم ما را).

انگاه میت را بجانب راست رو بقبله بخوابانند و زیر سر او را از خاک

بلند کنند و خستی به پشت او گذارند که نیفتد، و بند های کفن را از جانب سر و پا

بکشایند و صورت میت را بر خاک گذارند، و در این حال او را تلقین کنند

و بهتر آنست که بدست راست شانه راست میت و بدست چپ شانه

چپ او را گرفته حرکت دهند و تلقین دهند و در زاو المعاد علامه مجلسی است

که تلقین را این قسم دهند:

اِسْمَعُ اِفْهَمُ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِجَايِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ نَامِ مَيِّتٍ

و نام پدراورا گویند :

هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ
 وَخَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ
 الْوَصِيِّينَ وَإِمَامُ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ
 وَأَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ ابْنَ
 عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى
 وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ
 الْمُنْتَظَرَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَيْمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ
 وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَأَيْمَتِكَ أَيْمَّةُ هُدًى
 أَبْرَارٍ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ إِذَا آتَيْكَ الْمَلِكُ كَانَ الْمُقَرَّبَانِ
 الرَّسُولَانِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَسَأَلَاكَ
 عَنْ رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ وَعَنْ دِينِكَ وَعَنْ كِتَابِكَ وَعَنْ
 قِبَلَتِكَ وَعَنْ أَيْمَتِكَ فَلَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ وَقُلْ فِي

جَوَاهِرَهُمَا اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّي
 وَالْإِسْلَامُ دِينِي وَالْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
 عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى إِمَامِي
 وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءِ إِمَامِي وَعَلِيُّ بْنُ زَيْنِ
 الْعَابِدِينَ إِمَامِي وَمُحَمَّدٌ بَاقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ إِمَامِي وَجَعْفَرُ
 الصَّادِقُ إِمَامِي وَمُوسَى الْكَافِرُ إِمَامِي وَعَلِيُّ الرِّضَا إِمَامِي
 وَمُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي وَعَلِيُّ الهَادِي إِمَامِي وَالْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ
 إِمَامِي وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ إِمَامِي هَؤُلَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
 أَجْمَعِينَ أَيْمَتِي وَسَادَتِي وَقَادَتِي وَشُفَعَائِي بِمَا تَوَكَّلْتُ
 وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ أَعْلَمُ يَا فُلَانُ
 بِنَ فُلَانٍ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ وَأَنَّ مُحَمَّدًا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نِعَمَ الرَّسُولِ وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَأَوْلَادَهُ الْأَيْمَةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعَمَ
 الْأَيْمَةِ وَأَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَقٌّ
 وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَسُئُوالُ مَنْكِرٍ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ

وَالْبَعَثَ حَقٌّ وَالنَّشُورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ
 وَقَطَايِرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ
 آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ
 أَفْهِمْتَ يَا فُلَانُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَجَابٌ مِثْلُ
 فَهِمِمْ بِكَ بِكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَهَدِيكَ اللَّهُ
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ
 فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ يَا بُوَ اللَّهِ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ
 جَنْبَيْهِ وَأَصْعِدْ بِرُوحِهِ إِلَيْكَ وَلِقَاءِ مَنْكَ بُرْهَانًا
 اللَّهُمَّ عَفْوُكَ عَفْوُكَ

(ترجمه: بشنو بفهم، بشنو بفهم، بشنو بفهم، ای فلان فرزند

فلان آیامی باشی بران عهدی که جدا شدی از ما بر آن از گواهی بر این

که نیست خدائی، مگر خدای یگانه که نیست شرکی برای او و گواهی

بر این که محمد که رحمت خدا بر او و آل او بنده او و فرستاده او است

و بزرگ پیغمبران و آخرین فرستاده گان است و اینکه علی پادشاه

ایمان آورندگان و بزرگ اوصیاء و پیشوایان است که فرض کرده است

خدا فرماید داری او را بر جهانیان و بدرستی که حسن و حسین و علی پسر
 حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی
 و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و قائم منتظر مهدی که رحمتها
 خدا بر ایشان باد پیشوایان ایمان آورندگان و حجتهای خدا اینند بر
 آفرینش، همه پیشوایان تو پیشوایان را بنمایگانند ای فلان پسر
 فلان چون میآیند ترا و ملک مقرب فرستاده از نزد خدای تبارک
 و تعالی و می پرسند ترا از پروردگار تو و از پیغمبر تو و از دین تو و از کتاب
 تو و از قبله تو و از امامهای تو پس مترس و اندوگمین مشو و بگو در
 جواب آنها خدای جل جلاله پروردگار منست و محمد که رحمت خدا بر او
 و آل او پیغمبر منست و اسلام دین منست و قرآن کتاب منست و
 کعبه قبله منست و امیر المؤمنین علی پسر ابوطالب امام منست
 و حسن مجتبی پسر علی امام منست و حسین پسر علی شهید کربلا امام منست
 و علی زین العابدین امام منست و محمد باقر امام منست و جعفر صادق
 امام منست و موسی کاظم امام منست و علی رضا امام منست و محمد جواد
 امام منست و علی باقر امام منست و حسن عسکری امام منست و حجت

فقط امام غسست این گروه که رحمت‌های خدا برایشان باد همه امام‌های من
 و بزرگان من و پیشروان من و شفیعیان من می‌باشند بایشان
 دوستی می‌جویم و از دشمنان ایشان بیزارم در دنیا و آخرت باز بدان
 ای فلان پسر فلان بدرستی که خدای تبارک و تعالی نیکو پروردگار است
 و بدرستی که محمد که رحمت خدا بر او و آل او نیکو فرستاده است و بدرستی که
 امیر المؤمنین علی پسر ابوطالب و فرزندان او امامان یازده گانه پیشوایانند
 و بدرستی که آنچه را که آورد آن را محمد که رحمت خدا بر او برآل او باد حق
 است، و بدرستی که مرگ حق است و پریش منکر و کفر در قبر حق
 است و برای ننگن حق است و شرعی است و صراط حق است
 و ترازو حق است و احکام کتابها حق است و بهشت حق است و
 آتش حق است و بدرستی که قیامت آینده است نیست شکلی در آن
 و بدرستی که خدای انگیر و بهر که در قبرها است آیا فهمید می‌ای فلان ثابت
 دارد ترا خدا بگفتار درست و راه نماید ترا خدا بسوی راه راست بشناساند
 خدایمان تو و میان دوستان تو در قرارگاه از رحمت او خدایا کشاوه
 کن زمین را از دو طرف او و بلند کن روح او را بسوی خود و پسران

اورا از تو را بهمانی خدا یا در گذر در گذر)

پس خشیت بر لحد بگذارو، و خشیت خام بهتر است و خشیتها را
بقسمی گذارند که خاک بر میت نه ریزد و کسیکه داخل قبر رفت مستحب است
از طرف پایهای قبر بیرون آید، آنگاه خاک در قبر بریزد و سه مرتبه ریختن
سنت است و در حال ریختن بگویند:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ
وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا
وَتَسْلِيمًا

(ترجمه: بدرستی که ما برای خدا می باشیم و بدرستی که ما بسوی

خدا بر میگرددیم، اینست چیزی که وعده داد و ما را خدا و فرستاده او

در راست گفت خدا و فرستاده او، خدایا زیاد کن ایمان و تسلیم ما را)

و کرده است خویشان میت خاک در قبر بریزد که سبب سختی دل میشود

و نیز کرده است که غیر از خاک قبر در قبر ریخته شود که بار است بر میت و مستحب

است که صورت قبر را بقدر چهار انگشت کشاده یا یک و جب بلند کنند و پهن

نمایند، آنگاه آب بر قبر بریزند در حدیث وارد شده است که تا تری قبر هست

میت را غلاب زکنند و سنت است آب ریزنده رو بقبله بایستد و از پیش
سر قبر شروع در ریختن آب نماید و بر یک جانب قبر بریزد تا پیش پا انگاه بگردد
بجانب دیگر قبر بریزد تا پیش سر و باقی آب را در وسط بریزد، و سنت است
که وقت ریختن آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود، و بعد از آب ریختن
مستحب است که دست بر قبر گذارند بقسمیکه آثار انگشتان بر گل بماند، و رو
بقبله زود سر او نشینند و از برای میت طلب مغفرت کنند و بخوانند:

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضِ عَن جَنْبَيْهِ وَأُصْعِدْ إِلَيْكَ
رُوحَهُ وَلِقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَأَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ
مَا تُغْنِيهِ بِهَا مِنْ سِوَاكَ

(ترجمه: خدایا آرام نما زمین را از دو طرف او و بلند کن بسوی خود

روح او را و برسان او را از تو بخشش و ساکن کن قبر او را از رحمت خود

چیزی که بسبب آن بی نیاز نمائی او را از غیر تو)

و نیز هفت مرتبه سوره انا انزلنا بخوانند، و سنت است بعد از رفتن

مردم ولی میت یا دیگری از طرف او زود سر قبر نشیند و با او بلند آن تلمقین را

که گذشت بخواند و مستحب است که مصیبت زده گان را قبل از رفتن و بعد از آن

تعزیت و دلداری دهند و آنها را بصبر و شکیبائی امر نمایند و نیز سنت است تا
 سه روز خصوصاً همسایگان برای مصیبت زده گان خوراک برند، و زیاده از
 سه روز ماتم نگذارند، و برزن واجب است که چهار ماه و ده روز عده وفات
 شوهر خود را بگیرد و ترک زینت و جامه های رنگین کند، و برای آسایش روان
 میت مستحب است که در شب اول دو رکعت نماز وحشت را بجا آورند.

نماز شب اول و فن

نماز شب اول و فن دو رکعت است رکعت اول بعد از آنکه
 آیه الکرسی یک مرتبه و در رکعت دوم بعد از آنکه سوره انا انزلناه فی لیل القدر
 ده مرتبه - چون سلام نماز دهد بگوید :
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى
 قَبْرِ فُلَانٍ و بجای فلان نام میت را برود.

(ترجمه : خدایا بفرست درود بر محمد و آل محمد و روانه کن ثواب آنرا بقبر فلان)

نماز دیگر است

در مفاتیح از سید بن طاووس نقل شده که رسول خدام فرمودنی گذرد
 ساعتی سخت تر بر میت از شب اول قبر پس رحم کنید مردگان خود را بصدقه

و اگر نیافتی چیزی را که صدقه دهی پس یکی از شما با دو رکعت نماز بجا آورد بخواند
در رکعت اول الحمد یک مرتبه و قل هو الله احد دو مرتبه و در رکعت دوم الحمد

یک مرتبه و اللهم التكاثر ده مرتبه و سلام دهد و بخواند :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا

إِلَى قَبْرِ ذَاكَ الْمَيِّتِ فَلان بن فلان

(توجه : خدایا بفرست درود بر محمد و آل محمد در روانه کن ثواب آنرا

بسوی آن میت نام میت و پدر میت را برو).

و بر زندگانست که مردگان را فراموش نکنند و آنها را بخیر و خوبی یاد

کنند، زیرا که دست ایشان از دنیا کوتاه گردیده و چشم بر اینند که تا فرزندان

و برادران و خویشان و دوستان آنها را یاد کنند، در روایت وارد شده است

که چه بسا فرزندیست که پدر و مادر او را عاق نموده باشند و بعد از مردن ایشان

بواسطه نیکوکاری و اعمال خیری که برای آنها می نماید از او درگذرند، و گاهی نیز

برعکس میشود پس بر زندگان لازم است که حقوق مردگان را فراموش

نکنند و آنها را یاد نمایند و برای آنها خیرات کنند، و از نماز و دعا و صدقات

و مبرات خود داری نکنند تا که در اثر آن ارواح آنان خوش شوند و دعا نمایند

مخصوصاً در روایات وارد است که در موقع زیارت ارواح مُردگان مأنوس
 میشوند و زیارت اموات برای مردان در اسلام سَحب است و سنت است
 روز شنبه یا دوشنبه و یا عصر پنجشنبه و یا روز جمعه باشد، سَحب است
 چون شخص وارد قبرستان شود اموات را باین قسم زیارت کند

زیارت اموات

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ
 أَنْتُمْ لَنَا فَرْطٌ وَنَحْنُ أَنْشَاءُ اللَّهُ بِكُمْ لِأَحْقُونَ

طریق دیگر

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ
 بِرَحْمَةِ اللَّهِ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا
 أَنْشَاءُ اللَّهُ بِكُمْ لِأَحْقُونَ

طریق دیگر

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنْ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَرَحِمَةً
 اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ أَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللَّهُ
 الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا

إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝

(توجه : سلام بر شهابادای اهل دیاری که از جماعت ایمان

آورندگان می باشید ، رحمت پروردگار و برکت های او (بر شهاباد)

شما نیز برای ما پیش رو - و ما نیز برای شما پیرو ، رحمت کند خدا

پیش روندگان از شما را (و رحمت کند) پس روندگان (از شما را)

و بدرستی که ما از برای خدای باشیم و بدرستی که ما بسوی او از برگشتگانیم

و سنت است که این وعاد قبرستان خوانده شود.

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضِ عَنِ قُبُورِهِمْ وَصَاعِدِ الْيَتِيمِ

أَرْوَاحِهِمْ وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَأَسْكِنِ إِلَيْهِمْ مِنْ

رَحْمَتِكَ مَا تَقِصِلُ بِهِ وَجَدَّتْهُمْ وَتَوَلَّيْسُ بِهِ وَحَشَّتْهُمْ

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

(توجه : خدایا آرام کن زمین را از قبرهای ایشان و بلند نما

بسوی خود ارواح ایشان را و برسان بآنها بخشش خود را و ساکن

نما بسوی آنها از رحمت خود چیزی را که بسبب آن دور کنی تنهایی

آنها را ، و آنونس نمائی به سبب آن وحشت آنها را بدرستی که

میباشی تو بر هر چیز توانا.

و خواندن یازده مرتبه قل هو الله احد و بخشیدن ثواب آنرا به تمامی

اموات قبرستان مستحب است چه از رسول خدا ص روایت است

که خداوند بعد از آن مردگان بخواننده اجر و ثواب عطا میفرماید، و در

احادیث بسیار وارد شده است، هر که نزد قبر برادر مؤمن هفت مرتبه

اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ نَحْوَانِزٍ رَّسُورٍ قِيَامَتِ اِيْمِنٍ كَرُوْدًا، و سنت است که

در وقت خواندن دست بر قبر گذارند، و نیز مستحب است نزد قبر سوره

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ و قُلْ هُوَ اللهُ

احد و آیه الکرسی هر یک را سه مرتبه بخوانند و نیز هر اندازه که ممکن

شود از خواندن قرآن مخصوصاً سوره یس خود داری نکنند چه در حدیث

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است هر که در قبرستان

در آید و سوره یس بخواند خدای عزوجل عذاب اموات را تخفیف دهد

و جهت او باشد بعد از ایشان حسنات و نیز از طلب مغفرت و اذن صید

و خیرات در آن موقع کوتاهی نکنند و ارواح مردگان را خوشنود نمایند که البته

نتیجه ثواب آن در دنیا و آخرت بخود شخص خواهد رسید ان شاء الله تعالی

امر معروف و نهي از منکر

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

(سوره آل عمران آیه ۱۰۰) یعنی و باید بوده باشد از شما جمعی که بخوانند
بسوی خیر و امر کنند بسوی خوبی و نهي کنند از بدی و آن جماعت آنانند

رستگاران. یکی از فروع مهمه در اسلام که ترک آن گناه کبیره
است امر معروف و نهي از منکر است. و مقصود از آن راهنمایی

و ارشاد دیگران است به نیکی و احکام شرع و نهي نمودن از کارهای
ناستوده و رفتار برخلاف شرع. امر معروف و نهي از منکر یگانگی

قانونی است که اگر عملی شود و مرد و زن بآن ملتزم گردند ملت تو بنا
شود مسلمانان خوش نام گردند. صفات پاک در میان مردم

رواج گیرد. خانها آباد گردند. اولاد شریفانه بار آید. عالمه از زندگی
خود برخوردار گردند. اجنبی نتواند در مملکت نفوذ کند. امر معروف و نهي

از منکر بفرمایش امام صادق علیه السلام رویه انبیاء و کرده صلحا است
فرايض بسبب آن پابرجا شود. امن و امان سراسر مملکت را گیرد.

انصاف و میانه روی در میانه مردم عملی گردد. نادار و ضعیف بحقوق خود
برسند. دارندگان در امان زندگی کنند. اشرار را خیار گردند و یا
بصورت آنان در آیند. کسب و تجارت بر اصول صحیح در میان مردم
رواج گیرد. و کلیت خصوصیات زندگانی انسان راجع بامر معاش
و معاد اصلاح شود. در مجمع البیان طبری است که پیغمبر اکرم صلی الله
علیه و آله وسلم فرمود کسیکه امر معروف و نهی از منکر کند خلیفه خدا است
در زمین و خلیفه رسول خدا و خلیفه کتاب او است. مردی از پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله وسلم سؤال نمود یا رسول الله من خیر الناس
یعنی کیست بهترین مردم فرمود کسانی که امر معروف و نهی از منکر کنند
و پرستگار تر باشند در احکام خدا. و فرمود خدای عزوجل دشمن میدارد
مؤمن ضعیفیکه دین ندارد و عرض کردند کیست مؤمن ضعیفیکه دین ندارد
فرمود آن کسیکه نهی از منکر نمیکند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود
امر معروف و نهی از منکر کنید و الا خدا مسلط ینماید بدان شمارا بر نیکان شما.
پس در آن موقع است که هر چه دعا کنید مستجاب نشود. و شرط است
در کسیکه امر معروف و نهی از منکر کند و انا باشد یا آنچه را که امر و یا نهی ینماید و نیز

خوف ضرر نداشته باشد و بداند که ممکن است اثر نماید و مناسبست موقع را و نظر

گیرد و بیدارانی و حکمت اقام با مرو نمی نماید - خدا میفرماید ادع الی

سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (سوره نحل

آیه ۱۲۶) یعنی بخوان براه پروردگارت بحکمت و پند نیکو و در صورتیکه

قدرت بر آن نداشته باشد باید منکر را در اول انکار کند و معروف را یعنی

نیکی را دوست دارد البته خداوند ثواب امر معروف و نهی از منکر

با وعطا خواهد نمود - در کتاب آسمانی خود فرمود وَالَّذِينَ جَاهَدُوا

فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سَبِيلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (سوره

عنکبوت آیه ۶۹) یعنی و آنانکه مجاهده نمودند در ما هر آینه راهمانی میکنیم آنان را

راههای خود را و بدرستی که خدا با نیکوکارانست

حج در اسلام

حج در اسلام یکی از فرائض مهم الهی است که بر هر شخص بالغ عاقل

از او مستطیع و در عمری یک مرتبه واجب میشود - و مستطیع کسی است که

قدرت بر رفتن حج و آمدن لقمی داشته باشد که تولید ضرر در جان و مال

و بازماندگان وی نشود و مانعی در راه نباشد و باندازه حیثیت خود

توانا بر نفقه و مخارج خود باشد و یا آنکه دیگری او را توانا بر نفقه و خرج
 نماید. پس چون شرایط استطاعت جمع شود واجب است که
 همان سال حج رود. و باختیار خود نمیتواند حج را تاخیر اندازد و اگر
 چنین کند مرتکب گناه کبیره شده است. و در موقع مسافرت حج
 مستحب است که مقدمات سفر خود را فراهم کند. و راجع باُمورات
 خود سفارش نماید و تا ممکن است طلب کاران و صاحبان حق را راضی
 نماید. و باید چنان تصور کند که مہیای سفر آخرت میشود. و از برای حاجی
 است از شروع مقدمات سفر حج تا انجام آن ثوابهای بسیار که این
 رساله گنجایش بیان آنرا ندارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 بروی فرمود نظر کن بکوه ابوقبیس اگر این کوه از تو باشد و طلای احمر گرد
 و همه آنرا در راه خدا انفاق نمائی و صدقه دهی نمیرسی بآن ثواب و درجه
 که حاجی بآن میرسد. و باید دانست که یکی از شرایط قبولی حج آنست
 که مال حلال باشد. اگر خمس و زکوة بآن تعلق گرفته باشد باید داده
 شود. و باید حاجی نظری در حج خود بجز اطاعت پروردگار و آوردن
 حکم شریعت نداشته باشد ریا و شهرت فخر و خودنمائی و غیره از صفات

بد در حج منظور نباشد که موجب وبال و خرابی حج میشود. و باید حاجی
 و انا بمسائل خود باشد و اگر نداند بقدر امکان و انا شود و بر غیر مجتهد است
 آنکه تقلید مجتهد عادل امامی اثنی عشری را نماید. و در وقت مسافرت مستحب
 است که غسل کند و دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز این مختصر دعا را بخواند
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُوْدِعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَذُرِّيَّتِي
 وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي انگاه تسبیح حضرت
 قاطمه زهرا علیها سلام را بخواند و در وقت دست بردن دعا برای اهل و عیال
 و فرزند و بازماندگان خود کند. آنها را بخدا سپارد. صدقه بار باب حاجت
 دهد. ارحام خود را در نظر داشته باشد. فقرای آنها را بدو کند. چون از
 خانه بیرون رود آیه الکرسی و سوره حمد و چهار قل و بعضی دعاهای وارده
 اگر در نظر داشته باشد بخواند و از خدا سلامتی همگی خود و متعلقین خود را بخواند
 و روانه شود. و در راه با حسن اخلاق و بر و باری با مردم سلوک کند و بقدر
 قوه خود در خرج کوتاهی نکند که مستحب است در سفر حج بذل نمودن و بسیار
 صرف کردن که البته برای او است در نتیجه فایده دنیا و آخرت. و مستحب
 است برای مسافر که عصا و تربت با خود داشته باشد.

در احکام حج است

بدانکه حج بر سه قسم است حج تمتع - حج قرآن و حج افراد ولی بر سیکه
منزلش از مکه باندازه چهل و هشت میل یا زیاده دور است بر او واجب
است که حج تمتع نماید و آنرا حجه الاسلام گویند - و حجه الاسلام و عمل
است - عمره تمتع و حج تمتع و شروع عمره تمتع از میقات است .

میقات

جائیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنرا معین نمود که
حاجی از آنجا باید احرام بندد و روانه گشت شود و بدون احرام جائز نیست
تجاوز از آن نماید - و میقاتگاه پنج است - اول مسجد شجره که در مدینه
که سه میلی مدینه است واقع شده پس کسیکه از مدینه طیبه بیرون رود باید
از آنجا احرام بندد - دوم در وادی عقیق است که برای کسانیست که
از راه عراق می آیند - سوم در جحفه است برای کسانی است که از راه
شام می آیند - چهارم در قرن المنازل است که برای اشخاصی که
از راه طائف میروند - پنجم در یلملم برای کسانی است که از راه مین حج
می آیند و نیز کسانی که از طریق دریای هند و عرب از بحر احمر بطرف حج میروند

باینکه میقات آنهاست - و در صورتیکه شخصی نمیتواند از میقات احرام
بندد از محاذی آن باید احرام نماید - و مراد از محاذی آنست که چون شخص
رو بطرف مکه روانه میشود میقات طرف راست و یا چپ وی واقع شود
از این جهت است که برای حاجی دریائی جایز است که از جده احرام بندد
برای آنکه محاذی است باینکه - و بهتر آنست که چون به حده رسد و آن
منزلیست بین مکه و جده نیت را دوباره تجدید نموده و تلبیه گوید

در بیان احرام عمره تمتع

چون حاجی میقات و یا محاذی آن رسد واجب است که احرام
بندد و احرام سه عمل است اول - پوشیدن دو پارچه احرام که پاک
باشد و دوخته نباشد سفید باشد بهتر است - یکی را مانند لنگ بندد
و دیگری را روی شانه خود بپاندازد - وزن در لباس خود محرم می شود -
پوشیدن دو پارچه احرام بر او نیست و لباسی که در آن محرم میشود ابریشمی
نباشد بهتر است - دوم - از اعمال احرام نیت است پس واجب
است که حاجی نیت احرام عمره تمتع برای حجه الاسلام بندد واجب
قربه الی الله نگاه مقارن نیت تلبیه گوید - سوم - از اعمال احرام

تلبیه است - مُراد از تلبیه گفتن چهار لبتیک باین طریق لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ
 لَبَّيْكَ - لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ
 وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ - و مستحب است

که مرد در موقع تلبیه آواز خود را بلند نماید وزن آهسته پس چون حاجی این
 سه عمل را بجا آورد مُحَرَّم میشود ولی مستحب است قبل از احرام غسل
 نماید و احرام بعد از نماز واجب و یا نماز مستحبی واقع شود و نماز مستحبی شش رکعت
 هر دو رکعت بیک سلام و اقل آن دو رکعت است چون حاجی مُحَرَّم شود بیست
 و چهار امر بر او حرام میگردد چنانکه بعد از این بیان خواهد شد.

و چون حاجی از احرام فارغ گردید روانه کعبه میشود و چهار عمل دیگر
 که از اعمال عمره است بجا میآورد اول - طواف و مقصود از آن
 چرخیدن با طرف خانه کعبه است بطرفی که بیان میشود - و باید حاجی
 با طهارت و وضو وارد مسجد الحرام گردد زیرا که بدون وضو طواف واجب
 صحیح نیست - و مستحب است که با غسل وارد گردد و در وقت ورود مسجد

الحرام بخواند بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَچون وارد شود متوجه بسوی کعبه گردد

وَبُكْوِيدَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ
 وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مَبَارَكًا وَهُدًى
 لِلْعَالَمِينَ - و طریقی طواف آنست که مقابل حجر الاسود قسمی بایستد
 که شانزده چپ محاذی آن باشد و باین قسم نیت کند که من طواف عمره تمتع
 برای حجۃ الاسلام بجا میآورم قریباً الی الله پس شروع بطواف میکند
 و هفت مرتبه باطراف کعبه دور میزند از حجر الاسود شروع نموده و بحجر الاسود
 تمام نماید - و هر مرتبه را یک شوط میگویند پس هر طوافی هفت شوط است
 و اگر بواسطه از وحام نتواند محاذی حجر بایستد برای نیت قبل از رسیدن
 بحجر الاسود همین قسم که میروند نیت کند بقسمیکه از حجر الاسود شروع بطواف
 شود - و باید در وقت طواف بدن انسان از محاذی کعبه بیرون نرود
 و دست بدیوار کعبه نکشد و در وقت طواف مستحبت است بخواند اللَّهُمَّ
 إِنِّي فَقِيرٌ وَإِلَيْكَ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تَغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا
 تَبَدِّلْ اسْمِي .

عمل دوم - نماز طواف است پس چون حاجی از طواف فارغ
 گردد واجب است که نزدیک مقام ابراهیم دو رکعت نماز طواف بجا آورد

ستحبت است در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله احد و در رکعت دوم
قل یا ایها الکافرون بخواند پس از فراغت از نماز حمد و ثنای الهی را بجا
آورد و صلوات فرستاده طلب قبولی و استجابت دعا از خدا نماید.

عمل سوم. - سعی است که حاجی چون از نماز طواف فارغ گردید برای
سعی از مسجد الحرام خارج گردد و بین صفا و مروه سعی کند یعنی بهفت مرتبه
رفت و آمد از صفا بروه و از مروه بصفا نماید. و شروع سعی از صفا میشود
و شوط هفتم بروه تمام میگردد. و چون حاجی بصفا رسد مستحبت است
بهفت مرتبه الله اکبر و بهفت مرتبه الحمد لله و بهفت مرتبه لا
إله إلا الله گوید. و در حال سعی چون بناره رسد تا مناره دیگر برای
مردان مستحبت است که بطور هروله برود. و چون از سعی فارغ گردد عمل
چهارم را بجا آورد.

عمل چهارم. - تقصیر است. و مراد از تقصیر آنست که حاجی قدری
از ناخن و یا از موی خود ولو کم باشد بقیچی یا غیر آن بگیرد خواه از موی سر
یا ریش یا سبیل و یا از کیسو باشد. پس چون حاجی تقصیر نمود از
احرام عمره تمتع فارغ میشود و آنچه حرام شده بود براو حلال میشود مگر

کندن گیاه حرم - و احرام عمره تمتع جایز است که در سوال ذوالقعدة واقع شود

در بیان محرمات احرام است

چون حاجی محرم گردید بیست و چهار امر بر او حرام میشود و باید آنرا

ترک کند عقد نکاح و گواه شدن بر آن، شکار، استعمال بوی خوش، سوزن

نظر نمودن در آینه، پوشانیدن مرد سر خود را اگر چه بزیر آب نمودن سر باشد

وزن روی خود را اگر قبلیکه معمول است، پوشیدن دوخته و شبیه

دوخته برای مردان، پوشیدن چیزی که پشت پارچه پوشانده باشد کفش

و جوراب، کشتن و یاد و زور نمودن حیوانات بدن مانند شمش و غیره، پوشیدن

انگشتر و امثال آن برای زینت، موارسیر با بدن جدا نمودن، در حال مسافرت

زیر سایه رفتن برای مردان نه زمان، کندن دندان، گرفتن ناخن، روغن

بیدن مالیدن، کندن گیاه و درختان حرم، پوشیدن سلاح، اموراتیکه بین زن

و شوهر واقع میشود از قبیل لمس تقبیل و طی نظر بشهوت، استمنا نمودن بینی

گرفتن از چیزهای بدبو، فسوق یعنی دروغ بر خدا و رسول بستن، جدال نمودن

یعنی لا والله، و بلی والله گفتن و خون از بدن بیرون آوردن، پس آوردن

هر یک از این محرمات سبب واجب شدن کفاره میشود.

در احکام حج تمتع است

چون شخص از عمره تمتع فارغ گردد باید مھیا برای حج تمتع شود پس در روز هشتم ذیحجه که آنرا یوم ترویہ گویند احرام برای حج تمتع می بندد و از مکہ منی می رود و باین سنت عمل میکند و شب نهم را در منی میماند و روز نهم از منی بعرفات می رود و غروب از عرفات کوچ نموده بمشعر الحرام می آید و شب را در مشعر الحرام که آنرا مزدلفه گویند میماند و صبح روز دهم برای نیت اعمال بطرف منی روانه میشود و تفصیل آن از این قرار است :-

اول - احرام حج بمان سبیکه در احرام عمره تمتع بیان شد - مستحب است که این احرام نیز بعد از غسل و نماز چنانیکه گفته شد واقع گردد و اگر بعد از نماز ظهرین باشد بهتر است و در موقع احرام چنین نیت کند که برای حجۃ الاسلام احرام حج تمتع می بندم و اجب قربه الی اللہ پس چون احرام بست تمامی آن بست و چهارامری که سابق بآن اشاره شد بر او حرام میشود و میقات این احرام مکہ معظمه و هر جای آن که باشد اگر چه در منزل باشد ولی افضل در مسجد الحرام و افضل تر زیر بادوان کعبه است و چون سنت است که حاجی شب عرفه (نهم ذیحجه) در منی باشد روز هشتم ذیحجه احرام بندد و روانه منی شود و شب را در منی بماند و روز نهم ذیحجه

برای وقوف در عرفات روانه گردود و افضل آنست که تا طلوع آفتاب توقف
منی نماید و بعد از آن از منی متوجه عرفات شود.

احکام عرفات

دوم. - از اعمال حج و قوف یعنی ماندن در میدان عرفات است
بانیت از زوال ظهر روز نهم و یحیی تا غروب آفتاب بلکه تا مغرب و نیت
چنین کند که از برای حج تمتع حجته الاسلام در عرفات میمانم تا شام برای
آنکه واجب است قریباً الی اللہ - مستحب است که در موقع روانگی بعرفات
تکبیر گوین برود - و مستحبات و قوف عرفات بسیار است از جمله سنت
است که چون بعرفات رسد مقارن زوال ظهر غسل کند با وضو و طهارت زیر
آسمان رو بقبله در میدان بسر برد و نماز ظهر و عصر خود را بیک اذان و دو
اقامه بجا آورد - و مستحب است که با همراهان خود مجتمعاً در زمین هموار
پائین کوه عرفات وقوف کنند و بعد از نماز بایستند و مشغول دعا شوند
در هر حال صلوات بر محمد و آل محمد فرستند و از تسبیح و استغفار و ذکر
پروردگار و سعی در طلب حاجات و دعا برای والدین و برادران و خواهران
و علاقه مندان کوتاهی نکنند مؤمنین رازنده و مرده اقل چهل نفر را در دعا یاد

کند گناهان خود را در درگاه حق یاد نموده و توبه کند و مستحب است که هر یک
 از الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله، لا اله الا الله، آیه الکرسی، انا
 انزلناه، قل هو الله احد، لا حول ولا قوه الا بالله و صلوات بر محمد
 و آل محمد را تصد مرتبه بگوید و عابیه وارده از معصوم مانند دعای امام حسین ع
 که در زاد المعاد و مفاتیح و دعای امام زین العابدین که در صحیفه کامله
 است بخواند. چون مغرب شود واجب است که بطرف مشعر الحرام
 روانه گردد و هرگاه کسی قبل از غروب از عرفات بیرون آید باید یک شتر
 در منی ذبح کند و اگر نتواند باید هجده روز روزه بگیرد.

احکام مشعر الحرام

سوم. - از اعمال حج ماندن در مشعر الحرام است در شب هم ذیحجه
 چون حاجی از عرفات رو مشعر الحرام آورد و مستحب است که در موقع روی
 مشغول استغفار شود و بسیار بگوید اللهم اغتق رقبتی
 مِنَ النَّارِ و چون مشعر الحرام رسید نیت کند که از این وقت تا طلوع
 آفتاب در مشعر الحرام برای حج تمتع میمانم و واجب قرینه الی الله و مستحب
 است که غسل کند و نماز مغرب و عشاء را بیک اذان و دو اقامه بجا آورد

با وضو تا صبح بماند مشغول عبادت و نماز و تلاوت قرآن و ذکر پروردگار و استغفار
 باشد و سنگ ریزه که برای رمی جمره برداشته میشود باید از صرم باشد
 ولی مستحب است که از مشعر الحرام جمع کنند و اگر نشد بعد از آن افضل
 منی است و باید ریگها غیر مستعمل باشد چون صبح روز دهم ذیحجه یعنی عید
 اضحی شود بعد از طلوع آفتاب یا مقارن آن از مشعر الحرام روانه منی شود
 و اعمال آنرا بجا آورد.

اعمال منی

چهارم. - از احکام حج اعمال منی است و آن سه عمل است اول
 رمی نمودن جمره عقبه و در موقع رمی یعنی پر تاب نمودن سنگ نیت توبت
 کند که آنرا بهفت سنگ ریزه میزند قرینه ای الله و مستحب است که
 در آن موقع با وضو و پیاده روی و بجمره و پشت بقبله باشد و در موقع رمی
 الله اکبر بگوید و بفاصله پانزده یا ده ذراع از ستون دور باشد و مستحب
 است که ریگها را بدست چپ گرفته و بدست راست زند و در موقع پر تاب
 نمودن سنگ بخواند اللهم هذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي
 وَأَرْفَعَهُنَّ فِي عَمَلِي و بعد از رمی در موقع بر گشتن بگوید اللهم

بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ
 الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ. دوم. - از اعمال منی قربانی است باید
 حیوان قربانی ناقص نباشد و مستحب است که فربه باشد چنانکه در احکام
 قربانی ص ۴۷۷ این کتاب آمده و مستحب است که خود و یانائب وی
 قربانی نماید و اگر دست بردست قصاب نهد و او ذبح کند کفایت است
 نیت قربانی با قصد قربت واجب است. سوم. - از اعمال منی
 تقصیر است که بعد از قربانی بانیت و قصد قربت آورده میشود و مراد
 از تقصیر چنانکه در احکام عمره تمتع بیان شد گرفتن ناخن یا مو است
 از صورت و یا گیسو ولی حاجی ضروری یعنی کسیکه حج اول است تقصیر
 او متره کشیدن است و مستحب است که در موقع تقصیر رو بقبله باشد
 و نام خدا را بیاورد و بر زن متره کشیدن نیست پس چون حاجی از این
 اعمال فارغ گردید محل میشود و آنچه که بر او حرام شده بود حلال میگردد
 مگر زن و کندن گیاه و درخت حرم. پس از فراغت اعمال منی واجب است
 که حاجی برای سه کار بمکه رود و افضل آنست که همان روز بمکه رود
 و اگر ممکن نشود روز یازدهم رود.

اعمال مکه

چون حاجی مکه رسیده باید سه عمل را بجا آورد اول طواف زیارت
 و نماز طواف است چنانیکه در عمره تمتع بیان شد و مستحب است که
 قبل از دخول مکه و مسجد الحرام غسل کند شارب و ناخن بگیرد و در موقع ورود
 مسجد الحرام دعاها می خواند و چون حجر الاسود رسد او را به بوسه
 و اگر ممکن نشود دست بمالد و اگر ممکن نباشد بدست اشاره کند پس
 از آن شروع بطواف نماید بعد از طواف پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز
 بجا آورد آنگاه حجر الاسود را بوسه اگر نشد شمس و آلابدست اشاره نماید
 آنگاه قدمی از آب زمزم بپاشد و برای عمل دوم که سعی بین صفا و مروه
 است از باب الصفا بیرون رود و سعی کند چنانیکه در عمره تمتع بیان
 شد و پس از فراغت از سعی برای عمل سوم که طواف نساء باشد
 مسجد الحرام می رود و طواف نساء را مانند طواف عمره و حج بجا آورد نماز
 طواف را میخواند و این طواف نساء و نماز طواف نساء بر مرد و زن واجب
 است و بعد از فراغت از آن تمام محرمات حلال میشود مگر کندن گیاه حرم
 آنگاه پس از فراغت از این اعمال حاجی باید بمنی برگردد و شب یازدهم

و دوازدهم را در منی باند و نیت کند که میمانم در منی برای حج تمتع واجب
 قرینه الی الله و باید قبل از غروب آفتاب نیت کند و ماندن حاجی در شب
 یازدهم و دوازدهم واجب است و در شب سیزدهم بر کسی واجب است
 که در حرم شکر نموده باشد و یا در حال احرام از زن پرهنز نگزیده باشد
 و یا آنکه روز دوازدهم در منی باند تا آفتاب غروب کند چه در این صورت
 ماندن در منی برای شب سیزدهم واجب میشود و در این دو روز یا سه
 روز که آنرا ایام شریف گویند باید سه جمره اولی و وسطی و عقبه را رمی کند
 و شروع از اولی و بعد وسطی و پس از آن عقبه را رمی کند و هر کدام را ^{هفت}
 سنگ ریزه بزند و مستحب است که رمی در موقع زوال باشد و دعاهای
 وارده را بخواند و حاجی باید بعد از ظهر روز دوازدهم از منی خارج شود
 و قبل از ظهر بیرون نیاید و پس از فارغ شدن حاجی از این اعمال حج
 وی تمام میشود هر جا که میخواهد برود میتواند روانه شود و مستحب است
 حاجی بکمر رفته و دواع خانه کعبه را نماید و بعضی اعمال مستحبه را بجا آورد
 و از جمله مستحبات در ایام حج خواندن یک ختم قرآن است در کعبه معظمه
 و البته تا اندازه که ممکن است از آوردن مستحبات کوتاهی ننماید و تصدیق

دهد - ثواب آنرا برای والدین و اقرباء و خویشان و حق داران بلکه برای
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین نماید و از دعا که تا بهی نکلند امید است
که ان شاء الله برآورده شود

در احکام مدینه طیبه

یکی از وظائف لازم دینی مسلمانان زیارت حضرت رسول خدا
و ائمه هدی است صلوات الله علیهم اجمعین در مدینه طیبه مخصوصاً
برای کسی که حج می رود و به مدینه طیبه مشرف میشود قبل از حج یا بعد از آن
چه در روایت معتبره وارد است که آنحضرت فرمود هر که بسوی مکه رود برای
حج و زیارت نکند مرا در مدینه جفا کنم او را در روز قیامت و هر که زیارت
من بیاید واجب شود شفاعت من برای او تا آنکه فرمود بهشت او را
واجب گردد و فرمود کسیکه مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از موت
من پس بتحقیق خدا را زیارت کرده است - و در لزوم زیارت ائمه
علیهم السلام روایت از حضرت امام رضاع است که فرمود از برای
هر امامی عهدیست برگردن دوستان و شیعیان وی و از تمامی وفای عهد
زیارت نمودن قبرهای آنها است پس کسیکه با رغبت زیارت نماید آنها را

و تصدیق کند آنچه را که رغبت داده اند بآن شفاعت کنندگان آنها
خواهند بود و قیامت - در کتاب وسائل الشیعه روایت از امام محمد باقر
است که فرمود اگر یکی از شما حج کند به پایان برساند حج خود را زیارت ما
برای آنکه تمام شدن حج و کمال آن زیارت ما است و در ثواب زیارت
حضرت صدیق طاهره صلوات الله علیها وارد است که بهشت
واجب میشود برای سلام کننده بر آن حضرت - محمد ابن ابی نصر از حضرت
امام رضا ع روایت نموده که حضرت فاطمه علیها سلام در خانه خود مدفون
گردید - پس چون بنی امیه مسجد را وسعت دادند قبر آن سیده در مسجد
واقع گردید - و در برخی روایات است که قبر آنحضرت در بقیع است
و در روایت دیگر آمده که بین قبر رسول خدا ص و منبر آنحضرت آن سیده
مدفون است چنانکه روایت شده که فرمود بین قبر و منبر من روضه ایست
از روضهای بهشت بهر حال روایت در ثواب زیارت چهارده محصوم
صلوات الله علیهم اجمعین و ثمره آن از قبیل شفاعت و واجب
شدن بهشت برای زیارت کننده بسیار واروده.

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله

چون اراده زیارت رسول خدا نمودی غسل کن با وضو و پاکیزه گی جا
و بدن و توجه خاطر و دل روانه روضه آنحضرت شو و چون بدر مسجد رسیدی

اذن دخول بخوان و واروشو و بهتر آنست از دری که مشهور بدر جبرئیل

است واروشوی در موقع دخول بخوان اللهم انی قد وقفت

على باب بیت من بیوت نبیک و ال نبیک علیه

و علیهم السلام و قد منعت الناس الدخول الی

بیوته الا باذن نبیک فقلت یا ایها الذین امنوا

لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم اللهم

وانی اعتقد هانی غیبته كما اعتقد هانی حضرتته

و اعلم ان رسولک و خلفاءک علیهم السلام احياء

عندک یرزقون یرون مقامی و یسمعون کلامی

و یردون سلامی و انک حجت عن سمعی کلامهم

و فتحت باب فهمی بلذید مناجاتهم و انی

استاذنک یا رب اولی استاذن رسولک صلی الله

عَلَيْهِ وَاللهِ ثَانِيًا وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ
 الْمُفْتَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ
 بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللهِ
 أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللهِ أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللهِ الْمُقَرَّبِينَ
 الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي
 الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ فَإِنْ
 لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ چون داخل حرم
 شوی مقدم دار پای راست را در وقت دخول بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
 وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ
 التَّوَّابُ الرَّحِيمُ پس قدم تپه الله أكبر بگو و بعد از آن دور ^{کعت}
 نماز تحیت مسجد را بجا آور انگاه بسمت حجره شریفه روانه شو و دست بر آن
 بمال و بپوس آنرا و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ
 وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ
 مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ فَصَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْكَ
 وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ بِسَبِيلِ

نزوستون پیش که از جانب راست قبر است رو بقبله که دو شش چپ
 بجانب قبر باشد و راست بجانب منبر و بگو آشهد ان لا اله الا
 الله وحده لا شريك له و آشهد ان محمدا عبده
 ورسوله و آشهد انك رسول الله وانك محمد بن
 عبد الله و آشهد انك قد بلغت رسالات ربك
 و نصحت لاممتك و جاهدت في سبيل الله و عبدت
 الله حتى آتيت اليقين بالحكمة و الموعظة الحسنة
 و آتيت الذي عليك من الحق و انك قد روفت بالمؤمنين
 و غلظت على الكافرين فبلغ الله بك افضل شرف محل
 المكرمين الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك
 و الضلالة اللهم فاجعل صلواتك و صلوات ملائكتك

الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
 وَأَهْلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَبَّحَكَ يَا رَبَّ
 الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ
 وَنَبِيِّكَ وَآمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَجِيِّدِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ
 وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي الدَّرَجَةَ
 الرَّفِيعَةَ وَأْتِنِي الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَأَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا
 يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ
 أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ
 لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا وَإِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ
 يَا نَبِيَّ مِنْ ذُنُوبِي وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَسَرِّبِكَ
 لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي انگاه برای طلبیدن حاجت رو بقبله کن و دستها را
 بر دار و حاجتهای خود را بطلب پس از آن بمقام نبی صلی علیه و آله میروی
 و نماز میکنی و در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز بسیار کن که نماز در آن معادل
 است با ده هزار نماز و نزد منبر شریف آنحضرت رفته و دست بر آن بمال
 و بر صورت و چشمهای خود بگردان که در آن شفای چشم است و در نزد منبر

حمد و ثنای الهی را نموده و حاجت طلب کن و هرگاه داخل مسجد میشوی
 و یا بیرون میروی بر آن حضرت صلوات فرست و در مقام جبرئیل برو و بگو
 أَسْأَلُكَ أَيُّ جَوَادٍ أَيُّ كَرِيمٍ أَيُّ قَرِيبٍ أَيُّ بَعِيدٍ أَنْ
 تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَدَرْمَوْقَعِي كَمَا خَوَّسْتَنِي أَرْمِيَنِي بِسِرْوَنِ آتِي غَسْلَ
 كُنْ وَأَنْ حَضَرْتَ رَازِيَارَتَ مُنَوَّهٍ وَحَمِينِ وَوَدَاعِ كُنْ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 رَسُولَ اللَّهِ أَسْتَوْدِعُكَ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ
 أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ وَدَلَلْتُ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ
 آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ
 فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَتَصَدَّقَ دَاوُدَ فِي مَدِينَةِ طَيْبَةَ بِرَابِعِ بَابِ هَرَارِ كَمَا فِي جَايِ دِيَارِ
 تَصَدَّقَ بِشَيْءٍ مَخْصُوصًا بِسَادَاتِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 بِمَعْرَاضِي نَمُودَنِ ثَوَابِ جَبْرِيْلٍ وَاجْرَ عَظِيمٍ دَارِدُ وَوَرَكْعَتِ نَمَازِ خَوَانَدَنِ دَرَزُو
 سْتُونِ ابْنِي لِبَابِهِ سَجَّتْ اسْتِ كَمَا أَنْزَلَ اسْتُونِ تَوْبَهُ كَوَيْنِدُ وَازِ مَكَانِهِ
 شَرِيفِ مَسْجِدِ اسْتِ مَخْصُوصًا تَوْبَهُ نَمُودَنِ وَطَلَبِ حَاجَتِ دَرِ گَاهِ پَرُورِ دُكَا

نمودن مستحب است

زیارت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا صلوات الله علیها

برزائراست که با طهارت بدن و لباس پس از غسل و وضو برای

زیارت حاضر شود و حمد کند خدا را که باین نعمت او را موفق فرمود چون مقابل

روضه طاهره آن حضرت رسیدی در زیارت آن سیده میگوئی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ

أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَمُرْسَلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ

وَخَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ آيَتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا
 الرُّضِيَّةُ المَرُضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا الفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا الحُورَاءُ الإِنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 آيَتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا المَحْدَثَةُ
 العَلِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ آيَتُهَا المَظْلُومَةُ المَغْصُوبَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 آيَتُهَا المَظْطَهْدَةُ المَقْهُورَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ
 بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ
 وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْتِنَا
 مِنْ رَبِّكَ وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ أَذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَنَّكَ بِضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ
 أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ

سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّتَ مِنْهُ
 مَوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ مُبَغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ
 مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَحَسِيدًا وَجَازِيًا
 وَمُتَبَرِّئًا پس از آن صلوات میفرستی و دو رکعت نماز زیارت میخوانی
 و طلب حاجت از درگاه پروردگار منمائی امید است که خدا نا امید نفرماید
 انشاء الله تعالی

در زیارات ائمه بیع علیهم السلام

بدانکه زیارت چهار امام ع که روضه آنها در بیع است مستحب مؤکد
 است و موجب ثواب عظیم و اجر جزل و خیر دنیا و آخرت و نجات از جهنم
 و دخول جنت است انشاء الله تعالی و آن چهار بزرگوار امام دوم حضرت
 امام حسن مجتبی و امام چهارم حضرت علی بن حسین و امام پنجم حضرت امام محمد باقر
 و امام ششم حضرت امام جعفر الصادق علیهم السلام میباشد پس چون
 اراده زیارت آنها نمائی با غسل و وضو و طهارت لباس و استعمال بوی خوش
 و آدن و دخول آنها را زیارت کن پشت بقبله و رو بقبور آنها نموده بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّفْوَى

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي لِبْرِيَّةٍ بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَلِ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى
أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ
وَأَسْبَى إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَّةُ الرَّاشِدُونَ
الْمُهْتَدُونَ وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ
وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تَجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تَطَاعُوا وَأَنَّكُمْ دَعَاكُمْ
الِدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ لَمْ تَزَلُوا بَعِيدِينَ اللَّهُ يَنْسَخُ حُكْمَ مَنْ
أَصْلَابُ كُلِّ مَطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ
تَدْنِسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ
الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَطَابَ مِنْبَتُكُمْ مَنْ بَكَرَ عَلَيْنَا دِيَانَ
الِدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكَرَ فِيهَا
اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لذنُوبِنَا
إِذَا خْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وَلايَتِكُمْ
وَكُنَّا عِنْدَهُ مَسْمُومِينَ بِعِلْمِكُمْ مَعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ

وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَا وَأَسْتَكَانَ وَاقْرَبَ بِمَا جَنُ
 وَرَجِي بِمَقَامِهِ الْخَلَّاصِ وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مَسْتَنْقِذُ
 الْهَلَكِيِّ مِنَ الرَّدِيِّ فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ
 إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَأَتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا
 وَأَسْتَكْبَرُوا وَعَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو
 وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنْ بِيَا وَفَقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِمَا
 أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ
 وَأَسْتَخَفُّوا حَقِّهِ وَمَا لُوَّالِي سِوَاهُ فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ
 عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ
 إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا
 تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تَخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ
 وَإِلَيْهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَإِلَى مُحَمَّدٍ

پس دعا کن برای خود هر چه خواهی و هشت رکعت نماز زیارت کن

از برای هر امامی دو رکعت و چون خواهی آنها را وداع کنی بگو **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ**

أَيُّمَّةَ الْهُدَى وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ اسْتَوْدِعْكُمْ اللَّهُ

وَاقْرَأْ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ آمِنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ
بِهِ وَدَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَالْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

پس دعا بسیار کن و از خدا سؤال نما که دیگر بار تو را بزیرت ایشان

برگرداند و آخر عهد تو نباشد.

زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله

میایستی نزدیک قبر و میگوئی السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَی نَبِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی جَبِیْبِ اللَّهِ السَّلَامُ

صَفِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی نَجِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ

عَبْدِ اللَّهِ سَیِّدِ الْأَنْبِیَاءِ وَخَاتِمِ الْمُرْسَلِیْنَ وَخَیْرَةِ

اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِی أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَی جَمِیْعِ

أَنْبِیَائِهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَی الشُّهَدَاءِ وَالسُّعَدَاءِ

وَالصَّالِحِیْنَ السَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِیْنَ

السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكَاةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ

أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِیْفَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ

الظَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّسْمَةُ الزَّكَاةُ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُحْتَبِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السِّرَاجِ
 الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَأَجَانِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّأْيَةِ وَالْعَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ جَاءَهُ
 اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ نِعَامِهِ قَبْلَ أَنْ
 يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ
 فَتَقْلَكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًّا مُرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ
 مُقَدَّدًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبِوَعْدِكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ
 إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَوةً تَقْرُبُهَا
 عَيْنُ رَسُولِهِ وَتَبْلِغُهُ أَكْبَرُ مَا مَوْلَاهُ اللَّهُ مَا جَعَلَ
 أَفْضَلَ صَلَواتِكَ وَأَنْزَلَهَا وَأَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى

رَسُوْلِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
 وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ اَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ
 عَثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ
 اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيَّتِكَ وَاِبْرَاهِيْمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ اَنْ
 تَجْعَلَ سَعْيِيْ بِهِمْ مَشْكُوْرًا وَذَنْبِيْ بِهِمْ مَغْفُوْرًا وَحَيَوَاتِيْ
 بِهِمْ سَعِيْدَةً وَعَاقِبَتِيْ بِهِمْ حَمِيْدَةً وَحَوَاجَتِيْ بِهِمْ مُقْضِيَةً
 وَاَفْعَالِيْ بِهِمْ مُرْضِيَةً وَاَمْوِرِيْ بِهِمْ مُسْعُوْدَةً وَشَوْئِيْ
 بِهِمْ حَمُوْدَةً اَللّٰهُمَّ وَاَحْسِنْ لِيْ التَّوْفِيْقَ وَنَفْسِيْ عَنِّيْ كُلَّ
 هَيْمٍ وَضِيْقٍ اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِيْ عِقَابَكَ وَاْمَنْحْنِيْ ثَوَابَكَ
 وَاَسْكِنْنِيْ جَنَانَكَ وَاَرْزُقْنِيْ رِضْوَانَكَ وَاَمَانَكَ وَاَشْرِكْ
 فِيْ صَالِحِ دُعَائِيْ وَالِدِيْ وَوَلَدِيْ وَجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ اِنَّكَ وِلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ
 اٰمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

پس حاجتہای خود را بنحواہی و دو رکعت نماز میگذاری.

زيارت جناب فاطمة بنت اسد والدة حضرت امير المؤمنين عليه السلام
 زد قبر آن محذره ميايستی و ميلوئی السلام علی نبی الله
 السلام علی رسول الله السلام علی محمد سید المرسلین
 السلام علی محمد سید الاولین السلام علی محمد سید
 الاخرین السلام علی من بعثه الله رحمة للعالمین
 السلام علیک ایها النبی ورحمة وبرکاته السلام
 علی فاطمة بنت اسد الهاشمیة السلام علیک
 ایتهما الصدیقة المرضیة السلام علیک ایتهما
 النقیة النقیة السلام علیک ایتهما الکریمة الرضیة
 السلام علیک یا کافلة محمد خاتم النبیین السلام
 علیک یا والدة سید الوصیین السلام علیک یا
 من ظهرت شفقتها علی رسول الله خاتم النبیین
 السلام علیک یا من تربیتها الولی الله الامین
 السلام علیک وعلی روحک وبدنک الظاهر السلام
 علیک وعلی ولدک ورحمة الله وبرکاته اشهد

أَنْكَ أَحْسَنَتِ الْكِفَالَةَ وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتِ
 فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ وَبَالِغْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَةً
 بِحَقِّهِ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ مُعْرِفَةً بِدَبُوتِهِ مُسْتَبْصِرَةً
 بِنِعْمَتِهِ كَانِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ وَاقِفَةً
 عَلَى خِدْمَتِهِ مُخْتَارَةً رِضَاهُ وَمَوْثِرَةً هَوَاهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
 مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ رَاضِيَةً
 مَرْضِيَةً طَاهِرَةً زَكِيَّةً تَقِيَّةً نَقِيَّةً فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ
 وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَا وَبِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَثَبِّتْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا
 وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتِهَا وَشَفَاعَةَ الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا
 وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ
 اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَّاهَا وَأَرْزُقْنِي
 الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي
 فِي زَمْرَتِهَا وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ

إِغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 وَأَتِنَانِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
 بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ وَبَعْدَازَانِ دُورِ كَعْتِ نَمَازِ زِيَارَتِ مِيخَوَانِي
 و دعا مسکنی بآنچه را که میخواهی.

زیارت حضرت حمزه عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و اُحُد

و در باب زیارت حضرت حمزه وارد شده که حضرت رسول خدا
 صلی الله علیه و آله فرمود که هر که زیارت کند مرا و زیارت نکند عموی من
 حمزه را همانا مرا جفا کرده است پس در زیارت حمزه که قبرش در اُحُد
 واقع گردیده میگوئی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ
 جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ وَنَصَحْتَ
 رَسُولَ اللَّهِ وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَغِيَابًا بِأَبِي
 أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ
 وَمُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ

رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ ابْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي
 مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى
 نَفْسِي هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي أَحْطَبْتَهَا عَلَى ظَهْرِي
 فِرْعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةٍ رَّبِّي أَتَيْتَكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ
 طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَقَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي
 ذُنُوبِي وَاتَيْتُ مَا اسْتَخَطَّ رَّبِّي وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ
 إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ فَكُنْ لِي شَفِيعًا
 يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي فَقَدِمْتُ إِلَيْكَ مُخْرُوجًا وَأَتَيْتُكَ
 مَكْرُوبًا وَسَكَبْتُ عِبْرَتِي عِنْدَكَ يَا كَيَّاصِرْتُ إِلَيْكَ
 مُفْرَدًا وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ وَحَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ
 وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَهَدَانِي لِحُبِّهِ وَرَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ
 وَالْهَمْنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْفُقُ
 مَنْ تَوَلَّاهُمْ وَلَا يَخْجِبُ مَنْ آثَاهُمْ وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوِيكُمْ
 وَلَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاكُمْ

انگاہ دور کعت نماز بجایاوری و بعد از نماز دعا میکنی .

زيارت شهداء رضوان الله عليهم وراحد

در زيارت ایشان بگوئی السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ
 الْمُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالنُّوحِدِ
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ
 وَالسَّلَامُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ
 أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ
 وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَذَبَبْتُمْ
 عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ وَجَدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَأَشْهَدُ
 أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ
 نَبِيِّهِ وَعَنْ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِيهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَعَرَّفْنَا
 وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ الْكَرَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ
 وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أَوْلِيَاكَ
 وَفِي قَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ

اللَّهُ وَأَنْتُمْ لِمَنِ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ أَحْيَاكُمْ
 عِنْدَ رَبِّهِمْ بِرِزْقٍ قَوْلٍ فَعَلَىٰ مَنْ قَتَلَكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ
 وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ
 عَارِفًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ
 الْأَعْمَالِ وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ
 وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَىٰ مَنْ قَتَلَكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ
 وَسَخَطُهُ اللَّهُمَّ انْفَعِنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَتَبَلِّغْنِي عَلَىٰ قَصْدِهِمْ
 وَتَوَفِّئْنِي عَلَىٰ مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي
 مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ أَشْهَدُ أَنْكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ
 بِكُمْ لِأَحْقُونَ. و میخوانی سوره انا انزلناه را آنچه که میخواهی بخوان
 و دو رکعت نماز زیارت بخوان و دعا نموده منصرف شو.

خاتمه
maablib.org

در بیان باقی اموری که آوردن آن در مدینه طیبه مستحب است -
 بدانکه از جمله امور مستحبه در مدینه طیبه روزه گرفتن سه روز است خواه قصد
 عشره نموده باشد یا نه نموده و افضل اوقات این سه روز چهارشنبه

و پنجشنبه و جمعه است و نیز بسیار نماز خواندن در مسجد رسول خدا صلی الله
 علیه و آله مستحب است و تا ممکن است نمازهای واجب را در مسجد آنحضرت
 بجا آورد که همیشه ممکن شدنی نیست و نیز نماز خواندن در مسجد قبا و سایر مساجد
 مدینه طیبه مثل مسجد فضیخ که نزدیک مسجد قبا است و آنرا مسجد رد شمس نیز
 گفته اند و مسجد فتح که آن را مسجد احزاب نیز گفته اند و در مشرفه ام ابراهیم
 یعنی غرقه مادر ابراهیم که آن مسکن و محل نماز حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
 بود و در مسجد امیر المؤمنین که محاذی قبر حمزه است و مسجد مباهله و مسجد سلیمان
 و خانه حضرت امام زین العابدین و خانه حضرت امام جعفر الصادق علیهم السلام
 که نزدیک مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله مستحب است.
 مسجد قبا اولین مسجدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از هجرت
 در آن نماز خواند و باره این مسجد آیه شریفه **لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى النَّفْسِ**
مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ (سوره توبه آیه ۱۰۹) یعنی هر آینه
 مسجدی که بنا نهاده شد بر پهنه گاری از اول روز نماز او از تراست که بایستی
 در آن خواندن دو رکعت نماز در این مسجد ثواب عمره را دارد و بعد از نماز تسبیح
 حضرت زهراء بخوان و دعا کن - و در مسجد فتح چون از نماز فارغ شدی

این دعا را بخوان یا صریح المکر و بدین و یا مجیب دعوة
 المضطربین و یا مغیث المهمومین اکتشف عني ضري
 وهمني و کربی و غیبی کما کشفتم عن نبيك صلى الله
 عليه و آله همة و كفيته هول عدوه و اکتفني ما
 اهتمني من امر الدنيا و الآخرة يا ارحم الراحمين

و در این مساجد و سایر مقامات مقدسه هر چه ممکن شود نماز بخوان برای خود
 و دیگران و عانما و رفتن به بقیع و زیارت قبور بزرگان و اهل آن از جمله و ظا
 زائر مدینه است که در این قبرستان بسیاری از صحابه که حضرت امام
 زین العابدین علیه السلام در صحیفه و قوم آنها را بطور اجمال یاد نموده و بر
 آنها درود فرستاده مدفون میباشند و چه بسیاری از صلحاء و امام
 زاوگان در آن مدفون میباشند و قبور زوجات رسول خدا ص غیر از
 حضرت خدیجه و غیر از میمونه در بقیع میباشند و نیز قبر دختران رسول خدا
 و قبر جناب عقیل برادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و قبر عبداللہ بن
 جعفر و قبر صفیہ عمه رسول خدا ص و غیره که جای تفصیل بیش ازین نیست
 پس رفتن به بقیع برای زیارت قبور بزرگان و اسلاف اسلام چه آثار

دیده شود یا نشود یکی از وظایف زائر مدینه است مخصوصاً مسجی حضرت
 فاطمه زهرا، صلوات الله علیها که بیت الاحزان آنحضرت میبود و بعد
 از رسول خداص در آنجا حاضر میشد و میگرفت و در بقیع واقع است آثار
 آن باقی است یا خیر معلوم نیست بهر حال رفتن به بقیع و نماز و زیارت
 خواندن در آن و سلام کردن بر آن ارواح مقدسه و یاد نمودن آنها
 از امورات راجحه مشروعه است که خداوند در اثر آن خیر دنیا و آخرت را خواهد داد
 و آنها را به نتایج اعمال نیک آنها خواهد رسانید خدایم برادران و خواهران
 دینی را موفق باین امور خیر فرماید و مرا از دعای نیک آنها محروم ننماید
 انشاء الله تعالی

زیارت دوره حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
 هرگاه اراده زیارت آنحضرت را نمائی مستحب است که غسل کنی
 و جامه پاک بپوشی و بوی خوش استعمال کنی و چون بدر و اوق رسی بگو
 السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ وَعَظْمِ
 أَمْرِهِ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَالْمُهَيِّمِ عَلَى
 ذَلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ

السَّكِينَةَ السَّلَامَ عَلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ السَّلَامِ عَلَى
الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ السَّلَامِ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس داخل رواق شو و برود حرم استاده
نخوان اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله جاء بالحق من عنده وصدق
المرسلين السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَخَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِي رَسُولِ اللَّهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ جَاءَكَ
مُسْتَجِيرًا بِدِمَّتِكَ قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ
مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ ءَادْخُلُ
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ءَادْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ ءَادْخُلُ يَا أَمِينَ
اللَّهِ ءَادْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهُدِ
يَا مَوْلَايَ أَتَأْذِنُ لِي بِالدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ
مِنْ أَوْلِيَاءِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلًا فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ

پس عتبه را بسوس و داخل شو و در وقت داخل شدن بخوان بِسْمِ اللّٰهِ
 وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ
 التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ و بروما محاذی قبر مطهر و توقف نما پیش از رسیدن
 بقبر رو بقبر نموده و بگو اَلسَّلَامُ مِنَ اللّٰهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ
 اَمِيْنِ اللّٰهُ عَلٰى وَجِيْهِ وَرِسَالَاتِهِ وَعَزَائِمِ اَمْرِهِ وَمَعْدِنِ
 الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيْلِ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ
 وَالْمُهَيْمِنِ عَلٰى ذٰلِكَ كُلِّهِ الشّٰهِدِ عَلٰى الْخَلْقِ السِّرَاجِ الْمُنِيْرِ
 وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
 وَاهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُوْمِيْنَ اَفْضَلْ وَاكْمَلْ وَاَرْفَعْ وَاَشْرَفْ
 مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيَآئِكَ وَرُسُلِكَ وَاَصْفِيَآئِكَ
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ
 نَبِيِّكَ وَاَخِيْ رَسُوْلِكَ وَوَصِيِّ حَبِيْبِكَ الَّذِيْ اَنْجَمْتَهُ
 مِنْ خَلْقِكَ وَالدَّلِيْلِ عَلٰى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ وَ
 دِيَانِ الدِّيْنِ بَعْدُ لِكَ وَفُصِّلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَالسَّلَامُ

عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ
 وَلَدِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ
 ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَارًا لِدِينِكَ وَحَفَظَةً لِسِيرَتِكَ وَشُهَدَاءَ
 عَلَى خَلْقِكَ وَأَعْلَامًا لِعِبَادِكَ صَلِّ وَأَتِّكْ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
 السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِيِّ
 رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ وَالْقَائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ سَيِّدِ
 الْوَصِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ
 السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
 مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ السَّلَامُ
 عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمُسْتَوْدَعِينَ
 السَّلَامُ عَلَى خَاصَّةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُتَوَشَّحِينَ
 السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِهِ وَوَانَرُوا أَوْلِيَاءَهُ
 اللَّهُ وَخَافُوا بِخَوْفِهِمُ السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَرُوَيْقِرُ نُشْتِ بِقَبْلِهِ كُنْ وَبِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدِّبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ التَّقَى
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبِرُّ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَأَمِيرَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَدَيَانَ يَوْمِ الدِّينِ وَخَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الصِّدِّيقِينَ
 وَالصَّفْوَةَ مِنْ سُلَالَةِ النَّبِيِّينَ وَبَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَخَازِنَ وَحْيِهِ وَعَيْبَةَ عَلَيْهِ وَالنَّاصِحَ لِأُمَّةِ نَبِيِّهِ وَالتَّالِيَّ
 لِرَسُولِهِ وَالْمُوَاسِيَّ لَهُ بِنَفْسِهِ وَالنَّاطِقَ بِحُجَّتِهِ وَالِدَّاعِيَ إِلَى
 شَرِيعَتِهِ وَالْمَاضِيَ عَلَى سُنَّتِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ
 بَلَغَ عَنْ رَسُولِكَ مَا حَمَلَ وَرَعَى مَا اسْتَحْفِظَ وَحَفِظَ مَا
 اسْتَوْدَعَ وَحَلَّلَ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَأَقَامَ أَحْكَامَكَ
 وَجَاهَدَ النَّكَثِينَ فِي سَبِيلِكَ وَالْقَاسِطِينَ فِي حُكْمِكَ

وَالْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا لَا تَأْخُذُهُ فَيْكَ لَوْمَةٌ
 لَا تِيْمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ
 أَوْلِيَاءِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ اللَّهُمَّ هَذَا
 قَبْرُ وَلِيِّكَ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَجَعَلْتَ فِي أَعْنَاقِ
 عِبَادِكَ مُبَايَعَتَهُ وَخَلِيفَتِكَ الَّذِي بِهِ تَأْخُذُ وَتُعْطِي وَبِهِ
 تُثِيبُ وَتُعَاقِبُ وَقَدْ قَصَدْتُهُ طَمَعًا لِمَا أَعْدَدْتَهُ
 لِأَوْلِيَاءِكَ فَبِعَظِيمِ قُدْرِهِ عِنْدَكَ وَجَلِيلِ خَطَرِهِ لَدَيْكَ
 وَقُرْبِ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا
 أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْجُودِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا
 مَوْلَايَ وَعَلَى ضَجِيعِكَ أَدَمَ وَنُوحَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ
 پس صريح را بسوس و در جانب سر بايست و بگو يا مولاي اليك
 و فودي و بيك اتوسل الى ربي في بلوغ مقصودي و اشد
 ان المتوسل بك غير خائب و الطالب بك عن معرفة
 غير مرد و الا بقضاء حوائجه فكن لي شفيعا الى الله
 و بك و ربي في قضاء حوائجي و تيسير اموري و كشف

شِدَّتِي وَغُفْرَانِ ذَنْبِي وَسَعَةِ رِزْقِي وَتَطْوِيلِ عُمْرِي
 وَإِعْطَاءِ سُؤْلِي فِي آخِرَتِي وَدُنْيَايَ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
 اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ الْأَيْمَةِ وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا لَا
 تُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ عَذَابًا كَثِيرًا إِلَّا أَنْقِطَاعَ لَهُ
 وَلَا أَجَلَ وَلَا أَمَدٍ بِمَا شَاقُّوا وَلَا أَمْرًا مَرَكًا وَعِذِّ لَهُمْ عَذَابًا
 لَمْ يُحْلَلْهُ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَأَدْخِلْ عَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ
 وَسُؤْلِكَ وَعَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى قَتْلَةِ الْحَسَنِ
 وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَتْلَةِ مَنْ
 قُتِلَ فِي وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ عَذَابًا أَلِيمًا مُضَاعَفًا فِي
 أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ لَا يَخْفَى عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَهُمْ فِيهِ
 مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ نَاكِسُونَ وَسِيْهُمُ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَدْ عَابَنُوا
 النَّدَامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عِثْرَةَ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ
 وَاتِّبَاعَهُمْ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِي
 مُسْتَسْرِ السِّرِّ وَظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ اللَّهُمَّ

اجعل لي قدم صدق في اوليائك وحبب الي مشاهد هم
 ومستقرهم حتى تلحقني بهم وتجعلني لهم تبعاً
 في الدنيا والاخرة يا ارحم الراحمين پس صريح رابوس
 و پشت بقبله بايست ورو بجانب قبر امام حسين عليه السلام كن وكنو
 السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا بن رسول الله
 السلام عليك يا بن امير المؤمنين السلام عليك يا بن
 فاطمة الزهراء سيده نساء العالمين السلام عليك يا
 ابا الائمة الهادين المهديين السلام عليك يا صريح
 الدمعة الساكبة السلام عليك يا صاحب المصيبة
 الراتبة السلام عليك وعلى جدك و ابيك السلام
 عليك وعلى امك و اخيك السلام عليك وعلى الائمة
 من ذريتك و بنيك اشهد لقد طيب الله بك التراب
 و اوضح بك الكتاب و جعلك و اباك و جدك و اخاك
 و بنيك عبدة لاولي الالباب يا بن الميامين الاطياب
 التالين الكتاب و جئت سلامي اليك صلوات الله

وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ وَجَعَلَ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ
 مَا خَابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَلَجَأَ إِلَيْكَ ^س بِرُؤُوسِهَا قَبْرِي ^س
 وَكَبُو السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَّةِ وَخَلِيلِ النَّبُوَّةِ وَالْمَخْصُوصِ
 بِالْأُخُوَّةِ السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ وَالْإِيمَانِ وَكَلِمَةِ
 الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ وَمُقَلِّبِ الْأَحْوَالِ
 وَسَيْفِ ذِي الْجَلَالِ وَسَاقِي السَّلْسَبِيلِ الزُّلَالِ السَّلَامُ
 عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَالْحَاكِمِ يَوْمَ
 الدِّينِ السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ النُّقُويِّ وَسَامِعِ السِّرِّ وَالنُّجُويِّ
 السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ وَنِعْمَتِهِ السَّابِغَةِ وَنِقْمَتِهِ
 الدَّامِغَةِ السَّلَامُ عَلَى الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ وَالنَّجْمِ اللَّائِحِ
 وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ وَالزَّنَادِ الْقَادِحِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ
 بِسْمِ اللَّهِ صَلَّى عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
 أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَنَاصِرِهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدِعِ
 عَلَيْهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ
 وَالذَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْكُرْبِ

عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكُفْرِ وَمُرْغِمِ الْفَجْرِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ
 نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ
 وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ أَنْصُرُهُ وَأُخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ
 مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ
 مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس برگرد بجانب سراز برای حضرت آدم و نوح و در زیارت آدم گو
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا أَبَا الْبَشَرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى
 الظَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ وَذُرِّيَّتِكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَوةً
 لَا يُحْصِيهَا إِلَّا هُوَ وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ وَدُرِّيَّةً نوح
 عليه السلام گوید السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا صَفِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَيْخَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ
 عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پس شش رکعت نماز بخوان هر دو رکعت
 بیست سلام دو رکعت آن هدیه برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام و دو
 رکعت برای آدم و دو رکعت برای نوح علیهما السلام هدیه کن.

زیارت امام حسین علیه السلام

از آنجمله زیارتیست که صفوان جمال از حضرت صادق روایت
 نموده مستحبت است قبل از زیارت زائر غسل کند بادل خاشع و دیده
 گریان برای زیارت حاضر شود پس چون بدرجاء حسینی برسد بگوید
 اللَّهُ أَكْبَرُ كِبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً
 وَأَصِيلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ
 لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ پس
 بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ
 فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى
 الْأَيْمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَقَامِ الشَّرِيفِ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُحْدِقِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنِّي أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
 بِسْمِكِ يَا سَلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
 عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ الْمُقَرَّبُ بِالرِّقِّ وَالتَّارِكُ
 لِلْخِلَافِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوَالِي لَوْلِيِّكُمْ وَالْمُعَادِي لِعَدُوِّكُمْ
 قَصْدَ حَرَمِكَ وَاسْتِجَارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقَصْدِكَ
 ءَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ءَأَدْخُلُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ ءَأَدْخُلُ يَا
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ءَأَدْخُلُ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ ءَأَدْخُلُ يَا

فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ءَاذْخُلُ يَا مُوَلَايَ يَا بَنَ
 رَسُولِ اللَّهِ پَس اَكْرَوْلَت فَاشَع وودیده ات گریان شد پس علامت
 رخصت است پس داخل شو و بگو الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الْفَرْدِ
 الصَّمَدِ الَّذِي هَدَانِي لِوَلَايَتِكَ وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ
 وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ پَس میروی تا در قبه مطهره و بایست محاذی
 بِاللَّي سِرُّو بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاوَرِثَ اَدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاوَرِثَ نُوحٍ نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 وَاوَرِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاوَرِثَ مُوسَى
 كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاوَرِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَاوَرِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاوَرِثَ
 اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ وَالمُصْطَفَى
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ اِبْنِ اَبِي طَالِبٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ
 فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَاِبْنَ ثَارِهِ وَالْوَثَرَ الْمُتَوَسِّرَ اَشْهَدُ
 اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَاَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّىٰ آتَيْتَ الْيَقِينَ
 فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ
 اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ
 اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ
 الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تَلْبِسْكَ مِنْ
 مَدْلِهِمَاتِ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ
 الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ
 التَّقْوَىٰ وَأَعْلَامُ الْهُدَىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَىٰ وَالْحُجَّةُ عَلَىٰ
 أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآئُهُ وَرُسُلُهُ
 أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا أَيُّهَا بَشَائِعُ دِينِي وَخَوَاتِيمُ
 عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَامٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَوَاتُ
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِكُمْ وَعَلَىٰ أَجْسَامِكُمْ
 وَعَلَىٰ شَاهِدِكُمْ وَعَلَىٰ غَائِبِكُمْ وَعَلَىٰ ظَاهِرِكُمْ وَعَلَىٰ بَاطِنِكُمْ
 پس بیانداز خود را بر قبر و بسوس آنرا و بگو با بی آنست و امی یابن

رَسُولِ اللَّهِ يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ
 الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمِصْدَبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَجَمَتْ وَتَهَيَّيَاتُ
 لِقِتَائِكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ تَصَدُّتُ حَرَمَكَ
 وَاتَيْتُ إِلَى مَشْهَدِكَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ
 عِنْدَهُ وَبِالمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِسَبِيحِ
 وَدُورِ كَعْتِ نَمَازِ دَرِبالاى سِرْ كَبْذَارِ بَخْوَانِ دَرَانِ دُورِ كَعْتِ بِرِ سُورَةُ كَه
 خُولِ بِى بِسِ چُونِ اَزِ نَمَازِ فَاغِ شَدِ بِوِ اَللّهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ
 وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ
 وَالسُّجُودَ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ
 السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ وَأَرُدُّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ اللَّهُمَّ وَ
 هَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْ

مَنِّي وَأَجْرَنِي عَلَىٰ ذَٰلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي
 وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ پس بر خیز و برو پائین قبر آنحضرت
 و بایست نزد سر علی بن حسین علیهما السلام و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُسَيْنِ
 الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنَ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ
 اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ وَخَضِعَتْ
 بِهِ پس بگوین خود را بر قبرش و بپوش آن را و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ
 الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
 قَتَلَتْكَ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ پس بیرون بیاز
 فری که پائین پای علی بن حسین علیهما السلام است و متوجه شو
 بسوی شهداء و بگو السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَاجِبَاتِهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
 أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
 أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بَابِي أَنْتُمْ وَأُمَّيْ طِبْتُمْ
 وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دَفِنْتُمْ وَفُوتُمْ فَوْنًا عَظِيمًا
 فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ بِسِ بَرَكَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

حضرت امام حسین علیه السلام و دعا کن از برای خود و اهل و اولاد و پدر
 و مادر و برادران و اقرباء و ارحام و خویشان و صاحبان حق امید است
 که دعا رو نکرده و حوائج مستجاب شود ان شاء الله تعالی

زیارت حضرت عباس علیه السلام

شیخ اجل ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی متوفی ۳۶۷ هجری
 در کامل الزیارة روایت نموده که ابو حمزه ثمالی از حضرت امام صادق
 علیه السلام روایت کرده است که چون اراده نمائی زیارت قبر
 عباس بن علی علیه السلام که بر کنار شط فرات محاذی حائر واقع گردید

است بر و روضه بايست و بگو سلام الله و سلام ملائكتيه
 الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَآئِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ
 الشُّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا
 تَعْتَدِي وَتَرْوِحُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ لَكَ
 بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالتَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُرْسَلِ وَالسَّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ
 وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ وَالْمُظْلَمِ الْمُهْتَضَمِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ
 وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَأَحْتَسَبْتَ وَأَعْنَتَ فَنِعْمَ
 عُقْبَى الدَّارِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ
 حَقَّكَ وَأَسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ
 وَبَيْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مُظْلُومًا وَأَنَّ اللَّهَ
 مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ جِئْتُكُمْ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَافِدًا
 إِلَيْكُمْ وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَتَابِعٌ وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ وَنُصْرَتِي
 لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ فَمَعَكُمْ

مَعَكُمْ لَأَمَعَ عَدُوُّكُمْ إِنِّي بِكُمْ وَبِأَيَّامِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَنْ
 خَالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ
 بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ بِسِوَا خَلِ رَوْضَهُ شَوْوَنُودِ رَابِضِيحِ بِحَسْبَانِ
 وَبِجِو السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمَطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ
 وَالْإِمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 وَسَلَّم السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ
 وَرِضْوَانُهُ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ وَأَشْهَدُ اللَّهُ
 أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى بِهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجَاهِدُونَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ الْمُبَالِغُونَ
 فِي نَصْرِهِ أَوْلِيَائِهِ الَّذِينَ أَبُون عَنْ أَحِبَّائِهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ
 أَفْضَلَ لِجَزَاءٍ وَأَكْثَرَ لِجَزَاءٍ وَأَوْفَرَ لِجَزَاءٍ وَأَوْفَى لِجَزَاءٍ
 أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بِبَيْعَتِهِ وَأَسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ وَأَطَاعَ
 وَوَلَاةَ أَمْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ يَا لَعْنَتِي فِي النَّصِيحَةِ وَأَعْطَيْتَ
 غَايَةَ الْمَجْهُودِ فَبِعَثِّكَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ وَجَعَلَ رُوحَكَ
 مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحًا مَنَزِلًا

وَأَفْضَلَهَا عَرَفًا وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عَالَمَيْنِ وَحَشْرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ
 وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أَوْلِيكَ
 رَفِيقًا شَهِدْنَا أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى
 بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ
 فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي
 مَنَازِلِ الْمُحِبِّينَ فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ پس برو سبت بالا
 سر و دو رکعت نماز بخوان و بعد از نماز بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَكَانِ الْمَكْرَمِ وَالْمَشْهُدِ
 الْمُعْظَمِ ذَنْبًا إِلَّا أَغْفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَلَا مَرَضًا
 إِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ وَلَا يَرْزُقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ وَلَا
 خَوْفًا إِلَّا أَمِنْتَهُ وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ وَلَا غَائِبًا إِلَّا حَفِظْتَهُ
 وَأَدْنَيْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيهَا
 رِضَى وَوَلِيٍّ فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 پس بر کرد بسوی صریح و نزو یا یا یا است و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا
وَأَقْدَمِيهِمْ إِيمَانًا وَأَقْوَمِيهِمْ بِيَدِيْنَ اللَّهِ وَأَحْوِطِيهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ
أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِإِخِيكَ فَنِعْمَ الْإِخُ
الْمُوَاسِي فَلَعنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلعنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ
وَلَعنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ وَأَنْتَهَكْتَ
حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَارِمِي النَّاصِرُ
وَالْإِخُ الدَّافِعُ عَنِ أَخِيهِ الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ الرَّاعِبُ
فِي مَا نَزَهَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ وَالشَّنَاءِ الْجَمِيلِ
وَالْحَقِّكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ اللَّهُمَّ
إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرِيبَةِ أَوْلِيَائِكَ رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ وَرَجَاءً
لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزِيلِ إِحْسَانِكَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهَمِّ دَارِ أَوْعَاشِي
بِهَمِّ قَارِ أَوْسِرِ بَارِي بِهَمِّ مَقْبُولَةٍ وَحَيَوِي بِهَمِّ طَيْبَةٍ
وَأَدْرِجْنِي إِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ
رِيبَةِ مَشَاهِدِ أَحْبَابِكَ مُفْلِحًا مِنْ جَحَا قَدِ اسْتَوْجَبَ

غُفْرَانَ الدُّنُوبِ وَسَتْرَ الْعُيُوبِ وَكَشْفَ الْكُرُوبِ إِنَّكَ
 أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَچون خواهی وداع کنی آنحضرت را
 پس برو بنزد قبر شریف و بگو این را که در روایت ابو حمزه ثمالی است علماء
 نیز ذکر کرده اند اَسْتَوِدِعُكَ اللهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ
 السَّلَامَ أَمَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتَابِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ
 مِنْ عِنْدِ اللهِ فَالْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ
 إِخْرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَّى
 اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي
 وَأَحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ وَعَرِّفْ بَيْنِي
 وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَالتَّصَدِّقِ
 بِرَسُولِكَ وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْإِمَّةِ مِنْ
 وَلَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَإِنِّي قَدْ
 رَضَيْتُ يَا رَبِّي بِذَلِكَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس دعا کن از برای خود و برادران و خواهران خود و وابستگان

و مؤمنین کہ بر آورده است انشاء الله تعالی

زیارت امام موسی کاظم علیه السلام

چون بدرحرم رسی بگو الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله
 والله اکبر الحمد لله على هدايته لدينه والتوفيق لما
 دعاه اليه من سبيله اللهم انك اكرم مقصود واكرم
 ما تى وقد اتيتك متقربا اليك يا بن بنت نبيك صلوا
 عليه وعلى ابائه الطاهرين وابنائهم الطيبين اللهم
 صل على محمد وال محمد ولا تحيب سعي ولا تقطع
 رجائي واجعلني عندك وحيها في الدنيا والاخرة ومن
 المقرين پس داخل شو و مقدم دار پای راست خود را و بگو يسلم الله
 وبالله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله صلى الله
 عليه واله اللهم اغفر لي ولوالدي وجميع المؤمنين
 والمؤمنات پس بمينکه سیدی بدرتبه شريفه بايست و اذن
 طلب کن و بگو آء ادخل يا رسول الله آء ادخل يا نبي الله
 آء ادخل يا محمد بن عبد الله آء ادخل يا امير المؤمنين

ءَادْخُلُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ ءَادْخُلُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ

ءَادْخُلُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ءَادْخُلُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ءَادْخُلُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ

ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ءَادْخُلُ

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ ءَادْخُلُ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

پس داخل شو و چهار مرتبه بگو الله اكبر پس بایست مقابل

قبر و قبله را پشت کتف خود قرار بده پس بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُبِّي

اللَّهِ وَابْنَ وَوَلِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيَّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا أَمِينِ اللَّهِ وَابْنَ أَمِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ

فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ الدِّينِ وَالشُّقَى السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا خَازِنَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ

الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَائِبَ الْأَوْصِيَاءِ السَّابِقِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ الْمُبِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا صَاحِبَ الْعِلْمِ الْيَقِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ عِلْمِ
 الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّالِحُ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الزَّاهِدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ
 الْعَابِدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ السَّيِّدُ الرَّشِيدُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْتُولُ الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ وَصِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ
 مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ
 قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكَ وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوَدَعَكَ
 وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ وَأَقَمْتَ أَحْكَامَ
 اللَّهِ وَتَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ
 اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينُ
 وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ
 وَأَجْدَادُكَ الطَّيِّبُونَ الْأَوْصِيَاءُ الْهَادُونَ الْأَئِمَّةُ الْمَهْدِيُّونَ
 لَمْ تُؤْتِرْ عَنِّي عَلَى هُدًى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّي إِلَى بَاطِلٍ وَأَشْهَدُ
 أَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَّكَ

آدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَاجْتَدَيْتَ الْحَيَانَةَ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ
 الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ
 مُخْلِصًا مَجْتَهِدًا مُحْتَسِبًا حَتَّى آتَيْتَكَ الْيَقِينَ فجزاك الله
 عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَأَشْرَفَ الْجَزَاءِ آتَيْتَكَ
 يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ نِزَائِرًا عَارِفًا بِمُحَقِّقِكَ مُقِرًّا بِفَضْلِكَ مُحْتَمِلًا
 لِعِلْمِكَ مُحْتَجًّا بِذِمَّتِكَ عَائِدًا بِقَبْرِكَ لَا يَنْدُ إِضْرِيحُكَ
 مُسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَى اللَّهِ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا
 لِأَعْدَائِكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَانِكَ وَبِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ
 عَلَيْهِ عَالِمًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ وَبِالْعَمَى الَّذِي هُمْ
 عَلَيْهِ يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي
 يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ آتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا بِزِيَارَتِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
 وَمُسْتَشْفِعًا بِكَ إِلَيْهِ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي
 ذُنُوبِي وَيَعْفُو عَن جُرْمِي وَيَجْعَلَ لِي زَعْنُ سَيِّئَاتِي وَيَجْعَلَ لِي
 خَطِيئَاتِي وَيُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ وَيَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ
 وَيَغْفِرَ لِي وَالْآبَاءِ وَالْإِخْوَانِ وَالْإِخْوَاتِ وَكُلِّ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ وَمِنْهُ پَس
 بیا نازد خود را بر قبر و بسوس آن را و بگذار و طرف روی خود را بر آن
 و دعا کن یا آنچه میخواهی پس برگرد بجانب سر و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 مُوَلَايَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ
 أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي وَالْوَلِيُّ الْمُرْتَشِدُ وَأَنَّكَ مَعْدِنُ
 التَّنْزِيلِ وَصَاحِبُ التَّوْبِيلِ وَحَامِلُ التَّوْبِيَةِ وَالْإِنْجِيلِ
 وَالْعَالِمُ الْعَادِلُ وَالصَّادِقُ الْعَامِلُ يَا مُوَلَايَ أَنَا أَبْرءُ إِلَى
 اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَاتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ فَصَلِّ
 اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ وَشِيعَتِكَ
 وَمُحِبِّيكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ پَس دو رکعت نماز زیارت بخوان

زیارت امام محمد تقی علیه السلام

چون زائران زیارت حضرت امام موسی کاظم ع فارغ گردیدند نزد قبر
 حضرت امام محمد جواد استاده و بگوید السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ
 مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ الْإِمَامِ الْوَفِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 أَيُّهَا الرِّضِيُّ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا نَجِيَّ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِيرَ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضِيَاءَ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا سَنَاءَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الظَّالِعُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الطَّيِّبُ مِنَ الطَّيِّبِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ مِنَ الْمُطَهَّرِينَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْآيَةُ الْعُظْمَى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْحُجَّةُ الْكُبْرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُطَهَّرُ مِنَ الزَّلَّاتِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنَزَّهُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 أَيُّهَا الْعَلِيُّ عَنْ نَقْصِ الْأَوْصَافِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ
 عِنْدَ الْأَشْرَافِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ أَشْهَدُ أَنَّكَ رِبِّي
 اللَّهُ وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ وَأَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَخَيْرَةُ اللَّهِ
 وَمُسْتَوْدَعُ عِلْمِ اللَّهِ وَعِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ وَرُكْنُ الْإِيمَانِ
 وَتَرْجَمَانُ الْقُرْآنِ وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ اتَّبَعَكَ عَلَى الْحَقِّ
 وَالْهُدَى وَأَنَّ مَنْ أَنْكَرَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ عَلَى

الضَّلَالَةَ وَالرَّدَى أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
 وَكَبُورُ صَلَوَاتِ بَرَانِخَضْرَتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
 وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مِنَ الزُّكِيِّ النَّقِيِّ وَالْبِرِّ الْوَفِيِّ وَالْمُهَذَّبِ
 النَّقِيِّ هَادِي الْأُمَّةِ وَوَارِثِ الْأَيْمَّةِ وَخَازِنِ الرَّحْمَةِ
 وَيَنْبُوعِ الْحِكْمَةِ وَقَائِدِ الْبَرَكَةِ وَعَدِيلِ الْقُرْآنِ فِي الطَّاعَةِ
 وَوَاحِدِ الْأَوْصِيَاءِ فِي الْإِخْلَاصِ وَالْعِبَادَةِ وَحُجَّتِكَ الْعَلِيَّ
 وَمَثَلِكَ الْأَعْلَى وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى الدَّاعِي إِلَيْكَ وَالذَّالِّ
 عَلَيْكَ الَّذِي نَصَبْتَهُ عَلِمًا لِعِبَادِكَ وَمُتْرَجِمًا لِكِتَابِكَ
 وَصَادِعًا بِأَمْرِكَ وَنَاصِرًا لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ وَتَوْرًا
 تَحْرُقُ بِهِ الظُّلْمَ وَقُدُورَةً تُدْرِكُ بِهَا الْهَدَايَةَ وَشَفِيعًا
 تُنَالُ بِهِ الْجَنَّةَ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَخَذْتَنِي خُشُوعَهُ لَكَ حَظَّهُ
 وَأَسْتَوْفِي مِنْ خُشْيَتِكَ نَصِيْبَهُ فَصَلِّ عَلَيْهِ أضعافَ
 مَا صَلَّيْتَ عَلَى وَلِيِّي أَرْضَيْتَ طَاعَتَهُ وَقَبِلْتَ خِدْمَتَهُ
 وَبَلِّغْهُ مِنْ نَائِحِيَّةِ وَسَلَامًا وَاتِنَانِي مَوَالِيَتِهِ مِنْ لَدُنْكَ

فَضْلًا وَاحْسَانًا وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا إِنَّكَ ذُو الْمَنِّ الْقَدِيمُ وَالصَّفْحُ
الْجَمِيلُ پس دو رکعت نماز زیارت بجا آور و بعد از نماز دعا و طلب حاجت نما

زیارت حضرت امام رضا علیه السلام

پس از غسل و پوشیدن پاکیزه ترین جامه های خود برای زیارت حاضر
شود و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللّٰهِ پس
برونیز وضو و قبله را در پشت خود بگیر و رو بروی آنحضرت بایست و بگو
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ
وَنَبِيِّكَ وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى
إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ الَّذِي أَنْتَ جَبْتَهُ بِعِلْمِكَ
وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَالذَّلِيلَ عَلَى مَنْ
بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَدَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ

بَيْنَ خَلْقِكَ وَالْمُهَيَّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَرَوْحَةَ وَلِيِّكَ وَأُمَّ السَّبْطَيْنِ
 الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الطُّهْرَةَ
 الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ النَّقِيَّةَ الرَّضِيَّةَ الرَّزِيَّةَ سَيِّدَةَ
 نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا
 غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطِي نَبِيِّكَ
 وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ
 وَالذَّلِيلِينَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَتِكَ وَدَيَانِي الدِّينِ
 بَعْدُكَ وَفُضِّلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَالذَّلِيلِ
 عَلَى مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَتِكَ وَدَيَانَ الدِّينِ بَعْدُكَ وَفُضِّلِ
 قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ بِأَقْرَبِ
 النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَبْدِكَ
 وَوَلِيِّ دِينِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقِ الْبَارِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَبْدِكَ الصَّالِحِ وَلسَانِكَ
 فِي خَلْقِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُتَّقِي عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ
 الْقَائِمِ بَعْدَكَ وَالِدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ
 صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ
 بْنِ عَلِيِّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالِدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بِالْعَامِلِ بِأَمْرِكَ الْقَائِمِ
 فِي خَلْقِكَ وَحُجَّتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى
 خَلْقِكَ الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ
 رَسُولِكَ صَلَواتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَوةً تَامَّةً نَامِيَةً
 بَاقِيَةً تُعْجَلُ بِهَا فَرَجُهُ وَتَنْصُرُهُ بِهَا وَتُجْحَلُنَا مَعَهُ فِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَأُوَالِي
 وَلِيَّهُمْ وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ فَأَرْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

وَأَصْرَفُ عَنِّي بِهَمِّ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ
 پس می نشینی نزد سر آنحضرت و میگوئی السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي
 ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
 نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى نُورِ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَلِيِّ اللَّهِ وَوَصِيِّ
 رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ
 أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ
 الْعَابِدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

الصَّادِقِ الْبَارِئِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى بْنِ جَعْفِرِ
 السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
 الْوَصِيُّ الْبَارِئُ التَّقِيُّ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ
 الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ
 مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْتَكَ الْيَقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ
 اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْ خُورِ الْبُضْرِ مِجْشِ بَانِي وَمِيكُونِي اللَّهُمَّ لِيكَ
 صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِي وَقَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءً رَحْمَتِكَ فَلَا
 تُخَيِّبْنِي وَلَا تُرَدِّدْنِي بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِي وَأَرْحَمِ تَقَلُّبِي عَلَى
 قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي
 يَا مَوْلَايَ أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَافِدًا عَائِدًا مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي
 وَأَحْتَضَبْتُ عَلَى ظَهْرِي فَكُنْ لِي شَافِعًا إِلَى اللَّهِ يَوْمَ فَقْرِي
 وَفَاقَتِي فَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامُ مُحَمَّدٍ وَأَنْتَ عِنْدَهُ وَجِيهٌ
 بِسْ دَسْتِ رَاسْتِ رَابِلَنْدِ مِيكُونِي وَدَسْتِ چَپِ رَابِقْرِ مِيكُونِي
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَيُؤَلِّقُ بِيَتِيمَهُمْ أَتَوَلَّى أَيْحَرَهُمْ بِمَا
 تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَاهُمْ وَأَبْرَاءُ مِنْ كُلِّ وَجِيهَةٍ دُونَهُمْ اللَّهُمَّ

الْعَيْنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ وَحَدُّوا بِأَيَانِكَ وَ
 سَخَّرُوا بِأَمَامِكَ وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى الْكُفْرِ أَلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ رَانِي
 اتَّقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمُ وَالْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 يَا رَحْمَنُ پس بر سگروی و بنزد پای آنحضرت میروی و میگوئی صلی الله علیه و آله
 يَا أَبَا الْحَسَنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ

الْمُصَدِّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَاللِّسَانِ پس تضرع و مبالغه کن در
 لعنت بر کشنده امیر المؤمنین و قاتلان حسن و حسین علیهم السلام و قاتلان جمیع
 اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از پشت قبر برو و نزد سر آنحضرت دو
 رکعت نماز کن در رکعت اول سوره یس و در رکعت دوم سوره الرحمن بخوان
 و جهد کن در دعا و تضرع و بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود و جمیع برادران
 مؤمن خود و آنچه خواهی نزد سر آنحضرت بان و باید که نمازهای خود را نزد قبر بکنی.

زیارت حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام
 پس از غسل و بعد از رعایت آداب دخول حرم با تاتی روانه سو و تا بد
 حرم پس اذن دخول را خوانده داخل حرم شود و نزد ضریح بایستد نزد
 ضریح آن دو بزرگوار و بگوید السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا
 يَا حُجَّتَيَّ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورَيَّ اللَّهُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَنْ بَدَأَ اللَّهُ فِي شَانِكُمْ أَتَيْتُمْ كَمَا نَزَّارًا عَارِفًا
 بِحَقِّكُمْ مَعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمْ مَوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكُمْ مُؤْمِنًا
 بِمَا مَنَّتُمْ بِهِ كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلًا
 لِمَا أَبْطَلْتُمْ أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ أَنْ يَجْعَلَ حِطِّي مِنْ
 زِيَارَتِكُمْ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتَكُمْ
 فِي الْجَنَّةِ مَعَ آبَائِكُمُ الصَّالِحِينَ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي
 مِنَ النَّارِ وَيَرْزُقَنِي شَفَاعَتَكُمْ وَمَصَاحِبَتَكُمْ وَيُعْرِفَ
 بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَلَا يُسَلِّبَنِي حُبَّكُمْ وَحُبَّ آبَائِكُمْ
 الصَّالِحِينَ وَأَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ
 وَيَجْشُرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا
 وَتَوْفِيئِي عَلَى مِلَّتِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْيَوْمِ الْحَقِّمِ
 وَأَنْتَقِمْ مِنْهُمْ اللَّهُمَّ الْعَنْ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ
 وَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَأَبْلُغْ بِهِمْ بِأَشْيَاعِهِمْ وَمُجَبِّهِمْ
 وَمَتَّبِعِيهِمْ أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنْ الْجَحِيمِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَوْجَ وَلِيِّكَ وَأَبْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرْجَنَا مَعَ

فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَجهد میکنی در دعا کردن از برای خود و پدر
 و مادر خود و هر دعا که خواهی بکنی و اگر توانی بنزدیک قبر ایشان بروی و دو
 رکعت نماز نزد قبر بکنی و اگر نتوانی داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بکن
 و هر دعا که خواهی بکنی که مستجابست و این مسجد پهلوی خانه ایشان است
 و حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در آن نماز کرده اند
 زیارت زینب خاتون و والده حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه
 و زیارت والده امام غائب عجل الله تعالی فرجه که قبر آن مطهران
 سیده پشت ضریح امام حسن عسکری علیه السلام واقع گردیده میگوئی
 السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّادِقِ
 الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى
 الْأَئِمَّةِ الظَّاهِرِينَ الْحُجَّجِ الْمِيَامِينَ السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ
 الْإِمَامِ وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ وَالْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ
 الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى وَابْنَةَ حَوَارِيِّ عَيْسَى السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الثَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ

الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي الْإِنْجِيلِ الْمَخْطُوبَةُ
 مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ وَمَنْ رَغِبَ فِي وَصَلَتِهِ أَحْمَدُ سَيِّدِ
 الْمُرْسَلِينَ وَالْمُسْتَوْدَعَةَ أَنْسَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 وَعَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَوَلَدِكَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الظَّاهِرِ أَشْهَدُ أَنَّكَ
 أَحْسَنُ الْكِفَالَةِ وَأَدْوَيْتِ الْأَمَانَةَ وَأَجْمَعَدْتَ فِي مَرْضَاتِ
 اللَّهِ وَصَبَرْتَ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَحَفِظْتَ سِرَّ اللَّهِ وَحَمَلْتَ
 وَكَيْتَ اللَّهِ وَبَالَغْتَ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ وَرَغِبْتَ فِي وَصَلَةِ
 أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ مُعْتَرِفَةً
 بِمَنْزِلَتِهِمْ مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ مُؤَثِّرَةً هَوَاهِمَهُمْ
 وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيَةً بِالْحَقِّ
 رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً نَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً فَرَضِي اللَّهُ عَلَيْكَ وَأَخْرَجَكَ
 وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَاؤِيكَ فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا
 أَوْلَاكَ وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَعْنَاكَ فَهَذَا اللَّهُ بِمَا
 مَنَّكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَأَمْرًا كَسْبًا بِالْإِمْلَاقِ بِخُودِ رَاوِيكَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَمَدْتُ وَلِوِضَاكَ طَلَبْتُ وَبِأَوْلِيَاكَ إِلَيْكَ
 تَوَسَّلْتُ وَعَلَى غُفْرَانِكَ وَحِلْمِكَ أَتَكَلَّمْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ
 وَبِقَبْرِ أُمَّمِ وَلِيِّكَ لُذْتُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي
 بِزِيَارَتِهَا وَثَبِّتْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ
 وَلَدِهَا وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَأَحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ وَلَدِهَا
 كَمَا وَفَّقْتَنِي لِزِيَارَةِ وَلَدِهَا وَزِيَارَتِهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ
 إِلَيْكَ بِالْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحُجَجِ
 الْمِيَامِينَ مِنْ آلِ طَاهٍ وَبِأَنَّ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 الطَّيِّبِينَ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ
 الْمُسْتَبْشِرِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
 وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ قَبِلَتْ سَعِيَهُ وَبَسَّطَتْ أَمْرَهُ وَكَشَفَتْ ضُرَّهُ
 وَأَمِنَتْ خَوْفَهُ اللَّهُمَّ مَجِّحِي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ أَخْرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَأَرْزُقْنِي
 الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي
 زُمرَتِهَا وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَشَفَاعَتِهَا وَاعْفِرْ لِي

وَلِوَالِدَيَّْ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاتِّبَانِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
 وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ وَالسَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

زیارت جناب حکیمہ خاتون دختر حضرت امام محمد تقی علیہ السلام
 پس در زیارت آنحضرت آنچه را که در زیارت عمه مکرمه اش حضرت

معصومه فاطمه بنت موسی بن جعفر علیہ السلام واروشده است میگوئی
 رُوْبِقْبَلَهُ اَيْتَادُهُ بَوِ السَّلَامِ عَلٰى اَدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ السَّلَامِ عَلٰى
 نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ السَّلَامِ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ اللّٰهِ السَّلَامِ
 عَلٰى مُوسٰى كَلِيْمِ اللّٰهِ السَّلَامِ عَلٰى عِيْسٰى رُوْحِ اللّٰهِ السَّلَامِ
 عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللّٰهِ
 السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللّٰهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ
 عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ
 عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُوْلِ اللّٰهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا
 يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ السَّلَامِ عَلَيْكُمَا يَا سَبْطِي
 الرَّحْمَةِ وَسَيِّدِي شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا

عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ وَقُرَّةِ عَيْنِ النَّاطِرِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارَّ الْأَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الظَّاهِرَ الظُّهْرَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ
 مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّاقِيَّ النَّاصِحَ الْأَمِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرِّجِكَ وَوَلِيِّكَ وَوَصِيِّكَ وَوَصِيِّكَ
 وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ
 اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 بِنْتَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَحَشَرَنَا فِي

نَزْمِ قِيَامِكُمْ وَأَوْرِدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَسَقَانَا بِكَامٍ مِنْ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا
 فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي نَزْمِ قِيَامِكُمْ
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْ لَا يُسَلِّبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ
 وَلِيُّ قَدِيرٍ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ
 وَالسَّلَامِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَعَلَى
 يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا
 سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْدَّارَ الْآخِرَةَ يَا حَكِيمَةَ إِشْفِعِي لِي
 فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ وَلَا حَوْلَ
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ
 بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در آداب سر و اب مطهر و زیارت حضرت حججه الله الامام المهدي
عجل الله تعالى فرجه

زیارت‌های مختلف برای آنحضرت وارد شده است از آنجمله زیارتیست
که در مفاتیح که از سید بن طاووس نقل نموده و برای اختصار بهمان زیارت
اکتفا میشود. پس میگوئی السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ وَالْعَالَمِ الدِّينِيِّ
عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُؤْمِنِينَ وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ
السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِيٍّ الْأُمِّ وَجَامِعِ الْكَلِمِ السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ
السَّلَفِ وَصَاحِبِ الشَّرَفِ السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ وَكَلِمَةِ
الْحَمْدِ السَّلَامُ عَلَى مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ السَّلَامُ
عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ
الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمَشْتَهَرِ السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ
الزَّاهِرِ وَالنُّورِ الْبَاهِرِ السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَبَدْرِ التَّمَامِ
السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَفَضْرَةِ الْأَيَّامِ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ
الصَّمْصَامِ وَفَلَّاقِ الْهَامِ السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْثُورِ وَالْكِتَابِ
الْمَسْطُورِ السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ

الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ أَشَارُ
 الْأَصْفِيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى السِّرِّ وَالْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ السَّلَامِ عَلَى الْمَهْدِيِّ
 الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ
 وَيَلْمَزَ بِهِ الشُّعْثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيُمْكِنَ
 لَهُ وَيُنْجِزَ بِهِ وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنْكَ الْأَيْمَةُ
 مِنْ آبَائِكَ أُمَّتِي وَمَوْلِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهُادُ
 أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ
 شَأْنِي وَقَضَاءِ حَوَائِجِي وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي
 دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي لِي وَإِخْوَانِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ كَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ^{پس} بجا آور نماز زیارت را
 بنحویکه پیش ازین ذکر نمودیم یعنی دو از ده رکعت بعد از هر دو رکعت سلام
 دهد و تسبیح زهراء علیها السلام بگوید و هدیه کند بسوی آنحضرت و چون از نماز
 زیارت فارغ شدی بگو اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ
 وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمُ بِقِسْطِكَ
 وَالْفَائِزُ بِأَمْرِكَ وَوَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَمُبِيرُ الْكَافِرِينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ

وَمَنِيرِ الْحَقِّ وَالصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالصِّدْقِ
 وَكَيْمِنِكَ وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ الْمَتْرُقِيبِ الْخَائِفِ
 الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ النِّجَاةِ وَعِلْمِ الْهُدَى وَنُورِ ابْصَارِ الْوَلِيِّ
 وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَأَرْتَدَى وَالْوَثْرِ الْمَوْتُورِ وَمُفْرِجِ الْكَرْبِ
 وَمُزِيلِ الْهَمِّ وَكَاشِفِ الْبَلْوَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى
 آبَائِهِ الْأَيْمَّةِ الْمَهَادِينَ وَالْقَادَةِ الْمِيَامِينَ مَا صَلَّعَتْ
 كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ وَأُورِقَتِ الْأَشْجَارُ وَأَيْبَعَتِ الْأَشْمَارُ
 وَأَخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَغَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا
 بِحُبِّهِ وَأَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لَوَائِهِ إِلَهَ الْحَقِّ أَمِينِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ

مناجات أمير المؤمنين علي عليه السلام

لَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى إِلَهِي وَخَلَاتِي وَحُرَيْرِي وَمَوْلِي إِلَهِي لَنْ جَلَّتْ وَجَمَّتْ خَطِيئَتِي إِلَهِي لَنْ أَعْطَيْتَ نَفْسِي سُؤْلَهَا	تَبَارَكْتَ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ وَتُمْنَعُ إِلَيْكَ لَدَى الْأَعْسَارِ وَالْبُسْرِ أَفْرَعُ فَعَفْوِكَ عَنْ ذَنْبِي أَجَلٌ وَأَوْسَعُ فَهَا أَنَا فِي رَوْضِ النَّدَامَةِ أَرْتَعُ
--	--

إِلَهِي تَرَى حَالِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي
 إِلَهِي فَلَا تُفْطَعْ رَجَائِي وَلَا تُزْعِ
 إِلَهِي أَجْرُنِي مِنْ عَذَابِكَ إِنِّي
 إِلَهِي فَأَنْسِنِي بِتَلْقِينِ حُجَّتِي
 إِلَهِي لَنْ عَدَّبْتَنِي الْفَحْجَةَ
 إِلَهِي أَذِقْنِي طَعْمَ عَفْوِكَ يَوْمَ لَا
 إِلَهِي لَنْ لَمْ تَرَعْنِي كُنْتُ ضَائِعًا
 إِلَهِي إِذْ أَلَمْ تَعْفُ عَنِّي غَيْرَ مُحْسِنٍ
 إِلَهِي لَنْ فَرَطْتُ فِي طَلَبِ التَّقِي
 إِلَهِي ذُنُوبِي بَدَّتْ لَطُورًا وَعَتَلَتْ
 إِلَهِي لَنْ أَخْطَأْتُ جَهْلًا وَطِلْمًا
 إِلَهِي نَحِي ذِكْرُ طَوْلِكَ لَوْ عَقِي
 إِلَهِي أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَأَمْحُ حَوْبَتِي
 إِلَهِي أَنْلِنِي مِنْكَ رَوْحًا وَرَحْمَةً
 إِلَهِي لَنْ أَقْضَيْتَنِي أَوْ أَهْنَيْتَنِي

وَأَنْتَ مُنَاجَاتِي الْخَفِيَّةَ تَسْمَعُ
 فَوَادِي فُلِي فِي سَيْبِ جُودِكَ تَطْمَعُ
 أَسِيرٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ لَكَ أَخْضَعُ
 إِذَا كَانَ لِي فِي الْقَبْرِ مَثْوَى وَمُضْجَعُ
 فَخَبَلُ رَجَائِي مِنْكَ لَا يَنْقَطَعُ
 بَنُونَ وَلَا مَالٌ هُنَا لِكَ يَنْفَعُ
 وَإِنْ كُنْتَ تَرَعَانِي فَلَسْتُ أَضِيْعُ
 فَمَنْ لِمِ سِيئِي بِالْهَوَى يَتَمَتَّعُ
 فَهَا أَنَا إِثْرُ الْعَفْوِ أَقْفُوا وَاتَّبِعُ
 وَصَفْحِكَ عَنِّي ذَنْبِي أَجْرًا وَارْفَعُ
 رَجْوَتِكَ حَتَّى قِيلَ مَا هُوَ يَجْرَعُ
 وَذَكَرُ الْخَطَايَا الْعَيْنُ مِنْ يَدِي مَعُ
 فَإِنِّي مُقَرَّرٌ خَائِفٌ مُتَضَرِّعُ
 فَلَسْتُ سِوَى أَبْوَابِ فَضْلِكَ أَقْرَعُ
 فَمَنْ ذَا الَّذِي رَجَّوْا وَمَنْ ذَا الشَّفَعُ

فَمَا حِيلَتِي يَا رَبِّ أَمْ كَيْفَ أَصْنَعُ
 يُنَاجِي وَيَدْعُوا وَالْمَغْفَلُ يَجْمَعُ
 بِرَحْمَتِكَ الْعُظْمَى فِي الْخُلْدِ يَطْمَعُ
 وَقُبْحُ خَطِيئَاتِي عَلَيَّ يُشْنَعُ
 وَالْأَفْبَالُ الذَّنْبِ الْمُدْمِرِ أَصْرَعُ
 وَحُرْمَةُ أَبْرَارٍ هُمْ لَكَ خُشَعُ
 مُنِيبَاتِي فَأَيْنَا لَكَ أَخْضَعُ
 شَفَاعَتُهُ الْكُبْرَى فَذَلِكَ الْمَشْفَعُ
 وَنَاجَاكَ أَخْيَارُ بَابِكَ رُكْعُ

إِلَهِي لَنْ خَيَّبْتَنِي أَوْ طَرَدْتَنِي
 إِلَهِي حَلِيفُ الْحُبِّ بِاللَّيْلِ سَاهِرُ
 وَكَلِمٌ يَرْجُو أَنْوَالَكَ رَاجِيًا
 إِلَهِي مَنِّينِي رَجَائِي سَلَامَةٌ
 إِلَهِي فَإِنْ تَعَفَّوْا فَعَفْوُكَ مُنْقِدُ
 إِلَهِي بِحَقِّ الْمَاشِي مِي وَالِإِلَهِي
 إِلَهِي فَأَنْشِرْنِي عَلَى دِينِ أَحْمَدَ
 وَلَا تَحْرِمْنِي يَا إِلَهِي وَسَيْدِي
 وَصَلِّ عَلَيْهِ مَا دَعَاكَ مُوَحَّدُ

ترجمہ مناجات امیر المؤمنین علی علیہ السلام

عالمی ہر چیز را خواہی کنی منع و عطا
 سوی تو یمنالم اندر حالت فقر و غنا
 عفتت افزون است و اعظم از گناه و از خطا
 میکنم اکنون بہستان پشیمانی چرا
 ہم مناجات نہان را بشنوی وقت دعا

مرتورا احمدی کہ صاحب جودی و مجدد و علا
 بارالہا خالق من ای پناہ و مرجع
 بارالہا گرچہ میباشد گناہم بس عظیم
 بارالہا گرچہ بخشیدم بنفس خود مراد
 بارالہا حال من بینی و فقر و فاقہ ام

بارالها قطع امید مکن مایل مساز
 بارالها من پناهم از عذابت ده که من
 بارالها انس ده تلقین حجت را بمن
 بارالها اگر بسوزانی هزاران ساله ام
 بارالها لذت عفت چنان روزی کنی
 بارالها اگر تو تنائی رعایت ضایع
 بارالها اگر نیامری بغیر از نیک کار
 بارالها اگر چه در تقوی نمودم کوتاهی
 بارالها اگر ذنوبم هست افزون تر ز کوه
 بارالها اگر چه بد کردم ولی دارم امید
 بارالها یاد الطافت تسلی میدهد
 بارالها عفو فرما لغرش و مجرم بخش
 بارالها بر دل من رحمت راحت رسان
 بارالها اگر مراد و را فکنی خوار و ذلیل
 بارالها اگر کنی خوارم و گرانانی ز در

نور دل را زانکه دارم در تو بس امید
 بنده بس خوار ترسانم خضوع آرم تو را
 چونکه باشد بهر من در قبر منز نگاه و جا
 رشته امید من از تو نمی گردد جدا
 مال و فی فرزند آنجا نفع بخشد و جزا
 گم مرا عا تم کنی ضایع نکردم دایما
 کیست کامرزد و گناه صاحب نفس و هوا
 بر نشان عفت اکنون میروم راه پد
 عفت افزون است و اوسع از گناه و جرم ما
 تا بان غایت که گویند من ترسد از خدا
 یاد عصیانها بریزاندر چشم اشکها
 من مقیم بر گناه خویش و ترسان در دعا
 چون نیارم بجز درگاه لطف التها
 پس کجا آخر امید آرم شفیع آرم کرا
 چاره کو بهر من یارب چه سازم در بلا

بار آنها دوستت شب زنده داری میکند
 جمشان هستند اندر نعمتت امیدوا
 بار آنها آرزو مندم کند امیدها
 بار آنها اگر بخشائی تو عفو تو یا ورسبت
 بار آنها حرمت پیغمبر و آل کرام
 بار آنها حشر فرمایم بدین احمدی
 ای خدای من مکن محروم ای آقای من
 بار آنها بر رسول باشی رحمت فرست

در دعا و غافل اندر خواب دار و متکا
 در عظیم رحمت پانیده ات روز لقا
 رستی جرم و گناه هم می کند تشنیعها
 ورنه اندر معصیتها خواهی افتادن ز پا
 حرمت نیکان که ایشان بر تو کردند لقا
 پاک پاکیزه که باشم در دعا حاضر ترا
 از شفاعات بزرگ و شافع روز جزا
 که بدرگاهت رکوع آرنند با صدق و صفا

خاتمه کتاب ارمغان اسلام

پس از فراغت از مقاصد کتاب به پایان رسیدن مطالب آن برای
 مزید فایده و رسیدن به برخی از اخلاق حکمانه و پی بردن بقسمتی از حقوق
 اجتماعی و انفرادی و تکالیف بشری که از صاحب شرع اسلام صلوات الله
 علیه و آله رسیده چهل حدیث در خاتمه کتاب نقل گردید تا که علاوه بر رسیدن
 بقوائد مذکوره در اثر حفظ آن خواننده مشمول مفاد حدیث اربعین گردد و در
 قیامت در زمره علماء محشور شود ان شاء الله تعالی

حديث اول قال رسول الله صلى الله عليه وآله من حفظ
 على امتي اربعين حديثا يندفعون بها في امر دينهم بعث الله
 يوم القيمة فقيها عالما حديث وم قال رسول الله صلى الله
 عليه وآله العباده سبعون جزء افضلها طلب الحلال حديث
 سوم قال رسول الله صلى الله عليه وآله والذي نفسي بيد
 لا يزول قدم عبيد يوم القيمة حتى يسئل عن عمره فيما افناه
 وعن ماله مما كسب وفيما انفق وعن جنات اهل البيت
 حديث عم عن النبي صلى الله عليه وآله قال من امر بالمعروف
 ونهى عن المنكر فهو خليفة الله في ارضه وخليفة رسول الله
 وخليفة كتابه حديث ٥ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 ان لكل مسلم لا يجعل في كل جمعة يوما ينفقه فيه امر دينه
 ويسئل عنه حديث ٦ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 اعلموا ان الله فرض عليكم الجمعة الى يوم القيمة حديث ٧
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله صلاة الرجل في
 جماعة خير من صلواته في بيته اربعين سنة حديث ٨

قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا تزال أمتي بخير ما تحابوا
 وتهادوا وأدوا وأمانا واجتنبوا الحرام وراقرو الضيف واقاموا
 الصلاة وأتوا الزكوة فاذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالحقط والسنين
 حديث ٩ قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما بين مسلم
 وبين ان يكفر الا نك الصلوة الفريضة متعمدا او يتهاون بها
 فلا يصلها حديث ١٠ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 الصوم جنة من النار حديث ١١ قال رسول الله صلى الله
 عليه وآله ارفعوا اصواتكم بالصلوة علي فافها تذهب
 بالنفاق حديث ١٢ قال النبي صلى الله عليه وآله
 يا علي من خاف الناس لسانه فهو من اهل النار
 حديث ١٣ قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما من ذنب
 اجدر ان يعجل الله لصاحبه العقوبة في الدنيا مع ما ادخره
 في الآخرة من البغي وقطيعة الرحم حديث ١٤ قال رسول
 الله صلى الله عليه وآله لا يدخل حظيرة الفردوس المتكبر
 حديث ١٥ قال رسول الله صلى الله عليه وآله ما هلك

اربع صلوات

مال في بر ولا يحرج الا يمنع الزكوة حصنوا اموالكم بالزكوة وداو
 مرضاكم بالصدقة وردوا ابواب البلاء بالدعاء حديث ١٤ قال
 رسول الله صلى الله عليه وآله من اكثر الاستغفار جعل
 الله له من كل هم فرجا ومن كل ضيق مخرجا ويرزقه من حيث
 لا يحتسب حديث ١٧ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 من مات على وصية حسنة مات شهيدا حديث ١٨ قال
 رسول الله صلى الله عليه وآله من تواضع لله رفعه الله
 حديث ١٩ قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا يموتن
 احدكم حتى يحسن الظن بالله عز وجل فان حسن الظن بالله
 ثمن الجنة حديث ٢٠ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 من احب ان يكون من اطول الناس عمرا فليبر والديرو ليصل
 رحمه وليحسن الى جاره حديث ٢١ قال رسول الله صلى
 الله عليه وآله البر وحسن الجوار زيادة في الرزق وعمارة
 في الديار حديث ٢٢ قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 ما نزل جبرئيل يوصيني بامر النساء حتى ظننت انه سيحرم

طلاقهنّ حديث ٢٣ عن النبي صلى الله عليه وآله قال
 لا تؤدّي المرأة حق الله عز وجل حتى تؤدّي حق زوجها
 حديث ٢٤ قال رسول الله صلى الله عليه وآله من كان له
 ثلاث بنات او اخوات فصبر على والائهنّ وضرائهنّ ادخله
 الله الجنة بفضل رحمته اياهن فقال رجل واثنان
 يا رسول الله فقال واثنان فقال رجل او واحدة فقال
 او واحدة حديث ٢٥ قال صلى الله عليه وآله اكرموا
 اولادكم وحسنوا ادايمهم حديث ٢٦ قال رسول الله صلى
 الله عليه وآله علموا ابنائكم الرمي والسباحة حديث ٢٧
 قال صلى الله عليه وآله من مشى الى مسجد من مساجد
 الله فله لكل خطوة خطاها حتى يرجع الى منزله عشر حسنات
 ومحي عنه عشر سيئات ورفع له عشر درجات حديث ٢٨
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله من شيع جنازة فله لكل
 قدم يرفعه مائة الف حسنة ويرفع له مائة الف درجة
 ومحي عنه مائة الف سيئة وان صلى عليها صلى عليه في

ارعى الرسول

جنازته مائة الف ملك كلهم يستغفرون له حتى يدفن فان
 شهد دفنها وكل به اولئك الملائكة المائة الف كلهم
 يستغفرون له حتى يبعث من قبره حديث ٢٩ قال
 رسول الله صلى الله عليه وآله ثلاث خصال من علامات
 المنافق اذا حدثت كذب واذا اؤتمن خان واذا وعد اخلف
 حديث ٣٠ قال رسول الله صلى الله عليه وآله سيأتي
 زمان على امتي يفترون من العلماء كما يفترون من الذئب فاذا
 كان كذلك ابتلاهم الله بثلاثة اشياء الاول يرفع الله
 البركة عن اموالهم والثاني سلط الله عليهم سلطانا جائرا
 والثالث يخرجون من الدنيا بلا ايمان حديث ٣١ قال
 النبي صلى الله عليه وآله يا علي نوم العالم افضل من الف
 ركعة يصليها العابد حديث ٣٢ قال رسول الله
 صلى الله عليه وآله من اعان طالب العلم فقد احب الانبياء
 وكان معهم ومن ابغض طالب العلم فقد ابغض الانبياء
 فجزاؤه جهنم حديث ٣٣ قال رسول الله صلى الله عليه

وأله إذا اراد الله باهل بيت خيرا فقههم في الدين ورفقهم
 الرفق في معاشهم والقصد في شأنهم ووقر صغيرهم
 كبيرهم وإذا اراد بهم غير ذلك تركهم هملاء ^{ع ٣٣} حديث
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله من تظاهرت عليه
 النعم فليقل الحمد لله رب العالمين ومن آلت عليه الفقر
 فليكث من قول لاحول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فانه
 كنز من كنوز الجنة وفيه شفاء من اثنين وسبعين داء
 ادناهم اللهم حديث ^{٣٥} قال رسول الله صلى الله عليه
 وآله سبعة اشياء تكتب للعبد ثوابها بعد وفاته رجل
 غرس نخلا او حفر بئرا او اجرى نهرا او بنى مسجدا او كتب
 مصحفا او ورث علما او خلف ولدا صالحا يستغفر له
 حديث ^{٣٦} قال رسول الله صلى الله عليه وآله يا علي
 لا ولية الا في عرس او خرس او عذير او وكاير او ركاز
 فالعرس التزويج والخرس النفاس بالولد والعذير الختان
 والوكاير في بناء الدار وشرائها والركاز الرجل يقدم من مكة

حدیث ۳۷ قال رسول الله صلى الله عليه وآله يا بني

عبدالمطلب اطعموا الطعام واطيبوا الكلام وانشوا السلام

وصلوا الارحام واسجدوا والناس نيام تدخلوا الجنة بسلام

حدیث ۳۸ قال النبي صلى الله عليه وآله خياركم

وابراركم وافاضلكم من تعلم القرآن وعلمه حدیث ۳۹

عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال اشرف امتي حملة

القرآن واصحاب الليل حدیث ۴۰ قال رسول الله صلى

الله عليه وآله من اكرام جلال الله اكرام ذي الشيبه المسلم.

خلاصه ترجمه چهل حدیث را بدون تفسیر ترجمه لفظی برای فارسی زبانان

نقل معنی میشود تا که خوانندگان از این گفتارهای پر معانی صاحب شریعت

صلوات الله علیه وعلی آله بهره گیرند و دیگران را هدایت نمایند انشاء الله تعالی

حدیث اول فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله کسیکه چهل

حدیث برای فائده امت من حفظ کند تا که در اثر آن منفع و رامت

خود شوند خدا و قیامت او را محشور نماید فقیه و عالم و قوم و فرمود صحت مراتب

عبادت و بندگی هفتاد و هفتاد است برترین آنها بدست آوردن روزی

حلال است سوّم و فرموده‌ص قسم بآن کسیکه جان من در دست
 قدرت او است، هیچ بنده در قیامت قدم از قدم برنمیدارد مگر آنکه از
 عمرش سؤال میشود که در چه راهی آنرا بسپایان رسانید و از مالش که از چه
 راهی آنرا بدست آورد و در چه راهی صرف نمود و از محبت ما اهل بیت
 ع و فرموده‌ص کسیکه راهنمائی نماید مردم را به نیکی و از رشتی و بدی نهمی کند
 او است خلیفه خدا در روی زمین و خلیفه رسول خدا و خلیفه کتاب و پی
 (قرآن) ۵ و فرموده‌ص اُف بر آن مسلمانی که در هفته یک روز را برای
 گرفتن احکام دین خود و سؤال از آن مقرر ننماید و فرموده‌ص بدانید
 که خداوند بر شما واجب گردانیده است نماز جمعه را تا روز قیامت ۷
 و فرموده‌ص بجا آوردن نماز را با جماعت بهتر است برای شخصی از آنکه
 چهل سال نماز را در خانه خود (فراوا) گذارد ۸ و فرموده‌ص اُمّت من
 همیشه در خیر و خوبی خواهند بود و صورتیکه محبت بیکدیگر کنند و هدیه
 برای یکدیگر دهند و امانت را با هایش رونمایند و از حرام دوری کنند
 و همچنان نوازی نمایند و نماز برپا کنند و زکوة دهند پس اگر ترک آن
 کنند گرفتار بخشک سالی و قحط خواهند شد ۹ و فرموده‌ص نیست

بین مسلمان بودن و بین آنکه کافر شود مگر ترک نماز واجب عمدا یا سستی
 نمودن بآن پس آن را بجا نیاورد ۱۰ و فرمود حق روزه سپری است
 از آتش جهنم ۱۱ و فرمود حق آواز خود را بدرد و بر من بلند نمائید پس
 بدرستی که نفاق را از دل میبرد (مؤلف گوید در این شک نیست که در رو
 فرستادن با آواز رحمان شرعی دارد ولی باید موقع آنرا منظور داشت
 و اندازه آواز را نیز در نظر گرفت که از حد تجاوز نکند ۱۲ و فرمود حق
 یا علی کسیکه مردم از زبان او برترسند پس او از اهل دوزخ است
 ۱۳، بیچ گناهی مثل سرکشی بر مردم و قطع رحم نیست که تجمل میشود
 برای حسابش در دنیا از عقاب با آنکه ذخیره شده است برای او در
 آخرت از عذاب ۱۴ و فرمود حق داخل بهشت نمیشود مگر ۱۵
 و فرمود حق بیچ مالی در دریا و صحرا نابود نمیشود مگر از جهت ندادن زکوة
 پس اموال خود را حفظ نمائید بدادن زکوة و بیماران خود را مداوا کنید
 بدادن صدقه و دور نمائید اقسام بلا را بدها ۱۶ و فرمود کسیکه مداومت
 بر استغفار کند خدا او را از هر همی نجات میدهد و گشایش مینماید برای
 او از هر شدت و تنگی و روزی او را میرساند از راهی که گمان بآن نمی برد

- ۱۷ و فرمود حق کسیکه با وصیت نیکو از دنیا رود شهید مَرده است
- ۱۸ و فرمود حق کسیکه برای خدا فروتنی کند خدا او را (در میان مردم) بلند خواهد نمود
- ۱۹ و فرمود حق (کوشش کنید) که نبرد کسی از شما مگر اینکه نیکو نماید گمان خود را بخدای عزوجل چه گمان نیک بخدای بجهای بهشت است
- ۲۰ و فرمود حق کسیکه دوست دارد عمرش درازترین عمر باشد پس باید بیدار و مادر خود نیکی کند و صلوات رحم نماید (مقصود پیوندی و خوبی با خویشان و اقرباء است) و باید با همسایگان خود به نیکوئی سلوک کند
- ۲۱ و فرمود حق نیکی نمودن و نیکوئی با همسایگان بسبب برون سبب زیادتی روزی و آبادی خانها است
- ۲۲ و فرمود حق همیشه جبرئیل سفارش مینمود مرا در باره زنان باندازه گمان نمودم که حرام خواهد شد طلاق آنها
- ۲۳ و فرمود حق زن نمی تواند ادا کند حق خدای عزوجل را مگر آنکه ادا نماید حق شوهر خود را
- ۲۴ و فرمود کسیکه سه دختر و یا سه خواهر داشته باشد پس صبر کند بر تکالیف و رحمت آنها خدا او را بفضل و رحمت خود داخل جنت خواهد نمود پس مردی عرض کرد اگر چه دو نفر باشند یا رسول الله پیغمبر حق فرمود اگر چه دو نفر باشند

مرد دیگری عرض کرد اگر چه یک باشد پیغمبر حق فرمود اگر چه یک باشد
 ۲۵ و فرمود حق اولاد خود را گرامی دارید ادب و تربیت آنها را نیکو
 نائید ۲۶ و فرمود حق یاد دهید پسران خود را بتر اندازی و شناگری
 ۲۷ و فرمود کسیکه بسوی مسجدی از مساجد خدا رود پس برای او است
 در هر قدمی که میگذارد و بر میدارد تا آنکه برگردد بمنزل خود ده حسنه و محو
 میشود از او ده گناه و بلند میشود برای او ده درجه ۲۸ و فرمود حق
 کسیکه شمع جنازه نماید پس برای او است در هر قدمی که بر میدارد
 صد هزار حسنه و بلند میشود برای او صد هزار درجه و محو میشود از او صد
 هزار گناه و اگر بخواند نماز بر آن میت میخواند نماز بر جنازه او صد هزار ملک
 که تمام آنها طلب مغفرت برای او میکنند تا که بنحاک سپرده شود
 پس اگر حاضر شود در دفن آن جنازه را خداوند مومل میکند آن ملائکه های
 صد هزار را که برای او است تخفای نمایند تا روزی که (قیامت) از قبر خود
 برآیند ۲۹ و فرمود حق سه خصلت است که از علایم است
 منافق است چون میگوید دروغ میگوید و در امانت خیانت میکند
 و چون وعده میدهد برخلاف آن میرود ۳۰ و فرمود حق میآید

زمانی که اُمت من فرار میکنند از علما چنانیکه گویند از گریز فرار مینمایند
 پس چون چنین شود گرفتار خواهد نمود خدا آنها را بسبب چیز - اول
 آنکه برکت را از اموال آنها بگیرد و دوم مسلط کند خدا بر آنها حکومت ظالم
 سوم بدون ایمان از دنیا میروند ۳۱ و فرمود حق یا علی خواب عالم
 افضل است از هزار رکعت نمازی که عابد بجا میآورد ۳۲ و فرمود حق
 کسیکه مدد کند طالب علم دین را پس تحقیق دوست داشته است
 انبیار او میباشد با آنها و کسیکه دشمن داشته باشد طالب علم دین را پس
 دشمن داشته است انبیار او جزای او جحیم خواهد بود ۳۳ و فرمود حق
 چون خدا برای خانواده خیر و نیکی را خواسته باشد موفق مینماید آنها را که
 در احکام دین خود دانا شوند و روزی مینماید آنها را که در معیشت معاشرت
 خود بزمی سلوک کنند و در شئون خود میان روی را اختیار نمایند
 و کوچکتر آنها بزرگتر خود را احترام کنند و اگر اراده نماید خدا برای آنها
 آرزای آنها را بجال خود و اگذار میکند ۳۴ و فرمود حق کسیکه نعمتهای
 پروردگار بر او روا آورد و پس بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و کسیکه
 بر او فقر و تنگدستی زیاد شود پس زیاد بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

العالی لعظیم بدستیکه (این گفتار) خزینه ایست از خزان بهشت
 و در اوست شفاء از هفتاد و دو بیماری که کمترین آنها اندوه است
 ۳۵ و فرمود حق هفت چیز اند که پس از مرگ ثواب آن برای بنده
 نوشته خواهد شد یکم درختی بکار و یا چاهی بکند یا نهری جاری نماید
 یا مسجدی را بنا کند یا قرآنی نویسد یا علمی را بعد از خود گذارد یا فرزند
 صالحی بعد از وی بماند که طلب مغفرت برای او کند ۳۶ و فرمود حق
 یا علی نیست ولیمه که سنت باشد در اسلام مگر در پنج موقع یکی در موقع
 زناشویی و از دواج و در موقع ولادت فرزند زینه و در موقع ختنه نمودن
 فرزند و دیگری در موقع بنا کردن خانه و خریدن آن و در موقعیکه شخص از
 مکه مراجعت نماید ۳۷ و فرمود حق ای فرزندان عبدالمطلب بخورید
 مردم را و نیکنمائید گفتار خود را و افسا کنید سلام را (یعنی همه کس
 چون بر خورید سلام نمائید) و وصل نمائید ارحام خود را (یعنی خویشان
 و اقربای خود نیکی و پیوندی کنید) و سجده نمائید خدا را در موقعیکه مردم
 بخواب باشند که در اثر آن بسلامتی داخل بهشت خواهید شد
 (مؤلف گوید مراد از آن سجده نمودن در دل شب است و ممکن است که

اشاره بعبادت و نافله شب باشد ۳۸ و فرموده‌ص بهترین شما
 و نیکوترین شما و فاضلترین شما کسی است که قرآن را یاد گیرد و یاد دهد
 ۳۹ و فرموده‌ص اشراف اُمت من کسانی هستند که حمله قرآن و صحابه
 شب اند (مؤلف گوید مراد از حمله قرآن علماء اُمتند که عمل کنندگان
 احکام قرآنند و هدایت کنندگان مردم اند و مراد از اصحاب شب کسانی
 هستند که پابند شب زنده داری و نافله شب میباشند). علم
 و فرموده‌ص از گرامی داشتن جلال پروردگار گرامی داشتن پیر مرد
 مسلمان است (یعنی کسیکه گرامی دارد پیر مرد مسلمان را گرامی داشته
 است عظمت و جلال پروردگار را).

بحمد الله تعالی کتاب ارمغان اسلام به پایان رسید و تا جا شکیه توفیق مساعد گردید ایتام در
 تألیف و تحت حسن خط و کاغذ آن شد امیدوار از مراجع پروردگار چنانم که مقبول درگاه حضرتش
 گردد و از خطا و اشتباهات آن درگذر فرماید و روان والدین مراد را قرآن خوشنود نماید

بجته و آله الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين

مبئی پرنس بیلدینگ شماره ۱۸ نجفی

چون این دعا از قلم افتاده بود لفظ او را آخر کتاب آن را درج نمودیم
 از حضرت امام صادق و امام کاظم علیهما السلام منقولست که بعد از
 هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند یا عَالِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ
 يَا رَحِيمُ أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ
 الْبَصِيرُ وَهَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَكَرَمَتِهِ وَشَرَفَتِهِ وَفَضْلَتِهِ عَلَى
 الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ
 رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ
 مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا
 خَيْرَ أَمِنِ أَلْفِ شَهْرٍ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْإِيْمَنِ عَلَيْكَ مِنْ عَالِيٍّ
 بِفِكَالِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَيَمَنْ تَمَنَّ عَلَىٰ عَلَيْهِ وَأَدْخَلْنِي الْجَنَّةَ
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

آنگهی

خوانندگان گرامی را مستحضر نمایم

استباهاتیکه در موقع نوشتن از کاتب و در چاپ رخ داده بود بعد از چاپ
تا آنجا نیکه ممکن بود با کمال وقت مقابله و تصحیح گردید.

هر کتابی که امضاء اینجانب نداشته باشد تقلب و ازنده آن طبق
قانون تعقیب خواهد شد.

محمد جواد کاشانی رحمی

maablib.org

— ۱۱۰۱۱ —

بنسبی و اهتمام محمد اسماعیل جهرمی زاده

در مطبع قادری مدینه طبع گردید

غلط نامه کتاب ارمغان اسلام

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۲	۱۰	در آخر این	در اول این	۷۵	۴	مست	مست
۱۹	۱۱	نبی باشد	نبی است	۷۵	۸	اللهم اجعلني	اللهم اجعلني
۴۹	۴	نم	بهم	۸۱	۶	لازم نیت	جایز نیت
۵۳	۱۳	الواد علیه	الواد علیهم	۸۱	۱۴	ونیمه اخر ماه	ونیمه و اخر ماه
۵۸	۲	نخواندن	نخواندن	۸۹	۱۰	پس اقل	پس لا اقل
۶۱	۳	واجب است	واجبی است	۹۰	۱۱	و برای	برای
۶۱	۴	میگردد که	گردیده و	۹۲	۸	هر کار برا	هر کار پراک
۶۱	۴	هر کدام را عمل	هر کدام را میخواهد عمل	۱۱۰	۷	شهادة مولا	اشتباه از شهادت
۶۱	۱۳	که شخصی	که شخص	۱۱۱	۳	مثلاً	.
۶۳	۱	تا که گرفتاریها	تا که از گرفتاریها	۱۱۱	۱۲	راه	براه
۶۳	۲	بماند	بمانند	۱۱۴	۱۷	شَفَاعَتُهُ	شَفَاعَتُهُ
۶۴	۹	یا مستطیل	یا مربع مستطیل	۱۲۷	۷	مَمْلُوكِيهِ	مَمْلُوكِيهِ
۶۷	۱۱	که از دهن	که در دهن	۱۲۹	۱۱	مشغول تعقیب شود	مشغول تعقیب شود
۶۷	۱۱	انسان بیرون آمده	انسان آمده	۱۳۶	۱۲	القائم	القائم
۷۰	۷	آشامیدن	باشامیدن	۱۳۷	۳	وَالسَّيِّدَةُ	وَالسَّيِّدَةُ
۷۰	۱۴	که از مقعد	که سه مرتبه از مقعد	۱۳۷	۴	الْمُنْتَجِمَانِ	الْمُنْتَجِمَانِ

صفحة	سطر	غلط	صحیح	صفحة	سطر	غلط	صحیح
١٣٧	٨	فَمَعَكُمْ لَامَع	فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَع	١٧٨	٤	جَعَلْتَهُ	جَعَلْتَهُ
١٣٧	١١	أَرَعُمُ	أَنْزَعُمُ	١٧٨	٧	تَدْخُلْنِي	تَدْخُلْنِي
١٣٨	١٣	تَلَجَّجُهُ	تَلَجَّجُهُ	١٧٨	٨	أَلِ	أَلِ
١٣٩	١٥	السُّوءِ	السُّوءِ	١٧٨	٩	أَلِ	أَلِ
١٤١	١٧	إِلَى حَيْثُ	إِلَى حَيْثُ	١٨٤	٩	أَلِ	أَلِ
١٤٢	١	أَتَرَانِي	أَتَرَانِي	١٨٥	١٤	فَلَا يَغِيبَنَّ	فَلَا يَغِيبَنَّ
١٤٢	١	حَيْثُ	حَيْثُ	١٨٨	٤	شِمَاتَةٍ	شِمَاتَةٍ
١٤٢	٧	فَوَاهَا	فَوَاهَا لَهَا	١٨٨	٧	تَاخِرُ بِنَفْسِهِ	تَاخِرُ بِنَفْسِهِ مَرْتَبَةً
١٤٢	١٧	عَمَّا	عَمَّا كُنْتُ	١٨٩	١	شِمَاتَةٍ	شِمَاتَةٍ
١٤٣	١	رَدَائِي	مِرْدَائِي	١٩٣	٦	أَلِ	أَلِ
١٤٣	١٥	المَحْوَلِ	المَحْوَلِ	١٩٥	٢	وَلَمْ يُجَانِرْ	وَلَمْ يُجَانِرْ
١٥٠	١٠	أَوْغَيْبَةٍ	أَوْغَيْبَةٍ	١٩٧	٧	وَدِدْ	وَدِدْ
١٥١	١١	يَزِيدُنِي	يَزِيدُنِي	١٩٩	٦	التَّسْبِيحِ	التَّسْبِيحِ
١٥٢	١٥	وَلَا يُحْصِي	وَلَا يُحْصِي لَهُ	١٩٩	١٠	الْأَعْظَمِ	الْأَعْظَمِ
١٥٣	١١	رَغْبَتِي فِي	رَغْبَتِي فِي	٢٠٢	١١	التَّجَاوُزِ	التَّجَاوُزِ
١٥٤	٩	أَسْتَشْفِعُ	أَسْتَشْفِعُ	٢٠٣	١٣	بعْدَ زَحْمٍ قَلْبٍ	بعْدَ زَحْمٍ قَلْبٍ
١٦٤	١٠	رَاهِ يَأْفَتُكَانَ	بِأَيْتِ يَأْفَتُكَانَ	٢٠٤	٨	وَلَا نَكَانَ	وَلَا نَكَانَ
١٧٤	٧	وَدِيمٌ دُونَ قَنُوتِ	وَدِيمٌ قَنُوتِ	٢٠٤	٩	أَقْدِيرُ	أَقْدِيرُ

صفحة	سطر	غلط	صحيح	صفحة	سطر	غلط	صحيح
٢٠٧	٤	وَيَقْدَرْتَهُ	بِقَدْرَتِهِ	٢٣٥	٩	جَوَارِكُ	جَوَارِكُ
٢٠٧	١٠	صاحب	.	٢٣٨	١٥	تول	قبول
٢٠٩	١٣	مُواخِذُهُ	مُواخِذُ	٢٣٩	٧	مَجْمُوعٌ	مَجْمُوعٌ
٢١٠	١	رَأَيْشُ	رَأَيْشُ رَا	٢٤٠	١٢	بِأَمْنٍ	بِأَمْنٍ
٢١١	٧	خَيْرَةٌ	خَيْرَةٌ	٢٤٥	١٤	عَدَدٌ	عَدَدٌ
٢١١	٩	خَيْرَةٌ	خَيْرَةٌ	٢٤٦	١	كَلِمَتٌ	كَلِمَتٌ
٢١٧	٩	يَقُومُ	يَقُومُ	٢٤٦	١١	مَغَارِبُهَا	مَغَارِبُهَا
٢١٨	١٣	تُنَزَّلُ	تُنَزَّلُ	٢٥٠	٩	فُلَانِ بْنِ	فُلَانِ بْنِ
٢١٩	١	اتَّقَرَّبَ	اتَّقَرَّبَ	٢٥٢	٣	عَهْدِنَا مَرَّةً	عَهْدِنَا مَرَّةً
٢١٩	١٥	حَاجَتُهُ	حَاجَتُهُ	٢٥٢	١٣	مُنْزِلٌ	مُنْزِلٌ
٢٢٠	١	خَفِيَ	خَفِيَ	٢٥٣	٣	أَشْرَقَتْ	أَشْرَقَتْ
٢٢٢	١٣	تَزْيِينٌ	تَزْيِينٌ	٢٥٣	٤	السَّمَوَاتِ	السَّمَوَاتِ
٢٢٣	١١	مُنْكَسَرًا	مُنْكَسَرًا	٢٥٣	١٢	بِحَوْهَا وَعَنِّي	بِحَوْهَا وَعَنِّي
٢٢٦	١٣	جَلِيلٌ	جَلِيلٌ	٢٥٤	٧	الْمُتَشَبِّهِينَ	الْمُتَشَبِّهِينَ
٢٢٩	٩	بِمُخَالَفَتِهِ	بِمُخَالَفَتِهِ	٢٥٤	٨	الْمُتَشَبِّهِينَ	الْمُتَشَبِّهِينَ
٢٣٠	١٧	الْمَعْرُوفُ	الْمَعْرُوفُ	٢٥٥	٢	وَإِخِي	وَإِخِي
٢٣٢	١٣	وَإِخْفِيَّتُهُ	وَإِخْفِيَّتُهُ	٢٥٥	٩	يَجِدُ	يَجِدُ
٢٣٣	١٣	مَالِكٍ	مَالِكٍ	٢٦١	١	عَلِيِّ بْنِ	عَلِيِّ بْنِ

صحیح	غلط	صفحه	سطر	صحیح	غلط	صفحه	سطر
هشتی	هشی	۲۹۶	۷	حَسَنُ بْنُ	حَسَنُ بْنُ	۲۶۱	۸
اشتغال	اشتعال	۳۰۱	۱۵	عَبْدِ اللَّهِ	عَبْدِ اللَّهِ	۲۶۱	۱۲
یک مدگندم و احتیاط	یک مدگندم	۳۰۸	۴	حَسِينُ بْنُ	حَسِينُ بْنُ	۲۶۱	۱۲
دو مدگندم				عَلِيِّ بْنِ	عَلِيِّ بْنِ	۲۶۲	۱
وقتها است برآ	وقتها است	۳۱۲	۱۰	مُحَمَّدُ بْنُ	مُحَمَّدُ بْنُ	۲۶۲	۵
مردم				جَعْفَرُ بْنُ	جَعْفَرُ بْنُ	۲۶۲	۹
میتوان نمود	میتوان	۳۱۳	۸	مُوسَى بْنُ	مُوسَى بْنُ	۲۶۲	۱۳
نَوْرُ بَيْكِ الظُّلَمِ	نَوْرُ بَيْكِ الظُّلَمِ	۳۱۴	۳	عَلِيِّ بْنِ	عَلِيِّ بْنِ	۲۶۳	۲
التَّدْوِيرُ	التَّدْوِيرُ	۳۱۴	۳	مُحَمَّدُ بْنُ	مُحَمَّدُ بْنُ	۲۶۳	۶
الزَّمَانُ	الزَّمَانُ	۳۱۴	۵	عَلِيِّ بْنِ	عَلِيِّ بْنِ	۲۶۳	۱۰
مَا أَعْجَبَ	عَمَا أَعْجَبَ	۳۱۴	۸	حَسَنُ بْنُ	حَسَنُ بْنُ	۲۶۳	۱۴
نباشد هر روز	نباشد صد مرتبه	۳۲۱	۱۳	إِنِّي	إِنِّي	۲۷۰	۱۰
صد مرتبه				که خواندن	و نماندن	۲۷۰	۱۱
الْعَلِيُّ	الْعَلِيُّ	۳۲۴	۱۵	يُرْسِلُ	يُرْسِلُ	۲۷۸	۷
لَا تَنْبَغِي	لَا تَنْبَغِي	۳۲۶	۵	جُعِلَتْ	جُعِلَتْ	۲۷۹	۱
وَأَيَّتْ بِهِ عَلِيٌّ	وَأَيَّتْ عَلِيٌّ	۳۲۶	۵	قُرَّةٌ	قُرَّةٌ	۲۸۱	۱۳
لَكُنْتُ	لَكُنْتُ	۳۳۱	۹	از مصدر جلال	مصدر جلال	۲۸۹	۳
واقع گردید	گردید	۳۳۴	۱۵	لَهُ	لَهُ	۲۹۳	۱۵

صفحه	سطر	فعل	صحیح	صفحه	سطر	فعل	صحیح
۳۳۵	۵	در این	در این ماه	۳۵۷	۷	قَدَّ	قَدَّ اعْطَانِي
۳۳۹	۴	عَلَى مَا	عَلَى مَا نَشَاءُ	۳۵۸	۳	لِنَهْتِدِي	لِنَهْتِدِي
۳۴۱	۱۵	غَائِمِينَ	غَائِمِينَ	۳۵۸	۱۲	صِفْوَتِكَ	صِفْوَتِكَ
۳۴۵	۱۰	یازدهم	پانزدهم	۳۶۰	۲	يَسْتَحْفِي	يَسْتَحْفِي
۳۴۷	۱۳	فَكْسَل	فَكْسَل	۳۶۰	۱۰	عَسْرَتَنَا	عَسْرَتَنَا
۳۴۸	۳	اَيْتَاء	اَيْتَاء	۳۶۰	۱۴	وَاذْهَبْ	وَاذْهَبْ
۳۴۹	۱	سَعِيًا	سَعِيًا	۳۶۱	۱۲	بِبِهَائِكَ	بِبِهَائِكَ
۳۵۲	۱۴	خوابیم	خوابیم بود	۳۶۴	۱۱	رَحْمَةً	رَحْمَةً
۳۵۳	۶	وهر کسی	کسی	۳۶۵	۹	مَقَام	مَقَام
۳۵۴	۱۱	وَأَيَقُنْتُ	وَأَيَقُنْتُ	۳۷۰	۱	كُلُّ	كُلُّ
۳۵۵	۸	الظَّاهِرُ	الظَّاهِرُ	۳۷۴	۷	اسْمِكَ	اسْمِكَ
۳۵۵	۱۴	وَسِتْرِكَ	وَسِتْرِكَ	۳۸۸	۱۱	غَسْل	وَدْرَانِ غَسْل
۳۵۶	۴	أَسْأَلُكَ	أَسْأَلُكَ	۳۹۰	۲	بِهِ	بِهِ
۳۵۶	۲	رَزَقْتَنِي	رَزَقْتَنِي	۳۹۳	۳	بِمَرَامَانِ	بِمَرَامَانِ
۳۵۶	۵	أَبْطَأَ	أَبْطَأَ	۳۹۵	۱۳	بِرَايَ	بِرَايَ
۳۵۶	۵	أَبْطَأَ	أَبْطَأَ	۴۰۷	۴	يُبَاهِي	يُبَاهِي
۳۵۶	۱۳	الْعَالَمِينَ	الْعَالَمِينَ	۴۰۹	۱۱	كُلِّ	كُلِّ
۳۵۷	۵	يَشَاءُ	يَشَاءُ	۴۱۸	۱۰	الْقِيَوْمِ	الْقِيَوْمِ

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۲۰	۷	عَزِيزُ	عَزِيزُ	۴۴۲	۱۱	اصْحَابِ	اصْحَابِ الْحُسَيْنِ
۴۲۰	۱۱	اللَّهُمَّ لَكَ	اللَّهُمَّ لَكَ	۴۴۵	۸	وَتَوَدَّعَنِي	وَتَوَدَّعَنِي
۴۲۱	۴	عَلَى مَا وَجِبَ	عَلَى مَا وَجِبَ	۴۴۷	۴	عَلَيْكَ	عَلَيْكُمَا
۴۲۲	۴	وَيَخْذُلُ	وَيَخْذُلُ	۴۴۸	۹	يَا سَيِّدِي	يَا سَيِّدِي
۴۲۲	۴	وَأَنْزَلْتَهُ	وَأَنْزَلْتَهُ	۴۴۹	۵	ماه اسلامی	ماه سال اسلامی
۴۲۴	۸	الْكِتَابِ	الْكِتَابِ	۴۴۹	۱۰	جَمِيعِ	جَمِيعِ
۴۲۴	۸	وَالسُّنَّةِ	وَالسُّنَّةِ	۴۵۱	۹	چهارم	چهاردهم
۴۲۴	۹	الَّذِينَ	الَّذِينَ	۴۵۳	۵	عليه السلام	عليه السلام را
۴۲۴	۱۴	وَوَرَثَةٍ	وَوَرَثَةٍ	۴۵۳	۱۴	در رکعت اول	در هر رکعت
۴۲۵	۱۳	وَأَهْلِكَ	وَأَهْلِكَ	۴۵۴	۴	ویازدهم	ویاروزدهم
۴۲۶	۲	أَفْلَحَ	أَفْلَحَ	۴۵۴	۱۲	عزاء	عزاء و زیارت آنحضرت
۴۲۷	۲	فَنَائِكَ	فَنَائِكَ	۴۵۵	۱۱	چهار رکعت	چهار رکعت است
۴۲۸	۴	بَسَطَ	بَسَطَ	۴۵۸	۸	وَلِيَرَبِّطَ	وَلِيَرَبِّطَ
۴۲۸	۸	مُصِيبَتِكَ	مُصِيبَتِكَ	۴۶۰	۱۵	سوم نخس	سوم را نخس
۴۲۸	۱۴	وَأَشْيَاعِهِمْ	وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ	۴۷۳	۲	شده باشد	شده باشند
۴۳۹	۵	أَكْرَمَنِي	أَكْرَمَنِي بِكَ	۴۷۳	۳	دارا باشد	دارا باشند
۴۴۱	۴	مُعَاوِيَةَ	مُعَاوِيَةَ بْنِ	۴۷۳	۵	ومراد از هاشمی	و از هاشمی است
			أَبِي سَفْيَانَ	۴۷۳	۶	و عباس است	و عباس عمومی آنحضرت

صفر	سطر	فعل	صحيح	صفر	سطر	فعل	صحيح
۴۷۷	۱۱	ذالْحِجَّةِ	ذالْحِجَّةِ اسْت	۵۱۰	۴	وَاجِب	وَاجِب مِشْوَد
۴۷۷	۱۴	فِدَا	فَدَا	۵۱۲	۵	تَابِع	تَابِع
۴۷۹	۱	وَتَقَبَّلَهُ	فَتَقَبَّلَهُ	۵۱۶	۱	مِيت	مِيت رَا
۴۸۲	۱	مِشْوَد	اسْت	۵۱۷	۱۲	حُفِرِ	حُفِرِ
۴۸۵	۳	وَانْكَحُوا	وَانْكَحُوا	۵۱۸	۴	اللَّهُمَّ زِدْنَا	اللَّهُمَّ زِدْنَا
۴۸۸	۱۱	الزَّوْجِ	التَّوْجِ	۵۱۹	۵	خَاتِم	خَاتِم
۴۹۱	۲	حَقِيقَةً	حَقِيقَةً اِگَر	۵۲۸	۲	بِرَاي مَرْدَان	بِرَاي مَرْدَان
۴۹۱	۱۳	بِنَابِر شَهْوَد	بِنَابِر شَهْوَر	۵۴۵	۱۴	فَأَحْصَيْنَ	فَأَحْصَيْنَ
۴۹۲	۵	اِنهَار اَصْلَاح	اِنهَار اَصْلَاح	۵۴۶	۹	اَوَّل رَاسْت	اَوَّل اَوَسْت
۴۹۲	۱۱	دِرْطَهْرِي	وَطَّلَاق دِرْطَهْرِي	۵۵۲	۲	طَاعَتُهُ	طَاعَتُهُ
۴۹۲	۱۲	كِه مَرْدُوزِن	كِه مَرْدُوزِن	۵۵۴	۷	يَغِيبَةُ	يَغِيبَةُ
۴۹۷	۱۴	تَزْوِ مِيت	تَزْوِ مَحْفَضِر	۵۵۹	۱۱	مَنْبِتِكُمْ	مَنْبِتِكُمْ
۴۹۸	۱۱	بِجَنَازَةُ	بِجَنَازَةُ اَو	۵۶۲	۹	دَار	دَار
۴۹۹	۱۱	وَبِحَدَا	وَبِاسْتَعَانَتِ خَدَا	۵۶۴	۶	وَرَحْمَةُ اللّٰهِ	وَرَحْمَةُ اللّٰهِ
۵۰۱	۱	اللَّهُمَّ لَا	اللَّهُمَّ اِنَا لَا	۵۶۴	۱۴	الظَّاهِرِ	الظَّاهِرِ
۵۰۴	۶	كِرْغَسَل	كِرْغَسَل	۵۶۵	۵	مُؤَثِّرَةٌ	مُؤَثِّرَةٌ
۵۰۹	۹	نَازَكِنْد	نَازَكِنْد	۵۷۶	۱۴	اَسْتُوْدِعَ	اَسْتُوْدِعَ
۵۰۹	۱۲	خَانْدَان	خَوَانْدِن	۵۷۷	۱۰	ضَجِّعِكَ	ضَجِّعِكَ

صفحة	سطر	غلط	صحیح	صفحة	سطر	غلط	صحیح
٥٧٨	٥	تُعَذِّبُهُ	تُعَذِّبُهُ	٦٠٧	٨	يَسْلُبْنِي	يَسْلُبْنِي
٥٧٩	١٣	وَإِخَاكَ	وَإِخَاكَ وَأُمَّكَ	٦٠٨	٧	كَقَبْرٍ مَّطْمَرٍ	كَقَبْرَانِ
٥٨٠	١٥	مُفْرَجٍ	مُفْرَجٍ	٦١١	١٤	سَيِّدَةٍ	سَيِّدَةٍ
٥٨٤	١	سَيِّدَةٍ	سَيِّدَةٍ	٦١٧	١١	فَطَّالِمَا	فَطَّالِمَا
٥٨٤	١١	عَلَيْهِ السَّلَامُ	وَلِيِّ اللَّهِ	٦١٧	١٢	طَوْلِكَ	طَوْلِكَ
٥٨٥	١١	خَوَاتِيمَ	خَوَاتِيمَ	٦١٧	١٤	أَبْوَابِ	أَبْوَابِ
٥٨٧	٩	بِرَقَبِش	بِرَقَبِش	٦١٧	١٥	أَقْصَيْتَنِي	أَقْصَيْتَنِي
٥٩٢	١١	جَزِيلٍ	جَزِيلٍ	٦٢٢	٣	بِالْحَقِّطِ	بِالْحَقِّطِ
٥٩٤	٨	مُنْحَبٍ	مُنْحَبٍ				



maablib.org